دومین کنگره بین المللی و پانزدهمین همایش دانشجویی

تازه های علوم بهداشتی کشور

The 2 nd International & 15 th National Student Conference on Innovations in Health sciences

محورهای تخصصی همایش

- اپیدمیولوژی
- ارگونومی
- بهداشت حرفه ای
- بهداشت عمومی
- بهداشت محیط
- سلامت ایمنی و محیط زیست
- سلامت در بلایا و فوریت ها

آبان ۱۴۰۲

دبیرخانه : تهران،بزرگراه چمران،خیابان یمن،میدان شهید شهریاری،بلوار دانشجو،دانشگاه شهیدبهشتی
دانشکده بهداشت و ایمنی،دبیرخانه دومین کنگره بین المللی و پانزدهمین همایش تازه های علوم بهداشتی کشور
@Tazeha_15
021-22431597
WWW.IHSC.BSBMU.ir

بسم الله الرحمن الرحیم

• شناسنامه کتابچه

عنوان: مجموعه چکیده مقالات دومین همایش بین المللی و پانزدهمین همایش تازه های علوم بهداشتی کشور

گردآورنده: دبیرخانه پانزدهمین همایش تازه های علوم بهداشتی کشور

تعداد صفحات: ۷۵۴

ویراستار و صفحه آرا: دانیال قاسمی‌نسب

طراحی جلد: فاطمه فرج تبار

تاریخ انتشار: مهر ۱۴۰۳

محل نشر: واحد بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی (ره)

آدرس: تهران، بزرگراه شهید چمران، خیابان یمن، میدان شهید شهریاری، بلوار دانشجو، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دبیرخانه پانزدهمین همایش تازه های علوم بهداشتی کشور

پست الکترونیک: ihcs.bsbmu@gmail.com

وبسایت: https://ihcs.bsbmu.ir

تلفن: ۲۲۴۳۱۵۹۷ - ۰۲۱

مجموعه چکیده مقالات

دومین کنگره بین المللی و پانزدهمین همایش تازه های علوم بهداشتی کشور

۲۳ و ۲۴ آبان ۱۴۰۲

برگزار کننده

دانشکده بهداشت و ایمنی و بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

با همکاری

کمیته تحقیقات دانشکده بهداشت و ایمنی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

حامیان

بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

معاونت تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

دانشکده بهداشت و ایمنی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

بسمه تعالی

بهداشت و سلامت یکی از حقوق مسلم فردی و اجتماعی است که برای تحقق آن تمام جوامع باید تلاش کنند. آموزش، پیشگیری و مشارکت موثر در مسائل بهداشتی می‌تواند به سلامتی جسمی و روانی جامعه کمک کند و از نظر اقتصادی نیز مزیت‌های بسیاری دارد. دانشجویان، به عنوان آینده‌سازان جامعه، نقش بسیار مهمی در حفظ و ارتقاء سلامت عمومی دارند. باید به عنوان پیشگامان آینده در دانش و فناوری بهداشتی شناخته شوند و در تحقق هدف‌های علمی و پژوهشی کشور سهم موثری داشته باشند.

سلسله همایش‌های دانشجویی تازه‌های علوم بهداشتی به منظور ارتقاء سطح دانش و تبادل ایده‌های نوین بین دانشجویان علوم بهداشتی از سراسر کشور برگزار می‌شود. این همایش‌ها فرصتی مناسب برای رشد علمی، کار گروهی و تقویت ارتباطات اجتماعی بین دانشجویان می‌باشند. برگزاری همایش‌های علمی و پژوهشی نقش بسیار مهمی در تشویق و هدایت دانشجویان به سوی پژوهش و کارآفرینی دارد. این گونه فعالیت‌ها، علاوه بر افزایش دانش و آگاهی دانشجویان، امکان ایجاد فرصت‌های جدید برای همکاری و تبادل نظر بین آنان را نیز فراهم می‌آورد. هدف اصلی از برگزاری این همایش‌ها، ترویج فرهنگ پژوهش و انگیزه‌بخشی برای دانشجویان به منظور ارتقای سطح دانش و توانایی های آن‌ها در زمینه های مختلف علمی است. این فعالیت‌ها از طریق ارائه موضوعات متنوع پژوهشی و فرصت‌های شرکت در کارگاه‌ها و نشست‌های تخصصی، به دانشجویان این امکان را می‌دهد که تجربیات خود را گسترش داده و نقطه قوت و ضعف خود را در این زمینه‌ها شناسایی کنند.

دومین همایش بین المللی و پانزدهمین همایش ملی دانشجویی تازه های علوم بهداشتی کشور با شعار "دانشجوی خلاق، پژوهش اثرگذار" فرصت مناسبی را جهت آشنایی با آخرین دستاوردهای علمی و فناوری بوده، افزایش دانش وایجاد شبکه‌های همکاری موثر برای پژوهشگران فرهیخته فراهم نموده است.

امیدواریم که این همایش نه تنها به تشویق و هدایت دانشجویان به سوی پژوهش و کارآفرینی کمک کند، بلکه بازدهی بالایی را در توسعه دانش علمی و فناوری کشور به ارمغان بیاورد. با تلاش و همت همه ما، می‌توانیم به سوی پیشرفت و توسعه پایدار و ارتقاء سلامت با سرعت فزاینده‌ای حرکت کنیم.

دکتر اکبر اسلامی

رئیس دانشکده بهداشت و ایمنی و رئیس دومین کنگره بین المللی و پانزدهمین همایش دانشجویی تازه‌های علوم بهداشتی کشور

به نام خداوند جان و خرد

به لطف پروردگار یکتا و با استعانت از معاونت تحقیقات و فناوری، بسیج دانشجویی و دانشکده بهداشت و ایمنی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی موفق شدیم با تلاش های شبانه روزی و ارزشمند اساتید گرانقدر، دانشجویان گرامی و پرسنل دلسوز جامعه دانشگاهی برای پانزدهمین دوره، همایش دانشجویی تازه های علوم بهداشتی کشور با شعار **"دانشجوی خلاق، پژوهش اثرگذار"** را در تاریخ ۲۳ و ۲۴ آبان ماه سال ۱۴۰۲ برگزار نماییم.

اهمیت پژوهش بر هیچ کس پوشیده نیست و پژوهش کوششی برای یافتن بهترین راهکارهای ممکن برای حل مشکلات موجود در عرصه‌های زندگی از جمله سلامت افراد یک جامعه است. توسعه علمی، صنعتی و فرهنگی هر کشور بدون پرداختن به امر پژوهش با موفقیت چندانی همراه نخواهد بود. در واقع پژوهش موتور محرک پیشرفت و توسعه محسوب می‌شود. حقایق موجود در جهان به مثابه کوه یخی هستند که بخش عظیمی از آنها ناشناخته باقی مانده است و پژوهش راهی برای کشف هرچه بیشتر این حقایق و گسترش مرزهای دانش و گشودن افق‌های تازه برای آیندگان است. پویایی و برگزاری نشست های علمی یکی از شناخته شده ترین و موثرترین و سریعترین راه ها برای روزآمد کردن علوم بهداشتی و ارتقای سطح سلامت جامعه می باشد. بدین منظور هدف از برگزاری دومین همایش بین المللی و پانزدهمین همایش ملی دانشجویی تازه های علوم بهداشتی کشور فراهم نمودن فرصتی مغتنم جهت گردهمایی و به اشتراک گذاشتن نتایج به دست آمده از مطالعات، ارتقای سطح علمی و مرتفع کردن چالش ها و ارائه راهکارها در حوزه علوم بهداشتی برای سیاستگزاران و پژوهشگران کشور خودمان، ایران، و سایر کشورها بود.

در مجموع ۵۸۲ چکیده مقاله توسط پژوهشگران پرتلاش از کشورهای ایران، عراق و هند دریافت شد. این چکیده مقالات توسط ۱۷۰ داور متشکل از دانشجویان، فارغ التحصیلان و اعضای هیات علمی محترم از سراسر کشور داوری شده و در نهایت ۳۰ مقاله به صورت حضوری و سخنرانی و ۳۶۸ چکیده مقاله به صورت پوستر توسط پژوهشگران به صورت حضوری و غیرحضوری در ۷ پنل تخصصی اپیدمیولوژی، ارگونومی، بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، بهداشت عمومی، بهداشت محیط، سلامت در بلایا و فوریت ها و سلامت، ایمنی و محیط زیست ارائه شد. بخش بین المللی نیز در دو پنل اپیدمیولوژی و سلامت در بلایا و فوریت ها ارائه شد. همچنین از قسمت های مهم این همایش پنل ویژه با موضوع تحقق رویکرد پیشگیری محوری در قانونگذاری و اجرا با تمرکز بر چالش ها و راهکارها بود که در خصوص اهمیت پیشگیری و تقویت برنامه ها و سیاستگزاری ها، تعارض منافع و پیشگیری محوری و روزآمد نمودن برنامه های بهداشتی و درمانی بحث و گفتگو انجام شد. همچنین با توجه به حرکت دانشگاه ها به سمت دانشگاه های نسل سوم، برای اولین بار در پانزده دوره برگزار شده، در این همایش بخش ایده بازار برگزار شد. در مجموع ۶۶ ایده فناورانه دریافت و توسط داوران متخصص حوزه فناوری به صورت محرمانه داوری و از میان آنها سه ایده برتر انتخاب شدند.

در پایان از زحمات تمامی اساتید، دانشجویان، فارغ التحصیلان و پرسنل بخش اداری که در بخش علمی و اجرایی این همایش ما را خالصانه یاری دادند، صمیمانه تشکر و قدردانی می نمایم و امیدوارم توانسته باشیم گام کوچکی در ارتقای سطح دانش و انتشار نتایج پژوهش ها برداشته باشیم.

با آررزوی بهروزی

یکتا رحیمی

دبیرعلمی دومین کنگره بین المللی و پانزدهمین همایش دانشجویی تازه‌های علوم بهداشتی کشور

بسم الله الرحمن الرحیم

پژوهش بایستی هم برای رسیدن به اوج قله‌ی علم و ایجاد مرجعیت علمی و هم باید برای حل مسائل جاری کشور باشد. (**مقام معظم رهبری**"مدظله‌العالی")

دانشگاه به عنوان برترین و بزرگترین جامعه علمی و دانشجو به عنوان بهترین اثرگذار در جامعه و ریل رشد و توسعه جوامع در عرصه‌های مختلف می‌باشد. فعالیت‌های علمی و تحقیقاتی با عناوین مختلف در عرصه بهداشت و درمان مسلما پایه‌گذار سلامتی جسمی، روحی، روانی و اجتماعی به شیوه‌های عملی خواهد بود.

خلاقیت و تفکر باید محور و نقشه راه پژوهشی دانشجویان قرار گیرد. و لذا جهت بالندگی بیشتر نظام علمی کشور باید خلاقیت و تفکر تقویت گردد. و این امر در پژوهش عناوین علمی محقق می‌گردد. برخی از برنامه‌ها همچون بذری برای بالندگی و رشد علمی دانشجو و دانشگاه می‌باشد که در طی مسیر با برنامه‌های هدفمند و منسجم تمهیدات رشد آن، تدبیر و فراهم می‌شود. پژوهش ظرف فکری، روحی و حتی جسمی را آماده کرده و ابزار و مهارت‌های لازم و مقدماتی را در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد و او را در فرآیند تخصصی و علمی بالنده خواهد نمود. با توجه به این مهم، با شعار دانشجوی خلاق، پژوهش اثرگذار تمهیداتی اندیشیده و چراغ راه قرار دادیم تا با الگو برداری از این مسیر بتوانیم سلامت جامعه را هدف قرار داده و تا قله موفقیت تلاش کنیم.

با نهایت فضل و عنایت پروردگار منان و با استعانت از امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دومین کنگره بین المللی و پانزدهمین دوره از سلسله همایش‌های دانشجویی تازه‌های علوم بهداشتی کشور در ۷ پنل تخصصی علوم بهداشتی، ۱ پنل بین المللی و یک بخش ویژه در تاریخ ۲۳ و ۲۴ آبان‌ماه ۱۴۰۲ برگزار گردید. و این فرصت گران‌بها در اختیار پژوهشگران و محققان اثر گذار عرصه بهداشت و درمان قرار گرفت تا با ارائه یافته‌های جدید حوزه‌های مختلف علوم بهداشتی به ارتقا و حل این مسائل کمک کنند.

خادمان علمی در مجموعه بسیج دانشجویی در راستای تحقق شعار دانشجوی خلاق، پژوهش اثرگذار با عنایت ویژه به منویات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) با تلاش و همت دانشجویان دغدغه‌مند در عرصه جهاد علمی با وجود محدودیت‌ها و دشواری‌های برگزاری چنین مراسمی با چشم انداز وسیع همت نموده تا دومین کنگره بین المللی به نحو مفید و موثری برگزار نمایند. همچنین در بخش پنل ویژه امسال به مبحث دوگانه بهداشت و درمان پرداخته شد و با عنوان تحقق رویکرد پیشگیری محوری در قانونگذاری و اجرا با تمرکز بر چالش‌ها و راهکارها برگزار شد. و در این زمینه از ظرفیت فرهیختگان و تجربه کارشناسان ارزشمند بزرگان این عرصه همچون جناب آقای دکتر ملک افضلی و جناب اقای دکتر کرمی بهره گرفته شد.

امید است اهداف مورد نظر این همایش بزرگ تبیین شده و به ثمر نشسته باشد و راهکارهای ارائه شده در این کنگره گام بزرگی در راستای ارتقاء سلامت جامعه بزرگ ایرانی و در افقی گسترده‌تر در جهت اعتلای سلامت جهانی بوده باشد. در پایان نیز از تمام بزرگوارانی که به هر شکلی همراه و یاور ما بودند علی الخصوص اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی (ره) و دانشکده بهداشت بهداشتی و ایمنی که دلسوزانه ما را در به ثمر رسیدن این کنگره علمی یاری کردند کمال تشکر را داریم.

و من الله التوفیق

محمدجواد میاراحمدی

دبیر اجرایی دومین کنگره بین المللی و پانزدهمین همایش دانشجویی تازه‌های علوم بهداشتی کشور

رئیس همایش:

- دکتر اکبر اسلامی (رئیس دانشکده بهداشت و ایمنی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)

نایب رئیس همایش:

- دکتر محمد حسین وزیری (معاونت فرهنگی دانشکده بهداشت و ایمنی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)

دبیر علمی:

- دکتر یکتا رحیمی (دانشجوی دکتری تخصصی اپیدمیولوژی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)

دبیر اجرایی:

- محمدجواد میاراحمدی (دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)

دبیران پنل:

- **پنل اپیدمیولوژی:** آقای دکتر هادی پاشاپور (دانشجوی دکتری تخصصی اپیدمیولوژی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)
- **پنل ارگونومی:** خانم دکتر زهرا قنبری (دانشجوی دکتری تخصصی ارگونومی دانشگاه علوم پزشکی تهران)
- **پنل بهداشت حرفه‌ای و ایمنی کار:** خانم دکتر آی‌سا قاسمی کوزه کنان (دانشجوی دکتری تخصصی مهندسی بهداشت حرفه ای دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)
- **پنل بهداشت عمومی:** خانم دکتر لیلی مازار (دانشجوی دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقا سلامت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)
- **پنل بهداشت محیط:** خانم دکتر سپیده صادقی (دانشجوی دکتری تخصصی بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)
- **سلامت، ایمنی و محیط زیست:** آقای مهندس سید احمد جغتایی (فارغ التحصیل کارشناسی ارشد سلامت، ایمنی و محیط زیست دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)
- **سلامت در بلایا و فوریت ها:** خانم دکتر آزاده طاهرنژاد (دانشجوی دکتری تخصصی سلامت در بلایا و فوریت ها دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)

اعضای کمیته علمی

آقای دکتر علی رمضانخانی، خانم دکتر سمیرا دانشور، خانم مریم صبوری، خانم دکتر اختر صیادی، خانم نسیم عبدی پور، خانم فاطمه رواقی، آقای دکتر رضا سعیدی، آقای دکتر امین باقری، آقای علی محمدی، آقای رسول عسگری، آقای پدرام رستگار، آقای شعیب شاهدی، آقای دکتر سید سعید هاشمی نظری، آقای دکتر احمد مهری، خانم دکتر مرجان حسین پور، خانم دکتر مهناز صارمی، خانم دکتر اعظم ملکی قهفرخی، خانم مینو سماواتی، خانم فرزانه رحمانی، خانم دکتر کتایون جهانگیری، خانم دکتر فهیمه شجاعی، خانم دکتر رویا علیمرادزاده، خانم دکتر ساناز سهرابی زاده، خانم دکتر زهرا مراد پور، خانم دکتر پروین سپهر، خانم فاطمه نخجوانی، آقای دکتر مصطفی پویا کیان، آقای دکتر محمد امین رشیدی، آقای دکتر سید وحید اسماعیلی، آقای دکتر عباس شاهسونی، خانم دکتر معصومه رحمتی نیا، خانم دکتر وجیهه حسن زاده، خانم نگین رضایی ارشد

اعضای کمیته اجرایی

- **دبیرخانه:** فاطمه دلفی‌زاده ، فاطمه زهرا ملکی
- **تشریفات برادران:** سجاد بوشه دار، ابوالفضل پازوکی، سهیل اسعدی
- **تدارکات:** ایمان برات زاده، علی بنائی، رضا تیموری
- **رسانه برادران:** دانیال قاسمی نسب
- **پشتیبانی:** محمد معین اورعی
- **انتظامات:** امیر حسین کرمی
- **مجری:** دکتر احمد مهری
- **مسئول اجرایی خواهران:** زهرا طهمزی اقدم
- **تشریفات خواهران:** سیده زینب حسینی مطلق، زهرا غلامی، ناجیه عبداللهی، زهرا علیخانی، راضیه پیروزمنش، فاطمه زهرا ملکی، فاطمه صحاف
- **رسانه خواهران:** سیده پریناز افشار، فاطمه دلفی زاده، زهرا علی گل زاده، فاطمه فرج تبار، فاطمه هاشمی، معصومه دهقان پور
- **پذیرش:** حانیه پناهی، زهرا کریمی

سخنرانان کلیدی:

- **پنل اپیدمیولوژی:** آقای دکتر سید سعید هاشمی نظری (مدیر گروه اپیدمیولوژی دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)

- **پنل بین الملل اپیدمیولوژی:** آقای دکتر کورش اعتماد (استاد گروه اپیدمیولوژی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و مدیرکل دفتر مدیریت بیماری‌های غیرواگیر وزارت بهداشت) و آقای دکتر Hasan Alwan Baiee (رئیس دپارتمان پرستاری دانشگاه Hilla عراق)
- **پنل ارگونومی:** آقای دکتر فرهاد طباطبائی قمشه (استاد گروه ارگونومی دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی)
- **پنل بهداشت حرفه‌ای:** آقای دکتر رسول یاراحمدی (سرپرست مرکز توسعه و هماهنگی تحقیقات وزارت بهداشت)
- **پنل بهداشت عمومی:** آقای دکتر علی رمضانخانی (مدیر گروه بهداشت عمومی دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)
- **پنل بهداشت محیط:** آقای دکتر انوشیروان محسنی بندپی (عضو هیات علمی گروه مهندسی بهداشت محیط دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی – رییس پژوهشکده علوم بهداشتی و محیط زیست دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)
- **سلامت، ایمنی و محیط زیست:** آقای دکتر رضا سعیدی (عضو هیات علمی گروه سلامت، ایمنی و محیط زیست، دانشکده بهداشت و ایمنی)
- **سلامت در بلایا و فوریت ها:** خانم دکتر سیمین تاج شریفی فر (مدیر گروه سلامت در بلایا و فوریت ها، دانشگاه علوم پزشکی ارتش)

مدرسین کارگاه های آموزشی:

- **مهندس عرفان موسوی:** معرفی الگوریتم های ماشین لرنینگ در مطالعات علوم پزشکی
- **آزاده طاهر نژاد:** به کارگیری هوش مصنوعی در حوزه پزشکی، بهداشت و ایمنی
- **دکتر مجتبی یگانه:** طراحی آزمایشات در پژوهش های بهداشت محیط با استفاده از نرم افزار Design Expert
- **مهندس سلیم محمدی:** سیستم فرماندهی ریسک RSC
- **دکتر مهرنوش خشنودی فر:** اصول تولید محتوای الکترونیکی در حوزه سلامت
- **الهه عموزاده:** آشنایی با نرم افزار های شبیه سازی در ارگونومی کار با نرم افزار 3DSSPP
- **دکتر روح الله حاجی زاده:** محاسبات انتقال صدا و طراحی عایق صوتی

داوران حضوری پنل

- **پنل ملی و بین المللی اپیدمیولوژی:** آقای دکتر سید سعید هاشمی نظری، آقای دکتر علی دل پیشه، آقای دکتر منوچهر کرمی، آقای دکتر حسن غریب نواز، آقای دکتر احمد مهری و خانم دکتر مرجان حسین پور.
- **پنل ارگونومی:** خانم دکتر مهناز صارمی، خانم دکتر اعظم ملکی قهفرخی، خانم دکتر زهرا قنبری و خانم دکتر الهه عموزاده.

- **پنل بهداشت حرفه‌ای:** آقای دکتر مصطفی پویاکیان، خانم دکتر آی سا قاسمی کوزه کنان، خانم دکتر الهام رحمان زاده و آقای دکتر محمد امین رشیدی.
- **پنل بهداشت عمومی:** خانم دکتر سکینه رخشنده رو، خانم دکتر نجمه الملوک امینی، آقای دکتر علی صفری مرادآبای و آقای دکتر امیر نصیری.
- **پنل بهداشت محیط:** آقای دکتر عباس شاهسونی، آقای دکتر محمدمهدی سوری، خانم دکتر سپیده صادقی و خانم دکتر معصومه رحمتی نیا.
- **سلامت، ایمنی و محیط زیست:** آقای دکتر رضا سعیدی، آقای مهندس علی محمدی، آقای مهندس هادی سالاری و خانم مهندس حکیمه زمان بادی.
- **سلامت در بلایا و فوریت ها:** خانم دکتر ساناز سهرابی زاده، خانم دکتر آزاده طاهرنژاد، خانم دکتر فهیمه شجاعی و خانم دکتر Deepti Wahi.

داوران غیر حضوری پنل

- **پنل اپیدمیولوژی:**

هادی پاشاپور- یکتا رحیمی - مسعود امیری - رقیه حسن‌زاده - مریم محمدیان- ندا مهدوی‌فر - رویا فرخی -سارا خالقی - سجاد خدابنده‌لو - نیما دانشی - روژان خضری - حامد کرمی - مریم شاهی - سمیه درخشان - مصطفی مجیدنیا - آرین آزادنیا - بهاره اندایشگر - سعید فلاح - فرشته سادات حسینیان قمصری -یسری عزیزپور - سیما افراشته - صادق کارگریان مروستی - زهرا کریمی - فاطمه جعفری - موهبت والی - موسی قلیچی قوجق - فاضله همتی - مهدیه آردانه - ابوبکر جعفرنژاد

- **پنل ارگونومی:**

اسما زارع - طالب عسکری‌پور - حامد آقایی - عبدالله واحدی - ندا مهدوی - مسعود شفیعی مطلق - سارا دهنوی - محمد صادق سهرابی - سمیه طاهرنژاد - زهرا قنبری - فرین خانه شناس - رضا کلانتری - الهه عموزاده - سید میثم مرتضوی - سهیلا احمدی چرخابی - شبنم مقدمی منش - الیکا جعفر پور

- **پنل بهداشت حرفه‌ای:**

زهرا مرادپور - پروین سپهر - آی‌سا قاسمی کوزه کنان - علی آلبوغبیش - ثریا معمر - رضا اسمعیلی - سیده معصومه مرتضوی خواه - وحید احمدی - احسان محمدی - وفا فیضی - معصومه وهابی شکرلو - نفیسه نصیر زاده - الهام رحمان زاده - مریم فرخزاد - آتنا رفیعی‌پور - بتول مسروری - نرجس سقایی - فریدون لعل - سقراط عمری شکفتیک - سید وحید اسماعیلی - معین نعمتی - محمد امین رشیدی - داود حسنوند

- **پنل بهداشت عمومی:**

فاطمه رواقی - اختر صیادی - مریم صبوری - نجمه الملوک امینی - نرجس نیک پی - نگین نیرلو - نسیم عبدی پور - سمیرا دانشور - رویا یاوری - نگار اکبری سومار - زهرا اسدی - همایون سلحشور فرد - الهام زنده دل - اعظم لرکی - فاطمه میر پارسا - سارا مقیمی - لیدا حسن زاده - امیر محمد چکنی - سارا مغاره هکردی - معصومه مختاری‌پور - بنفشه توکلی - مینا حاجی هاشمی - مهناز آریان‌منش - سجاد امیری بنیاد - نگین اشتری - آتوسا قربانی - عرفان پورشهری - راضیه شیرزادگان - زهره کریمیان کاکلکی - الهه سنجری - دریا اسماعیلی بیگی - الهام ناوی‌پور - سحر محسنی - محدثه خوش گفتار - نجمه زمانی - فاطمه کورکی نژاد قرائی - پرویز شاه میرزالو - یلدا موسی زاده - محدثه قنبری جهرمی - مهران صفری دهنوی - امیرحسین گودرزیان - فاطمه زهرا پودینه

- **پنل بهداشت محیط:**

شهرام صادقی - فاطمه سادات مسعودی - معصومه رحمتی‌نیا - فاطمه احمدی - فریبا میرزایی نیا - سپیده طوسی‌زاده - کبری ایاغ - الهام برزگری خانقاه - ریحانه جانی پور - علیرضا علا - مجتبی یگانه - سودا فلاح - فاطمه کریمی نژاد - محمد مهدی سوری - فاطمه واثقی - سپیده صادقی - فاطمه دهقان بنادکی - مرضیه اکبری - فاطمه مرتضی زاده - سودابه قدسی - نگین رضایی ارشد - ضحی حیدری ارشد - محبوب مرادی - محمد حسن کوثری - رضوان امیری - ربابه وحیدی کلور - کوثر کاشفی - مژگان پنجی - وجیهه حسن‌زاده - رضا رضایی

- **سلامت، ایمنی و محیط زیست:**

شعیب شاهدی - علی محمدی - سید احمد جغتایی - حامد یارمحمدی - فروغ فاروقی - حامد رحیمی - افسانه آهنگساز - هدایت عباسی - هادی سالاری - بهنام مرادی - حکیمه زمانی بادی - رسول عسگری

- **سلامت در بلایا و فوریت ها:**

آزاده طاهرنژاد - حمید کریمی - سعید نظری - ایمان شکیب‌خواه - ابوالفضل اعتباریان خوراسگانی - مریم خوش نظر - محمد طاها سعادتی راد - نیایش طهماسبی نژاد -مهدی صادقی - دنیا حافظی‌نیا - سحر فلاح - بهاره رضایی - نورالدین نیکنام - زهرا ملکی - سیده لیلا سجادی - علی حاجی پور طالبی - فهیمه شجاعی

محورهای همایش

- **پنل اپیدمیولوژی**

  - ✓ مدیریت اپیدمی‌ها درس آموخته‌های پاندمی کوید
  - ✓ اپیدمیولوژی و مدیریت بیماری‌های واگیر شایع در ایران
  - ✓ اپیدمیولوژی و مدیریت بیماری‌های غیر واگیر شایع در ایران

- ✓ کاربرد اپیدمیولوژی در نظام سلامت (technology field)
- ✓ اپیدمیولوژی بالینی
- ✓ Implementation research

- **پنل ارگونومی**

- ✓ ارگونومی در فعالیت‌های روزمره و گروه‌های خاص بانوان باردار کودکان سالمندان افراد با نیازهای حرکتی ویژه
- ✓ ارگونومی در طراحی سخت‌افزار نرم‌افزار اپلیکیشن سایت و UI/UX
- ✓ ارگونومی و بهره‌وری در تولید و سازمان اقتصاد و اشتغال
- ✓ کارآفرینی، تکنولوژی‌های نوین در ارگونومی
- ✓ دورکاری، فرسودگی شغلی و ارگونومی
- ✓ ارگرومی شناختی و مسائل اجتماعی
- ✓ کاربرد ارگونومی در سیستم‌های بهداشتی

- **پنل بهداشت حرفه‌ای**

- ✓ پایش، مدل سازی و کنترل عوامل مخاطره آمیز محیط کار
- ✓ ارزیابی، مدیریت ریسک و ایمنی سیستم
- ✓ مدل سازی پیامد و تحلیل حوادث
- ✓ کاربرد مداخلات و فناوری‌های نوین (نانوتکنولوژی بیوتکنولوژی و...)در ایمنی و بهداشت حرفه‌ای
- ✓ فعالیت‌های کاربردی، پاسخگویی اجتماعی و ارتباط با صنعت در ایمنی و بهداشت حرفه‌ای
- ✓ ارزیابی سمیت بیولوژیکی شغلی و مدل سازی در سم‌شناسی
- ✓ ایمنی و بهداشت حرفه‌ای در فعالیت‌های عمومی (safety public) و گروه‌های خاص

- **پنل بهداشت عمومی**

- ✓ سواد سلامت
- ✓ محیط‌های حمایتی ارتقا دهنده سلامت (مدرسه مراکز بهداشتی درمانی و محیط کار)
- ✓ آموزش بهداشت در بحران‌های تهدید کننده سلامت

- ✓ نقش رسانه‌ها در ارتقاء سلامت جامعه
- ✓ سالمندی و بهداشت عمومی جمعیت
- ✓ چالش‌ها و راهبردهای کلی نظام سلامت
- ✓ تعاملات نهادها سازمان‌های ارتقا دهنده سلامت
- ✓ تربیت، جذب و نگهداشت منابع بهداشت عمومی

- **پنل بهداشت محیط**

- ✓ پایش و ردیابی آلاینده‌های زیست محیطی
- ✓ بیماری‌های مرتبط با عوامل محیطی و نقش بهداشت محیط در پیشگیری و کنترل آنها
- ✓ روش‌های نوین کنترل و تصفیه آلاینده‌های محیط زیست (هوا، پسماند، آب و فاضلاب، خاک و...)
- ✓ تغییر اقلیم و سلامت
- ✓ ارزیابی ریسک و ارزیابی اثرات بهداشتی و زیست محیطی
- ✓ بهداشت و ایمنی محصولات غذایی و کشاورزی
- ✓ کارآفرینی، اشتغال و تجاری‌سازی خدمات در بهداشت محیط

- **سلامت، ایمنی و محیط زیست**

- ✓ کاربرد نوآوری‌های حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات در حوزه HSE
- ✓ جایگاه HSE در صنایع برنامه و قوانین کشور و موانع اجتماعی آن
- ✓ تجزیه تحلیل حوادث و مدیریت حوادث کلان و مطالبات اجتماعی
- ✓ بررسی کمی و کیفی آلاینده‌های زیست محیطی در صنعت
- ✓ نقش HSE در اقتصاد خرد و کلان
- ✓ نقش سازمان‌های مردم نهاد و تشکلات در پیشبرد اهداف HSE
- ✓ نقش HSE در کاهش حوادث و بیماری‌های شغلی

- **سلامت در بلایا و فوریت ها**

✓ کاربرد فناوری‌های نوین و هوش مصنوعی در حوادث و بلایا

✓ ارتقای ایمنی و پیشگیری از حوادث و مصدومیت‌های ترافیکی

✓ مدیریت خطر و بررسی راهکارهای افزایش تاب آوری در جوامع

✓ چالش‌های بهداشت عمومی در تجمعات انبوه و شرایط حوادث و بلایا

✓ نقش روابط و همکاری‌های بین‌الملل در مدیریت حوادث و بلایا

✓ تجارب و درس آموخته‌های مدیریت حوادث و بلایای ناشی از تغییر اقلیم

✓ مدیریت حوادث کمپلکس و سناریوهای مولتی هازارد

فهرست مطالب

متون سخنرانی دومین کنگره بین المللی و پانزدهمین دوره از همایش دانشجویی تازه‌های علوم بهداشتی ۳۸

پنل ملی اپیدمیولوژی ۳۹

رابطه بین شاخص های آزمایشگاهی و احتمال تجمعی رخداد عارضه بیماری دیابت نوع ۲ با استفاده از آنالیز بقاء ۴۰

نحوه سرپرستی افراد در دوران کودکی عامل خطری برای بروز افکار خودکشی درآینده است ۴۱

ابتلا به عفونت کووید-۱۹ در دوران بارداری و کم وزنی هنگام تولد؛ مطالعه کوهورت تاریخی ۴۳

ارزیابی بقا و عوامل موثر بر بقا در مبتلایان به کووید ۱۹ بستری در استان فارس در جنوب ایران: مطالعه مبتنی بر بیمارستان(۱۳۹۸-۱۴۰۰) ۴۵

Burden of cancer statistics in western Iran: a population-based study ۴۸

پنل بین الملل اپیدمیولوژی ۴۹

International Epidemiology Panel ۴۹

Workers Life Satisfaction: Development Of A Predictive Model Using Data Base On Workers ۵۰

Characteristics and Risk Factors Associated with COVID-19 Infection severity Among Health Care Workers in Baghdad, Iraq in 2020 ..... ۵۳

پنل ارگونومی ۵۵

حس عمقی و استقامت فلکسورهای عمقی گردن در پوسچرهای متفاوت گردن، حین استفاده از تلفن همراه ۵۶

ارزیابی رفتار نشسته اپراتورهای جرثقیل سقفی و تدوین بسته ی مداخله‌ی مبتنی بر حرکات اصلاحی به منظور کاهش ناراحتی های اسکلتی عضلانی بر اساس آن ۵۸

بررسی نقش میانجی خستگی مزمن در ارتباط میان بار کاری ذهنی و توانایی انجام کار با شکست شناختی در کارگران کارگاه های خرد و کوچک با استفاده از تحلیل مسیر ۶۰

Investigation of relationship between mental health and productivity with the risk of musculoskeletal disorders in computer users ۶۳

پنل بهداشت حرفه ای ۶۴

بررسی دیدگاه کارگران ساختمانی در خصوص فاکتورهای عدم تمایل در بکارگیری از هارنس های ایمنی و تعیین مهمترین فاکتورها در عدم استفاده از آن ۶۵

مطالعه حذف بخارات تولوئن با استفاده از جاذب کامپوزیت کربن فعال/ چارچوب آلی فلزی ۶۷

بررسی اثر مواجهه همزمان با میست روغن و ارتعاش بر روی فعالیت میتوکندری در سلول‌های پوششی ریه انسان رده A549 ..... ۶۹

Investigating the effect of high-frequency noise exposure on obesity, food intake, and visceral fats in guinea pigs ۷۱

پنل بهداشت عمومی ۷۲

چالش چالش های نظام پرداخت به ارائه‌دهندگان مراقبتهای بهداشتی اولیه در مراکز خدمات جامع سلامت شهری ایران ۷۳

بررسی اثربخشی مداخله آموزش درتغییر عملکرد دانش آموزان دختر متوسطه اول شهرستان اسفراین در حوزه بهداشت بلوغ در سال ۱۴۰۲ ..... ۷۴

ارزشیابی وضعیت دوره های کارآموزی و کارورزی از دیدگاه دانشجویان علوم پزشکی: یک مطالعه کمی- کیفی..... ۷۶

پنل بهداشت محیط ۷۸

تصفیه فاضلاب بیولوژیکی با استفاده از جلبک کلرلاولگاریس در پساب صنعتی : مطالعه موردی استان قزوین..... ۷۹

نقشه آلودگی خاک به فلزات سنگین در خاک‌های محل دفن پسماندهای شهری و بیمارستانی شهر سبزوار ۸۱

بررسی ریسک خطر و ویژگیهای میکروپلاستیکهای تصفیه خانه فاضلاب بیمارستانی: مطالعه موردی شهر زاهدان ۸۳

Coupling of ZnO and magnetite nanoparticles on activated carbon towards peroxymonosulfate photoactivation for enhancing bisphenol A degradation ۸۵

سلامت، ایمنی و محیط زیست ۸۶

مرور سیستماتیک کاربرد فناوری‌های هوش مصنوعی، همزاد دیجیتال و واقعیت گسترده در بهبود فرآیند مدیریت ایمنی صنعت ساخت ۸۷

ارتباط معنادار هایپرلیپیدمی و کاهش شنوایی ناشی از سروصدا (NIHL) در شرکت مهندسی و ساخت بویلر و تجهیزات مپنا ۸۹

ارزیابی تاثیر مداخلات ارگونومیکی ،مدیریتی و فنی بر کاهش سندرم بینایی کامپیوتری در بین کارکنان کنترل کیفیت یک شرکت تجهیزات پزشکی ۹۰

ارزیابی ریسک مخاطرات سلامت، ایمنی و محیطزیست مبتنی بر چرخه عمر سیستم در یک صنعت پرورش آبزیان در استان هرمزگان..... ۹۴

پنل ملی سلامت در بلایا و فوریت ها ۹۷

اجرای برنامه استفاده مجدد از آب برای کاهش اثرات تغییرات اقلیمی و بحران آب در جوامع آسیب پذیر..... ۹۸

تبیین مولفه های موثر بر ارتقاء آموزش های آمادگی در برابر بلایا در بیمارستان های دولتی دانشگاه علوم پزشکی بابل : یک مطالعه کیفی ۱۰۰

پنل بین الملل سلامت در بلایا و فوریت‌ها..... ۱۰۲

Health in disasters and emergencies ۱۰۲

Exploring the challenges of international school-going children due to air pollution in Tehran ۱۰۳

متون پوستر های پانزدهمین دوره از همایش تازه های علوم بهداشتی ۱۰۵

پنل اپیدمیولوژی ۱۰۶

ویژگی‌های اپیدمیولوژیک و پیامدهای بیماری کووید ۱۹ در بیماران مبتلا و غیرمبتلا به بیماری قلبی‌وعروقی ۱۰۷

سالمندی و سرطان کولون و رکتوم ؛ یک مطالعه مروری ۱۰۹

سرطان مثانه و ارتباط آن با تغذیه؛ یک مطالعه مروری ۱۱۱

بررسی میزان واکسیناسیون کووید-۱۹ در جمعیت تحت پوشش مرکز جامع خدمات سلامت شهرستان بن در دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد در سال ۱۴۰۰ ..... ۱۱۳

بررسی میزان ابتلا به کرونا درجمعیت تحت پوشش مرکز خدمات جامع سلامت ۲ فرخشهر در دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد در سال ۱۴۰۰..... ۱۱۵

بررسی ارتباط استرس پس از سانحه با ویژگی های شخصیتی در پرستاران مراقبت کننده از بیماران مبتلا به کووید-۱۹ ..... ۱۱۷
اپیدمی سیاه زخم گوارشی در شهرستان فریدونشهر: مطالعهٔ مجموعهٔ موارد ۱۱۹
بررسی موارد مرگ از سرطان در ایران (۱۴۰۱-۱۳۹۷) ۱۲۱
کاربرد اپیدمیولوژی در نظام سلامت کشور ۱۲۳
اپیدمی تب خونریزی دهندهٔ کریمه کنگو در شهرستان فریدونشهر: مطالعهٔ مجموعهٔ موارد..... ۱۲۶
نقش رسانه های دیجیتال در پاندمی کووید۱۹ و ارائه پیشنهادهایی برای کاهش اثرات منفی در پاندمی های پیش رو . ۱۲۸
بررسی سلامت در بلایای طبیعی: آسیب‌ها، چالش‌ها و راهکارها ۱۳۰
اثربخشی طرحواره‌درمانی گروهی بر بهبود استرس شغلی و سازگاری شغلی کارکنان آتش نشانی استان تهران..... ۱۳۲
بررسی وضعیت اپیدمیولوژیک بیماری سل در بیماران افاغنه ساکن استان اصفهان طی سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰..... ۱۳۴
بررسی تاثیر مدل خود مراقبتی اورم بر بیماران مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس؛مروری سیستماتیک ۱۳۶
بررسی تاثیر مدل خود مراقبتی اورم بر بهبود پیامدهای بیماری در بیماران دیابتی؛مروری بر شواهد موجود ۱۳۸
ارتباط نگرش و رفتار های پیشگیرانه نسبت به ویروس کرونا با کیفیت زندگی در دانشجویان علوم پزشکی ۱۴۰
کنترل و مدیریت بیماری سل در جنوب شرق ایران: نقش اتباع خارجی در شیوع بیماری ۱۴۲
بررسی اثربخشی تجویز ویتامین D خوراکی در درمان بیماران مبتلا به برونشکتازی: کارآزمایی بالینی دو سو کور ۱۴۳
بررسی وضعیت اپیدمیولوژی بیماری کرونا(کوید-۱۹) در استان اصفهان طی سال های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۲ ..... ۱۴۵
بررسی روند ۱۰ ساله بیماری سل (TB) در ایران با استفاده از اطلس کشوری فراوانی و بروز بیماری های واگیر..... ۱۴۷
اپیدمیولوژی آلزایمر ۱۴۹
بررسی شیوع خود درمانی و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان علوم پزشکی ؛ مروری بر شواهد موجود ۱۵۰
بررسی تاثیرCOVID-19 بر ریزش مودر اقایان ؛ مروری نظام مند ۱۵۲
بررسی وضعیت اپیدمیولوژی بیماری مالاریا طی سال های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ استان اصفهان ۱۵۴
دود دسته دوم و والدین: چالشی پیش رو دانش آموزان!کاوشی در میزان مواجهه با دود دسته دوم دخانیات دروالدین دانش آموزان متوسطه دوم شهر زاهدان درسال۱۴۰۱ ..... ۱۵۶
بررسی رعایت رفتار های پیشگیرانه COVID-19 بر ارتقای سطح سلامت و افزایش امید به زندگی : مقاله مروری ... ۱۵۸

عنوان: تقویت نظام مراقبت های بهداشتی اولیه ایران برای مدیریت بیماری های تنفسی : مرور حیطه ای تجربیات کشورها ۱۵۹

تحلیل استراتژیک نظام مراقبتهای بهداشتی اولیه ایران در مواجهه با همهگیریها:یک مرور حیطهای ۱۶۱

شناسایی راهکارهای تقویت نظام مراقبت های بهداشتی اولیه ایران برای کنترل بیماری کووید-۱۹ ..... ۱۶۳

بررسی اپیدمیولوژیک مصدومین مراجعه کننده به بخش اورژانس بیمارستان شهدا، هندیجان از سال ۱۳۹۴-۱۳۹۶.... ۱۶۵

Relationship between Internet addiction and sleep disorders among students of Shiraz University of Medical Sciences ۱۶۶

The global survival rate of graft and patient in kidney transplantation of children: a systematic review and meta-analysis ۱۶۷

Survival Rate of Liver Transplantation in Asia: A Systematic Review and Meta-Analysis ۱۶۹

Effect of olive oil on Non-Alcoholic Fatty Liver Disease ۱۷۰

Association Between Vitamin D Status and Breast Cancer; A review Article ۱۷۱

Factors affecting sexual satisfaction in women with breast cancer: a review article ۱۷۲

Trend and Geographical Distribution of Epidemiology indexes of Lip and oral cavity Cancer in Iran: An Ecologic study ۱۷۴

The correlation between access to a safe water source and bladder cancer in the Eastern Mediterranean region: An Ecologic study ۱۷۶

Is the Gini coefficient related to the incidence of non-communicable diseases? ۱۷۸

Evaluation of Event Time of Neuropathy in Type 2 Diabetic Patients: Application of Surrogate Endpoints Method ۱۸۰

The impact of health literacy in the management of the Covid-19 pandemic ۱۸۲

A systematic review of malaria disease and its impact on memory during the years 2000 to 2023 ..... ۱۸۴

Intimate Partner Violence During the COVID-19 Pandemic ۱۸۶

Survival of hospitalized COVID-19 Patients Using the Nested Frailty Model ۱۸۸

Knowledge, Attitude, and Practice of Staff about the New Population Policies in Family Health Services Units of Kashan – 2020 ..... ۱۹۰

Investigating the relationship between mobile phone addiction and mental health among medical students in Kerman in the post-Corona era ۱۹۲

A Phenomenological Study of Management Measures in the Face of Covid-19 Epidemic ۱۹۴

Association between dietary intake of choline and betaine with metabolic health status in overweight and obese adolescents ۱۹۵

Challenges and harms of addiction in society; A review article ۱۹۶

Adherence to the Mediterranean diet and risk of frailty and pre-frailty in elderly adults: A systematic review and dose-response meta-analysis with GRADE assessment ۱۹۷

Association between methyl donor B-vitamins and metabolic health status in overweight and obese adolescents ۱۹۹

Second-hand smoke and parents: a challenge facing students! Exploring exposure to second-hand smoke among parents of second -secondary students of Zahedan city in 2022 ..... ۲۰۱

Investigation of body mass index (BMI) status of relapsing-remitting MS patients in Ahvaz City in the spring of 1402 ..... ۲۰۳

Incomplete treatment of a twin infant with severe complications of neonatal hypothyroidism ۲۰۴

Investigation of the risk factors of Malt fever in Chaharmahal and Bakhtiari province in 2014-2018 ..... ۲۰۵

Incidence of Breast and Cervical intraepithelial Lesions: Results of a Screening Program for Women ۲۰۶

Investigating the impact of the Covid-19 pandemic on the vaccination coverage of children under 6 years old in Qom province ۲۰۷

HSV2 virus and its risk factors ۲۰۹

The current epidemiology of malaria in Iran based on the factors involved in the re-emergence of the disease ۲۱۱

Strengthening Iran's Primary Healthcare System for Managing Respiratory Diseases: A scoping review of experiences in countries ۲۱۳

Strategic analysis of Iran's primary healthcare system in epidemics: A scoping review ۲۱۵

Identifying strategies to strengthen Iran's primary health care system to combat Covid-19 ..... ۲۱۷

Knowledge, Attitude, and health performance of covid-19 patients hospitalized in Shahid Beheshti hospital, Kashan, in 1400 ..... ۲۱۹

Knowledge, attitude and practices related to breast cancer screening among women referring to health centers ۲۲۱

Clinical Characteristics of Pregnant Women with Covid-19 ..... ۲۲۲

The association between COVID-19 disease and venous thromboembolism in hospitalized and non-hospitalized patients ۲۲۳

The trend of COVID-19 mortality before and after the national vaccination program in Iran: A Joinpoints regression Analysis ۲۲۵

The Supportive Care Needs of Breast Cancer Patients and Its Related Factors: A Cross-sectional Study ۲۲۶

A Comparative Study of the Minimum Data Set for Speech Therapy: A Systematic Literature Review ۲۲۷

Assessing the Knowledge and Attitude of Students of Iran's Medical Sciences Universities Regarding Health Tourism ۲۲۹

Malta fever in Islamabad-e Gharb: Changes in the Incidence Trend and Epidemiological Features over a Decade (2009-2019) ۲۳۱

The Relationship Between Neonatal Jaundice And Starting Of Feeding In Baghdad City ۲۳۳

پنل بین الملل اپیدمیولوژی International Epidemiology Panel ۲۳۳

Bacterial Isolates from Burn Injuries of Patients Admitted to Imam Al-Sadiq Teaching Hospital ۲۳۶

Knowledge, Attitudes and Practices of Two-Wheeler Vehicle Riders Regarding Health and Safety Issues Hilla City, Babylon ۲۳۸

Epidemiological Features Of Road Traffic In Jerry's Among Patients Admitted To Al-Diwanyah Teaching Hospital ۲۴۰

Patterns Of Chief Complaints And Morbidities Among Arbaeen Walk Pilgrims Attending Treatment Camp In Hilla City, Iraq, 2023 ..... ۲۴۳

Attitudes and practices of the paramedical staff toward food additives at Baghdad city .. ۲۴۶

Prevalence of meningitis among children under fifteen years for the period of 2018 to 2022 in Hilla city ۲۴۹

Student Suicide attempt: Development of a Predictive Model Based on National Data for Schools ۲۵۲

Clinical And Epidemiological Profiles Of Stroke Among Patients Admitted To A Referral Teaching Hospital, Babvlon. Iraq ۲۵۵

Assessment of Depression among Medical Students in Baghdad ۲۵۸

The role of policemen in saving life of people and preventing suicide deaths by "mean restrictions" strategy ۲۶۰

Clinical and epidemiological profile of patients with stroke: a hospital-based study in Babylon ۲۶۲

پنل ارگونومی ۲۶۳

بررسی رابطه ی نوبت کاری با استرس شغلی در پرستاران بخش های درمانی یکی از بیمارستان های آموزشی شهر اهواز ۲۶۴

تدوین مدلی برای پیش بینی فرسودگی شغلی کارکنان یک صنعت پتروشیمی بر پایه عوامل ریسک اجزای سامانه کار ۲۶۶

بررسی آسیب های اسکلتی عضلانی ناشی از تلفن همراه در زمان شیوع بیماری کرونا ۲۶۸

در کارکنان مراکز بهداشتی درمانی ۲۶۸

ارزیابی استرس شغلی و ارتباط آن با کیفیت خواب در پرسنل اورژانس ۲۶۹

استان چهارمحال و بختیاری ۲۶۹

تاثیر پیاده روی روی کیفیت زندگی زنان سالمند:مروری بر شواهد موجود ۲۷۱

ارزیابی اثر مداخلات ارگونومیک بر پیشگیری از صدمات عضلانی اسکلتی در پرستاران شاغل در بیمارستان ها..... ۲۷۳

بررسی میزان عملکرد شناختی ، خستگی و نارکولپسی رانندگان یک شرکت پخش در استان قم ۲۷۵

بررسی ارتباط بین خستگی شغلی و سطح ارگونومیک بودن محیط کار کارگران باغهای مرکبات ۲۷۷

دوره سالمندی و ارتباط آن با پوکی استخوان؛ یک مطالعه مروری ۲۷۹

ارزیابی ارگونومیک وظایف اپراتورهای جرثقیل سقفی با استفاده از برآورد تنش های بیومکانیکی و ارزیابی خستگی جسمانی با نرم افزار 3DSSPP ۲۸۱

تاثیر فعالیت در بخش های عفونی واگیردار برفرسودگی شغلی پرستاران ۲۸۳

شیوع اختلالات اسکلتی-عضلانی در اعضای هیئت علمی دانشکده بهداشت همدان ۲۸۴

شیوع اختلالات اسکلتی-عضلانی در بین رانندگان ماشین‌آلات سنگین ۲۸۶

شیوع اختلالات اسکلتی-عضلانی در بین کارکنان کارگاه مکانیک صنعتیِ مجتمع مس سرچشمه ۲۸۸

مروری بر ارگونومی در کارگاه‌های ساختمانی ۲۹۰

مقاله مروری سیستماتیک: اهمیت کلاه ایمنی در کاهش صدمات موتور سیکلت سواران ۲۹۲

مقاله مروری: ارگونومی در صنعت قالیبافی ۲۹۴

بررسی ارتباط عوامل زمینه‌ای با خستگی در بین رانندگان اتوبوس برون شهری ۲۹۷

The effect of educational intervention and workstation improvements in reducing work-related musculoskeletal symptoms in women tailors in a sewing manufactory ۲۹۹

Study on prevalence of suicidal ideation and risk factors of suicide among industrial workers (case study in West Tehran industries) ۳۰۱

The relationship between Midwives burnout and quality of healthcare in terms of safety and acceptability ۳۰۵

پنل بهداشت حرفه ای ۳۰۷

شناسایی روش مناسب ارزیابی خطاهای انسانی در یک صنعت فلزکاری با رویکرد بررسی معیار های منتخب؛ یک مطالعه موردی ۳۰۸

ارزیابی سطح استرس شغلی در پرسنل شرکت نقش اول کیفیت (NAK) ۳۱۰

ارزیابی ریسک دینامیکی با استفاده از تکنیک SHIPP مبتنی بر Fuzzy Z-number: مطالعه موردی مخازن کروی ۳۱۲

ارائه روشی جهت ارزیابی دینامیک کمی ریسک با استفاده از شبکه بیزین مبتنی بر IT2F و Z-number : مطالعه موردی مخازن کروی ۳۱۴

یک رویکرد تحلیل عامل انسانی داده محور برای حوادث مواد شیمیایی خطرناک ۳۱۵

ارائه الگویی جهت ارزیابی ریسک خطرات انبار موادمنفجره در معادن با استفاده از روش تلفیقی آراس-آنتروپی‌شانون در محیط فازی ۳۱۶

ارزیابی ریسک شغل هوشبری با استفاده از تلفیق روش‌های AHP-CoCoSo ۳۱۷

بررسی ارتباط بین کیفیت خواب و پارامترهای منی: یک مطالعه مقطعی در رانندگان تاکسی شهر تهران ۳۱۸

بررسی میزان مواجهه با ارتعاش تمام بدن در رانندگان تاکسی درون‌شهری استان تهران ۳۲۰

بررسی نظامند بکارگیری حلال‌های سبز در ریز استخراج فاز مایع بمنظور نمونه برداری و آنالیز ترکیبات مختلف ۳۲۱

کاربرد نانوالیاف در روش های استخراج و ریز استخراج به منظور تعیین ترکیبات هدف در نمونه های مختلف ۳۲۳

بررسی تاثیر مواجهه با ارتعاش تمام بدن بر کیفیت خواب رانندگان کامیون های درون شهری ۳۲۴

بررسی نظامند روش های نمونه برداری و آنالیز محصولات بهداشت شخصی ۳۲۶

بررسی جامع روش های تشخیص خواب آلودگی و حواس پرتی برای نظارت بر رفتارهای ناایمن راننده ۳۲۷

بررسی نظام مند بکارگیری روش های ریز استخراج جهت پایش ترکیبات فنول در ماتریس های مختلف ۳۲۸

بررسی نقش روانشناسی صنعتی در صنایع پالایش روغن با رویکرد ارتقای سطح ایمنی و بهداشت در محیط کار ۳۳۰

بررسی پرسشنامه های موجود برای ارزیابی استرس حرارتی در محیط های کاری ۳۳۲

بررسی رابطه بین اعتیاد به اینترنت با پیشرفت تحصیلی و اختلالات اسکلتی عضلانی در بین دانشجویان یکی از دانشگاههای علوم پزشکی ۳۳۴

عنوان مقاله: ارزیابی مجدد و مقایسه فرهنگ ایمنی در کارکنان لوله نورد اکباتان همدان بعد از گذشت ۱۰ سال ۳۳۶

بررسی جامع خطاهای انسانی کارشناسان هوشبری: کاربردی از رویکرد سیستماتیک پیش بینی و کاهش خطای انسانی ۳۳۷

استفاده مشکل زا از اینترنت و رفتار ایمن: نقش تعدیل کننده جو ایمنی ۳۳۹

ارزیابی و مدیریت ریسک زیست محیطی در انبار نفت با استفاده از تلفیق روش‌های E-FMEA & AHP و بکارگیری نرم افزار ARC GIS ۳۴۰

شناسایی دارایی‌های حیاتی ایمنی و انتخاب استراتژی نگهداری آنها با استفاده از رویکرد ترکیبی ANP، DEMATEL و TOPSIS ۳۴۲

مدیریت و ارزیابی ریسک با استفاده از روش‌های تلفیقی FMEA ، DEMATEL و ANP در صنعت فولاد ۳۴۴

بررسی تأثیر سیستم مدیریت HSE بر مدیریت زنجیره تأمین با استفاده از مدل معادلات ساختاری ۳۴۶

بررسی تاثیر ایمنی کار بر بهره‌وری کارکنان با نقش میانجی سلامت کارکنان جمعیت هلال احمر استان یزد ۳۴۸

تعیین شرایط بهینه تعیین مقدار هیدروژن پراکسید بر پایه ترکیب ZnR ۳۵۰

بررسی شیوع کووید- ۱۹ در بین نیروهای مسلح و تأثیر آن بر سلامت ذهنی آن‌ها: مرور نظامند ۳۵۲

بررسی افت عبوری جاذب برخی از ایرماف های رایج در فرکانس یک سوم اکتاوباند بر مبنای روش لوله امپدانس..... ۳۵۴

بررسی ارتباط نوبت‌کاری و مواجهه با امواج الکترومغناطیس با عملکرد شناختی و روانی کارکنان ۳۵۶

بررسی شاخص های شهر دوستدار سالمند ؛ مروری برشواهد موجود ۳۵۸

عنوان: بررسی ارتباط بین مواجهه با ترکیبات BTEX بر آنزیمهای کبدی در کارکنان یک شرکت توزیع فراورده‌های نفتی: یک مطالعه گذشته‌نگر ۶-ساله ۳۶۰

ارزیابی اثرات مواجهه با صدای فرکانس پایین بر عملکردهای فیزیولوژیک و شناختی کارکنان اداری ۳۶۲

شناسایی خطرات و ارزیابی ریسک در سالن رنگرزی یکی از شرکت های نساجی ایران با استفاده از تکنیک تجزیه وتحلیل حالات و اثرات شکست (FMEA) ۳۶۴

ارزیابی قابلیت اطمینان واحد اکسیژن سنترال بیمارستان ها در شرایط پاندمی کرونا..... ۳۶۷

مطالعه عملیات و خطر (HAZOP) در مخازن اکسیژن سنترال بیمارستان ها ۳۶۹

بررسی حذف میکروپلاستیک های پلی اتیلن و پلی استایرن با برگ کاهوی قرمزغنی شده از اسید تانیک در محلول های آبی ۳۷۱

بررسی ارتباط گرما با حالات خلقی، برانگیختگی و تغییر ناهماهنگی شناختی در بین کارگران یک صنعت غذایی در سال ۱۴۰۲ ..... ۳۷۳

بررسی ارتباط بار کاری ذهنی با آسایش حرارتی کارمندان بانک شهر سبزوار در دو فصل زمستان و تابستان ۳۷۵

بررسی ارتباط آزاردهندگی صوتی و سندرم پیش از قاعدگی با توانایی انجام کار کارکنان مراکز بهداشتی ۳۷۶

ارزیابی و مدیریت ریسک در بخش مراقبت های ویژه بیمارستان های آموزشی شهر اهواز..... ۳۷۸

بررسی ارتباط بین صدا و افت شنوایی در کارگران سنگ زن، یک شرکت صنعتی در اهواز ۳۸۰

To evaluation histopathological Changes, enzymatic activity, and oxidative stress parameters due to simultaneous exposure to noise and cadmium in the liver tissue of adult male rats. ۳۸۱

Effects of Heat Stress on Bakery Workers: A Systematic Review Study ۳۸۴

Younes Mehrifar1, Soleiman Ramezanifar 2, Parvaneh Khazaei2, Elahe Khadiv2, Pedram Rastegari3, Noradin Gharari4* ۳۸۴

Investigating the Psychoacoustic Characteristics of Absorbents used in Common Earmuffs: A Laboratory Study ۳۸۶

Examining the relationship between the job demand-control-support model and job satisfaction among nurses employed in public hospitals in Iran ۳۸۷

Relation between Industrial noise annoyance and demographic parameters including noise sensitivity among blue-collar workers ۳۸۹

Relationship between occupational exposure to respirable crystalline silica and serum CC16 level as a potential biomarker for preventing silicosis: A systematic review and Meta-Analysis ۳۹۱

Comparison of productivity in paint and assembly halls of an automotive industry affected by indoor air pollution ۳۹۳

Investigating the indoor air pollution status of elementary school buildings in Tehran affected by the spatial/architectural structure of the city ۳۹۵

Prevalence and risk factors of needlestick injuries among healthcare workers ۳۹۷

Design and implementation of optimal lighting system and its effect on workers' visual comfort in a foundry industry ۳۹۸

پنل بهداشت عمومی ۴۰۱

دوره سالمندی و ارتباط آن با تغذیه و خواب کافی؛ یک مطالعه مروری ۴۰۲

بررسی و تحلیل شاخص های سبک زندگی در حوزه وضعیت تغذیه و فعالیت جسمانی میانسالان شهرستان اسفراین در سال ۱۴۰۰ ..... ۴۰۳

بررسی میزان تمایل و عدم تمایل به فرزندآوری در زنان و مردان شهرستان اسفراین ۴۰۴

بررسی تاثیر بازی های رایانه ای/گوشی (تلفن همراه) بر سلامت روانی دانش آموزان ۴۰۶

مقطع متوسطه شهر اسفراین در سال۱۴۰۲ ..... ۴۰۶

بررسی میزان ابتلا به کرونا درجمعیت تحت پوشش مرکز خدمات جامع سلامت۲ فرخشهر در دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد در سال ۱۴۰۰ ..... ۴۰۸

بررسی تاثیر تناسب شغلی و استرس شغلی بر عملکرد سازمانی در پرسنل مراکز بهداشتی درمانی یاسوج ۴۱۰

کیفیت مراقبت‌های حین زایمان براساس مدل ارزیابی کیفیت جامع در بیمارستان تخصصی زنان‌ام البنین (س) مشهد ۴۱۱

بررسی بهره وری ازدست رفته ناشی از بیماری‌های مزمن کارکنان در دوران پاندمی کووید ۱۹: مطالعه موردی بیمارستان امام رضا(س) مشهد ۴۱۳

بررسی موارد مرگ از سرطان در ایران (۹۶-۱۳۹۲) ۴۱۵

سواد سلامت و پیشگیری از کووید-۱۹ در زنان ۱۸-۶۰ سال - کاربرد نظریه KAP ۴۱۷

اثربخشی تعامل بین مادران و مراقب سلامت در تغییر رفتار بهداشتی دانش آموزان دختر دبستان شهر کرمانشاه سال۱۴۰۲- ۴۱۹

عنوان مروری برسلامت روان دانشجویان ۴۲۰

بررسی وضعیت انجام آزمایش پیش دیابت(Hg A1C) و ارتباط آن با متغیرهای دموگرافیک در کارمندان چاق و دارای اضافه وزن ۴۲۲

مروری بر عوامل موثر بر وضعیت سلامت سالمندان مقیم در سرای سالمندان ۴۲۳

ضرورت آموزش مهارتهای بالینی به کارشناسان بهداشت در مواجه با شرایط اضطراری؛ ۴۲۴

یک مرور نظاممند ۴۲۴

تاثیر گیاهان دارویی روی دیابت نوع دو:مروری بر شواهد موجود ۴۲۶

بررسی ۲ ساله وضعیت تکامل کودکان ۱ تا ۳.۵ ساله مراجعه کننده به مراکز تکامل کودکان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی با استفاده از تست تشخیصی تکاملی بیلی (Bayley) در سال ۱۴۰۰-۱۴۰۱ ..... ۴۲۸

بررسی ۱۳ ساله حوادث منجر به فوت در مرگهای خارج بیمارستانی کودکان ۱تا۵۹ ماهه در محدوده تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی :۱۴۰۱-۱۳۸۹ ..... ۴۳۰

بررسی آگاهی مادران مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی در زمینه مراقبت از نوزاد : سال ۱۴۰۱ ..... ۴۳۲

بررسی مشاوره های شیردهی مادران توسط مشاورین شیردهی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی - سال ۱۴۰۱ ..... ۴۳۴

رابطه سواد سلامت و تشخیص اخبار جعلی ۴۳۶

مهارت های مدیریتی و ارتباط آن با تفکر انتقادی در بیمارستان‌های دولتی شهر یزد چگونه است؟ ۴۳۷

ارزیابی روشهای آموزش به مردم در زمان بحرانهای اپیدمی بیماریهای واگیر از دیدگاه صاحبنظران: یک مطالعه کیفی. ۴۳۹

عنوان: تاثیرآموزش مبتنی بر تئوری رفتاربرنامه ریزی شده بر خود مراقبتی از عوامل خطر بروز بیماری‌های قلبی و عروقی، درسفیران سلامت مناطق روستایی مرکز بهداشت شماره یک مشهد ۴۴۱

نقش مدارس در ارتقاء سلامت ۴۴۳

بررسی وضعیت مصرف سیگار و عوامل مؤثر بر شروع و تداوم آن در جوانان تهرانی ۴۴۴
آگاهی از تغییرات وابسته به سن و عوامل موثر بر آن، در سالمندان و میانسالان شهرستان اسفراین در سال ۱۴۰۲ .... ۴۴۶
سنجش سواد سلامت وعوامل مرتبط با آن در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بم ۴۴۸
شناسایی دلایل تمایل اندک به فرزندآوری در زنان دارای تحصیلات تکمیلی (PhD): یک مطالعه کیفی در ایران ۴۵۰
بررسی شیوع بیماری های واگیر و غیرواگیر در دانش آموزان شهر کرمانشاه در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱ ..... ۴۵۲
بررسی شیوع پدیکلوزیس و عوامل مرتبط با آن در بین دانش آموزان دختر شهر کرمانشاه در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱ ..... ۴۵۳
بررسی تأثیر مداخله آموزشی بر وضعیت نمایه توده بدنی (BMI) دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر کرمانشاه در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱ ..... ۴۵۴
بررسی وضعیت نمایه توده بدنی (BMI) دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر کرمانشاه در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ .. ۴۵۶
آیا نوع مصرف میان وعده های غذایی کارکنان بیمارستانهای آموزشی دانشکده علوم پزشکی شوشتر، در کاهش استرس شغلی موثر است؟ ۴۵۷
بررسی دلایل عدم تاثیرگذاری پیام رسانه ی تلویزیون در هنگام سیل برق آسا در ساکنین شهر یزد ۴۵۹
بررسی تاثیر تغییرات آب و هوایی بر سلامت سالمندان: مرور دامنه ای..... ۴۶۱
بررسی تعیین‌کننده‌های غربالگری سرطان دهانه رحم: مطالعه‌ای مبتنی بر چارچوب حوزه نظریه‌ای..... ۴۶۴
بررسی باورهای مرتبط با انتخاب نوع زایمان در مادران باردار مراجعه کننده به مراکز جامع سلامت شهرستان ساوه ۴۶۶
بررسی سواد سلامت و رفتار مرتبط با بهداشت دهان و دندان در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ساوه ۴۶۸
تبیین چالش ها و موانع واکسیناسیون کووید ۱۹ در کودکان سنین ۵ تا ۱۲ سال: یک مطالعه کیفی ۴۷۰
مطالعه عوامل مؤثر بر پذیرش فناوری شبیه سازی آموزشی دیجیتال بر اساس مدل پذیرش فناوری (TAM) ۴۷۱
عنوان: سواد سلامت و کیفیت زندگی مرتبط با آن در سالمندان ۴۷۳
بررسی نقش مراقبین سلامت مدارس و ارتباط آن با سطح سلامت دانش آموزان ۴۷۵
چالش ها و موانع پیاده سازی محیط های ارتقا دهنده سلامت ۴۷۶
بررسی نقش خانواده و افراد مهم در پذیرش واکسن کووید ۱۹ بر اساس مدل های سلامت محور..... ۴۷۸
بررسی آگاهی، نگرش و عملکرد مردم در استان خراسان رضوی نسبت به واکسیناسیون کووید ۱۹ در سال ۱۴۰۰ ..... ۴۸۰
بررسی وضعیت سلامت جسمی و روانی سالمندان ساکن در خانه سالمندان استان چهارمحال و بختیاری ۴۸۲

تضاد زندگی خانوادگی و شغلی در میان پرستاران بیمارستان آموزشی-درمانی امام خمینی (ره) شهر اردبیل در طول پاندمی کرونا ۴۸۴

شایستگی های نوین مدیریت در نظام سلامت ۴۸۵

بررسی عوامل مرتبط با انجام رفتارهای حامی محیط زیست؛ مقاله مروری ۴۸۶

کاربردهایی از هوش مصنوعی در غربالگری بیماری های قلبی- عروقی در زنان سالمند: یک مطالعه حیطه ای ۴۸۸

عوامل موثر بر پیدایش و پیشگیری سوء تغذیه کودکان: یک مقاله مروری ۴۹۰

کاربرد الگوی اعتقاد بهداشتی در ارتقاء سلامت عمومی زنان یائسه شهرکرد ۴۹۲

دوره سالمندی و بیماری‌های نوروتروفیک ؛ یک مطالعه مروری ۴۹۴

بررسی تاثیر برنامه مراقبت های میانسالی بر کیفیت زندگی میانسالان شهرستان نهاوند ۴۹۶

بررسی میزان سطح آگاهی، نگرش و عملکرد زائران اربعین حسینی نسبت به پیشگیری از بیماری های رایج و اقدامات درمانی در سال ۱۴۰۲ ..... ۴۹۷

بررسی تأثیر آموزش مجازی بر رفتار های ارتقاء دهنده سلامت در جوانان: یک مرور سیستماتیک ۴۹۹

Assessment of Questionnaire of Physical Activity at Workplace Based on the Social Cognitive Theory (PAWPQ-SCT): A Psychometric Study in Iranian Gas Refinery Workers ۵۰۱

The relationship between the perception of aging and death anxiety in the elderly of Eastern Iran ۵۰۴

Sexual Health-Related Beliefs Among Couples in Marriage Based on the Health Belief Model ۵۰۶

Investigating the relationship between individual and organization fit and psychological empowerment and constructive thinking in medical personnel of Hospital in Behbahan city ۵۰۷

..... ۵۰۹

The effectiveness of the interaction between mothers and health care workers in changing the health behavior of female primary school students in Kermanshah city 2023-2022 ... ۵۰۹

Connor-Davidson Resilience Scale: A Systematic Review Psychometrics Properties using the COSMIN ۵۱۰

Fear of Progression in Iranian Breast Cancer Patients: a Validity and Reliability Evaluation ۵۱۲

۵۱۳ ..... Sedentary Behavior Among Employees

۵۱۵ ..... Prevalence of Caesarean Section and Reasons for Choosing it by Pregnant Women

The impact of Health Literacy on the management of Non-Communicable Diseases, ۵۱۷ ..... systematic review

Evaluation of Training Methods for the Public During Epidemic Outbreaks of Communicable Diseases from the Perspective of the Public in 1402: A Cross-Sectional ۵۱۹ ..... Study

Innovative Methods for Creating Health Education Programs to Deal with Health Crises: A ۵۲۱ ..... Systematic Review

Increasing old age people population and the risk of epidemic of infectious diseases in the ۵۲۲ ..... future of the country

۵۲۴ ..... The risk of developing snack foods

۵۲۶ ..... The need to use collective social media in the development of healthy eating culture

۵۲۸ ..... Investigating the mental health status of students in Kermanshah in 2022

Investigation of Cognitive Manifestations of Menopause in Postmenopausal Women under the Coverage of Comprehensive Health Centers in Saveh County: Application of the Self- ۵۲۹ ..... Regulation Model

The Impact of Artificial Intelligence on the Healthcare Workforce: Implications and ۵۳۱ ..... Challenges

۵۳۳ ..... The relationship between falls leading to fractures in the elderly and smoking

The Role of the Health Belief Model in Explaining Why Symptomatic Iranian Women ۵۳۴ ..... Hesitate to Seek Early Screening for Breast Cancer: A Qualitative Study

Explaining the experiences of crisis center managers from the challenges of human ۵۳۶ ..... resources in the covid-19 pandemic (A qualitative study)

۵۳۸ ..... Health Workforce Immigration, Factors and Outcomes

Investigating the relationship between factors influencing the acceptance of electronic health and its association with self-reported health and the role of individuals in promoting ۵۳۹ ..... self-health (A case study of elderly individuals in Mazandaran province2023)

Determinants of COVID-19 vaccination intention among the general population of Urmia city: an application of Health Belief Model ۵۴۱

A review of the relationship between health literacy and self-care behaviors in patients with hypertension ۵۴۳

Investigating the relation between institutional quality index and the burden of selected diseases in MENA Region in 2010-2019: A Cross-sectional study ۵۴۵

پنل بهداشت محیط ۵۴۷

ارزیابی ریسک سرطانزایی و غیرسرطانزایی مواجهه با آرسنیک در آب شرب استان قزوین ۵۴۸

آگاهی، نگرش و عملکرد زنان خانه دار شهر کرج در زمینه بازیافت مواد زائد جامد شهری در سال ۱۳۹۹ ..... ۵۵۰

بررسی تاثیر راهکار های کاهش آسیب های زیست محیطی و بهداشتی ناشی از تولید ریزگرد ها در شهرستان راور ۵۵۲

چالش حذف فلزات سنگین از محلول های آبی: استفاده همزمان از فرآیند فتوکاتالیستی و نانوذرات NiO جهت حذف کروم شش ظرفیتی ۵۵۳

بررسی کیفیت آب‌های زیرزمینی حوضه آبریز رودخانه کن با استفاده از شاخص‌های IRWQI و CCME-WQI ۵۵۵

مروری نظام‌مند بر روش‌های ارزیابی و تشخیص سریع آلاینده‌های موجود در شبکه‌های آبرسانی به منظور اجرای پدافند غیر عامل و افزایش امنیت شهری ۵۵۸

ارزیابی کیفیت پساب و لجن تصفیه خانه فاضلاب شهری زاهدان جهت استفاده مجدد ۵۶۰

بررسی کارایی فرآیند حذف رنگ از فاضلاب با بهره‌گیری ازنانوالیاف الکتروریسی شده (مطالعه مروری) ۵۶۲

برآورد گازهای محل دفن پسماندهای شهری با استفاده از نرم افزار LandGEM (مطالعهموردی: شهرستان قاین) ۵۶۴

بررسی تاثیر گازهای‌گلخانه‌ای ایجادشده در محل‌های‌دفن بر تغییرات آب‌وهوایی ۵۶۶

ارزیابی عملکرد کاتالیست اکسید فروفریک روی کربن فعال در تجزیه کاتالیستی استامینوفن تحت فرایند مبتنی بر رادیکال های سولفات و امواج فرابنفش ۵۶۸

بررسی میزان آگاهی، نگرش و عملکرد خانوارهای استان مازندران نسبت به مصرف صحیح آب در سال ۱۴۰۰ ..... ۵۷۰

انتشار فرمالدهید از فرآیند سرخ کردن: یک مرور سیستماتیک همراه با متاآنالیز و ارزیابی ریسک بهداشتی ۵۷۲

مروری برآلودگی هوای ناشی از سیگار و قلیان در داخل ساختمان ۵۷۴

بررسی میزان آگاهی ساکنین شهر تهران نسبت به نمایشگرهای "کیفیت هوای روزانه در سطح شهر": یک مطالعه توصیفی ۵۷۵

بررسی میزان برخی فلزات سنگین فیلتر سیگارت در ۸ برند پرمصرف ایران و مقایسه آن در نمونه های مصرف شده و مصرف نشده ۵۷۶

حذف رنگ اسید اورانژ ۷ (AO7) از محلول های آبی با استفاده از فناوری ازن زنی کاتالیزوری با حضور پراکساید کلسیم ۵۷۸

بررسی توزیع فضایی فلزات سنگین در خاک خیا بان های مختلف شهر دورود و ارزیابی ریسک اکولوژیکی و بهداشتی آنها ۵۷۹

مروری برکاربرد مدلسازی ریاضیات در رشته مهندسی بهداشت محیط ۵۸۲

بررسی میکروبی آلودگی باکتریایی و قارچی یخچال های یکی از مراکز آموزشی درمانی مشهد در سال ۱۴۰۱ ..... ۵۸۶

بررسی حذف میکروپلاستیک های پلی اتیلن و پلی استایرن با برگ کاهوی قرمزغنی شده از اسید تانیک در محلول های آبی ۵۸۸

ارائه و اولویت‌بندی استراتژی‌های مدیریت پسماند مراقبت‌های بهداشتی با استفاده از رویکرد SWOT و QSPM در زلزله کرمانشاه، ورزقان – اهر ۵۹۰

ارزیابی سریع و اولویت بندی خدمات بهداشت محیط در بلایا (زلزله کرمانشاه ۱۳۹۶) ۵۹۲

بررسی امکان بهینه سازی مصرف و کنترل هزینه‌های مواد شوینده و گندزدا در بخش غذا و نوشیدنی یک واحد اقامتی ۵۹۴

مروری بر تاثیر تغییر اقلیم بر سلامت انسان ۵۹۶

بررسی اثرات بهداشتی استرهای فتالات بر سلامتی انسان ۵۹۷

بررسی اثر استنشاقی گرد و غبار نانوذرات بنتونیت بر سطح سرمی مالون دی آلدئید و ظرفیت آنتی اکسیدانی تام در موش‌های صحرایی نر ۶۰۰

The Effect of an Educational Intervention Based on the Integrated Social Cognition Model (ISCM) on Waste Recycling at Source among Housewives in Lahijan City: A quasi-experimental study ۶۰۲

The effects of microplastics on different organs of the human body ۶۰۵

Effects of methyl tert-butyl ether (gasoline additive) on human health from 2000 to 2023: a systematic review ۶۰۷

The Role of Waste Management in Rabies Control ۶۰۹

Investigating the residual amount of nitrates in tomatoes, onions and potatoes available in fruit shops in Shahrekord ۶۱۱

The Interaction effects between COVID-19 pandemic and human ecological footprint .. ۶۱۳

Adsorption of lead(II) using bio adsorbent prepared from immobilized Gracilaria corticata algae: thermodynamics, kinetics and isotherm analysis ۶۱۵

Ecological risk assessment of heavy metals in urban dust in Iran (a systematic review and meta-analysis) ۶۱۷

Investigation of the effect of micro plastics on hematological indices of aquatic animals: A systematic review study ۶۱۸

Investigating the fungal contamination of animal manure ۶۲۰

Investigation of the removal of phthalate esters using photocatalysts ۶۲۱

Investigating the biodegradation of microplastics by fungal species ۶۲۳

Use of Saccharomyces cerevisiae as new technique to remove polystyrene from aqueous medium: modeling, optimization, and performance ۶۲۵

Monitoring drinking water chromium and its health risk in rural areas of Qazvin province ۶۲۷

پنل مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست ۶۲۹

بررسی بار بیماری منتسب به حوادث شغلی و تعیین روند مکانی- زمانی آن در ایران در بازه زمانی ۱۳۹۷-۱۳۹۲ ..... ۶۳۰

مروری سیستماتیک برمیزان کارایی تابلوهای ایمنی وعلائم راهنما در اصلاح رفتار ناایمن و پیشگیری از حوادث با رویکرد ارگونومی شناختی : بومی سازی علائم راهنما در ایران ۶۳۲

بررسی اثربخشی آموزش اصول بهداشت شغلی در رانندگان تاکسی درون‌شهری استان تهران در سال ۱۴۰۰ ..... ۶۳۴

تاثیر صدای فرودگاه بر سلامتی و عملکرد کارکنان فرودگاه ۶۳۶

فرسودگی شغلی در کادر درمان بیمارستان های تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی ۶۳۸

شناسایی مخاطرات و مدیریت ریسک و بررسی اثر آن بر نرخ حوادث شغلی در یکی از صنایع فولادی ۶۳۹

بررسی اضطراب ناشی از کرونا و ارتباط آن با عملکرد شغلی در کارکنان ایران ۶۴۱

طراحی محیط کار با به کارگیری مهندسی ارگونومی و محیط زیستی در صنعت سیلیس ۶۴۴

بررسی تاثیر آموزش مباحث ایمنی در کاهش حوادث شغلی؛ یک مطالعه‌ی مروری ۶۴۶

بررسی ارتباط مالکیت روان شناختی با پذیرش ایمنی و مشارکت ایمنی در کارکنان یک واحد صنعتی ۶۴۸

ارزیابی ایمنی پارک های شهر اصفهان: مطالعه موردی ۶۵۰

بررسی دیدگاه پرستاران اتاق عمل و هوشبری در رابطه با مهارت های کار تیمی در بیمارستان های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی جهرم ۶۵۲

مکان یابی محل دفن پسماند شهر زرند درمحیط سیستم اطلاعات جغرافیایی(GIS) ۶۵۴

Interventions for resuscitation following drowning in children: A scoping review ۶۵۶

Environmental impact, and resilience of renewable energy ۶۵۸

The application of machine learning and deep learning algorithms in the diagnosis and prevention of ADHD ۶۶۱

Asset integrity indicators in HSE management: a systematic review ۶۶۳

Artificial Intelligence Literacy Among Healthcare Professionals and Students: A Systematic Review ۶۶۵

پنل سلامت در بلایا و فوریت ها ۶۶۷

استراتژی های کاهش اثرات مرتبط با تغییر اقلیم ۶۶۸

بررسی تاثیر فرسودگی شغلی بر عملکرد شغلی در تکنسین های فوریت پزشکی دانشکده علوم پزشکی اسفراین در سال ۱۴۰۰ ..... ۶۶۹

بررسی سلامت در بلایای طبیعی: آسیب‌ها، چالش‌ها و راهکارها ۶۷۱

بررسی عوامل تعیین کننده استفاده از صندلی کودک در خودرو ۶۷۳

بررسی رفتارهای غیر ایمن عابرین پیاده در گروه های سنی مختلف ۶۷۴

ویژگی نظام های طبقه بندی دارویی در ایمنی ترافیک: یک مطالعه تطبیقی ۶۷۵

بررسی رفتار ترافیکی عابرین پیاده دانشجو ۶۷۶

چالش‌های مراقبت پرستاری از راه دور در بلایا ۶۷۷

بررسی میزان تاب آوری بهورزان شاغل در خانه های بهداشت در دوران پاندمی کووید ۱۹ ..... ۶۷۹

ضرورت آموزش مهارتهای بالینی به کارشناسان بهداشت در مواجه با شرایط اضطراری؛ یک مرور نظاممند ۶۸۰

چالش های مدیریت بلایا در حوادث با مصدومین انبوه: مطالعه مروری ۶۸۲

نقش کلان داده ها در مدیریت بلایا: یک مطالعه مروری ۶۸۳

انواع تریاژ در حوادث بیوتروریسم، یک مطالعه مروری ۶۸۴
بررسی فراوانی و علل خطاهای پزشکی دربیمارستان شهید مصطفی خمینی(ره) ایلام در سال ۱۴۰۱ ..... ۶۸۵
ارزیابی عملکرد سازه ای، غیرسازه ای و عملکردی بیمارستان شهید مصطفی خمینی ایلام در سال ۱۴۰۲ ..... ۶۸۷
چگونه هوش مصنوعی سیستم های هشدار اولیه را تحت تاثیر قرار می دهد؟ : یک مطالعه مروری ۶۸۹
راهبرد های پیشگیری و کاهش صدمات حوادث ترافیکی: یک مطالعه مروری ۶۹۱
اهمیت توجه به مشاوره غیر حضوری تغذیه در درمان بیماران قلبی ۶۹۳
نقش پزشکی از راه دور در افزایش کارآیی فوریت های پزشکی در مدیریت بلایا ۶۹۵
چالش ها و راهکارهای مرتبط با داوطلبین تخصصی ارائه دهنده خدمات سلامت در اربعین سال ۱۴۰۱ ..... ۶۹۷
ارایه خدمات سلامتی در مراکز آموزشی و درمانی و بیمارستانهای وابسته به دانشگاه علوم پزشکی ایلام در اربعین ۱۴۰۱: چالش ها و راهکارها ۶۹۹
تاب آوری نظام سلامت در پاسخ به سیل ۱۳۹۸ در استان گلستان ۷۰۱
بهره گیری از بیمارستان های با فناوری پیشرفته هوش مصنوعی در مراقبت از بیماران پس از بلایا..... ۷۰۳
تجزیه و تحلیل زنجیره حادثه با مصدومین انبوه در سایت دفن زباله برمشور شیراز و درس آموخته های آن..... ۷۰۵
تجارب تکنسین های اورژانس از مشارکت اجتماعی در حوادث..... ۷۰۷
تبیین مدل تاب‌آوری زنجیره تأمین دارو و لوازم مصرفی در زمان بلایا در ایران ۷۰۸
Public Health Challenges in Emergencies and Disaster Scenarios: a systematic review .. ۷۰۹
Artificial Intelligence in Emergency and Disaster Management: Challenges and Benefits - A Systematic Review ۷۱۱
Preparedness of Hospitals against Natural Disasters: A Review ۷۱۳
Systematic Review of the use of explainable artificial intelligence (XAI) in crisis and disaster management ۷۱۵
The necessity for an integrated Emergency Operation Center (EOC) among First responders: Lesson learned from two Iranian railway accidents ۷۱۷
Application of artificial intelligence in the prevention of chemical accidents ۷۱۸
Strengthening primary health care in responding to communicable disease outbreaks: providing policy options for Iran ۷۲۰

عکس نگار.....۷۲۱

متون سخنرانی دومین کنگره بین المللی و پانزدهمین دوره از همایش دانشجویی تازه‌های علوم بهداشتی

پنل ملی اپیدمیولوژی

رابطه بین شاخص های آزمایشگاهی و احتمال تجمعی رخداد عارضه بیماری دیابت نوع ۲ با استفاده از آنالیز بقاء

مصطفی پیوند[۱]، حسین انصاری[۲]، ابوالفضل پاینده[۳]

۱-کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان ایران
۲- استاد اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان ایران
۳- استادیار آمار زیستی،گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان ایران

چکیده

زمینه و هدف: دیابت یکی از بیماری های مزمن و شایع ترین بیماری مرتبط با متابولیسم در انسان است، شاخص های آزمایشگاهی یکی از عواملی است که اطلاع از آن در تعدیل و یا افزایش عوارض بیماری دیابت تاثیر گذار است. هدف این مطالعه تعیین رابطه بین شاخص های آزمایشگاهی و احتمال تجمعی رخداد عارضه بیماری دیابت نوع ۲ با استفاده از آنالیز بقاءمی باشد.

مواد و روش ها: این مطاله از نوع کوهورت تاریخی به روش آنالیز بقا بوده که به صورت توصیفی تحلیلی در سال ۱۳۹۹ انجام شد. حجم نمونه لازم۴۱۰ بیمار برآورد شد. داده ها با استفاده از نرم افزارSpss- v21 و با استفاده از آزمون های توصیفی و سپس از روش کاپلان مایر و مدل خطرات متناسب کاکس بقا محاسبه شد.

نتایج: بیشترین عوارض بیماران مربوط به رخداد عارضه قلبی۱۲۲ نفر(۲۹/۷۶ ٪) و پس از آن عارضه بینایی با ۱۰۳ نفر (۲۵/۱۳ ٪) می باشد. و کمترین عوارض مربوط به عارضه نوروپاتی با ۱۸ نفر(۴/۰ ٪) و پس از آن پای دیابتی ۲۵ نفر(۶/۰۹ ٪) بود. آزمون لوگ رتبه ای (Log- Rank) نشان داد میانه زمان بقاء (ماه) رخداد عوارض با متغیرهای قند خون ناشتا، فشار خون، سیستولیک، چربی خون ارتباط دارد میانه زمان بقاء(ماه) رخداد عارضه دیابت با متغیرهای، قند خون ناشتا، قند خون دوساعته و A1C و چربی خون بالا ارتباط دارد (P<۰/۰۵). در عوارض بیماران دیابتی متغیر های قند خون ناشتا، چربی خون و مراجعه منظم در مدل نهایی رگرسیون کاکس چند گانه باقی مانده اند.

نتیجه گیری: بر اساس یافته های مطالعه حاضر میانگین فاکتورهای آزمایشگاهی بیماران در وضعیت نامطلوب قرار داشت که نیازمند مداخلات جدی در این زمینه می باشد. سطح مراقبت بیماران دیابتی چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی در وضعیت چندان مطلوبی قرار نداشت و با استاندارد های کشوری فاصله وجود دارد. با تشخیص زودرس دیابت و کنترل عوامل تسریع کننده ابتلا به دیابت و درمان های موثر و به موقع، می توان پیشرفت بیماری را در این بیماران کاهش داد و می تواند در زمینه راه های پیشگیری و درمان این بیماران و جلوگیری از ضایعات و عوارض بعدی ابتلا به دیابت در این مبتلایان مورد استفاده واقع شود.

واژگان کلیدی: *دیابت، عوارض، آنالیز بقاء*

نحوه سرپرستی افراد در دوران کودکی عامل خطری برای بروز افکار خودکشی در آینده است

سعید فلاح[۱]، وحیده رئیسی[۲]، ملیحه مهدوی[۳]، فاطمه فلاح[۴]

۱- دکتری تخصصی اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، مرکز بهداشت شهرستان کردکوی

۲- پزشک عمومی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، مرکز بهداشت شهرستان کردکوی

۳- کارشناس بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، مرکز بهداشت شهرستان کردکوی

۴- دانشجوی دوره کارشناسی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان

چکیده

زمینه و هدف: خودکشی یک رفتار چند علیتی پیچیده و یک نگرانی جهانی هم از جنبه اجتماعی و هم از جنبه سلامتی است. افکار خودکشی که اغلب ایده های خودکشی نیز نامیده می شود، اصطلاح گسترده ای است که برای توصیف طیفی از تفکرات، آرزوها و مشغله های فکری مرتبط با مرگ و خودکشی استفاده می شود. گرچه همه افرادیکه افکار خودکشی دارند اقدام به خودکشی نمی نمایند اما نسبت به سایرین در معرض خطر بسیار بالاتری از نظر اقدام به خودکشی و مرگ از خودکشی قرار دارند. کودکان بی سرپرست و بد سرپرست از جمله گروه های آسیب پذیر جامعه هستند که نیازمند توجه در ابعاد گستره اجتماعی و سلامتی می باشند. لذا این مطالعه با هدف بررسی نقش "نحوه سرپرستی افراد در دوران کودکی و نوجوانی" در تجربه افکار خودکشی طراحی و اجرا شد.

مواد و روش ها: مطالعه از نوع تحلیلی با طراحی مقطعی بوده و بر روی ۴۲۲ نفر از جمعیت ۶۵-۱۵ ساکن استان گلستان که با روش نمونه گیری تصادفی سیستماتیک انتخاب شده بودند، انجام شد. تمایل جهت شرکت در مطالعه، داشتن حداقل ۱۵ سال سن و نداشتن بیش از ۶۵ سال معیار ورود به مطالعه بود. جمع آوری داده ها با استفاده از چک لیست محقق ساخت و توسط روانشناسان آموزش دیده به روش مصاحبه تلفنی انجام شد. پس از ورود داده ها به نرم افزار SPSS و پاکسازی داده ها، آنالیز داده های گمشده انجام و داده های گمشده با استفاده از الگوریتم EM جانهی شد. برای توصیف داده ها از شاخص های نسبت، میانگین و انحراف معیار و برای تحلیل تک متغیره از آزمون های کای دو، تی مستقل و من ویتنی یو و برای تحلیل چند متغیره از رگرسیون لوجستیک استفاده شد.

نتایج: میانگین سنی افراد تحت مطالعه 12.01± 32.89 سال بود. اکثریت افراد متاهل بوده (52.07 درصد) و در یکی از شبکه‌های اجتماعی مجازی عضویت داشتند. اقلیتی از افراد تحت مطالعه (11.8 درصد) بی سواد یا کم سواد بودند و اکثریت آنان از سطح تحصیلات متوسطه (45.13 درصد) و آکادمیک (43.07 درصد) برخوردار بودند. متغیرهای سن محل زندگی، سطح تحصیلات، دست غالب، بعد خانوار، میانگین درامد خانوار، فشار خودن سیستولیک، ناتوانی و معلولیت، مصرف دراز مدت داروهای غیر روانپزشکی، شاخص توده بدنی، فعالیت در فضای مجازی، عدم رضایت از زندگی و عدم رضایت از جایگاه اجتماعی، ارتکاب

خشونت، سابقه اعتیاد در خانواده، میزان خواب روزانه و ورزش عوامل موثر در بروز افکار خودکشی بودند که پس از تعدیل اثر آنان متغیر نحوه سرپرستی رابطه معنی داری با بروز افکار خودکشی داشت. (OR=3.59, CI: 1.94-6.62)

نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر نشان داد افرادی که در دوران کودکی و نوجوانی تحت سرپرستی افرادی غیر از پدر و مادر قرار دارند در مقایسه با افراد تحت سرپرستی والدین بیولوژیک خود شانس بالاتری برای تجربه افکار خودکشی داشتند. لذا در معرض خطر بالاتری برای اقدام به خودکشی و خودکشی بوده و نیازمند خدمات ویژه غربالگری و احتمالا درمانی می باشند.

واژگان کلیدی: *افکار خودکشی، سرپرستی کودکان، رگرسیون لوجستیک*

ابتلا به عفونت کووید-۱۹ در دوران بارداری و کم وزنی هنگام تولد؛ مطالعه کوهورت تاریخی

مبینا صیادی زاده،[۱] احسان موسی فرخانی[۲]، زهرا امیری[۲]، محسن دهقانی[۲]

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

۲- گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

چکیده

زمینه و هدف: وزن کم هنگام تولد (Low Birth Weight; LBW) یک مشکل جدی سلامت عمومی در کشورهای با درآمد کم و متوسط و یکی از علل اصلی مرگ و میر در ماه اول زندگی می باشد. بر اساس مطالعات مرور سیستماتیک، شیوع LBW (وزن کمتر از ۲۵۰۰ گرم) در سال ۱۳۹۵ و همچنین در سال ۱۳۹۹، حدود ۸ درصد در ایران برآورد شده است. میزان مرگ و میر در نوزادان LBW، 20 در ۱۰۰۰ تولد زنده تخمین زده شده است. وزن کم هنگام تولد با برخی از عوامل مرتبط است که ممکن است این عوامل به عنوان عوامل خطر در نظر گرفته شوند. این عوامل شامل وضعیت اقتصادی-اجتماعی پایین (محل سکونت، شغل مادری، تحصیلات مادر)، سن بالا هنگام زایمان و سایر عوامل بالینی و زمینه ای می باشد. در این راستا، هدف مطالعه حاضر، بررسی تاثیر ابتلا مادر به بیماری کووید-۱۹ در دوران بارداری بر روی وزن کم هنگام تولد نوزادان می باشد.

مواد و روش ها: پژوهش حاضر یک مطالعه کوهورت تاریخی می باشد که در آن ۴۹ مادر مبتلا به کووید ۱۹ در دوران بارداری در فروردین ۱۴۰۰ به عنوان گروه مواجهه دار و ۴۱۷۸ مادر به عنوان گروه مقایسه (عدم ابتلا به کووید ۱۹) در فروردین ۱۳۹۸ انتخاب شدند. داده ها از سامانه یکپارچه اطلاعات (سامانه سینا) معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مشهد استخراج شد. بعد از غربالگری و آماده سازی داده ها، نوزادان نارس از مطالعه حذف شدند. مقایسه متغیرها شامل جنس نوزاد، سن در هنگام زایمان، نحوه زایمان، تحصیلات، شغل مادر و محل سکونت با وزن کم هنگام تولد در تجزیه و تحلیل تک متغیره بین دو گروه انجام شد. بمنظور تعیین اثرات مستقل هر متغیر بر پیامد (LBW) و همچنین کنترل عوامل مخدوش کننده احتمالی از مدل رگرسیون لجستیک چندگانه با رویکرد انتخاب گام به گام رو به جلو جهت برآورد نسبت شانس تطبیق یافته (Adjusted Odds Ratio; AOR) با فاصله اطمینان ۹۵٪ (95% CI) استفاده شد. داده ها با استفاده از نرم افزار Stata نسخه ۱۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: میانگین وزن هنگام تولد نوزادان پسر و دختر تفاوت نداشت (وزن نوزادان پسر: ۳.۲۸ کیلوگرم در مقابل وزن نوازادان دختر: ۳.۱۵ کیلوگرم). میانگین سنی در هنگام زایمان ۶/۸ ± ۳۱ سال بود و تفاوتی بین دو گروه مواجه دار و بدون مواجهه مشاهده نشد (P =۰/۱۳۱). فراوانی سزارین از ۴۰ درصد در فروردین ۱۳۹۸ به ۵۹ درصد در فروردین ۱۴۰۰ افزایش یافته بود (p=۰/۰۰۷). همچنین نسبت زندگی در کلانشهرها (۳۷٪ در مقابل ۲۰٪)، مادرانی که در هنگام زایمان بالاتر از ۳۵ سال سن داشتند (۴۰٪ در مقابل ۲۷٪) و مادران شاغل (۳۷٪ در مقابل ۲۱٪) پس از اپیدمی کووید-۱۹ افزایش یافته بود. تجزیه و تحلیل تک متغیره نشان داد، نوزادانی که در حاشیه شهر متولد شده اند وزن کمتری نسبت به نواحی دیگر داشتند، اما این اختلاف از

نظر آماری معنی دار نبود (p=۰/۱۵۷). همچنین بین شغل مادر و تحصیلات با LBW ارتباطی وجود نداشت. فراوانی LBW در نوزادان دختر نسبت به نوزادان پسر بیشتر بود (۳٪ در مقابل ۲٪، p<۰۰۱). شیوع LBW در مادران سالم ۲.۴٪ و در ماردان مبتلا به کووید ۱۹ حدود ۸.۲٪ بود (p=۰/۰۱۱). شانس وزن کم هنگام تولد برای نوزادانی که از مادران مبتلا به کووید-۱۹ در دوران بارداری متولد شده بودند، ۳.۵ برابر بیشتر از مادران سالم بود Crude OR =3.55, 95% CI (1.25 to 10.10). در همین راستا، پس از کنترل عوامل مخدوش کننده و تاثیرگذار بر پیامد مانند جنسیت نوزاد، نوع زایمان، سن در هنگام زایمان و عوامل اجتماعی-اقتصادی مادر، شانس LBW همچنان بطور معنی داری در مادران مبتلا به کووید ۱۹ بیشتر از مادران سالم بود Adjusted OR=3.24, 95% CI (1.17 to 9.56).

نتیجه گیری: تولد نوزادان با وزن کم هنگام تولد به عنوان یکی از پیامد های نامطلوب بارداری، در مادران مبتلا به کووید-۱۹ بیشتر بود و یافته های مطالعه از تاثیر معنی دار ابتلا مادر به این بیماری بر روی LBW حمایت می کردند. همچنین، نسبت LBW در نوزادانی که در حاشیه شهر به دنیا آمده اند، نسبت به سایر مناطق شهری و روستایی بیشتر مشاهده شد. نتایج مطالعه حاضر می تواند برای برنامه ریزی جهت افزایش مراقبت های دوران بارداری، آموزش مراقبین سلامت و مادران باردار مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: *کووید-۱۹، وزن کم هنگام تولد، دوران بارداری، عوامل خطر، مشهد*

ارزیابی بقا و عوامل موثر بر بقا در مبتلایان به کووید ۱۹ بستری در استان فارس در جنوب ایران: مطالعه مبتنی بر بیمارستان(۱۳۹۸–۱۴۰۰)

لیلا مفتخر[۱] ، سید سینا دهقانی[۲]، محمدرضا کریمی[۳]، علیرضا میراحمدی زاده[۴]

۱- دانشگاه علوم پزشکی آبادان، آبادان، ایران

۲- دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

۳- معاون فنی معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

۴- مرکز تحقیقات بیماری‌های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

چکیده

زمینه و هدف: بیماری کووید ۱۹ یک بیماری عفونی با قدرت سرایت بسیار بالا است،که تهدید جدی برای سلامت در سرتاسر جهان می‌باشد. مطالعات اپیدمیولوژیک گزارش نموده‌اند که حدود ۶ تا ۱۰٪ بیماران به شکل شدید بیماری مبتلا می‌شوند. علاوه بر این میزان میرایی در مبتلایان به فرم شدید بیماری بالاتر می‌باشد. میزان میرایی کلی ناشی از کووید ۱۹، ۰/۲۵٪ گزارش شده است. سرعت انتقال بالای کووید ۱۹ منجر به بروز بالای بیماری و متعاقب آن افزایش موارد مرگ می‌شود (۳۳) و عوامل متعددی می‌توانند در افزایش موارد مرگ نقش داشته باشند. بنابراین ارزیابی میزان مرگ و میر و تعیین کننده‌های آن در طول یک دوره پیگیری می‌تواند نقش حیاتی برای تعیین استراتژی‌های کاهش مرگ و میر و تعیین اولویت‌های پیشگیری و کنترل کووید ۱۹ داشته باشند. این مطالعه با هدف برآورد میزان بقا و عوامل موثر بر آن در مبتلایان به کووید ۱۹ بستری شده در استان فارس در جنوب ایران انجام شد.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر یک مطالعه آینده‌نگر مبتنی بر بیمارستان می‌باشد که بر ۱۱۹۴۲۹بیماری که کووید۱۹در آنها تشخیص داده شده بود و از ۳۰ بهمن ۱۳۹۸ تا ۱۵ اسفند ۱۴۰۰ در بیمارستان‌های تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شیراز بستری شده بودند، انجام شده است. در این مطالعه افراد از زمان بستری شدن در بیمارستان تا زمان ترخیص تحت پیگیری بودند و و ضعیت آنها از نظر بقا در زمان ترخیص یا مرگ در طول مدت بستری ثبت شده است. بقا بیماران به عنوان بهبودی وضعیت عمومی و علایم تنفسی، نداشتن تب به مدت حداقل سه روز، اسکن قفسه سینه بهبود یافته و یا حداقل داشتن یک نمونه سوآپ حلق و بینی منفی تعریف شده است. تمامی اطلاعات مورد نیاز این مطالعه از طریق سیستم پورتال مرکز مدیریت، کنترل و پیشگیری از کووید ۱۹ دانشگاه علوم پزشکی شیراز استخراج شده است. اطلاعات استفاده شده در این مطالعه شامل: اطلاعات دموگرافیک از جمله سن، جنس، مصرف سیگار، اپیوم و شغل(بهداشتی و غیربهداشتی)، اطلاعات بیمارستانی و بالینی (نتیجه تست پی سی آر، انجام سی‌تی‌اسکن قفسه سینه، اینتوبه شدن و بستری در بخش آی سی یو) می‌باشد. علاوه بر این علایم بالینی بیمارن از جمله: تب، سرفه، سردرد، سرگیجه، اسهال، تهوع، دیسترس

تنفسی و تهوع و همچنین بیماری‌های زمینه‌ای افراد از جمله بیماری‌های قلبی‌وعروقی، دیابت، فشارخون بالا، بیماری مزمن کلیه، بیماری مزمن کبد، آسم و سرطان‌ها مورد بررسی قرار گرفتند. متغیر پیامد در این مطالعه وضعیت بقا و مرگ افراد در طی دوره زمانی بستری بود. مدت زمان پیگیری افراد در این مطالعه به روز حساب شده است. افرادیکه در زمان ترخیص از بیمارستان پیامد مورد نظر(مرگ) برای آنها رخ نداده است به عنوان سانسور راست در نظر گرفته شدند. تراکم بروز رخداد مرگ در مبتلایان کووید ۱۹ که بستری شده بودند بر حسب شخص-روز محاسبه شد. جهت شناسایی متغیرهای پیشگویی کننده مرگ در بیماران مبتلا به کووید ۱۹ از مدل رگرسیون کاکس استفاده شد. تمامی آنالیزها در نرم افزار آماری STATA ورژن ۱۳ انجام شدند. سطح معنی داری برای تمامی آنالیزها ۰/۰۵در نظر گرفته شد.

نتایج : میانگین سنی بیماران تحت بررسی در این مطالعه ۲۱/۴۷±۵۱/۵۶ سال بود. مردان ۵۱/۴٪ افراد تحت مطالعه را تشکیل می‌دادند و تعداد ۱۰۷۳۲ (۹٪) مورد مرگ در طول مدت مطالعه رخ داد. کل افراد تحت مطالعه برای مدت ۶۳۶۵۸۸ روز تحت پیگیری قرار گرفتند و تراکم بروز مرگ در این افراد ۱۶/۸۵ در هر هزار شخص–روز براورد گردید. موارد مرگ به طور معنی‌داری در گروه ۵۰ تا ۷۴ سال در زنان (۵۰٪/۵) و مردان (۳۹٪/۵) بیشتر از سایر گروه‌های سنی بود. شیوع بستری در بخش مراقبت‌های ویژه (۳۹/۳٪) و اینتوبه شدن (۴۸٪/۵) در زنانی که در طول دوره مطالعه دچار مرگ شده بودند از زنان زنده مانده به طور معنی‌داری بالاتر بود. در مردانی نیز که در طول دوره مطالعه دچار مرگ شده بودند نیز موارد بستری در بخش مراقبت های ویژه(۳۶٪/۲) و اینتوبه شدن (۴۷٪/۶) بیشتر از مردان زنده مانده بود. نتایج حاصل از رگرسیون چندگانه کاکس نشان داد که پس از سن بالا، اینتوبه شدن قویترین عامل‌خطر برای مرگ در این افراد می‌باشد به طوریکه خطر مرگ در افرادیکه اینتوبه شده بودند ۳/۴ برابر افرادی بود که اینتوبه نشده بودند(HR۳/۴ .95%CI: ۳/۲۲-۳/۶۴) . علاوه بر این خطر مرگ در افراد با شواهد رادیولوژیک درگیری ریه ۱/۵برابر(HR۱/۵ .95%CI: ۱/۳۵-۱/۷۴)، افراد بستری شده در بخش آی سی یو ۱/۳ برابر(HR۱/۲۴ .95%CI: ۱/۱۷-۱/۳۵) بود. همچنین خطر مرگ در افراد بالای ۷۵ سال ۵/۶۱ برابر ، افراد ۵۰ تا ۷۴ سال ۲/۸۹ برابر و در افراد ۲۵ تا ۵۰ سال ۱/۶ برابر افراد زیر ۲۵ سال بود (P.V<۰/۰۰۱). از نظر علایم بالینی خطر مرگ در افراد با دیسترس تنفسی ۱/۳۶ برابر بود. در مطالعه حاضر خطر مرگ در مبتلایان به بیماری‌های قلبی‌وعروقی ۱/۱۵ برابر، در دیابتی‌ها ۱/۱۲ برابر،و در بیماران مزمن کبدی ۱/۴ افراد غیر مبتلا بود.

نتیجه گیری: تراکم بروز ۱۶/۸۵ مورد در هر هزار شخص روز برآورد گردید. خطر مرگ در افراد با سن بالا، در مردان، و در افراد بستری شده در آی سی یو و اینتوبه شده و همچنین افراد دارای بیماری‌های زمینه‌ای از جمله بیماری‌های قلبی وعروقی، دیابت و بیماری کبد بیشتر است. بنابراین کنترل دقیق و انجام مراقبت‌های اصولی برای این بیماران یک امر اساسی و ضروری می‌باشد. با توجه به اهمیت بیماری، لزوم تامین تجهیزات ضروری برای درمان مبتلایان به خصوص سالمندان وافراد دارای بیماری زمینه‌ای برای اجتناب از پیش آگهی بد بیماری و ایجاد پیامدهای نامطلوب ضروری است. نتایج این پژوهش به سیاستگزاران بهداشتی برای تدوین استراتژی‌های اثر بخش در راستای کاهش میرایی ناشی از کوید ۱۹ کمک خواهد نمود. مطالعه ما یک مطالعه آینده نگر بود که حجم وسیعی از افراد را تحت بررسی قرار داده است و نسبت به بسیاری از مطالعات دیگر حجم نمونه بالاتری داشت. همچنین اطلاعات بیماران به طور کاملا دقیق تحت نظارت کمیته کرونا استان فارس جمع اوری شده اند. اما به هر حال ما به تاریخ دقیق زمان شروع علائم افراد دسترسی نداشتیم و از وضعیت بیماران پس از ترخیص اطلاعی نداشتیم.

واژگان کلیدی : *بقا، کووید ۱۹، میرایی، عوامل خطر، ایران*

Burden of cancer statistics in western Iran: a population-based study

Ali Khorshidi[1,2], Ghodratolah Heydari[3], Hassan Nourmohammadi[4], Roya Farokhi[5]

1-Health and Environment Research Center, Ilam University of Medical Sciences, Ilam, Iran

2-Department of Epidemiology, School of Health, Ilam University of Medical Sciences, Ilam, Iran.

3-Department of Epidemiology, School of Health, Ilam University of Medical Sciences, Ilam, Iran.

4-Department of Internal Medicine, School of Medicine Shahid Mostafa Khomaeini Hospital, Ilam University of Medical sciences, Ilam, Iran

5-Department of Health, Health Systems Research, Health Research Institute, Babol University of Medical Sciences, Babol, Iran, Iran

Abstract

Introduction*:* Cancer is one of the leading causes of death worldwide. The valid information are key factors for health policy-makers to determine the priorities of health challenges. This study, was conducted to provide quantitative estimations of Years of Life Lost (YLL) due to all cancers over a 5-year period in the western (Ilam province) of Iran.

Materials and Methods*:* Cancer mortality cases during the five years period (2013 to 2017) were extracted from the National Mortality Registration System. Demographic data were obtained from Statistical Center of Iran. The International Classification of Diseases and Injuries coding system (ICD-10) were used. We estimated incidence mortality rates and also calculated YLL and YLL rates of cancers by sex and age groups using standard life expectancy.

Results: A total Of 1425 deaths 826 (58% men) due to cancer occurred in study period. The YLL due to cancers was estimated 32057 years, of which 17418 (54.3%) were for men. Stomach, lung, and Central Nervous System (CNS) cancers accounted for the highest levels of YLL in both sexes, respectively. In men, the most burden was related to stomach, lung, and leukemias cancers and in women to Stomach, breast, and CNS. The age group of 45-59 years had the highest rate of cancer-related YLL.

Conclusion: This study revealed a temporal trend of increasing burden due to cancer. Stomach cancer accounted for greatest burden in both sexes, followed by lung cancer in men and breast cancer in women. Preventive measures such as screening programs, especially in high-risk groups, are recommended.

Keywords*: Cancer, Ilam, Burden,*

پنل بین الملل اپیدمیولوژی

International Epidemiology Panel

Workers Life Satisfaction: Development Of A Predictive Model Using Data Base On Workers

Sarmad H.Abed[1] Luay M.Mohammed[2] Mohammed A.Jalal[3] Dr. Sayed Saeed Hashemi Nazari[4]

1- Epidemiology, PHS, SBUM, Wasit, Iraq.

2- Epidemiology, PHS, SBUM, Kirkuk, Iraq.

3- Epidemiology, PHS, SBUM, Wasit, Iraq.

4- Epidemiology, PHS, SBUM, Tehran, Iran.

Abstract

Introduction: Life satisfaction, or 'satisfaction with life', has been defined as a cognitive evaluation of overall satisfaction with an individual's current life, relative to the individual's own criteria of what a satisfactory life is (Diener et al., 1985). Life satisfaction is widely regarded as a key measure of subjective wellbeing (OECD 2013, Dolan, P et al 2012, Brown D et al 2012), and is one of the most predominant measures of wellbeing per se. Measures of life satisfaction are appealing to policy makers because they are understandable and have been, and are still, used extensively in international surveys (Donovan, N et al 2002).

Life satisfaction measures are subjective global assessments - they assess respondents' own views of how their life is going for them. The measures are highly subjective in that respondents must draw on their own individual views of what is important in life to judge how their life measures up. This ability to incorporate a wide range of views on what is important in life is a key reason for some researchers to view life satisfaction as the most important measure of subjective wellbeing (Vander Weele et al 2021). Individual life satisfaction items have demonstrated consistently high correlations with a broad range of much more complex measures of wellbeing, including objective measures (OECD 2013, Vander Weele et al 2021, Cheung F et al 2014).

Methodology: The data came from inventory of survey questions on the quality of the working environment to investigate several characteristics of the Chilean workers (OECD 2012). Where about 30% of population centers (i.e., cities and towns) and regions were selected proportionately from the total of 1500 sampled individuals to represent total workers in the Greater Santiago region - Chile.

The data analysis was calculated with the statistical program SPSS version 26. First method: We modeled worker life satisfaction, by a multiple linear regression model was executed

through the stepwise of variables method and the covariance of selected features was confirmed by the variance inflation factor (VIF). With second method, we use logistic regression as the predictive analysis to assigning observations to an individual set of classes. We used class probabilities to predict the binary outcome based on life satisfaction. The receiver operating characteristic curve (ROC) and the area under the ROC curve (AUC) were calculated to validate the performance of the predicting model.

Results: The distribution of life satisfaction for all participants across age and gender showed a greater frequency of life satisfaction in the 15-48 age group than in the other age group, and more in females than in males. The correlation between the life satisfaction and some variables was addressed. In this process, it was found that life satisfaction is a high direct correlation with the variables education, quality of life in now, self-confidence level, overall state of health and anxiety status; a low and a moderate direct correlation with the variables marital status, eat 3 regular meals a day, physical activity, quality of life at age 18, smoking and depression ($P<0.0001$ and 0.0005).

Discussion: The results of multiple linear regression analysis showed a significant chained mediation model, and self-confidence level index was a significant determinant of life satisfaction with a p-value greater than 0.05, and beta value also had a positive sign, as expected, the difference in life satisfaction over an employee with a level of self-confidence and not a level of self-confidence is 9.4 units given that other variables are constant, which agrees with the previous study on cross-cultural associations of life satisfaction and self-esteem (Diener, E., & Diener, M. 1995).The results from binary logistic regression showing the odds of having satisfaction with life for workers. The odds ratio, which is reported as the exponential of B or Exp(B), presents the marginal change in the probability of falling in the category of dissatisfaction with life.

Conclusion: The results of this study provide a basis for developing effective strategies to screen workers and employees at influence for life satisfaction and to develop preventive interventions targeting these workers. Efforts like these will help create a great “living environment,” and in turn, lead to healthier workers in the future.

References:

• Diener, E. D., Emmons, R. A., Larsen, R. J., and Griffin, S. (1985). The satisfaction with life scale. J. Pers. Assess. 49, 71–75. doi: 10.1207/s15327752jpa4901_13.

• VanderWeele, T.J.; Trudel-Fitzgerald, C.; Allin, P.; Farrelly, C.; Fletcher, G.; Frederick, D.E.; Hall, J.; Helliwell, J.F.; Kim, E.S.; Lauinger,W.A.; et al. Current

Recommendations on the Selection of Measures forWell-Being. In Measuring Well-Being; Oxford University Press: Oxford, UK, 2021; pp. 501–520.

- Donovan, N.; Halpern, D. Life Satisfaction: The State of Knowledge and Implications for Government; Prime Minister's Strategy Unit: London, UK, 2002.

Keywords: Life satisfaction, development, proper prediction model, national data based and workers.

Characteristics and Risk Factors Associated with COVID-19 Infection severity Among Health Care Workers in Baghdad, Iraq in 2020

Hayder K. Madlool [1], Naseem Basim Sadoon[2], Ali Rehman Mohammed[1]

1 - Public Health Department, Najaf Health Directorate, Najaf, Iraq

Abstract

Introduction: Coronavirus disease 2019 (COVID-19) pandemic is a global health emergency that continues to spread worldwide. Health-care workers (HCWs) are in the front lines of the fight against the infection, and this exposes them to a variety of risks; on top of them is acquiring the infection and transmitting it to their families.

Objective: To describe the epidemiologic characteristics of HCWs who get infected in Baghdad Health Directorate by the end of October 2020. And to determine the association between the risk factors and the degree of severity of COVID-19 infection.

Methods: An epidemiologic survey was conducted among HCWs working in Baghdad Health directorate and diagnosed with COVID-19 from 6th Jul. to 31st Oct. 2020. The diagnosis was made either on positive respiratory samples for Novel coronavirus by real-time polymerase chain reaction (RT-PCR), positive CT findings, or suggestive clinical features. An ordered logistic regression was used to identify the independent predictors of severity. Multivariate ordered logistic regression model was used to estimate the adjusted odds ratio (aOR) and 95% confidence intervals (CIs). The data were analyzed with STATA version 17.

Results: Among 1340 HCWs enrolled, 68% (868) were having a moderate severity, and 15 % (197) were severe or critical. Many comorbidities have significant association with severity like asthma (AOR = 3.04, 95% CI: 1.76 – 5.08) and diabetes mellitus (AOR = 2.3, 95% CI: 1.36 – 3.84) in addition to occupation (Medical laboratory (AOR = 1.96, 95% CI: 1.25 – 3.06) and Nursing & Paramedical (AOR = 1.78, 95% CI: 1.18 –2.67) respectively) and smoking (AOR = 0.66, 95% CI: 0.49 – 0.89).

Conclusion: This survey concludes that occupations like nursing & Paramedical, Medical laboratory and comorbidities like diabetes and asthma were statistically significantly associated with the risk severity of COVID-19 infection among HCWs. Smoking status was associated with a lower risk severity of COVID-19.

Key words: *COVID-19, health care workers, risk factors, Baghdad, Iraq*

پنل ارگونومی

حس عمقی و استقامت فلکسورهای عمقی گردن در پوسچرهای متفاوت گردن، حین استفاده از تلفن همراه

فاطمه سلگی[۱]، رشید حیدری مقدم[۲]، ندا مهدوی[۳]، امیر رحمانی رسا[۴]، جواد فردمال[۵]

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه ارگونومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

۲- استاد، گروه ارگونومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

۳- استادیار، گروه ارگونومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

۴- استادیار، گروه کاردرمانی، دانشکده توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

۵- استاد، گروه آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

چکیده

زمینه و هدف: امروزه تعداد کاربران تلفن همراه هوشمند در سراسر دنیا افزایش یافته است. استفاده بیش از حد از تلفن همراه منجر به کاهش عملکرد فلکسورهای عمقی گردن و تضعیف حس عمقی این ناحیه می‌شود. بیشتر مطالعات گذشته به تاثیرات کلی استفاده تلفن همراه بر روی ستون فقرات گردنی پرداخته‌اند. مطالعاتی که استقامت فلکسورهای گردنی و حس عمقی این ناحیه را هنگام استفاده از تلفن همراه، به تفکیک پوسچر، مورد بررسی قرار بدهند بسیار محدود هستند. در نتیجه هدف محقق از انجام این مطالعه بررسی حس عمقی و استقامت فلکسورهای عمقی گردن، حین استفاده از تلفن همراه در سه پوسچر منتخب می‌باشد.

مواد و روش‌ها: مطالعه حاضر، در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی همدان انجام شده است. تعداد نمونه‌ها ۷۵ نفر بوده و نمونه‌گیری از طریق ارائه فراخوان بین دانشجویان انجام شد. دانشجویان داوطلب، طبق معیارهای ورود و خروج مطالعه انتخاب و وارد مطالعه شدند. استقامت فلکسورهای گردن و حس عمقی گردن آزمودنی‌ها در سه پوسچر شامل فلکشن، هایپر فلکشن و فلکشن همراه با اندکی روتیشن مورد ارزیابی قرار گرفت. برای بررسی استقامت فلکسورهای گردن از Deep Neck Flexor Endurance Test (DNFET) و برای ارزیابی حس عمقی گردن از تستی به نام Cervical Joint Position Error Test (JPET) استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار spss، نسخه ۲۵ استفاده شد.

نتایج: میانگین زمان نگه‌داشتن گردن در تست DNFET به عنوان مشخصه استقامت فلکسورهای گردن، در آزمودنی‌هایی با پوسچر غالب فلکشن همراه با اندکی روتیشن، فلکشن و هایپر فلکشن به ترتیب ۱۱۰، ۱۰۳ و۵۳ ثانیه بود. علاوه بر آن میانگین فاصله اندازه‌گیری شده در تست JPET به عنوان مشخصه حس عمقی، در آزمودنی‌هایی با پوسچر غالب فلکشن همراه با اندکی

روتیشن، فلکشن و هایپر فلکشن به ترتیب ۲۶، ۳۰ و۴۲ سانتی‌متر بود. طبق یافته‌های این مطالعه، ۳۳ درصد آزمودنی‌ها یعنی افرادی که وضعیت هایپر فلکشن گردن را به عنوان پوسچر غالب، در حین استفاده از تلفن همراه گزارش کرده بودند، نسبت به سایر آزمودنی‌های این مطالعه، دارای حس عمقی ضعیف‌تر و استقامت پایین‌تری در فلکسورهای عمقی ناحیه گردن بودند.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج حاصل از این مطالعه قرار گرفتن گردن در وضعیت هایپر فلکشن تاثیرات مخرب‌تری را بر استقامت فلکسورها و حس عمقی گردن، نسبت به وضعیت فلکشن و فلکشن همراه با اندکی روتیشن دارد. بنابراین اصلاح این پوسچر در افرادی که به طور غالب از آن استفاده می‌کنند، می‌تواند به عنوان عاملی موثر در کاهش اختلالات فلکسورهای گردن و حس عمقی گردن باشد. پیشنهاد می‌شود که این مطالعه با تعداد نمونه‌های بیشتر، در رده سنی گسترده‌تر و همچنین در زمینه‌ها و مشاغل دیگر هم انجام شود.

واژگان کلیدی: *حس عمقی، فلکسورهای عمقی گردن، تلفن همراه هوشمند*

ارزیابی رفتار نشسته اپراتورهای جرثقیل سقفی و تدوین بسته ی مداخله‌ی مبتنی بر حرکات اصلاحی به منظور کاهش ناراحتی های اسکلتی عضلانی بر اساس آن

یاسر صحرانورد، مصطفی زید آبادی، محمدرضا فخرایی، عظیم عسکری، فاطمه خلیلی، سمیه طاهرنژاد

۱- استادیار گروه مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی در کار، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: از آنجایی که خط دید اپراتور های جرثقیل سقفی زیر خط افقی است، در حین انجام کار ، به ویژه در هنگام بارگیری و تخلیه، به میدان دید وسیعی نیاز دارند که مجبورند گردن و کمر خود را در حالت های نامناسب خمیده یا چرخیده قرار دهند. انجام تمرینات ورزشی در محل کار می‌تواند برای کنترل پیامدهای ناشی از رفتار پوسچرال نامناسب مفید باشد. استفاده از ورزش برای اصلاح عملکرد، یک رویکرد جالب در توان‌بخشی برای بهبود وضعیت سلامتی افراد است. این مطالعه باهدف تدوین بسته ی مداخله‌ی مبتنی بر حرکات اصلاحی با توجه به رفتار پوسچرال اپراتورهای جرثقیل سقفی در حین کار انجام‌شده است.

روش کار: رفتار نشستن (فراوانی پوسچرها و فرکانس تغییر پوسچر بخش های مختلف بدن) ۲۷ نفر از اپراتورهای جرثقیل سقفی، با استفاده از ماتریس پوسچرهای نشسته گرف و همکاران در حین انجام وظایف کاری این گروه شغلی مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به اینکه چرخه وظیفه اصلی و آسیب زای اپراتورهای جرثقیل سقفی بطورمیانگین حدود ۸ دقیقه بطول می انجامد، در هر ۱۰ ثانیه یک پوسچر منتخب مورد بررسی قرار گرفت. علاوه بر آن از بررسی پرسشنامه‌ای (شامل مقیاس نرخ‌گذاری بورگ برای ارزیابی شدت ناراحتی های اسکلتی عضلانی و موانع احتمالی انجام حرکات اصلاحی)، نیز استفاده شد. سپس با توجه به نتایج حاصل، تمرینات کششی و تقویتی لازم برای هر کدام از اندام های بدن که در حین انجام وظیفه اپراتورها در معرض خطر بروز آسیب قرار داشتند، ارائه گردید.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که انحنای طبیعی کمر در ۸۸٪ حالات حفظ نشده بود . ستون فقرات در ۳۹ درصد زمان کار دارای چرخش و در ۳۵٪ ازحالت های بررسی شده به طرفین و در ۷۲٪ حالات رو به جلو خمیدگی داشت. در ۶۶٪ از حالات مورد بررسی گردن در وضعیت سر به جلو بود و فقط در۱۵٪ از موقعیت ها گردن در حالت طبیعی مشاهده شد. در اکثر حالت ها (۶۵٪) زاویه زانو ها کمی کمتر از ۹۰درجه بود. فرکانس تغییر پوسچر مربوط به هر کدام از اندام های بدن بین اعداد ۰/۳۷ و ۱/۸۷ بود. تعداد تغییرات پوزیشن پاها کمتر از سایر بخش های بدن بود. شدت ناراحتی های اسکلتی-عضلانی در گردن، کمر، ناحیه فوقانی کمر و شانه‌ها شایع‌ترین مشکلات در بین اپراتورها بود. برای هر کدام از این نواحی حرکات کششی لازم و برای

اندام های فوقانی چون در معرض خطرات کم تحرکی و کار استاتیک قرار داشتند حرکات تقویتی لازم ارائه گردید. توصیه می گردد این حرکات پس از هر چرخه کاری به مدت ۲ الی ۴ دقیقه انجام گردد.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج حاصله از ارزیابی رفتار نشستن و طبق اصول ارگونومی، رفتار نشستن اپراتورهای جرثقیل سقفی پتانسیل ایجاد اختلالات اسکلتی عضلانی را دارد. حرکات اصلاحی ارائه شده احتمالاً بتواند به عنوان یک مداخله ارگونومیک کم هزینه، ساده و با کاربرد آسان در جهت کاهش اثرات نامطلوب این ریسک فاکتور ارگونومیک مفید واقع گردد. پیشنهاد می گردد در مطالعات آتی میزان اثربخشی این مداخلات بررسی گردد.

واژگان کلیدی: *ناراحتی های اسکلتی عضلانی، حرکات اصلاحی، اپراتورهای جرثقیل*

بررسی نقش میانجی خستگی مزمن در ارتباط میان بار کاری ذهنی و توانایی انجام کار با شکست شناختی در کارگران کارگاه های خرد و کوچک با استفاده از تحلیل مسیر

روح اله فلاح مدواری[۱]، ریحانه سفیدکار[۲]، رضا رئیسی[۱،۳]، غلامحسین حلوانی[۱]، رضا جعفری ندوشن[۳]

۱- مرکز تحقیقات بهداشت حرفه ای، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران

۲- مرکز مدل‌سازی داده‌های مراقبت‌های بهداشتی، گروه‌های آمار زیستی و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی
شهید صدوقی، یزد، ایران

۳- مرکز تحقیقات بهداشت حرفه ای، گروه مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست ، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران

چکیده

مقدمه: با توجه به اهمیت حفظ ایمنی و بهداشت شغلی در کارگاه‌های خرد و کوچک، تامین خدمات کیفیتمند و کافی در این حوزه برای کارگران امری ضروری است. متأسفانه، در بسیاری از این کارگاه‌ها، کنترل‌های ایمنی مناسب به همراه آگاهی کافی از روش‌ها و رفتارهای ایمن، به تعداد کافی فراهم نشده است. این نقصان‌ها منجر به افزایش آمار حوادث و بیماری‌های ناتوان‌کننده در این کارگاه‌ها شده است. لذا ضرورت انجام مطالعات جامع در این زمینه احساس می‌شود. بنابراین، این مطالعه با هدف بررسی نقش میانجی خستگی مزمن در ارتباط میان بار کاری ذهنی و توانایی انجام کار با شکست شناختی در کارگران کارگاه‌های خرد و کوچک شهر اقلید در سال ۱۴۰۱، انجام شده است. از روش تحلیل مسیر بهره‌برده شده است که امکان بررسی ارتباطات زنجیره‌ای بین متغیرها را فراهم می‌کند.نتایج این مطالعه می‌تواند بهبود وضعیت کارگاه‌های خرد و کوچک و ارتقای سلامت و ایمنی کارگران آنها را تسهیل نماید.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر از نوع مقطعی بود و نمونه گیری با روش طبقه ای از نوع تصادفی ساده انجام شد به طوریکه برای تعیین نمونه ها، انواع کارگاه های مذکور به عنوان طبقه در نظر گرفته شد و از هر طبقه متناسب با تعداد کارکنان شاغل در آنها، به تصادف و پس از بررسی معیارهای ورود انتخاب شدند. با توجه به تعداد حیطه های پرسشنامه های مود بررسی و همچنین با در نظر گرفتن تعداد نمونه به ازای هر حیطه، حجم نمونه مورد نیاز در این مطالعه ۲۴۷ بدست آمد. . لذا این پژوهش بر روی ۲۴۷ نفر از کارگران مرد کارگاه های خرد و کوچک شهر اقلید و از مشاغل زیر گرو ه صنعت (۷۷ نفر جوشکار، ۲۰ نفر

آلومینیوم ساز، ۱۲ نفر تراشکار، ۲۵ نفر نجار، ۵۰ نفر تعمیرکار مکانیکی خودرو، ۲۳ نفر صافکار و نقاش خودرو و ۴۰ نفر کابینت ساز) صورت گرفت. ملاک انتخاب مشاغل مذکور، نیازمندی شاغلین به انجام فعالیت های فیزیکی و ذهنی بود. معیارهای ورود به مطالعه، دارا بودن حداقل یک سال سابقه کار، تمایل به همکاری و شرکت در مطالعه بود. و معیارهای خروج از مطالعه نیز، عدم وجود رضایت کافی فرد جهت شرکت در مطالعه و داشتن شغل دوم بود. این پژوهش در کمیته اخلاق با شناسه IR.SSU.SPH.REC.1401.033مورد تصویب قرار گرفت. جهت انجام کار پژوهش، ابتدا هدف و مراحل انجام برای شاغلین انتخاب شده تشریح شد و ضمن اطمینان بخشیدن به افراد نسبت به محرمانه ماندن اطلاعات، افراد تکمیل رضایت نامه مشارکت داوطلبانه در پژوهش شرکت داده شدند. ابزارهای جمع آوری اطلاعات علاوه بر پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک و شغلی (سن، جنس، سابقه کار، سابقه تعداد حادثه در طول دوره اشتغال بکار، وضعیت تاهل، سطح تحصیلات، نوع شغل، شاخص توده بدن، میزان ساعت کاری در روز، استعمال دخانیات، مصرف الکل یا مواد مخدر، مصرف قرص خواب آور، اختلالات خواب، سابقه سکته مغزی، بیماری صرع، معلولیت جسمی، مصرف دارو و وضعیت تغذیه)، شامل چهار پرسشنامه بار کار ذهنی(NASA – TLX) ، پرسشنامه شاخص توانایی کار (WAI) ، پرسشنامه خستگی مزمن و پرسشنامه شکست شناختی بود. برای بررسی ارتباط بین متغیرها از آزمون همبستگی و مدل سازی تحلیل مسیر در نرم افزارهای SPSS24و AMOS24 استفاده گردید.

یافته ها: یافته های مربوط به توزیع فراوانی مشخصات دموگرافیک و شغلی افراد مورد مطالعه، نشان می دهد که ۸۲/۲ درصد از نمونه ها متاهل بودند. از لحاظ سطح تحصیلات، ۲۸/۷ درصد زیر دیپلم، ۴۲/۹ درصد دیپلم و ۲۸/۳ درصد فوق دیپلم و بالاتر بودند. همچنین ۳۰ درصد از نمونه ها ۲۰ تا ۳۵ ساله، ۵۱ درصد ۳۶ تا ۵۰ ساله و ۱۹ درصد ۵۱ تا ۸۰ ساله بودند. نتایج آزمون های آماری پارامتریک و ناپارامتریک (آزمون تی دو نمونه مستقل، آزمون تحلیل واریانس یک طرفه، آزمون کروسکال والیس و همبستگی اسپیرمن) بین متغیر های دموگرافیک و شغلی با متغیرهای بار کاری ذهنی، توانایی انجام کار، خستگی مزمن و شکست شناختی ، نشان داد که اختلاف میانگین متغیرهای بار کاری ذهنی، توانایی انجام کار، خستگی مزمن و شکست شناختی در رده های متغیر های دموگرافیک و شغلی، معنی دار است .(P > 001/0) میانگین نمره کلی بار کاری ذهنی، توانایی انجام کار، خستگی مزمن و شکست شناختی به ترتیب ۶۹/۶۳، ۳۵/۲۰، ۱۵/۵۸ و ۵۳/۳۰ بدست آمد. نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن نشان داد که بین بار کاری ذهنی با شکست شناختی و خستگی مزمن ارتباط معنی دار و مستقیمی وجود دارد r = 361/0) ، r ۰/۳۷۵ = و ۰/۰۰۱ .(P > بین توانایی انجام کار با بار کاری ذهنی، خستگی مزمن و شکست شناختی ارتباط معنی دار و معکوسی وجود دارد r = - 365/0) ، r ۰/۹۳۳ = - ، r ۰/۹۳۸ = - و ۰/۰۰۱ .(P > بین خستگی مزمن با شکست شناختی ارتباط معنی دار و مستقیمی وجود دارد r = 948/0) و ۰/۰۰۱ .(P > مقادیر شاخص های نیکویی برازش شاملCFI=1.00 ، GFI=0.998 ، NFI=0.999 ، AGFI=0.072 و RMSEA=0.003(0.00,0.169) نشانگر تایید شدن مدل مفهومی توسط داده های پژوهش است. همچنین بر اساس یافته های تحلیل مسیر، مدل پژوهش حاضر دارای برازش مناسب و مطلوبی است.

نتیجه گیری: نتایج تحلیل مسیر از موارد مختلف نشان داد که ارتباطات معناداری بین عوامل مختلف وجود دارد. که این عوامل شامل بار کاری ذهنی، توانایی انجام کار، شکست های شناختی و حالت های خستگی مزمن بودند. براساس نتایج، اقداماتی برای

بهبود وضعیت اجرا و خود اثری می تواند تاثیر مثبتی داشته باشد. جهت کاهش خستگی مزمن و افزایش توانایی انجام کار، استراحت های منظم و بهینه در طول ساعت های کاری مهم می باشند. همچنین شناسایی و اصلاح عوامل محیطی و شغلی موثر در تجربه کاری نیز ضروری است.به این ترتیب متغیرهایی همچون کیفیت خواب، تنوع در وظایف شغلی و ناهمواری کار، نقش مهمی در بهبود شرایط کاری و شکست های شناختی دارند. تدریس اصول ارگونومیک نیز جهت افزایش آگاهی کارکنان از تکنیک ها و روش های بهینه کاری و جلوگیری از زحمات جسمانی و ذهنی مرتبط با کارهای روزمره مفید است. از اینرو مداخلات ارگونومیکی و مدیریتی با هدف بهبود کلیت شرایط کاری و کاهش تنش های شغلی در اولویت قرار می گیرند. بنابراین توصیه می شود که از تدابیر ارگونومیکی مثل استراحت منظم، مداخلات شغلی مناسب و آموزش های ارگونومیکی استفاده گردد تا تاثیرات مثبتی بر سلامت کارکنان و عملکرد کاری آن ها داشته باشد.

واژگان کلیدی: *بار کاری ذهنی، خستگی مزمن، توانایی انجام کار، شکست شناختی، کارگاه های خرد وکوچک تحلیل مسیر*

Investigation of relationship between mental health and productivity with the risk of musculoskeletal disorders in computer users

Samira Barakat[1], Behnam Moradi[2*], Yahya Ahmadi Amoei[3]

1- Department of Occupational Health and Safety Engineering, School of Public Health, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran.

2- Department of Health, Safety and Environment Management, School of Public Health and Safety, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

3- Department of Occupational Health and Safety Engineering, School of Public Health, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran.

Abstract: Manpower and work are very important and interdependent assets, so working conditions and work environment should be such that productivity is increased while its harmful effects on the physical and mental health of employees decrease. This study aimed to determine the relationship between mental health and productivity with the risk of musculoskeletal disorders in computer users.

This descriptive-analytical study was performed on 187 computer users in Isfahan University of Medical Sciences in the year 2019. Data collection was performed in 5 steps: 1) Demographic information survey 2) survey of Prevalence of musculoskeletal disorders with Nordic questionnaire 3) Evaluation of ergonomic risk factors among employees by ROSA method 4) Mental health survey 4) Productivity survey. The collected data were analyzed by SPSS 20 statistical software.

55.3% of employees had good mental health and 38.2% of users' productivity was high. Mental health had a significant and direct relationship with the final ROSA score (R=0.498 and $P_{Value}<0.001$); Productivity also had a significant and indirect relationship with the final ROSA score (R=-0.608 and $P_{Value}<0.001$).

The prevalence of musculoskeletal disorders not only leads to the tolerance of pain and suffering by employees but also affects their mental health and productivity and leads to a decrease in mental health and productivity. Therefore, it is necessary to identify risk factors in the workplace and implement interventions to reduce or eliminate disorders.

Key Words: *Musculoskeletal Disorders, Rapid Office Strain Assessment (ROSA), Mental Health, Productivity, Risk Factor.*

پنل بهداشت حرفه ای

بررسی دیدگاه کارگران ساختمانی در خصوص فاکتورهای عدم تمایل در بکارگیری از هارنس های ایمنی و تعیین مهمترین فاکتورها در عدم استفاده از آن

پروین سپهر [۱]، موسی جباری قره باغ [۲]، حسن صادقی نایئنی[۳]، علی صالحی سهل آبادی[۴]، حسن ضیائی[۵]

۱- دکتری مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۲- استاد ،مهندسی بهداشت حرفه‌ای ،گروه بهداشت حرفه‌ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۳- دانشیار، مهندسی طراحی صنعتی ،گروه طراحی صنعتی ، دانشکده بهداشت ، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران

۴- استادیار ،مهندسی بهداشت حرفه‌ای ،گروه بهداشت حرفه‌ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۵- استادیار ،مهندسی بهداشت حرفه‌ای ،گروه بهداشت حرفه‌ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت ، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران

چکیده

مقدمه: یکی از راهکارهای موثر در کاهش سقوط از ارتفاع، استفاده از هارنس ایمنی بعنوان یک وسیله حفاظتی می باشد که استفاده از آن یک الزام قانونی برای کار در ارتفاع می باشد. درحالیکه در برخی موارد بصورت موثر از آن استفاده نمی گردد. بنابراین، نیاز است فاکتورهای عدم استفاده از هارنس بصورت علمی مورد واکاوی قرار بگیرد.

روش کار: مطالعه حاضر، یک مطالعه مقطعی است که در سال ۲۰۲۲ در ایران در شهر تهران انجام شد. این مطالعه کیفی با هدف شناسایی عوامل مرتبط با عدم استفاده کارگران از هارنس های ایمنی از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته از کارگران در محل پروژه ساختمانی در محیط آرام و خلوت انجام شد.مدت زمان میانگین مصاحبه ۳۰ دقیقه بود. کارگران ساختمانی با استفاده از نمونه گیری آسان با تمرکز بر روی نمونه های در دسترس انتخاب شدند. جهت دسته بندی اطلاعات، داده ها با استفاده از نرم افزار MAXQDA ۲۰۲۰ مرتب، دسته بندی و کد کذاری شدند و در نهایت برای تحلیل محتوای مصاحبه ها و تفسیر نهایی آماده شدند. همچنین، در این مطالعه برای شناسایی مهمترین فاکتورهای اثرگذار از تکنیک تحلیل شبکه اجتماعی استفاده گردید. به منظور دستیابی به هدف این پژوهش، از مهمترین شاخص SNA یعنی شاخص های مرکزیت استفاده شده است.

یافته ها: براساس نتایج حاصل از مصاحبه، ۲۷ فاکتور بعنوان دلایل عدم استفاده از هارنس ایمنی توسط کارگران ساختمانی مشخص گردید که در چهار گروه اصلی شامل طراحی هارنس، عوامل مدیریتی، بعد راحتی و عوامل نگرشی توسط خبرگان تقسیم بندی شد. کد اصلی فاکتورهای مربوط به عوامل مدیریتی با ۴ زیرکد ،عوامل نگرشی با ۴ زیر کد ، عوامل راحتی هارنس شامل ۹ زیر کد ،عوامل طراحی هارنس با ۱۰ زیر کد مشخص گردید.همچنین یافته های به دست آمده از تحلیل شبکه اجتماعی نشان داد مهمترین فاکتور در عدم استفاده از هارنس از نظر شاخص درجه مربوط به طراحی غیراستاندارد هارنس بود. بعلاوه، نتایج شاخص بینیت نشان داد طراحی غیراستاندارد هارنس می تواند بعنوان یک واسطه در کنترل سایر فاکتورها در راستای عدم استفاده از هارنس اثرگذار باشد.

نتیجه گیری: داده های به دست آمده نشان می دهد مهمترین فاکتور مشخص شده در عدم استفاده از هارنس در اختیار طراحی غیراستاندارد قرار دارد که می تواند بر اساس قدرت اثرگذار خود، میزان استفاده از هارنس را تحت تاثیر قرار دهد. در صورت لزوم، باید طراحی مناسبی از هارنس ها و بندهای آنها صورت گیرد و یا پیمانکاران و کارفرمایان هارنس های مناسبتری را در اختیار کارگران قرار دهند.

واژگان کلیدی: *MAXQDA ، هارنس ایمنی، تحلیل شبکه اجتماعی، کارگران ساختمانی*

مطالعه حذف بخارات تولوئن با استفاده از جاذب کامپوزیت کربن فعال/ چارچوب آلی فلزی

پریسا محمد قلی خان خلج [۱]، سمیه فرهنگ دهقان [۲] ، مهدی حسن زاده [۳]، داود پناهی [۴]

۱-دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مهندسی بهداشت حرفه‌ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت وایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۲-هیئت علمی، مهندسی بهداشت حرفه‌ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت وایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران

۳-هیئت علمی، بخش شیمی نساجی، ، دانشکده مهندسی نساجی، دانشگاه یزد، یزد

۴-هیئت علمی، مهندسی بهداشت حرفه‌ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت وایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران

چکیده

زمینه و هدف: تولوئن (متیل بنزن) یک ترکیب آلی فرار (VOCs) است که مواجهه مزمن با دزهای پایین آن ممکن است باعث طیف وسیعی از اثرات سوء سلامتی مانند اختلالات ایمونولوژیک و عصبی شود. علاوه بر این، انتشار تولوئن در اتمسفر باعث ایجاد مشکلات زیست‌محیطی مختلفی از جمله کاهش ازن استراتوسفر، تولید مه دود فتوشیمیایی و افزایش اثر گلخانه‌ای می‌شود. هدف از این تحقیق حذف تولوئن از جریان هوا با استفاده از کامپوزیت کربن فعال/ چارچوب آلی فلزی ایمیدازولات زئولیتی (AC@ZIF-8) به منظور کاربرد در فرایندهای پاکسازی هوا و پیشگیری و کاهش ریسک مواجهه با این آلاینده مخاطره‌آمیز محیط‌های شغلی و محیط‌زیست بود.

مواد و روش ها: کامپوزیت (AC@ZIF-8) به روش سنتز درجا ساخته شد و ساختار آن توسط آزمون‌های ساختاری (پراش اشعه X و طیف‌سنجی مادون‌قرمز تبدیل فوریه، میکروسکوپ الکترونی روبشی نشر میدانی، آزمون BET و پراش نور دینامیکی) بررسی گردید. عملکرد جذب تولوئن بر روی جاذب در فاز گاز با استفاده از یک سیستم جذب دینامیکی در مقیاس آزمایشگاهی مطابق روش استاندارد ایزو BS EN ISO 10121-1:2014 و مطالعات پیشین مورد مطالعه قرار گرفت.

نتایج: نتایج آزمون‌های ساختاری نشان داد سنتز کامپوزیت موفقیت آمیز بوده است و قرارگیری ذرات ماف بر روی کربن فعال مشهود است و همچنین پیک‌های اصلی XRD برای کربن فعال و ماف نیز در نتایج کامپوزیت مشهود بود. علاوه بر آن گروه‌های عاملی دو جاذب کربن فعال و ZIF-8 نیز در نتایج FTIR کامپوزیت بدست آمد. میانگین ظرفیت جذب تولوئن (سه بار تکرار آزمایش) بر کامپوزیت در دمای۳۳/۷ درجه سانتی گراد، رطوبت نسبی ۳۷٪ و دبی ۴۱۹ میلی لیتر بر دقیقه با جرم ۶ میلی‌گرم برابر با ۱۱۸۳۰ میلی‌گرم در گرم بود. علاوه بر آن راندمان حذف اولیه کامپوزیت برابر با ٪۹۸/۴۷ بود. زمان شکست ۵۰ درصد آن برابر ۳۰۰ دقیقه (حدودا ۵ ساعت) تعیین شد. میزان بازیابی جاذب پس از ۶ چرخه همچنان تا ٪۹۶/۹ گزارش شد.

نتیجه گیری: کامپوزیت دارای ظرفیت جذب بالایی برای تولوئن از فاز گازی است، ضمن آنکه راندمان حذف اولیه و زمان شکست بالایی نیز در مقایسه با پاسخ های عملکردی کربن فعال و ماف ZIF-8 (هر کدام به تنهایی) در حذف تولوئن در مقایسه با سایر مطالعات پیشین از خود نشان داد. به سبب عملکرد مناسب این جاذب در جذب تولوئن، می‌تواند با انجام مطالعات تکمیلی و مد نظر قرار دادن ملاحظات مربوط به جاذب‌های صنعتی در فرایندهای تصفیه و پاکسازی هوا مورد توجه واقع شود.

واژگان کلیدی : *آلودگی هوا، پاکسازی، پیشگیری، تولوئن، کامپوزیت*

بررسی اثر مواجهه همزمان با میست روغن و ارتعاش بر روی فعالیت میتوکندری در سلول‌های پوششی ریه انسان رده A۵۴۹

زهرا مرادپور[۱]، رضوان زنده دل[۱]

۱-گروه مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

زمینه و هدف: تأثیر مواجهه شغلی با عوامل زیان آور، بر سلامت سیستم تنفسی به خوبی ثابت شده است، اما اغلب دست کم گرفته شده و از نظر بالینی نادیده گرفته می‌شود. مایعات فلزکاری مورد استفاده در صنایع فلزکاری، مخلوط پیچیده و متغیری از بسیاری از مواد هستند که اجزای آن ها در مراکز تولیدی به مرور زمان دچار تغییر می شود. مطالعات نشان می دهد اپراتورهای دستگاه های مورد استفاده در صنایع فلزکاری در معرض ارتعاش نیز هستند. از این رو، هدف از مطالعه حاضر، بررسی اثر مواجهه ی همزمان با میست روغن و ارتعاش بر روی فعالیت میتوکندری در سلول های پوششی ریه انسان رده A549 می‌باشد.

مواد و روش ها: این مطالعه تحلیلی- مقطعی در یکی از صنایع خودروسازی در تهران انجام شد. نمونه های هوای دو نوع میست روغن C و B (بر اساس روش NIOSH 5026) در طی ۴ روز از صنعت مذکور نمونه برداری گردید. جهت تعیین کیفی ترکیبات شیمیایی میست روغن از دستگاه GC-Mass بهره گرفته شد. اندازه گیری شتاب ارتعاش مطابق با استاندارد ISO 8041:2005 و راهنمای اندازه گیری ارتعاش مرکز سلامت و محیط کار ایران انجام گردید. در نهایت سمیت مواجهه‌ی سلولی همزمان با میست روغن و ارتعاش با استفاده از آزمون MTT، بررسی شد. در هر چاهک از پلیت ۹۶ خانه $۱۰^{۴}$ سلول قرار داده و سپس، دوزهای مد نظر تهیه گردید. پس از اتمام ۸ ساعت مواجهه همزمان سلولی، خانه های پلیت ۹۶ خانه تخلیه و به هر خانه ۵۰ میکرولیتر MTT با غلظت ۰/۵ میلی گرم بر میلی لیتر اضافه و ۴ ساعت بعد، خانه ها تخلیه و به هر خانه ۱۰۰ میکرولیتر DMSO اضافه گردید. پلیت به مدت ۲۰ دقیقه بر روی شیکر قرار گرفت. در نهایت مقادیر جذب با الایزا ریدر بدست آمد.

نتایج: میانگین مواجهه تنفسی با میست روغن B و C به ترتیب mg/m3 ۲/۶۲ و ۳/۲۷ محاسبه (حد مجاز مواجهه: ۵ میلی گرم برمتر مکعب) و مقدار شتاب ارتعاش نیز ۰/۰۵ تا ۰/۷۷ متر بر مجذور ثانیه (حد مجاز مواجهه: ۰/۸۷ متر بر مجذور ثانیه) اندازه گیری گردید. بررسی ترکیبات با دستگاه GC-Mass نشان داد، در نوع B ترکیبات پلی سیکلیک حاوی گروه‌های الکلی و ترکیبات پیریدازینی و در نوع C، ترکیبات پلی سیکلیک آلدهیدی و ترکیبات آلی فلزی حاوی بور به وجود آمده است. نتایج بررسی سمیت سلولی نشان داد، نمونه‌های هوای تهیه شده در هر چهار روز برای هر دو نوع میست روغن به تنهایی و مواجهه با ارتعاش به تنهایی به شکل معنی داری تنفس سلولی را نسبت به کنترل کاهش داده است. اما در مواجهه همزمان سلولی با نمونه‌های هوای میست روغن و ارتعاش، در هر دو نوع، به شکل معنی داری تنفس سلولی کاهش بیشتری را نشان داد.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که در مواجهه همزمان سلول ها با مایعات فلزکاری و ارتعاش، سمیت بر تنفس سلولی افزایش می یابد. نتایج مطالعه ی حاضر، ایجاد پاسخ های سمی را در مقادیر بسیار پایین تر از حد مجاز مواجهه شغلی برای مایعات فلزکاری و ارتعاش نشان داد. لازم به ذکر می باشد که حدود مجاز مذکور متعلق به ایران نبوده و ممکن است در تعیین آنها، اثراتی غیر از اثرات مورد بررسی در مطالعه حاضر مدنظر بوده باشد. لذا با توجه به نتایج مطالعه حاضر بازنگری در حدود مجاز مواجهه شغلی و بومی سازی آن پیشنهاد می گردد.

واژگان کلیدی : *میست روغن، ارتعاش، سمیت سلولی، فعالیت میتوکندری، A549*

Investigating the effect of high-frequency noise exposure on obesity, food intake, and visceral fats in guinea pigs

Iraj Alimohammadi[1], Athena Rafieepour[1], Mohammadreza Vafa[2], Jamileh Abolghasemi[3], Nargess Moghadasi[1], Anahita Montazeri[4], Rana Ghasemi[1]

1-Occupational Health Research Center, School of Public Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

2-Department of Nutrition, School of Public Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

3-Department of Biostatistics, School of Public Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

4-School of Public Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Abstract

Introduction: Obesity and overweight is a major global health challenge. One of the bad effects of noise that has recently been expressed is the effect of noise on obesity. The aim of present study was to investigate the effect of high-frequency noise exposure on obesity, food intake, and visceral fat in guinea pigs.

Methods: The animals in this study were 24 adult male guinea pigs that randomly divided into 3 groups (control and two case groups). Each case groups were separately chronic exposed to high frequency white noise with sound pressure level in 65 dB and 85 dB for 5 days per week in a period of 30 days. The food intake was measured daily. The weight of animals was measured at the start and on days 6, 12, 18, 24 and at the end of exposure period. At the end of study period, the rodent visceral fat was extracted and weighted. The effect of exposure to high-frequency noise on the occurrence of obesity and the rate of food intake in rodent was assessed by SPSS V.22 software.

Results: ANOVA analysis showed that exposure to high frequency noise had a significant effect on weight gain, food intake, and visceral fat weight (P-value< 0.05) which in the group exposed to the noise with 65 dB was more than other groups.

Conclusion: According to this study, exposure to high frequencies noise may be an effective factor in increasing abdominal fat. Further studies are needed to investigate the mechanism affecting weight status following noise exposure.

Keywords: *High Frequency Noise, Food Intake, Obesity, Visceral Fat*

پنل بهداشت عمومی

چالش چالش های نظام پرداخت به ارائه‌دهندگان مراقبتهای بهداشتی اولیه در مراکز خدمات جامع سلامت شهری ایران

نرگس رفیعی[۱]، محمد جواد کبیر[۱]، علیرضا حیدری[۱]، زهرا خطیرنامنی[۱]

۱- مرکز تحقیقات مدیریت سلامت و توسعه اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران

چکیده

مقدمه: برنامه مراقبت‌های بهداشتی اولیه برای مناطق حاشیه‌نشین بعد از طرح تحول سلامت در حال اجراست و خدمات با اولویت برون‌سپاری و خرید خدمت از بخش غیردولتی ارائه می شود. در این برنامه در طی سال‌های مختلف، روش‌های پرداخت متفاوتی استفاده شده است، بنابراین این مطالعه با هدف بررسی چالش‌های نظام پرداخت به ارائه‌دهندگان مراقبت‌های بهداشتی اولیه شهری ایران در بخش برون‌سپاری شده، انجام شد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه کیفی با رویکرد تحلیل چارچوبی و از طریق مصاحبه نیمه ساختارمند با ۳۰ نفر از صاحب‌نظران و ارائه‌دهندگان خدمات در سال ۱۴۰۰ انجام شد. پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA.10 و روش تحلیل چارچوبی گاله تحلیل شدند.

یافته‌ها: این مطالعه نشان داد، عدم تأمین مالی مناسب برنامه، یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام پرداخت است. پرداخت‌های ناکافی و با تاخیر به ارائه‌دهندگان، عدم امکان ثبت تمامی فعالیت‌ها و عدم قابلیت تبادل داده‌ها بین سامانه‌های الکترونیکی ثبت اطلاعات در سطوح افقی و عمودی، شیوه قراردادبندی نامناسب، عدم تناسب حجم بسته خدمت با میزان پرداختی، عدم امکان اعمال نتیجه پایش بر میزان پرداخت به دلیل پرداخت به میزان حداقل قانون کار، عدم انعطاف‌پذیری دستورالعمل پرداخت، جزو دیگر چالش‌های نظام پرداخت هستند.

نتیجه‌گیری: نظام پرداخت به ارائه‌دهندگان مراقبت‌های اولیه شهری از سازوکار مناسبی در ابعاد مختلف از جمله در حیطه‌های تأمین مالی، پرداخت، شیوه قراردادبندی، نظام ثبت داده‌ها و نظام پایش و ارزشیابی، برخوردار نیست و ادامه این روند، موجبات بی‌انگیزگی و خروج ارائه‌دهندگان از نظام ارائه خدمت را فراهم آورده و موجب کاهش کمیت و کیفیت خدمات خواهد شد.

واژگان کلیدی: *نظام پرداخت، مراقبتهای بهداشتی اولیه، مراکز خدمات جامع سلامت شهری*

بررسی اثربخشی مداخله آموزش درتغییر عملکرد دانش آموزان دختر متوسطه اول شهرستان اسفراین در حوزه بهداشت بلوغ در سال ۱۴۰۲

نویسندگان : سارا عابدی کوشکی[۱]، مجید کیانمهر[۲]، سعیده سادات بابایی[۳]

۱- دانش آموخته دکتری تخصصی مدیریت آموزشی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران.

۲- استادیار فیزیولوژی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران.

۳- دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران.

چکیده و هدف: بلوغ نقطه عطف عبور از دوران کودکی و ورود به بزرگسالی است و عملکرد نادرست در این دوران می تواند موجب ترس و وحشت در رابطه با بلوغ شود. از آنجایی که بلوغ زمات کسب قدرت باروری است عملکرد صحیح دختران می تواند در سلامت ایشان به عنوان مادران آینده اثرگذار باشد. لذا بهداشت بلوغ شامل اصول و مراقبت هایی است که در نهایت منجر به حفظ و ارتقاء سلامت جسمانی – روانی و عاطفی فرد می شود و افزایش آگاهی دختران در این دوران می تواند منجر به تغییر نگرش و به دنبال آن تغییر عملکرد آنان شود. از آنجایی که مدارس یکی از عرصه های مهم اجرایی برنامه های ارتقاء سلامت جوانان و نوجوانان می باشد لازم است که مسئولین مدارس با روش های مختلف آموزشی آشنا شده و این روش ها را به کمک اعضای تیم بهداشتی به کار گیرند. لذا با توجه به اهمیت بلوغ در دختران و تاثیر بسزای آموزش در تغییر عملکرد آنان که در نهایت منجر به ارتقای سطح سلامت جامعه می شود لذا این پژوهش به بررسی اثربخشی مداخله آموزش درتغییر عملکرد دانش آموزان دختر متوسطه اول شهرستان اسفراین درحوزه بهداشت بلوغ در سال ۱۴۰۱می پردازد.

روش کار: این مطالعه، مطالعه ای توصیفی- تحلیلی می باشد که ۴۱۳ نفر از دانش آموزان دخترمقطع متوسطه اول شهرستان اسفراین با استفاده از فرمول کوکران به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. در این مطالعه نمونه گیری به روش خوشه ای انجام شد. برای گردآوری داده ها از پرسشنامه نیسی و همکاران که میزان عملکرد را در مورد بهداشت قاعدگی می سنجد استفاده شد. میزان پایایی ۰.۸۹محاسبه شد. داده های جمع آوری شده وارد نرم افزار SPSS نسخه ۲۴شد و با استفاده از آزمون آماری T زوجی و سایر آزمون های توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: نتایج آزمون تی زوجی نشان داد که بین میزان عملکرد دختران قبل (۲.۶۷+-۲۳.۶۸) و بعد ازآموزش (۲.۹۱+-۲۶.۱۲) تفاوت معناداری وجود دارد که نشان دهنده موثر بودن مداخله می باشد (۲.۷۷+- ۲.۴۳و $p\leq 0/05$)

بحث و نتیجه گیری: با توجه به نتایج پژوهش حاضرآموزش و مداخله موثردر حوزه بهداشت بلوغ در تغییر عملکرد دختران مورد مطالعه تاثیر گذاربود، لذا آموزش همگانی می تواند دربهبود عملکرد دختران در زمینه بلوغ و درنهایت ارتقای سطح سلامت

جامعه مفید واقع شود بنابراین پیشنهاد می شود مسئولین مربوطه در جهت بهبود عملکرد دختران در زمینه بهداشت قاعدگی از طریق کلاس های آموزشی مساعدت لازم را بورزند.

واژگان کلیدی: *بهداشت بلوغ، عملکرد، آموزش*

ارزشیابی وضعیت دوره های کارآموزی و کارورزی از دیدگاه دانشجویان علوم پزشکی: یک مطالعه کمی– کیفی

احمد صادقی[۱]، اکرم ژیانی فرد[۲]، فاطمه ملاعلی نژاد[۳]

[۱]- استادیار گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران

[۲]- دانشجوی دکترای آموزش پزشکی، گروه آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

[۳]- دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران

چکیده

مقدمه: یکی از رسالت های مهم دانشگاه های علوم پزشکی، تربیت نیروی انسانی کاردان و متخصص است که با توجه به نیاز های جامعه توانایی و کارایی لازم را کسب کند. آموزش کارآموزی یک مسئله جدی در امر آموزش محسوب می شود؛ لذا بررسی وضعیت موجود، شناسایی مشکلات موجود در آموزش کارآموزی دانشجویان و اقدام برای رفع و اصلاح آن موجب تحقق اهداف یادگیری و ارتقاء کیفیت خدمات بهداشتی درمانی خواهد شد. مطالعه حاضر با هدف بررسی وضعیت دوره های کارآموزی و کارورزی از دیدگاه دانشجویان علوم پزشکی اسفراین انجام گرفت.

روش کار: مطالعه حاضر به روش کمی- کیفی بر روی ۱۶۳ نفر از دانشجویان رشته های بهداشت عمومی، پرستاری و فوریت پزشکی انجام گرفت. فاز کمی مطالعه با استفاده از پرسشنامه استاندارد و جهت بررسی وضعیت دوره کارآموزی و کارورزی دانشجویان انجام گرفت. فاز کیفی نیز با هدف شناسایی چالشهای موجود در کارآموزی و کارورزی از دیدگاه دانشجویان با استفاده از مصاحبه فردی و بحث گروهی متمرکز انجام گرفت.

یافته ها: وضعیت آموزش دوره کارآموزی با میانگین استاندارد ۳/۴۷ در حد نسبتاً خوب ارزیابی گردید. علیرغم اینکه وضعیت کاراموزی دانشجویان در دوره همه گیری کرونا در وضعیت نسبتاً خوبی قرار داشته ولی همواره چالش هایی در دوره کاراموزی وجود داشته است، که با استفاده از روش مصاحبه فردی و بحث گروهی در قالب ۶ کد اصلی (چالش های مرتبط با مربی، چالش های مرتبط با دانشجویان، چالش های مرتبط با محیط کارآموزی، چالش های مرتبط با پرسنل، چالش های مرتبط با برنامه های آموزشی، و چالش های مرتبط با مراجعه کنندگان) و ۲۰ کد فرعی شناسایی گردید.

نتیجه گیری: به نظر میرسد با توجه به نتایج مطالعه و مشکلات موجود در زمینه کارآموزی و کارورزی دانشجویان در محیط بیمارستان و مراکز بهداشتی درمانی پیشنهاد می گردد جهت ارتقای کمی و کیفی دوره های کارآموزی اقداماتی از قبیل استفاده از مربیان باتجربه و کارآمد، فراهم کردن تسهیلات و امکانات رفاهی در محیط کارآموزی، تنوع هر چه بیشتر مباحث کارآموزی، توانمندسازی و توجیه دانشجویان قبل از ورود به عرصه انجام گیرد.

واژگان کلیدی: *ارزشیابی، کارآموزی، کارورزی، مطالعه کمی-کیفی*

پنل بهداشت محیط

تصفیه فاضلاب بیولوژیکی با استفاده از جلبک کلرلاولگاریس در پساب صنعتی : مطالعه موردی استان قزوین

فاطمه دهقان بنادکی [۱و۴] ، حمزه علی جمالی [۲]، محمدعلی نعمت اللهی [۳]

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

۲-دانشیار، گروه مهندسی بهداشت محیط، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران jamalisadraei@yahoo.com .

۳- استاد گروه شیلات، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران، کرج، ایران

۴-کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: کشتارگاه‌های طیور یکی از صنایعی هستند که حجم زیادی فاضلاب با درجه آلودگی بالا تولید می‌کنند که در صورت تصفیه ناکافی پتانسیل آلودگی محیط‌زیست را دارند. امروزه تصفیه این‌گونه فاضلاب‌ها با استفاده از گونه‌های ریزجلبکی مانند کلرلا ولگاریس به دلیل سازگاری بهتر با محیط‌زیست، تصفیه بهتر در مقایسه با تصفیه مبتنی بر باکتری و تولید کود آلی و سایر محصولات مفید زیستی از توجه ویژه‌ای برخوردار شده است کلرلا ولگاریس به دلیل قابلیت بالا در حذف مواد مغذی (N و P) و COD به‌عنوان یکی از بهترین ریزجلبک‌ها برای تصفیه این گونه فاضلاب‌ها شناخته شده است. در این مطالعه حذف کل نیتروژن و تولید پروتئین در تصفیه بیولوژیکی مورد بررسی قرار گرفت.

مواد و روش: نمونه‌های موردنیاز از پساب خروجی از یک کشتارگاه واقع در استان قزوین تهیه و پس از انتقال به آزمایشگاه مورد آنالیز کیفی قرار گرفتند. پس از خریداری و انتقال استوک جلبک کلرلا ولگاریس از جهاد دانشگاهی، به آزمایشگاه منتقل گردید و در محیط کشت(BBM(Bold Basal Medium مورد کشت قرار گرفت. پس از انجام آزمایش‌های مقدماتی موردنیاز، اقدام به طراحی آزمایش‌ها به روش سطح پاسخ شد. در این مطالعه اثرات غلظت اولیه کل نیتروژن، کل فسفر، مدت‌زمان نوردهی و زمان کشت در کاهش کل نیتروژن و تولید پروتئین موردمطالعه قرار گرفت، و تعداد آزمایشات طبق نرم افزار دیزاین اکسپرت و با توجه به متغیرهای مستقا ۲۹ عدد برآورد گردید. سپس آزمایش‌های طراحی شده طبق ماتریس طراحی انجام شد و داده‌های به‌دست‌آمده مورد آنالیز واریانس و رگرسیون قرار گرفت و مدل‌های برازش یافته بر داده‌های حذف کل نیتروژن و تولید پروتئین به دست آمد. برای بهینه‌سازی شرایط حذف کل نیتروژن و تولید پروتئین بهینه‌سازی عددی انجام شد. در نهایت جهت اطمینان از نتایج پیش‌بینی توسط مدل‌ها، صحت سنجی صورت گرفت.

نتایج: نتایج نشان داد که در سطح اطمینان ۹۵٪ اثرات اصلی متغیرهای مستقل شامل نیتروژن کل (A)، فسفر کل (B) ، مدت‌زمان تماس پساب و جلبک (C) ، طول دوره‌ی روشنایی (D)، در حذف مواد مغذی و تولید پروتئین معنی‌دار بودند. در شرایط بهینه شامل غلظت کل نیتروژن، غلظت کل فسفر، زمان مواجهه جلبک با پساب، زمان روشنایی، راندمان حذف پیش‌بینی‌شده توسط مدل‌های به‌دست‌آمده در حذف کل نیتروژن ۹۹/۷۶٪ و تولید پروتئین mg/gr ۷۳۳/۴۷ بود و نتایج پیش‌بینی‌شده با نتایج آزمایشگاهی از تطابق بالایی برخوردار بودند. در این شرایط میزان مطلوبیت مدل‌ها ۱۰۰ ٪ بود.

نتیجه‌گیری: جلبک کلرلا ولگاریس پتانسیل خوبی در حذف کل نیتروژن (TN) از فاضلاب کشتارگاه مرغ دارد. در این شرایط مقدار قابل‌توجهی بیومس جلبکی با پروتئین بالا تولید می‌گردد که از آن می‌توان در مصارفی همچون تغذیه دام، کود گیاهی و مصارف بهداشتی و صنعتی استفاده کرد. روش سطح پاسخ روش مناسبی در طراحی آزمایش‌ها و بهینه‌سازی فرایند تصفیه جلبکی فاضلاب‌ها است.

واژگان کلیدی: *تصفیه فاضلاب، فاضلاب کشتارگاه مرغ، جلبک کلرلا ولگاریس، حذف مواد مغذی، روش سطح پاسخ*

نقشه آلودگی خاک به فلزات سنگین در خاک‌های محل دفن پسماندهای شهری و بیمارستانی شهر سبزوار

محمد حسین ساقی[۱]، مهدی فرزاد کیا[۲]، عباس عباس نیا[۳]، الهام عباس نژاد آرا[۴]، محمد حسن کوثری[۳*]

۱. دانشیار، رشته بهداشت مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

۲. استاد، رشته بهداشت مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران

۳. دانشجوی دکتری، رشته بهداشت مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته بهداشت مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران

* نویسنده مسئول: محمد حسن کوثری، دانشجوی دکتری، رشته بهداشت مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران

چکیده

زمینه و هدف: مدیریت پسماندهای جامد شهری یکی از مشکلات بهداشتی و زیست‌محیطی در کشورهای در حال توسعه مثل ایران هست. در شهرهای ایران، برای دفع زباله‌های جامد از دفن زباله استفاده می‌شود زیرا نسبت به سایر روش‌های مدیریت پسماند، ساده‌تر، ارزان‌تر و دارای موانع تکنولوژی پایین‌تری است. با توجه به اینکه دفن مواد زائد و زباله‌ها یکی از مسائل و مشکلات مدیران شهری بخصوص در سال‌های آتی هست و تأثیری که مواد زائد می‌توانند در آلودگی منابع آب زیرزمینی داشته باشند، اهمیت این مسئله را دوچندان نموده است. لذا این پژوهش، با هدف پهنه‌بندی و ترسیم نقشه کلی شدت آلودگی خاک‌های اطراف محل دفن پسماندهای شهر سبزوار به فلزات سنگین مختلف انجام شد.

مواد و روش‌ها: نمونه‌برداری به روش تصادفی در فواصل ۱۰ و ۱۰۰ متری نسبت به محل دفن و دو عمق ۱۰ و ۳۰ سانتی‌متری از سطح زمین در ۱۶ ایستگاه نمونه‌برداری به همراه دو ایستگاه شاهد در پاییز سال ۱۳۹۸ انجام شد. غلظت فلزات سنگین آرسنیک، روی، سرب، کروم، مس، جیوه و کادمیوم به‌وسیله دستگاه ICP-OES آنالیز گردید. نقشه آلودگی خاک شدت با استفاده از شاخص پتانسیل ریسک اکولوژیک (Er) و مجموع ریسک اکولوژیک مجموع عناصر (RI) در محیط نرم‌افزاری ArcGIS به کمک تخمینگر کریجینگ معمولی ترسیم شد و همچنین آنالیز ضریب همبستگی پیرسون برای تعیین رابطه بین فلزات سنگین در خاک و منابع آنها استفاده گردید.

نتایج: میانگین غلظت تمام فلزات سنگین به‌جز جیوه در خاک‌های سطحی (۱۰ سانتی‌متری) بیشتر از خاک‌های عمقی(۳۰ سانتی‌متری) بود. همچنین مقدار همگی فلزات سنگین نسبت به مقادیر پس‌زمینه طبیعی (شاهد) بالاتر بود. شاخص Er برای فلزات سنگین آرسنیک، سرب، روی، کروم و مس در خاک عدم آلودگی ولی برای جیوه و کادمیوم آلودگی شدید را نشان داد. بر اساس نتایج، رابطه معناداری بین فلز سنگین کادمیوم و سرب با ضریب همبستگی بالایی ($r = 0.953$) در سطح ۰/۰۱ وجود داشت.

نتیجه‌گیری: وجود غلظت بالای فلزات سنگین در خاک ناشی از هر دو عامل طبیعی و انسانی است و توزیع آنها در سازندهای طبیعی و فعالیت‌های انسانی ممکن است توزیع ژئوشیمیایی فلزات سنگین را بیش از منابع سنگ‌زا تغییر دهد که بالاتر بودن مقادیر فلزات سنگین در خاک‌های اطراف محل دفن نسبت به مقدار زمینه (شاهد) بیانگر نقش لندفیل در آلودگی خاک بود. بیشترین شدت آلودگی به جیوه و کادمیوم مربوط به مناطق نزدیک به دفن پسماندهای بیمارستانی بود که منشأ انسان‌زاد این عناصر پلاستیک‌های رنگی، لوازم پزشکی و لوازم آرایشی موجود در پسماند است. لذا با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که در خاک محل دفن زباله شهر سبزوار آلودگی فلزات سنگین ناشی از پسماندهای شهری وجود دارد و نیازمند اقدامات بهداشتی و مدیریتی جهت جلوگیری از گسترش آلودگی و کنترل و پالایش و احیا خاک توسط مدیران و متخصصین است.

واژگان کلیدی: *آلودگی خاک، فلزات سنگین، محل دفن، سبزوار*

بررسی ریسک خطر و ویژگی‌های میکروپلاستیک‌های تصفیه خانه فاضلاب بیمارستانی: مطالعه موردی شهر زاهدان

حسین کمانی[۱]، مهدی غایب زاده[۲]، فاطمه گنجی*[۳]

۱- مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

۲- استادیار گروه مهندسی بهداشت محیط، گروه بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

چکیده

زمینه و هدف : امروزه محصولات پلاستیکی به طور گسترده‌ای در سراسر جهان استفاده می‌شوند، مصرف بالای این محصولات باعث حضور گسترده آن‌ها در انواع فاضلاب، منابع آبی و محیط زیست می‌شود، که این خود سبب خطرات زیست محیطی می‌شود. تصفیه خانه‌های فاضلاب یکی از منابع مهم ورود و انتشار میکروپلاستیک‌ها به محیط زیست است. این مقاله برای اولین بار گزارشی از تعداد و ویژگی‌های میکروپلاستیک‌ها در یک تصفیه خانه فاضلاب بیمارستانی را ارائه می‌دهد.

مواد و روش ها : این مطالعه از نوع تجربی- آزمایشگاهی می‌باشد که در سال ۱۴۰۲ انجام شده است. در این مطالعه، مجموعا دو نمونه از فاضلاب ورودی و پساب خروجی تصفیه خانه بیمارستان علی ابن ابیطالب درون ظروف شستشو داده شده ۱۰ لیتری برداشت شد. سپس نمونه‌ها با استفاده از الک‌های با اندازه منافذ ۴۷۶۰ میکرومتر (مش ۴)، ۲۰۰۰ میکرومتر (مش ۱۰)، ۱۰۰۰ میکرومتر (مش ۱۸)، ۵۰۰ میکرومتر (مش ۳۵)، ۲۵۰ میکرومتر (مش ۶۰) و ۲۵ میکرومتر (مش ۵۰۰) غربال شدند. پس از هضم نمونه‌ها با هیدروژن پراکساید، میکروپلاستیک‌ها توسط محلول سدیم کلراید استخراج شدند و بعد از رنگ آمیزی با رنگ رز بنگال، توسط میکروسکوپ Olympus بررسی و شمارش شدند. برای بررسی مورفولوژی سطحی و شناسایی نوع پلیمر به کار رفته در میکروپلاستیک‌ها به ترتیب از آنالیز FESEM و FTIR استفاده شد. همچنین در این مطالعه میزان خطر پلیمرهای یافت شده در پساب خروجی طی ۵ مرحله برآورد شد.

نتایج : فراوانی ذرات میکروپلاستیک در ورودی و خروجی تصفیه خانه فاضلاب بیمارستان به ترتیب (N/L) ۱۴۰و (N/L) ۱۵ است. بیشترین رنگ مشاهده شده مربوط به میکروپلاستیک‌های با رنگ سیاه بود. اندازه ذرات میکروپلاستیک بر اساس الک استفاده شده ۵۰۰-۲۵ میکرومتر بود. بیشترین اشکال میکروپلاستیک‌های مشاهده شده، اشکال الیافی و قطعه‌ای بودند. غالب میکروپلاستیک‌های مشاهده شده دارای پلیمرهای پلی پروپیلن و پلی اتیلن ترفتالات بودند. بالاترین ریسک خطر نسبت به میزان استاندارد بدست آمده از مطالعات قبلی را پلیمرهای پلی اتیلن، پلی اتیلن ترفالات و پلی آمیدها داشتند.

نتیجه گیری: تعداد ذرات میکروپلاستیک در انتهای فرآیند تصفیه نشان داد که فرایند تصفیه متداول لجن فعال سبب کاهش موثر ذرات میکروپلاستیک می‌شود ولی برای حذف کامل آن‌ها کافی نمی‌باشند. با توجه به حضور میکروپلاستیک‌ها در فاضلاب ورودی تصفیه خانه‌ها و عدم حذف کامل آن‌ها توسط فرآیندهای متداول تصفیه، باید راهکارهای مدیریتی جامع جهت کاهش مصرف پلاستیک‌ها و میکروپلاستیک‌ها و حذف کامل آن‌ها از پساب خروجی تصفیه خانه‌های فاضلاب با استفاده از فرآیندهایی مانند فیلتراسیون غشایی یا استفاده از میکروارگانیسم‌ها که سبب تجزیه آن‌ها می‌شوند. بنابراین پساب تصفیه خانه فاضلاب منبع مهمی برای ورود میکروپلاستیک‌ها به محیط زیست است که ارزیابی و بررسی خطرات و آلودگی‌های زیست محیطی ناشی از آن لازم می‌باشد.

واژگان کلیدی: *فاضلاب، پلاستیک، میکروپلاستیک، بیمارستان، ارزیابی ریسک*

Coupling of ZnO and magnetite nanoparticles on activated carbon towards peroxymonosulfate photoactivation for enhancing bisphenol A degradation

Babak Kakavandi[1], Fatemeh Ahmadi[2,*]

1-Department of Environmental Health Engineering, Alborz University of Medical Sciences, Karaj, Iran

1-Student of Environmental Health Engineering, Alborz University of Medical Sciences, Karaj, Iran

Abstract

Introduction: In recent decades, the distribution and the presence of endocrine disrupting chemicals (EDCs), in various water sources has been considered as a serious challenge by environmentalists due to their potential toxic effects on aquatic life and humans. In this study, a UVC-based PMS activation treatment is performed by a novel photocatalyst. Using ZnO nanoparticles coupled with activated carbon (AC), impregnated by ferroferric oxides (FO), towards effective Bisphenol A (BP-A) degradation.

Materials and methods: Herein, the composite ZnO@AC@Fe_3O_4 (hereon: ZACFO) magnetic photocatalyst was prepared, characterized, and its performance was evaluated in a photocatalytically activated peroxymonosulfate(PMS) systemA field emission-scanning electron microscope equipped with an Energy dispersive X-ray Spectrometer (FESEM-EDS, JSM-6700F) was used to characterize the surface morphological and elemental compo- sition of the as-obtained samples.Moreover, the photo-produced reactive intermediates and by-products identified, the photocatalytic mechanism and the plausible pathway of BP-A degradation were proposed comprehensively.

Results : Under UVC-based PMS activation, ZACFO showed an excellent potential as compared to the single constituent catalysts. The complete degradation of 20 mg/L of BP-A was attained in just 20 min with excellent reaction rate constant of 27.3×10^2 min^{-1}. Besides, over 60% of TOC was eliminated by the integrated ZACFO/PMS/UV system within 60 min of reaction. The minor inhibition by most matrix components, the high recycling capability with minor metals' leaching and the effectiveness in complex matrices, constitute this composite method an efficient and promising process for treating real wastewater samples. The presence and role of radical and non-radical pathways in the decontamination process of BP-A over ZACFO/PMS/UV system was confirmed.

Conclusion: The integrated ZACFO/PMS/UV system also showed a high performance for the treatment of BP-A-based solutions. Owing to high photocatalytic activity of as-prepared catalyst under UV light, high ability to activate PMS, easy recovery and good stability, the ZACFO/PMS/UV process can be introduced as an efficient Advanced oxidation process(AOP) for decontamination applications.

Keywords: *Heterogeneous photocatalyst, Magnetic nanoparticles ,Bisphenol A, Peroxymonosulfate activation.*

سلامت، ایمنی و محیط زیست

مرور سیستماتیک کاربرد فناوری‌های هوش مصنوعی، همزاد دیجیتال و واقعیت گسترده در بهبود فرآیند مدیریت ایمنی صنعت ساخت

شعیب شاهدی[۱]، مهدی کریمی کریملو[۲]، ایمان علی بیگی[۳]، مصطفی خانزادی[۴]

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مهندسی و مدیریت ساخت، دانشکده عمران، دانشگاه علم و صنعت ایران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مهندسی و مدیریت ساخت، دانشکده عمران، دانشگاه علم و صنعت ایران

۳- کارشناس ارشد، رشته مهندسی و مدیریت ساخت، دانشکده عمران، دانشگاه علم و صنعت ایران

۴- استاد دانشکده مهندسی عمران- دانشگاه علم و صنعت ایران

زمینه و هدف: صنعت ساختمان به دلیل نرخ بالای حوادث و شرایط ناایمن یکی از خطرناک‌ترین صنایع درسراسرجهان شناخته می‌شود. باتوجه‌به ماهیت غیرقابل پیش‌بینی و پیچیده صنعت ساخت و ناکارآمدی شیوه‌های سنتی مدیریت ایمنی، پذیرش فناوری‌های جدیدی چون مدلسازی اطلاعات ساخت۴(BIM)، واقعیت گسترده۵(XR)، واقعیت افزوده۶(AR)، واقعیت مجازی۷(VR) واقعیت مختلط۸(MR)، همزاد دیجیتال۹(DT) و هوش مصنوعی۱۰(AI) می‌توانند در تامین شاخص‌های مدیریت ایمنی کارآمد باشند. در حقیقت تلفیق روش‌های قدیمی‌تر مدیریت ایمنی و راهکارهای کاهش حوادث با تکنولوژی‌های جدید امکان اثرگذاری و موفقیت بیشتری را بدست می‌آورد. لذا هدف اصلی این مطالعه بررسی فرصت‌های پژوهشی بالقوه در ادغام فناوری‌های AI، DT وXR جهت بهبود فرآیند مدیریت ایمنی پروژه‌های صنعت ساخت است.

مواد و روش ها: در این تحقیق از روش مطالعه مروری سیتماتیک استفاده شده است. مطالعه مروری سیتماتیک روش رایجی برای بررسی وضعیت فعلی مطالعات محققان در حوزه مشخص شده است و میتواند خلاءهای تحقیقاتی آن حوزه را مشخص و در جهت‌دهی مطالعات آینده نقش موثری را ایفا کند. هدف اصلی این مطالعه بررسی اثربخشی و فواید تکنولوژی‌های مدلسازی اطلاعات ساخت، واقعیت گسترده، واقعیت افزوده، واقعیت مجازی، واقعیت گسترده، همزاد دیجیتال و هوش مصنوعی بر فرآیند مدیریت ایمنی در پروژه‌های ساخت و بررسی چالش‌ها و محدودیت‌های پیاده‌سازی آن‌ها می‌باشد. جهت انجام مطالعه مروری به ترتیب این مراحل طی شده است: ۱) تعیین هدف اصلی مطالعه ۲) جستجو در پایگاه استنادی انتخابی با استفاده از

کلیدواژه‌های مرتبط ۳) انتخاب کردن مقالات مرتبط براساس عنوان ۴) بررسی مجدد مقالات براساس چکیده و محتوا ۵) انتخاب مقالات نهایی و مطالعه کامل. در مرحله دوم از پایگاه‌های استنادی Scopus و Web of Science استفاده شد و ۶۳ عدد مقاله بدست آمد. در مرحله سوم و بعد از حذف کردن مقالات ۲۶ مقاله مرتبط باقی ماند و نهایتا ۱۳ عدد مقاله در این تحقیق مورد بررسی و تفحص قرار گرفت. همچنین معیار پذیرش مقالات مرتبط بودن با موضوع و اعتبار ژورنال چاپ شده در نظر گرفته شد.

نتایج: مطالعات صورت گرفته را می‌توان در سه حوزه پیش از ساخت، حین ساخت و در دوره نگهداشت جهت بهبود فرایند شناسایی خطرات، بازررسی از تجهیزات و آموزش ایمنی بررسی نمود. بخشی از مطالعات انجام شده به بررسی کاربردهای تکنولوژی‌های اشاره شده در صنعت ساخت پرداخته‌اند که یکی از آن‌ها مدیریت سیستم ایمنی و کاهش حوادث می‌باشد.

در مطالعاتی که همزاد دیجیتال را مورد بررسی قرار داده بودند، درباره کاربرد این فناوری در پایش، دریافت و نمایش اطلاعات لحظه‌ای از وضعیت پروژه و تجهیزات صحبت شده است. همچنین مقالاتی مربوط به AR، VR، MR و XR به ترتیب اثر بخشی این فناوری‌ها را در زمینه‌های کاهش خطاها، آموزش دادن، آموزش ایمنی و... نشان می‌دهند. از AI هم برای پیش‌بینی حالات مختلف خطر آفرین با استفاده از یادگیری ماشینی و... به کمک داده‌های واقعی جمع‌آوری شده در پروژه استفاده می‌شود.

نتیجه گیری: ادغام فناوری‌های AI، DT وXR می‌تواند در بحث شناسایی خطرات و دادن اطلاعات محیطی به کارگران ابزار قدرتمندی باشد. همچنین حس‌حضور بالایی که فناوری VR برای کاربران بوجود می‌آورد می‌تواند منجربه بهبود فرآیند آموزش ایمنی شده و انگیزه کاربران را افزایش دهد. فناوری همزاد دیجیتال نیز با پایش لحظه‌ای پروژه ابزار قدرتمندی برای مدیریت داده‌ها محسوب می‌شود و امکان شناسایی لحظه‌ای خطرات و خبررسانی به نفرات مسئول را دارد. در حقیقت داده‌های جمع‌آوری شده و نمایش داده‌شده توسط همزاد دیجیتال می‌توانند ورودی مدل‌های مختلفی از هوش مصنوعی باشند تا به کمک آن توانایی پیش‌بینی و شبیه‌سازی خطرات فراهم شود. میزان دیجیتالی بودن صنعت ساخت نسبت به سایر صنایع کمتر است و همین موضوع منجر به بروز مشکلات متعددی در پیاده‌سازی و استفاده از این تکنولوژی‌ها می‌گردد. درمطالعات صورت گرفته اصلی‌ترین محدودیت پذیرش این فناوری‌ها نیز هزینه بالا و نابالغی و اصلی‌ترین محرک پذیرش این فناوری بهبود در تحویل پروژه و ارائه خدمات جدید و بهتر بیان گردیده است. در مجموع پیاده‌سازی صحیح این تکنولوژی‌ها در صنعت ساخت می‌تواند اثرات قابل توجهی را روی سیستم مدیریت ایمنی داشته باشد ولی در این مسیر بهتراست چالش‌های بیان‌شده با برنامه‌ریزی درست مرتفع شود.

واژگان کلیدی: *مدیریت ایمنی، صنعت ساخت، واقعیت گسترده، هوش مصنوعی، همزاد دیجیتال*

ارتباط معنادار هایپرلیپیدمی و کاهش شنوایی ناشی از سروصدا (NIHL) در شرکت مهندسی و ساخت بویلر و تجهیزات مپنا

دکتر پژمان نظری[1] ،سعیده روزافزای[2]

۱- پزشک عمومی ، دانشکده باگامولتس ، دانشگاه کیف اکراین

۲- کارشناس پرستاری ، دانشکده پرستاری ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

چکیده

زمینه و هدف: اختلالات متابولیک شامل هیپرلیپیدمی از مهمترین مسایل بهداشتی درمانی جوامع انسانی است. از اینرو هدف این مطالعه بررسی شیوع و ارتباط هیپرلیپیدمی با افراد کم شنوا در مواجهه با فرکانس بالا (NIHL) و نحوه کنترل یا کاهش هیپرلیپیدمی با رژیم درمانی خاص در شرکت مهندسی و ساخت بویلر و تجهیزات مپنا در سال ۱۴۰۲ می‌باشد.

مواد و روش ها: این تحقیق, یک مطالعه مقطعی توصیفی- تحلیلی (Descriptive-analytic cross-sectional) به مدت یکسال (۱۲ ماه) است.از تعداد کل۱۱۶۰ نفر در شرکت مهندسی و ساخت بویلر و تجهیزات مپنا؛ ۳۷۶ نفر در معاونت تولیدمشغول به کار میباشند که تعداد ۱۴۹ نفر مبتلا به هیپرلیپیدمی در رنجChol : 220mg/dL< و TG 200mg/dL< بوده که از تعداد ۱۴۹ نفر مبتلا به هیپرلیپیدمی تعداد 47 نفردچار کم شنوایی در رنج ۳ و ۴ و۶ کیلو هرتز(25dB<) {mild to severe} بوده که مورد آزمایش در این تحقیق قرار گرفته است.

نتایج: طبق فرضیه موجود در تحقیق و ارتباط افزایش/کاهش هیپرلیپیدمی با افزایش کم شنوایی یا بهبود آن؛ بر اساس درمان آنتی هیپرلیپیدمیک و رژیم غذایی کم کلسترول در جامعه نمونه پس از مدت ۱۲ ماه، در ۳۲ نفر بهبود یافته در سطح لیپید، شاهد ۵۶ درصد(۱۸ نفر) بهبود سطح شنوایی در رنج ۳ و ۴ و۶ کیلو هرتز(25dB<) با درمان و کنترل هیپرلیپیدمی مشاهده شد.

نتیجه گیری: ارتباط معنادار بین کاهش سطح شنوایی ناشی از سروصدا (NIHL) با کاهش سطح لیپید خون دیده شد .

واژگان کلیدی: *درمان ضد چربی؛ هیپرلیپیدمی؛ رژیم غذایی کم کلسترول؛ کاهش شنوایی ناشی از سر و صدا*

ارزیابی تاثیر مداخلات ارگونومیکی ،مدیریتی و فنی بر کاهش سندرم بینایی کامپیوتری در بین کارکنان کنترل کیفیت یک شرکت تجهیزات پزشکی

سید رضا آقازاده [۱] ، فاطمه رضایی [۲] ، علی محمدی کیا [۲] ، گلسا کسانی [۳]

۱. دانشجوی دکترای مهندسی بهداشت حرفه ای ، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان ، همدان ، ایران.

2. کارشناسی ارشد، مهندسی صنایع ، دانشکده فنی مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات

۳. کارشناسی ، مهندسی بهداشت حرفه ای، مرکز بهداشت غرب، دانشگاه علوم پزشکی ایران

چکیده

مقدمه: سندرم بینایی کامپیوتری به اثر استفاده طولانی مدت از پایانه های نمایش بصری (VDT) مانند نمایشگرهای کامپیوتر، گوشی های هوشمند و تبلت ها اشاره دارد. تماشای بلند مدت و تکراری صفحات نمایشگرها می تواند باعث خشکی چشم، دوبینی، گلوکوم، سوزش چشم، سردرد، سرگیجه و سایر بیماریها شود. این شرایط در طول زمان و بسته به عواملی مانند نور، زاویه و فاصله بین صفحه نمایش و کاربر، کیفیت نمایشگر و همچنین طول مدت زمان استفاده از نمایشگر ایجاد می شوند.مطالعات قبلی نشان داده است که شرکت های تولید کننده محصولات الکترونیکی تصویری مانند صفحات ال سی دی یا سایر صنایع استفاده کننده از نمایشگرهای تصویری ، ناخواسته درگیر سندرم بینایی کامپیوتری خواهند شد.در بخش کنترل کیفیت شرکتهای تولید کننده محصولات تصویری ، تست و بررسی سلامت ظاهری و کارکردی صفحه نمایش مورد بررسی دقیق قرار می گیرد و بنابر این ، کار در این بخش نیاز به دقت بسیار زیاد در هنگام تست نهایی و کنترل محصول دارد و کارکنان این بخش مستعد ناراحتی ها و بیماری های چشمی می باشند.هدف اصلی این مطالعه را می توان به دو بخش تقسیم کرد، در بخش اول وضعیت کارکنان بخش کنترل کیفیت از لحاظ ابتلا به سندرم بینایی کامپیوتری برررسی شده و با توجه به نتایج به دست آمده ، مداخلات فنی، مدیریتی و ارگونومیکی انجام و سپس تاثیر مداخلات انجام شده مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

روش کار: در این مطالعه ۴۳ نفر از کارکنان بخش کنترل کیفیت یک شرکت تولید کننده تجهیزات پزشکی انتخاب شدند.این شرکت در زمینه تولید دستگاه های تصویری از جمله دستگاه نوار قلبی و مغزی فعالیت دارد.افراد انتخاب شده با استفاده از پرسشنامه سندرم بینایی کامپیوتری نسخه فارسی شده توسط دکتر یحیی زاده و همکاران مورد سنجش قرار گرفتند.نتایج به دست آمده از این مرحله مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.سپس با استفاده از منابع علمی و نظر متخصصین سه دسته مداخلات ارگونومیکی ، فنی ، مدیریتی به مدت سه ماه انجام پذیرفت.مداخلات در بخش ارگونومیکی شامل تغییرات ایستگاه کاری بخصوص صندلی و میز کار ، در بخش فنی مهندسی تغییرات میزان روشنایی محیط و در آخر در بخش مدیریتی تغییرات لازم در پیوستگی زمانهای کار صورت پذیرفت.بعد از مداخله صورت گرفته ، افراد به مدت ۳ ماه با شرایط جدید به فعالیت پرداختند.بعد از سه ماه به منظور بررسی تاثیر مداخلات، مجدداً از پرسشنامه سندرم بینایی کامپیوتری استفاده گردید.همچنین به منظور

بررسی نظر کارکنان درباره تاثیر مثبت یا منفی مداخلات صورت گرفته یک پرسشنامه محقق ساخته ایجاد شد.این پرسشنامه به کارکنان اجازه می داد که تاثیر هر یک از تغییرات انجام گرفته را به صورت خوداظهاری بیان نمایند.نتایج حاصل از پرسشنامه ها برای تجزیه و تحلیل وارد نرم افزار اکسل ۲۲ گردید.

نتایج: بررسی نتایج به دست آمده از پرسشنامه اولیه و قبل از مداخله تایید کننده وضعیت نامناسب و نگران کننده کارکنان بخش کنترل کیفیت می باشد.امتیاز کسب شده در هر یک از ۱۶ آیتم پرسشنامه سندرم بینایی کامپیوتری قبل و بعد از مداخله در جدول زیر خلاصه شده است.قبل از مداخله بیشترین امتیاز به قرمزی چشم ، چشم درد و تاری دید مرتبط بوده و کمترین امتیاز کسب شده مربوط به سنگینی چشم می باشد.همچنین بعد از مداخله نیز کمترین امتیاز در سردرد، قرمزی چشم، خستگی و احساس بدتر شدن بینایی به دست آمده است.جزییات امتیازات کسب شده در جدول زیر ارائه شده است.همچنین نمودار مقایسه ای هر یک از ۱۶ آیتم در نمودار زیر نشان داده شده است.

جدول میانگین امتیاز کسب شده در هر یک از سوالات قبل و بعد از مداخله

سوال	میانگین امتیاز تکرار و شدت		P
	قبل از مداخله	بعد از مداخله	
۱- سوزش چشم	1.51	1.37	۰.۰۰۰
۲- خارش چشم	1.47	1.21	۰.۰۰۳۲
۳- احساس وجود جسم خارجی در چشم	1.55	1.49	۰.۱۲
٤- وجود اشک در چشم	1.44	1.44	۰.۰۰۰
٥- پلک زدن بیش از حد	1.35	1.30	۰.۳۲
٦- قرمزی چشم	1.86	0.86	۰.۰۰۱۲
۷- چشم درد	1.74	1.16	۰.۰۰۱
۸- سنگینی پلک	1.12	1.12	۰.۱
۹- خشکی چشم	1.49	1.04	۰.۰۴۲
۱۰-تاری دید	1.63	۱.۲۳	۰.۰۰۰
۱۱-دو بینی	1.19	1.79	۰.۰۰۰

۱۲-مشکل در تمرکز برای دید نزدیک	1.53	1.51	۰.۰۶۷
۱۳-افزایش حساسیت به نور	1.60	1.28	۰.۰۰۰
۱٤-هاله های رنگی در اطراف اجسام	1.58	۱.۱۸	۰.۰۰۲
۱۵-احساس اینکه بینایی در حال بدتر شدن است	1.56	0.86	۰.۰۰۲۱
۱٦-سردرد	1.37	۰.۵۶	۰.۰۰۰

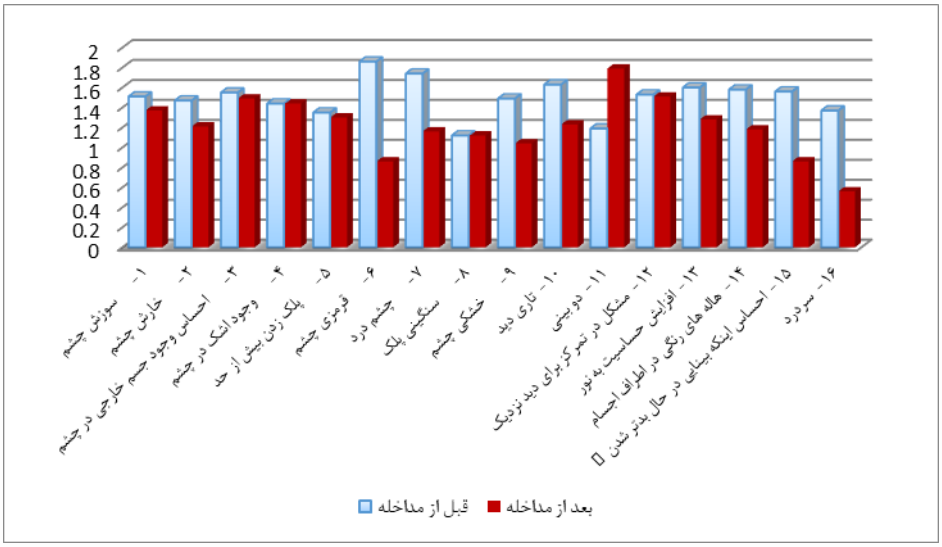

نمودار امتیازات قبل و بعد از مداخله

بحث و نتیجه گیری: همانطور که پیش بینی می شد نتایج این مطالعه شیوع نسبتاً بالای CVS را در بین کارکنان کنترل کیفیت نشان می دهد.شایع ترین علائم شامل قرمزی چشم، سردرد، تاری دید، حساسیت به نور و احساس بدتر شدن بینایی بود که با مطالعات مختلف صورت گرفته در این زمینه کاملاً تطابق دارد.امتیازات به دست آمده در بعد از مداخلات صورت گرفته نشان داد که در ۱۲ آیتم از ۱۶ آیتم موجود بهبود قابل ملاحظه ای در وضعیت ابتلا به سندرم بینایی کامپیوتری به دست آمده است، به طوری که باعث کاهش خستگی چشم و قرمزی آن در کارگران گردیده است.با توجه به پرسشنامه محقق

ساخته از بین مداخلات صورت گرفته در زمینه ارگونومیکی، مدیریتی و فنی بیشتر کارکنان تغییرات زمانی کار (مداخله مدیریتی) و تغییرات فنی از جمله بهبود وضعیت روشنایی ایستگاه کار را به عنوان عامل بهبود وضعیت بینایی ذکر کرده لند.مطالعات صورت گرفته قبلی نیز تاثیر مداخلات مدیریتی از جمله کاهش زمان مواجهه را ذکر کرده لند و همچنین در مطالعه دیگری که در زمینه تاثیر روشنایی ایستگاه کاری بر سندرم بینایی کامپیوتری صورت پذیرفته بود نقش موثر و ارتباط معنی دار بین روشنایی و کاهش سندرم بینایی کامپیوتری به دست آمده بود.با توجه به نتایج این مطالعه به نظر می رسد روشهای کم هزینه و موثری مانند تغییرات جزئی در شرایط فیزیکی محیط کار مانند روشنایی و همچنین کاهش زمان کار پیوسته و ایجاد استراحت بین کار می تواند تاثیر بسزایی بر سلامت کارگران داشته باشد.

واژگان کلیدی: *سندرم بینایی کامپیوتری، مداخلات ارگونومیکی، مداخلات مدیریتی، مداخلات فنی*

ارزیابی ریسک مخاطرات سلامت، ایمنی و محیط‌زیست مبتنی بر چرخه عمر سیستم در یک صنعت پرورش آبزیان در استان هرمزگان

پدرام رستگاری[۱]، محمدحسین وزیری[۲]، شکوه السادات خالو[۳]، فاطمه مهناز محسن زاده[۴]، سلیمان رمضانی‌فر[۵]، رضا سعیدی[۶]

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد سلامت، ایمنی و محیط‌زیست، گروه سلامت، ایمنی و محیط‌زیست، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲. استادیار آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه سلامت، ایمنی و محیط‌زیست، دانشکده بهداشت و ایمنی، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت محیط کار، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

۳. دانشیار شیمی تجزیه، گروه سلامت، ایمنی و محیط‌زیست، دانشکده بهداشت و ایمنی، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت محیط کار، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

۴. استادیار علوم محیط‌زیست، گروه سلامت، ایمنی و محیط‌زیست، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

۵. دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه‌ای و ایمنی کار، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

۶. دانشیار مهندسی بهداشت محیط، گروه سلامت، ایمنی و محیط‌زیست، دانشکده بهداشت و ایمنی، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت محیط کار، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: امروزه توسعه روزافزون صنعت و فناوری باعث رشد اقتصادی چشم‌گیری در جهان شده است، اما در کنار این اثرات سازنده عدم توجه و سرمایه‌گذاری کافی در حوزه سلامت، ایمنی و محیط‌زیست (HSE11) در صنایع گوناگون می‌تواند باعث بروز حوادث، بیماری‌های شغلی و آلودگی‌های زیست‌محیطی فراوان و اتلاف بخش بزرگی از سرمایه‌های محیطی، انسانی و مالی گردد. یکی از اقدامات اساسی در راستای کنترل و کاهش مخاطرات HSE، ارزیابی و مدیریت ریسک است. مطالعه حاضر

با هدف ارزیابی ریسک مخاطرات سلامت، ایمنی و محیط‌زیست مبتنی بر چرخه عمر سیستم با روش تجزیه و تحلیل حالت شکست و اثرات فازی (FFMEA۱۲) در یک صنعت پرورش آبزیان در استان هرمزگان صورت گرفت .

مواد و روش ها: این مطالعه از نوع توصیفی_کاربردی و ازنظر زمانی مقطعی به‌منظور ارزیابی ریسک مخاطرات سلامت، ایمنی و محیط زیست مبتنی بر چرخه عمر در یک صنعت پرورش آبزیان در استان هرمزگان به‌منظور ارائه استراتژی‌های کاهش مخاطرات سلامت، ایمنی و محیط زیست صورت گرفت. در این پژوهش، ابتدا چرخه عمر صنعت پرورش آبزیان شناسائی و ترسیم شد. سپس با بهره‌گیری از نظرات خبرگان و استفاده از تکنیک FFMEA ریسک مخاطرات شناسائی شده ارزیابی گردید.

نتایج: در این مطالعه با ارزیابی ریسک مخاطرات HSE با روش FFMEA مبتنی بر چرخه حیات، نقاط بحرانی مخاطرات HSE از نظر مرحله و زیر مرحله چرخه عمر، درجه ریسک مخاطره، حوزه مخاطره و تکرار مخاطره شناسایی شدند. از میان مخاطرات HSE شناسائی شده، ۳۸/۸ درصد مخاطرات ریسک بالایی داشتند که باید سریعاً با اجرای اقدامات اصلاحی کنترل شوند، ۴۴/۶ درصد مخاطرات ریسک متوسط داشته و باید در برنامه اقدامات اصلاحی مورد توجه قرار گیرند و تنها ۱۶/۶ درصد مخاطرات ریسک پایینی داشتند. این نتایج نشان داد که صنعت پرورش آبزیان در اجرای اقدامات کنترلی موفق نبوده و باید رویکرد خود را در این زمینه تغییر دهد.در چرخه عمر صنعت پرورش آبزیان مورد مطالعه، در مجموع ۳۴۳ مخاطره HSE شناسایی شد که ۳۸/۸ درصد دارای ریسک بالا، ۴۴/۶ درصد دارای ریسک متوسط و ۱۶/۶ درصد دارای ریسک پایین بودند. حدود ۸۶ درصد مخاطرات HSE شناسایی شده در حوزه سلامت و ایمنی و ۱۴ درصد در حوزه محیط‌زیست تعیین شدند. مرحله ساخت کارخانه تولید و آماده‌سازی خوراک (با دارا بودن ۴۶ درصد از مخاطرات HSE) مخاطره‌آمیزترین مرحله چرخه عمر پرورش آبزیان تعیین شد. بر اساس نتایج بررسی حوزه مخاطرات HSE، مخاطرات ایمنی با فراوانی ۵۲/۲ درصد در رتبه اول قرار داشتند و ۳۳/۸ درصد مخاطرات نیز مربوط به بخش سلامت بود، لذا در صنعت پرورش آبزیان مورد مطالعه باید توجه بیشتری به ایمنی کار و سلامت کارکنان شود. توزیع مخاطرات HSE در مراحل مختلف چرخه عمر صنعت نشان داد که مرحله ساخت کارخانه تولید و آماده‌سازی خوراک، دارای بیشترین سهم (۴۶ درصد) از مخاطرات HSE شناسائی شده بود. علت اصلی فراوانی بالای مخاطرات HSE تمرکز بیشتر فعالیت‌ها و ماشین‌آلات صنعتی در مرحله ساخت کارخانه تولید و آماده‌سازی خوراک در مقایسه با سایر مراحل بود. لذا، رعایت دستورالعمل‌ها و الزامات مدیریت HSE و اجرای اقدامات کنترلی در این مرحله نقش مهمی در دستیابی به وضعیت مطلوب مدیریت HSE در چرخه عمر صنعت پرورش آبزیان دارد.

نتیجه گیری: مطابق با یافته‌های این پژوهش، مرحله ساخت کارخانه تولید و آماده‌سازی خوراک (با دارا بودن ۴۶ درصد از مخاطرات HSE مخاطره‌آمیزترین مرحله چرخه عمر پرورش آبزیان تعیین شد. به همین منظور در راستای کاهش ریسک مخاطرات HSE می‌بایست اقدامات کنترلی از قبیل حفاظ گذاری محوطه تجهیزات تولید و آماده‌سازی خوراک، نصب حفاظ برای قسمت‌های متحرک و گردنده تجهیزات، پیاده‌سازی سیستم ارتینگ و اصلاح سیستم برق‌رسانی، بهسازی و آراستگی محیط کار با اجرای سیستم نظام آراستگی 5S، پیاده‌سازی و اجرا گردد. همچنین روش ارزیابی ریسک FFMEA مبتنی بر چرخه عمر

با در نظر گرفتن عدم قطعیت در مؤلفه‌های ریسک و شناسایی و اولویت‌بندی مخاطرات در کل مراحل عمر سیستم، می‌تواند به عنوان یک الگوی کارآمد و مؤثر جهت ارزیابی ریسک مخاطرات HSE در صنایع مختلف مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: *چرخه عمر، ارزیابی ریسک، اثر بهداشتی، پیامد زیست‌محیطی، صنعت پرورش آبزیان*

پنل ملی سلامت در بلایا و فوریت

اجرای برنامه استفاده مجدد از آب برای کاهش اثرات تغییرات اقلیمی و بحران آب در جوامع آسیب پذیر

رویا علیمرادزاده[۱]، ساناز سهرابی زاده [۲*]، آزاده طاهرنژاد[۱]

۱- دانشجوی دکترا، گروه سلامت در بلایا و فوریت ها، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲- دانشیار گروه سلامت در بلایا و فوریت‌ها، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: دکتر ساناز سهرابی زاده

چکیده

مقدمه: پساب تصفیه خانه های فاضلاب معمولاً برای مصارف کشاورزی، صنعتی و غیر مستقیم شهری مورد استفاده مجدد قرار می گیرد. میزان تولید فاضلاب می تواند بر اساس متغیرهای اقلیمی تغییر کند. تغییر اقلیم به عنوان یکی از چالش های عمده سیستم های فاضلاب شهری در دهه های آینده به حساب می آید. پیش بینی می شود که تغییرات اقلیمی یک اثر دوگانه بر مدیریت فاضلاب داشته باشد. یکی کارایی فرآیندها در مراحل مختلف تصفیه خانه و دیگری افزایش جریان رواناب به دلیل ذوب شدن سریع برف در حوادث شدید آب و هوایی باشند. بنابراین، با توجه به بحران آب، استفاده مجدد از فاضلاب با گسترش تغییرات اقلیمی بیشتر مورد نیاز خواهد بود. هدف از این مطالعه امکان سنجی اجرای برنامه استفاده مجدد از پساب تصفیه خانه های فاضلاب برای کاهش اثرات تغییر اقلیم بر روی منابع آب موجود در جوامع می باشد.

روش کار: برای انجام این مطالعه مروری پایگاههای داده نظیر Scopus، PubMed، Web of Science و Google Scholar مورد جستجو قرار گرفت. مقالات در بازه زمانی بین سالهای ۲۰۲۳-۲۰۱۰ مورد ارزیابی قرار گرفت. عبارت های جستجو شامل ترکیب "تغییر اقلیم"، "استفاده مجدد" و "بحران آب" هستند.

یافته ها: برای مقابله با نگرانی های فعلی بحران آب، پروژه های استفاده مجدد به عنوان یک گزینه امیدوارکننده برای نگهداری منابع آب مطرح شده اند. از سوی دیگر، تغییرات اقلیمی می تواند فرصت ها و تهدیدهایی برای برنامه استفاده مجدد از فاضلاب داشته باشد. هر چه تغییرات اقلیمی بیشتر باشد، خشکسالی شدیدتر و کمبود شدید منابع آب موجود بیشتر می شود. از این رو، اقداماتی مانند استفاده مجدد از آب برای سازگاری و کاهش اثرات اقلیمی ضروری است. همچنین، در دسترس بودن و دسترسی به آب سالم و بهسازی یکی از اهداف اصلی اتخاذ شده در دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار سازمان ملل متحد (UN) است. با این حال، در تمام کشورهای در حال توسعه، این هدف هنوز محقق نشده است. این امر ناشی از کمبودهای مختلف در جنبه های تکنولوژیکی فرآیندهای تصفیه، پوشش شبکه های آب و سیستم های جمع آوری فاضلاب و وضعیت اقتصادی است. برای رسیدن به این هدف نیازی به استفاده از فناوری های پیچیده کشورهای پیشرفته نیست و در عوض سعی می شود از سیستم

های تصفیه آب و فاضلاب غیرمتمرکز با حداقل مصرف انرژی، ساده، کارآمد و کم هزینه، سازگار با شرایط این جوامع استفاده شود.

نتیجه گیری: در نهایت، بیشترین تخصیص مصرف منابع آب در بخش کشاورزی اتفاق می‌افتد و تغییرات اقلیمی تأثیر مهمی بر این بخش دارد. بنابراین برنامه ریزی برای کاهش اثرات اقلیمی و استفاده از منابع آب جایگزین عامل مهمی برای مدیریت موثر منابع آب فعلی می باشد.

واژگان کلیدی: *تغییر اقلیم، بحران آب، پروژه های استفاده مجدد، سازگاری*

تبیین مولفه های موثر بر ارتقاء آموزش های آمادگی در برابر بلایا در بیمارستان های دولتی دانشگاه علوم پزشکی بابل : یک مطالعه کیفی

بهنام اسبکیان بندپی[۱]، ساناز سهرابی زاده[۲]، مهدی صادقی[۳]، آزاده طاهرنژاد[۴]

۱. دانشجوی دکتری، رشته سلامت در بلایا و فوریت ها، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۲. دانشیار، دپارتمان سلامت در بلایا و فوریت ها، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۳. دانشجوی دکتری، رشته سلامت در بلایا و فوریت ها، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۴. دانشجوی دکتری، رشته سلامت در بلایا و فوریت ها، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

چکیده

زمینه و هدف: حوادث و بلایا می تواند موجب آسیب به زیر ساخت های جوامع بخصوص سلامت شود و از آنجا که بیمارستان ها به عنوان واحدهای اصلی ارائه دهنده خدمات سلامت در پاسخ به بلایا هستند و آمادگی آنها موجب کاهش آسیب پذیری و بهبود ارائه خدمات در بلایا می شود. لذا پژوهش حاضر با هدف تبیین مولفه های موثر بر ارتقاء آموزش های آمادگی در برابر بلایا در بیمارستان های دولتی دانشگاه علوم پزشکی بابل انجام شد.

مواد و روش ها: مطالعه کیفی حاضر از نوع تحلیل محتوی قراردادی می باشد که در سال ۱۴۰۲ انجام شد. مشارکت کنندگان ۲۵ نفر از شاغلین بیمارستان های دولتی شهرستان بابل بودند که با روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. داده ها با استفاده از مصاحبه های عمیق نیمه ساختارمند جمع آوری شده و با رویکرد گرانهیم و لاندمن تحلیل گردید.

نتایج: مولفه های موثر بر ارتقای آموزش های آمادگی در بلایا در ۴ طبقه و ۱۳ زیر طبقه شامل مولفه های فردی (انگیزه و اشتیاق، خودباوری و مشارکت فعال، درک و میزان آمادگی افراد جهت یادگیری) مولفه های آموزشی (برنامه ریزی آموزشی، محتوی آموزشی، ویژگی های مدرسین، ارزیابی و بازخورد آموزشی) مولفه های درون سازمانی (مدیریت بیمارستان، قوانین سازمان، فضای حاکم بر سازمان) مولفه های برون سازمانی (وضعیت خانوادگی، وضعیت اجتماعی، وضعیت مدیریت کلان در سطوح مختلف) تبیین گردید.

نتیجه گیری : بکارگیری مولفه های تبیین شده از مطالعه می تواند در جهت ارتقاء آموزش های آمادگی در برابر بلایا در بیمارستان های دولتی موثر باشد. لذا پیشنهاد می شود از مولفه های تبیین شده در بیمارستان ها و دیگر مراکز پاسخ دهنده به بلایا جهت ارتقای آموزش های آمادگی در برابر بلایا استفاده گردد. همچنین بررسی مولفه های موثر بر ارتقای آموزش های مربوط به کاهش آسیب پذیری، پاسخ و بازتوانی تمامی گروه های ارائه دهنده خدمات سلامت در برابر بلایا پیشنهاد می شود.

واژگان کلیدی: *بلایا، آمادگی در بلایا، بیمارستان های دولتی، ارتقاء آموزش*

پنل بین الملل سلامت در بلایا و فوریت‌ها

Health in disasters and emergencies

Exploring the challenges of international school-going children due to air pollution in Tehran

Deepti Chhabra Wahi[1], Sanaz Sohrabizadeh[2], Katayoun Jahangiri[3]

[1]Ph.D. Candidate of Health in Disasters and Emergencies, School of Public Health and Safety, Shahid Beheshti University of Medical Sciences(SBMU), Tehran, Iran

[2] Associate professor, Air Quality and Climate Change Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences(SBMU), Tehran, Iran

[3] Full professor, Health in Disasters and Emergencies Department, School of Public Health and Safety, Shahid Beheshti University of Medical Sciences(SBMU), Tehran, Iran

Background and Aims: Poor respiratory health is a major cause of mortality and morbidity worldwide, and children are especially vulnerable. Air pollution has various effects on children as they are one of the most vulnerable groups in society. So, the present study aimed to explore the educational challenges of international school-going children during air pollution in Tehran.

Methods: This qualitative study was conducted using the qualitative content analysis. Participants were selected using purposive sampling method and were children, parents and school teachers who encountered air pollution and subsequent school closure in the capital city of Tehran in Iran. Data were collected by in-depth semi-structured interviews and observations. Data saturation was achieved after 15 interviews and data analysis was performed by inductive approach.

Results: A total of 6 subcategories and 2 categories were extracted by thematic analysis. The main categories that were extracted include health challenges and academic challenges. The category of academic challenges were extracted from subcategories of school closure challenges and online education challenges. The category of health challenges were extracted from subcategories of physical health challenges, mental health challenges, social health challenges, and psychological health challenges.

Conclusion: The study's findings revealed that lived experiences of participants due to school closure in air pollution can provide a suitable opportunity for individual, society and government to form policies to prevent its impact on health, education and social well-being of children. Therefore, understanding participant's experiences of air pollution and its consequences can be beneficial not only for reducing the vulnerability of children but also for planning and management.

Keywords: *Air pollution, Children, School, Challenges*

متون پوستر های پانزدهمین دوره از همایش تازه های علوم بهداشتی

پنل اپیدمیولوژی

ویژگی‌های اپیدمیولوژیک و پیامدهای بیماری کووید ۱۹ در بیماران مبتلا و غیرمبتلا به بیماری قلبی‌وعروقی

لیلا مفتخر*[۱]،الهه پیرای[۲]، حبیب اله آذربخش[۳]، غلامرضا محمدیان[۴]،علی اصغر ولی پور[۵]

۱-دانشگاه علوم پزشکی آبادان، آبادان، ایران. (نویسنده مسئول)

۲-مرکز تحقیقات کوهورت، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یاسوج، ایران

۳-دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

۴-دانشجوی دکتری اپیدمیولوژی، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

۵-گروه بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی آبادان، آبادان، ایران

چکیده

زمینه و هدف: کووید ۱۹ یک سندروم شدید تنفسی و بشدت مسری می‌باشد که در مبتلایان به بیماری‌های زمینه‌ای می‌تواند عوارض بالایی به همراه داشته باشد. بیماری‌های قلبی و عروقی به عنوان یک عامل‌خطر قوی برای پیشرفت سریع و پیش‌آگهی ضعیف بیماری کووید ۱۹ شناخته شده‌اند. این مطالعه به منظور مقایسه ویژگی‌های اپیدمیولوژیک و پیامدهای بیماری کووید۱۹در افراد با و بدون بیماری قلبی و عروقی انجام شد.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر یک مطالعه گذشته‌نگر است و تعداد ۲۸۴۲۶ بیمار مبتلا به کووید ۱۹ در بیمارستان‌های تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی آبادان را از اول اسفندماه ۹۸ تا آذرماه ۹۹بررسی نموده است. افراد تحت مطالعه به دو گروه بیماران قلبی (۱۴۹۷ نفر) و بدون بیماری قلبی(۲۶۹۲۶ نفر) تقسیم شدند. در ابتدا ویژگی‌های دموگرافیک و سایر بیماری‌های زمینه‌ای همراه در دو گروه بیماران قلبی و بیماران بدون بیماری قلبی مقایسه شدند و سپس به مقایسه نقش بیماری‌های زمینه‌ای در میرایی و بقا در کل افراد تحت مطالعه پرداخته شد. برای بررسی اختلاف بین متغیرهای کیفی در میرایی دو گروه افراد بیماران قلبی و بیماران بدون بیماری قلبی از آزمون کای اسکوئر و تست دقیق فیشر استفاده شد. سطح معنی داری ۰/۰۵ در نظر گرفته شد. آنالیز داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS ورژن ۲۰ و اکسل ورژن ۲۰۱۰ انجام شده است.

نتایج : در طی بازه زمانی مطالعه، ۲۸۴۲۶ مورد ابتلا به کووید۱۹ رخ داده است. میانه سنی کل بیماران ۳۸ سال بود. (۵۶٪/۲) بیماران مرد بودند. ۹۳۹ نفر از کل بیماران (۳٪/۳) فوت کردند، که از این تعداد ۲۰۳ نفر (۲۱/۶ ٪) مبتلا به بیماری قلبی بودند. از کل بیماران، (۵٪/۳) ۱۴۹۷نفر دارای بیماری قلبی و (۹۴٪/۷) ۲۶۹۲۶بدون بیماری قلبی بودند. مبتلایان به کووید ۱۹ با بیماری قلبی مسن تر از مبتلایان بدون بیماری قلبی بودند. همچنین بیماری های زمینه‌ای همراه مانند دیابت (۳۴٪/۷) ۵۲۰ در برابر

(۶/۶٪)۱۷۶۸، بیماری فشارخون (۲۵٪/۳) ۳۷۹در برابر (۴٪/۵) ۱۲۰۰،بیماری مزمن ریوی (۹٪/۴) ۱۴۱در برابر (۲٪/۲) ۶۰۵، بیماری مزمن کلیوی (۳٪/۴) ۵۱در برابر (۱٪/۴) ۳۷۴، بیماری مزمن کبدی (۱٪) ۱۳در برابر (۰/۲٪)،۲۷ در بیماران با بیماری قلبی بیشتر از بیماران بدون بیماری قلبی بود.

نتیجه گیری: همانطور که نتایج مطالعه ما نشان داد بیماری قلبی و عروقی یک تهدید جدی برای مبتلایان به کوئید ۱۹ می‌باشد چرا که سبب افزایش میرایی در آنها می شود. در نتیجه نیاز به تدوین استراتژی‌های پیشگیری و درمانی برای گروه‌های آسیب پذیر و بخصوص مبتلایان به بیماری قلبی‌وعروقی که در صورت ابتلا، میرایی بالایی را خواهندداشت.، می‌باشد تا از این طریق میزان میرایی ناشی از ان کاهش یابد.

در مطالعه ما نتایج ازمایشگاهی و رادیولوژی از بیماران برای تجزیه و تحلیل بیشتر در دسترس نبود اما مطالعه ما از اولین مطالعات در ایران بود که به بررسی ویژگی‌های بالینی بیماران قلبی و عروقی مبتلا به کوئید ۱۹ پرداخت و همچنین حجم نمونه بالایی دارد.

واژگان کلیدی : *بیماری های قلبی عروقی، کووید-۱۹، مرگ و میر*

سالمندی و سرطان کولون و رکتوم ؛ یک مطالعه مروری

*ابوبکر جعفرنژاد[۱]، فاطمه جعفری[۲]، حامد کرمی[۳]

۱- دانشجوی دکتری تخصصی اپیدمیولوژی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران.

۲- دانشجوی دکتری تخصصی اپیدمیولوژی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران.

۳- کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران.

*نویسنده مسئول: ابوبکر جعفرنژاد; دانشجوی دکتری تخصصی اپیدمیولوژی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: سرطان کولون و رکتوم یکی از شایع‌ترین بیماری‌های سالمندان است. سالمندی سالم و سبک‌زندگی سالم می‌تواند در پیشگیری و کاهش خطر ابتلا به این بیماری مؤثر باشد. در این مرور، ما به بررسی دقیق ترین مطالعات درباره سالمندی سالم و رابطه آن با سرطان کولون و رکتوم پرداخته‌ایم.

روش کار: در این مطالعه مروری، با استفاده از کلمات کلیدی مناسب، جستجو در پایگاه‌ها و دیتابیس های علمی فارسی و لاتین شامل Google scholar، Magiran، SID، Iranmedex، و PubMed, Irandoc انجام شد. مطالعات منتشر شده در پایگاه های فارسی و لاتین با کلیدواژه های : " سالمندی "، " سرطان کولون و رکتوم"، " سرطان کولون "، " سرطان رکتوم"، " سلامت سالمندی " و معادل لاتین آن ها طبق اصول Mesh terms در بازه‌ی زمانی بین سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳ انتخاب شدند. پس از بررسی عناوین و چکیده‌ها و ارزیابی های مربوطه، از بین ۷۸ پژوهش انجام شده، ۱۱ مطالعه برای بررسی انتخاب شدند.

نتایج: در این مرور، نشان داده شد که دوره سالمندی به همراه سبک‌زندگی سالم می‌تواند در پیشگیری و کاهش خطر ابتلا به سرطان کولون و رکتوم مؤثر باشد. مطالعات نشان داده‌اند که مصرف مواد غذایی سالم و تنوع در مصرف مواد غذایی، ورزش منظم، کاهش مصرف الکل و دخانیات، و کاهش وزن، می‌توانند در کاهش خطر ابتلا به سرطان کولون و رکتوم موثر باشند. همچنین، پیشگیری و درمان بیماری‌های مزمن مانند دیابت و بیماری‌های قلبی-عروقی، می‌تواند در کاهش خطر ابتلا به سرطان کولون و رکتوم نقش مؤثری داشته باشد.

نتیجه گیری: با توجه به تاثیر سبک زندگی سالم بر روی سالمندی و کاهش خطر ریسک ابتلا به سرطان کولون و رکتوم، در ابتدا آموزش های لازم نیروهای بهداشتی و در مرحله بعد آفزایش آگاهی و دانش در این زمینه برای طیف بزرگسال و سالمند جامعه حائز اهمیت است. همچنین همکاری بین بخشی نیز باید در اولویت قرارا گیرد. همچنین لزوم تست های سریع غربالگری

سرطان کولون و رکتوم از دیگر برنامه هایی است که بایستی یبصورت گسترده در تمامی سیستم محیطی وزارت بهداشت در دسترس همگان باشد.

واژگان کلیدی: *سالمندی ، سرطان کولون و رکتوم، مصرف مواد غذایی سالم، مقاله مروری.*

سرطان مثانه و ارتباط آن با تغذیه؛ یک مطالعه مروری

*ابوبکر جعفرنژاد[1]، فاطمه جعفری[2]، حامد کرمی[3]

۱- دانشجوی دکتری تخصصی اپیدمیولوژی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران.

۲- دانشجوی دکتری تخصصی اپیدمیولوژی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران.

۳- کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران.

*نویسنده مسئول: ابوبکر جعفرنژاد; دانشجوی دکتری تخصصی اپیدمیولوژی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: سرطان مثانه یکی از شایع‌ترین نوع سرطان‌های دستگاه ادراری است و هر ساله در سراسر جهان بسیاری از افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تحقیقات نشان داده‌اند که تغذیه می‌تواند به عنوان یکی از عوامل مؤثر در پیشگیری از سرطان مثانه و بهبود درمان آن باشد. در این مقاله مروری، ارتباط بین تغذیه و سرطان مثانه بررسی شد.

روش کار: در این مطالعه مروری، با استفاده از کلمات کلیدی مناسب، جستجو در پایگاه‌ها و دیتابیس های علمی فارسی و لاتین شامل Google Scholar، Magiran، SID، Iranmedex، و PubMed, Irandoc انجام شد. مطالعات منتشر شده در پایگاه های فارسی و لاتین با کلیدواژه های : " سرطان مثانه "، " تغذیه"، " سبک زندگی " و معادل لاتین آن ها طبق اصول Mesh terms در بازه‌ی زمانی بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۳ انتخاب شدند. پس از بررسی عناوین و چکیده‌ها و ارزیابی های مربوطه، از بین ۶۷ پژوهش انجام شده، ۱۲ مطالعه برای بررسی انتخاب شدند.

نتایج: تحقیقات نشان داده‌اند که تغذیه می‌تواند به عنوان یکی از عوامل مؤثر در پیشگیری از سرطان مثانه و بهبود درمان آن باشد. مصرف مواد غذایی بسیاری از عوامل ریسک سرطان مثانه مانند عدم مصرف ماهی و میوه‌ها، مصرف بالای قند، چربی و نمک، فلزات سنگین و آفات کشاورزی را کاهش می‌دهد. مصرف سبزیجات و میوه‌های تازه، ماهی‌های چرب دریایی، گردو، زیتون، سیر، زعفران و فلفل قرمز می‌تواند در پیشگیری از سرطان مثانه مؤثر باشد. علاوه بر این، مصرف مقدار کمی شیرینی، نوشیدنی‌های گازدار و روغن‌های پراکنده نیز می‌توانند به علت داشتن قند و چربی بالا به افزایش ریسک ابتلا به سرطان مثانه منجر شوند.

نتیجه‌گیری: با توجه به نقش تغذیه مناسب و سبک زندگی سالم در کاهش ریسک ابتلا به سرطان مثانه همچنین روند رو به گسترش بیماری های غیرواگیر از جمله سرطان مثانه در کشور و جهان، افزایش آگاهی آحاد مردم از اولویت های این مهم می باشد. بهبود معیشت مردم جهت دسترسی و افزایش قدرت خرید مواد غذایی مطلوب و بهداشتی از دیگر ضروریات است که همکاری سازمان های ذی صلاح و سیاست گذار می طلبد. همچنین افزایش آگاهی مردم نسب به تمییز مواد غذایی سالم و

بهداشتی با غذاهای فراوری شده نیز حائز اهمیت است. می توان با توجه به اولویت مسائل بهداتشی جامعه، اضافه نمودن تست سریع تشخیص سرطان مثانه همچون تست سریع سرطان کولون و رکتوم و ... مورد توجه قرار داد.

واژگان کلیدی: *تغذیه، سرطان مثانه، سبک زندگی، مقاله مروری.*

بررسی میزان واکسیناسیون کووید-۱۹ در جمعیت تحت پوشش مرکز جامع خدمات سلامت شهرستان بن در دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد در سال ۱۴۰۰

فاطمه هاشمی دزکی[۱] ، مریم علیدوستی[۱] ،محبوبه رضایی[۱] ،عاطفه جدیدی[۱] ،خدیجه بهمن زیاری[۱] ،الهه توسلی[۲]

۱. کمیته تحقیقات دانشجویی.دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد.شهرکرد.ایران.

۲. مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت.دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد.شهرکرد.ایران

چکیده

زمینه و هدف : در اواخر دسامبر ،۲۰۱۹ کشور چین موارد ذات الریه با علت نامعلوم در شهر ووهان را به سازمان بهداشت جهانی گزارش داد. شیوع این بیماری به دلیل انتقال انسان به انسان در سراسر جهان گسترش یافت و مراجعات به مراکز خدمات جامع و موارد بستری در بیمارستان‌ها در استان‌های درگیر به شدت افزایش داده است.. زمان ورود این بیماری به کشور تا ۱ دی ماه سال ۱۳۹۹ به ۵ دوره تقسیم شده است که به ازای هر دوره پارامتر های مؤثر به دست آمده است . این پارامترها نشان از اقداماتی مانند قرنطینه، رعایت پروتکل های بهداشتی در جامعه و همچنین توان سیستم درمان و سلامت کشور است.هدف از این مطالعه بررسی میزان واکسیناسیون کووید-۱۹ در جمعیت تحت پوشش مرکز جامعه خدمات سلامت شهرستان بن در دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد در سال ۱۴۰۰ می باشد

مواد و روش ها : این مطالعه بصورت توصیفی- مقطعی می‌باشد. اطلاعات از جمعیت بالای ۱۲ سال دارای پرونده الکترونیک سلامت و تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد که واجد دریافت واکسن کووید-۱۹ بودند و سابقه واکسیناسیون آنها در سامانه الکترونیک سیب ثبت شده بود از مسیر باکس مراقبت، کرونا نوبت اول استخراج و در نرم افزار SPSS نسخه ۲۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

نتایج : بر اساس نتایج به دست آمده از این مطالعه، جمعیت بالای ۱۲ سال تحت پوشش مرکز خدمات جامع سلامت شهرستان بن در سال ۱۴۰۰، ۶۲۹۶ نفر بود (۳۲۴۵ نفر مرد و ۳۰۵۱ نفر زن) که تعداد موارد واکسیناسیون کووید-۱۹ تا دی ماه سال ۱۴۰۰، در مجموع ۵۱۴۶ (٪۸۱/۷۳)نفر که از این تعداد ۲۵۷۷ (٪۸۳/۸۰)نفر زن و ۲۵۸۹ (٪۷۹/۷۸)نفر مرد می باشد. تعداد موارد واکسیناسیون انجام شده در گروه سنی کمتر از ۲۰ سال۷۰۲ نفر (۱۱/۱۴ ٪)، گروه سنی ۲۰ - ۳۰ سال ۸۸۹ نفر (۱۴/۱۲٪) ، گروه سنی ۳۰- ۴۰ سال ۱۳۷۳ نفر (۲۱/۸۰ ٪) ، گروه سنی ۴۰ - ۵۰ سال ۱۱۴۵ نفر (۱۸/۱۸ ٪)، گروه سنی ۵۰ - ۶۰ سال ۵۰۵ نفر (۸/۰۲ ٪)، گروه سنی ۶۰ - ۷۰ سال ۳۹۷ نفر (٪۶/۳۰)، گروه سنی ۷۰ - ۸۰ سال ۹۰ نفر (۱/۴۲ ٪) و گروه سنی ۸۰ سال و بالاتر ۴۵ نفر (٪۰/۷۱) بودند.

نتیجه گیری : بر اساس نتایج بدست آمده از این مطالعه، بیشترین درصد واکسیناسیون در گروه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال و ۴۰ تا ۵۰ سال است که این گروه اکثرا دارای شغل اداری هستند و از طرف محل کار مجبور به دریافت واکسن بوده اند. گروه بعدی گروه ۲۰ تا ۳۰ سال است که این گروه هم جزء فعالان اجتماع هستند: دانشجویان، کارکنان، و سربازان در این رده سنی قرار دارند و مجبور به دریافت واکسن بوده اند. گروه ۷۰ سال به بالا به دلیل کهولت سن و ناتوانی قادر به مراجعه نبوده اند و علاقه به دریافت واکسن نداشتند ، بعضی از آن ها به دلیل ترس از مرگ در اثر واکسن ، علاقه ای به دریافت واکسن نداشتند. در این منطقه درصد واکسیناسیون زنان نسبت به مردان این جمعیت بیشتر بود، علت آن را می توان توجه زیاد زنان به امر سلامت و همچنین زمانی که برای دریافت مراقبت های بهداشتی خود به مرکز بهداشت مراجعه می کردند ، دسترسی مراقبان سلامت به آن ها جهت ارائه مشاوره در ارتباط با فواید واکسن و عوارض بیماری بیشتر بود، و به عبارتی آن ها را قانع می کردند که برای حفظ سلامت خود و اطرافیانشان واکسن بزنند.

واژگان کلیدی : کووید-۱۹، واکسن کرونا، مرکز بهداشت

بررسی میزان ابتلا به کرونا درجمعیت تحت پوشش مرکز خدمات جامع سلامت ۲ فرخشهر در دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد در سال ۱۴۰۰

فاطمه هاشمی دزکی[۱] ،فاطمه مرادی[۱]،الهه توسلی [۲]

۱-کارشناسی بهداشت عمومی.کمیته تحقیقات دانشجویی.دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد.شهرکرد.ایران

۲-مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت.دانشگاه علوم پزشکی.شهرکرد.شهرکرد.ایران

چکیده

زمینه و هدف : با شروع موارد COVID-۱۹ در کشور چین و گسترش آن به تمام قاره‌های جهان، سازمان جهانی بهداشت پس از ماه ها اعلام پاندمی نمود. شیوع این بیماری در ایران نیز موجب ابتلای تعدادی از هموطنان به این بیماری شده و مراجعات به مراکز خدمات جامع و موارد بستری در بیمارستان‌ها در استان‌های درگیر به شدت افزایش داده است. بیماری کرونا به عنوان یک بیماری همه‌گیر، اثرات طولانی مدت اجتماعی، اقتصادی و روانشناختی را به دنبال خواهد داشت. هدف از این مقاله بررسی میزان ابتلا به کرونا درجمعیت تحت پوشش مرکز خدمات جامع سلامت۲ فرخشهر در دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد در سال ۱۴۰۰ می‌باشد.

مواد و روش ها : این مطالعه بصورت توصیفی- مقطعی می‌باشد. اطلاعات از جمعیت دارای پرونده الکترونیک سلامت و تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد که غربالگری از نظر علائم کرونا در سال ۱۴۰۰برای آنها انجام و در سامانه الکترونیک سیب ثبت شده بود از مسیر میزکار – پیگیری روند درمان کرونا توسط کادر بهداشتی استخراج و در نرم افزار SPSS نسخه ۲۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

نتایج : بر اساس نتایج به دست آمده از این مطالعه، جمعیت تحت پوشش مرکز خدمات جامع سلامت ۲ فرخشهر در سال ۱۴۰۰، ۹۲۶۵ نفر بود (۴۶۴۳ نفر زن و ۴۶۲۲ نفر مرد) که تعداد مبتلایان به کووید -۱۹ تا دی ماه سال ۱۴۰۰، ۱۵۹۵ نفر بود، از این تعداد (۱۵/۹۱٪)۷۳۹ نفر مرد و ۸۵۶ نفر زن (۱۸/۲۵٪) می‌باشد. موارد مبتلا به این بیماری در گروه سنی کمتر از ۱۰ سال۱۱۴ نفر (۸/۷۴ ٪)، گروه سنی ۱۰ - ۲۰ سال ۲۷۴ نفر (۲۰/۰۸٪)، گروه سنی ۲۰ - ۳۰ سال ۲۳۰ نفر (۱۸/۱۷٪) ، گروه سنی ۳۰- ۴۰ سال ۳۰۸ نفر (۱۸/۴۴ ٪) ، گروه سنی ۴۰ - ۵۰ سال ۲۸۴ نفر (۱۹/۲۷ ٪)، گروه سنی ۵۰ - ۶۰ سال ۱۷۱ نفر (۱۶/۷۵ ٪)، گروه سنی ۶۰ - ۷۰ سال ۱۱۸ نفر (۱۶/۹۰٪)، گروه سنی ۷۰ - ۸۰ سال ۶۴ نفر (۱۸/۶۵ ٪) و گروه سنی ۸۰ سال و بالاتر ۳۲ نفر (۱۶/۷۵٪) بودند.

نتیجه گیری : بر اساس نتایج بدست آمده از این مطالعه، میزان ابتلاء به بیماری کووید-۱۹ در زنان نسبت به مردان بیشتر بود(p<۰.۰۵). از دلایل آن می‌توان به تفاوت‌های فیزیولوژیک بدن و نقش اصلی زنان در مدیریت منزل و مراقبت از سایر اعضای خانواده اشاره کرد. براساس گروه سنی، بیشترین درصد ابتلاء به بیماری کووید-۱۹در گروه سنی ۱۰-۲۰ سال (گروه نوجوانان)

است که از علل آن می‌توان عدم توجه به موازین بهداشتی در این گروه و همچنین باز شدن مدارس و حضور در کلاس‌های درس در آن زمان اشاره کرد. گروه بعدی که بیشترین میزان ابتلاء را به خود اختصاص داد گروه سنی ۴۰-۵۰ سال است. این گروه سنی قشر فعال جامعه را تشکیل می‌دهند و حضوری اجتماعی بیشتری در جامعه و محل کار دارند. گروه سنی کمتر از ۱۰ سال نیز کمترین میزان ابتلاء (p <۰.۰۰۳) را داشتند. اعضای این گروه اغلب کودکان هستند که حضوری اجتماعی محدودتری در جامعه دارند و به دلیل نظارت مادران، رعایت موازین بهداشتی در این گروه مطلوب است. نتایج این مطالعه می‌تواند در راستای کمک به مجریان و مسئولان بهداشتی، جهت طراحی مداخلات آموزشی با استفاده از الگوهای موثر آموزش بهداشت به منظور ارتقاء سلامت و کاهش میزان ابتلاء به کرونا در جامعه و همچنین جلوگیری از پیامدهای منفی این بیماری از جمله مرگ و میر موثر واقع گردد.

واژگان کلیدی: *ابتلاء ، کرونا ، مرکز بهداشت*

بررسی ارتباط استرس پس از سانحه با ویژگی های شخصیتی در پرستاران مراقبت کننده از بیماران مبتلا به کووید-۱۹

احمدرضا فلاح فراغه[۱،۲]، بهاره فلاح[۳]، پروین فنونی[۱]، خدیجه نصیریانی[۳]، فاطمه دهقانی[۴]، فاطمه بخشی[۳]، محمدحسین دهقانی[۵]

۱-کارشناس پرستاری، مرکز تحقیقات مراقبت های پرستاری و مامایی، پژوهشکده بیماری های غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران

۲-دانشجوی کارشناسی ارشد روان پرستاری، گروه روان پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.

۳-مرکز تحقیقات مراقبت های پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران

۴-دانشکده پرستاری میبد، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

۵-گروه بیهوشی و مراقبتهای ویژه، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران

زمینه و هدف : اختلال استرس پس از سانحه تأثیر زیادی بر کیفیت مراقبت های بالینی می تواند داشته باشد. از این جهت باید عوامل خطرزای مرتبط شناسایی شوند لذا این مطالعه باهدف تعیین ارتباط بین ویژگی های شخصیتی و اختلال استرس پس از سانحه در پرستارانی که در بخش مراقبتی بیماران کووید- ۱۹ شاغل بودند، انجام شد.

مواد و روش ها : این مطالعه از نوع مقطعی - تحلیلی است که در سال ۱۴۰۰ انجام شد و ۳۱۶ پرستار مراقبت‌کننده از بیماران مبتلا به بیماری کووید-۱۹ در بیمارستان‌های آموزشی شهرستان یزد با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها در این مطالعه، یک پرسشنامه‌ی سه بخشی بود که بخش اول شامل پرسشنامه محقق ساخته اطلاعات دموگرافیک، بخش دوم شامل مقیاس ویژگی‌های شخصیتی (NEO-FFI) بخش سوم شامل مقیاس پرسشنامه اختلال استرس پس از سانحه می‌سی سی پی بود. داده‌ها با نرم‌افزار SPSS تحلیل شد.

نتایج : از بین پرستاران شرکت کننده در این مطالعه، ۱۳.۳٪ آن ها مبتلا به اختلال استرس پس از سانحه بودند. بین زیر مقیاس های ویژگی های شخصیتی با جنس زن به ترتیب رنجوری (P=0/031) اشتیاق به تجارب تازه(P=0/001)، توافق پذیری (P=0/001)، گروه های سنی به ترتیب رنجوری (P=0/001)، برون گرایی - درون گرایی (P=0/02)، اشتیاق به تجارب تازه(P=0/001)، توافق پذیری (P=0/02) و سابقه ابتلا به کوید ۱۹ به ترتیب برون گرایی - درون گرایی (P=0/05) و توافق پذیری (P=0/071) تفاوت معنی داری یافت شد و PTSD با گروه های سن تفاوت معنی دار مشاهده شد (P < 0/05) همچنین بعد رنجوری (P<0/01 , r = 0/98)، اشتیاق به تجارب تازه (P<0/01 , r = 0/98) و توافق پذیری (P<0/01 , r = 0/57) با نمره کل اختلال استرس پس از سانحه ارتباط معنادار داشتند (P<0/05).

نتیجه گیری : با به کارگیری پرستاران با ویژگی های شخصیتی مناسب علاوه بر اقدامات حمایتی دیگر می توانیم شاهد کنترل و یا حتی کاهش هرگونه استرس و نگرانی باشیم. تدوین برنامه های آموزشی - درمانی مناسب به منظور تغییر و اصلاح ویژگی های شخصیتی و همچنین آموزش مهارت های مقابله با موقعیت های استرس زا، می تواند گامی مؤثر در کاهش استرس باشد.

واژگان کلیدی : *استرس پس از سانحه، ویژگیهای شخصیتی، پرستار، کووید-۱۹*

اپیدمی سیاه زخم گوارشی در شهرستان فریدونشهر: مطالعهٔ مجموعهٔ موارد

صادق کارگریان مروستی[۱-۲]، احسان آدینه[۳]، سیما افراشته[۴]، افشین ملیانی[۵]، رضا فدایی[۶]

۱. مسئول واحد مبارزه با بیماریها، مرکز بهداشت شهرستان فریدونشهر، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.

۲. کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، MPH عمومی، دانشکدهٔ بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

۳. دکتری حرفه ای، رئیس مرکز بهداشت شهرستان فریدونشهر، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.

۴. دکتری تخصصی اپیدمیولوژی، دانشکدهٔ بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، فارس، ایران.

۵. دکتری حرفه ای، مدیر شبکه بهداشت و درمان شهرستان فریدونشهر، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.

۶. دکتری تخصصی، متخصص عفونی، معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: سیاه زخم یک بیماری باکتریایی مشترک بین انسان و دام بوده که در سرتاسر جهان رخ می دهد. بیماری سیاه زخم انسانی بسته به راه انتقال به سه نوع پوستی، گوارشی و استنشاقی طبقه بندی می شود. بیش از ۹۵٪ موارد سیاه زخم انسانی به صورت جلدی بروز نموده و نوع گوارشی بسیار نادر (کمتر از ۱٪ از کل موارد) می‌باشد. سیاه زخم گوارشی پس از خوردن گوشت و سایر محصولات حیوانات آلوده رخ می دهد. دوره کمون بین ۱ تا ۶ روز، با میانگین ۳ روز است و بیماران معمولاً با تب، کسالت، درد شدید و حساسیت شکمی، اسهال، تهوع، استفراغ و اتساع شکم مراجعه می‌کنند. در موارد شدید، ممکن است خونریزی (که معمولاً به صورت اسهال خونی ظاهر می‌شود)، انسداد یا سوراخ شدن روده، آسیت، سپسیس، توکسمی یا شوک وجود داشته باشد.

مواد و روش ها: در این مطالعهٔ مجموعهٔ موارد (*Case Series*)، اطلاعات مربوط به ۶ مورد سیاه‌زخم گوارشی ساکن شهرستان فریدونشهر (واقع در غرب استان اصفهان) بررسی شده است. تاریخ شروع اپیدمی (مورد اول) ۱۴۰۱/۱۰/۰۹ و تاریخ پایان آن (مورد ششم) ۱۴۰۱/۱۲/۰۴ بوده است.

نتایج: میانگین سنی بیماران، ۱۸ سال با دامنهٔ سنی ۲۲ سال (حداق سن ۱۰ و حداکثر ۳۲ سال) بوده، ۵۰٪ از بیماران زن و ۵۰٪ مرد می‌باشند. ۴ نفر از بیماران، محصل (۱۰، ۱۰، ۱۲ و ۱۴ ساله) و شغل ۲ بیمار، کارگر بوده است. میزان کشندگی مورد (Case Fatality Rate) ۳۳٪ بوده و ۲ بیمار علیرغم دریافت درمان مناسب، به طور متوسط، ۵/۵ روز پس از شروع علائم، فوت نموده‌اند. ۴ بیمار (۶۷٪) سابقهٔ تماس با دام زنده را ذکر نموده و مابقی (۳۳٪) تماس با دام نداشته‌اند. عمده علائم بیماران، به ترتیب؛ لرز، استفراغ، سردرد، درد شکم، تب، آسیت، تهوع و یبوست عنوان شد.

نتیجه گیری: ابتلای انسان به سیاه زخم گوارشی بسیار نادر ولی با مرگ و میر بالا همراه می‌باشد. باکتری سیاه‌زخم در محیط به صورت هاگ در آمده و می‌تواند تا ۶۰ سال بیماریزایی خود را حفظ نماید و آن منطقه را به عنوان کانون آلودهٔ بیماری حفظ نماید. واکسیناسیون منظم دام‌ها، معدوم سازی بهداشتی لاشهٔ دام‌های بیمار و طبخ کامل گوشت و امعاء دام در پیشگیری از ابتلا به بیماری بسیار مؤثر است.

واژگان کلیدی: *اپیدمی، سیاه‌زخم، سیاه‌زخم گوارشی، فریدونشهر*

بررسی موارد مرگ از سرطان در ایران (۱۴۰۱–۱۳۹۷)

صادق کارگریان مروستی[۱-۲]، مینا معتمدی راد[۳]، جمیله ابوالقاسمی[۴]، سید محسن انوری[۵]

۱. مسئول واحد مبارزه با بیماریها، مرکز بهداشت شهرستان فریدونشهر، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.

۲. کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، MPH عمومی، دانشکدهٔ بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

۳. کارشناسی ارشد آمار حیاتی، دانشکدهٔ بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

۴. دانشیار، گروه آمار زیستی، دانشکدهٔ بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

۵. کارشناسی آمار و مدارک پزشکی، کارشناس فناوری اطلاعات سلامت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: سرطان عامل اصلی مرگ و میر در کشورهای توسعه یافته و دومین عامل مرگ و میر در کشورهای در حال توسعه است. هدف از انجام این مطالعه بررسی میزان مرگ از کلیهٔ سرطان‌ها به تفکیک استان‌های کشور می‌باشد.

مواد و روش ها: در این مطالعهٔ توصیفی، اطلاعات مربوط به ۲۹۹.۹۷۵ مورد مرگ از کلیهٔ سرطان‌ها در فاصلهٔ زمانی ۵ ساله (از ابتدای سال ۱۳۹۷ تا پایان سال ۱۴۰۱ شمسی) به تفکیک استان‌های کشور بررسی گردید. آمار موارد مرگ از «سامانهٔ کشوری نظام ثبت و طبقه‌بندی علل مرگ» استخراج گردید. جهت رسم نقشهٔ بروز از نرم‌افزار GIS 10.3 استفاده شد (نقشهٔ پیوست).

نتایج: میزان مرگ از سرطان در ایران در فاصلهٔ زمانی ۵ ساله، ۳۵۷ در یکصد هزار جمعیت برآورد گردید. بالاترین نرخ بروز مرگ از کلیهٔ سرطان‌ها (در ۱۰۰.۰۰۰) به ترتیب در استان‌های گیلان (۴۵۸)، اردبیل (۴۵۰)، آذربایجان شرقی (۴۵۹)، تهران (۴۴۰)، آذربایجان غربی (۴۲۸) مشاهده شد. پایین‌ترین نرخ بروز به ترتیب مربوط به استان‌های هرمزگان (۱۴۵)، سیستان و بلوچستان (۱۸۰)، کهکیلویه و بویراحمر (۱۹۶) و خوزستان (۲۲۴) بود. در تمامی استان‌ها مرگ از سرطان در مردان، بیشتر از زنان بوده، و بیشترین اختلاف جنسیتی در استان‌های کهکیلویه و بویراحمد (۶۴/۲ درصد مرگ در مردان)، چهارمحال و بختیاری (۶۱/۳ درصد مرگ در مردان) و اردبیل و کرمان (۶۰/۶ درصد مرگ در مردان) به چشم می‌خورد.

نتیجه گیری: از دلایل بالا بودن میزان سرطان در استان‌های شمال غرب ایران، می‌توان به اقلیم سردسیر منطقه، مصرف بیش از حد گوشت قرمز، مصرف اندک سبزیجات، استعمال دخانیات، شیوع بالای عفونت هلیکوباکتر پیلوری، نوشیدن چای داغ و مصرف زیاد نمک اشاره نمود. از دلایل پایین بودن موارد مرگ از سرطان در استان‌های جنوبی کشور، دقیق نبودن ورود اطلاعات در سامانهٔ ثبت علل مرگ می‌باشد.

واژگان کلیدی: *مرگ، سرطان، بروز، ایران*

نقشهٔ توزیع مرگ از سرطان در فاصلهٔ سالهای ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ در ایران

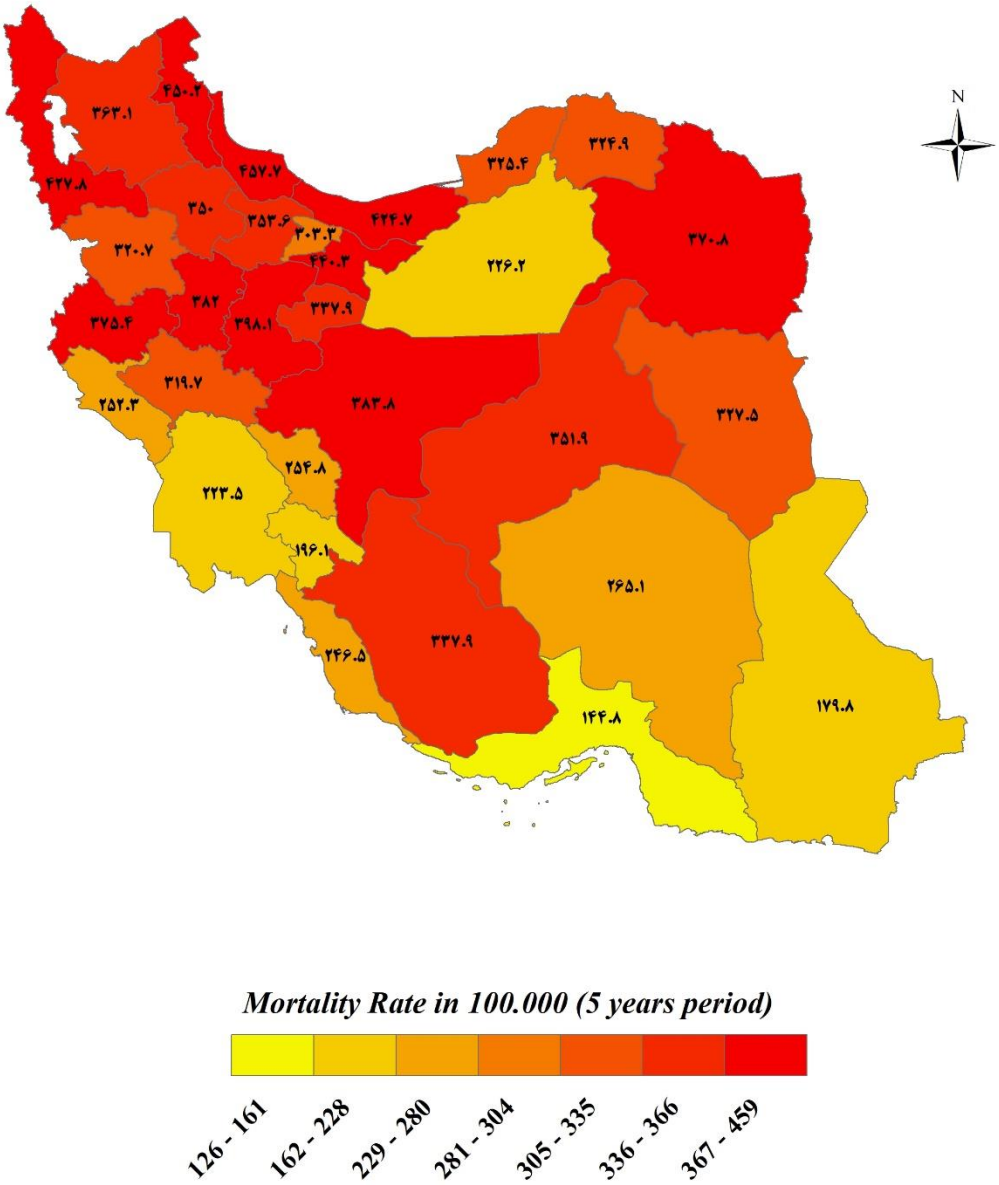

کاربرد اپیدمیولوژی در نظام سلامت کشور

صادق کارگریان مروستی[۱-۲]

۱. مسئول واحد مبارزه با بیماریها، مرکز بهداشت شهرستان فریدونشهر، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.

۲. کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، MPH عمومی، دانشکدهٔ بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: بسیاری از مردم، پس از همه‌گیری کووید-۱۹ و برای اولین بار از عباراتی نظیر «اپیدمی»، «انتقال»، «دوره کمون»، «ایمنی جمعی» و ... در محاورات عامیانه استفاده کردند اما برای کسانی که در زمینه اپیدمیولوژی فعالیت می‌کنند، این اصطلاحات، الفبای پایهٔ حرفه آنها است. اپیدمیولوژیست‌ها در طول تاریخ کارهای حیاتی را برای محافظت و بهبود سلامت جمعیت‌ها (از یک محله گرفته تا چندین قاره) انجام داده‌اند. هر چند نقش اپیدمیولوژیست‌ها در پاندمی ویروس کرونا بسیار چشمگیر بود، اما کار آن‌ها فراتر از ویروس‌ها و بیماری‌های همه‌گیر جدید است.

مواد و روش ها: در این مطالعهٔ کیفی، اپیدمیولوژی، انواع و کاربرد آن در نظام سلامت و راهکارهایی در جهت پیشبرد اهداف نظام سلامت کشور عنوان شده است.

نتایج: اپیدمیولوژی چیست؟

اپیدمیولوژی پایه و اساس بهداشت عمومی بوده و به عنوان «مطالعهٔ کمّی چگونگی توزیع بیماری در جوامع انسانی» و «عوامل مؤثر بر این توزیع» تعریف می‌شود. تحقیقات اپیدمیولوژیک به ما کمک می‌کند نه تنها بفهمیم که چه کسی به یک بیماری مبتلاست، بلکه چرا و چگونه بیماری به این فرد منتقل و یا به آن منطقه وارد شده است. اپیدمیولوژی علم کمیت‌هاست و اغلب بر گروه تاکید دارد نه فرد. به جنبه‌های مختلف پیشگیری و پیش‌آگهی توجه داشته و طیف وسیع سلامتی تا مرگ را در بر می‌گیرد. اپیدمیولوژی در عین اینکه علم (Science) است، آمیخته با عمل (Practice) و هنر (Art) نیز می‌باشد.

یکی از اولین نمونه‌های اپیدمیولوژی مدرن را می‌توان در اپیدمی وبا در سال ۱۸۵۴ در لندن یافت. پزشکان معتقد بودند که این بیماری گسترده باید از طریق هوا منتقل شده باشد، اما جان اسنو (که به عنوان پدر اپیدمیولوژی شناخته می شود) با نقشه‌برداری دقیق از شیوع و تجزیه و تحلیل بیماران، توانست هر مورد وبا را به پمپ‌های توزیع آب در لندن مرتبط کند. برداشتن پمپ، بیماری را در مسیر خود متوقف کرد (حذف عامل بیماری‌زا اساس شیوه‌های اپیدمیولوژیک امروزی است).

با گسترش اپیدمی کووید-۱۹، اپیدمیولوژیست ها در سراسر جهان برای درک بهتر رفتار ویروس، نحوه انتقال آن و کنترل شیوع بیماری تلاش کردند. مدل‌های گسترش اپیدمی، شناسایی جوامع آسیب پذیر، بررسی روند ابتلا و مرگ‌ومیر، توسعه آزمایش‌های تشخیصی و روش‌های درمانی، ارزیابی آمادگی سیستم‌های بهداشتی، تأثیر واکسیناسیون و ... نمونه‌هایی از تلاش علم اپیدمیولوژی در کنترل این بیماری بود.

از مهم‌ترین اهداف کاربردی علم اپیدمیولوژی در نظام سلامت می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- شناسایی عوامل سبب ساز، علل بیماری‌ها و عوامل خطرزایی که می‌توانند احتمال بیماری را در یک فرد یا یک گروه از جمعیت افزایش دهند.
- محاسبه اندازه و بار بیماری‌ها در جامعه بطوری که بتوان منابع لازم برای کنترل و پیشگیری از آن‌ها را به درستی برآورد نمود.
- مطالعه تاریخچه طبیعی و عوامل پیش آگهی بیماری‌ها برای انتخاب روش‌های مداخله‌ای مؤثر جهت پیشگیری و کنترل آن‌ها.
- ارزشیابی و مقایسه روش‌های جاری و جدید مدیریت و مراقبت در نظام سلامت.
- پایه گذاری و ایجاد روش‌های تصمیم‌گیری مناسب برای کنترل آسیب‌ها و عوامل خطرزا در محیط کار و زندگی.

انواع اپیدمیولوژی:

اپیدمیولوژی می‌تواند طیف گسترده‌ای از مسائل، از آسیب‌های غیرعمدی تا استرس روانی-اجتماعی را در بر گیرد.

۱. اپیدمیولوژی بیماری های عفونی: این نوع اپیدمیولوژی در خط مقدم دنیای امروز قرار دارد. اپیدمی کروناویروس نشان داد؛ ترسِ مردم از شیوع یک بیماری عفونی (به ویژه واگیردار) به مراتب از یک بیماری غیر واگیر بیشتر است (حتی اگر با مرگ‌ومیر پایین‌تری همراه باشد).
۲. اپیدمیولوژی بیماری‌های مزمن: تحقیق در مورد منشأ، عوامل خطر، درمان، خطر منتسب و راه‌های پیشگیری از دیابت، سرطان، چاقی و ...
۳. اپیدمیولوژی محیطی: اپیدمیولوژی محیطی بر چگونگی تأثیر عوامل خارجی (عوامل فیزیکی مانند آلودگی هوا، سیگار، مسکن، نور، عوامل اجتماعی مانند فقر، استرس، تغذیه و ...) بر سلامت تمرکز دارد. چگونه محیط های مختلف می‌تواند منجر به اختلالات فیزیکی یا روانی شود؟
۴. اپیدمیولوژی خشونت و آسیب: هدف این نوع اپیدمیولوژی، بررسی صدمات عمدی و غیرعمدی و بهبود سلامت جمعیت از طریق کاهش میزان مرگ و میر ناشی از این صدمات در طول عمر است. در سالیان اخیر، اپیدمیولوژیست‌ها تحقیقات خود را بر تصادفات رانندگی متمرکز نموده و برای شناسایی عوامل خطر مرتبط با آن کار می‌کنند.

چگونه اپیدمیولوژیست‌ها بیماری ها را ردیابی می کنند؟

اپیدمیولوژی حول این محور است که بیماری به طور تصادفی ایجاد نمی‌شود. اپیدمیولوژیست‌ها تحقیقاتی را برای تعیین عواملی که منجر به معضلات بهداشت عمومی می‌شوند، مداخلات در خصوص کاهش یا رفع این مشکلات، و راه حل‌های مناسب انجام می‌دهند. آن‌ها با استفاده از تحقیقات میدانی (Field Epidemiology) و آزمایشگاهی، جمع‌آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل‌های آماری و در نهایت تفسیر اطلاعات، بیماری را ردیابی و نتایج آتی آن را پیش‌بینی می‌کنند.

داده‌های موجود در مراکز سلامت (بهداشتی درمانی) و سیستم‌های مراقبت بهداشتی می‌توانند اطلاعات مهمی را در اختیار اپیدمیولوژیست‌ها قرار دهند تا مطالعات خود را بر اساس آن‌ها پایه‌گذاری نمایند. با این داده‌ها، اپیدمیولوژیست ها سئوالاتی را دنبال نموده (تعداد موارد جدید و قدیم بیماری چقدر است؟ بیماری در کدام گروه سنی، جنسی، اقتصادی و ... بیشتر مشاهده می‌شود؟ چند بیمار در یک زمان خاص مراجعه کرده‌اند؟ تعداد موارد بستری در بیمارستان؟ تعداد موارد منجر به مرگ؟ و ...) و بعد از رسیدن به پاسخ این سئوالات، مدل‌هایی را ایجاد می‌کنند که به پیش‌بینی گسترش بیماری در آینده کمک می‌کند. سپس با بررسی میزان‌های ابتلا بر اساس شخص، زمان و مکان (اپیدمیولوژی توصیفی) و مقایسهٔ ان در جمعیت‌های سالم و بیمار (اپیدمیولوژی تحلیلی) آسیب‌پذیرترین جمعیت‌ها را که احتمال ابتلا به یک بیماری را دارند تشخیص داده و توصیه‌هایی برای مداخله ارائه می‌دهند.

نتیجه گیری: مرور اجمالی فوق، جایگاه و نقش اپیدمیولوژی در سطوح مختلف نظام سلامت عمومی را به وضوح روشن می‌کند. از سوی دیگر شبکه بهداشت و درمان کشور با ساختار منحصر به فرد خود زمینه بسط و ارتقا روش های مبتنی بر دانش اپیدمیولوژی را در عرصه سلامت عمومی فراهم آورده است.

در نظام سلامت کشور ما داده‌های مناسب و گسترده ای از همگروه‌های مختلف بالاخص مادران و کودکان در دسترس بوده، اطلاعات جامعی از مؤلفه‌های فردی و اجتماعی مؤثر بر سلامت در پرونده‌های بهداشتی الکترونیکی خانوار ثبت گردیده، امکان پیگیری مناسب بیماران به راحتی میسر است، ابزاری همچون زیج حیاتی و سامانه‌های الکترونیکی منبع ارزشمندی برای بررسی وقایع حیاتی فراهم نموده و بدیهی است که روابط متقابل دانش اپیدمیولوژی و نظام سلامت و همکاری عالمانه اپیدمیولوژیست‌ها با متولیان نظام سلامت می‌تواند به نحو بارزی، ارتقاء شاخص‌ها و مولفه های سلامت عمومی را از یک سو و کاربردی‌تر شدن علم اپیدمیولوژی را از سوی دیگر به دنبال داشته باشد.

واژگان کلیدی: *اپیدمیولوژی، اپیدمیولوژی میدانی، اپیدمیولوژی توصیفی، اپیدمیولوژی تحلیلی، نظام سلامت*

اپیدمی تب خونریزی دهندهٔ کریمه کنگو در شهرستان فریدونشهر: مطالعهٔ مجموعهٔ موارد

صادق کارگریان مروستی[۱-۲]، احسان آدینه[۳]، افشین ملیانی[۴]، رضا فدایی[۵]

۱. مسئول واحد مبارزه با بیماریها، مرکز بهداشت شهرستان فریدونشهر، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.

۲. کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، MPH عمومی، دانشکدهٔ بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

۳. دکتری حرفه ای، رئیس مرکز بهداشت شهرستان فریدونشهر، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.

۴. دکتری حرفه ای، مدیر شبکه بهداشت و درمان شهرستان فریدونشهر، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.

۵. دکتری تخصصی، متخصص عفونی، معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: بیماری تب خونریزی دهندهٔ کریمه کنگو (CCHF) یکی از بیماریهای عفونی حاد با میزان مرگ و میر بالا در انسان می‌باشد. بیماری می‌تواند از طریق ذبح دام آلوده، گزش کنه و تماس با ترشحات آلودهٔ فرد بیمار و یا حیوان به انسان سرایت کند. این مطالعه به منظور بررسی اپیدمی CCHF در فصل تابستان سال ۱۴۰۱ در شهرستان فریدونشهر انجام شد.

مواد و روش ها: در این مطالعهٔ مجموعهٔ موارد (*Case Series*)، اطلاعات مربوط به ۸ مورد CCHF ساکن شهرستان فریدونشهر (واقع در غرب استان اصفهان) بررسی شده است. از ۸ بیمار مذکور، ۶ بیمار از یک منطقه عشایری گزارش شده که به عنوان اپیدمی گزارش می‌گردد. تاریخ شروع اپیدمی (مورد اول) ۱۴۰۱/۰۳/۱۲ و تاریخ پایان آن (مورد ششم) ۱۴۰۱/۰۵/۲۴ بوده است.

یافته‌ها: میانگین سنی بیماران، ۵۴ سال با دامنهٔ سنی ۶۷ سال (حداق سن ۲۰ و حداکثر ۸۷ سال) بوده، ۳۷٪ از بیماران زن و ۶۳٪ مرد می‌باشند. شغل ۴ بیمار، دامداری بوده، ۳ نفر از بیماران، خانه‌دار و شغل ۱ بیمار، آزاد بوده است. ۷ بیمار (۸۸٪) سابقهٔ تماس با دام زنده و ۵۰٪ بیماران سابقهٔ مصرف گوشت یا جگر تازه را ذکر نموده‌اند. فاصلهٔ زمانی بین بروز اولین علائم بالینی تا تشخیص از چند ساعت تا ۱۲ روز متغیر بوده (متوسط ۵ روز) ولی در اوایل اپیدمی، بیماران به دلیل عدم آگاهی از پیش‌آگهی بیماری با تأخیر بیشتری به مراکز درمانی مراجعه می‌نمودند. کلیهٔ بیماران بستری و برای ۶ بیمار داروی اختصاصی Ribavirin تجویز گردید. بر اساس جدول معیارهای تشخیص بالینی-آزمایشگاهی (swanepoel)، ۴ نفر از بیماران امتیاز ≤ ۱۲ را کسب نموده و نمونه‌گیری برای این بیماران انجام شد. نتایج هر ۴ نمونه طبق گزارش انستیتو پاستور تهران، RT-PCR+ مثبت (قطعی) بوده و پس از گذشت ۵ روز (در نمونهٔ دوم) آنتی‌بادی IgM با روش ELISA از سرم دو بیمار جدا شد. از ۴ بیمار قطعی مذکور، یکی از بیماران که علاوه بر تماس با دام، سابقهٔ گزش کنه را نیز داشته - علیرغم دریافت ریباویرین به مدت ۱۰ روز - فوت نمود. میزان کشندگی مورد (Case Fatality Rate) در بیماران مثبت قطعی، ۲۵٪ بوده که از میزان کشوری (۱۳٪) بالاتر است. ۴ بیمار دیگر به عنوان موارد محتمل (۳ نفر) و مظنون (۱ نفر) تشخیص داده شدند. یافته‌های بالینی: عمده

علائم بیماران، به ترتیب؛ تب (در ۱۰۰٪ بیماران)، خونریزی (در ۱۰۰٪ بیماران؛ ۴ بیمار خونریزی از بینی، ۱ مورد خونریزی وسیع پوستی، ۱ مورد خونریزی از لثه و ۲ مورد راش‌های پتشی)، استفراغ (۷۵٪)، درد عضلانی (۶۳٪)، سردرد (۵۰٪)، ضعف و بیحالی (۳۸٪)، درد شکم (۳۸٪)، اسهال (۲۵٪)، لرز (۲۵٪)، درد چشم (۱۳٪) و بی اشتهایی (۱۳٪) عنوان شد. یافته‌های آزمایشگاهی: به ترتیب شامل ترومبوسیتوپنی (در ۶۳٪ از بیماران)، لکوسیتوز (۵۰٪)، افزایش آنزیم‌های کبدی (۵۰٪)، لکوپنی (۳۸٪) و کاهش هموگلوبین (۳۸٪) بود.

نتیجه‌گیری: هر چند میزان بروز CCHF در کشور بسیار پایین می‌باشد ولی در صورت عدم تشخیص سریع، با مرگ و میر بالا (بین ۹ تا ۵۰٪) همراه است. با توجه به اینکه بیماری در دامِ آلوده، بدون علامت یا همراه با تب خفیف می‌باشد ذبح دام با رعایت کامل احتیاطات حفاظتی فقط در کشتارگاه، عدم دستکاری یا مصرف گوشت تازه تا ۲۴ ساعت پس از ذبح، استفاده از راهکارهای پیشگیرانه از گزش کنه و ایزولاسیون بیمار از مهمترین راه‌های پیشگیری از ابتلا به بیماری است. در مراجعهٔ بیماران تب‌دار دارای خونریزی، سابقهٔ تماس با دام یا کنه به ویژه در مردانِ دامدار مهم‌ترین عامل خطر ابتلا به بیماری بوده و باید در گرفتن شرح حال توسط پرسنل بهداشتی درمانی به این نکته، توجه ویژه نمود.

واژگان کلیدی: *اپیدمی، تب خونریزی دهندهٔ کریمه کنگو، میزان کشندگی مورد، فریدونشهر*

نقش رسانه های دیجیتال در پاندمی کووید۱۹ و ارائه پیشنهادهایی برای کاهش اثرات منفی در پاندمی های پیش رو

فاضله همتی[1*]، محمدمهدی صندوقدار[2]

نویسنده مسئول: فاضله همتی[1]

۱-فاضله همتی، کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، گروه اپیدمیولوژی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

۲-محمدمهدی صندوقدار، دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران

چکیده

زمینه و هدف : پیدایش کووید۱۹ در اواخر دسامبر ۲۰۱۹ در کشور چین و سپس اعلام همه گیری آن در مارس ۲۰۲۰ توسط سازمان جهانی بهداشت، تاثیر مخربی در سراسر جهان به جای گذاشته است. به طوری که تاکنون نزدیک به ۷۰۰ میلیون نفر در جهان سابقه ابتلا به بیماری کرونا را داشته و نزدیک به ۴۰ میلیون نفر نیز بر اثر ابتلا به این بیماری جان خود را از دست داده اند(۲)در طول پاندمی، استفاده از رسانه های دیجیتال به میزان ۸۷٪ نسبت به قبل از همه گیری افزایش داشته و این رسانه ها نقش مهمی را در ایجاد آگاهی مردم نسبت به بیماری کرونا داشته اند و به عنوان عضو مهم کشور ها در برقراری سلامت جامعه و پیشگیری از ابتلا و همچنین کنترل بیماری می باشند.

مواد و روش ها : برای شناسایی تعاریف و چارچوب های مفهومی تاثیر رسانه های دیجیتال در پاندمی کووید۱۹ یک مرور ادبیات نظام مند در پایگاه های اطلاع رسانی pubmed , scopus ,google scholar انجام شد که پوشش پایگاه های داده مربوطه از سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳ بوده است.

نتایج : پس از بررسی مطالعات مختلف به این نتیجه رسیدیم که در عصر حاضر، رسانه‌ها به منبعی قدرتمند تبدیل شده‌اند که به طرق مختلف بر پیامدهای بیماری تأثیر می‌گذارند و اثرات آن را کنترل می‌کنند. به دلیل گستردگی و تنوع در انواع مختلف رسانه ها، آنها می تواند نقش مثبت یا منفی را ایفا کنند. برای آنکه در سایر پاندمی های پیش رو، اختلال های علمی توسط رسانه های اجتماعی بوجود نیاید ما در این مطالعه پس از بررسی های مختلف راهکارهایی را ارائه کردیم که تعدادی از آن عبارتند از:۱- انتشار اطلاعات مربوط به دستورالعمل های سازمان جهانی بهداشت و پروتکل های ارائه شده توسط وزارت بهداشت، ۲- انتشار اطلاعات صحیح در میان افراد مختلف به منظور برقراری ارتباط بین افراد و مسئولان بهداشتی و دولتمردان برای بهبود هرچه بهتر روند کنترل و درمان بیماری ها

نتیجه گیری : رسانه های جمعی نقش بزرگی در گردش اطلاعات در خصوص بیماری کووید-۱۹ داشتند و بر رفتارهای عمومی افراد تأثیرگذار بودند. سرعت فزاینده پیشرفت فناوری اطلاعات دیجیتال در تمام پلتفرم های جهانی قابل توجه است. پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی تأثیر زیادی در افزایش آموزش، آگاهی و مراقبت‌های پزشکی در طول همه‌گیری داشته اند؛ بگونه ای که بسیاری از اطلاعات علمی درخصوص این بیماری و نیز اهمیت واکسینه شدن در برابر آن از طریق رسانه های اجتماعی به افراد انتقال پیدا کرد و آنها به اهمیت و ضرورت واکسینه شدن در برابر بیماری پی بردند.

واژگان کلیدی : *سلامت، رسانه های اجتماعی، پاندمی کووید۱۹*

بررسی سلامت در بلایای طبیعی: آسیب‌ها، چالش‌ها و راهکارها

ایمان شکیب خواه[1] محمودرضا پیروی [2] میلاد احمدی مرزاله[3]

۱-دانشجوی دکتری سلامت در بلایا و فوریت،گروه سلامت در بلایا و فوریت ها، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران.

۲-دکتری سلامت در بلایا و فوریت،گروه سلامت در بلایا و فوریت ها، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

۳-دکتری سلامت در بلایا و فوریت،گروه سلامت در بلایا و فوریت ها، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران.

چکیده

زمینه و هدف : بلایا طبیعی یکی از مهم‌ترین موضوعات حوزه سلامت مردم است. تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم بلایا بر سلامت جسمی و روانی فرد و جامعه بسیار متنوع و پیچیده است. برای دستیابی به اطلاعات دقیق در این زمینه، نیازمند مطالعات جامع و علمی هستیم. در این مقاله، به بررسی مفهوم سلامت در بلایا، نقش آسیب‌های جسمانی و روانی، چالش‌های اجتماعی و راهکارهای مقابله با آثار بلایا در سلامت می‌پردازیم.

مواد و روش ها : مطالعه حاضر یک پژوهش کیفی است که در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۰ انجام شد. مشارکت کنندگان تعداد ۸۰ نفر از مدیران، کارکنان و متخصصان حوزه بهداشت و درمان در حوادث و بلایا بودند که به روش نمونه گیری هدفمند وارد مطالعه شدند. برای جمع آوری داده ها از مصاحبه های نیمه ساختاریافته و برای تحلیل آن ها از روش تحلیل محتوای قراردادی براساس روش گرانهیم و لاندمن استفاده شد.

نتایج : بررسی‌ها نشان می‌دهد که بلایا تأثیرات مستقیم و غیرمستقیمی بر سلامت انسان‌ها دارند. آثار مستقیم به تلفات جانی، آسیب‌های جسمانی و صدمات جسمی وارد می‌کند، در حالی که آثار غیرمستقیم شامل نیازهای بهداشتی، تغذیه‌ای و روان‌شناختی است. در عمل، این آثار بر سلامت جسمی و روانی فرد تأثیر می‌گذارند.

یافته ها نشان داد که یکی از مهمترین چالش‌های سلامت در بلایا، تأمین نیازهای بهداشتی در شرایط بحرانی است. بنابراین، جنبه‌های مختلف سلامت جسمی و روانی به عنوان یک پیشرفت در برنامه‌ها و مجموعه‌های مداخله‌ای در مواجهه با بلایا لحاظ شده است. نیاز به تحقیقات بیشتر در زمینه مسائل سلامت در بلایا و بهبود آمادگی جوامع برای مقابله با بلایا نیز احساس می‌شود.

نتیجه گیری : سلامت در بلایا یکی از نگرانی‌های عمومی جوامع است. برای مواجهه با این چالش، لازم است تا پژوهش‌های بیشتر در حوزه سلامت در بلایا انجام شود و راهکارهای مناسبی ارائه شود. همچنین، باید به زمینه‌سازی آموزش و آگاهی برای آمادگی جامعه در مقابله با بلایا توجه کرد.

واژگان کلیدی : *بلایا، سلامت، چالش های سلامتی، نیازهای بهداشتی*

اثربخشی طرحواره‌درمانی گروهی بر بهبود استرس شغلی و سازگاری شغلی کارکنان آتش نشانی استان تهران

عطیه حامدی[۱]، سمیه درخشان[۲]، سعید قوی[۳]، حسین اسکندری[۴*]

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۲. کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی،گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۳. کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی،گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

۴. استادیار گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران،ایران.

چکیده

زمینه و هدف : استرس شغلی و ناسازگاری شغلی، مشکلات ناتوان‌کننده ای در محیط کار هستند که پیامدهای منفی آن‌ها غیر قابل انکار است و کارکنان آتش نشانی به دلیل ماهیت کاری تنش‌زای خود در معرض ابتلا به آن‌ها هستند. پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی طرحواره درمانی گروهی بر بهبود استرس شغلی و ناسازگاری شغلی کارکنان آتش‌نشانی استان تهران بود.

مواد و روش ها : پژوهش حاضر یک مطالعه نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون- پس آزمون با گروه کنترل و دوره پیگیری دو ماهه است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه کارکنان آتش نشانی سازمان مرکزی شهر تهران در سال ۱۳۹۷ بود. نمونه پژوهش شامل ۲۰ نفر بودند که به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه‌های استرس شغلی موسسه سلامت و ایمنی انگلستان(۲۰۰۴) و سازگاری شغلی شهرابی فراهانی (۱۳۹۱) بودند. گروه آزمایش جلسات طرح واره درمانی گروهی را طی ۱۰ جلسه ۹۰ دقیقه ای (هفته ای یک جلسه) دریافت نمود و گروه کنترل هیچگونه مداخله ای دریافت نکرد. سپس هر دو گروه تحت پس آزمون قرار گرفتند و دو ماه بعد دوباره پرسشنامه ها را تکمیل نمودند. داده ها با استفاده از تحلیل واریانس با اندازه گیری مکرر با نرم افزار Spss26 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج : نتایج تحلیل واریانس با اندازه گیری مکرر نشان داد که طرح واره درمانی باعث کاهش معنادار استرس شغلی (۰/۰۰۱ >p) و سازگاری شغلی (۰/۰۰۱ >p) کارکنان آتش نشانی در گروه آزمایش نسبت به کنترل در پس آزمون و پیگیری می باشد.

نتیجه گیری : با توجه به یافته مطالعه حاضر، درمانگران می توانند از طرح واره درمانی گروهی برای بهبود استرس شغلی و سازگاری شغلی برای کارکنان سازمان ها استفاده نمایند.

واژگان کلیدی : *استرس شغلی، سازگاری شغلی، طرحواره درمانی گروهی، کارکنان آتش نشانی*

بررسی وضعیت اپیدمیولوژیک بیماری سل در بیماران افاغنه ساکن استان اصفهان طی سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰

حمید گله داری نجف آبادی۱، شیما سادات طلایی۲، رضا فدایی۳، ، ابوالفضل حجاری۴*رضوان عباسپور نجف آبادی۵

۱- معاون بهداشت دانشگاه و رئیس مرکز بهداشت استان، مرکز بهداشت استان، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

۲- گروه پیشگیری و مبارزه با بیماریهای واگیر، مرکز بهداشت استان ، دانشگاه علم پزشکی اصفهان ، اصفهان، ایران

۳- گروه پیشگیری و مبارزه با بیماریهای واگیر، مرکز بهداشت استان، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

۴- گروه پیشگیری و مبارزه با بیماریها، مرکز بهداشت استان، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران*

۶- آموزشگاه بهورزی، مرکز بهداشت شهرستان نجف آباد، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

زمینه و هدف: در دنیای امروزی علی رغم پیشرفت علوم مختلف پزشکی بیماری سل هنوز به عنوان یک مشکل بهداشتی و عامل مرگ و میر انسانها بخصوص در کشور های در حال توسعه محسوب می شود. و با توجه به اهمیت تعیین وضعیت اپیدمیولوژیک بیماری سل بخصوص در جمعیت اتباع خارجی ساکن استان اصفهان جهت برنامه ریزی های سلامت محور این تحقیق با هدف بررسی وضعیت مسلولین اتباع افاغنه ساکن استان اصفهان طی سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ صورت گرفت.

مواد و روش ها : این مطالعه به صورت یک مطالعه مقطعی گذشته نگر با استفاده از اطلاعات پرونده بیماران مسلول اتباع افاغنه ساکن استان اصفهان با استخراج اطلاعات مورد نظر و تجزیه تحلیل آنها با استفاده از نرم افزار spss 16 و انجام آزمونهای آماری صورت گرفت.

نتایج : در بررسی ۱۰۵۱ بیمار مسلول دارای ملیت افغانستانی ، مشخص شد ۵۱/۹ درصد مرد و ۴۸/۱ درصد زن بوده و ۸۳/۱ درصد بیماران ساکن مناطق شهری و همچنین ۹۰/۲ درصد بیماران بعنوان بیمار جدید شناسایی شده و ۶/۹ درصد موارد نیز به عنوان بیماران دارای سابقه ابتلای قبلی شناسایی شدند، بیشتر موارد بیماری در سالهای ۱۳۹۸،۱۳۹۳،۱۳۹۰ و ۱۴۰۱ شناسایی شده بودند، ۶۵/۷ درصد موارد مبتلا دارای ۲۰تا ۶۰ سال بودند، در بیماران شناسایی شده ۷۳ درصد موارد دارای سل ریوی و ۲۷ درصد دارای سل خارج ریوی بودند، و بین جنسیت، سن، وزن بیماران، مدت بستری در بیمارستان، با نوع سل ارتباط معنی داری مشاهده شد.

نتیجه گیری : در این بررسی مشخص شد که بیشتر مبتلایان داری سن زید ۶۰ سال بوده و عمدتا در سن جوانی و میان سالی بوده و با توجه به اینکه ۷۳ درصد آنها دارای سل ریوی بودند که خطر انتقال بیماری به سایر افراد بیشتر بوده و با توجه به حضور اتباع خارجی در استان اصفهان به منظور اشتغال و کار بخصوص در واحد های صنعتی، توسعه برنامه های آموزشی ،غربالگری و بیماریابی در این دسته از مشاغل می تواند به شناسایی بیشتر و سریعتر بیماران کمک نموده و از مرگ و میر و انتقال بیماری به سایر افراد در تماس با آنها بکاهد.

واژگان کلیدی : *سل، اپیدمیولوژی، ریوی، اصفهان*

بررسی تاثیر مدل خود مراقبتی اورم بر بیماران مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس؛مروری سیستماتیک

محمد جواد حمادی[۱] ، طیبه رمضانی[۱]، شهرزاد عطائی[۱] ،سعیده عزیزی مهکویه[۲] ، علیرضا رفیع[۳*]

۱-دانشجوی کارشناسی پرستاری، عضوکمیته تحقیقات و فناوری دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی بهبهان، بهبهان، ایران

۲-کارشناسی ارشد پرستاری داخلی جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۳-کارشناسی ارشد پرستاری سالمندی، مربی گروه پرستاری، دانشکده علوم‌پزشکی بهبهان، بهبهان، ایران

چکیده

زمینه و هدف: بیماری مولتیپل اسکلروزیس یک بیماری مزمن غیر تروماتیک، اتوایمیون و دمیلینه کننده سیستم عصبی مرکزی است و غالباً در افراد بین سنین ۲۵ تا ۵۰ سال یا به عبارتی بیشتر در دهه‌های سوم و چهارم زندگی اتفاق می‌افتد. مولتیپل اسکلروزیس از ناتوان‌کننده‌ترین بیماری‌های عصبی مزمن در بالغین جوان می‌باشد این مطالعه با هدف بررسی تاثیر مدل خود مراقبتی اورم بر بیماران مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس صورت گرفت.

مواد و روش‌ها : این مطالعه مروری با جست و جو در پایگاه های اطلاعاتی Sid, ,PubMed, Science direct و موتور جست و جوی Google scholar با کلید واژه های Multiple Sclerosis, orem,self care ,اورم، خودمراقبتی، مولتیپل اسکلروزیس و الگوی اورم، طی سال های ۲۰۲۳-۲۰۱۰ انجام شد. نتایج جستجوی اولیه شامل ۱۵۵مقاله بود. پس از حذف موارد تکراری، ۹۴ مقاله بر اساس عنوان و چکیده غربالگری شدند .۵۰ مقاله به دلیل نداشتن شرایط متن کامل و رایگان بودن حذف شدند. و تعداد ۴۴مقاله به دلیل بررسی عناوین و چکیده ها، مطالعاتی که به طور عینی با مرور مطابقت نداشتند و آنهایی که نمی توانستند اطلاعات کافی را ارائه کنند حذف شدند و در آخر تعداد ۱۲مقاله وارد مطالعه شد.

نتایج : نتایج مطالعات مختلف نشان دادند که تأثیر برنامه خودمراقبتی اورم بر متغیرهایی مانند سلامت جسمی،انرژی ،درک از سلامت، عملکرد اجتماعی، عملکرد جنسی ،رضایت از عملکرد جنسی و در کل کیفیت زندگی در بیماران مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس به طور مثبت معنادار بوده است که بیشترین تأثیر برنامه در بعد محدودیت در ایفای نقش مرتبط با مشکلات جسمی بود و در سایر ابعاد نیز تأثیر برنامه در جهت مثبت بوده است.در برخی مطالعات دیگر نشان دادند که انجام فعالیت‌های خود مراقبتی توسط بیماران مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس کاملا امکان پذیر می‌باشد و با آموزش و اجرای برنامه خود مراقبتی طبق الگوی اورم تفاوت معنی‌داری در کیفیت زندگی بیماران مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس ایجاد شد. در ارتباط با تأثیر برنامه خود مراقبتی مبتنی بر الگوی اورم در ابعاد محدودیت در ایفای نقش در ارتباط با مشکلات عاطفی کاملاً محسوس و تأمل برانگیز بوده است. در ابعاد دیگر نظیر خود کیفیت زندگی نیز تأثیر این برنامه در جهت مثبت و قابل توجه بوده است .با توجه به این

تغییرات و توجه به این نکته که مراقبت از خود توسط خود بیمار مولتیپل اسکلرزیس می‌تواند توانایی های واپس زده شده و فراموش شده را تحریک کرده و از آنها در جهت رفع ناتوانی‌ها استفاده نماید اجرای برنامه خود مراقبتی می‌تواند انگیزه و اعتماد بنفس را در این مددجویان تقویت نماید به طوری که آنها با قبول مسئولیت مراقبت از خود نارسایی ها و ناتوانی‌های حاصله از بیماری را بهبود بخشند و از توان خود مراقبتی در جهت رفع این مشکلات استفاده نمایند.

نتیجه‌گیری: براساس یافته های مطالعه ی حاضر ، برنامه خودمراقبتی یک روش غیر دارویی، غیر تهاجمی و کم هزینه در کنترل مشکلات جسمی و روانشناختی بوده و به راحتی قابل آموزش به بیمار و خانواده اش از طریق پرسنل درمانی از جمله پرستاران می‌باشد، به طوریکه یکی از مسئولیت‌های پرستاران مغز و اعصاب در کنترل این مشکلات، انتقال اطلاعات موجود در زمینه خودمراقبتی مبتنی بر الگوی اورم از طریق آموزش و پیگیری و حمایت جهت اجرای این برنامه‌ها است که تأثیرگذارترین عوامل بر مجموع ابعاد جسمی کیفیت زندگی هستند.

واژگان کلیدی: Multiple Sclerosis, orem,self care ,اورم، خودمراقبتی، مولتیپل اسکلروزیس و الگوی اورم

بررسی تاثیر مدل خود مراقبتی اورم بر بهبود پیامدهای بیماری در بیماران دیابتی؛مروری بر شواهد موجود

محمد جواد حمادی[۱] ، طیبه رمضانی[۱]، شهرزاد عطائی[۱] ،سعیده عزیزی مهکویه[۲] ، علیرضا رفیع[۳*]

۱-دانشجوی کارشناسی پرستاری، عضوکمیته تحقیقات و فناوری دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی بهبهان، بهبهان، ایران

۲-کارشناسی ارشد پرستاری داخلی جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۳-کارشناسی ارشد پرستاری سالمندی، مربی گروه پرستاری، دانشکده علوم‌پزشکی بهبهان، بهبهان، ایران

چکیده

زمینه و هدف: بیماری دیابت یکی از شایع ترین بیماری های مزمن بوده که نیازهای مراقبتی فراوانی دارد .تئوری ها نقش مهمی در ارتقای کیفیت مراقبت ها دارند و تئوری خودمراقبتی اورم یک تئوری پیشگام در این زمینه می باشد.این مطالعه با هدف بررسی تاثیر مدل خود مراقبتی اورم بر بیماران دیابتی صورت گرفت.

مواد و روش‌ها : این مطالعه مروری با جست و جو در پایگاه های اطلاعاتی Sid, ,PubMed, Science direct و موتور جست و جوی Google scholar با کلید واژه های diabetes, orem,self care ,اورم، خودمراقبتی، دیابت و الگوی اورم، طی سال های ۲۰۲۳-۲۰۱۰ انجام شد. نتایج جستجوی اولیه شامل ۱۸۰مقاله بود. با بررسی دقیق عنوان، چکیده و متن مقاله ها، تعداد ۱۲مقاله وارد مطالعه شد. متغیر های مورد بررسی شامل مولفه های اصلی تئوری اورم، کیفیت زندگی، فاکتورهای آزمایشگاهی مانند قند خون یا هموگلوبین گلیکوزیله، تبعیت از درمان، خودکارامدی و نوروپاتی محیطی بود. کلیه مطالعات در جمعیت بزرگسالان و مداخلات اغلب به صورت جلسات آموزشی انجام شده بود.

نتایج : نتایج مطالعات مختلف نشان دادند مداخلات مبتنی بر تئوری خود مراقبتی اورم تاثیرات مثبتی بر متغیر های مورد بررسی در بیماران دیابتیک از جمله رفتار، توان، نیاز و الزامات خودمراقبتی، کیفیت زندگی، فاکتورهای آزمایشگاهی مانند قند خون یا هموگلوبین گلیکوزیله، تبعیت از درمان، خودکارامدی و نوروپاتی بود. همچنین برخی مطالعات دیگر نشان دادند که کاهش خطر آمپوتاسیون زخم پای دیابتیک و کاهش هزینه های درمان ازجمله نتایج مثبت کاربرد این تئوری در روند مراقبت از بیماران دیابتی بود.همچنین مداخلات تغذیه‌ای تغذیه‌ای در بیماران مبتلا به دیابت نوع دو با بهره‌گیری از مدل مراقبتی اورم حاکی از افزایش معنی‌دار میانگین نمره آگاهی تغذیه‌ای بیماران گروه مداخله بعد از مداخله آموزشی بود که نشان‌دهنده تأثیر مثبت برنامه آموزشی ارایه شده در این زمینه می‌باشد. همچنین مشاهده گردید که انجام حتی یک رفتار بهداشتی می تواند هم به صورت کوتاه مدت و هم بلندمدت در هر پیشرفت روانشناختی از جمله آرامش و کاهش پاسخ روانی به استرس مؤثر باشد که به نوبه خود ممکن است در بهبود انگیزه فرد برای اتخاذ یک شیوه زندگی سالم نقش داشته باشد و بیمار را قادر می‌سازد تا در مراقبت و درمان خود نقش فعال‌تری داشته و مسئولیت مراقبت از خویش را بپذیرد، به کارگیری برنامه مراقبت از خود به بیماران در بهبود توانایی خودمراقبتی و کاهش ترس و وابستگی آنها کمک می‌کند و موجب افزایش اعتماد به نفس و حسّ استقلال در آن ها می‌گردد.

نتیجه‌گیری: براساس یافته های مطالعه ی حاضر ، اجرای مدل خود مراقبتی اورم باعث بهبود شاخص‌های متابولیکی و مراقبتی تأثیرگذار بر کیفیت زندگی می‌شود.. همچنین مشاهده گردید که فعال ساختن بیماران دیابتی و به ویژه بیماران مبتلا به دیابت نوع دو و مشارکت دادن آنها در مراقبت از خود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد که مدل مراقبتی اورم با دقت بسیاری به آن پرداخته است.

واژگان کلیدی: diabetes, orem,self care ,اورم، خودمراقبتی، دیابت

ارتباط نگرش و رفتار های پیشگیرانه نسبت به ویروس کرونا با کیفیت زندگی در دانشجویان علوم پزشکی

فاطمه فتحی[۱]، احمدرضا فلاح فراغه [۱،۲]، محمد ادهم[۱]، فهیمه شجاعی فر [۳]

۱-کارشناس پرستاری، مرکز تحقیقات مراقبت های پرستاری و مامایی، پژوهشکده بیماری های غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران

۲-دانشجوی کارشناسی ارشد روان پرستاری، گروه روان پرستاری، مرکز تحقیقات مراقبت های پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

۳-هیئت علمی پرستاری، مرکز تحقیقات مراقبت های پرستاری و مامایی، پژوهشکده بیماری های غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران

چکیده

زمینه و هدف : شیوع ویروس کووید ۱۹ بحرانی جهانی محسوب می شود که رعایت رفتارهای پیشگیرانهٔ عموم مردم از راه های اصلی قطع زنجیرهٔ انتقال بیماری و رهایی از این بحران است. و در عین حال می توان عوامل تأثیرگذار بر آگاهی، نگرش که بر کیفیت زندگی موثر است را شناسایی و باعث ارتقاء و بهبود آنها در دانشجویان رشته های مختلف علوم پزشکی شد. لذا این مطالعه، با هدف بررسی ارتباط نگرش و رفتارهای پیشگیرانه نسبت به ویروس کرونا با کیفیت زندگی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد انجام شد.

مواد و روش ها : این مطالعه، از نوع توصیفی - همبستگی می باشد. جامعه مورد نظر در این مطالعه ۵۳۵ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی بودند. تمامی مراحل از جمله توزیع پرسشنامه، به صورت آنلاین انجام شد. ابزار گرد آوری داده ها در این مطالعه، یک پرسشنامه ی سه بخشی بود که بخش اول شامل اطلاعات دموگرافیک، بخش دوم شامل مقیاس کیفیت زندگی (SF-12) و بخش سوم شامل مقیاس نگرش و رفتارهای پیشگیرانه نسبت به ویروس کرونا بود. و برای بررسی معنی دار بودن رابطه ی شدت هریک از اهداف اصلی با خصوصیات فردی و سایر متغیر ها از آزمون های تی مستقل، کروسکال والیس، همبستگی پیرسون و تحلیل واریانس استفاده گردید.

نتایج : یافته های این مطالعه نشان داد که از بین ۵۳۵ نفر از افراد شرکت کننده در این مطالعه، ۳۵۵ نفر (۶۶.۴٪) از آن ها دانشجو دختر و ۴۷۸ نفر (۸۹.۳٪) نیز در گروه سنی ۲۵-۱۹ سال قرار دارند. و همچنین بیش از نیمی از شرکت کنندگان(۶۵.۲٪) در این مطالعه در مقطع تحصیلی کارشناسی و مابقی در سایر مقاطع بودند. در این پژوهش میانگین نمره نگرش، رفتارهای پیشگیرانه و کیفیت زندگی در سطح متوسطی قرار داشت. بین نمره نگرش و رفتار پیشگیرانه، ارتباط معنی دار و مستقیم وجود داشت (p-value > ۰.۰۵) ولی ارتباط معنی دار بین نمره کیفیت زندگی و متغیرهای نگرش و رفتارهای پیشگیرانه مشاهده

نگردید(p-value > ۰.۰۵). همچنین میانگین نمره نگرش و رفتارهای پیشگیرانه با جنسیت، گروه سنی، تحصیلات، وضعیت تاهل و وضعیت اقتصادی حداقل اختلاف یکی از متغیرهای نگرش و رفتار پیشگیرانه از نظر آماری معنی دار می باشد (p-value < ۰.۰۵).

نتیجه گیری : نتایج این مطالعه نشان داد که دانشجویان علوم پزشکی نگرش و رفتار های پیشگیرانه قابل قبولی نسبت به بیماری کوید-۱۹ دارند با این وجود در بین دانشجویان هنوز افرادی هستند که تفکرات و رفتار های عادی انگارانه نسبت به این بیماری دارند همچنین نتایج نشان دادند که دانشجویان علوم پزشکی از سطح کیفیت زندگی متوسطی برخوردار هستند. به همین دلیل با توجه تغییر سویه های ویروس کرونا و تفاوت در میزان همه گیری و شدت بیماری لازم است مسئولین آموزشی دانشگاه های علوم پزشکی برنامه هایی را برای بروز نگه داشتن و ارتقاء نگرش دانشجویان نسبت به بیماری کووید-۱۹ طراحی و اجرا نمایند.

واژگان کلیدی : *نگرش، رفتار های پیشگیرانه، کووید۱۹، کیفیت زندگی، دانشجو*

کنترل و مدیریت بیماری سل در جنوب شرق ایران: نقش اتباع خارجی در شیوع بیماری

محمد خمرنیا[۱]، مرضیه دقیقی[۲]، مصطفی پیوند[۳]*

۱-دانشیار مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

۲-کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان ایران

۲-کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان ایران

چکیده

زمینه و هدف: بیماری سل یکی از بیماری های مهم کشور ایران می باشد. استان سیستان و بلوچستان به علت هم جواری و تبادلات و تردد های مرزی با دو کشور پاکستان و افغانستان(کشورهای آلوده) بالاترین میزان بروز سل را در کشور دارد. از سوی دیگرآمارهای کشوری، استانی و شهرستانی مربوط به بیماری سل به صورت ارقام خام و بدون هرگونه تحلیل می باشند. مطالعه حاضر با هدف کنترل و مدیریت بیماری سل در جنوب شرق ایران: نقش اتباع خارجی در شیوع بیماری انجام شد.

مواد و روش ها : پژوهش حاضر به صورت مقطعی در سال ۱۴۰۱ در استان سیستان و بلوچستان انجام شد. جامعه مورد مطالعه شامل تمام بیماران غیرایرانی مبتلا به سل بود. داده ها به روش سرشماری و با استفاده از چک لیست استاندارد جمع آوری شد. تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS v 22 و آزمون های توصیفی و تحلیلی انجام گرفت.

نتایج: در این مطالعه پرونده ۵۳۸۲ بیمار مبتلا به سل مورد بررسی قرار گرفت. از این تعداد ۸۰۲ نفر (۱۳/۷۵ درصد) از مبتلایان غیر ایرانی(افغانی یا پاکستانی) بودند. ۵۰۶ (۶۳/۱ درصد) بیمار زن، بیشتر بیماران در شهر زاهدان ۵۱۷ (۶۴/۵ درصد)،۲۰بیمار (۲/۵ درصد) سابقه زندان، ۷۳۴ بیمار (۹۱/۵ درصد) مبتلا به سل ریوی و ۳ بیمار (۰/۴) مبتلا به وبروس HIV بودند. بین گروه سنی سالمند (P=۰/۰۲)، جنسیت زن (P=۰/۰۴) و داشتن سابقه زندان (P=۰/۰۳)، رابطه معنی‌داری با ابتلا به سل وجود دارد. اما بین وضعیت ازدواج (P=۰/۰۹)، و ابتلا به HIV (P=۰/۰۸)، رابطه معنی داری مشاهده نشد.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج مطالعه بروز سل در کلونی های غیر ایرانی و افراد مهاجر بیش از سایر افراد جامعه بود. با توجه به همجواری کشور ایران، با دو کشور افغانستان و پاکستان یکی از نواحی پرخطر از نظر سل محسوب می شود. آگاهی بخشی به افراد جامعه به ویژه بیماران مسلول و اطرافیان بیمار در خصوص اهمیت پیشگیری ودرمان کامل بیماری از راهکارهای مهم کاهش بروز بیماری در جامعه است. این امر می تواند با مشارکت سامانه بهداشتی و درمانی آموزشی و پرورش صدا و سیما و سایر سازمان ها و نهاد های دخیل در امر آموزش عموم مردم صورت گیرد.

واژگان کلیدی: *سل، اپیدمیولوژی، غیر ایرانی، جمعیت مهاجر*

بررسی اثربخشی تجویز ویتامین D خوراکی در درمان بیماران مبتلا به برونشکتازی: کارآزمایی بالینی دو سو کور

مصیب شهریار[۱]، محمودعلی کیخوائی[۲] مصطفی پیوند[۳]، محمدرضا ثقفی[۴*]

۱-استادیار بیماری‌های ریه، گروه داخلی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

۲-دانشیار غدد درون ریز و متابولیسم، مرکز تحقیقات ژنتیک در بیماری‌های غیرواگیر،دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

۳-کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان ایران

۴-رزیدنت داخلی، دانشکده پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

چکیده

زمینه و هدف: برونشکتازی به تغییرات و اتساع برونش ها به علت تخریب دیواره آنها اطلاق می گردد. مشاهده شده است که کاهش ویتامین دی می تواند با تحریک تولید آنتی بادی ها موجب شروع پاسخ های التهابی شود. با توجه به مطالعات گذشته و تاثیر احتمالی این ویتامین در درمان بیماران مبتال به برونشکتازی این مطالعه با هدف اثر بخشی تجویز ویتامین D خوراکی در درمان بیماران مبتلا به برونشکتازی به صورت کارآزمایی بالینی دو سو کورانجام شد.

مواد و روش ها : این مطالعه کارآزمایی بالینی، بر روی ۲۸ نفر از بیماران مبتلا به برونشکتازی که جهت پیگیری و یا درمان در سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰ به کلینیک های ریه و یا اورژانس بیمارستان علی ابن ابیطالب (ع) شهر زاهدان مراجعه کردند، انجام گرفت. پس از رعایت موازین اخلاقی افراد واجد معیارهای مطالعه با نمونه گیری تصادفی (بلوک های جایگشتی) در دو گروه مورد و شاهد قرار گرفتند. بیماران گروه مورد به مدت ۲ ماه تحت درمان با ویتامین D قرار گرفتند. بیماران دو گروه قبل از شروع مداخله و ۴ ماه بعد از آن از نظر تست پیاده روی، میران دفع خلط، احساس بهبودی و تغییرات شدت بیماری مورد مقایسه قرار گرفتند. نتایج به کمک نرم افزار SPSS-v20 و آزمون T مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. سطح معنی داری ۰/۰۵ درنظر گرفته شد.

نتایج: در این مطالعه تعداد ۱۶ زن و ۱۲ مرد شرکت کردند. اختلاف مسافت طی شده در آزمون پیاده روی در ۶ دقیقه، قبل و بعد از انجام مداخله) در گروه مورد (۱۹/۱۹±۶/۵) و شاهد(۳/۱۴±۳/۴) معنی دار بود (P= ۰/۰۴) همچنین عملکرد بیماران قبل و بعد از مداخله در گروه مورد نیز تفاوت معناداری را نشان داد(P= ۰/۰۲). میانگین سن و توزیع فراوانی جنسیت در دو گروه مورد بررسی تفاوت معنی داری نشان نداد و نتایج مطالعه حاضر تفاوت معنی داری را در میزان خلط ۲۴ ساعته و همچنین میانگین نمره وضعیت بهبودی بیماران قبل و بعد از مداخله نشان نداد (P≤ ۰/۰۵).

نتیجه گیری: اصلاح وضعیت ویتامین D در بیماران مبتلا به برونشکتازی با کمبود ویتامین D، می تواند باعث بهبود معنادار در نتیجه ارزیابی عملکرد فیزیولوژیک این بیماران توسط آزمون پیاده روی در ۶ دقیقه گردد. با این وجود نیاز به مطالعات بیشتر و بررسی سایرفاکتورهای دخیل احساس می شود.

واژگان کلیدی : *ویتامین دی خوراکی، برونشکتازی، کارآزمایی بالینی*

بررسی وضعیت اپیدمیولوژی بیماری کرونا(کوید-۱۹) در استان اصفهان طی سال های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۲

ابوالفضل حجاری [۱]،رضا فدایی [۲]،زهره عباسپور*[۳]، شیماسادات طلایی [۴]، فاطمه شکفته گلان [۵]

۱-کارشناس ارشد ، گروه مبارزه با بیماری های واگیر، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان ،اصفهان ،ایران

۲-متخصص عفونی ،مدیر گروه مبارزه با بیماری های واگیر، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان ،اصفهان ،ایران

۳- کارشناس ارشد ، گروه مبارزه با بیماری های واگیر، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان ،اصفهان ،ایران

۴-دکتری پزشکی، گروه مبارزه با بیماری های واگیر، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان ،اصفهان ،ایران

۵- کارشناس ، گروه مبارزه با بیماری های واگیر، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان ،اصفهان ،ایران

چکیده

زمینه و هدف: بیماری کرونا یک بیماری تنفسی حاد بوده که با انتشار سویه کوید-۱۹ و ایجاد پاندمی در سراسر جهان باعث ایجاد موارد ابتلا و مرگ و میر گردید و از آنجایی که کنترل بیماری و تصمیمات مدیریتی در حوزه سلامت، نیازمند بررسی وضعیت اپیدمیولوژی بیماری می باشد این مطالعه به منظور بررسی وضعیت اپیدمیولوژی بیماری کرونا(کوید-۱۹) در استان اصفهان طی سال های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۲صورت گرفت است.

مواد و روش ها : در این مطالعه توصیفی مقطعی، اطلاعات دموگرافیک و اپیدمیولوژیک بیماران مبتلا به کوید -۱۹ در فاصله سالهای ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۲ استان اصفهان، مورد بررسی قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل از مدل های آماری توزیع فراوانی با استفاده از نرم افزارهای اکسل و SPSS نسخه ۱۶ مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: از تعداد ۱۵۷۹۹۱۸ افراد مورد بررسی بعنوان مشکوک به بیماری کرونا که ۴۵٪ زن و ۵۵٪ مرد بودند ، نمونه گیری جهت تعیین وضعیت بیماری صورت گرفت که تعداد ۵۱۸۹۷۸ مورد مثبت قطعی تشخیص داده شد که ۳۲/۸۵ درصد نمونه ها را تشکیل میدهد و از مجموع بیماران قطعی شناسایی شده ۴۳٪ آنان را زنان و ۵۴٪ آن را مردان تشکیل می دهند. از مجموع کل بیماران مثبت شناسایی شده تعداد ۷۹۰۱ مورد جان خود را از دست داند که درصد کشندگی آن ۱/۵۲ درصد می باشد. بیشتر مبتلایان در گروه سنی میانسالان(۳۴/۴۴ درصد) و سالمندان(۳۴/۶۸ درصد) بوده و بیشترین درصد کشندگی بیماری در گروه سنی سالمندان(۵/۷۸ درصد)، کودکان (۱/۵۳ درصد) و کمترین درصد کشندگی در گروه سنی جوانان(۰/۰۹ درصد) گزارش شد.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج حاصله و وجود ابتلا و مرگ و میر بالاتر در گروه سنی سالمندان نسبت به سایر گروه های سنی، توجه و برنامه ریزی در خصوص ارتقای آگاهی این گروه سنی در خصوص اقدامات پیشگیری و مراقبتهای علائم خطر بیماری لازم به نظر می رسد.

واژگان کلیدی : *کرونا، کووید-۱۹، اپیدمیولوژی، اصفهان*

بررسی روند ۱۰ ساله بیماری سل (TB) در ایران با استفاده از اطلس کشوری فراوانی و بروز بیماری های واگیر

فرزانه راستکار شیرونده [۱]

دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته آمار زیستی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی زنجان

سمیه نیکخواه [۲]

فارغ‌التحصیل کارشناسی، رشته بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

علی ریحانیان [۳ و ۴]

دانشجوی کارشناسی ارشد، یادگیری الکترونیکی در علوم پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

دانشجوی کارشناسی ارشد، یادگیری آموزش پزشکی، دانشکده آموزش پزشکی و فناوری های یادگیری، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

چکیده

زمینه و هدف: بیماری سل (TB)، نوعی بیماری عفونی باکتریایی و جزء دسته بیماری‌های تنفسی است که به طور معمول توسط باکتری مایکوباکتریوم توبرکلوزیس (MTB) ایجاد می‌شود و مستقیما ریه را درگیر می‌کند. بر اساس تخمین Who در صورت نبود اقدامات کنترلی حدود ۱۵۰ میلیون نفر به بیماری سل مبتلا خواهند شد و ۳۶ میلیون مرگ ناشی از این بیماری رخ خواهد داد. بنابراین TBهمچنان یک تهدید جهانی برای سلامت عمومی است. سل یکی از معضلات مهم بهداشتی درمانی به خصوص در کشورهای در حال توسعه مانند کشور ایران است به همین دلیل توسعه ابزارهای تشخیصی سریع، دقیق و کلیدی برای شروع زودهنگام درمان، نظارت بر پاسخ به درمان و جلوگیری از گسترش بیماری ضروری است. هدف ما در این مطالعه بررسی روند ۱۰ ساله بیماری سل(TB) در ایران با استفاده از اطلس کشوری فراوانی و بروز بیماری های واگیر بود.

مواد و روش ها: در این مطالعه روند بیماری سل با استفاده از اطلس کشوری فراوانی و بروز بیماری های واگیر منتشر شده توسط وزرات بهداشت ایران در سال ۱۴۰۲ بررسی شد. داده های بیماری از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۷ جمع آوری شدند سپس نرخ متوسط سالانه بیماری در کل کشور و استان ها با استفاده از نرم افزار Joint Point تعیین شد.

نتایج : روند سالانه بیماری در کل کشور از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰ با نرخ متوسط ۵/۸۷ درصد، به صورت افزایشی بود اما از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ روند کاهشی نرخ متوسط سالانه کشوری با ۴/۰۶ درصد مشاهده گردید. برخی استان‌ها نیز روند متفاوتی را نسبت به روند کشوری نشان دادند.

نتیجه گیری : با توجه به روند کاهشی نرخ متوسط بیماری از سال ۱۳۹۰ به بعد در ایران، می‌توان گفت اجرای صحیح سیاست گزاری‌ها در حوزه بیماری سل و نحوه پیشگیری و درمان آن در کشور در طی این سال‌ها بسیار موثر و کاملا محسوس بوده است. اما این برنامه‌ها با توجه به متفاوت بودن نتایج استان‌ها می‌تواند نشان از عدم اجرای صحیح سیاست گزاری‌ها در برخی از استان‌ها باشد و نیازمند نظارت بیشتر در تمامی مناطق و استان‌ها است.

واژگان کلیدی : *بیماری سل، ایران، اطلس کشوری فراوانی و بروز بیماری های واگیر*

اپیدمیولوژی آلزایمر

علی ریحانیان [۱و۲] ، سمیه نیکخواه [۳]

۱-دانشجوی کارشناسی ارشد، یادگیری الکترونیکی در علوم پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

۲-دانشجوی کارشناسی ارشد، یادگیری آموزش پزشکی، دانشکده آموزش پزشکی و فناوری های یادگیری، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۳-فارغ‌التحصیل کارشناسی، رشته بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

چکیده

زمینه و هدف : بیماری آلزایمر (AD) یک اختلال پیچیده و چندعاملی است و علت اصلی زوال عقل در جمعیت سالمندان و پنجمین علت مرگ و میر است. حدود ۴۴ میلیون نفر در سراسر جهان به این بیماری مبتلا هستند.پیش بینی می شود حداقل تا سال ۲۰۴۰ هر ۲۰ سال تعداد مبتلایان آلزایمر دو برابر شود. این بیماری با تخریب اعصاب مرکزی، باعث کاهش تدریجی عملکرد شناختی افراد مبتلا شده و بر فعالیت‌های زندگی روزمره و عملکرد اجتماعی آن‌ها تأثیر می‌گذارد.این مطالعه با هدف بررسی اپیدمیولوژی آلزایمر انجام شد.

مواد و روش ها: این پژوهش به صورت مرور سیستماتیک با جستجوی کلماتی از اپیدمیولوژی، آلزایمر و اپیدمیولوژی آلزایمر در پایگاه‌های اطلاعاتیPubmed ، Google scholar،SID، ProQuest در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ با معیار ورود دسترسی به اصل مقالات انگلیسی و فارسی انجام شد برهمین اساس از بین ۶۰ مقاله به دست آمده ۱۷ مقاله برای تحلیل نهایی وارد مطالعه شد.

نتایج : افزایش سن، ژنتیک، همچنین سؤ تغذیه، چاقی، فشار خون بالا، دیابت و کلسترول بالا از جمله عواملی هستند که در ایجاد و پیشرفت آلزایمر نقش اساسی دارند.علاوه بر این برخی فاکتور های محیطی مانند آلودگی هوا، مواد شیمیایی سمی و غیره می‌تواند بروز و یا پیشرفت بیماری آلزایمر را در افراد، تحت تأثیر قرار دهد.

نتیجه گیری : پیشگیری و کنترل بیماری آلزایمر بسیار حائز اهمیت است که شامل انجام فعالیت‌های ذهنی و جسمی، کنترل وزن، مصرف متعادل موادغذایی و مدیریت بیماری های فشارخون و دیابت و نیز حفاظت از محیط زیست به ویژه کنترل آلاینده های هوا است.

واژگان کلیدی : *اپیدمیولوژی، آلزایمر، اپیدمیولوژی آلزایمر، شغلی، کاهش حوادث شغل*

بررسی شیوع خود درمانی و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان علوم پزشکی؛ مروری بر شواهد موجود

شهرزاد عطائی[۱]، طیبه رمضانی[۱]، محمدجواد حمادی[۱]، سعیده عزیزی مهکویه[۲]، علیرضا رفیع[۳]

۱- دانشجوی کارشناسی پرستاری ،عضو کمیته تحقیقات و فناوری دانشجویی دانشکده علوم پزشکی بهبهان ، بهبهان ، ایران

۲ -کارشناسی ارشد پرستاری داخلی جراحی ،دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران ، تهران ، ایران

۳- کارشناسی ارشد پرستاری سالمندی ،مربی گروه پرستاری دانشکده علوم پزشکی بهبهان ، بهبهان ، ایران،

چکیده

زمینه و هدف : خود درمانی به عنوان رایج ترین شکل خودمراقبتی می باشد و با مصرف داروهایی بدون تجویز و معاینه پزشک همراه است که امروزه به یکی از معضلات بهداشتی تبدیل شده و مانند هر معضل بهداشتی دیگری عوارضی به همراه دارد که این عوارض طیف خفیف تا شدید را در بر میگیرد و باید اشاره داشت که عوامل متفاوتی بر بروز این رفتار اثر دارند. در این مطالعه شیوع خود درمانی و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان علوم پزشکی بررسی شد.

مواد و روش ها : دراین مطالعه شیوع و عوامل مرتبط با خود درمانی به روش مرور سیستماتیک و با جست و جو در پایگاه های SID، Civilica، WOS، Scopus، Pubmed و موتور جست و جوی Google scholar و کلیدواژه های خوددرمانی ، شیوع ، دانشجویان علوم پزشکی Self-medicine, medical students, طی سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۲ بر هر دو گروه دانشجویان دختر و پسر دانشگاه های علوم پزشکی شهرهای رفسنجان ، تربت حیدریه ، تهران ، شیراز ، اصفهان ، گلستان و بیرجند انجام شد . ۱۵۰ مقاله در ابتدا بدست آمد و از این تعداد ، ۱۰ مورد از مقالات انتخاب و بررسی شدند که ملاک ورود مقالات شامل دانشجویان علوم پزشکی ، استفاده از خود درمانی ، زبان فارسی و انگلیسی ، مقالات دارای متن کامل و ملاک خروج شامل دانشجویان ، دانش آموزان مراجعین به بیمارستان دارای خود درمانی ، زبان غیر از فارسی و انگلیسی ، دارو های درمانی با تجویز پزشک ، دارو درمانی بیماری زمینه ای و مقالات فاقد متن کامل بود و این جست و جو توسط دو نویسنده به صورت مجزا صورت گرفت و در صورت اختلاف نویسنده سوم مسئول رفع اختلاف میان نویسندگان بود. همچنین مهمترین عوامل مرتبط با خود درمانی بدست آمده از تحلیل نتایج پرشنامه ها پر شده توسط داشجویان در این مقالات استخراج و طبقه بندی شدند.

نتایج : بررسی نتایج مطالعات مختلف نشان داد که شیوع خوددرمانی در میان دانشجویان علوم پزشکی در بازه گسترده ۱۸٪ تا ۸۶.۷٪ متغیر بوده است و البته شیوع خود درمانی در میان دانشجویان پسر ، نسبت به دانشجویان دختر بیشترمی باشد و در هر دو گروه خود درمانی در طول تحصیل افزایش داشته است. همچنین مهم ترین علل انجام خود درمانی در دانشجویان تجربه بلی بیماری ، عدم لزوم مراجعه به پزشک و خودتشخیصی ، عدم اطمینان از طبابت پزشکان ، تجربه قبلی مصرف دارو ، مهم

تلقی نکردن بیماری و نداشتن وقت کافی جهت مراجعه به مراکز درمانی بود. از سوی دیگر شایع ترین مشکلاتی که دانشجویان را به خود درمانی ترغیب می کرد اختلالات گوارشی ناشی از تغذیه نامناسب و استرس ، سردرد ها نظیر سردردهای تنشی ، میگرنی و سردرد ناشی از سندروم پیش از قاعدگی و حساسیت های ناشی از الرژن های محلی بود. رایج ترین دارو های مورد استفاده شامل استامینوفن ، مسکن ها ، قرص های سرماخوردگی و آنتی بیوتیک ها بود که اغلب هم بصورت قرص مصرف می شدند.

نتیجه گیری : با توجه به شیوع گسترده خود درمانی در میان دانشجویان علوم پزشکی و همچنین عوامل موثر بر آن لازم است اطلاع رسانی های گسترده درخصوص عوارض خوددرمانی صورت گیرد و همچنین امکانات و دسترسی دانشجویان برای بهره مندی از معاینات پزشکی فراهم شود و از سوی دیگر وضع قوانین محدود کننده در ارتباط با فروش داروهای پر مخاطب میان دانشجویان برای داروخانه ها از گام های موثر در کنترل خود درمانی می باشد.

واژگان کلیدی : *خوددرمانی ، شیوع ، دانشجویان علوم پزشکی ، medical students، self – medicine*

بررسی تاثیر۱۹–COVID بر ریزش مودر اقایان ؛ مروری نظام مند

شهرزاد عطائی[۱] ، محمدجواد حمادی[۱] ، طیبه رمضانی[۱]، علیرضا رفیع[۲] ، سعیده عزیزی مهکویه[۳]

۱ -دانشجوی کارشناسی پرستاری، عضو کمیته تحقیقات و فناوری دانشجویی دانشکده علوم پزشکی بهبهان، بهبهان ایران

۲ -کارشناسی ارشد پرستاری سالمندی، مربی گروه پرستاری دانشکده علوم پزشکی بهبهان، بهبهان، ایران

۳- کارشناسی ارشد پرستاری داخلی جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران،

چکیده

زمینه و هدف : ریزش مو یکی از مشکلات رایج در بین مردان و زنان است که برجنبه های روانی زندگی آن ها نیز تاثیر گذار است همچنین این اختلال می تواند منشا های متفاوتی از جمله بیماری COVID-19 داشته باشد که بر جنبه های بسیاری از زندگی افراد تاثیر گذاشته است. در این مطالعه تاثیرCOVID-19 بر ریزش مودر اقایان بررسی شد.

مواد و روش ها : در این مطالعه تاثیر COVID-19 بر ریزش مو در آقایان به روش مرور سیستماتیک با جست و جو در پایگاه های اطلاعاتی Civilica , SID , WOS , Scopus , Pubmed و موتور جست و جوی Google scholar با کلیدواژه های کرونا ، ریزش مو ، پرولاکتین ، اقایان ، COVID-19، prolactin، men، hair، hyperprolactinaemia ، طی سال های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳ بر گروهی مردها انجام شد . تعداد ۲۰ مقاله بدست آمد که از این تعداد ، ۵ مورد از مقالات انتخاب و بررسی شدند که ملاک ورود مقالات ریزش مو در مردان ، COVID-19 ، پرولاکتین ، مقالات فارسی و انگلیسی و مقالات دارای متن کامل و همچنین ملاک خروج مقالات ریزش مو در زنان و دختران ، زبان غیر از فارسی و انگلیسی و مقالات فاقد متن بود. این جست و جو توسط دو نویسنده به صورت مجزا صورت گرفت و در صورت اختلاف نویسنده سوم مسئول رفع اختلاف میان نویسندگان بود.

نتایج : نتایج مطالعات مختلف نشان داد که دربیماری COVID-19، که توسط SARS-CoV-2 ایجاد می‌شود، سطح سرمی PRL افزایش بطور چشمگیری در آقایان افزایش می‌یابد. همچنین گیرنده های این هورمون در پوست سر انسان شناسایی شدند که PRL یک اثر بازدارنده بر رویداد های چرخه مو آقایان دارد و می توان افزایش آن را با ریزش موی سر در اقایان مرتبط دانست. ازمطالعات بدست آمد که ریزش مو می‌تواند پیامدهای روانی – اجتماعی ایجاد کند بهگونه ای که همراه با نگرانی در مورد وضعیت ظاهری باشد و منجر به احساس بدشکلی یا کاهش اعتماد به نفس‌گردد و علاوه بر این، می تواند باعث اضطراب و نگرانی شود و بر عملکردهای اجتماعی فرد مبتلا تأثیر بگذارد.

نتیجه گیری : باتوجه به ارتباط میان بیماری COVID-19 وریزش مو و پیامدهای آن در اقایان ، به پژوهشگران آینده توصیه می شود تا تحقیقات گسترده تری در رابطه با منشاهای این اختلال انجام دهند و روش هایی برای پیشگیری و درمان این

اختلال ارائه دهند . هچنین لازم است با اطلاع رسانی پیامدهای ابتلا به کرونا ، بر رعایت اصول پیشگیری تاکید بیشتری به عمل آید.

واژگان کلیدی : *کرونا ، ریزش مو ، پرولاکتین ، اقایان ، hyperprolactinaemia*

بررسی وضعیت اپیدمیولوژی بیماری مالاریا طی سال های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ استان اصفهان

عباسعلی قاسمی۱،ابوالفضل حجاری* ۲،رضا فدایی ۳، ،حمید گله داری۴ ، شیماسادات طلایی۵

1-کارشناس ارشد ، گروه مبارزه با بیماری های واگیر، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان ،اصفهان ،ایران

2-کارشناس ، گروه مبارزه با بیماری های واگیر، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان ،اصفهان ،ایران

3-دکتری تخصصی عفونی ،مدیر گروه مبارزه با بیماری های واگیر، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان ،اصفهان ،ایران

4-دکتری تخصصی پوست، معاون بهداشت دانشگاه و رئیس مرکز بهداشت استان، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان ،اصفهان ،ایران

5-دکتری پزشکی،کارشناس گروه مبارزه با بیماری های واگیر، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان ،اصفهان ،ایران

چکیده

سابقه و هدف: بیماری مالاریا یکی از بیماریهای انگلی بوده که بوسیله گزش پشه آنوفل انتقال می یابد ، این بیماری سالیانه باعث مرگ بیش از سه میلیون نفر در جهان می گردد، این بیماری یکی از مشکلات مهم بهداشت و سلامت در مناطق درگیر بیماری از جمله استان اصفهان بوده و باعث ایجاد لطمات اقتصادی فراوانی در درمان بیماران و مبارزه با کانونهای آلوده صرف می گردد و با توجه به اهمیت اتخاذ تصمیمات مدیریتی بر اساس اطلاعات آماری صحیح، این مطالعه به منظور بررسی اپیدمیولوژی بیماری مالاریا در استان اصفهان طی سالهای صورت گرفته است

مواد و روش‌ها: این مطالعه به صورت توصیفی – تحلیلی از نوع مقطعی بوده که با استفاده از اطلاعات مربوط به ۱۵۳ نفر بیمار مشاهده شده در استان اصفهان انجام شد. و اطلاعات بیماران شامل مشخصات فردی ،مناطق جغرافیایی و وضعیت بیماری با استفاده از نرم افزارهای اکسل و spss16 مورد تجزیه و تحلیل و آزمونهای آماری کای دو و تی تست قرار گرفتند.

نتایج: در بررسی ۱۵۳ مورد بیمار در فاصله سالهای مورد بررسی ، میانگین سنی۸/۸۵±۲۵/۳۷ سال بوده و ۹۸ درصد بیماران دارای جنسیت مرد بودند، ۹۴/۱ درصد بیماران شغل کارگر داشته و ۹۶/۷ درصد آنها دارای ملیت افغانستانی بودند، ۹۴/۱ درصد بیماران دارای مالاریا از نوع ویواکس،۳/۳ میکس،۲/۶ فالسی پارم بودند،۵۲/۳ درصد بیماران در ماه های خرداد ،تیر و مرداد بروز داشته و ۶۸ درصد بیماران در گروه سنی جوان قرار گرفته بودند.و بین شغل ، نوع کانون،سن، محل سکونت و جنسیت مبتلایان ارتباط معنی داری مشاهده شد .

نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه اکثر بیماران دارای ملیت اتباع خارجی بوده و همچنین شغل اکثر بیماران کارگر می باشد، توجه ویژه به صنایع و مشاغلی که در آنها بکارگیری اتباع خارجی صورت می گیرد میتواند در شناسایی و درمان سریعتر بیماران نقش بسزایی داشته باشد، همچنین اموزش کار فرمایان این دسته از صنایع در خصوص اصول پیشگیری ، علایم شایع بیماری و تشخیص و درمان میتواند به کنترل بهتر بیماری کمک کنند.

واژه‌های کلیدی: *ملاریا، اپیدمیولوژی، آنوفل، اصفهان*

دود دسته دوم و والدین: چالشی پیش رو دانش آموزان!کاوشی در میزان مواجهه با دود دسته دوم دخانیات دروالدین دانش آموزان متوسطه دوم شهر زاهدان درسال۱۴۰۱

فرزانه وکیلی[۱]، مهدی طباطبائی [۲]، مهدی محمدی[۳]، علیرضا سلیمی خراشاد[۴]، فاطمه لیموپرور[۱*]

۱-کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، گروه آمار و اپیدمیولوژی، کمیته تحیقات و فناوری دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، ایران

۲_ دانشیار گروه آمار و اپیدمیولوژی دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی زاهدان، زاهدان، ایران

۳_ استاد گروه آمار و اپیدمیولوژی دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی زاهدان، زاهدان، ایران

۴_ دانشیارگروه انگل شناسی و قارچ شناسی، دانشکده پزشکی، مرکز تحقیقات بیماری‌های عفونی و گرمسیری، پژوهشکده علوم سلولی، مولکولی در بیماری‌های عفونی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی زاهدان، زاهدان، ایران

*نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، گروه آمار و اپیدمیولوژی، کمیته تحیقات دانشجویی وفناوری، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، ایران

چکیده

مقدمه : مواجهه با دود دست دوم دخانیات بروز بیماری های قلبی، سرطان و سایر بیماری ها را تسهیل می کند، هدف این مطالعه تعیین میزان مواجهه با دود دست دوم دخانیات در بین والدین دانش آموزان متوسط دوم شهر زاهدان درسال ۱۴۰۱ می باشد.

روش کار: در این مطالعه مقطعی در سال ۱۴۰۱، ۶۴۰ دانش آموز مقطع متوسطه دوم در شهر زاهدان با شیوه نمونه گیری تصادفی چندمرحله ای انتخاب شدند. ابزارجمع آوری دادها یک چک لیست اقتباسی از پرسشنامه بررسی جهانی مصرف دخانیات (*Global Youth Tobacco Survey*)بود. همه چک لیست ها به صورت حضوری و با مصاحبه جمع اوری شد.کلیه تجزیه تحلیل اطلاعات توسط نرم افزار SPSSنسخه ۲۲ با استفاده از آزمون های آماری کای اسکوئر، tمستقل و رگرسیون لجستیک در سطح معنی داری ۰/۰۵ انجام گردید.

یافته ها: در مطالعه حاضر مجموعا ۶۴۰ دانش آموز با میانگین سنی ۰/۷۷ ± ۱۷/۰۰ سال مورد بررسی قرار گرفتند که ۵۸/۴٪دانش آموزان با دود دست دوم مواجهه داشتند که۸/۴٪ دانش آموزان مصرف سیگارو۲۷/۳٪ مصرف قلیان را در مادر و هم پدر خود گزارش دادند. ، نوع منزل محل سکونت و محل سکونت با مواجهه با دود دسته دوم ارتباطی نداشت. مواجهه با دود دست دوم سیگار با تحصیلات کمتر مادر ارتباط معنی داری داشت. مهمترین پیش بینی کننده های مواجهه با دود دست

دوم دخانیات بر اساس مدل رگرسیون لجستیک چندگانه به ترتیب شامل سابقه مصرف دخانیات پدر و مادر، بی سوادی مادر بود (05/0>P).

نتیجه گیری: مواجهه با دود دخانیات در نوجوانان شهر زاهدان نسبتا بالا می باشد و به نظر می رسد سطح سواد والدین و وضعیت اقتصادی و شغل والدین در میزان مواجهه دخیل هستند.

واژه های کلیدی: *دود دست دوم دخانیات، نوجوانان، سیگار*

بررسی رعایت رفتار های پیشگیرانه COVID–۱۹ بر ارتقای سطح سلامت و افزایش امید به زندگی : مقاله مروری

علی بختیاری

دانشجوی پزشکی ، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان ، زاهدان ، ایران

چکیده

مقدمه : با توجه به شیوع جهانی کووید-۱۹ و بالابودن میزان مرگ ناشی از بیماری به جهت ایجاد سندرم حادتنفسی (SARS-۲ CoV-2) به نظر میرسد انجام رفتارهای پیشگیرانه از کووید-۱۹ راهکار مناسبی برای کاهش مرگ و میر و به تبع آن کاهش اضطراب و افسردگی مردم و افزایش امید به زندگی می باشد. هدف از این پژوهش تعیین رعایت رفتار های پیشگیرانه COVID-19 بر ارتقای سطح سلامت و افزایش امید به زندگی می باشد.

روش کار : این مقاله مروری با جست و جوی کلید واژگان: امید به زندگی در کووید-۱۹،رفتار های پیشگیرانه کووید-۱۹، کووید-۱۹ در روند افزایش اضطراب ، ارتقای سطح سلامت در کووید-۱۹، در پایگاه های اطلاعاتی SID ، Google scholar ، Pubmed در دو بخش مقالات فارسی و انگلیسی از دسامبر 2019 تا فوریه 2023 انجام شد . از 38 مقاله به دست آمده، 15 مقاله واجد شرایط و مورد مرور نهایی قرار گرفتند.

یافته ها : بررسی ها نشان داد امید به زندگی بر کیفیت زندگی انسان ها تاثیر گذار است و رابطه تنگاتنگ و همسویی با نوع رفتار های روزمره انسان از جمله رفتار های پیشگیرانه و ارتقا دهنده سلامت ، دارد . رفتار های پیشگیرانه به مانند واکسیناسیون، شستن دست ها ، استفاده از ماسک و کاهش ارتباطات، بهترین و موثر ترین روش ها ، برای کنترل شیوع ویروس کروناست. بر اساس نتایج ، مطالعات غربالگری، برنامه های آموزشی وثبت درآموخته ها و تجارب حاصل از بیماری Covid-19 موجب افزایش درک خطر ، بهبود سلامت و ارتقای امید به زندگی می گردد.

نتیجه گیری : رفتار های پیشگیری کننده COVID-19 سبب افزایش سطح کیفیت زندگی و در نتیجه باعث افزایش امید به زندگی در افراد جامعه می شود. لذا فرهنگ سازی رفتار های پیشگیرانه در سطح عمومی جامعه و همچنین اشاعه فرهنگ رفتار های پیشگیری کننده در گستره مدارس ، ادارات و دانشگاه های یک کشور توصیه می شود.

کلید واژه : *کووید۱۹ ، امید به زندگی ، رفتار های پیشگیرانه*

عنوان: تقویت نظام مراقبت های بهداشتی اولیه ایران برای مدیریت بیماری های تنفسی : مرور حیطه ای تجربیات کشورها

زهرا عبداللهی کوشکی[1]علی محمد مصدق راد[2], ,شبنم افراز[3]

۱.دانشجوی کارشناسی ارشد. رشته مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

۲.دکترای تخصصی سیاستگذاری و مدیریت سلامت، استادگروه مدیریت ، سیاستگذاری و اقتصاد سلامت ، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

3.دانش آموخته کارشناسی ارشد، رشته مدیریت خدمات بهداشتی درمانی ، دانشکده بهداشت ، دانشگاه علوم پزشکی تهران

چکیده

زمینه و هدف : نظام مراقبت بهداشتی اولیه ، پایه و اساس سلامتی و رفاه در هر مرحله و هر شرایط زندگی است. نظام مراقبت بهداشتی اولیه، خدمات ضروری و معمول مراقبت های بهداشتی، برای جلوگیری از بیماری و مرگ و میر بیشتر در طول همه گیری بیماری های قابل پیشگیری را ارائه میدهدو به تداوم خدمات سلامت در هنگام بحران ها کمک میکند.نظام مراقبت های بهداشتی با نفوذ مویرگی در تمام مناطق و ارائه خدمت در محلی نزدیک به محل زندگی یا کار ، اینتوانایی را دارد تا نقش مهمی در واکنش به حوادث بزرگ در تمام مراحل چرخه ان حادثه ایفا کند بنابراین نقش مهمی در مدیریت بحران ها دارد و تقویت آن ضروری است. از این رو این مطالعه با هدف ارائه راهکارها و اقدامات موثر برای تقویت نظام مراقبت‌های بهداشتی اولیه برای مدیریت بحران‌های ناشی از بیماری‌های تنفسی در قالب چرخه مدیریت بلایا با بررسی تجربیات موفق کشورها انجام شده‌است.

مواد و روش ها: این پژوهش با روش مرور حیطه ای انجام شد. استراتژی جست و جوی منابع این مطالعه، با در نظر داشتن گاید لاین PRISMA طراحی شده است.کلیه مطالعات مرتبط با تجربیات موفق کشورها در زمینه استفاده از نظام مراقبت‌های بهداشتی اولیه برای مدیریت و کنترل بحران‌های ناشی از بیماری‌های تنفسی در پایگاه‌های اطلاعاتی انگلیسی *Web of science*، *ProQuest*، *Science direct*، *EBSCO*، *PubMed*، *Scopus* ، *Embase* و *پایگاه های اطلاعاتی SID*، *Iranmedex* و *Medlib Irandoc* و موتور جستجوگر *Google Scholar*با کلیدواژه‌های مناسب جستجو شدند. در نهایت ۲۸ مقاله انتخاب و با روش تحلیل چارچوبی تحلیل شدند. دسته بندی یافته ها با توجه به اصول شش گانه مراقبت های بهداشتی اولیه و با توجه به چرخه مدیریت بلایا انجام شد.

نتایج: یافته ها نشان می دهد کشورها به شکل های گوناگون در حال استفاده از مراقبت های بهداشتی اولیه جهت مدیریت بحران های ناشی از همه گیری های گوناگون بیماری های تنفسی ویروسی همچون کووید-۱۹ هستند.تعداد ۴۵ تجربه موفق از نظام مراقبت‌های بهداشتی اولیه برای مدیریت بحران‌ها شناسایی شد. ۳۴ راهکار متناسب با تجربیات موفق جهان برای تقویت نظام مراقبت‌های بهداشتی اولیه ایران مطابق با چرخه مدیریت بلایا ارائه شد.از جمله راهکارهای ارائه شده برای تقویت نظام مراقبت های بهداشتی اولیه برای مرحله پیشگیری و آمادگی در چرخه مدیریت بلایا ؛طراحی تیم‌های چندبخشی و بسته

خدمات ادغام یافته ، طراحی و اجرای نرم‌افزارهای تعیین فراوانی بیماری‌ها، طراحی کلینیک‌های انلاین، افزایش مشارکت سازمان‌های مردم نهاد، آموزش مردم برای استفاده از بستر مجازی ارائه خدمات ، تدوین دستورالعمل‌های هماهنگی بین بخشی و تعیین گروه بحران و نقش افراد، ایجاد مرکز حفاظت از سلامت ، ایجاد اعتماد عمومی برای اراده کافی در قانون‌گذاری و اجرای آن‌ها، استفاده از مدل سازی ریاضی برای توصیف و درک اپیدمی و پیش‌بینی نیازهای مراقبت‌های بهداشتی و استقرار استراتژی DOT در تمام برنامه‌ها ارائه شد و برای مرحله پاسخ و بازتوانی چرخه مدیریت بلایا ؛ تهیه لیست افراد در خطر در جامعه ، استفاده از حمایت‌های مالی برای مشارکت مردم، تعریف بسته خدماتی ویژه کادر درمان، ارائه اپلیکیشن‌های مختلف بیماریابی و رعایت پروتکل‌ها،ارائه حمایت مالی ویژه کادر درمان، جایگزینی کادر درمان شاغل در خط مقدم با کارکنان بازنشسته بهداشت و درمان و یا افراد حائز شرایط استخدام جدید و یا ظرفیت‌های دانشجویی ارائه شدند.

نتیجه گیری : مدیریت صحیح و به موقع بحران‌ها می‌تواند در کاهش خسارات ناشی از آن‌ها بسیار موثر باشد. تقویت نظام مراقبت‌های بهداشتی اولیه به عنوان یکی از موثرترین گزینه‌های مقابله با بحران می‌تواند ما را در این امر یاری دهد. .در این میان بومی سازی تجربیات موفق کشورها در به‌کارگیری صحیح نظام مراقبت‌های بهداشتی اولیه می تواند نظام مراقبت‌های بهداشتی اولیه ایران را تاب‌آور تر کند. سیاست‌گذاران و مدیران ارشد نظام سلامت باید با به‌کارگیری راهکارها و اقدامات پیشنهادی به تقویت نظام مراقبت‌های بهداشتی اولیه کشور بپردازند.

واژگان کلیدی : *تقویت مراقبت های بهداشتی اولیه، بحران، کووید ۱۹، بیماری های تنفسی ، مدیریت بلایا*

تحلیل استراتژیک نظام مراقبت‌های بهداشتی اولیه ایران در مواجهه با همه‌گیری‌ها:یک مرور حیطه‌ای

علی محمد مصدق راد[۱]، ، فاطمه کاظمی[۲]، سپهر متانت[۳]، امیرحسین مصدق راد[۴]، شبنم افراز*[۵]، محمدرضا گنج‌دانش[۳]

۱- استاد، گروه علوم مدیریت و اقتصاد بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۲- گروه مدیریت پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۳- دانشجوی دکتری عمومی پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۴- دانشجوی دکتری عمومی پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران، ایران

۵- گروه علوم مدیریت و اقتصاد بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: تهران، میدان انقلاب، دانشگاه علوم پزشکی تهران،

چکیده

زمینه و هدف: نظام مراقبت‌های بهداشتی اولیه، اولین نقطه تماس افراد، خانواده‌ها و جامعه با نظام سلامت است که خدمات سلامت اساسی را در محلی نزدیک به محل زندگی یا کار مردم ارائه می‌کند. نظام مراقبت‌های بهداشتی اولیه نقش مهمی در پاسخ به همه‌گیری‌ها دارد و باید تقویت شود. این مطالعه با هدف تحلیل استراتژیک نظام مراقبت‌های بهداشتی اولیه ایران در مواجهه با همه‌گیری‌ها و ارائه راهکارهای مناسب انجام شده است.

مواد و روش‌ها: این پژوهش با روش مرور حیطه ای انجام شد. کلیه مطالعات مرتبط با نقاط قوت و ضعف و فرصتها و تهدیدهای نظام مراقبت‌های بهداشتی اولیه ایران در پایگاه‌های اطلاعاتی انگلیسی PubMed، Scopus، Science of Web و tProQues و پایگاه‌های اطلاعاتی فارسی SID و Magiran و موتور جستجوگر Scholar Google با کلیدواژه‌های مناسب جستجو شدند. در نهایت، ۵۲ مقاله انتخاب و با روش تحلیل چارچوبی تحلیل شدند.

نتایج: تعداد ۱۸ قوت، ۱۰ ضعف، ۱۷ فرصت و ۱۴ تهدید برای نظام مراقبتهای بهداشتی اولیه ایران شناسایی شد. ۶۲ راهکار برای تقویت نظام مراقبت‌های بهداشتی اولیه ایران در مواجهه با اپیدمی و پاندمی بیماری‌های عفونی ارائه شد. استفاده از ظرفیت کارکنان بهداشتی و درمانی نیروهای نظامی در مناطق محروم، پشتیبانی و نظارت بر قرنطینه خانگی مبتلایان، آموزش کارکنان بهداشتی، حمایت اجتماعی و روانی از کارکنان و به‌کارگیری خدمات پزشکی از راه دور برای تقویت نظام مراقبت‌های بهداشتی اولیه ایران ضروری هستند.

نتیجه‌گیری: نظام مراقبت‌های بهداشتی اولیه ایران با چالش‌هایی در پاسخ به همه‌گیری‌ها مواجه است. سیاست‌گذاران و مدیران ارشد نظام سلامت باید با به‌کارگیری استراتژی‌های پیشنهادی به تقویت نظام مراقبت‌های بهداشتی اولیه کشور بپردازند.

واژه‌های کلیدی: *مراقبت‌های بهداشتی اولیه، نظام مراقبت‌های بهداشتی اولیه، همه‌گیری، تقویت، تحلیل استراتژیک*

شناسایی راهکارهای تقویت نظام مراقبت های بهداشتی اولیه ایران برای کنترل بیماری کووید-۱۹

شبنم افراز[۱*]، علی محمد مصدق راد[۲]، ابراهیم جعفری پویان[۳]، حامد دهنوی[۴]

۱و۲و۳-گروه علوم مدیریت و اقتصاد بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۴-دانشکده مجازی آموزش پزشکی و مدیریت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: تهران، میدان انقلاب، دانشگاه علوم پزشکی تهران،

چکیده

زمینه و هدف: همه‌گیری کووید-۱۹ ناشی از ویروس کووید-۱۹ در دسامبر۲۰۱۹ آغاز شد. مراقبت‌های بهداشتی اولیه مجموعه اقدامات ضروری در جهت پیشگیری، ارتقا سلامت مردم و آمادگی برای بلایا هستند. با توجه به نقش مهم نظام مراقبت‌های بهداشتی اولیه در پاسخ به بحران‌ها و همه‌گیری‌ها، تقویت این نظام ضروری است. مطالعه حاضر به منظور شناسایی راهکارهای تقویت نظام مراقبت‌های بهداشتی اولیه ایران برای کنترل بیماری کووید-۱۹ است.

مواد و روش: این پژوهش در سال ۱۴۰۱ با روش کیفی، از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته با تعداد ۶۱ نفر از مدیران و کارشناسان معاونت بهداشت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سه دانشگاه علوم پزشکی تهران، شهید بهشتی و ایران؛ اساتید و متخصصان حوزه مراقبت‌های بهداشتی اولیه و اپیدمیولوژی صورت گرفت. تحلیل داده‌ها به روش تحلیل موضوعی انجام شد .

یافته‌ها: گستردگی نظام مراقبتهای بهداشتی در سراسر کشور، واحدهای واکسیناسیون سیار، شکل‌گیری ستاد ملی کووید-۱۹و نیروی انسانی متعهد و دلسوز از نقاط قوت نظام مراقبت‌های بهداشتی و جزیره‌ای عمل کردن، ضعف در مستندسازی، کاهش انگیزه کارکنان، وجود افراد چندپیشه و عدم پذیرش بیماری توسط مدیران از جمله نقاط ضعف نظام مراقبت‌های بهداشتی بودند. هماهنگی بین‌بخشی، حرکت به سمت الکترونیکی‌شدن، مشارکت مردم، وجود نیروهای داوطلب و کمک‌های مردمی از فرصت‌ها و تحریم‌های سیاسی و اقتصادی، جایگاه جغرافیایی خطرناک، عدم توجه مدیران سلامت به بخش بهداشتی، عدم کنترل مرزها، گرایش مردم به سمت خدمات درمانی از تهدیدهای نظام مراقبت‌های بهداشتی بودند. نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای نظام مراقبت‌های بهداشتی اولیه و راهکارهای تقویت آن در قالب ۶ بلوک ساختاری حاکمیت و رهبری، منابع انسانی، تامین مالی، ارائه خدمت، نظام اطلاعات سلامت و تجهیزات، واکسن و دارو گروه بندی شدند. سپس، ۱۵۲ اقدام پیشنهادی برای تقویت نظام مراقبت‌های بهداشتی اولیه ایران برای کنترل بیماری شناسایی و در 4سطح سیاستگذاری متا، ماکرو، مزو و میکرو بیان شدند. تولیت مشخص، تغییر رویکرد درمانی به پیشگیری، حمایت طلبی و هماهنگی برون‌بخشی، کاهش فاصله صف و ستاد، مراقبت مبتنی بر شواهدآموزش به مردم، تقویت هشدار سریع و افزودن داده های اجتماعی و اقتصادی به پرونده‌های سلامت به‌عنوان راهکارهای تقویت نظام مراقبت‌های بهداشتی اولیه ایران معرفی شدند .

نتیجه گیری: نظام مراقبت‌های بهداشتی اولیه ایران در بحران کووید-۱۹ عملکرد خوبی داشته‌است. با توجه به تحلیل استراتژیک نظام مراقبت‌های بهداشتی اولیه انجام شده، راهکارها و استراتژی‌های پیشنهادی می‌تواند به مدیران نظام سلامت برای تقویت نظام مراقبت‌های بهداشتی اولیه یاری دهد .

کلمات کلیدی: *مراقبت‌های بهداشتی اولیه، نظام مراقبت‌های بهداشتی اولیه، همه‌گیری، تقویت، تحلیل استراتژیک*

بررسی اپیدمیولوژیک مصدومین مراجعه کننده به بخش اورژانس بیمارستان شهدا، هندیجان از سال ۱۳۹۴-۱۳۹۶

خدابخش کرمی[۱]، نیلوفر جوادی[۲]، مرضیه حیدرپوراهوازی[۳]

۱. استاد، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپوراهواز

۲. دانشجوی کارشناسی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

۳. دانشجوی دکتری عمومی، رشته داروسازی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

چکیده

زمینه و هدف : سازمان جهانی بهداشت حادثه را رویدادی بدون سابقه که موجب آسیب قابل تشخیص می‌شود، می‌داند. در کشورهای غربی بعد از مرگ و میر به علت بیماری های قلب و سرطان ، تروما در درجه سوم شیوع قرار گرفته است. روزانه حدود ۱۶۰۰۰نفر در سرتاسر دنیا در اثر انواع جراحت ها جان خود را از دست می‌دهند. حوادث میتواند باعث بروز صدمات و ضایعات غیر قابل برگشت و تحمیل هزینه های سنگین بر جامعه شود؛ هدف پژوهش حاضر، بررسی توزیع فراوانی مصدومین، مراجعه کننده به بخش اورژانس بیمارستان شهدای هندیجان در سال های ۹۴ ، ۹۵ و ۹۶ می‌باشد.

مواد و روش ها : این پژوهش کاربردی با استفاده از روش توصیفی از داده های بیمارستان شهدا هندیجان در سال های ۹۴ ، ۹۵ و ۹۶ انجام گردید . جامعه پژوهش ۱۸۰۵ نفر از مصدومین مراجعه کننده به بخش اورژانس بیمارستان شهدای هندیجان بود. جهت جمع آوری داده ها از پرونده های در دسترس استفاده گردید. داده ها در نرم افزار SPSS وارد و با روش های آمار توصیفی و استنباطی تحلیل شدند.

نتایج : نتایج نشان داد بیشترین علت سوانح، حوادث ناشی از وسایل نقلیه (۶۹درصد) و کمترین علت حوادث، سوختگی و تیر خوردگی (۲ درصد) می‌باشد. سوانح بیشتر در مردان (۷۲درصد) و متاهل (۵۰/۳ درصد) اتفاق افتاده بود. از لحاظ نتیجه درمان بیشترین درصد با بهبودی کامل (۳۱/۵ درصد) و کمترین درصد نتیجه درمان، فوت (۱درصد) شدند. بیشترین محل حادثه در کوچه و خیابان (۱۵/۸ درصد) بود.

نتیجه گیری : با توجه به فراوانی سوانح ناشی از وسایل نقلیه لذا به طراحان و سیاست گذاران حوزه های مرتبط با سلامت پیشنهاد می شود که در جهت آموزش، تعبیه کیسه های هوا و ارتقاء ایمنی در تمام خودروها برنامه ریزی نمایند.

واژگان کلیدی : *حوادث ، سوانح ، توزیع فراوانی ، بیماران بیمارستان هندیجان*

Relationship between Internet addiction and sleep disorders among students of Shiraz University of Medical Sciences

Hamed Karami*[1], Fatemeh Jafari[2], Ali Khani Jeihooni[3], Aboubakr Jafarnezhad[2], Masumeh Daliri[1]

1-M.Sc. in Epidemiology, Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

2-Ph.D. Student in epidemiology, Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

3-Nutrition Research Center, Department of Public Health, School of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, P. Code:7153675541, Iran

*Corresponding author: Hamed Karami

Abstract

Background and aims: Considering the increasing use of the Internet in Iranian society, especially among students, and the importance of sleep quality, the present study investigated the relationship between sleep quality and Internet addiction among medical students in Shiraz.

Materials and methods: In this descriptive-analytical study, the sample included students of Shiraz University of Medical Sciences who were selected by multi-stage sampling method in 2018. A total of 400 student questionnaires were eligible for analysis. Young's Internet Addiction Test was used to evaluate Internet addiction, and the level of sleep disturbance was measured with the Pittsburgh Sleep Quality Index.

Results:109 (%28.9) and 58 (%14.4) of all the people under study, were at risk of Internet addiction or Internet addiction poor sleep quality, respectively. Highest percentage of poor sleep quality was in those who are addicted to the Internet (60%), but the lowest percentage was observed in the group without addiction (27%). Additionally, there was positive week correlation between Internet addiction and all dimensions of the sleep quality (p=0.05).

Conclusion: These findings help national health officials and planners in Iran to design appropriate and effective interventions to improve students' health and prevent Internet addiction.

Keywords: *Sleep quality, Internet addiction, Sleep disorder*

The global survival rate of graft and patient in kidney transplantation of children: a systematic review and meta-analysis

Mousa Ghelichi-Ghojogh*[1], Saeed Golfiroozi[2], Fateme Mohammadizadeh [3], Ehsan Allah Kalteh [4]

1-Assistant Professor of Epidemiology, Metabolic Disorders Research Center, Golestan University of Medical Sciences, Gorgan, Iran.

2-Assistant Professor of Emergency Medicine, Department of Emergency, School of Medicine, Golestan University of Medical Sciences, Gorgan. Iran.

3-Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

4-Infectious Disease Research Center, Golestan University of Medical Sciences, Gorgan, Iran

Correspondence: Mousa Ghelichi-Ghojogh

Address: Golestan University of Medical Sciences, Gorgan, Iran.

Abstract

Introduction: This study is a systematic review and meta-analysis on published studies about the Global Survival Rate of Graft and Patients in the Kidney Transplantation of children.

Methods and Materials: Studies that investigated the survival rate of kidney transplants published until the 30th of December 2020 were selected using a systematic search strategy in the following databases: Medline, Embase, Scopus, ProQuest, ISI Web of Science, and Cochrane. The extracted data were entered into the Excel software and STATA 16.0. The search identified 6007 study references. From the total, we excluded 1348 duplicates, 3688 reference titles and abstracts that were deemed irrelevant, and 846 references that were not original articles (i.e., letter, commentary, review) or did not meet the inclusion criteria. As such, 89 studies involving 12,330 participants were included in this meta-analysis.

Results: In this study 1, 3, 5, 7 and 10-year survival rates of graft were estimated to be 92, 83, 74.40, 67.10, and 63.50%, respectively. Also, 1, 3, 5, 7 and 10-year survival rates of patients were estimated to be 99.60, 97.30, 95.20, 74.60, and 97.90%, respectively. In all, one-, three-, five-, seven-, and 10-year graft survival is higher in Asia than on any other continent. North America has the lowest graft survival, except for 1-year of graft survival, whereas South America reports lower.

Conclusions: The findings suggest differences in graft and patient survival among children with kidney transplants. Although differences in ethnic origin, incompatibility with deceased donor kidneys, and types of kidney disease are unavoidable, interventions to improve preventive and living-donor transplantation are particularly needed in minority groups. In addition, more research is needed to establish and address the contribution of medical and sociocultural barriers to preferential treatment of these groups.

Keywords: *Kidney transplantation, Survival analysis, Meta-analysis*

Survival Rate of Liver Transplantation in Asia: A Systematic Review and Meta-Analysis

Mousa Ghelichi-Ghojogh*[1], Saeed Golfiroozi[2], Fateme Mohammadizadeh [3], Ehsan Allah Kalteh [4]

1-Assistant Professor of Epidemiology, Metabolic Disorders Research Center, Golestan University of Medical Sciences, Gorgan, Iran.

2-Assistant Professor of Emergency Medicine, Department of Emergency, School of Medicine, Golestan University of Medical Sciences, Gorgan. Iran.

3-Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

4-Infectious Disease Research Center, Golestan University of Medical Sciences, Gorgan, Iran

Correspondence: Mousa Ghelichi-Ghojogh

Address: Golestan University of Medical Sciences, Gorgan, Iran.

Abstract

Introduction: Liver transplantation is one of the most effective treatments for acute liver failure, chronic liver cirrhosis, and hepatocellular carcinoma. This study was implemented to evaluate the survival rate of liver transplant in Asia.

Methods and Materials: Studies that investigated the survival rate of liver transplant were selected using a systematic search strategy in the following databases: Medline, Embase, Scopus, ProQuest, ISI Web of Science, and Cochrane to Nov 30th, 2020 Pooled survival rate and 95% confidence intervals were calculated using Der-Simonian and Laird method, taking into account conceptual heterogeneity. Stata 16.0 (Stata Corp, College Station, TX, USA) was used for analysis.

Results: One, 2, 3, 5, and 10-year survival rates of liver transplant were estimated to be 85%, 80%, 75%, 73%, and 71%, respectively. The results of the univariate meta-regression for defining the sources of heterogeneity for one-Year survival rate (SR) showed significant effects of bias ($\beta_{\text{high risk/ moderate}}$ risk =0.059, 95% CI: 0.002, 0.115, *P-Value*=0.04) and follow up time (β=-0.0002, 95% CI: -0.0003, -0.00, *P-Value*=0.02) on heterogeneity.

Conclusion: The survival rate of liver transplant in Asia is comparable with the corresponding rate reported in the United States and Europe. This study provides a better view of the efficiency of medical cares, regarding liver transplantation. Medical care be enhanced to increase the survival of liver transplant patients.

Keywords: *Liver transplantation; Survival analysis; Meta-analysis; Asia*

Effect of olive oil on Non-Alcoholic Fatty Liver Disease

Aboubakr Jafarnezhad*[1], Fatemeh Jafari[2], Hammed Karami[3]

1-Ph.D. Student in epidemiology, Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran
2-Ph.D. Student in epidemiology, Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran
3-M.Sc. in Epidemiology, Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.
*Ph.D. Student in epidemiology, Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.

Abstract

Background and aims: Non-alcoholic fatty liver disease (NAFLD) is one of the fastest growing liver diseases in which more than 5% of the liver weight is filled with fat .In this study, the effect of olive oil on non-alcoholic fatty liver disease was investigated

Materials and methods: In this systematic review databases include of SID, Web of science, google scholar, Scopus and PubMed (None Alcoholic Fatty Liver Disease {Mesh Terms}) AND (Olive Oiled {Mesh Term s}) was searched from 2015 up to March 2022 and 102 study were found. Finally, we include 20 articles that met our inclusion criteria.

Result: Mechanical studies have proven the beneficial role of olive oil in improving plasma lipids in the treatment of metabolic syndrome. Additional effects of olive oil beyond its monounsaturated-fatty-acid composition relate to its polyphenols. At the end, the consumption of olive oil as a one of the item or within a Mediterranean diet showed a significant inverse relation with TNF-α and vascular cell adhesion molecule-1 serum levels, and boosted glycemic tolerance through increased secretion of GLP-1. The main mechanisms of action of olive oil are a decrease in NF-κB activation, a decrease in LDL oxidation and an improvement in insulin resistance.

Conclusion: It is very hard to diagnose the positive effects of olive oil in vivo. Also, it is very difficult to analyze the effect of olive oil, as a single item in MD apart from other normal constituents of diet such as wine and coffee, in the improvement of LDL protection against oxidation.

Keywords: *Non-Alcoholic Fatty Liver Disease, Olive oil, NAFLD.*

Association Between Vitamin D Status and Breast Cancer; A review Article

Aboubakr Jafarnezhad[1]*, Seyedeh Najmeh Hejazi Fard[2]

1-Ph.D. Student in epidemiology, Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.
2-BSc in Public Health, Deputy of Public Health of Dezful City, Dezful University of Medical Sciences, Dezful, Iran
*Corresponding author: Aboubakr Jafarnezhad, Ph.D. Student in epidemiology, Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran. /

Abstract

Introduction: Vitamin D is a steroid hormone that has various physiologic effects in multiple organ functions in our body mediated by vitamin D receptor. It is estimated that one billion people have vitamin D deficiency worldwide. Researches have shown that vitamin D deficiency is associated with some of diseases, such as Breast cancer. In this study, we review the relationship between vitamin D status with the prevention and progression of Breast cancer.

Materials and methods: in this review articles were search from 2014 up to Nov 2022 and 169 study were found. Databases such as Google scholar, Web of science, Scopus and PubMed was searched for the medical subject headings; (breast cancer {Mesh Terms}) AND (vitamin D {Mesh Terms}) and vitamin D, finally we include 21 articles that met our inclusion criteria.

Results: Vitamin D influences the natural history of cancer. These include the role of vitamin D in the induction of apoptosis, stimulation of cell differentiation, anti-inflammatory and ant proliferative effects and inhibition of angiogenesis, invasion and metastasis. The components of the endocrine signaling system of vitamin D that are definitively expressed in normal human mammary gland include VDR, CYP27B1, CYP24A1 and megalin. The expression of most of these genes is altered in conjunction with the development of breast cancer usually through epigenetic mechanisms.

Conclusion: Higher blood vitamin D status decreases risk of breast cancer so blood Vitamin D levels should be maintained at an adequate level that can be provided through the sun, diet and supplements if needed. Vitamin D levels may be linked to the progression of Breast cancer. Due to insufficient evidence, Vitamin D supplementation as an anti-breast cancer factor is not recommended yet.

Keywords: *Breast Cancer, Vitamin D, Prevention, Treatment.*

Factors affecting sexual satisfaction in women with breast cancer: a review article

Aboubakr Jafarnezhad[*1] Mohebat Vali[2], Zahra Maleki [3], Seyede Samaneh Dehghani[4] ,Yasaman Roostaei[5]

1-Ph.D. Student in epidemiology, Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.
2-Ph.D. Student in epidemiology, Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.
3-Ph.D. Student in epidemiology, Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.
4-PhD Student in Environmental Health Engineering Department of Environmental Health Engineering, School of Health Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.
5-M.Sc. student in epidemiology, Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.

*Corresponding author: Aboubakr Jafarnezhad, Ph.D. Student in epidemiology, Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.

Abstract

Introduction: Marital satisfaction is one of the factors affecting women's health and life satisfaction, which affects the psychological health of couples. From this study, there is a review of factors affecting the level of sexual satisfaction in women suffering from breast cancer.

Search Methods: The present study is a review article that was done in 2022. In this study, the researchers first searched in the Google Scholar search engine and more specifically in Persian databases, Iran medex, Iran Magiran SID and English databases Science of Web Direct, Science Scopus, PubMed. Among the keywords used in this search were breast cancer, sexual satisfaction, marital satisfaction, effective factors and Latin equivalents. Then, the searched articles from 2010 to 2022 were examined. From a total of 235 articles, 18 articles were used for writing.

Results: The results of this study showed that in 11 studies, the type of surgery is effective on marital satisfaction, so that women who had breast conservation surgery had higher sexual satisfaction compared to mastectomy. In 5 studies, it showed that patients under treatment with radiotherapy and chemotherapy had more sexual dysfunction and as a result, more marital dissatisfaction. In 3 studies, marital satisfaction was different before and after breast cancer. Also, there was a significant relationship between age and the degree of marital relationship

after being diagnosed with cancer. In 1 study, it was shown that couples coping strategies with stress are effective in the marital quality of married women suffering from breast cancer. Therefore, considering the positive relationship between a couple's coping with marital quality, as much as couples can cooperate with each other and deal with the stress caused by this disease together, the quality of their marriage will improve. Therefore, considering the positive relationship between a couple's coping with the quality of marriage, as much as a couple can cooperate with each other and deal with the stress caused by this disease together, the quality of their marriage will improve.

Conclusion: According to the studies conducted, it is possible to point out the importance of providing necessary counseling services and training workshops to improve sexual relations and improve the quality of sexual life of these patients.

Keywords: *breast cancer, sexual satisfaction, marital satisfaction*

Trend and Geographical Distribution of Epidemiology indexes of Lip and oral cavity Cancer in Iran: An Ecologic study

Zahra Maleki 1, Yasaman Roostaei 2, Alireza Dehghani 3, Samaneh Dehghani 4, Haleh Ghaem 5, Mohebat Vali 6*

1.Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

2.Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

3.Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

4.Department of Environmental Health Engineering, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

5.Department of Epidemiology, School of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

6.Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Abstract

Background and aims: Non-communicable diseases, including cancer, have emerged in recent years as a global epidemic and one of the leading causes of death worldwide. Several studies have shown that differences in cancer incidence and mortality between different regions are affected by factors such as life expectancy, life expectancy, gross national income (GNI), and access to medical care. Oral cancers are malignant lesions that develop in the oral cavity, including squamous cell carcinoma (SCC), salivary glands, and odontogenic neoplasms. This chronic disease is a public health problem in both developing and developed countries. The burden of oral cancer is high due to the high cost of treatment, permanent injury, and high mortality. The prevalence of oral cancer is high in Asian countries, especially in Southeast Asia. Therefore, this study was conducted to investigate the epidemiology of lip and mouth cancer in Iran from 1990-2019.

Materials and methods: We collected information on the incidence and mortality rate of Lip and oral cavity Cancer in men and women from 1990 to 2019 for age standardize in Iran and 31 provinces of the country from healthdata.org, and then by entering the information into Excel and drawing Trend, we examined the epidemiological situation of the disease.

Results: The overall mortality rate of Lip and oral cavity cancer in Iran in men in 1990 was 0.92 (0.72-1.12) and for women 0.5(0.41-0.58). For 2019, it was 0.8 (0.72-0.89) for men and 0.61(0.55-0.68) for women. The highest death rate in 2019 for men was in Sistan and bluchistan province and the lowest was in North Khorasan province. The highest rate of death in men in

1990 was Kurdistan province and the lowest was in Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad provinces. The highest death rate in 2019 for women was in Sistan and bluchistan province and the lowest was in North Khorasan province. The highest rate of death in women in 1990 was in Tehran province and the lowest was in south Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad provinces. The overall incidence of Lip and oral cavity cancer in Iran in men in 1990 was 1.37(1.08-1.68) and for women 0.79(0.66-0.9) per 100000. For 2019, it was 1.36(1.21-1.52) for men and 1.16(1.05-1.30) for women per 100000. The highest Incidence in 1990 for men was in Tehran and Kurdistan province and the lowest was in Qazvin province. The highest Incidence in men in 2019 was in Sistan and bluchistan province and the lowest was in North Khorasan provinces. The highest Incidence in 1990 for women was in Tehran province and the lowest was in Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad province. The highest Incidence in women in 2019 was in Sistan and bluchistan province and the lowest was in North Khorasan provinces.

Conclusion: Mortality and incidence rates of oral cancer vary in Iran. Mortality and incidence of this cancer are higher in men. Sistan and Baluchestan showed the largest increase in mortality and incidence during 1990-2019. It seems that more attention in terms of education, prevention, and treatment is necessary for some provinces of Iran. It is necessary to conduct studies for better treatment in Iran in order to reduce the incidence and mortality of cancer and to create a suitable platform for studies to determine the causes of increased incidence and mortality in different provinces of Iran.

Keywords: *Epidemiology, Lip Neoplasms, Iran*

The correlation between access to a safe water source and bladder cancer in the Eastern Mediterranean region: An Ecologic study

Mohebat Vali 1, Zahra Maleki 1, Alireza Dehghani 1, Yasaman Roostaei 1, Pouyan Ebrahimi 2, Layla Shojaie 3, Sahar Delavari 4, Ahmad Badeenezhad5, Hossein-Ali Nikbakht 6*

1.Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

2.Student Committee Research, Babol University of Medical Science, Babol, Iran

3.Division of GI/Liver, Department of Medicine, Keck school of Medicine, University of Southern California, Los Angeles, CA, USA.

4.Institute for the Developing Mind, Children's Hospital Los Angeles, Keck School of Medicine, University of Southern California, Los Angeles, CA, USA.

5.Social Determinants of Health Research Center, Health Research Institute, Babol University of Medical Sciences, Babol, Iran.

Abstract

Background and aims: In recent years, cancer has emerged as a global epidemic and among the main causes of death. Bladder cancer is one of the most common cancers of the urinary system, and considering that the priority and severity of the relationship between the occurrence and prevalence of this cancer and the risk factors of access to safe water sources are different in different regions, this study aims to investigate the correlation between access to safe water sources and Bladder cancer in EMRO.

Materials and methods: This research is an ecological study that provides information on age-standardized incidence and mortality rates based on sex for Eastern Mediterranean countries from 1990 to 2019 and the variables No access to hand washing facility, Unsafe sanitation, Unsafe water source, Unsafe water, sanitation, and hand washing were collected from healthdata.org. Then, by entering the information into the MedCalc software, the correlation of the incidence and mortality of this cancer with the mentioned variables was analyzed.

Results: The mean incidence of bladder cancer in women and men was 3.11 and 12.36 per 100 thousand people, respectively. Also, the mean mortality of this cancer in women and men was 2.14 and 6.81 per 100 thousand people, respectively. In women, the correlation between the incidence rate and No access to hand washing facility, Unsafe sanitation, Unsafe water source, Unsafe water, sanitation, and hand washing, respectively (r=-0.32, P-value <0.001), (r=-0.36, P-value <0.001), (r=-0.33, P-value<0.001), (r=-0.29, P-value<0.001). These correlations in

men are (r=-0.47, P-value<0.001), (r=-0.40, P-value<0.001), (r=-0.47, P-value<0.001), (r=-0.41, P-value<0.001). In addition, the correlation of bladder cancer mortality rate with the aforementioned variables in women is (r=-0.15, P-value<0.001), (r=-0.18, P-value<0.001), (r=-0.16, P-value<0.001), (r=-0.11, P-value<0.001) respectively. In men (r=-0.34, P-value<0.001), (r=-0.21, P-value<0.001), (r=-0.30, P-value<0.001) and (r=-0.22, P-value<0.001) was calculated.

Conclusion: In men and women, there was a negative and significant correlation between the incidence rate and No access to hand washing facility, unsafe sanitation, and unsafe water source, and the incidence rate of bladder cancer was found to be related to No access to hand washing facility and unsafe water, sanitation, and hand washing showed the highest correlation. It seems that paying more attention to the mentioned variables in men and increasing the level of awareness of men in relation to access to safe water sources and washing hands leads to the reduction of this cancer.

Keywords: *Epidemiology, bladder cancer, safe water source, EMRO.*

Is the Gini coefficient related to the incidence of non-communicable diseases?

Mohebat Vali[1], Zohreh Shoyukhi[2]

1-Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran
2-Gerash Faculty of Medical Sciences, Gerash, Iran

Abstract

Introduction: Non-communicable diseases disproportionately affect low- and middle-income countries and can have serious socio-economic consequences and hinder social and economic development. Countries with more NCDs are not necessarily poorer, but there is a strong link between poverty and NCDs. In fact, poverty can be closely related to non-communicable diseases, and based on a previous study, it is predicted that the rapid increase in the dimensions of these health problems will hinder poverty reduction plans in low-income countries and communities. Therefore, our purpose of conducting this study is to investigate whether countries with non-communicable diseases are poorer or whether the economic status of countries does not affect the occurrence of non-communicable diseases.

Methods and Materials: This study is an ecological study. We obtained data on the incidence of noncommunicable diseases overall as well as age-standardized cardiovascular disease and diabetes for men and women separately from 1990 to 2019 from the Global Burden of Disease (GBD) website. We collected this information for all countries of the world. Then we collected the information related to the economic status of the countries, Gini Index coefficient - distribution of family income. First, we will report the countries with the greatest changes in the incidence of 2019 compared to 1990, and then Pearson correlation was used to check the correlation between the incidence of non-communicable diseases and the Gini coefficient. Data preparation and analysis was done using Python software. A significance level of 0.05 was considered in all analyses.

Results: In women, the difference in the incidence of cardiovascular diseases between 2019 and 1990 was the lowest in Portugal (-0.389), Germany (-0.374), and Singapore (-0.340), respectively, and the highest in Uzbekistan (0.489), Azerbaijan (0.160), and Zimbabwe (0.116). Regarding diabetes, the most decreasing countries were Singapore (-0.140), Ethiopia (-0.094) and Mexico (0.005) respectively, and the countries with increasing incidence were Luxembourg (1.973), Uzbekistan (1.497) and Ireland (1.448) respectively. In the case of non-communicable diseases, the most decreasing countries include Italy (-0.069), Poland (-0.055), and the United Kingdom (-0.053), and the most increasing countries include Spain (0.069), Greece (0.044), and France (0.043). The correlation between the Gini coefficient with

cardiovascular disease, diabetes and non-communicable diseases in women was respectively (r= 0.229, P.value=0.004), (r=-0.184, P.value=0.022) and (r= 0.024, p.value=0.759).

In men, the difference in the incidence of cardiovascular diseases between 2019 and 1990 was the lowest in Germany (-0.415), Portugal (-0.365), and Georgia (-0.352), respectively, and the highest in Uzbekistan (0.413), Tajikistan (0.152), and Pakistan (0.126). Regarding diabetes, the most decreasing countries were Ethiopia (-0.145), Singapore (0.057) and Japan (0.077) respectively, and the countries with increasing incidence were Luxembourg (2.382), Uruguay (1.730) and Ireland (1.663) respectively. In the case of non-communicable diseases, the most decreasing countries included Poland (-0.047), Colombia (-0.040) and the United Kingdom (-0.028), and the most increasing countries included Spain (0.059), France (0.055), and Greece (0.053). The correlation between the Gini coefficient with cardiovascular disease, diabetes and non-communicable diseases in men was respectively (r= 0.321, P.value≤0.001), (r = -0.216, P.value=0.007) and (r= -0.058, p.value=0.475).

Conclusion: Our study showed that there is a weak direct correlation between Gini coefficient and cardiovascular disease. However, there is a weak and indirect correlation with diabetes, and there is a direct correlation with non-communicable diseases in women and an indirect correlation in men, but it is not significant. Therefore, in general, our study shows that the greater the inequality in the distribution of wealth and income, the greater the cardiovascular disease, but this is the case with reverse diabetes. Our study cannot comment on non-communicable diseases in general. As a result, it seems that the Gini coefficient is effective on heart disease and diabetes, which are considered non-communicable diseases, but it cannot be said about non-communicable diseases in general. However, according to the type of study, it should be taken into consideration that this study is ecological and the ecological fallacy should not be neglected. In addition, the difference in the quality of incidence reports in different countries can be one of the limitations of this study. Also, in our study, we have not examined other economic factors of countries, which can also be examined in future studies.

Key Words: *Gini coefficient, Noncommunicable Diseases, Cardiovascular Diseases, Diabetes Mellitus*

Evaluation of Event Time of Neuropathy in Type 2 Diabetic Patients: Application of Surrogate Endpoints Method

Jamileh Abolghasemi1[1], Mina Motamedi Rad[2], Fahimeh Soheilipour[3], Hamid Reza Baradaran[4], Shahnaz Rimaz[4], Sadegh Kargarian-Marvasti[5]

1-Assistant Professor, Department of Biostatistics, School of Public Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran
2-MSc of Biostatistics, Department of Biostatistics, School of Public Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.
3-Minimally Invasive Surgery Research Center, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran
4-Professor, Department of Epidemiology, School of Public Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran
5-M.Sc. in Epidemiology, General MPH, Faculty of Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Abstract

Introduction: Diabetic neuropathy is the most common complication of diabetes, the effective control of which requires accurate diagnosis of neuropathy on a regular basis. The present study aimed to investigate the factors affecting the event time of neuropathy using the Clayton copula model in type 2 diabetic patients in the presence of a surrogate response variable.

Methods and Materials: The data of all the people whose diabetes test results were negative in the 2006 screening by the health centers in Fereydunshahr, Isfahan, but their diabetes re-tests were positive in 2007, and were at least 30 years of age were collected, and their neuropathy status was followed up for at least 10 years. To investigate the factors affecting the event time of neuropathy in the patients, the Clayton copula model as well as the true variable, ten-point monofilament test and surrogate variable, and Michigan questionnaire including interviews and examinations by a trained physician were used. All the statistical analyzes were performed using the R software (version 3.6.2) and tests were done with an error of 0.05.

Results: Of the total of 371 diabetic patients studied, 114 (30.7%) were male and their mean age was 63.93 (±0.568) years. According to the Clayton copula model, the individuals with a family history of diabetes and Hemoglobin A1c of >=8.1, BMI of >=35, HDL of <54, and under treatment with oral and insulin injections would develop neuropathy more quickly.

Conclusion: In this study, using the survival ROC curve, was shown that the Copula model was more efficient than the surrogate model, so it is suggested that the Copula model be used

to predict the occurrence of neuropathy for patients who do not have access to the monofilament test.

Key words: *Type 2 Diabetes, Neuropathy, Michigan Questionnaire, Monofilament Test, Clayton copula model*

The impact of health literacy in the management of the Covid-19 pandemic

Fazeleh Hemmati1*

1.MSc in Epidemiology, Department of Epidemiology, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran
* Corresponding author: Fazeleh Hemmati

Abstract

Background and aims: With the emergence of the Covid-19 disease and the announcement of its pandemic on March 12, 2020 by the World Health Organization, because at first there was no comprehensive and extensive information about this disease in the hands of people; It caused terror among people of different communities. Several factors play a role in the control and management of the Covid-19 epidemic, one of the most important of which is the promotion of people; health awareness and literacy. Health literacy is an important and effective factor in the management and control of communicable and non-communicable diseases. In fact, it helps people to increase their health literacy about the disease, ways to deal with the disease and how to protect against it. In this study, we discussed the impact of health literacy in the management of the Covid-19 epidemic

Materials and methods:A systematic literature review was conducted for the impact of health literacy on disease management and specifically on the covid-19 disease. Three databases (Scopus, PubMed, Google Scholar) that systematically dealt with studies on the role of health literacy and its application in disease control and public health were reviewed. The results of the included studies were presented in the form of a conference paper in the form of a poster.

Results: After reviewing various studies, we found that health literacy is not only related to the acquisition of information by individuals. In addition to the general public, those who work in the health field should also acquire the necessary information about the disease and the methods of dealing with it, as well as the needs of different people for health care, so that they can have several strategies to control and deal with it Design the disease and transfer it to people. Disease control strategies can be presented face-to-face and virtually in clinical settings and during health education sessions, schools, employees of various professions, or in the community. It should be noted that one of the effective factors in improving people; health literacy is technological advances as well as participation in various health groups in social networks.

Conclusion: Various articles showed that literacy as an important component of health is meaningful on promoting awareness, knowledge, and compliance with health behaviors during the epidemic of COVID-19 as well as increasing public awareness through the media, air and the disease is influential. Based on this and adequate government policies, you should cooperate with some through educational programs in the media and social networks, provide

health information and social and Economic services, and make health literacy a basic skill for epidemic control**.**

Keywords: *Health Literacy, Prevention, Control, Covid-19*

A systematic review of malaria disease and its impact on memory during the years 2000 to 2023

Hossein Zahiri Khomartash[1*]

1-Student Research Committee, Baqiyatallah University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Abstract

Introduction: Malaria is an infectious and contagious disease that is one of the biggest health problems in the world due to its widespread distribution in tropical regions. It is caused by Plasmodium infection, which is transmitted by Anopheles mosquitoes. This disease causes the destruction of red blood cells and causes symptoms such as fever, headache, weakness and decreased energy level and in some cases even death. In addition, some research has shown that malaria can have potential effects on brain activity, and among these effects, we can mention its effects on memory.

Methods and methods: In this article, we sought to collect research on the effects of malaria on human memory. For this purpose, we used scientific databases such as PubMed, ScienceDirect and Google Scholar. Using keywords such as "malaria", "memory" and "human", we collected articles published during the years 2000 to 2023. After reviewing the titles and abstracts, articles that were related to the topic of malaria and memory, finally, 10 articles were selected that included auxiliary data and statistical results and were similar in terms of objectives and input and output criteria.

Results: According to the reviewed articles, malaria can reduce short-term and long-term memory in people. Also, malaria can reduce cognitive abilities such as concentration and attention. Research has shown that these effects can persist even after malaria is treated. Some studies also showed that people who were also infected with malaria did not perform better in memory tests. Also, some studies have shown that malaria can cause a decrease in the volume of the hippocampus and changes in brain activity.

Discussion and conclusion: Therefore, from the results of this article, we can conclude that malaria can have different effects on human memory, but we need more research to confirm this issue. Also, the effects of malaria on memory may be due to the side effects of the drugs used to treat it. Therefore, to reduce the burden of malaria, its prevention and treatment are very important. Therefore, malaria can cause a decrease in memory and cognitive abilities in humans, and the effects of malaria on memory may also be due to the side effects of drugs used to treat it. This is important for people who live in or are exposed to malaria. It is better for people at risk to use malaria prevention methods to avoid this disease.

Keyword*:* *Malaria, human memory, disease effects, cognitive abilities, infection, prevention, neurological effects, Plasmodium*

Intimate Partner Violence During the COVID-19 Pandemic

Parnia Bagheri[1], Yahya Salimi[2], Sanaz zangeneh[3], Parisa Janjani[4], Nader Rajabi-Gilan[5]

1. MSc in epidemiology, Department of Epidemiology, School of Health, Kermanshah University of Medical Sciences.

2. Associate Professor of epidemiology, Department of Epidemiology, School of Health, Kermanshah University of Medical Sciences.

3. Assistant Professor of Midwifery, Student Research Committee, School of Nursing and Midwifery, Isfahan University of Medical Sciences.

4. Assistant Professor of psychology , Cardiovascular Research Center, Health Institute, Kermanshah University of Medical Sciences.

5. MSc in epidemiology, Social Development and Health Promotion Research Center, Health Institute, Kermanshah University of Medical Sciences.

Abstract

Background and Objective: Intimate partner violence (IPV) against women is a crucial and preventable worldwide health issue. The COVID-19 pandemic and its accompanying control measures increased the significant burden of intimate partner violence. The current study investigated intimate partner violence and its related aspects against married women in Kermanshah Province, in the west of Iran.

Methods and Materials: A cross-sectional study was conducted among 426 married women in Kermanshah province. For data collection, a checklist consisting of demographic variables along with sexual violence questionnaire were utilized. Data was collected via an electronic survey during March 2021 and April 2021. Logistic regression was used to estimate the association between sexual violence and related factors.

Results: Most of the participants (63%) and their husbands (73%) were educated. During the COVID-19 pandemic, 110 (25.82%) of the 426 participants stated their husbands had committed sexual violence against them. The results show that a significant association was observed between sexual violence and participants who had a traditional marriage without their consent (P=0.008) and participants who had a traditional marriage without their consent (P<0.001) in contrast to those had a romantic marriage.

Conclusion: These findings will help to improve existing emergency response efforts for women who have been sexually abused. it is necessary to target and work with both men and women to avoid it.

Keywords: *Sexual Behavior*; *Intimate partner violence; Women; COVID-19*

Survival of hospitalized COVID-19 Patients Using the Nested Frailty Model

Nahid Bagheri[1,2], Moghaddameh Mirzaee[1,2]*, Tania Dehesh[1,2], Neda Malek Mohammadi[3,4], Fatemeh Rezaeisharif[5,4], Vajihe Rouhi[6]

1-Modeling in Health Research Center, Institute for Futures Studies in Health, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

2- Department of Biostatistics and Epidemiology, School of Public Health, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

3- Ph.D. Student, Department of Biostatistics and Epidemiology, School of Public Health, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

4-Student Research Committee, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

5- Ph.D. Student of Biostatistics, Department of Biostatistics and Epidemiology, School of Public Health, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

6-Research Center, Kashan University of Medical 6- Social Determinants of Health (SDH) Sciences, Kashan, Iran

***Corresponding Author:** Moghaddameh Mirzaee
Modeling in Health Research Center, Institute for Futures Studies in Health, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

2- Department of Biostatistics and Epidemiology, School of Public Health, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

Abstract

Background: Coronavirus disease is considered a global threat. The disease started with an unknown cause in Wuhan, China and quickly spread worldwide. The aim of this study was to investigate the survival of hospitalized patients in the largest province in southeastern Iran, Kerman.

Methods: In this study, the survival of hospitalized patients was examined using the nested frailty Cox model. The dependent variable was the time of survival of COVID-19 patients, defined as the time from hospital admission to death or the end of the study period. Independent variables included age group, sex, comorbidities, and others. The frequency and percentage of deaths were reported by variables. The hazard factors for death were assessed using hazard ratio and confidence interval.

Results: A total of 5087 individuals participated in the study, of whom 15.2% died due to COVID-19. Among the deceased, 59.9% were male, and 67.4% were in the 41-80 age group. 37.8% of those who died had a fever, and 46.1% had a cough. The hazard of death was 1.35 times higher in men than in women. The hazard of death in the 40-80 age group was 1.59 times higher than in the under 40 age group. Having comorbidities such as cancer and hypertension increased the hazard of death by 1.70 and 1.21 times, respectively.

Conclusions: Special care and treatment services should be provided to elderly individuals and those with comorbidities such as cancer and hypertension. Necessary education about the symptoms of the disease should also be given to individuals.

Keywords: *Survival analysis, COVID-19, Nested frailty Cox model*

Knowledge, Attitude, and Practice of Staff about the New Population Policies in Family Health Services Units of Kashan – 2020

Vajihe Rouhi[1], Seyed Alireza Moravveji[2], Neda Malek Mohammadi[3], Marzieh Sadat Naghvi[2], Zohra Nejatzadegan[4], Nahid Bagheri[5]

1-Social Determinants of Health (SDH) Research Center, Kashan University of Medical Sciences, Kashan, Iran
2-Department of Community Medicine, Kashan University of Medical Sciences, Kashan, Iran
3-Ph.D. Student of epidemiology, Department of Biostatistics and Epidemiology, School of Public Health, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

4-Ph.D. of Institute for Futures Studies in Health, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran
5-Modeling in Health Research Center, Institute for Futures Studies in Health, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

Abstract

Background: Population policies delineate policies in which they keep the population rate appropriate and stabilize the age pyramid of the population, and avoid negative growth, irregular increase, and imbalance of the population. During the last twenty years, Iran experienced the fastest decrease in population growth in the world. Therefore, the present population policies, try to avoid population reduction. The present study is to evaluate the knowledge, attitude, and performance level of staff in units of family health services in Kashan about new population policies in 2015.

Materials and methods: This cross-sectional study was carried out on the health personnel of Kashan in 2015. Three hundred staff participated in the study. Knowledge, attitude, and performance of all personnel were evaluated via questionnaires distributed and completed in periodic teaching sessions. Data was collected and admitted in EPIINFO software, then analyzed by SPSS software. Central and deviation indices were used to describe quantitative variables. Charts and graphs were used to demonstrate qualitative variables T-test, chi-square, one-way analysis of variance, and Dunnett T3 post hoc tests were also applied.

Results: On average, the score of subjects were 4/03 -/+1.35 (maximum 12) in knowledge rank, 142/93-/+ 18/31 (maximum 220) in attitude rank, 3/2-/+1/2(maximum 7) in performance level. The knowledge level of personnel was less than %50 and the attitude level was evaluated between 50 to 75. The knowledge level of all personnel assessed was approximately the same. Whereas staff inhabited in urban area had a better attitude. As well, two groups of midwives

and experts had better attitudes and performance. Employees with less work experience also had a more favorable attitude.

Conclusion: Despite the low level of knowledge about new population policies, staff had a desirable attitude and performance in this regard. The higher attitude was significantly associated with working in urban areas, working as a midwife or expert, and having lower experience.

Keywords: *Population policies, negative growth of population, staff in units of family health services in Kashan*

Investigating the relationship between mobile phone addiction and mental health among medical students in Kerman in the post-Corona era

Neda Malek Mohammadi 1,2, Fatemeh Rezaeisharif 3,2, Hamideh Taheri Olyayie 4,2, Nahid Bagheri 5,2, Vajihe Rouhi 6,2, Ali Chtrouz 7

1-Ph.D. Student of epidemiology, Department of Biostatistics and Epidemiology, School of Public Health, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran
2-Student Research Committee, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran
3-Ph.D. Student of Biostatistics, Department of Biostatistics and Epidemiology, School of Public Health, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran
4-Ph.D. Student, Department of Anatomy, Faculty of Medicine, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran
5-Modeling in Health Research Center, Institute for Futures Studies in Health, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

6-Social Determinants of Health (SDH) Research Center, Kashan University of Medical Sciences, Kashan, Iran
7-Ph.D. of Msc, school of Nursing and midwifery, Busher University of Medical Science, Bushehr, Iran

Abstract

Introduction: One of the phenomena that has changed human life in the 20th century and continues to grow is the smartphone. In general, throughout the world, mobile phones play an important role in relationships, and since its appearance, the question has arisen whether its excessive use can lead to addiction or not. Addiction to using a mobile phone is characterized by a lot of use and mental preoccupation with the mobile phone. One of the harms of cell phone addiction is harm to mental health (depression, anxiety, and sleep disorder). Young people's mental health, as a driving force and an active society, is one of the significant issues that should be discussed. Therefore, the aim of the current study was to examine the relationship between mobile phone addiction and mental health among medical students in Kerman in the post-Corona era in 1402.

Method and materials: This cross-sectional study was conducted on the students of Kerman University of Medical Sciences in 2023. The sample size included 365 students in all academic levels who were selected by stratified sampling. The data collection tool included two questionnaires, the General Health Questionnaire (GHQ) and mobile phone addiction. Logistic regression was used to determine variables affecting mental health. A significance level of 0.05 was considered. Analysis was done using SPSS software.

Results: Out of 365 participants, 61.4% were women. Most students were in bachelor's degree (60.8%). The majority of participants (71.8%) lived in the dormitory. The prevalence of cell phone addiction and poor mental health was 46.6% and 59.2% respectively. The factors influencing mental health were cell phone addiction (OR=0.49; 95% CI=0.32, 0.76) and social support (OR=1.04; 95% CI=1.02, 1.06).

Conclusion: There is a significant relationship between mental health and phone addiction. Prevention of complications and risks caused by mobile phone addiction is necessary and requires counseling and behavioral planning among vulnerable students.

Keywords: *Mobile phone addiction, Mental health, Students*

A Phenomenological Study of Management Measures in the Face of Covid-19 Epidemic

Razyeh Bajoulvand[1], Ahmad Ahmadi Teymourlouy[1], Mohammad Hasan Imani-Nasab[2]

1-Department of Health Services Management, School of Health Management and Information Sciences, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

2-Social Determinants of Health Research Center, Lorestan University of Medical Sciences, Khorramabad, Iran

Abstract

Background and aims: Covid-19 is the third coronavirus pandemic of the 21st century after Severe Acute Respiratory Syndrome (SARS) and Middle East Respiratory Syndrome (MERS). In addition to human health, this disease also affected the economic, social and political sectors of the world. Obviously, the management of this disease requires special strategies. The aim of the present study was explaining Management Measures in the Face of Covid-19 Epidemic at the Referral Center in Lorestan Province.

Materials and methods: In this study, a qualitative method with a phenomenological approach was used. A semi-structured in-depth interview was conducted with the top, middle and front line managers of the referral center for Covid-19 patients in Lorestan province, who were purposefully selected, using a semi-structured guide. In inclusion Criterion was key informants who have worked at least six months in one of the management positions of the referral center for Covid-19 patients in Lorestan province were included in the study. The validity of the data was confirmed by sending the transcripts of the interviews to the study participants to confirm their accuracy. The framework analysis method was used.

Results: Using the health systems framework of the World Health Organization, there were six themes including service delivery, health workforce, health information systems, access to essential medicines, financing and leadership, which 32 subthemes and 100 Codes were extracted in the field of management measures taken in the face of the epidemic of Covid-19 in the referral center of Lorestan province.

Conclusion: The current study describes a clear and comprehensive understanding of the management measures taken in the face of the Covid-19 epidemic from the perspective of top, middle and front line managers. The managers of this medical training center can use the results of this study in designing a checklist to evaluate the hospital's preparedness to face an epidemic of respiratory diseases or other emergencies and disasters.

Keywords: *Covid-19, hospital, phenomenological study*

Association between dietary intake of choline and betaine with metabolic health status in overweight and obese adolescents

Donya Poursalehi[1,2], Parvane Saneei[2]

1-Students' Scientific Research Center, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran.
2-Department of Community Nutrition, School of Nutrition and Food Science, Nutrition and Food Security Research Center, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran

Abstract

Introduction: Data regarding the association of dietary intake of choline and betaine with metabolic health status of adolescents is scarce. Thus, we investigated the relation between dietary intake of choline and betaine with metabolic health status in a sample of Iranian adolescents with overweight and obesity.

Methods and Materials: 203 overweight/obese adolescents were included in this cross-sectional study, using a multistage cluster random-sampling approach. Dietary intakes of participants were evaluated using a validated food frequency questionnaire. Metabolic factors and anthropometric indices were collected. Participants were categorized as metabolically healthy obese (MHO) or unhealthy obese (MUO) based on International Diabetes Federation (IDF) and IDF/Homeostasis Model Assessment Insulin Resistance (HOMA-IR) criteria.

Results: Mean age of adolescents was 13.98±1.61 y and 50.2% of them was girls. Participants with the highest dietary intake of choline had lower odds of MUO (Fully-adjusted $OR_{T3\ vs.\ T1}$: 0.33; 95%CI: 0.13-0.85) according to IDF criteria. An inverse association was also observed between the highest tertile of choline intake and odds of MUO (Fully-adjusted $OR_{T3\ vs.\ T1}$: 0.31; 95% CI: 0.11-0.86) considering IDF/HOMA-IR criteria. However, no significant association was found between dietary intake of betaine and odds of MUO neither based on IDF (Fully-adjusted $OR_{T3\ vs.\ T1}$: 1.26; 95% CI: 0.45-3.52) nor IDF/HOMA-IR (Fully-adjusted $OR_{T3\ vs.\ T1}$: 2.21; 95% CI: 0.74-6.57) criteria.

Conclusion: We found that higher dietary intake of choline but not betaine was associated with lower odds of metabolically unhealthy status in overweight and obese adolescents. Further studies are needed to confirm the findings.

Keywords: *Choline, Betaine, Obesity, Metabolic health status, Adolescents*

Challenges and harms of addiction in society; A review article

Razyeh Bajoulvand[1], Mohammadreza Ramezanlou[2], Aboubakr Jafarnezhad[3]

1-Social Determinants of Health Research Center, Lorestan University of Medical Sciences, Khorramabad, Iran.

2-School of Medicine, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

3-Ph.D. Student in epidemiology, Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.

Abstract

Background and aims: Addiction is one of the most serious and popular challenges in today's societies, and Iran also suffers from this problem. This article is prepared with the aim of investigating the harms of addiction in Iranian society. In this review research, the challenges and injuries caused by children's addiction were discussed.

Materials and methods: In this review, using appropriate keywords, a search was made in scientific databases and databases including Google Scholar, Magiran, SID, Iranmedex, and Irandoc. Studies published in Persian and Latin databases with the keywords: "addiction", "challenges of addiction", "addiction damage", "drugs", "challenge and damage of drugs" and their Latin equivalent according to the principles of Mesh terms and combining synonyms with AND operators., "OR", "NOT" were selected in The period between 2021 and 2023 was chosen. After reviewing and evaluating the titles and abstracts, 15 studies were selected for review out of 40 studies.

Results: By analyzing the reviewed references, the results of the studies showed that after drug addiction, complications and destructive effects are imposed on individuals, families and on a wide level of society. Interpersonal relations, decrease in academic and job performance, increase in crime in the society, physical and mental health problems of people and creation of economic and social problems.

Conclusion: Considering the widespread damage caused by addiction in Iranian society, serious and constructive solutions should be adopted in order to reduce this problem. Improving public awareness about addiction and its benefits, providing adequate medical and psychological services for affected individuals and families, developing prevention programs and improving the level of social and economic life of the society are among the effective methods to reduce the harms of addiction in Iranian society.

Keywords: *addiction, harms caused by addiction, drug challenge, and review article*

Adherence to the Mediterranean diet and risk of frailty and pre-frailty in elderly adults: A systematic review and dose-response meta-analysis with GRADE assessment

Donya Poursalehi[1,2], Keyhan Lotfi[3,4], Parvane Saneei[2]

1-Students' Research Committee, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran
2-Department of Community Nutrition, School of Nutrition and Food Science, Nutrition and Food Security Research Center, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran
3-Department of Community Nutrition, School of Nutritional Sciences and Dietetics, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran
4-Students' Scientific Research Center, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Abstract

Introduction: Several studies have explored the association between Mediterranean diet and frailty, but reported inconsistent results. This systematic review and dose-response meta-analysis summarized the existing evidence on the relationship between Mediterranean diet and risk of frailty and pre-frailty in elderly adults.

Methods and Materials: A systematic search on MEDLINE (PubMed), Scopus, Institute for Scientific Information (ISI) Web of Science and Google Scholar was conducted up to January 2023. Study selection and data extraction were performed by two reviewers working in parallel. Epidemiologic studies reporting relative risks (RRs) or odds ratios (ORs) with 95% confidence intervals (CIs) for frailty/pre-frailty in relation to Mediterranean diet (as a priori dietary pattern) were considered. The overall effect size was determined using a random effects model. The body of evidence was assessed by the GRADE approach.

Results: A total of 19 studies (12 cohorts and 7 cross-sectionals) were included. In cohort studies (89,608 participants/ 12,866 cases), the highest versus lowest category of Mediterranean diet was inversely associated with frailty (RR: 0.66; 95%CI: 0.55, 0.78; I^2:52.4%, $P_{Q\text{-test}}$=0.02). This association was also significant in cross-sectional studies with 1,093 cases among 13,581 participants (OR: 0.44; 95%CI: 0.28, 0.70; I^2:81.8%, $P_{Q\text{-test}}$<0.001). Moreover, each 2-point increase in Mediterranean diet score was related to decreased risk of frailty in cohort (RR: 0.86; 95%CI: 0.80, 0.93) and cross-sectional (OR: 0.79; 95%CI: 0.65, 0.95) studies. Nonlinear association showed a decreasing slope in curve, sharper at high scores for cohort studies and a steadily reduction for cross-sectional studies. The certainty of the evidence was graded as high in both cohort and cross-sectional studies. Combining 4 effect sizes of 4 studies (12,745 participants/ 4,363 cases), the highest adherence to Mediterranean

diet was linked to a lower risk of pre-frailty, as well (pooled OR: 0.73; 95%CI: 0.61, 0.86; I^2:40.9%, $P_{Q\text{-}test}$=0.17).

Conclusion: Adherence to Mediterranean diet is inversely associated with risk of frailty and pre-frailty in older adults and thus, has a considerable impact on health of this population.

Keywords: *Frailty; Mediterranean diet; Meta-analysis; Cohort studies; Epidemiologic studies*

Association between methyl donor B-vitamins and metabolic health status in overweight and obese adolescents

Donya Poursalehi[1,2], Parvane Saneei[2]

1-Students' Scientific Research Center, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran.
2-Department of Community Nutrition, School of Nutrition and Food Science, Nutrition and Food Security Research Center, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran

Abstract

Introduction: There is Limited evidence on the association of methyl donor B-vitamins and metabolic health status of adolescents. Therefore, we investigated the relation between dietary intake of vitamins B2, B6, B9 and B12 with metabolic health status of overweight and obese Iranian adolescents.

Methods and Materials: In this cross-sectional study, 203 overweight/obese adolescents were included, using a multistage cluster random-sampling method. A validated food frequency questionnaire was applied to assess dietary intakes of individuals. Glycemic and lipid profile, blood pressure and anthropometric indices were collected. Participants were classified as metabolically healthy obese (MHO) or unhealthy obese (MUO) based on International Diabetes Federation (IDF) and IDF/Homeostasis Model Assessment Insulin Resistance (HOMA-IR) definitions.

Results: Mean age of adolescents was 13.98±1.61 y and 50.2% of them was girls. According to IDF criteria, individuals with highest dietary intake of vitamins B2 (Fully adjusted $OR_{T3\ vs.\ T1}$: 0.24; 95%CI: 0.08-0.76) and B12 (Fully adjusted $OR_{T3\ vs.\ T1}$: 0.22; 95%CI: 0.08-0.63) had lower odds of MUO. However, there were no significant associations between dietary intake of vitamins B6 (Fully adjusted $OR_{T3\ vs.\ T1}$: 0.91; 95%CI: 0.35-2.32) and B9 (Fully adjusted $OR_{T3\ vs.\ T1}$: 0.63; 95%CI: 0.24-1.63) with MUO, with regarding this criteria. Considering IDF/HOMA-IR criteria, an inverse significant association was only observed between the highest tertile of vitamin B12 intake (Fully adjusted $OR_{T3\ vs.\ T1}$: 0.24; 95% CI: 0.08-.71) and odds of MUO. This association was not significant relation to dietary intake of vitamins B2 (Fully adjusted $OR_{T3\ vs.\ T1}$: 0.32; 95%CI: 0.10-1.05), B6 (Fully adjusted $OR_{T3\ vs.\ T1}$: 1.25; 95%CI: 0.47-3.33), and B9 (Fully adjusted $OR_{T3\ vs.\ T1}$: 0.63; 95%CI: 0.23-1.73), according to this definition.

Conclusion: We found that overweight/obese adolescents with higher dietary intake of vitamins B2 and B12 were less likely to be metabolically unhealthy. Further studies are needed to confirm the findings.

Keywords: *Vitamin B group, Obesity, Metabolic health status, Adolescents*

Second-hand smoke and parents: a challenge facing students! Exploring exposure to second-hand smoke among parents of second -secondary students of Zahedan city in 2022

Farzaneh Vakili[1], Mehdi Tabatabai[2], Mehdi Mohammadi[3], Alireza Salimi Khorashad[4], Fatemeh Limoparvar[1]*

1_ Master of Epidemiology, Department of Statistics and Epidemiology, Student Research and Technology Committee, Zahedan University of Medical Sciences, Iran

2_Associate Professor of Epidemiology, Department of Biostatistics and Epidemiology, School of Health, Health Promotion Research Center, Zahedan University of Medical Sciences,Zahedan,Iran

3- Professor of Biostatistics, Department of Biostatistics and Epidemiology, School of Health, Health Promotion Research Center, Zahedan University of Medical Sciences

4_ Associate Professor of Medical Mycology, Department of Parasitology and Mycology, School of Medicine, Infectious Diseases and Tropical Medicine Research Center, Research Institute of Cellular and Molecular Sciences in Infectious Diseases, Zahedan University of Medical Sciences

* Corresponding author: Master of Epidemiology, Department of Statistics and Epidemiology, Student and Technology Education Committee, Zahedan University of Medical Sciences, Iran

Abstract

Introduction: exposure to second-hand smoke facilitates the occurrence of heart diseases, cancer and other diseases, the aim of this study is to determine the amount of exposure to second-hand tobacco smoke (SHS) and related factors among high school students in Zahedan city, Iran in 2022

Materials and methods: This cross-sectional study was conducted in 2022 included the data on a sample of 640 high school students in Zahedan, southeast of Iran. A checklist adapted from the Global Youth Tobacco Survey (GYTS) questionnaire was used for data collection. Statistical analysis was performed using SPSS version 22 software by appropriate statistical tests and multivariate logistic regression.

Results: In the present study, a total of 640 students with an average age of 17.00 ± 0.77 years were investigated, 58.4% of the students were exposed to second hand smoke, 8.4% of the students smoked cigarettes and 27.3% smoked Hookah was reported by both mother and father. ,the type of house and place of residence were not related to exposure to second-hand smoke.

Exposure to second-hand smoke had a significant relationship with mother's lower education. The most important predictors of exposure to second-hand smoke based on the multiple logistic regression model were parental smoking history and mother's illiteracy (P<0.05).

conclusion: Exposure to tobacco smoke is relatively high among adolescents in Zahedan city, and it seems that parents' literacy level and parents' economic status and occupation are involved in the level of exposure.

Keywords*: second-hand smoke, teenagers, cigarettes*

Investigation of body mass index (BMI) status of relapsing-remitting MS patients in Ahvaz City in the spring of 1402

Faezeh Moeini Badi[1*] , Fatemeh Borazjani[2]

1. M.Sc. Student, Student Research Committee, School of Allied Medical Sciences, Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences, Ahvaz, Iran.

2. Assistant Professor, Nutrition and Metabolic Diseases Research Center and Clinical Sciences Research Institute, Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences, Ahvaz, Iran.

Abstract

Introduction: Multiple sclerosis (MS) is a chronic inflammatory and autoimmune disease that affects the nervous system. (1). Among the Middle East countries, the prevalence of MS in the Iranian population is high (2). In most cases, multiple sclerosis starts with a relapsing-remitting phase (RRMS) and is followed by a secondary progressive phase that occurs between 5 to 35 years later. (3-5). BMI is considered a measure of tissue mass, and it has been found to have an impact on a few neurodegenerative diseases (6, 7). Some studies suggest a relationship between BMI and MS risk (8, 9).

Methods and Materials: The present study was a descriptive study on RRMS patients referred to the Ahvaz MS Association in the spring of 1402. The data collection tool was a checklist made by the researcher in which the demographic characteristics of MS patients were recorded their height (cm) and weight (kg) and body mass index (BMI) was calculated. According to the World Health Organization's body mass index standards, below 18.5 is underweight 18.5-24.99 is normal, 25-29.99 is pre-obese, and above 30 is obesity. Statistical analysis of the data was done in terms of frequency/percentage using SPSS software version 26.

Results: The study involved 89 individuals with multiple sclerosis, consisting of 35 men and 54 women. The average age of the men was 38.00 ± 1.67 years and the average age of the women was 39.15 ± 1.10 years. The average body mass index (BMI) of the group was 25.71 ± 4.40. Of the participants, 3 had a BMI ≤18.5, 36 had a BMI between (18.5- 24.99), 40 had a BMI between (25- 29.99), and 10 had a BMI ≥30. The patients had an average height of 165.41 ± 20.04 cm and an average weight of 72.06 ± 16.93 kg.

Conclusion: MS patients are in a high degree of overweight and it is necessary to design and implement effective interventions to prevent and control this problem.

Keywords: *Multiple Sclerosis, BMI, Descriptive, Height, Weight*

Incomplete treatment of a twin infant with severe complications of neonatal hypothyroidism

Amiri M[1], Naderi lordejani M[1], Moradi B[1]

1- Department of Disease Management, Health Department, Shahrekord University of Medical Science

Abstract

Background and Purpose: Congenital hypothyroidism is one of the most common endocrine diseases of children and one of the most important preventable causes of mental retardation. Early diagnosis and treatment of hypothyroidism is essential in preventing mental retardation. The purpose of the present study was to report the incomplete treatment of a twin neonate with severe complications of neonatal hypothyroidism.

Materials and methods: The above research is a descriptive study of the type of case report, which aims to report the incomplete treatment of a twin baby with severe complications of neonatal hypothyroidism in Lordegan city. The information of twins was analyzed during a 2-year period using laboratory indicators including TSH and T4.

Results: Pregnant neonates born with cesarean delivery. Twin babies were sampled according to the national guidelines for screening for congenital hypothyroidism on day 3-5 of birth. One infant with TSH: 0.6 as healthy but another infant with foot screening with TSH: 5.5 as a suspected neonate was recalled and positive for serum diagnostic tests (TSH: 16.5, and T4: 8.5). CH (Congenital Hypothyroidism) was diagnosed with congenital hypothyroidism and was treated with levothyroxine tablets, which unfortunately the patient's family due to negligent care of this infant for inadequate medication use. It delayed the baby's growth

Conclusion: Timely screening of newborns can lead to early detection of the disease, timely and appropriate treatment and prevention of mental retardation and minimize the chance of complications. It also plays a vital role in preventing the loss of human and financial resources to patients, their families, and the community. The goal of treatment is to achieve optimal metabolic control as soon as possible and to prevent complications.

Key words: *Incomplete treatment, neonatal hypothyroidism, twin infants*

Investigation of the risk factors of Malt fever in Chaharmahal and Bakhtiari province in 2014-2018

Amiri M[1], Moradi B[1]

1- Department of Disease Management, Vice-Chancellor of Health, Shahrekord University of Medical Sciences

Abstract

Background and Purpose: Brucellosis disease is considered as one of the most important common diseases of humans and animals. This disease is the cause of fetal abortion in livestock, and human disease is always considered from two economic and health aspects. Therefore, in the present study, we investigated the risk factors of Maltese fever in Chaharmahal and Bakhtiari provinces.

Materials and methods: The above research is a cross-sectional descriptive study in order to investigate the risk factors of Maltese fever in Chaharmahal and Bakhtiari province during 2017-2018. The data were analyzed during a 5-year period from patients with Malt fever using SPSS v.22 software by descriptive statistics and T-test with a significance level of 0.05.

Findings: According to the findings of this research, the number of patients examined was 956, of which 596 were men (62.3) and 360 were women (37.7), of which 91.9% had a history of consuming unpasteurized dairy products. they had. 68.5% are village residents. which indicates that people in the village are more exposed to Malt fever than people living in the city. 77.6% of patients had a history of contact with animals. 66.9% of patients had a history of consuming milk, cheese, cream and ice cream. 18.9% of other family members were diagnosed with the disease. 94.1% of patients were diagnosed as new cases of the disease and 5.9% were diagnosed as failure and recurrence of the disease. 8.7% of patients had complications and 10.4% had a history of hospitalization. No significant relationship was found between age and hospitalization history (P>0.05) and no significant relationship was found between age and disease complications (P>0.05).

Conclusion: The results of this study showed that due to the fact that most of the cases of infection live in the village and also the cattle breeders are at risk of contracting this disease, so to prevent this disease and prevent damage It is necessary to carry out an educational intervention for this group, interdepartmental coordination of the veterinary network with health care centers to carry out animal vaccination.

Key words: *Risk factors, Malt fever disease, Chaharmahal and Bakhtiari*

Incidence of Breast and Cervical intraepithelial Lesions: Results of a Screening Program for Women

Mohhamad Khazaeli [1], Azimeh Ghaderi[2]

1) General Practitioner, Esfahan University of Medical Sciences, Esfahan Iran
2) Esfahan Health Services Center, Esfahan University of Medical Sciences, Esfahan, Iran

Abstract

Background: and Objective: Breast cancer is a malignant lesion caused by abnormal changes and growth in breast tissue epithelial cells, including glands, lobules, and larynx. Therefore, the current study's objective was to estimate the incidence of breast and cervical intraepithelial lesions in Iran.

Methods: This study was based on results from a screening program implemented in the province of Isfahan, Iran.Methods: Two stages of cancer screening were performed in the study on over 290000 women in 2022.

Results: As a result of this study, it was determined that in 2022, there was an incidence of 486 benign breast tumors per 100 000 women (95% CI: 393-450). Also, the incidence of breast cancer was 73(95% CI: 59-84) per 100 000 women, and that of Cervical intraepithelial lesions was 54 (95% CI: 34-73) per 100 000 women in 2022.

Conclusions: This study revealed that breast cancer and cervical intraepithelial lesions are increasing in Isfahan province. Moreover, it was found that screening for these two cancers leads to early detection of patients, which results in early treatment and an increase in the 5-years survival rate in these patients.

Legal entity responsible for the study: The authors would like to thank all personnel of Isfahan Health Centers.

Funding: None.

Disclosure: authors have declared no conflicts of intcrest

Keywords: *Breast, Cervix, Incidence, Screening*

Investigating the impact of the Covid-19 pandemic on the vaccination coverage of children under 6 years old in Qom province

Leila Najafi[1], Zeinab Khaledian[2] , Abolfazl Mohammadbeigi[3], Hengameh Beidokhti[4], Zohreh Mohseni[5]

Leila Najafi Assistant professor, Department of Health Care Management, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

2- Zeinab Khaledian ، Department of Health Care Management and Economics ،School of Public Health ، Tehran University of Medical Sciences، Tehran ، Iran

Department of Management ، School of Medical Sciences، Semnan Branch ، Islamic Azad Univercity ، Semnan، Iran.

3- Abolfazl Mohammadbeigi, Professor of Epidemiology, Department of Epidemiology and Biostatistics, Qom University of Medical Sciences, Qom, Iran.

4- Hengameh beidokhty Faculty of midwifery، Semnan Branch ، Islamic Azad University ، Semnan، Iran.

5- Zohreh Mohseni, Master of Science in Health Care Management, Department of Health Care Management, Semnan Branch ، Islamic Azad University، Semnan Iran.

Abstract

Introduction: With starting of the sars-cov-2 (Covid-19) disease in the world, routine vaccination of people has become too important challenge, especially children. The present study was designed and implemented to comparing the vaccination coverage of MMR1 and MMR2 in 12 and 18 months-old in Qom province in two time periods before and after the covid-19 pandemic.

Methods and Materials: The present study is of quantitative type and cross-sectional descriptive analytical in applied type. Vaccination coverage data in 1398 and 1399 (before starting and during of the epidemic) was extracted based on the information of children's documents in the Sib database. Data analysis was conducted in SPSS software by paired t-tests, Wilcoxon, independent t, Mann-Whitney, one-way analysis of variance, Kruskal-Wallis and Spearman's correlation tests. The significance level of the tests was considered less than 0.05.

Results: The mean of delay in the first (MMR1) and second (MMR2) doses of measles vaccine was estimated 14.48±26.95 and 20.67±28.74 days, respectively. Measles vaccination coverage decreased from 87.6% before the Covid-19 pandemic to 74.7% during the pandemic that showed decrease in vaccination coverage and 12.4% falure after starting pandemic.

Conclusion: The Covid-19 pandemic has probably is effective on reduction of vaccination coverage and increased the delay time of receiving the vaccine in vaccinated children increased. Therefore, our results are useful for use or planning in the next and future pandemics, by designing appropriate interventions to promote and expand routine immunization coverage and provide safe vaccination services for children will be given more attention.

Key Words: *Covid-19 pandemic, Vaccination coverage, Immunization, vaccination delay, children*

HSV2 virus and its risk factors

Masoud Lahouty1, Fatemeh Ramzi2, Amin abbasi3, Zahra Gahvechi Amiri2, Mohadeseh Ramzi4

1-Department of Microbiology, Faculty of Medicine, Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran

2- Department of parasitology, Faculty of Medicine, Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran

3-Department of Food Science and Technology, Faculty of Nutrition Science and Food Technology, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

4- Department of Microbiology, Faculty of Medicine, Azad Ardabil University of Sciences, Ardabil, Iran

Introduction: One of the most common diseases in the world today is sexually transmitted diseases (STDs), which are divided into two categories, curable and incurable, among which one of the incurable factors can be called Human Herpes Virus2 (HSV2). Can be said that after the HPV virus, the genital herpes virus (HSV2) is the second most common viral genital disease. This virus is the cause of herpes and vesicular lesions. The purpose of this study is to investigate the risk factors of contracting this virus.

Materials and methods: To study the keywords of sexually transmitted diseases (STD), human herpes virus, risk factors of HSV2 and genital herpes from the databases including Pubmed, Google schular and Sid.ir from 2015 to 2023, which were finally used Among the articles, 20 articles were selected, studied and comprehensively analyzed.

Results: This virus creates an infection known as latent infection that affects the patient for the whole life, so that if the patient is under conditions such as stress, sun rays, UV rays, or if the immune system of the person is suppressed or weakened, the latent virus is activated and As before, it causes disease. In relation to the transmission of the virus, people who have a weak immune system, in sexual relations, only by having skin contact during sex, the transmission of HSV2 from an infected person is very likely and causes herpes and genital lesions. One of the most important ways of transmission of this virus in healthy people in terms of physical immunity is oral sex with an infected person, the probability of transmission of the virus is over 80%, and studies have shown that 40% of genital warts are caused by Oral herpes virus (HSV1) is transmitted during oral sex. People with genital warts carry the virus in infected tissues, which they can transmit to their partners during sexual intercourse. It has been proven that in women with genital warts and simultaneous infection with HPV virus, the possibility of cervical canc is greatly increased.

Conclusion: People infected with the HSV2 virus should visit a doctor for further investigations, treatment and prevention of virus transmission, and should avoid any manipulation of the lesions and refrain from sexual contact. One of the effective drugs that can be used is acyclovir, which is a viral polymerase inhibitor.

Keywords: Sexually transmitted diseases (STD), human herpes virus (HSV2), cold sores.

The current epidemiology of malaria in Iran based on the factors involved in the re-emergence of the disease

Fatemeh Ramzi [1], Masoud Lahouty[2], Amin abbasi[3], Zahra Gahvechi Amiri[1], Mohadeseh Ramzi[4]

1-Department of parasitology, Faculty of Medicine, Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran
2-Department of Microbiology, Faculty of Medicine, Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran
3-Department of Food Science and Technology, Faculty of Nutrition Science and Food Technology, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran
4-Department of Microbiology, Faculty of Medicine, Azad Ardabil University of Sciences, Ardabil, Iran

Abstract

Introduction: Malaria is one of the most important causes of death caused by the anthroponosis parasitic protozoan infection of the region through mosquitoes all over the world, especially in tropical and subtropical regions, which imposes a significant health burden on the human population in endemic regions. Due to the complex interactions between humans, mosquitoes, the biological interaction of the parasite and coordination with the human pathophysiological response, disease transmission and control is always complex and dynamic. Therefore, achieving the control and elimination of malaria requires proper and accurate determination of Plasmodium infection, studying the current epidemiology of the disease in the target area, eliminating the vectors and differentiating parasite species with the capacity of rapid and timely screening for elimination is increasingly important.

Materials and methods: In this study, a comprehensive search was conducted in PubMed, Google Scholar and SRID using the following keywords: epidemiology, malaria, Iran, immigrants, Plasmodium sp, climate changes, carriers, Anopheles mosquito.

Results: The current study was carried out with the aim of investigating the current epidemiology of malaria in Iran and the underlying factors behind the re-emergence of the disease. During the last decade, the Iranian government has achieved rapid and targeted achievements in the field of malaria control, elimination and eradication. According to the report of the World Health Organization, during the years 2018, 1019 and 2020, no endemic malaria cases were reported from Iran. During the last two years (2021-2023), new reports indicate that imported malaria is increasing in some places located in the southeast of the country, namely Hormozgan, Kerman, Sistan and Baluchistan, Bushehr and the northern region of Zagros and West. It accounts for more than 80% of the reported malaria cases in Iran, which is considered a serious threat to healthy populations. In recent years, the most imported malaria

species reported from endemic areas of Iran are related to P. vivax, P. falciparum, P. ovale, and P. malariae. About 30 species of female Anopheles mosquitoes are involved in the transmission of malaria infection in Iran. The country of Iran in the Eastern Mediterranean region is still in danger of the reappearance of this disease due to its neighborhood with malaria endemic countries including Afghanistan and Pakistan. The conflicts and instability of the Afghan government, migration of asylum seekers and unmarked carriers to bordering countries, floods in Pakistan, climate changes, rainfall patterns, temperature increase also through the effect on the growth and proliferation of carriers and the increase of suitable habitats for Female Anopheles mosquitoes, non-implementation of elimination programs and lack of vector control in malaria-endemic countries bordering Iran can be one of the main reasons for the failure of the malaria elimination program in Iran; which has caused re-infection to non-immune communities in cleared areas, or even in areas where no cases of malaria have been reported before, can be considered a serious threat. Therefore, it is considered that the epidemiology of malaria in Iran is dynamic and mostly imported. Even despite the low prevalence of this disease in Iran, it is considered as a health problem in the southeastern regions, especially in the population of immigrants and non-immune people.

Conclusion: Considering that asymptomatic migrants are the most important source of contamination and transmission of malaria infection, there is a need for health systems to provide malaria protection tools, use of molecular methods to improve the diagnosis of infection and parasite species, use of larvicide larvae and fishes, use of insecticides and mosquito nets, environmental modification, drainage and reclamation of land from swamps, mapping and modeling of spatial distribution of malaria vectors, education of residents of southeastern Iran and immigrants about malaria, mode of transmission It should take steps for people and ways of prevention and screen and quickly treat immigrants and patients, especially carriers without symptoms.

Keyword: *Epidemiological trend of malaria, Iran, immigrants, Plasmodium sp.*

Strengthening Iran's Primary Healthcare System for Managing Respiratory Diseases: A scoping review of experiences in countries

Zahra abdollahi koushki[1], Ali mohammad mosadeghrad[2], Shabnam afraz[3]

1. M.Sc Student, Department of Health Management and Economics, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

2.Professor, Department of Health Management and Economics, Health Information Management Research Center, School of Public Health, Tehran University of Medical sciences, Tehran, Iran

3.Department of Health Management and Economics, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Abstract

Background and Objective: The primary healthcare system is the foundation of health and well-being in all stages and conditions of life. It provides essential and routine healthcare services to prevent most preventable diseases and deaths during pandemics and aids in maintaining healthcare services during crises. The primary healthcare system, with its comprehensive reach across all regions and local service delivery, plays a vital role in responding to major disasters at all stages of the disaster cycle. Therefore, its enhancement is crucial. This study aims to provide effective solutions and actions for strengthening the primary healthcare system for managing respiratory disease-related crises within the framework of disaster management cycles, by examining the successful experiences of other countries.

Materials and Methods: This research was conducted using a scoping review method. The resource search strategy for this study was designed considering PRISMA guidelines. All studies related to successful country experiences in using primary healthcare systems to manage and control crises related to respiratory diseases were searched in English-language databases, including Web of Science, ProQuest, ScienceDirect, EBSCO, PubMed, Scopus, Embase, as well as Iranian databases such as SID, Iranmedex, Medlib Irandoc, and the search engine Google Scholar, using appropriate keywords. In the end, 28 articles were selected and analyzed using a framework analysis method. The findings were categorized based on the six principles of primary healthcare and according to the disaster management cycle.

Results: The findings indicate that countries use primary healthcare in various ways to manage crises caused by various respiratory viral diseases, such as COVID-19. A total of 45 successful experiences were identified from primary healthcare systems for managing crises. Thirty-four strategies, in line with the successful global experiences, were proposed to strengthen Iran's

primary healthcare system through the disaster management cycle. Some of the proposed strategies for strengthening the primary healthcare system include designing multi-disciplinary and integrated service teams, developing and implementing disease prevalence software, creating online clinics, increasing the involvement of non-governmental organizations, educating the public to use virtual service platforms, developing coordination guidelines between sectors, and defining crisis groups and roles for individuals. Additionally, establishing a health protection center, building public trust for sufficient legislation and enforcement, using mathematical modeling to describe and understand epidemics, predicting the healthcare needs, and implementing the DOT (Directly Observed Treatment) strategy in all programs were presented.

Conclusion: Effective and timely crisis management can significantly reduce their associated damages. Strengthening the primary healthcare system as one of the most effective options for coping with crises can assist in this endeavor. In this context, localizing successful experiences from other countries in the proper deployment of primary healthcare systems can enhance the resilience of Iran's primary healthcare system. Policymakers and senior healthcare system managers must focus on implementing the proposed solutions and actions to strengthen the country's primary healthcare system.

Keywords: *Strengthening Primary Healthcare, Crisis, COVID-19, Respiratory Diseases, Disaster Management.*

Strategic analysis of Iran's primary healthcare system in epidemics: A scoping review

Ali Mohammad Mosadeghrad[1], Fatemeh Kazemi[۲], Sepehr Metanat[۳], Amir Hossein Mosadeghrad[۴], Shabnam Afraz[۵]*, Mohammad Reza Ganjedanesh[۳]

1. Ph.D. Professor, Department of Health Management and Economics, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran
2. Department of Nursing Management, School of Nursing and Midwifery, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran
3. MD. student, School of Medicine, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran
4. MD. student, School of Medicine, Artesh University of Medical Sciences, Tehran, Iran
5. Department of Health Management and Economics, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

*Corresponding author: Tehran, Enghelab Square, Tehran University of Medical Sciences

Abstract

Background and Objective: The primary health care system is the first point of contact for individuals, families and society with the health system, where basic and essential health services are provided in a place close to where people live or work. The primary health care system plays a critical role in responding to epidemics and should be strengthened. This study aimed to strategically analyse the Iranian primary health care system in responding to epidemics and to provide solutions to strengthen it.

Materials and Methods: This research was carried out using scoping review method. All studies related to the strengths, weaknesses,opportunities and threats of Iran's primary health care system in responding to epidemics, indexed in PubMed, Scopus, Web of Science and ProQuest, SID and Magiran databases and Google Scholar search engine were searched using appropriate keywords and search strategies. Finally, ۵۲documents were selected and analyzed using framework analysis method.

Results: Overal, ۱۸strengths, ۱۰weaknesses, ۱۷opportunities and ۱۴threats were identified for Iran's primary health care system in responding to epidemics. Besides, ۶۲actions were suggested to strengthen Iran's primary health care system in responding to the epidemics, which were grouped into six categories: governance and leadership, financing, health workers,equipment and medicine, health information system, and primary health care delivery. Using the military health staff for deprived areas, home quarantine of the infected, training health workers, social and psychological support for workers and using tele-medical services are necessary to strengthen Iran's primary health care system.

Conclusion: Iran's primary health care system is facing many challenges in responding to epidemics. Policy makers and senior managers of the health system should strengthen the country's primary health care system using the suggested strategies.

Keywords: *Primary health care, Primary health system, Epidemic, Strengthening, Strategic Analysis*

Identifying strategies to strengthen Iran's primary health care system to combat Covid-19

Shabnam Afraz*[1], Ali Mohammad Mosadeghrad[۲], Ebrahim Jaafaripooyan[۳], Hamed Dehnavi[۴]

1,2,3- School of Public Health, Health Information Management Research Center, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

4-Virtual School of Medical Education and Management, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

*Corresponding author: Tehran, Enghelab Square, Tehran University of Medical Sciences,

Abstract

Background and Objective: The covid-19 epidemic caused by the corona virus was introduced in December 2019. Primary health care is a set of necessary measures to prevent, improve people's health and prepare for disasters. Considering the important role of the primary health care system in responding to crises and epidemics, it is necessary to strengthen this system. . The purpose of this study is to identify ways to strengthen Iran's primary health care system to control the corona disease.

Materials and Methods: This research was conducted in 2022 with a qualitative method, through semi- structured interviews with 61 managers and experts from the Ministry of Health, Treatment and Medical Education, three universities of medical sciences in Tehran, Shahid Beheshti and Iran. Professors and specialists in the field of primary health care and epidemiology took place. Data analysis was done through thematic analysis.

Results: The expansion of the health care system throughout the country, mobile vaccination units, the formation of the national covid-19 headquarters and a committed and caring human force are among the strengths of the health care system and acting in isolation, weakness in documentation, reduction of motivation. The employees, the presence of multi- professional people and the lack of acceptance of illness by managers were among the weaknesses of the health care system. Inter-departmental coordination, moving towards electronification, people's participation, the existence of volunteer forces and people's help from opportunities and political and economic sanctions, dangerous geographical location, lack of attention of health managers to the health sector, lack of border control People's tendency towards medical services was one of the threats to the health care system. Strengths, weaknesses, opportunities and threats of the primary health care system and ways to strengthen it in the form of 6

structural blocks of governance and leadership, human resources, financing, service delivery, health information system and equipment, vaccine and drug grouping became Then, 152 proposed actions to strengthen Iran's primary health care system for disease control were identified and expressed at 4 policy levels: meta, macro, meso, and micro. Specific management, changing the treatment approach to prevention, advocacy and outsourcing coordination, reducing the distance between the queue and the headquarters, evidence-based care, educating people, strengthening rapid warning and adding social and economic data to health records as Solutions to strengthen Iran's primary health care system were introduced.

Conclusion: Iran's primary health care system has performed well in the Corona crisis. According to the strategic analysis of the primary health care system, the proposed solutions and strategies can help health system managers to strengthen the primary health care system.

Key words: *primary health care, primary health care system, epidemic, strengthening, strategic analysis*

Knowledge, Attitude, and health performance of covid-19 patients hospitalized in Shahid Beheshti hospital, Kashan, in 1400

Mahdi Rafiyan[1], Fatemeh Kurkinejad Gharaei[1], Maede Najafizadeh[2]*, Hamed Pahlavani[2]*

1- Student research center, Kashan university of medical science, Kashan, Iran

2- Infectious Diseases Research Center, Kashan University of Medical Sciences, Kashan, I.R. Iran

Abstract

Introduction: Covid-19 was firstly introduced in 2019 in Wuhan, China. It became pandemic, infected substantial portion of the population and led to the thousands of deaths. The best method for fighting against this disease is following health related protocols and disconnection of transmission chain. Due to the high contagiousness and transmissibility and limited studies in this field, we aimed to assess the knowledge, attitude and health performance of covid-19 hospitalized patients.

Material and methods: This was a descriptive/analytical study. After the confirmation of ethics committee, a pre-prepared questionnaire was provided for participants assessing their knowledge, attitude, and health performance of participants. after the completion of questionnaires, data were imported into SPSS version 26 and analyzed using ANOVA, chi-square and independent t tests.

Results: in this study 170 participants were recruited and data of 157 of these participants were analyzed. The frequency of both male and female participants was almost equal and the average age was 39.9 with 13.59 standard deviation. Knowledge of participants was average and have significant relationship with their level of education and employment. Moreover, data of vaccinated people against covid-19 showed that vaccination reduced incidence, symptoms exacerbation and mortality. In this study, The area of perceived sensitivity with the level of education and being employed, the area of perceived barriers with gender and age and having an underlying disease, the area of self-efficacy with the type of job and the history of Covid-19 infection, and the area of fatalism with the level of education, type of job of people and the area of preventive behaviors of patients with the number of children and their level of education had significant relationships.

Conclusion: In current study, knowledge of patients about covid-19 symptoms was average and had a significant relationship with the level of education and employment. Also, preventive behaviors of patients were dependent on their knowledge and attitude in the areas of perceived

sensitivity, perceived barriers, fatalism, perceived intensity, perceived benefits, self-efficacy and number of children.

Keywords: *Covid-19, health performance, attitude, Knowledge, Hospital*

Knowledge, attitude and practices related to breast cancer screening among women referring to health centers

Shima Ataee[1*], Nima Daneshi[1,2], Maryam Ataee[3]

1- Behbahan Faculty of Medical Sciences, Behbahan, Iran.

2- Department of Epidemiology, School of Public Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

3- Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences, Ahvaz, Iran.
*Corresponding Author: Shima Ataee

Abstract

Background and aims: One of the most important causes of cancer deaths in women is related to breast cancer. The increasing incidence of breast cancer in economically developing countries is likely influenced by lifestyle changes and growing urbanization.

Materials and methods: This cross-sectional study was conducted on women in Khuzestan province. Samples were selected by stratified random sampling. The sample population was invited to complete knowledge, attitudes and health behaviours related to breast cancer awareness questionnaire

Results: The mean age (SD) for the participants in this study was 31.5. Of 470 participants, 68.2% were married. The multivariate logistic regression model showed that living in the city and higher education level have a significant associated with knowledge about breast cancer risk factors. In the field of knowledge and practice, 410 women believed that screening is a useful tool for breast cancer diagnosis, but only 105 of them had a history of screening. On the other hand, the results for the attitude towards breast cancer prevention showed that women's attitude is weak, especially in people with lower education and income levels.

Conclusion: Overally, the results of this study showed that there is a low level of awareness, attitude and practice about the risk factors and prevention of breast cancer. And it seems that due to the increasing trend of breast cancer cases in the country and the importance of screening women, education at different levels is necessary to improve these conditions.

Keywords: *Breast cancer, screening, Knowledge, attitude, practices*

Clinical Characteristics of Pregnant Women with Covid-19

Shima Ataee*[1], Fariba Zare[2], Nima Daneshi[1]

1- Behbahan Faculty of Medical Sciences, Behbahan, Iran

2-Department of Epidemiology, School of Public Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

*Corresponding Author: Shima Ataee

Abstract

Background and aims: In a pandemic of infectious diseases, pregnant women and their fetuses are considered high-risk populations. Pregnant women are more susceptible to infectious diseases than the general population and are particularly vulnerable to low immune systems. The aim of this study was to investigate the possible effects of COVID-19 on pregnant women and their infants.

Materials and methods: A retrospective comparison of the pregnancy outcomes was done between 25 women with COVID-19 and 60 women without COVID-19. Also, evaluation of the results of laboratory tests, imaging examinations, and the 2019 novel coronavirus (2019-nCoV) nucleic were performed in cases of neonatal delivered from women with COVID-19.

Results: Three (18.8%) of the mothers with confirmed COVID-19 pneumonia and 3 (16.7%) with suspected COVID-19 pneumonia had preterm delivery due to maternal complications, which were significantly higher than in the control group. Of the premature births, 23.5% and 21.1% were from the mothers with confirmed or suspected COVID-19 pneumonia, significantly Low birth weight also occurred more often in infants of the 2 case groups (17.6% and 10.5% among confirmed and suspected cases, respectively) than in the 2 control groups (2.5% in each).

Conclusion: Severe maternal and neonatal complications were not observed in pregnant women with COVID-19 pneumonia who had vaginal or cesarean delivery. Mild respiratory symptoms of pregnant women with COVID-19 pneumonia highlight the need of effective screening on admission.

Keywords: *Pregnancy, Covid-19, Retrospective*

The association between COVID-19 disease and venous thromboembolism in hospitalized and non-hospitalized patients

Elaheh Sanjari[1], Hadi Raeisi Shahraki[2*]

1- Student Research Committee, Shahrekord University of Medical Sciences, Shahrekord, Iran

2- Department of Epidemiology and Biostatistics, Faculty of Health, Shahrekord University of Medical Sciences, Shahrekord, Iran

Corresponding author: Hadi Raeisi Shahraki, Department of Biostatistics and Epidemiology, Faculty of Health, Shahrekord University of Medical Sciences, Shahrekord, Iran.

Address: Rahmatieh educational complex, Shahrekord University of Medical Sciences, Shahrekord, Iran.

Abstract

Introduction: Severe acute respiratory syndrome (SARS-CoV-2), also known as COVID-19, has claimed many lives around the world. Hematological disorders that cause coagulopathy frequently manifest as venous thromboembolism. Coagulation causes venous thromboembolic complications in COVID-19 disease. In hospitalized COVID-19 patients, the high prevalence of venous thromboembolism causes pulmonary embolism and deep vein thrombosis. This study aims to look into the prevalence of venous thromboembolism in COVID-19 patients.

Search Method: The articles indexed in PubMed, Proquest, Science Direct, Springer, and Google Scholar databases were used. The keywords used in this research include venous thromboembolism, pulmonary embolism, D-dimer, and COVID-19.

Results: Venous thromboembolism appeared to be associated with death in the studies reviewed. COVID-19 patients with venous thromboembolism had higher body mass index (26.9 vs. 32.2 kg/m2) and weight (81.6 vs. 64.0 kg). Furthermore, venous thromboembolism increases with age and is most common in people aged 60 and up. Factors such as a history of heart failure, a history of cerebrovascular disease, a body mass index greater than 35, steroid use, anti-rheumatologic medication, a maximum D-dimer four times or greater than the upper limit of normal (ULN), hydroxychloroquine use, and a decrease in platelet counts are all risk

factors. Furthermore, statins and antiplatelet agents were linked to a reduction in venous thromboembolism or mortality.

Conclusion: The observed risk for venous thromboembolism in COVID-19 patients is high. Old age, an increased BMI, and a maximum D-dimer level four times or higher than the standard limit are all risk factors for venous thromboembolism or death.

Keywords: *COVID-19, venous thromboembolism, pulmonary embolism*

The trend of COVID-19 mortality before and after the national vaccination program in Iran: A Joinpoints regression Analysis

Mojtaba Sepandi[1], Yousef Alimohamadi[1], Kolsoom Alimohamadi[2,*]

1. PhD of Epidemiology, Health Research Center, Life Style Institute, Baqiyatallah University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

2. MSc Student of Epidemiology , Health Research Center, Life Style Institute, Baqiyatallah University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

*Corresponding Author: Health Research Center, Life Style Institute, Baqiyatallah University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Abstract

Background and aims: Many measures have been taken in the world to reduce mortality caused by COVID-19. However, the mortality trend of COVID-19 in Iran has not been fully evaluated. Therefore, the present study aims to investigate the trend of mortality by COVID-19 before and after the national vaccination program using Joinpoints regression analysis from the beginning of the pandemic 19 February 2020 to 5 September 2022. It was done for 31 months.

Methods and Materials: In the present ecological study, a Joinpoints regression analysis of monthly collected data on confirmed deaths of COVID-19 in Iran from the beginning of the pandemic February19, 2020 to September 5, 2022 was performed. Least squares and permutation tests were used for regression estimation. Descriptive analysis was done with EXCEL2016. Data analysis was done in Joinpoints regression analysis statistical software (4.9.1.0).

Results: After national vaccination in Iran, the trend of new monthly deaths due to COVID-19 disease was decreasing. The percentage of monthly changes (MPC) from the beginning of the pandemic to the 19th month was 6.62% with a confidence interval (1.1- 12.4), which had an increasing trend, and from the 19th month to the end of the 31st month, the mortality trend was decreasing, and the percentage of monthly changes was -20.05% with a confidence interval (-8.3 - -30.3) which is statistically significant (p = 0.002). The average percentage of monthly changes (AMPC) was -5% with a confidence interval of (-10.5- 0.9).

Conclusion: Along with other health measures that have been taken so far, such as quarantine, wearing a mask, hand washing, social distancing, etc., national vaccination significantly reduces the mortality rate of COVID-19.

Keywords: *COVID-19; Iran; Mortality; Trend; Vaccination*

The Supportive Care Needs of Breast Cancer Patients and Its Related Factors: A Cross-sectional Study

Hossein Izadi Rad [1], Shiva Kargar[2]

1- Department of Public Health, School of public health, Zahedan University of Medical Sciences, Zahedan, Iran

2- Department of Epidemiology and biostatistics, School of Public Health, Zahedan university of Medical Sciences, Zahedan, Iran.

Abstract

Background: Planning cancer supportive care programs require assessing patients' supportive needs.

Objectives: This study aimed to investigate breast cancer patients' supportive care needs and their related factors.

Methods: This cross-sectional study was conducted this Zahedan, Iran, in 2020. Patients with breast cancer, who referred to the clinical oncology departments of Khatam-Al-Anbia hospital and Ali ibn Abi Talib hospital were selected by the census method. Standard questionnaires were distributed among the participants to obtain information and analyze data in SPSS software version 19.0.

Results: This study examined 120 breast cancer patients with a mean age of 47.35 (SD 10.67) years. The patients' highest and lowest need for help were related to health system/information (63.23 ± 20.80) and sexual needs (6.73 ± 19.66). Spearman's correlation coefficient analysis indicated that social support and illness adjustment negatively correlated with many supportive care domains.

Conclusions: Supportive care services, especially in the information and psychology domain, are needed for breast cancer patients in Zahedan, Iran. Patients can benefit from social support and positive coping strategies to help them cope with their disease.

Keywords : Breast Cancer, Supportive Care Needs, Social Support, Emotional Adjustment

A Comparative Study of the Minimum Data Set for Speech Therapy: A Systematic Literature Review

Seyyedeh Fatemeh Mousavi Baigi[1,2], Masoumeh Sarbaz[1], Davood Sobhani-Rad[3], Marziyeh Raei Mehneh[1,2], Atefeh Sadat Mousavi[1], Khalil Kimiafar[1*]

1-Department of Health Information Technology, School of Paramedical and Rehabilitation Sciences, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran
2-Student Research Committee, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran
3-Department of Speech Pathology, School of Paramedical and Rehabilitation Sciences, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran
* Corresponding author: Khalil Kimiafar, Department of Health Information Technology, School of Paramedical and Rehabilitation Sciences, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran.

Abstract

Background and aims: A Minimum Data Set (MDS) improves the potential of data standardization and overcoming the problem of low-quality speech therapy data by providing coherent, complete, and uniform data elements. Therefore, the use of MDS is the most important step to accurately identify demographic information, improve clinical and functional outcomes, and provide a benchmark for providing rehabilitation care services. While many MDSs collect condition-specific data and outcomes, few measure care, global outcomes, and value-based indicators in a heterogeneous speech therapy population. This study was conducted to compare speech therapy MDS among different countries.

Materials and methods: On June 27, 2022, a systematic literature review was conducted without time limits in PubMed, Scopus, Web of Science, Embase, SID, Magiran, Elmnet databases, and in the Google search engine to retrieve articles, speech therapy forms, and speech therapy registry sites. Keywords related to speech therapy MDS, for example, including minimum data set, registry, and speech therapy, were used in the titles, abstracts, and keywords of the studies. First, studies were reviewed based on titles and abstracts. Then, the selected studies from the previous stage were examined independently by two researchers. A similar standard checklist was used to extract and compare the findings. Data items in this checklist include MDS name, country, year of establishment, sponsoring organization, scope, and data collection that includes data elements. After collecting the data elements from the articles and input forms for the study, the comparative data elements from all the studies were presented.

Results: A total of 1710 related records were extracted for review, and finally, six main articles and 11 forms were included in this review. The six original articles included two related to

speech therapy MDS in the United States, two related to Iran, and one related to Australia and Germany. Among these, the most comprehensive MDS of speech disorders belonged to the United States, which included the standards of the American Speech-Language-Hearing Association as well as the standards of foreign organizations. Other MDSs in Australia are specific to the pediatric population, in the Los Angeles area of the United States for students with speech disorders, and in Germany for people who had a stroke and then had disability and speech disorders. In Iran, the MDS of disability and the MDS of speech therapy centers of Tabriz University of Medical Sciences were considered. A comparative review of the most important data elements obtained from the articles and input forms in this review, including identity and admission information, referral information, history, assessment of verbal skills, assessment of non-verbal skills, assessment of organs of production, assessment of cognitive skills, assessment of other aspects of speech, and linguistic and cultural considerations, were information elements related to diagnoses, recommendations, and treatment plans.

Conclusion:

This comprehensive systematic review shows that currently, the most comprehensive MDS of speech disorders belongs to the United States, which includes the standards of the American Speech-Language-Hearing Association as well as the standards of foreign organizations. In other countries, including Iran, Germany, and Australia, there was no coherent MDS for speech therapy. In general, an agreed-upon classification system is needed to facilitate communication between speech therapy professionals and to allow further testing of diagnostic and therapeutic hypotheses with more coherent and simultaneous data collection. The challenge ahead is to create a comprehensive and universally agreed-upon classification system that meets the needs of professionals and researchers.

Keywords: speech therapy, minimum data set, registration system, speech disorders, MDS

Assessing the Knowledge and Attitude of Students of Iran's Medical Sciences Universities Regarding Health Tourism

Fatemeh Shaygani[1, 2*], Milad Ahmadi Marzaleh[3], Fatemeh Jafari[1]

1. Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran,

2. Health tourism student scientific association , Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

3. Assistant professor, Department of Health in Disasters and Emergencies, Health Human Resources

Research Center, School of Management and Medical Informatics, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Abstract

Background: Health tourism is already one of the most important sources of revenue for many countries all over the world, but it appears that it has not been as progressive in Iran. The purpose of this study was to determine the knowledge and attitudes of students at Iranian medical sciences universities about this industry.

Methods: In this cross-sectional study, the students of medical sciences universities in Iran selected through snowball sampling and they filled out the 36-item online self-administrated questionnaire. The gathered data were analyzed using SPSS software (version 25) and a pvalue of less than 0.05 was considered statistically significant.

Result: Overall, 390 students with mean age of 23 ± 1.5 years participated in this study. The students answered 38% of questions regarding knowledge, correctly. Youth (< 25 years), Fars ethnicity, higher educated people, those living in central provinces, and students with job experience especially health tourism- related job had a higher level of knowledge.Totally, over 66% of students believed that health tourism industry should be recognized and developed in Iran, while only 30% thought that Iran's health tourism industry is able enough to compete with international markets. . Furthermore, almost 75% of students believed that medical professionals in Iran are skillful and trustworthy and about 50% did not have any opinion about whether health tourism can improve the medical knowledge level of medical professionals or not.

Conclusion: According to the obtained results, students' knowledge regarding the industry was not optimum, and consequently, many of them did not have an optimistic attitude toward health tourism. Hence, health policy-makers should pay much focus on educating students of

medical sciences universities in this regard, which could have a significant impact on the future of this profitable industry in Iran.

Keyword: Knowledge, Attitude, Health Tourism, Medical Tourism, Iran

Malta fever in Islamabad-e Gharb: Changes in the Incidence Trend and Epidemiological Features over a Decade (2009-2019)

Leila Nassiripour[1,*], Ali Moradi[2], Mohmmadreza Naderi[1]

[1]Islamabad e Gharb Healthcare Network, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran

[2]Department of Educational Sciences, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

Corresponding author: MSc in epidemiology, Islamabad e Gharb Healthcare Network, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran

Background and aims: Malta fever is one of the common diseases between humans and animals, which causes social harms and reduced active human force as well as economic losses, i.e. causing death in animals and high cost of diagnosis and treatment. Considering the high rate of Malta fever in the city of Islamabad-e Gharb and classical animal husbandry in the city, constant contact with livestock and consuming dairy products, the present study aimed to investigate the epidemiological features of Malta fever in order to perform the required planning to decrease the disease, as appropriate with the current trend.

Materials and methods: This study was a descriptive-analytical research conducted on 846 patients with Malta fever from 2009 to 2019 in Islamabad-e Gharb. The data were collected from the epidemiologic individual forms of the disease in the Health Center of the city. They were analyzed using SPSS, chi-squared test, independent t-test, and logistic regression analysis.

Results: The incidence rate of the disease was increasing between 2009 and 2014. The following years (2015-2019) had a decreasing trend. Most cases were in spring and summer. 57.2% of men and 42.8% of women were affected by the disease. The mean age of the participants was 38±18 years old. The rural areas with 85.7% of affected cases had the highest rate. Regarding the type of contact with livestock, contact with live livestock and live livestock in the living place had the highest percentage. Milk and butter had the highest rate of consumption among other dairy products. The relationships between the variables of living place and human's contact with animals, living place and history of other family members, gender, and occupation were significant. According to logistic regression analysis, the relationship between age and failure in treatment was significant.

Conclusion: Considering the facts that most patients were men living in villages, who work as farmers and ranchers, and on the other hand, the most patients were middle-aged, who are considered active working groups, it is of great importance to pay more attention to Malta fever

in the city especially in rural areas. Therefore, health and veterinary organizations must be supported to perform preventive measures based on sanitation of dairy products, reduction of pollution load, proper disposal of placenta, development of small sanitary slaughterhouses, continuation of visits and examinations of livestock, and vaccination of livestock especially in the second half of the year.

Keywords: Malta fever, Epidemiology, Incidence, Islamabad-e Gharb

پنل بین الملل اپیدمیولوژی

International Epidemiology Panel

The Relationship Between Neonatal Jaundice And Starting Of Feeding In Baghdad City

Suha a.kadhum[1] fatima mohammed[2]

1- Department of Community Health/ College of Health & Medical Technology –Middle Technical University /Baghdad – Iraq (Assistant Professor of Community Health)

2- Department of Community Health/ College of Health & Medical Technology –Middle Technical University /Baghdad – Iraq (Senior Student in Community Health)

Abstract

Introduction: Neonatal Jaundice Definition Yellow discoloration of the skin and the mucosa (1). It is caused by accumulation of unconjugated, non-polar, lipid-soluble bilirubin in tissues and plasma. Neonatal jaundice is a normal condition that occurs to almost every neonate, which is characterized by yellowish eyes & skin due to elevated bilirubin level in blood resulting from hemolysis of erythrocytes, this bilirubin is captured by the liver & eliminated with feces. Neonatal jaundice occurs due to elevated hemoglobin level in the infants' blood resulted from hemolysis of excess erythrocytes, as well as incomplete functioning of the hepatic enzyme that is responsible of bilirubin elimination. Our study aimed to evaluate the impact of feeding starting on the occurrence of neonatal jaundice and to identify the main factors related to neonatal jaundice.

Methodology:

The study setting:The study was conducted in Baghdad city in Medical City Hospitals.

The study design:Cross-sectional study.

The study sample:Subjects in the study included all patients of neonatal jaundice in

Medical City Hospitals. The sample size was 150 cases.

Duration of the study:Data collection was carried out from 15th August 2022 to the

20thDecember 2022.

Data collection:Data was collected through interviewing mothers of cases using

questionnaire form.

Results: The majority of neonates presented with total serum bilirubin (TSB) level of more than 10 mg/dl and the onset of jaundice occurred within 2-7 days of delivery in 84% of neonates. Preterm birth consisted 50.7% of this sample. The onset of morbid jaundice was 16%. One third of them started feeding within first four hours of delivery. Neonates with early

feeding have lower levels of TSB than those with late feeding (P 0.024). The feeding types reported with a proportion of 26%, 39 and 35% for breastfeeding, bottle and mixed respectively. Neonates with breastfeeding presented with significant lower TSB level than those with artificial and mixed feeding (P 0.03). TSB levels were higher in males than in females at level of 10-15 mg/dl while it's lower slightly than in female at level of >15 mg/dl with statistically significant level (P 0.026). Neonates with AB blood group reported lower level of TSB than other blood groups but, with non-significant level (P 0.471). Almost all neonate diagnosed with + Rh and only 7 presented with – RH however, there was no significant difference of TSB levels and RH type. More than one half of neonates' mothers reported with low educational level, there is some variation in TSB levels across educational levels with a p-value of 0.08.

Discussion: Neonatal hyperbilirubinemia is extremely common, and 1 out of 6 infants presented with morbid jaundice in this study. Male neonate presented with TSB level higher than female, these findings supported with previous studies by (Intisar Razaq 2019 & Sinem Akgul 2018), as male blood contains red blood cells more than female (10, 11).

TSB level was higher in neonates with bottle fed (51.1%) other than breastfeeding as breast milk is best food for the infant. This result disagrees with study done by (Intisar Mahmoud 2022) which revealed that higher percentage of cases was with breast fed neonates (21%) other than bottle fed. There is no significant association between jaundice occurrence and mothers' educational level and this reported in previous work (9).

Conclusion: Neonates morbid jaundice is of concern. Early feeding and breastfeeding associated with low TSB. Factors not associated with TSB level were blood groups, RH factor and mothers' educational level. Early breastfeeding is the recommended natural and safe method for neonates' healthy life.

References: 1- Thor WR Hansen, MD, PhD, MHA, FAAP; Chief Editor: Ted Rosenkrantz,(2019)emedicine. Medscape/ neonatal jaundice/ article/974786.

2-Robert M. Kliegman, Bonita F. Stalton, Joseph W. St. GemeIIet al: Jaundice and Hyperbilirubinemia in the Neoborn. Nelson textbook of pediatric 19th edition(2021); 603-611.

3- neonatologi.lv/wp-content/NICE-jaundice-guidelines (2021).

Keywords: neonate, jaundice, breastfeeding, TSB, Baghdad

Bacterial Isolates from Burn Injuries of Patients Admitted to Imam Al-Sadiq Teaching Hospital

Hasan Alwan Baiee [1] Issam Salim Ismail[2] Alaa Hani Al-Charrakh[3]

1- Nursing, Hilla University College, Babylon, Iraq. (Emeritus Professor of Public Health)

2- Epidemiology, School of Public Health & Safety, SBUM, Tehran, Iran. (Public Health Specialist, PhD Student)

3- Microbiology, College of Medicine, Babylon, Iraq. (Professor of Medical Microbiology)

Abstract

Introduction: World Health Organization stated that Burns are the most destructive traumas worldwide [1], epidemiological studies can be of great benefit in improvement of burn management [2,3]. Burn injuries are mainly occurred in developing countries due to low awareness for preventing burns [4-6]. Infection in burn wounds is still considered as the most important cause of disability and mortality in all ages and in both developed and developing countries. Studies on burn injury characteristics and the types of isolated bacteria from infected burn wounds are scarce [15,16]. This study was conducted to identify the bacterial isolates from burn wounds of patients admitted to tertiary care burn unit in Babylon Governorate –Iraq.

Methodology: This was a hospital-based cross-sectional study conducted on all burn cases admitted to Al Sadiq Teaching Hospital – Babylon Province – Iraq, this hospital is the biggest general teaching hospital in the governorate. This hospital serves the population of Babylon province, which located in the south-central region of Iraq and populated about two million inhabitants. The period of study started from the beginning of January 2020 through the end of April 2020. Data were collected from burn injured patients themselves or their companions and from patients' hospital records, using a pretested patients on antimicrobial therapy were excluded from the study. A single wound swab was taken from each patient prior to wound dressing. Swabs were taken from areas that appeared deep, with discharge, and the swabs were immediately transported to the Microbiology Laboratory for culture and sensitivity. The study was approved by the Ethics Committee of Hilla University college.

Results: A sample of 120 cases with burn injuries were investigated. Out of 120 cases with burn injuries, a sample of 58 patients who investigated for microbial infections enrolled in this study. The median age of participants was 16.5 years, ranged (four months – 65 years); children of age 1-9 years old represented 36% of them. The adolescents and children aged ≤ 18 years accounted 55% of the all. Male to female ratio 1.07:1. More than two third of them resident in rural area. The most common species were Gram Negative Bacteria constituted 83%, mainly

Nonspecific Gram-Negative Bacteria, Pseudomonas Spp. and Burkholderia cepacia followed by Gram Positive Bacteria especially Streptococcus pyrogens andStaphylococcus aureus.

Discussion: Identification of bacterial flora in the infected burn wounds and methods for management or prevention of burn wound infection is one of the essential first steps in burn wound care that may safe patients' lives [17]. Unfortunately, in the current study; more than half of burned patients have missed or un meticulous records for bacteria isolations or may be not tested for culture and sensitivity or using antibiotics before doing culture and sensitivity tests.Gram–ve bacteria are the most common isolates from burn wounds in the current study, this finding is similar to the finding reported by other study conducted in India by Srinivasan S net al. [18].But, in contrast with the findings of other studies, in one study out 43 patients, Pseudomonas spp. was the most predominant bacteria associated with the burn wounds infection. In this study Pseudomonas spp. constituted the second more common isolated pathogenic bacteria.

Conclusion: Results of this study suggest that gram-negative organisms are the most common isolates followed by Pseudomonas spp. from burn wounds.

References: 1. World Health Organization Burns .Fact sheet Reviewed September2016,availalablefrom http://www.who.int/mediacentre/factsheets/fs365/en/ [accessed 7.7.17]Google Scholar

2. Bahçe ZS¸, Öztas¸T.Epidemiological analysis of patients with burns in third-line hospitals in Turkey. Int Wound J. 2020; 17(5):1439–1443. https://doi.org/10.1111/iwj.13426

3. Toppi J, Cleland H, Gabbe B. Severe burns in Australian and New Zealand adults: epidemiology and burn centre care. Burns. 2019;45:14561461.https://doi.org/10.1016/j.burns.2019.04.00

Keywords: Bacterial isolates, klebsiella, Burns wound, Babylon

Knowledge, Attitudes and Practices of Two-Wheeler Vehicle Riders Regarding Health and Safety Issues Hilla City, Babylon

Hasan Alwan Baiee, Zahra Makki, Hani Issam, Salim Ismail

1- Nursing, Hilla University College, Babylon, Iraq. (Emeritus Professor of Public Health)

2- Community & Family Medicine, College of Medicine, Babylon, Iraq. (High Diploma Student in Family Medicine)

3- Epidemiology, School of Public Health & Safety, SBUM, Tehran, Iran. (Public Health Specialist, PhD Student)

Abstract

Introduction: Mobility is a vital aspect of daily life. Activities linked with daily life, working, education, recreation and health care are oftenlocated in different places; as such, people and goods have to movefrom one place to another using different modes of transport [1].Motorcycles are considered as an affordable, practical, andmaneuverable mode of transportation that are widely used incrowded cities, towns, and villages especially for short distancetransportation [2], for personal used as well as business ofcommercial delivery [3].The increase in the number of motorcycles circulating over theyears has grown proportionally to the number of traffic accidents,making them a major problem for public health worldwide [8].Motorcycles are becoming an important mode of transportation in Iraq in the absence of well-organized public transport. Motorcyclecrash-related injuries and deaths seem to be on the rise. Theobjective is to assess the knowledge, attitudes and practices of motorcycle riders in Hilla city regarding health and safety issues.

Methodology: This was a descriptive cross-sectional study with analytical components. The site of study is Hilla city, Babylon Governorate, Iraq. The duration started from the first of January through May, 2023. A convenient sample was selected from dwellers who used to ride motorcycles before or at the time of conducting this study who accepted to participate in this research work. Sample size was determined using a single population proportion formula, the instrument of data collection was a pretested semi-structured questionnaire which included questions about demographic characteristics, knowledge, attitudes and practices about motorcycle use health and risk issues through direct face-to-face interview of participants. Three digits Likert scale was used to measure the score level of the studied variables.

Results: A sample of 411 male motorcyclists were enrolled to identify their knowledge, attitudes and practices towards road law and traffic safety measures and crash-accidents issues. The mean±SD for age was 23.9±3.9 years with a range of 16-45 years and 63% were young

people aged 15-24 years. The median driving years was 3 years and 61.8% of riders presented with 1-5 years of driving experience. More than 90% of the studied participants had good knowledge, about 80% of participants have positive attitudes toward road safety, and 85% of them admitted that they had good practices during driving motorcycle. There was significant association between high level of knowledge and practices with higher education level ($P < 0.05$).

Discussion: In current research, about one-third of riders reported one year driving experience or less. World report revealed that young riders with less-experience increase risk of exposed to crashing and severe injuries [1]. Concerning the KAP terms, the overall level of knowledge of motorcyclists was acceptable. Despite the acceptable level of knowledge and more than one-third have high level of knowledge, only one out of 17 motorcyclists had a high level of positive attitude with no association between level of knowledge and level of attitude. For example, motorcyclists in Babylon government have good awareness about risky behaviors for road transport crashes, and about onesixth of them had a poor attitude toward these factors. However, these wouldn't be translated into good real action, a KAP study done in Nigeria on two-wheeler vehicle drivers [25].

Conclusion: Knowledge regarding safety use of two wheels vehicles and its correlates is acceptable, more than half of riders have moderate positive attitudes and good practices. National effective educational strategy is needed to improve the practices of motorcyclists in our society to control the crash injuries which was on rise.

References: 1. Powered two- and three-wheeler safety: a road safety manual for decision makers and practitioners. Geneva: World Health Organization; 2017. Licence: CC BY-NC-SA 3.0 IGO.

2. Noorali IS, Attyia MA, Alsunbuli MMB. Patterns of Maxillofacial Injures Caused by Motorcycle Accidents. Int Arch Otorhinolaryngol. 2023 Apr 28;27(2):e309-e315. doi:10.1055/s-0042-1744256. PMID: 37125365; PMCID: PMC10147459.

3. Helal, N., Shamah, M., Elbastawesy, S. Patterns and Severity of Motorcycle Accidents Injuries at Tanta University Emergency Hospital. Ain Shams Journal of Forensic Medicine and Clinical Toxicology, 2022; 38(1): 68-78. doi: 10.21608/ajfm.2022.213305

keywords: Motorcyclists. Knowledge, Attitudes, Practices, Health Related Issues, Road safety, Hilla City, Iraq

Epidemiological Features Of Road Traffic In Jerry's Among Patients Admitted To Al-Diwanyah Teaching Hospital

Aziz Jubeir[1] Hasan Alwan Baiee[2]

1-Senior Nursing Student \ Nursing Department, Hilla University College

2- Emeritus Professor \ Nursing Department, Hilla University College ,Babylon, Iraq

Abstract

Introduction: In the globe, about 3400people die on the world's roads daily. Millions of people are injured or permanently disabled . WHO struggles to raise the profile of prevention of road traffic injuries[1].the vast majority(93%)of deaths due to road traffic injuries occur in low-and middle-income countries including Iraq, it causes also a significant economic burden, about 3% of their gross product [2,3,4].The number of road accidents is increasing in developing countries and the direct and indirect costs are higher compared to those in developed countries [5].In Iraq the number of road traffic accidents is dramatically increasing which put a high burden on Iraqi health system which faces a lot of challenges in many aspects including shortage of high quality and competent adult nursing services dealing with increasing emergency medical problem that needs critical nursing care, this emphasizing the need of well-trained human resources including well trained and competent nurses [6-8].

Methodology: A descriptive cross-sectional study was used to identify the epidemiological characteristics of road traffic accidents that took place in Al-Diwaniyah Governorate -Iraq. All those injured were face-to-face interviewed using a pretested structured questionnaire prepared in advance. The questionnaire consists of two parts, the first part consists of demographic characteristics The second part of the questionnaire includes: (the location of the accident at the time of its occurrence, the type of accident, the type of vehicle causing the accident, the means of transportation from the accident site to the hospital, the time taken for the injured person to reach the emergency room), the anatomical location of the injury, the fate of this injury, the patient's condition when admitted to the emergency room, If the patient smoked, if he was taking stimulant pills, if he or she had previously been in an accident, and finally the cause of the accident from the patient's own point of view.

Results: Three hundred patients were participated in this study, and the mean ± SD for the patients' ages was ±28.7(12.4) (ranging from 1 to 84) years. The male to female ratio 3.9:1.

More than 3/4 of the victims were not read and write or had a primary educational level. Most of them were urban residents (86.4%), and theirjobs varied, respectively, as earners, students, and employees (59.9%),(26.9) and (22.2) respectively. The main cause of patient accidents was vehicle rollover (42.1%).The most common accidents were due to motorcycles crash accidents.

Discussion: In the current study shows that the mean age is 28.7 ± 12.3, this findings goes in line with the World Health Organization report which reveals that the Road Traffic injuries are the leading cause of morbidity and mortality among young adults(15-29 years)[9].In this study the male to female ratio is about 4:1 , most of accidents took place at main roads , and mainly among urban dwellers these findings are similar to the findings found in a previous studies [9,6]. The income instability and a lack of job safety have been linked to psychological distress, including symptoms of depression, anxiety, and anger which may have a negative impact on driver behavior , lead to risky driving , and thus raise the likelihood of traffic accidents ,Motorcycle users are 34 times more likely to die in an accident than drivers of other forms of motor vehicles[10].The outnumbered causes of RTAs are motorcyclists (two and three wheeler vehicles this finding is in line with findings of other studies [7]. The main causes of accidents as mentioned by the participants are high speed this A study conducted recently in Baghdad revealed that most road traffic accidents wereattributed to high speed. The most vehicle drivers did not obey the speed limits[9] followed by lack of safety in the vehicles this come in line with the finding of thesis conducted in Iraq, Babylon governorate [10].

Conclusion: The majority of injured patients presented to the hospital are youth in their productive life, males are highly predominant, motorcycle constituted the highest numbers of victims, Most of patients are low socioeconomic status and have low level of education, the results of this study showed that the time taken to transfer the patient to the hospital played a major role in preserving the lives of the injured patients is long . Most of the injuries were abrasions fractures of lower extremities. ion You have to mention in the results and discussion .

References: 1. WHO, Global status report on road safety 2013 http://www.globalroadsafety.org/problem.html

2. Peden M, Scurfield R, Sleet D, et al. World report on road traffic injury prevention. Geneva: World Health Organization 2004.

3. World Health Organization. Global Status Report on Road Safety: Time for Action. Geneva: World Health Organization. 2009.

4. Road Traffic Injuries, key fact ,WHO, 2020

5. Ghaffar A, Hyder AA, Masud TI. The burden of road traffic injuries in developing countries: the 1st national injury survey of Pakistan. Public health. 2004;118(3):211-7.

6. Diah B, Baiee HA, AlShalah M. Epidemiological Features of Road Traffic Accident Deaths in Babylon Province during the Period 2010-2014. Journal of University of Babylon 2017;25(3):1129-1138

7. Aljoborae SFF, Al Humairi AK. A Study of Road Traffic Accidents in Babylon Province. Medical Journal of Babylon;2014;11(4):912-22.

8. Baiee HA, Alaraji KS, Mohammad AJ. Road Traffic Fatalities in Babylon Province–Six Years Epidemiologic Study. Indian Journal of Forensic Medicine & Toxicology 2020;14(1):917-922.

9. Joni HH, Jasim MH. Identifying Risk Factors Influencing Traffic Accidents for Baghdad Expressways. Engineering and Technology Journal 40 (05) (2022) 802-809

10. Burgel, B.J. and Elshatarat, R.A., 2019. Associations between daily-on-the job hassles with perceived mental exertion and depression symptoms in taxi drivers. American Journal of Industrial Medicine, 62(9), pp.791-802

Keywords: epidemiology, road traffic accidents, Al-Diwaniyah Teaching Hospital, Iraq

Patterns Of Chief Complaints And Morbidities Among Arbaeen Walk Pilgrims Attending Treatment Camp In Hilla City, Iraq, 2023

Aziz Jubeir[1] Hasan Alwan Baiee[2]

1-Senior Nursing Student \ Nursing Department, Hilla University College

2- Emeritus Professor \ Nursing Department, Hilla University College

Introduction: The Arbaeen religious event is an Islamic mass gathering that takes place in Kabala Iraq. About 17 to 20 million pilgrims were participated[1] from different Iraqi governorates and different countries mostly from Iraq, Iran, Pakistan, Afghanistan, Bahrain, Lebanon, Saudi Arabia, Kuwait, and others with a high proportion of Shia population, The passion for Imam Hussein,who was martyred in the battle of Karbala in 680 CE, when crowds of mourners gather around his shrine[2].This event creates the largest annual mass gatherings in the world [2]. Arbaeen was inscribed in the UNESCO's Representative List of Intangible Cultural Heritage of Humanity for Iran and Iraq in 2010 and 2019, respectively[3]. Different voluntary services, including health care services were provided through treatment camps[9] .A range of viral and bacterial infections of the respiratory tract can occur during Arbaeen mass gathering event , and the risk of diarrhea, increases significantly at this pilgrimage[5]. Even in areas with diverse health capacities and appropriate resources, public health systems are under severe pressure during gatherings [6]. Various studies on mass gatherings events such as Hajj, the Ashura pilgrimage , arbaeen , and pilgrimage in India show increase prevalence of communicable diseases in these ceremonies.[7]. Very scarce studies on morbidity pattern and the needs of patients in religious mass gatherings were conducted [1].

Methodology: Pilgrims were face to face interviewed using semi structured questionnaire, the questionnaire was adopted from previous studies[1,9], it consists from two parts , the first part includes demographic characteristics of participants (age, sex , level of education , monthly family income ; not enough , enough or more than enough to assess the financial status of pilgrim). The second part of the questionnaire includes ; the experience of the following symptoms: cough, breathlessness, sore throat, fever or influenza-like illness . Participants were asked about pre-existing conditions (hypertension heart problems, diabetes, kidney disease). Blood pressure and random blood sugar were measured using standardized calibrated devices to suspected cases according to the history of the present complaint and the presence of comorbidities after 10 minutes rest. The duration of the study started from the seventh of the lunar month Safar through 18th of Safar 1445 H.D. (27/8/2023 – 6\9\2023).The setting of the study is the treatment camp prepared by Hilla University College in Hay Al Imam sub district, Hilla city center, the rout of walk pilgrims (Hilla Karbala street). Verbal consents were obtained from all participants who were selected using convenience sampling technique , ethical approval was obtained from the ethical research committee of Al Hilla College , Babylon, Iraq. Data analysis was done using SPSS version 26.

Results: Totally, 2121 patients were participated in this study, mean ± SD of patients' age was ± 36.8 (13.9) (ranging from2 to 89) years. More than half(53.1%) of them were females. The majority of patients were from Basra Governora(29.3%), followed by Diwaniyah governorate(21.3%), and the least of them were from Iran(0.7%). low back pain and muscle cramps (47.3%), Upper respiratory tract infection (36.3%), Gastrointestinal diseases (23.8%) Blisters in the feet (14.3%)were the most common chief complaints among the investigate patients. Also, 1/4 of the patients suffered from Hypertension. Antibiotics and pain relief pills for adults, Ibuprofen , Cephalexin were the most commonly prescribed drugs for the patients.

Discussion: Going through the literature, there are very scarce studies that addressed the health issues among Arbaeen walk mass gathering event [10]. Mean age of participants in the current study is (36.8) which is less or more or close than the mean ages of other studies conducted inside or outside Iraq among pilgrims, Baiee HA and Aziz A found had reported the mean age (38.13±14.99) of Arbaieen walk 505 attendees in the same treatment camp during 2022 [9] . This finding is consistent with finding of a study conducted in Indian mass gathering event were men outnumbered women [8],this may attributed to the presence of high number men or women in this event ,this may help the health planners and policy makers for proper future planning to mass gathering quality health services provision. The majority of diseases of pilgrims among patients attending Hilla University College treatment camp are respiratory tract infection especially the upper respiratory tract symptoms, this finding goes in line with the findings of other studies that addressed mass gathering events in different countries [1,7,9,10].

Conclusion: Respiratory tract infections mainly the upper part, low back pain, muscle cramps,blisters with the need for dressing and gastrointestinal complaints were the most common medical complaints in the patients. Adult cold pills,acetaminophen (325 mg),and cetirizine (10mg), ointments and antimicrobial drugs (Antibiotics and metronidazole) were the most commonly prescribed drugs for the patients. Health services should be considered in mass gathering events like arbaeen walking. Also, equipment, facilities, and trained health personnel should be available on treatment camps considering health needs assessments.

References:

1. Farahmand F, Hayati F, Mousavi-Roknabadi RS, Safaei-Firouzabadi H, Hosseini-Marvast SR, Mohsenian L. Treatment camp and patients in arbaeen pilgrimage in 2019. Int J Travel Med Glob Health. 2022;10(1):24-31. doi:10.34172/ijtmgh.2022.05.

2. Husein, UmmeSalma M. 2018. A Phenomenological Study of Arbaeen Foot Pilgrimage in Iraq. Tourism Management Perspectives 26: 9–19. [Google Scholar] [CrossRef]

3. UNESCO.2010.Ritual dramatic art of Ta'zīye.Available online: https://ich.unesco.org/en/RL/ritual-dramatic-art-of-taziye-00377(accessedon 22 March 2020

4. Hamdanieh L, Ostadtaghizadeh A. Arbaeen in the Context of the COVID-19 Pandemic. Disaster Med Public Health Prep. 2021 Aug;15(4):e16. doi: 10.1017/dmp.2020.362. Epub 2020 Oct 2. PMID: 33004104; PMCID: PMC7642911.

5. Alqahtani, A.S., Alshahrani, A.M., Rashid, H. (2021). Health Issues of Mass Gatherings in the Middle East. In: Laher, I. (eds) Handbook of Healthcare in the Arab World. Springer, Cham.

6. Al-Tawfiq JA, Memish ZA. Mass gathering medicine: 2014 Hajj and Umra preparation as a leading example. Int J Infect Dis.2014;27:26-31. doi:10.1016/j.ijid.2014.07.001

7. Memish ZA, Zumla A, Alhakeem RF, et al. Hajj: infectious disease surveillance and control. Lancet. 2014;383(9934):2073-2082. doi:10.1016/s0140-

6736(14)60381-0.

8. Joseph JK, Babu N, Dev KA, Pradeepkumar AP. Identification of potential health risks in mass gatherings: a study from Sabarimala pilgrimage, Kerala, India. Int J Disaster Risk Reduct.2016;17:95.doi:10.1016/j.ijdrr.2016.04.008

9. Al-Lami F, Al-Fatlawi A, Bloland P, et al. Pattern of morbidity and mortality in Karbala hospitals during Ashura mass gathering at Karbala, Iraq, 2010. East Mediterr Health J. 2013;19 Suppl 2:S13-. doi:10.26719/2013.19.Supp2.S13.

10. Almehmadi M, Alqahtani JS. Healthcare Research in Mass Religious Gatherings and Emergency Management: A Comprehensive Narrative Review. Healthcare. 2023; 11(2):244. https://doi.org/10.3390/healthcare11020244

Keywords: Arbaeen Walk Pilgrims , morbidity Patterns, Treatment Camp, Hilla, Iraq

Attitudes and practices of the paramedical staff toward food additives at Baghdad city

Khadija Shaban Hassan[1]; Tabarek A. Noori[2]; Eman Abdul Hakeem Amear[3]

1-Community Health department, Middle Technical University, Baghdad, Iraq

2-Community Health department, Middle Technical University, Baghdad, Iraq

3-Community Health department, Middle Technical University, Baghdad, Iraq

Abstract

Introduction: The growth in both the manufacture and consumption of various processed food items has been observed over the past several decades as a result of changes in dietary habits and food technology. The use of food additives has become essential for meeting consumer demand. Food additives are compounds that are added to food during preparation, processing, manufacturing, treatment, or packaging in order to change its chemical, biological, sensory, or physical qualities. The majority of these additives have no nutritional value.Aims of this study is to define the level of the attitudes and practices of the paramedical staff toward food additives. As well as to determine the association of different demographic variables of paramedical staff with attitudes and practices.

Methodology: A cross sectional study was conducted in 5 Government institutions, in Baghdad city, for the period 16th November 2022 ending in 2nd March2023. Inclusion Criteria includes Health workers specialized in the food authorities in government institutions were selected non-randomly in Baghdad city. Medical staff and another staff which non- specialized in the food authorities in government institutions were excluded from the present study. The attitudes module contains 20th questions about the attitudes of paramedical staff regarding of food additives. A score (≥ 50) was considered good, (49-40) acceptable, and (<40) was taken as weak. As regard with practices module consists of 13th questions measuring participation practices of pay attention to information on food label related to additives as ingredient and obtain the information required about food additives. A score (≥33) was considered good, (32-26) acceptable, and (<26) was taken as weak.

Results: Most of the participants were female 59.1%, mean age was 40 years ± SD 11years. Approximately 40% of staff had more than 10 years of services in their job. About seventy percent of participants have acceptable attitude score toward food additives, with significant association between age group and gender of health workers with their attitude. On the other hands 56.7% have acceptable practice score with high significant relationship between practice score and work place of participant.

Discussion: Today, numerous processed foods are manufactured and consumed as a result of developments in food technology and alteration in dietary patterns. Food additives play a crucial role in food industry. Food additives are not generally consumed as food alone. They are used for technological purposes in production, preparation, refinement, packaging, transportation, and maintenance of food products [1]. Regarding to the attitude items about the food additives, more than half of the participants were classified as having an acceptable attitude score (70.1%). The highest percentage agree was associated with "You are worried about cancer disease caused by food additives" followed by "You are worried about a possible food allergy caused by food additives" (70.9%) and (71.9%) respectively. These results came in disagreement with other done in China which investigated the factors affecting public attitudes toward food additives. The researchers found that people's attitudes played an important role in opting for safe foods [2]. As has been showed 51.2% of participant disagree about item 'Using government -approved food additives in processed foods does not cause food safety problems', our study result accordance with other finding study in Iran [3]. Regarding the health worker participant practice toward food additives, the respondents were classified as having an acceptable practice score 56.7%. The results of our study are inconsistent with other surveys conducted in other countries in this area. A review of the literature indicated that positive practices toward additives do not necessarily lead to behaviors enhancing selection of the safe food [4].

Conclusion: Acceptable attitudes and practices score among paramedical staff in concerning with food additives. A significant relationship between health worker's attitude with age group and gender. Moreover, health worker's practice associated significantly with work place. A complementary study of food additives needs to conducted study among the consumers to improve their attitude as well as practices.

References:[1] Esfandiari Z, Ghassami N & Hosseini H 2017. Examination of the Antimicrobial Preservatives of Benzoic Acid and Sodium Benzoate in Different Food Products in Iran: A Review of the Current Evidence. Journal of health system research. 13 (1): 1 -9 [In Pesian].

[2] Wu L, Zhong Y, Shan L & Qin W 2013. Public risk perception of food additives and food scares. The case in Suzhou, China. Appetite. 70: 90 -98.

[3] Nimah Bahreini Esfahani; PhD 1 , Hassan Ziaei ; MSc 1 & Zahra Esfandiari; PhD*The Knowledge, Attitudes, and Practices toward Food Additives in Personnel of Isfahan University of Medical Sciences in Iran.2021 https://jnfs.ssu.ac.ir/browse.php?a_id=325&sid=1&slc_lang=en&html=1

[4] Wilcock A, Pun M, Khanona J & Aung M 2004. Consumer attitudes, knowledge and behaviour: a review of food safety issues. Trends in food science & technology. 15 (2): 56-66.

Keywords: Food additives, paramedical staff, practice & attitude.

Prevalence of meningitis among children under fifteen years for the period of 2018 to 2022 in Hilla city

Noor Al_huda Anwar ; Suha Atteia Kadhdam

1- Middle Technical University –Collage of the Health and Medical Technology

2- Middle Technical University – Collage of the Health and Medical Technology

Introduction: The existence of microorganisms in normally sterile body fluid samples may be representative of dangerous infections [1]. Bacterial meningitis is a universal public health concern, with various accountable etiologic agents that vary by age group and geographical region. Bacterial meningitis, an infection of the membranes (meninges) and cerebrospinal fluid (CSF) surrounding the spinal cord and brain, is the main reason of decease and disability worldwide [2]. Bacterial meningitis can be deadly in fifty percent of cases if untreated. Even when diagnosed early and treated adequately eightfifteen percent of the patients die, typically within twenty-four and forty-eight hours of symptom onset [3]. Furthermore, ten-twenty percent of the survivors are prone to permanent sequelae involving brain harm, hearing lack, and learning disabilities [4]. In the united states, bacterial meningitis was responsible for an estimated 4100 cases and 500 decease yearly between 2003 and 2007 [5]. In developing, nations face the highest burden of illness [3]. were reported [WHO, 2017].

Methodology: Study Design :A descriptive (retrospective) study used assessment approach was carried to explore prevalence of meningitis for the period of September 1st2018 to Januar 1st2019.Study Sitting: Conducted at Statistics Unit in Babylon Teaching Hospital for Maternity and Pediatric.Sample of Study: A sample convenience sample of (N=884) was collected five years from (2014, 2015, 2016, 2017, and 2018) and was for all months of the years for children with meningitis. As a medical records of statistic considered a study tools. Statistical Data Analysis: A descriptive statistical (SPSS) version XX analysis approach that includes, frequencies, percentages, and graphical presentation of Chart. There are actually five types of meningitis-bacterial, viral, parasitic, fungal, and non-infectious- each classified by the cause of the diseases.

Results:

Age		Years									
		2018		2019		2020		2021		2022	
		No.	%	No.	%	No.	%	No.	%	No.	%
<1 year	male	79	40.51	64	30.18	64	38.09	74	31.75	22	32.83
	female	47	24.10	58	27.35	49	29.16	63	27.03	20	29.85
1-4 years	male	25	12.82	27	12.37	13	7.73	27	11.58	12	17.91
	female	20	10.25	26	12.26	17	10.11	28	12.01	7	10.44
5-9 years	male	9	4.61	13	6.13	11	6.54	17	7.29	3	4.47
	female	10	5.12	17	8.01	10	5.95	17	7.29	3	4.47
10-14 years	male	2	1.02	5	2.35	3	1.78	5	2.14	0	0
	female	3	1.53	2	0.94	1	0.59	2	0.85	0	0
Total		195	100	212	100	168	100	233	100	67	100

Discussion: Present study results refer that the May is the most frequent month of meningitis in the last four years. As well as, findings reveals that 2021 recorded the highest percentage in the prevalence of meningitis, while the year 2018 recorded the lowest percentage .Results disagree with a time-series analysis has been conducted sub-Saharan Africa. Results indicated meningitis prevalence during the winter months in countries in both the northern andsouthern hemispheres. The three pathogens shared similar seasonality, but time-shifts differed by country [6]

Conclusion: During hot weather, meningitis increases, and frequent among male who under one years. Health institutions (hospitals) need to be consider that the climate play an important role in frequent of meningitis especially those who are under the age of one year to take the necessary measures against infection and dealing with the infected.

References:

1. Kenberg, H.: Clinical Microbiology Procedures Handbook. 2 ed. Washington DC: ASMpress; 2004.

2. World Health Organization (WHO) meningitis manual: Laboratory Methods for the Diagnosis of Meningitis

Keywords: Prevalence, Meningitis, Under Fifteen Years

Student Suicide attempt: Development of a Predictive Model Based on National Data for Schools

Luay M. Mohammed[1] ; Seyed S. Hashemi[2] Issam S. Ismail[3] Mohammed A. Jalal[4] Mustafa A. Jawad[5] Sarmad H. Abed[6]

1- PhD Student in Epidemiology/ PHS / SBMU/ Tehran. Iran.

2- Epidemiology department / SBMU/ Tehran. Iran.

3- PhD Student in Epidemiology/ PHS / SBMU/ Tehran. Iran.

4- PhD Student in Epidemiology/ PHS / SBMU/ Tehran. Iran.

5- PhD Student in Epidemiology/ PHS / SBMU/ Tehran. Iran.

6- PhD Student in Epidemiology/ PHS / SBMU/ Tehran. Iran.

Abstract

Introduction: Suicide attempts are referred to as suicidal thoughts where a person is preoccupied with unusual ideations about suicide, and is a major global public health concern especially among young people. [1].Each year, about 4 million adolescent worldwide attempt suicide. Suicide is the third leading cause of death among adolescents. Suicide rates in Kuwait increased from 3.2 in 2002 to 6.1 per 100,000 population in 2010. While not all suicidal thoughts materialize in suicide, prevention of suicide attempt may curtail suicide rates. Information on suicide attempt among adolescents is scanty in Kuwait and in the region as a whole partly due to the illegality of suicide. The prevalence rate of suicidal ideation of 20.0% among participants in a 2010 Kuwait Global School-based Student Health Survey [3]. As such, there has been increasing interest in understanding the factors that contribute to suicide attempts and in developing models that predict factors for suicide attempts among school students.

Methodology: This study utilized secondary data analysis and employed multivariate modeling techniques. The data used in the analysis was obtained from the 2015 Kuwait Global Student Health Survey inSchools (GSHS). The primary binary outcome variable in this study was suicide attempts, which was categorized into two groups. The potential predictors included various factors such as demographics (age, sex), school grades, engagement in school violence (being bullied, physically attacked, engaging in physical fights), mental health problems (feelings of loneliness, worry, suicide ideation, suicide planning, and social isolation), and protective factors (parental monitoring and connectedness).The models were specified using logistic regression, employing forward and backward step methods. The fitting of the models was evaluated based on Akaike's information criterion and Bayesian information criterion. Model performance was assessed using discrimination measures such as calibration chart,

AUC/C-statistic, and Brier score. A significance level of 0.05 was used to determine statistical significance.

Results: A total sample of 3637 Kuwaiti students was included in this research. The mean age of the students was 15.11±1.61.The prevalence ratio of suicide attempts among all students was 598 (17.4%). When considering the forward and backward factors, it was found that students who contemplated suicide and those who planned suicide were more likely to attempt suicide, with adjusted odds ratios (AORs) of 6.231 (95% CI: 4.486-8.654) and 3.048 (95% CI: 2.181-4.260), respectively.The assessment measures for model performance were based on the ROC curve and the predicted probability. The forward model had a predicted probability of 0.843, while the backward model had a predicted probability of 0.846. The calibration of the models was evaluated using a calibration belt, and the Brier score was calculated to be 0.0767 for the forward model and 0.0754 for the backward model.

Discussion: The results of this study revealed that students who experienced suicidal contemplation and engaged in suicide planning were more likely to attempt suicide, with adjusted odds ratios (AORs) of 6.231 (95% CI: 4.486-8.654) and 3.048 (95% CI: 2.181-4.260), respectively, compared to students who did not exhibit these behaviors. It is important to note that suicidal ideation is not only a strong risk factor but also a stage in the process leading to suicide, from planning to the actual act of committing suicide [3]. Therefore, prevention efforts targeting suicidal ideation may have the potential to prevent actual suicide attempts and completed suicides.

Conclusion: The prediction model with good performance indicated that students who experienced aggressive relationships, poor mental health, lack of peer support at school, and absenteeism were more likely to engage in suicide attempts. These findings highlight the importance of implementing health promotion programs aimed at enhancing students' abilities to cope with daily behavioral, these programs can play a crucial role in preventing suicide attempts among students.

References:

1.Stein DJ, Chiu WT, Hwang I, et al (2010). Cross-national analysis of the associations between traumatic events and suicidal behavior: PloS 1 2010; 5:e10574.

2.El-Sayed Badr H (2010). Suicidal behaviors among adolescents – the role of school and home environment. Crisis. DOI: 10.1027/0227-5910/a000426.

3.Eric M Njunju, et al (2017). SUICIDAL IDEATION AMONG IN-SCHOOL ADOLESCENTS IN URUGUAY. ISBN: 978-1-53611-788-2 Editors: Nova Science Publishers, Inc

Keywords: Suicide attempt, Development, Prediction model, Schools, National data based and Students

Clinical And Epidemiological Profiles Of Stroke Among Patients Admitted To A Referral Teaching Hospital, Babvlon. Iraq

tuqa ali talib 1 hasan alwan baiee 2

1-Senior Nursing Student \ Nursing Department, Hilla University College

2- Emeritus Professor \ Nursing Department, Hilla University College ,Babylon, Iraq

Abstract

Introduction: Stroke is a neurological lesion which takes place rapidly and continues more than one day the cause due to vascular defects (Norrving, 2014Brainin et al., 2013;). Globally stroke considered the third leading cause of mortality (. World Heart Federation,2016). This disease has a serious burden on the community due to its serious consequences ,social ,psychological, physical as well as the financial burden (Pandit 2020;Kamalakannan et al.2017). The disease burden is high in well-developed high income countries ranking the third cause of morbidity burden .(Katan and Luft, 2018; Rajsic et al., 2019). A considerable health care financial allocation goes to stroke in European countries (Xu et al., 2018). There are two main types of stroke ischemic type and due to interference of blood flow , and the hemorrhage one that lead to death of brain tissue. (Ralston et al., 2018;Simon, Aminoff and Greenberg, 2018). The Corona virus epidemics in both developed and under developed countries have worsen the care for stroke patients (Sylaja,2020).There are both modifiable and non-modifiable Potential risk factors for stroke which depend on its type. Mainly , potential risks for ischemic type are non-modifiable risk factors such as aging , gender , presence of positive family history of stroke (Ralston et al., 2018; Simon, Aminoff and Greenberg, 2018;Norrving, 2014; Brainin et al., 2013) . While risk factors for hemorrhagic type includes ; progressing in age , arterial hypertension and diabetes mellitus among others (Norrving , 2014; Ralston et al., 2018). The current study was done to explain the epidemiologic profile and the the associated risk factors among sample of stroke patients admitted to referral hospital in Babil governorate- Iraq . A local recent study concluded that nursing knowledge and practice in Iraq are not satisfactory regarding stroke care .(AL –abedi HM & Mansour KW,2022)

Methodology: This was a descriptive snap shot - study , the study site was Alsadiq teaching reference hospital which included 440 beds , and stroke unit, the period of study started from the first of September through the end of December 2022, data gathering were done single handy by the researchers using a semi structure questionnaire adopted from other studies[ ], this data collection tools included questions about demographic characteristics and data about other associated factors, the convenient sample included confirmed stroke patients ,diagnosed by consultant neurologists by clinical picture and Computerized Tomography and MRI. Data collection was carried out by researchers through face to face interview of patients and or their companions after obtaining their informed verbal consents.

Data analysis was done using SPSS version 21, chi square and t test, statistical test were used to identify the relationship between variables , p value <0.05 considered significant in this study.

Results: Female to male ratio was (1.5-1) , the mean age was (63years) ,most of patients were urban dwellers. ,the majority of participants had low educational level ,Ischemic stroke constituted (51.9%). Hypertension was associated with (70.9%) ,diabetes mellitus was second comorbidity associated with stroke (40 %) , while (30.4%) of them gave a previous history of stroke among the study group, about 38% were ether current tobacco smokers (11.39%) or ex-smokers (26.6%).Conclusion : stroke was common serious problem in Iraqi males , the most common associated comorbidities among stroke patients are hypertension, diabetes , and previous stroke. Prevention measures at different levels are strongly requested.

Discussion: The findings of this study reveals that that the mean age of stroke patients is (63.22year) this findings goes in line with finding of other local study conducted in Erbil governorate –Iraq (Ahmed Mzury, et al., 2022) as well as other studies(Essa , et al., 2011) .The educational levels of stroke patients are low among our patients, this association is similar with other studies which considered poor education as risk factor of stroke (Hasan, and Mukhelif, 2008;Yi et al., 2020). In the current study males are predominant, this finding is similar to finding reported by other studies(Bushnell et al 2018; Hiraga A,2017;Abdul-Razak and Shati, 2008)) , this may be explained by the fact that the modified risk factors are more among males compared to females such as tobacco smoking, alcohol and illicit drugs use as well as hazardous occupational exposures and the high prevalence of chronic diseases such as diabetes atherosclerosis and smoking low serum vitamin D(Zainel et al.,2019; Abdul-Razak and Shati, 2008),but this result disagrees with other studies (Suliaman,2018;Al-Ubaidy, 2007) . .

Conclusion: Males were predominant , ischemic type of stroke constituted more than half of the sample , high arterial blood pressure , diabetes mellitus and having previous stoke are the main associated factors among stroke patients, the majority of patients have low educational levels.

References: 1. Abdul-Razak H, Shati S.(2008). 'An Evaluation of Risk Factors for Stroke in Iraqi Patients', IJCM, 21(4), pp. 320-325.Iraqi Medical Journal

2. Ahmed Mzury AF.Al-Tawil NG, Kheder AH, Al-Sulaivany HAT. Three months outcome of a sample of stroke patients in Erbil city. Zanco J Med Sci, 2022; 26 (3):270-277

3. Al-Ubaidy KK. (2007) Delayed Arrival of Stroke patients to the Hospital', Al-Qadisiyah Medical Journal, 3(4), pp. 41-51.

4. AL-abedi HM & Mansour KW. Nurses Knowledge and practice concerning Nursing Management for Patients with Stroke. Kufa Journal for Nursing Science; 2022, 12 (1): 212-221.

5. Baiee HA. Outcomes of Applying District Team Problem Solving Approach in Iraq. Eight years Experience. Iraqi Medical Journal;2013, 59(1):1-8

6. Baiee HA, Atyah MS, Kamel MA(2015). Risk Factors of Hypertension Among Apparently Healthy Workers in Al-Hilla Textile Establishment. Medical Journal of Babylon;12(3):857-866

7. Brainin M. Heiss WD. Tabernig S. (2019) Textbook of Stroke Medicine. Second edi.

Keywords: stroke , clinical ,epidemiological profile, associated factors , hospitalized patients Babylon , Iraq

Assessment of Depression among Medical Students in Baghdad

Noor Al_huda Anwar [1]; Suha Atteia Kadhdam [2]

1- Middle Technical University –Collage of the Health and Medical Technology
2- Middle Technical University – Collage of the Health and Medical Technology

Abstract

Background and Aims: Depression is a low mood and aversion to the activity, affecting a person's thoughts, feelings, behavior, tendencies, and sense of well-being. Symptoms of this mood disorder are marked by sadness, difficulty in thinking and concentration, inactivity, and a significant increase/decrease in time spent sleeping and appetite. To assess depression among students and its risk factors that can explore the prevalence of depressive symptoms and their relationships to socio-demographic variables among a sample of medical students in Baghdad.

Materials and Methods: A cross-sectional study was designed, including medical students attending the College of Health and Medical Techniques in Baghdad, Iraq. Sample size was 100 cases from the college of health and medical techniques that were eligible to participate in this study. The data collection was carried out throughput designing interviews by direct interviews with the researcher from 24th December 2021 to 29th February 2022. The questionnaire included two sections. Section 1 included questions about the participants' demographics, including gender, college year, marital status, and other questions. The second section included the PHQ-9 score; a questionnaire used to test depression using nine questions; each has four possible answers. The scores were calculated using SPSS IBM-version 26.0.

Results: Most of students in this study were with mild Depression (38%), followed by moderate (27%), and lastly, Severe (17%). Depression assessment of affected students was based on Patient Health Questionnaire (PHQ-9). The PHQ-9 is the depression module, which scores each of the nine DSM-IV criteria as "0" (not at all) to "3" (nearly every day). Depression Severity: 0-4 none, 5-9 mild, 10-14 moderate, 15-19 moderately severe, 20-27 severe. Most of the Male Students in this study were suffering from Mild Depression (55.3%), followed by

Severe (41.2%), and lastly, Moderate (40.7%). And most of the Female Students in this study were suffering from Moderate Depression (59.3%), followed by Severe (58.8%), and lastly Mild (44.7%). All variables in this study (Gender, Age Categories, Age, Marital status, and Socioeconomic Status) were not statically significant with a p-value of more than 0.05.

Conclusion: Implication of anxiety and depression are of serious concern that could result in loss of potential to handle various stressors encountered at college, impairment of functioning in classroom performance and later in service life. So, steps should be taken to reduce depression, anxiety and stress among undergraduate students. Adequate service should be provided to manage psychological problem by college authority. Further research should be carried out on large sample in different colleges which should include both public and private colleges. The prevalence of depression among students at the College of Health and Medical Techniques was high. Recommendations include great variety in the types of health-promotion programs currently offered, including self-development groups, yoga interventions, mindfulness, and lifestyle programs, self-hypnosis, small group stress-management programs, time management programs, reflective writing sessions, curriculum changes, grade changes, and educational electives.

Keywords: Depression, Mood, Performance, Behavior, disorder.

The role of policemen in saving life of people and preventing suicide deaths by "mean restrictions" strategy

Issam S. Ismail 1, Hasan Alwan Baiee 2 Aqel Naji Al-Zubaidy 3

1-Public Health Specialist, Health Directorate of Wasit Province. PhD Student in Epidemiology/ School
of Public Health and Safety/ Shahid Beheshti University for Medical Sciences/ Tehran/ Iran.
2- Emeritus Professor/ Nursing Department, Hilla University College, Babylon
3- MSc. in Ecology/ Health Directorate of Wasit Province.

Abstract

Background and aim: Suicide is a serious public health problem that can have lasting harmful effects on individuals, families, and communities. Suicide is preventable and preventing suicide requires strategies at all levels of society. Reducing a suicidal person's access to highly lethal items or places is an important step of suicide prevention. The aim of this research was to identify the role of policemen in prevent suicide death by "mean restrictions" strategies.

Methodology: Descriptive cross-sectional study conducted to enroll all survival cases of suicide that notified from Ministry of Interior via Telegram public channel. Data collected for the period from 14 March 2021 to end of 2022, and derived from Telegram channel of Ministry of Interior (the channel created in 14 March 2021) and followed with more than 39000 subscribers. Data included all reported information such as demographic characteristics (person, place and time), suicide methods, time of rescue, and national statistics of suicide cases were derived from annual health reports. Chi-Square Test was used to test whether observed data differ significantly from theoretical expectations.

Results: A total of 64 suicide survival cases enrolled in this work from different setting in Iraq. This number of cases was about 7% of the total reported suicide death (917 case) in last two years (2021 and 2022). Most of reported cases were young people and many cases reported without age in years. Female survivors formed 53% of cases. Cases reported in 2021 and 2022 were 38 and 26 case respectively. The distribution of cases across seasons were 28, 20, 12 and 4 cases in Summer, Spring, Autumn and Winter respectively with significant observed variation ($P < 0.001$). The vast majority of cases reported in Baghdad with 48 cases, followed by Babylon with three cases, Najaf and Ninewa with two cases for each province, individual cases reported from other seven provinces. The most common method of suicide was jumping or try to jump from bridges with (59 cases), followed by two cases throwing in-front of cars and one case by fire. The number of survivors who jumped/ tried to jump were (9 cases) from Al-Jadriyah Bridge followed by Imams Bridge with (7 cases), other cases reported individually from more than 15 bridges in different provinces. Most of cases rescued before jumping and some of them rescued from rivers after jumping. Seven females reported they attempted suicide because of domestic violence and family problems. Different formations of police were taken

part in saved life of survivors especially, river police, emergency police and community police detachments.

Conclusion: In Iraq, policemen have a crucial role in saving life of people, and high number of suicide deaths were prevented by restricting persons access to deadly places. The higher proportion of cases occurred in hot season and commonly prevalent in Baghdad province. Jumping form bridges was the main method of suicide. Well design questionnaire to collect data from survivors and first responders are needed. Training and support of first responders are crucial.

Keywords: suicide, mean restrictions, strategy, jumping, life, bridge, policemen

Clinical and epidemiological profile of patients with stroke: a hospital-based study in Babylon

Tuqa Ali Talib1, Hasan Alwan Baiee2

1- Senior Nursing Student, Hilla University College
2- Professor of Community Medicine /Nursing Department /Hilla University College

Abstract

Background and aims: Stroke was considered the third leading cause of mortality, especially among middle- and low-income countries, scarce clinical and epidemiological data exist for stroke in Iraq.

The study aimed to investigate the clinical and epidemiological characteristics among a sample of diagnosed stroke cases admitted to Imam Al-Sadiq Reference Teaching Hospital in Babylon governorate/ Iraq.

Methodology: This was a hospital-based descriptive cross-sectional study, which was conducted at Imam – Alsadiq Teaching Hospital on convenient sample of (79) patients with stroke in Babylon. Data were collected by using a semi-structured questionnaire which included demographic characteristics and questions about clinical characteristics, comorbidities and other related factors with stroke. Data collection was done single handy by a researcher through face-to-face interview after obtaining informed verbal consents from all patients. Diagnosis of cases depended on clinical picture and Computerized Tomography.

Results: Female to male ratio was 1.5-1, the mean age of patients was 63 years, most of patients were urban dwellers and the majority of studied participants had low educational level. Ischemic stroke constituted 51.9% of the total cases. The most prevalent comorbidities were hypertension and diabetes mellitus with a proportion of 70.9% and 40% respectively. About 30% of patients have a previous history of stroke, and 38% were tobacco users, either current tobacco smokers or ex-smokers with a proportion of 11.39% and 26.6% respectively.

Conclusion: Stroke was found to be common serious problem in Babylon. The most common prevalent comorbidities among stroke patients were hypertension and diabetes and about one-third presented with a history of previous stroke and tobacco smoking. Prevention measures at different levels are strongly requested. Prospective studies are needed to investigate the impact of the interaction between sex and age in contributing to hypertension and diabetes mellitus, treatment and control.

Keywords: *stroke, clinical, epidemiological profile, associated factors, hospitalized patients Babylon, Iraq*

پنل ارگونومی

بررسی رابطه ی نوبت کاری با استرس شغلی در پرستاران بخش های درمانی یکی از بیمارستان های آموزشی شهر اهواز

حسینعلی رنگ کوی[1]، ریحانه تقی[2]

۱. استادیار، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

۲.کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

زمینه و هدف: یکی از معضلات اساسی که در طی چند دهه اخیر به دنبال تحولات جوامع و روی آوردن به زندگی مدرن، انسان ها را در معرض خطر قرار داده است پدیده ی استرس است. استرس یا فشار روانی شایعترین، فراگیرترین و مخرب ترین نیروی موجود در جامعه امروزی است که بخش مهمی از آن ناشی از شغل آنهاست. نیروی کار هر کشور، بخش مهمی از سرمایه ملی آن کشور بوده و از پایه های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن محسوب می شود. از این رو، تامین و حفظ سلامت نیروی کار، ایمنی و بهداشت محیط کار از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. استرس شغلی پدیده جهانی و رو به گسترش است که به عنوان یک عامل خطرساز در بروز بیماری های جسمی و روانی شناخته شده است و منجر به کاهش عملکرد و رضایت شغلی می گردد و استرس شغلی زمانی رخ می دهد که بین نیازهای شغلی، توانایی ها و قابلیت ها و خواسته های فرد هماهنگی وجود نداشته باشد.مطالعه حاضر با هدف بررسی رابطه بین نوبت کاری با استرس شغلی در پرستاران بخش های درمانی یکی از بیمارستان های آموزشی شهر اهواز صورت پذیرفت.

مواد و روش ها: در یک پژوهش توصیفی-تحلیلی و به روش مقطعی می باشد. به منظور بررسی ارتباط استرس شغلی و نوبت کاری ۹۰ نفر از پرستاران یکی از بیمارستان های آموزشی اهواز از میان جامعه ۱۶۰ نفری به طور تصادفی انتخاب شدند و به منظور بررسی میزان استرس شغلی از پرسشنامه ی استاندارد استرس شغلی اسیپو استفاده شده است و در نهایت برای استخراج اطلاعات پرسشنامه و تحلیل داده ها و بررسی ارتباط بین متغییرهای مورد مطالعه از نرم افزار SPSS23 و آزمون تی مستقل و جدول آنالیز واریانس و آزمون نرمالیتی شاپیروویک استفاده می کنیم.

نتایج: نتایج نشان می دهد که میانگین استرس شغلی در سه شیفت کاری تفاوت معناداری ندارد بنابراین استرس شغلی رابطه ای با شیفت کاری ندارد. میزان استرس شغلی در بخش های مختلف بیمارستان برابر است و میزان استرس رابطه معنی داری با بخش های مختلف بیمارستان ندارد، همچنین بین میزان تحصیلات و استرس شغلی رابطه معناداری وجود ندارد و به طور کلی میانگین استرس بین زنان و مردان یکسان بوده است.

نتیجه گیری: نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد بین استرس شغلی و نوبت کاری، سن، جنسیت، وضعیت تاهل و میزان تحصیلات رابطه معناداری وجود ندارد لذا می توان به این نتیجه دست یافت که استرس شغلی از عوامل دموگرافیک و شیفت

کاری تاثیر پذیر نبوده است و می توان بیان نمود که نوبت کاری عامل موثری در میزان و منابع استرس پرستاران این بیمارستان نمی باشد به گونه ای که میزان استرس در کارکنان نوبت کار شب برابر سایرین می‌باشد.

واژگان کلیدی: *پرستاران، استرس شغلی، شیفت کاری*

تدوین مدلی برای پیش بینی فرسودگی شغلی کارکنان یک صنعت پتروشیمی بر پایه عوامل ریسک اجزای سامانه کار

رحمان زارع[۱]،رضا کاظمی[۲]،علیرضا چوبینه[۳]،حمیدرضا مکرمی[۲]

۱-کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده ی بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

۲-گروه ارگونومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

۳-مرکز تحقیقات علوم بهداشتی،دانشکده بهداشت،دانشگاه علوم پزشکی شیراز،شیراز،ایران

چکیده

مقدمه: فرسودگی شغلی یکی از عارضه های مهم است که در سال‌های اخیر روند شیوع آن در بین کارکنان رو به پیشرفت است. عوامل استرس‌زای روانی-اجتماعی به عنوان فصل مشترک به وجود آورنده فرسودگی شغلی شناخته شده است. مطابق با اصول ماکروارگونومی، این عوامل ریسک چندگانه بوده و وابسته به اجزای سامانه کار در هر سازمانی هستند. این مطالعه با هدف بررسی تاثیر عوامل استرس‌زای چندگانه روانی-اجتماعی مرتبط با سامانه کار بر فرسودگی شغلی انجام شد.

روش کار: این مطالعه در یکی از پتروشیمی‌های جنوب کشور انجام شد. در ابتدا، بر اساس مطالعه کیفی، پرسشنامه جامع عوامل استرس‌زای روانی-اجتماعی مرتبط با سامانه کار طی انجام مصاحبه نیمه ساختار یافته با روش تحلیل محتوا مبتنی بر مدل سامانه کار و تطابق حیطه های شناسایی شده با خرده مقیاس ها و گویه‌های پرسشنامه‌های استاندارد مطالعات پیشین تدوین و توسعه داده شد. درنهایت، پرسشنامه عوامل استرس‌زا به همراه پرسشنامه فرسودگی شغلی ماسلاخ در بین ۴۵۰ از نفر کارکنان شرکت توزیع شد و مهم‌ترین عوامل ریسک تأثیرگذار بر فرسودگی شناسایی شدند. به‌منظور بررسی و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهایExcel 2016، SPSS نسخه‌ی ۲۳ استفاده شد.

نتایج: نتایج مدل‌سازی رگرسیونی نشان داد متغیرهای نیازهای شغلی، معنی‌داری شغل، تعارض بین کار و خانواده و نظام کاری تأثیر معنی‌دار بر خستگی عاطفی داشتند. در حیطه مسخ شخصیت متغیرهای معنی‌داری شغل، خشونت و آزار و اذیت و تعارض بین کار-خانواده دارای ارتباط مستقیم و معنی‌داری داشتند و امنیت شغلی دارای ارتباط معکوس و معناداری بود. در حیطه کفایت فردی متغیرهای تسهیلات و امکانات رفاهی، معنی‌داری شغل، مشکلات ساختاری سازمان و اختیار در شغل دارای ارتباط معکوس و معناداری بر روی مقیاس فرسودگی شغلی داشتند.

نتیجه‌گیری: درمجموع، یافته‌های این مطالعه حاکی از آن بود که دو عامل استرس‌زای مشکلات مرتبط با معنی‌داری شغل و تعارض بین کار و خانواده، از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر فرسودگی شغلی کارکنان شرکت بودند. بنابراین شایسته است اقدامات مداخله‌ای و کنترلی آینده بر این دو حیطه تمرکز ویژه‌ای داشته باشند.

کلمات کلیدی: فرسودگی شغلی ، عوامل روانی اجتماعی ، مدل سازیرگرسیونی ،سامانه‌ی کار، ماکروارگونومی

بررسی آسیب های اسکلتی عضلانی ناشی از تلفن همراه در زمان شیوع بیماری کرونا در کارکنان مراکز بهداشتی درمانی

مرتضی کهن سال[۱]، محمدحسین صفری[۲]، سیده مریم حمزه بریجانی[۳]، سمیه والایی شریف[۴]

۱-کارشناسی ارشد، مهندسی بهداشت حرفه ای، شبکه بهداشت و درمان، دانشگاه علوم پزشکی مازندران
mori_aban5@yahoo.com

۲-کارشناس ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، مدیر و مسئول فنی شرکت ایمن سلامت شمال

۳ و۴-کارشناس بهداشت محیط، شبکه بهداشت و درمان شهرستان بهشهر، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

چکیده

زمینه و هدف: تلفن همراه در دهه اخیر شیوه زندگی بشر را دستخوش تغییراتی شگرف کرده است. گوشی‌های هوشمند امروزه جایگزینی در حد یک کامپیوتر برای افراد با نیازهای مختلف شده است. در کنار مشکلات روانی که بسیار حائز اهمیت است، مساله مهم دیگر ایجاد اختلالات اسکلتی عضلانی است به گونه ایکه در این افراد آسیب‌های ناحیه گردن، شانه، مچ دست و انگشتان شایع می‌باشد. در زمان شیوع بیماری کرونا با افزایش حجم کار کارکنان بهداشت و درمان، استفاده از تلفن همراه نیز به همان اندازه افزایش یافته است.

مواد و روش ها: این مطالعه به صورت مقطعی و توصیفی میان کارکنان واحدهای مختلف مراکز خدمات جامع سلامت شهری و روستایی انجام شد. در نمونه گیری صورت گرفته ۹۷ نفر (شامل ۵۸ زن و ۳۹ مرد) پرسشنامه بادی مپ را درباره سابقه اختلالات اسکلتی عضلانی و تجربه استفاده از گوشی همراه تکمیل کردند. به کمک نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ از آزمون آماری t زوجی وابسته با سطح معناداری P value کمتر از ۰/۰۵ استفاده شد.

نتایج: فعالیت در اینترنت و حضور در فضای مجازی رایج ترین وظایف شرکت کنندگان در زمان این مطالعه(شیوع کرونا) بود. استفاده از گوشی همراه سبب افزایش درد و ناراحتی در گردن، شانه، مچ، شست و ریشه شست شده است. نتایج بررسی نشان داد ۸۳٪ زنان شاغل و ۵۴٪ مردان حداقل یکبار در هفته درد ناحیه گردن را تجربه کرده اند. همچنین ناراحتی شانه در مردان و زنان به ترتیب ۴۸٪ و ۶۹٪، درد ناحیه مچ دست(راست) نیز ۵۷٪ در مردان و ۷۱٪ در زنان ثبت گردید. از نظر واحدهای کاری نیز کارشناسان بهداشت خانواده و ماما دارای بیشترین ناراحتی بوده اند.

نتیجه‌گیری: فاکتورهای متعددی در ایجاد آسیب های اسکلتی عضلانی کاربران تلفن همراه نقش دارد. در اکثر موارد کارکنان هنگام کار کردن با تلفن همراه تلاش چندانی برای تغییر پوسچر بدن و دست گرفتن گوشی ندارند و همین امر در طولانی مدت سبب ایجاد حالت بدنی ثابت می شود که عضلات مشخصی را منقبض و دچار ضعف اکسیژن رسانی می کند. حرکات تکراری و نبود ورزش در برنامه روزانه می تواند باعث ایجاد اختلالات اسکلتی عضلانی شود.

واژگان کلیدی : *تلفن همراه، کرونا، اختلالات اسکلتی عضلانی*

ارزیابی استرس شغلی و ارتباط آن با کیفیت خواب در پرسنل اورژانس استان چهارمحال و بختیاری

بهنام مرادی[۱،۲]، مسعود امیری[۲]، یزدان محمودیان[۲،۳]، سمیرات برکات[۴*]

۱-کارشناسی ارشد، گروه سلامت، ایمنی و محیط زیست، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران،ایران

۲-معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

۳-کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور، اهواز، ایران

۴-کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

زمینه و هدف : پرسنل اورژانس به عنوان یکی از کلیدی ترین ارکان سیستم درمان، نقش بسزایی ایفاء می کنند. استرس شغلی و کیفیت خواب ازجمله فاکتورهایی می باشند که در صورت بی توجهی علاوه بر ایجاد اختلالات جسمی و روانی میتوانند بر کیفیت و راندمان پرسنل اثرات نامطلوبی داشته باشند. بنابراین مدیریت استرس شغلی و کیفیت خواب، برای دستیابی به حداکثر کارآیی اهمیت بسیاری دارد. این مطالعه با هدف ارزیابی استرس شغلی و ارتباط آن با کیفیت خواب در پرسنل اورژانس استان چهارمحال و بختیاری انجام شد.

مواد و روش ها : در این مطالعه توصیفی- تحلیلی از نوع مقطعی که در سال ۱۴۰۱ انجام شد، ۱۱۰ نفر از شاغلین اورژانس استان چهارمحال و بختیاری به طور تصادفی مورد بررسی قرار گرفتند. به منظور جمع آوری داده ها از پرسشنامهٔ دموگرافیک، پرسشنامه استاندارد استرس شغلی HSE و پرسشنامهٔ کیفیت خواب پیترزبورگ استفاده شد. شرایط ورود به مطالعه داشتن حداقل یک سال سابقه کاری، عدم اعتیاد به مواد مخدر و عدم اختلالات خواب بود. آزمون های آماری مختلفی انجام و به منظور تحلیل داده های جمع آوری شده از نرم افزار آماری SPSS نسخه ۲۲ استفاده شد. سطح معنی دار برای آزمون آماری کمتر از ۰/۰۵ درنظر گرفته شد.

نتایج : در این مطالعه پرسنل دارای میانگین سنی ۳۵/۳۴ سال و میانگین سابقه کار ۸/۵۶ سال بودند. ۵۸/۶٪ آنها دارای استرس شغلی زیاد ، ۲۸/۸٪ استرس متوسط و ۱۲/۶٪ از آنها استرس شغلی پایین داشتند. کیفیت خواب در ۴۰/۱۸٪ پرسنل اورژانس مطلوب و ۵۹/۸۲٪ آنان نامطلوب بود. استرس شغلی با سن (P_{Value}<۰/۰۰۱) و سابقه کار (P_{Value}<۰/۰۰۱) رابطه معناداری داشت. ارتباط بین استرس شغلی و کیفیت خواب (P_{Value}=۰/۰۰۲۵) معنادار به دست آمد.

نتیجه گیری : با توجه به تحلیل نتایج، میزان استرس شغلی پرسنل اورژانس بالا بوده است که این امر می تواند بر عملکرد و کیفیت خواب آنها تاثیر منفی داشته باشد. بنابراین به منظور ارتقاء عملکرد پرسنل، باید در اسرع وقت عوامل استرسزا و همچنین عواملی که منجر به ایجاد اختلال در کیفیت خواب آنها می شود شناسایی شده و سپس راهکارهای تعیین شده بر اساس سلسله مراتب اقدامات کنترلی، اجرایی شوند.

واژگان کلیدی : *استرس شغلی، کیفیت خواب، اورژانس، چهارمحال و بختیاری،شاغلین*

تاثیر پیاده روی روی کیفیت زندگی زنان سالمند:مروری بر شواهد موجود

فاطمه کرباسی ولاشانی[۱] ، محمد امین معصومی[۲] ،علیرضا رفیع[۳]

۱.دانشجوی کارشناسی پرستاری،عضوکمیته تحقیقات و فناوری دانشجویی،دانشکده پرستاری مامایی دانشگاه ازاد فلاورجان،اصفهان،ایران.

*۲. دانشجوی کارشناسی پرستاری،عضوکمیته تحقیقات و فناوری دانشجویی،دانشکده پرستاری دانشگاه ازاد بندرعباس، بندرعباس،ایران.

۳. ارشد پرستاری سالمندی ، مربی گروه پرستاری،دانشکده علوم پزشکی بهبهان ، بهبهان ، ایران.

چکیده

مقدمه: افزایش سن تأثیرعمیقی برتمام اعضای بدن وکیفیت زندگی دارد. یکی ازمداخلات مناسب ورزشهایی مانند پیاده روی است.پیاده روی سبب بهبود توانایی انعطاف‌پذیری وتحرک، بهبود عملکرد شناختی وبهبود سازگاری روانی عملکردی شده که میتواند سهم بسزایی بر کیفیت زندگی سالمندان داشته باشد. بنابراین این مطالعه مروری با هدف مطالعه تاثیر پیاده روی روی کیفیت زندگی زنان سالمند انجام شد.

روش کار: این مطالعه مروری با سرچ در پایگاه های اطلاعاتی WOF، SID ، PubMed ، Scopus و موتور جستجوی google scholar با کلیدواژه های (ورزش_پیاده روی_عملکرد شناختی_سازگاری روانی عملکردی_کیفیت زندگی زنان سالمند)و(exercise _walking_ Cognitive function_ Functional psychological adjustment_ Quality of life for the elderly women) طی سالهای ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۲ انجام شد.

یافته ها: نتایج مطالعات مختلف نشان داد که عملکرد روانی اجتماعی زنان ۶۰ تا ۷۵ سال، پس از ۱۶ هفته پیاده‌روی افزایش داشت وبا افزایش جلسات هفتگی تمرین، اثربخشی پیاده‌روی نیز بیشتر شد.همچنین زنان سالمندی که ۱۵ الی ۳۰ دقیقه پیاده روی در طول روز داشتند نسبت به زنان سالمندی که هیچ گونه ورزشی یا پیاده روی ای انجام نمیدادند بطور معناداری قدرت عضلانی و تعادل و هماهنگی حرکتی بالاتری داشتند و از نظر کارایی قلب و تنفس و اکسیژن رسانی بطور معناداری بهتر بودند بطوری که باعث افزایش حس بهتردر زنان سالمند شد.همچنین پیاده روی باعث افزایش خلق و خو و کیفیت زندگی و احساس انرژی و سرحالی انها شد. یافته ها نشان داد گروهی از زنان سالمند که پیاده روی انجام نمیدادند بطورمعناداری بیشتر دچار دردهای جسمانی و مشکلات روحی عاطفی شدند. همچنین درطول روز کسل و بی انرژی و بی حوصله بودند.درنتیجه کیفیت زندگی پایین تری را تجربه کردند .

نتیجه گیری: با توجه به اهمیت ورزش و فعالیت بدنی ،به زنان سالمند توصیه می شود که حتمن بین ۱۵ تا ۳۰ دقیقه پیاده روی در فضای باز داشته باشند که کیفیت زندگی بالاتری را تجربه کنند.همچنین برنامه ریزی ای برای پیاده روی شان صورت بگیرد.

کلمات کلیدی: *ورزش_پیاده روی_عملکرد شناختی_سازگاری روانی عملکردی_کیفیت زندگی زنان سالمند*

ارزیابی اثر مداخلات ارگونومیک بر پیشگیری از صدمات عضلانی اسکلتی در پرستاران شاغل در بیمارستان ها

امیرحسین خاکباز[1]، عطیه دادنجانی[2]

۱-کارشناس پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

۲- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

چکیده

زمینه و هدف : امروزه پرستاران به عنوان یکی از مهم ترین ارکان موجود در محیط های بهداشتی درمانی و کادر درمان به حساب می آیند و نسبت به سایر حرفه های موجود در بیمارستان ارتباط مستقیم تری با بیمار و اقدامات مربوط به آن دارند؛ که در طول این اقدامات در معرض آسیب ها و صدماتی هستند که از شایع ترین آسیب های جسمانی موجود آسیب های اسکلتی عضلانی (MSD) می باشد که نواحی مختلف بدن را درگیر می سازد و از راه های کاهش این عوارض، به کار گیری مناسب روش های ارگونومیک می باشد. در نتیجه مطالعه مروری حاضر با هدف تعیین اثر مداخلات ارگونومیک در پیشگیری از عوارض اسکلتی عضلانی پرستاران صورت گرفته است.

مواد و روش ها : مطالعه حاضر یک مطالعه مروری می باشد که در سال ۲۰۲۳ با تجزیه و تحلیل مقالات موجود در پایگاه‌های اطلاعاتی مانند PubMed ،Magiran، Scopus ،Google scholar ،Science direct، Web of Science ، Medline صورت گرفته است. جستجوی الکترونیکی درمحدوده زمانی 2018 - 2023 انجام گردید. ابتدا ۵۲ مقاله مرتبط با عنوان جمع آوری شد و سپس 31 مقاله ای که معیار ورود به مطالعه را داشتند برای تدوین نهایی آماده شدند. جستجوی کلمات فارسی مانند ارگونومی، کادر درمان، پرستاری، اختلالات اسکلتی عضلانی ، در میان مقالات فارسی، و کلمات Ergonomic of human work، Environment، Nurse ،، musculoskeletal damages، Posture در میان مقالات خارجی این مطالعه را تسهیل نمودند و همچنین کلیه مقالات کوتاه ، مقالات مروری که نسخه کامل آنها به هر دلیل در دسترس نبود، از روند تجزیه و تحلیل پژوهش های صورت گرفته کنار گذاشته شدند.

نتایج : با توجه به پژوهش های صورت گرفته نتایج حاکی از آن می باشند که عدم رعایت اصول های ارگونومیک از طرف پرستاران و ابزار های نا مناسب موجود در محل کار موجب ایجاد و تشدید اختلالات اسکلتی عضلانی می شود. این اختلالات شکایاتی همانند درد در نواحی کمر، گردن، و پا را به دنبال می آورد که از دلایل آن ماهیت سنگین وظایف پرستاری، شیفت های کاری نوسان دار، حمل و نقل و تغییر پوزیشن بیمار و همچنین سرپا ماندن به مدت طولانی می باشد . در نتیجه باعث ایجاد مشکلاتی از قبیل غیبت های مداوم در محیط کار، شرایط ناتوان کننده مزمن ،مشکلات عاطفی، اقتصادی، اجتماعی می شود و در نهایت کاهش کیفیت خدمات بیمارستانی را به دنبال خود می آورد که نشان دهنده اهمیت پیشگیری از این مهم

می‌باشد. همچنین مطالعاتی نشان دادند که اجرای برنامه های آموزشی در زمینه ارگونومیک می تواند از عادات بد و عدم رعایت اصول ارگونومیک پرستاران جلوگیری کرده که موجب تطابق بهتر فرد با محیط کاری شده و ناراحتی های فیزیکی را به حداقل می رساند.

نتیجه گیری : همانطور که گفته شد اختلالات اسکلتی عضلانی از پیامد های مرتبط با عدم رعایت اصول ارگونومی می باشند و همچنین نتایج مطالعات نشان دادند که بین میزان آگاهی از علم ارگونومی و میزان آسیب های شغلی ارتباط معکوسی وجود دارد. در نتیجه به کار گیری و استفاده از مداخلات موثر و آموزش های ارگونومیک می تواند از میزان ابتلا به اختلالات عضلانی اسکلتی و شدت آن بکاهد. از این رو به مدیران مربوطه پیشنهاد می شود جهت پیشگیری و کاهش بروز این اختلالات در میان پرسنل بیمارستان ها علی الخصوص پرستاران، برنامه های آموزشی و ارزیابی هایی مبنی بر حفظ اصول ارگونومی بدن در محیط کار را به صورت دوره ای اجرایی کنند .

واژگان کلیدی : *آسیب های شغلی ، ارگونومی ، بیمارستان ، کادر پرستاری*

بررسی میزان عملکرد شناختی ، خستگی و نارکولپسی رانندگان یک شرکت پخش در استان قم

ساجده حسن زاده

کارشناسی ارشد رشته ارگونومی، دانشکده سلامت، ایمنی و محیط زیست دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

چکیده

مقدمه: خستگی سبب آسیب به فرد، کاهش بازده کاری و حوادث شغلی می شود. در حمل و نقل جاده ای، خستگی یکی از مهمترین و اصلی ترین عامل خطای انسانی است که می تواند باعث حوادث مرگبار شود. خستگی به دلیل ناشناخته بودن و مشکل بودن تشخیص آن به عنوان عامل دخیل در تصادفات, کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از سوی دیگر ارگونومی شناختی، یکی از گرایشات دانش ارگونومی بوده که به تطابق بین توانایی ها و محدودیت های شناختی انسان و محیط کاری، وظایف و ابزار آلات می پردازد. این مطالعه با هدف بررسی تأثیر عوامل فیزیکی موجود در محیط کار رانندگان بروی عملکرد های شناختی و خستگی و کیفیت خواب آنان پرداخته است.

مواد و روش ها: این مطالعه توصیفی- تحلیلی- مقطعی با روش نمونه برداری سرشماری بر روی ۶۴ نفر از رانندگان و ویزیتورهای یک شرکت پخش مواد غذایی و دارویی که دارای معیارهای ورود به مطالعه بودند، به ترتیب به عنوان گروه مورد و شاهد اجرا گردید. جهت این مطالعه از پرسشنامه های توانایی شناختی نجاتی(۱۳۹۳)، سنجش چند بعدی خستگی(MFI) و پرسشنامه ESS جهت بررسی وقفه تنفسی حین خواب و نارکولپسی و نیز پرسشنامه ی محقق ساخته جهت اطلاعات فردی – شغلی استفاده گردید، به منظور تحلیل آماری داده ها، نرم افزار SPSS21 بکار گرفته شد.

یافته ها: بررسی نتایج حاصل از سنجش توانایی شناختی نشان داد که، حیطه های کنترل مهاری و توجه انتخابی و سپس حافظه به نسبت سایر حیطه ها امتیاز بالاتری را در بین رانندگان دریافت نموده و در مقابل حیطه های برنامه ریزی و توجه پایدار کمترین امتیاز را به خود اختصاص داده است. بررسی میانگین امتیازات کسب شده در ابعاد پنج گانه خستگی بین دو گروه نشان داد که، به ترتیب کاهش انگیزه و خستگی جسمانی بیشترین ابعاد خستگی در بین رانندگان بوده است و در مقابل خستگی عمومی و کاهش فعالیت کمترین ابعاد مورد بررسی در حیطه خستگی بوده است و در نمره کل آزمون MFI، اختلاف آماری معنی دار بین دو گروه وجود داشت($P<۰/۰۵$) بررسی علائم شایع نارکولپسی بین دو گروه اختلاف معنی دار را نشان داد($P<۰/۰۵$).

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه بیانگر شیوع بیشتر خستگی و کاهش عملکرد شناختی در رانندگان به نسبت گروه شاهد خود را نشان داد که این نتایج لزوم هوشیار نگه داشتن رانندگان را در حین رانندگی و حفظ توجه آنها به عمل رانندگی را نشان می دهد.

کلید واژه ها: عملکرد شناختی، خستگی، نارکولپسی، رانندگان

بررسی ارتباط بین خستگی شغلی و سطح ارگونومیک بودن محیط کار کارگران باغ‌های مرکبات

ساناز شریف[۱]، معصومه کرمی[۲]، سمیه طاهرنژاد[۳]

۱-کارشناسی ارشد ارگونومی، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان

۲-کارشناسی ارشد ارگونومی، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سیرجان

۳-(نویسنده مسئول) دکترای ارگونومی، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان

چکیده

زمینه و هدف: حرفه کشاورزی از جمله مشاغلی است که نرخ بالایی در حوادث شغلی دارد. خستگی شغلی می‌تواند یکی از عوامل بروز خطای انسانی و بالطبع علل بروز حوادث یا کاهش بهره‌وری در بین کارگران کشاورزی باشد. وجود ریسک فاکتورهای ارگونومیکی از جمله حرکات تکراری، حمل دستی بار، پوسچرهای استاتیک، وضعیت بدنی نامناسب و ... در حرفه کشاورزی، خصوصاً در بین باغدارها از عوامل مهم بار کار فیزیکی بالا در آن‌ها است، بنابراین احتمالاً بتواند بر خستگی شغلی کارگران نیز تأثیر بگذارد. بر این اساس مطالعه حاضر، به منظور بررسی میزان خستگی شغلی و تعیین ارتباط آن با سطح ارگونومیک بودن محیط کار کارگران باغ‌های مرکبات انجام گردید.

مواد و روش‌ها: جامعه آماری تحقیق حاضر کارگران باغ های مرکبات شهرستان جیرفت در سال ۱۴۰۱ بوده است. تعداد نمونه آماری در این مطالعه ۹۰ نفر تعیین شد. این افراد با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی متناسب انتخاب شدند. جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه دموگرافیک، پرسشنامه خستگی شغلی سوئدی (SOFI) و مشاهدات مستقیم وضعیت بدن (روش ارزیابی سریع اندام فوقانی RULA) برای ارزیابی سطح ارگونومیک بودن محیط کار انجام پذیرفت. به منظور تحقق اهداف تحقیق از روش های آماری توصیفی و آزمون همبستگی استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ صورت گرفت.

نتایج: نتایج خستگی شغلی حاکی از بالا بودن نمره کل خستگی (۹۲/۵) و ابعاد فقدان انرژی (۲۷/۳) و ناراحتی جسمانی (۲۶/۸) بود. کمترین میانگین بعد خستگی شغلی مربوط به بعد فقدان انگیزش (۴/۴) بود. همچنین نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که میانگین نمره کل RULA، ۶/۶ است. میانگین نمره RULA همچنین نشان داد که ۷۰ درصد کارگران دارای امتیاز نهایی ۶، ۲۰ درصد دارای امتیاز نهایی ۵ و ۱۰ درصد دارای امتیاز نهایی ۷ می‌باشند. تجزیه و تحلیل آماری نشان داد که بین نمره کل خستگی شغلی و نمرات ابعاد تلاش جسمانی و ناراحتی جسمانی با نمره کل RULA رابطه معناداری وجود داشت ($P<0/01$).

نتیجه گیری: با توجه به نتایج مطالعه حاضر، به منظور بهبود ابعاد مختلف شاخص خستگی شغلی، ارتقاء سطح ارگونومیک بودن محیط کار کارگران باغ‌های مرکبات ضروری به نظر می‌رسد. پیشنهاد می‌گردد در مطالعات آینده، طراحی ابزارهای ارگونومیک و روش‌های صحیح انجام کار به منظور حذف ریسک فاکتورهای مهمی مانند پوسچرهای نامطلوب و حرکات تکراری برای ارتقاء سطح سلامت و بهره‌وری این گروه شغلی بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: *خستگی شغلی، ارگونومی،پوسچر نامناسب ، کشاورزان*

دوره سالمندی و ارتباط آن با پوکی استخوان؛ یک مطالعه مروری

علی شیبانی زاده[۱]، محمد سهرابی[۲]، شیوا شیبانی زاده[۳]، گلناز قزلباش[۴]، ابوبکر جعفرنژاد[۵]*

۱-کمیته تحقیقات و فناوری دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

۲-مرکز تحقیقات بیماری های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

۳-معاونت پژوهش و فناوری، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران

۴-کمیته تحقیقات و فناوری، دانشکده داروسازی، دانشگاه علوم پزشکی بندرعباس، بندرعباس، ایران

۵-دانشجوی دکتری تخصصی اپیدمیولوژی، کمیته تحقیقات و فناوری دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران.

*نویسنده مسئول: ابوبکر جعفرنژاد، دانشجوی دکتری تخصصی اپیدمیولوژی، کمیته تحقیقات و فناوری دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران.

چکیده

مقدمه : پوکی استخوان یکی از مشکلات شایع در سالمندان است که می‌تواند باعث کاهش کیفیت زندگی و افزایش خطر ابتلا به شکستگی استخوان‌ها شود. در این مرور، ما به بررسی مطالعات درباره دوره سالمندی و رابطه آن با پوکی استخوان پرداختیم.

مواد و روش ها : در این مطالعه مروری، با استفاده از کلمات کلیدی مناسب، جستجو در پایگاه‌ها و دیتابیس های علمی فارسی و لاتین شامل Google Scholar، Magiran، SID، Iranmedex، و PubMed, Irandoc انجام شد. مطالعات منتشر شده در پایگاه های فارسی و لاتین با کلیدواژه های : " سالمندی "، " پوکی استخوان"، " سلامت سالمندی " و معادل لاتین آن ها طبق اصول Mesh terms در بازه‌ی زمانی بین سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۲ انتخاب شدند. پس از بررسی عناوین و چکیده‌ها و ارزیابی های مربوطه، از بین ۶۷ پژوهش انجام شده، ۱۲ مطالعه برای بررسی انتخاب شدند.

یافته ها : در این مرور، نشان داده شد که دوره سالمندی و سبک‌زندگی سالم می‌تواند در پیشگیری و کاهش خطر پوکی استخوان مؤثر باشد. مطالعات نشان داده‌اند که مصرف کلسیم و ویتامین D، ورزش منظم، کاهش مصرف الکل و دخانیات، و کاهش وزن، می‌توانند در کاهش خطر پوکی استخوان موثر باشند. همچنین، مصرف مواد غذایی سالم و تنوع در مصرف مواد غذایی، و پیشگیری و درمان بیماری‌های مزمن مانند دیابت و بیماری‌های قلبی-عروقی، نیز می‌توانند در کاهش خطر پوکی استخوان مؤثر باشند.

نتیجه گیری : از آنجایی که سالمندی و سبک‌زندگی سالم می‌تواند در پیشگیری و کاهش خطر پوکی استخوان مؤثر باشد، لذا آموزش های مربوطه در این خصوص الزامی است. بویژه اینکه اضافه نمودن مواردی به پروتکل های بهداشتیِ این دوره همچون مصرف ویتامین D، ورزش منظم وکاهش وزن، می‌توانند در کاهش خطر پوکی استخوان موثر باشند. همچنین همکاری های

بین بخشی با سازمان های شامل: وزارت بهداشت، صدا و سیما، سازمان بهزیستی، اساتید و فارغ التحصیلان متخصص دانشگاهی در حوزه سالمند شناسی جهت فرهنگ سازی و افزایش آگاهی گروه های هدف جامعه نیز قابل انجام و موثر واقع خواهند شد.

واژه های کلیدی : *دوره سالمندی، پوکی استخوان، سبک زندگی سالم، مطالعه مروری*

ارزیابی ارگونومیک وظایف اپراتورهای جرثقیل سقفی با استفاده از برآورد تنش های بیومکانیکی و ارزیابی خستگی جسمانی با نرم افزار 3DSSPP

معصومه کرمی[1] - یاسر صحرانورد[1] – مصطفی زید آبادی[1] – حسین مبینی[1] - عظیم عسکری[1]- سمیه طاهرنژاد[2]*

۱- واحد اجرایی بهداشت و ایمنی، مجتمع مس سرچشمه، رفسنجان، کرمان، ایران

۲- استادیار گروه مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی در کار، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران.

چکیده

مقدمه و هدف: اپراتورهای جرثقیل سقفی، گروهی از اپراتورها هستند که وظایف مختلفی را عمدتاً در وضعیت های نامناسب بدنی و تحت تنش های بیومکانیکی نسبتاً بالای وارد بر نواحی مختلف بدن خصوصاً در نواحی مختلف ستون فقرات انجام می‌دهند. بنابراین احتمالاً اختلالات اسکلتی - عضلانی مرتبط با کار یکی از شایع‌ترین اختلالات شغلی در بین آن ها باشد. لذا تصمیم بر آن شد در این مطالعه با ارزیابی ارگونومیک وظایف آن ها در مجتمع مس سرچشمه گامی در جهت بهبود وضعیت این گروه شغلی برداشته شود.

روش: در این مطالعه توصیفی مقطعی ۳۱ نفر اپراتور جرثقیل سقفی با حداقل دو سال سابقه کار شرکت کردند. کلیه وظایف اپراتورها با استفاده از روش (HTA) و آنالیز زمانی مورد بررسی قرار گرفت و وظایف اصلی و بحرانی تر این شغل از منظر خطر بروز اختلالات اسکلتی عضلانی برای آنالیز بیشتر انتخاب شدند. جهت بررسی میزان شیوع و شدت اختلالات اسکلتی عضلانی از پرسشنامه اسکلتی-عضلانی نوردیک (NMQ) و Body map استفاده شد. جهت بررسی نیروهای وارد بر ستون فقرات، مفاصل اندام فوقانی و تحتانی و برآورد سطح خستگی جسمانی نیز از نرم افزار 3D SSPP V7 بهره گرفته شد در انتها رابطه بین ویژگی های فردی و نیروهای وارد بر بدن با اختلالات اسکلتی-عضلانی نیز بررسی گردید.

یافته ها: نتایج نشان داد بالاترین گزارش درد و ناراحتی مربوط به ناحیه گردن، شانه ها و کمر بود. آنالیز وظیفه کاری اصلی اپراتورها با نرم افزار نیز نشان داد بیشترین نیروهای بیومکانیکی هنگام بارگیری و تخلیه بار بر دیسک L_5/S_1 و مفاصل شانه وارد می شود و تنها در همین فعالیت به علت عدم توزیع مناسب نیروها تعادل در وضعیت نسبتاً نامناسب قرار گرفت. تجزیه و تحلیل روابط بین متغیرها نشان داد نیروهای بیومکانیکی، سن، قد، شاخص توده بدنی و سابقه کار از جمله ریسک فاکتورهای موثر بر اختلالات اسکلتی-عضلانی در برخی نواحی بدن بودند.

نتیجه گیری: در این مطالعه شیوع اختلالات اسکلتی-عضلانی به ویژه در ناحیه گردن و کمر بالا بود که می تواند به ماهیت وظایف اپراتورهای جرثقیل سقفی برگردد. نتایج آنالیز وظایف با نرم افزار نشان داد، نیروهای بیومکانیکی وارد بر ستون فقرات در وظیفه اصلی میتواند تحت تاثیر نوع صندلی، عدم تطابق ابعاد بدنی اپراتور با ایستگاه کار، زمان کار و استاتیک بودن پوسچرهای کاری و خمش و پیچش توام بدن قرارگیرند. نیروهای فشاری و برشی وارد بر ستون فقرات از جمله ریسک فاکتورهای موثر بر اختلالات اسکلتی-عضلانی بودند. شایسته است در جهت طراحی مداخلات ارگونومیک مانند بهبود ایستگاه کاری و آموزش رفتار پوسچرال مناسب در بین اپراتورهای جرثقیل سقفی مطالعات و اقدامات بیشتری انجام گردد.

واژگان کلیدی: *3D SSPP، ناراحتی های اسکلتی عضلانی، اپراتورهای جرثقیل*

تاثیر فعالیت در بخش های عفونی واگیردار برفرسودگی شغلی پرستاران

نیلوفر چینی ساز[۱]، مرضیه صادقیان[۲]، امیر اکبری[۳]، مریم یزدی[۴]

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته ارگونومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

۲. استادیار، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

۴. استادیار، رشته آمار زیستی، مرکز تحقیقات رشد و تکامل کودک، پژوهشکده پیشگیری از بیماری های غیر واگیر دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

چکیده

زمینه و هدف : تماس نزدیک با بیماران مبتلا به کووید-۱۹ به دلیل افزایش احتمال ایتلای افراد در معرض، منجر به ایجاد ترس و اضطرابی می شود که می تواند فرسودگی شغلی را به دنبال داشته باشد. این مطالعه با هدف بررسی فرسودگی شغلی پرستاران پیش و پس از فعالیت در بخش های مرتبط با بیماران مبتلا به کووید-۱۹ انجام شد.

مواد و روش ها : تعداد ۲۴۳ نفر از پرستارانی که بیشتر از ۲ سال سابقه کار داشتند و تا به حال در بخش هایی که در تماس مستقیم با بیماران مبتلا به کووید-۱۹ باشند فعالیت نداشتند، وارد مطالعه شدند. از شرکت کنندگان خواسته شد پرسشنامه فرسودگی شغلی ماسلاچ را تکمیل نمایند. سپس مامور به خدمت در بخش های کووید-۱۹ شدند. پس از گذشت دوماه از فعالیتشان مجددا از شرکت کنندگان خواسته شد پرسشنامه فرسودگی شغلی ماسلاچ را تکمیل نمایند.

نتایج : آلفای کرونباخ برای پرسشنامه فرسودگی شغلی پیش از کووید-۱۹ از نظر فراوانی و شدت به ترتیب ۰/۳۰ و ۰/۷۲ و پس از کووید-۱۹از نظر فراوانی و شدت به ترتیب ۰.۴۳ و ۰.۵۳ بود. امتیاز فرسودگی شغلی از نظر فراوانی و شدت پس از مواجهه به طور معنی داری افزایش یافت ($p<۰/۰۰۱$).

نتیجه گیری : با توجه به شیوع فرسودگی شغلی در پرستاران و از آنجایی که پرستاران بزرگترین بخش از ارائه دهندگان مراقبت های بهداشتی هستند که عمدتا با بیماران مبتلا به کووید-۱۹ و سایر بیماری های واگیر دار در تماس نزدیک هستند، لازم است سیاست گذاران مراقبت های بهداشتی، راهکارهایی را برای پیشگیری یا کاهش فرسودگی شغلی در میان پرستاران اتخاذ نمایند.

واژگان کلیدی : *فرسودگی شغلی، پرستاران، کووید-۱۹*

شیوع اختلالات اسکلتی–عضلانی در اعضای هیئت علمی دانشکده بهداشت همدان

زهره گودرزی[۱]، سارا ایزدی[۲] ، عباس سیف‌اله زاده[۳] ، رقیه حسن زاده[۴]، ندا مهدوی[۵]

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته ارگونومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته ارگونومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته ارگونومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان

۴. دانشجوی دکترا، رشته آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان

۵. استادیار, گروه ارگونومی, دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان

چکیده

زمینه و هدف: با توجه به ماهیت کاری اساتید دانشگاه و با توجه به اینکه انجام بخش زیادی از فعالیت‌های روزانه‌ی این افراد در وضعیت نامناسب انجام می‌شود، مطالعه حاضر به بررسی میزان شیوع این اختلالات در اعضای هیئت علمی دانشکده بهداشت همدان پرداخته است.

مواد و روش‌ها: این پژوهش در تیر ماه سال جاری انجام شد و تعداد ۲۲ نفر از اعضای هیئت علمی دانشکده بهداشت همدان در این مطالعه شرکت نمودند. پس از آگاه سازی افراد مورد مطالعه، کسب رضایت از آن‌ها، تأکید بر محرمانه بودن اطلاعات و ارائه توضیحاتی در رابطه با نحوه‌ی انجام کار، داده‌های مورد نیاز با استفاده از پرسش‌نامه‌ی اختلالات اسکلتی-عضلانی کرنل جمع‌آوری گردید. داده‌های مربوط به جنسیت، شاخص توده بدنی، سابقه کار و دارا بودن شغل دوم نیز ثبت شد. اطلاعات حاصل از این پرسش‌نامه با استفاده از نرم‌افزار SPSS ورژن ۲۳ مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت.

نتایج: طبق نتایج بدست آمده ۴۵ درصد از افراد حداقل در یک ناحیه از بدن میزان درد و ناراحتی را تجربه می‌کنند که ۳۱/۵ درصد خانم و ۸/۵ درصد این افراد آقایان می‌باشند. بالاترین میزان شیوع اختلالات اسکلتی-عضلانی به ترتیب در نواحی گردن (۲۲/۷۲)، قسمت فوقانی پشت و درد در ناحیه مچ دست راست با امتیاز برابر (۱۸/۱۸)، درد در ناحیه‌ی کمر و شانه‌ی راست با امتیاز برابر (۱۳/۶)، درد شانه‌ی سمت چپ (۹/۰۹) و درد در نواحی مچ پای راست و قسمت تحتانی پای چپ و راست با امتیاز برابر (۴/۵۴) بود.

نتیجه‌گیری: شیوع اختلالات اسکلتی در بین این جمعیت کاری بالاست. بنابراین ضروریست اقداماتی نظیر آموزش پرسنل، افزایش فعالیت بدنی، اجرای اقدامات اصلاحی در ایستگاه کاری، انجام تمرینات کششی در حین کار را به عنوان راه‌کارهای مؤثر ارگونومیک در راستای پیشگیری از اختلالات اسکلتی-عضلانی خصوصاً برای اعضای هیئت علمی دانشکده بهداشت همدان توصیه کرد.

واژگان کلیدی : *اعضای هیئت علمی، پرسش‌نامه کرنل، اسکلتی-عضلانی*

شیوع اختلالات اسکلتی–عضلانی در بین رانندگان ماشین‌آلات سنگین

معین دارستانی[۱]، مصطفی میرزایی علی‌آبادی[۲]، لیلی تاپاک[۳]، ندا مهدوی[۴]

۱-دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست (HSE)، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

۲-دانشیار, گروه مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست (HSE), دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

۳-استادیار، گروه آمار حیاتی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

۴-استادیار, گروه ارگونومی, دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

چکیده

زمینه و هدف: بیشتر افراد دردهای اسکلتی-عضلانی را در بعضی از مراحل زندگی تجربه می‌کنند. این گروه از اختلالات، به‌عنوان یکی از رایج‌ترین مشکلات سلامتی مرتبط با شغل در جمعیت کارگران به‌حساب می‌آیند. شیوع اختلالات اسکلتی-عضلانی می‌تواند کیفیت زندگی رانندگان ماشین‌آلات سنگین را تحت تأثیر قرار داده و سبب کاهش بازده آن‌ها یا افزایش احتمال انجام اعمال ناایمن و ایجاد حادثه حین‌کار شود. لذا هدف از این مطالعه، بررسی شیوع اختلالات اسکلتی-عضلانی در بین رانندگان ماشین‌آلات سنگین می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه به‌صورت مقطعی-تحلیلی در بین ۸۴ نفر از رانندگان ماشین‌آلات سنگین، انجام شد. روش نمونه‌گیری، به صورت تصادفی ساده بود. پس از کسب رضایت آگاهانه، میزان ناراحتی و درد قسمت‌های مختلف بدن رانندگان ماشین‌آلات سنگین با استفاده از پرسشنامه اختلالات اسکلتی-عضلانی کرنل که ۱۸ناحیه بدن را ارزیابی می‌کند، ثبت شد. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۵ تجزیه‌وتحلیل شدند.

نتایج: اختلالات اسکلتی-عضلانی در بین این گروه شغلی بسیار بالا بود. بدین ترتیب که بیشترین درد و ناراحتی ناشی از اختلالات اسکلتی-عضلانی در نواحی بخش پایینی کمر، گردن و زانوی راست رانندگان ماشین‌آلات سنگین به ترتیب با شیوع ۹۲/۸٪، ۹۰/۴٪ و ۸۴/۵٪ گزارش شد.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج حاصل از این مطالعه، پوسچرهای طولانی و استاتیک گردن، تنه و پاهای رانندگان که ساعت‌ها پشت فرمان هستند، می‌تواند دلیل شیوع بالای اختلالات اسکلتی-عضلانی در بین رانندگان ماشین‌آلات سنگین باشد. از این‌رو، با عنایت به بالا بودن میزان ناراحتی بدن و سختی‌کار، رانندگان نیازمند اقدامات اصلاحی با اولویت‌های آموزشی و تعدیل برنامه کار-استراحت می‌باشند.

واژگان کلیدی : *اختلالات اسکلتی-عضلانی، رانندگان، ماشین‌آلات سنگین، پرسشنامه اختلالات اسکلتی-عضلانی کرنل*

شیوع اختلالات اسکلتی–عضلانی در بین کارکنان کارگاه مکانیک صنعتیِ مجتمع مس سرچشمه

یاسر صحرانورد[۱]، فاطمه شهربابکی[۲]، فاطمه قنبری[۳]، معصومه کرمی[۴]، ندا مهدوی[۵]

۱. کارشناس بهداشت حرفه‌ای، مجتمع مس سرچشمه، کرمان، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه‌ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان

۳. کارشناس بهداشت حرفه‌ای، مجتمع مس سرچشمه، کرمان، ایران

۴. گروه ایمنی و بهداشت حرفه‌ای، دانشکده علوم پزشکی سیرجان

۵. استادیار, گروه ارگونومی, دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان،

چکیده

زمینه و هدف: با توجه به ماهیت شغلی کارکنان کارگاه مکانیک صنعتی مجتمع مس سرچشمه که دارای وظایف دستی خطرناک هستند، ریسک اختلالات اسکلتی-عضلانی در بین آنان بسیار بالاست. . به هر وظیفه شغلی که فرد ملزم به استفاده از بخشی از بدن برای حمل، بالا آوردن، پایین بردن، هل دادن، کشیدن و نگه داشتن اشیاء، افراد و حیوانات باشد، وظیفه دستی اتلاق می‌شود مطالعه حاضر به بررسی میزان شیوع این اختلالات در بین کارکنان دارای وظایف دستی در این کارگاه پرداخته است.

مواد و روش‌ها: این پژوهش در بهمن ماه سال ۱۴۰۲ انجام شد و تعداد ۴۰ نفر از کارکنان کارگاه مکانیک صنعتی مجتمع مس سرچشمه در این مطالعه شرکت نمودند. پس از آگاه سازی افراد مورد مطالعه و کسب رضایت از آن‌ها، با استفاده از پرسش‌نامه‌ی اختلالات اسکلتی-عضلانی نوردیک، شیوع این اختلالات در بین آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت. اطلاعات حاصل از این پرسش‌نامه با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت.

نتایج: طبق ارزیابی‌های انجام‌شده بیشترین درد، ناراحتی، سوزش و یا بی‌حسی گزارش شده طی ۱۲ ماه گذشته در نواحی گردن (حدود ۳۸٪ افراد)، باسن (۳۰٪ افراد) و ران (۳۰٪ افراد) بوده است. همچنین طی ۷ روز گذشته شکایت کارکنان کارگاه مکانیک از درد، ناراحتی، سوزش و بی‌حسی ناحیه باسن و ران (۵۵٪)، و نیز نواحی زانو (۳۲٪) و مچ دست (۳۲٪) بوده است.

نتیجه‌گیری: شیوع اختلالات اسکلتی مزمن در بین این جمعیت کاری بالاست. به همین ترتیب بالا بودن شیوع درد و ناراحتی سامانه اسکلتی-عضلانی (طی ۷ روز گذشته) این کارکنان نیز نشان از بروز اختلالات اسکلتی مزمن در آینده دارد. بنابراین ضروریست با پیاده‌سازی مداخلات ارگونومیک که با هدف مدیریت ریسک‌فاکتورهای ارگونومیک اجرا می‌شوند، در راستای پیشگیری از اختلالات اسکلتی-عضلانی این جمعیت کاری گام برداشت.

واژگان کلیدی: *مس سرچشمه، وظایف دستی، اختلالات اسکلتی-عضلانی، پرسش‌نامه نوردیک*

مروری بر ارگونومی در کارگاه‌های ساختمانی

فاطمه علی اکبری

*- کارشناس مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی اراک، نیم ور محلات بلوار امام علی (ع) خیابان سلامت، ۰۹۱۸۴۰۴۳

چکیده

مقدمه: با توجه به فراگیری، نوع فعالیت، خطرات و عوامل زیان‌آور، عملیات ساختمانی و عمرانی، یکی از مخاطره‌آمیزترین صنایع در سطح دنیا بوده و در اغلب کشورهای جهان در صدر فعالیت‌های حادثه آفرین قرار دارند. از طرفی برخلاف سایر صنایع، فعالیت‌های ساختمان سازی به‌طور فیزیکی در نقاط مختلف پراکنده بوده و لذا نظارت بر ایمنی و بهداشت در آن‌ها بسیار چالش‌برانگیز است. هدف از این مطالعه مروری توجه به پیاده سازی اصول ارگونومی و هم‌چنین شناسایی و حذف خطرات تهدیدکننده سلامت کارگران در کارگاه‌های ساختمانی بوده است.

مواد و روش ها: به‌منظور یافتن مقاله و اطلاعات مرتبط، پایگاه‌های اطلاعاتی شامل: موتور جستجوگر Google Scholar و PubMed Scopus در فاصله زمانی سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۲ با استفاده از کلیدواژه‌های متناسب مانند Ergonomic، Construction Workshopsجستجو شدند. پس از بررسی عناوین، متن کامل ۱۸ مقاله مرتبط مطالعه شدند و در نهایت با حذف مقالاتی که با موضوع مورد نظر ارتباط چندانی نداشتند،۹ مقاله مرتبط در این مطالعه بررسی گردیدند.

یافته ها: عوامل خطر شناخته شده در بسیاری از مشاغل مرتبط با ساخت و ساز شامل: کار در ارتفاع، کار در فضاهای بسته، جابجایی انواع مصالح و قطعات، کار در پوسچرهای بسیار ناهنجار ارگونومیکی، فعالیت در شرایط بسیار بد، استرس‌های دمایی، فعالیت بدنی بالا، فعالیت طولانی مدت استاتیک، کارهای تکراری و ارتعاش می‌باشد.اغلب کارگران ساختمانی در زمینه نحوه صحیح جابجایی و حمل بار که یکی از الزامات کاری چنین مشاغلی است، آموزش‌های ارگونومکی مربوطه را نمی‌بینند و قرار گرفتن در پوسچرهای نامطلوب و فضاهای محصور، محدود و هم‌چنین، انجام کار سنگین به‌تنهایی عدم استفاده از لیفتراک در حین جابجایی مواد و مصالح، از دیگر علل شیوع اختلالات اسکلتی- عضلانی در میان کارگران ساختمانی می‌باشد، هم‌چنین سطوح کارگاه‌های ساختمانی برای راه رفتن و کار کردن ناصاف و سخت می‌باشد و عدم نظافت و نظم، مشکلات عدیده‌ای را ایجاد می‌نماید.

نتیجه گیری: با شناسایی عوامل خطر فیزیکی محیط کار و اصلاح آن‌ها، آموزش و انجام شیوه‌های کار با استفاده از ابزار و تجهیزات دارای طراحی مطابق با اصول ارگونومی و هم‌چنین کنترل‌های مدیریتی می‌توان آسیب‌های مختلف ارگونومیکی در کارگاه‌های ساختمانی را تا حدودی کنترل کرد و از آن‌جا که طبق پژوهش‌های انجام گرفته اختلالات اسکلتی- عضلانی در میان

کارگران ساختمانی مدت کوتاهی پس از شروع به‌کار بروز می‌کنند و اغلب کارگران ساختمانی در رده سنی جوان قرار دارند بنابراین توجه جدی به شرایط محیط‌های کار کارگاه‌های ساختمانی و سلامت کارگران از سوی مسئولان امر، از ضروریات برنامه‌های پایش سلامت محیط کار می‌باشد.

کلمات کلیدی: *ارگونومی، اختلالات اسکلتی- عضلانی، کارگاه‌های ساختمانی*

مقاله مروری سیستماتیک: اهمیت کلاه ایمنی در کاهش صدمات موتور سیکلت سواران

اکرم سادات جعفری رودبندی[۱]، فاطمه علی اکبری[۲]

۱- دانشجوی دکتری پژوهشی علوم بهداشتی، گرایش ارگونومی، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

۲و*- کارشناس مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی اراک، نیم ور محلات بلوار امام علی (ع) خیابان سلامت

چکیده

مقدمه: آسیب‌های ترافیکی یکی از بزرگ ترین مشکلات بهداشتی است که در بین سایر مسائل بهداشتی مورد غفلت واقع شده و نیازمند اقدامات مؤثر و پیشگیرانه است. در بین کاربران جاده‌ای، موتورسواران به‌همراه دوچرخه‌سواران به‌دلیل متحمل شدن بیش‌ترین تلفات ناشی از حوادث جاده‌ای، به‌عنوان کاربران پرخطر راه‌ها خوانده می‌شوند. خطر مرگ برای یک فرد موتور سوار در مقایسه با یک سرنشین اتومبیل ۲۰ برابر بیش‌تر می‌باشد به‌دلیل ضریب ایمنی پایین موتور سیکلت، هر ساله تعداد زیادی از تلفات سوانح رانندگی به موتورسواران اختصاص دارد. در کشورهای صنعتی میزان مرگ‌ومیرهای موتورسواران ۱۸-۵ درصد کل مرگ‌ومیرهای ناشی از حوادث تراقیکی می‌باشد، درحالی‌که در ایران این میزان ۲۳/۸ درصد می‌باشد. علت اصلی (۷۵٪-۶۵/۷٪) مرگ موتورسواران در تصادفات با موتورسیکلت، ضربات وارده به سر می‌باشد، اگرچه بررسی‌ها نشان می‌دهند که استفاده از کلاه ایمنی، خطر جراحات سر را ۸۵٪ و خطر ضربه مغزی را ۸۸٪-۴۵٪ در راکبان وسایل نقلیه دوچرخه کاهش می‌دهد. در ایران تعداد کمی از موتورسواران از کلاه ایمنی استفاده می‌کنند. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که همراه داشتن کلاه ایمنی الزاماً منجر به استفاده از آن نمی‌شود بلکه افراد باید قصد استفاده از کلاه ایمنی داشته باشند.

مواد و روش‌ها: به‌منظور یافتن مقاله و اطلاعات مرتبط، پایگاه‌های اطلاعاتی شامل: موتور جستجوگر Google Scholar و PubMed Scopus در فاصله زمانی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۲ با استفاده از کلیدواژه‌های متناسب مانند safety، traffic accidents و Motorcycle riders جستجو شدند. پس از بررسی عناوین، متن کامل ۱۵ مقاله مرتبط مطالعه شدند و در نهایت با حذف مقالاتی که با موضوع مورد نظر ارتباط چندانی نداشتند، ۸ مقاله مرتبط در این مطالعه بررسی گردیدند.

یافته‌ها: برخی تحقیقات نشان داده‌اند که استفاده از کلاه ایمنی وابسته به‌نوع جاده، شرایط آب‌وهوا و روز هفته تغییر می‌کند. مطالعات قبل و بعد از اجرای قانون استفاده از کلاه ایمنی نیز افزایشی در میزان استفاده از کلاه ایمنی بعد از اجرای قانون نشان داده است، درحالی‌که لغو قانون باعث کاهش میزان استفاده از کلاه ایمنی و افزایش آسیب‌ها شده است. با برآورد میزان کلی استفاده از کلاه ایمنی در بین رانندگان و سرنشینان موتور سیکلت و اثربخشی آن در کاهش مرگ و آسیب‌ها، این بررسی می‌تواند در شکل‌گیری توصیه‌های مبتنی بر شواهد برای طراحی برنامه‌های آموزشی مؤثرتر در مورد استفاده از کلاه ایمنی و نیز اجرای قانون استفاده از کلاه ایمنی به‌ویژه در مناطق در حال رشد کمک کند. از این‌رو با توجه به میزان پایین استفاده از کلاه ایمنی

در بین موتور سیکلت سواران به‌ویژه سرنشینان و اثربخشی آن در کاهش مرگ و آسیب‌های سر و صورت اقداماتی شامل: اجرای قانون استفاده از کلاه ایمنی اجباری به‌طور منظم و مداوم برای هردوی موتور سیکلت سواران و سرنشینن در تمام مناطق، برنامه‌های آموزشی گسترده برای استفاده از کلاه ایمنی، بهبود عملکرد کلاه از لحاظ راحتی، بینایی و شنوایی از طریق طراحی بهتر، اطمینان از در دسترس بودن کلاه‌های با کیفیت استاندارد و قیمت مناسب برای همه کاربران، استفاده از کلاه ایمنی را در میان موتور سیکلت سواران افزایش می‌دهد و موجب بهبود ایمنی جاده برای کاربران موتور سیکلت می‌شود.

نتیجه گیری: علی‌رغم اثربخشی استفاده از کلاه ایمنی در کاهش خطر مرگ، آسیب به سر، مغز و صورت در موتورسیکلت سوراران در هنگام تصادف، اثربخشی آن بر کاهش آسیب به گردن قابل ملاحظه نبود. لذا، پژوهش‌های با طراحی بهتر برای بررسی میزان استفاده از کلاه ایمنی و اثربخشی آن بر پیشگیری از آسیب به سر و گردن به‌ویژه با در نظر گرفتن نوع کلاه ایمنی و کنترل سرعت مورد نیاز است. با توجه به نتایج بررسی‌ها، میزان استفاده از کلاه ایمنی در میان موتور سیکلت سواران کشورهای مختلف متغیر و پایین است. با این‌حال یافته‌ها نشان می‌دهد که افزایش میزان استفاده از کلاه ایمنی می‌تواند تلاش‌های جهانی برای کاهش آسیب‌های ناشی از سوانح ترافیکی را تسهیل کند.

کلمات کلیدی: *ایمنی، حوادث ترافیکی، موتور سیکلت سواران*

مقاله مروری: ارگونومی در صنعت قالیبافی

اکرم سادات جعفری رودبندی[1]، فاطمه علی اکبری[2]

۱- دانشجوی دکتری پژوهشی علوم بهداشتی، گرایش ارگونومی، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

۲و*- کارشناس مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی اراک، نیم ور محلات بلوار امام علی (ع) خیابان سلامت،

چکیده

مقدمه: در ایران صنعت قالیبافی به‌عنوان شاخص صنایع کوچک غیررسمی یا صنایع خانگی یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین بخش‌های صنایع کوچک محسوب می‌شود. قالی به‌عنوان مهم‌ترین کالای صادراتی غیر نفتی جایگاه خاصی در اقتصاد ایران دارد و نقش مهمی در اشتغال‌زایی و بالا بردن توان تولیدی کشور ایفا می‌کند. هیچ صنعتی در کشور به‌لحاظ گستردگی و حجم تولید قادر به رقابت با صنعت فرش دستباف نمی‌باشد. بافت فرش در کارگاه‌های سنتی و غیر استاندارد توسط یک یا چند نفر با استفاده از ابزار بسیار ساده و قدیمی انجام می‌شود. بافت فرش در فضایی سنتی و فاقد امکانات رفاهی و بهداشتی صورت می گیرد و در برخی موارد در روستاها بافندگان در گوشه ای از یک اتاق یا کنج گوشه حیاط که هیچ گونه شباهتی با کارگاه بافت ندارد به کار مشغول هستند.فرایند بافت قالی به‌صورتی است که فرد مجبور است ساعت‌های طولانی به‌صورت استاتیک و در یک وضعیت بدنی نامطلوب به کار بپردازد. کار در شرایط استاتیک و پوسچر نامناسب به‌عنوان یک ریسک فاکتور مهم در بروز اختلالات اسکلتی- عضلانی مطرح است. شکایت از درد در ناحیه شانه و گردن در میان زنانی که به کارهای استاتیک و تکراری با بار کاری کم اشتغال داشتند در مطالعات مختلف گزارش شده است.

مواد و روش‌ها: به‌منظور یافتن مقاله و اطلاعات مرتبط، پایگاه‌های اطلاعاتی شامل: موتور جستجوگر Google Scholar، PubMed Scopus و iSeek در فاصله زمانی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۳ با استفاده از کلیدواژه‌های متناسب مانند ergonomic، Musculoskeletal Disorders، carpet weaving industry جستجو شدند. پس از بررسی عناوین، متن کامل ۲۰ مقاله مرتبط مطالعه شدند و در نهایت با حذف مقالاتی که با موضوع مورد نظر ارتباط چندانی نداشتند، ۱۰ مقاله مرتبط در این مطالعه بررسی گردیدند.

یافته‌ها: پوسچر نامطلوب بر افزایش بار عضلانی و در نتیجه فعالیت الکتریکی عضلات تاثیر دارد. در واقع فعال شدن عضلات شانه و گردن، تحت تاثیر نوع کاری که با دست انجام می‌شود و پوسچر کاری است. مطالعات نشان داده‌اند بین میزان حرکات و زاویه شانه و افزایش فعالیت عضله رابطه معناداری وجود دارد. مشکلات عضلانی ناشی از کار با عواملی همچون خم شدن، حمل بار و ایستادن به مدت ۲ تا ۸ ساعت ارتباط مستقیم دارد. یکی دیگر از مشکلات ناشی از وضعیت های نادرست، انجام کار در مشاغل مختلف است. اختلالات تجمعی Cumlative Trauma Disorder (CTD) سریع‌ترین رشد را نسبت به سایر

مشکلات و صدمات امروزی کارگران دارد و هزینه‌ای در حدود ۳۰ میلیون دلار از بابت مراقبت‌های پزشکی و درآمد برجای گذاشته است. باتوجه به مطالب عنوان شده اهمیت بررسی وضعیتهای انجام کار و استرس‌های مرتبط با آن در جهت شناسایی، ارزیابی و کنترل آن طبق اصول صحیح ارگونومیک در محیط‌های کار و مشاغل گوناگون مشخص می‌شود.

معایب دستگاه های دار قالی قدیمی و خطرات آن :

- سقوط بافنده از روی تخته و شکستگی دست و پا
- دشواری بالا رفتن و پایین آمدن بافنده از روی تخته و بالطبع عدم تمایل به پایین آمدن جهت استراحت

- عرض کم و لخت بودن تخته و ناسالم بودن که به صورت قطعاتی از چوب به هم میخ شده نه یک تخته صاف و یکنواخت.عدم استفاده از زیر پایی.

- پخش شدن گرد و غبار پشم و کرک در سرتاسر کارگاه با توجه به ارتفاع منطقه بافت.
- بد نشستن قالی باف به صورت دو یا چهار زانو به دلیل نبودن فاصله بین تخته و قالی برای آویزان کردن پاها.
- خم شدن و تغییر ستون فقرات.
- بالا بودن سطح کار نسبت به دست قالی باف و عدم تسلط کافی بر کار و در نتیجه ابتلا به درد شانه و دست.
-احتمال سقوط شانه کوبنده و قیچی و چاقو و نقشه و شکستن آنها یا برخورد به اطفال و افراد زیر قالی و ایجاد خسارت جانی و مالی

نتیجه گیری: کارگاه مکانی است که بافنده در آن به بافت قالی می‌پردازد و می‌توان گفت در آن زندگی می‌کند، پس ضرورت دارد که از شرایط استاندارد و ارگونومیکی قابل ملاحظه‌ای برخوردار باشد. کارگاه استاندارد، کارگاهی است که در ایجاد و تجهیز آن اصول و ضوابط بهداشت حرفه ای و ایمنی رعایت شده باشد و فرد شاغل در آن نیز از آموزش بهداشت لازم و کافی برخوردار بوده و قالی باف به‌هنگام کار در آن احساس آرامش و راحتی خیال و ایمنی نماید.

با عنایت به بررسی انجام شده و نتایج و یافته‌ها در کارگاه‌های مختلف بافت، لزوم توجه به مخاطرات ناشی از بروز مشکلات ارگونومیکی انکارناپذیر است. از این‌رو سازمان‌های مسئول باید برنامه‌ریزی‌های ویژه‌ای را برای آنان ترتیب دهند.

بنابراین پیشنهادات اصلاحی زیر ارائه شده است:
- بخش تجهیزات
- طراحی ارگونومیک صندلی‌های قالی بافی به‌منظور فراهم سازی وضعیت بدنی مناسب در حین بافت قالی، به‌گونه‌ای که کمترین چرخش در ناحیه لگن و بالطبع کمترین تغییرات لردوتیک در انحنای ستون مهره‌ای کمری اتفاق افتد.

- طراحی دار قالی به گونه‌ای که ارتفاع بافت در آن قابل تنظیم باشد

- انجام بررسی‌های آنتروپومتریک
- طراحی ارگونومیکی ابزارهای دستی به گونه‌ای که کمترین انحراف در مچ دست اتفاق بیفتد
- بخش محیطی
- تنظیم شرایط عمومی و موضعی
- تنظیم سیستم طراحی کارگاه

کلمات کلیدی: ارگونومی، اختلالات اسکلتی- عضلانی، صنعت قالیبافی

بررسی ارتباط عوامل زمینه‌ای با خستگی در بین رانندگان اتوبوس برون شهری

فرین خانه‌شناس:دکتری تخصصی ارگونومی، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

عادل مظلومی (نویسنده مسئول): استاد ایمنی صنعتی و ارگونومی، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

رویا دبیری:کارشناسی ارشد ارگونومی، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

سمیه نور علی آدینه‌وند :کارشناسی ارشد ارگونومی، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

چکیده

مقدمه: خستگی به عنوان یک خطر شغلی پایدار و جدی، با کاهش توانایی راننده در مانور با وسیله‌نقلیه و افزایش احتمال به خواب رفتن پشت فرمان، نقش مهمی در تصادفات رانندگی ایفا می‌کند.

هدف: در پژوهش حاضر به بررسی ارتباط میان عوامل فردی، شغلی، خواب و استراحت، شرایط اقتصادی و سبک زندگی رانندگان ایرانی با خطر خواب‌آلودگی و به خواب رفتن پشت فرمان پرداختیم.

مواد و روش‌ها: مطالعه توصیفی- تحلیلی حاضر با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته و به روش نمونه‌گیری تصادفی در بین رانندگان اتوبوس برون شهری استان در شهریور ماه سال ۱۳۹۹ تهران گرفت. از پاسخ دهندگان خواسته شد جزئیات کار و زندگی خود را در ماه قبل گزارش دهند. ۴۰۰ پاسخ معتبر توسط رانندگان اتوبوس مرد با میانگین سنی ۴۲/۶۷±۳/۱۷ سال (محدوده: ۲۹ تا ۶۰ سال) برای تجزیه و تحلیل استفاده شد. همبستگی عوامل موثر با خستگی رانندگان با استفاده از مدل رگرسیون لجستیک تعیین شد. تجزیه و تحلیل با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS22 انجام گرفت.

نتایج: بر اساس یافته‌ها، نیمی از شرکت کنندگان (۵۰/۵٪) در شش ماه گذشته خستگی را در حین رانندگی تجربه کرده بودند. نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک نشان داد که عوامل زمینه‌ای همگی به طور مستقل با به خواب رفتن و خستگی در حین رانندگی مرتبط بودند. از *ویژگی‌های فردی*، وضعیت تاهل، سطح تحصیلات، سن، تجربه رانندگی حرفه‌ای کم، شاخص توده بدنی بالا و اندازه دور گردن، ریتم سیرکادین، شب‌گرایی، تیپ شخصیتی برون‌گرا، سلامت جسمی و روانی پایین، از *ویژگی‌های شغلی* تعداد روزهای رانندگی در هفته، ساعات رانندگی در روز و همچنین داشتن شغل دوم و چرخش شغلی نامنظم، از *الگوی کار و استراحت* وقفه تنفسی، کیفیت پایین خواب، خواب ناکافی (کمتر از ۵ ساعت)، نداشتن خواب نیم‌روزی، از *شرایط رانندگی* تعداد ساعات رانندگی در روز، تعداد روزهای کاری در هفته، ایمنی جاده، مسیر رانندگی یکنواخت و کیفیت

پایین جاده، از سبک *زندگی* مصرف کم آب و مایعات، کم تحرکی، سیگار کشیدن، مصرف الکل و دارو و از *شرایط اقتصادی* داشتن شغل دوم ممکن است توانایی راننده را برای مدیریت خستگی کاهش دهد.

نتیجه‌گیری: این مطالعه درک کاملی از عوامل زمینه‌ای مرتبط با رانندگی خواب‌آلود ارائه می‌دهد و بر اهمیت در نظر گرفتن این عوامل در هنگام توسعه مداخلات با هدف بهبود رفاه و سلامت راننده و کاهش خطر تصادفات تأکید می‌کند.

کلید واژه‌ها: *خواب‌آلودگی، عوامل زمینه‌ای، مداخلات ارگونومیکی، راننده، تصادفات جاده‌ای*

The effect of educational intervention and workstation improvements in reducing work-related musculoskeletal symptoms in women tailors in a sewing manufactory

Reza Kalantari

Ph.D. in Ergonomics, PAR textile group, Abhar, Iran.

Abstract

Introduction: Work-related musculoskeletal disorders (WMSDs) are a group of painful disorders that may affect different parts of the body. WMSDs are the most expensive form of work disability, attributing to about 40% of all costs toward the treatment of work-related injuries. Due to work and home risk factors, alongside with gender issues, women are much more likely than men to experience WMSDs. Awkwardly designed sewing workstations can cause a high rate of pain and discomfort in tailors. This study aimed to assess the effect of educational intervention and workstation improvements in reducing work-related musculoskeletal symptoms in women tailors in a sewing manufactory.

Methods and Materials: This interventional study was conducted on all 120 women tailors who worked at a sewing manufactory, during 2022 autumn. The data was collected using standard Nordic Musculoskeletal Questionnaire. Then, A two-hours' workshop about the entity of WMSDs and its causing factors, protecting the body parts from WMSDs during sewing, preventing awkward posture, and the effect of workstation adjustment in reducing WMSDs rates was held. After 6 weeks, the post-intervention data was collected. The data was analyzed using SPSS version 24 software. The McNemar's test was used in order to assess the effectiveness of interventions.

Results: The mean and standard deviation of age and sewing work experience were 29.20±7.53 and 1.20±1.11 years, respectively. The results showed that 110 tailors (91.6%) reported WMSDs symptoms at least in one part of their body. The participants reported the symptoms mostly in neck (74%), shoulder (58%), and lower-back (50%). Furthermore, knee (45%), wrist (32%), arms, forearm, and legs (27%), thigh (22%), and buttocks (11%) were the body parts with lower percentage of symptoms. After the intervention, only 45 tailors (37.5%) reported WMSDs symptoms at least in one part of their body. The rate of symptoms in neck (33.3%), shoulder (38%), lower-back (30%), and knee (28%) were significantly reduced after the intervention ($P<0.05$). Furthermore, the reports showed a lower rate in WMSDs symptoms in wrist (24%), arms (20%), forearm (22%), legs (19%), thigh (19%), and buttocks (9%).

Conclusion: Tailor women are susceptible for WMSDs. High rates of WMSDs are related to poor posture, and inappropriate workstation adjustment. Prevention awkward postures and poor sitting habits, and properly adjusting workplace elements including chair and table decreases WMSDs in women tailors. Implementing educational interventions alongside with

workstation improvements can reduce WMSDs especially in neck, shoulder, and back. Adopting an ergonomic workplace design, using a proper work-rest cycle, and improving workplace psychosocial factors may help in higher reduction rates of WMDSs in tailors.

Keywords: *WMSDs, women, tailors, education, workstation design.*

Study on prevalence of suicidal ideation and risk factors of suicide among industrial workers (case study in West Tehran industries)

Seyed Reza Aghazadeh[1], Ahmad Sadeghi[2], Reihaneh Amrollahi Biuki[3], Golsa Kasani[4]

1.Phd student of Occupational Health Engineering, Occupational Health Engineering Group, School of Health, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran.
2.Master of Industrial Engineering, Department of Industrial Engineering and Management, College of Engineering and Technology, Central Tehran Azad University, Tehran, Iran.
3. Bachelor of Psychology, Western Health Center, Iran University of Medical Sciences, Tehran
4. Bachelor of occupational Health, Western Health Center, Iran University of Medical Sciences, Tehran

Abstract

Introduction: The suicide situation is one of the most important and complex issues in today's society, which causes many concerns and discussions at the global level. Suicide is a process in which a person ends his life in such a way that it has gradually become one of the most important causes of death worldwide.According to the statistics of Iran's police force, between 2015 and 2019, an average of 4,183 people committed suicide in Iran, according to which the suicide mortality rate is 5.1 per 100,000 people. In addition, studies have shown that various factors contribute to the increase in suicide rates among workers. Research shows that shift work stress increases the likelihood of sleep disorders and insomnia, which can lead to fatigue, restlessness, and anxiety, depression, and mood swings. Long working hours or irregular shifts can make it difficult to adjust to social activities outside of the workplace routine. These conditions put pressure on personal relationships and cause feelings of isolation and despair. Considering the importance of the issue, in the present study we will investigate suicidal thoughts in industrial workers in West Tehran.

Material and method: In this study, 120 workers who met the inclusion criteria were selected after random sampling among the workers working in West Tehran industries. Data collection was done using a semi-structured interview and Beck Scale for Suicide Ideation (BSS), as well as a researcher-made questionnaire related to social, economic and political problems. There are five questions in Beck's suicidal ideation test, which are called screening questions. If the answers indicate an active or passive suicidal tendency, then the subject should continue with the next 14 questions. Also, BSS is a combination of three factors: desire to die, preparation for suicide, and desire for actual suicide.. It should be noted that the questionnaire used in this study is the Persian version of the Beck questionnaire, which has already been validated and its reliability has been confirmed. The Beck questionnaire was given to the people along with

the economic, social and cultural cause's questionnaire, and the information obtained from the people, including demographic information and answers to the questionnaires, was entered into the Excel version 22 software. Chi-square and logistic regression tests were used to check the hypotheses. According to the type of study, a significance level of 0.05 was considered in this study.

Results: In this study, a total of 120 samples were taken, out of a total of 120 workers, 80% (96 people) were men, and 20% (24 people) were women. According to the demographic questionnaire, 66% of people were married and 34% were single. Also, only 2 A percentage of the workers mentioned a history of psychiatric treatment or a history of suicide attempt. The minimum age of the workers was 21 years and the maximum was 53 years. In total, according to Beck's suicidal thoughts questionnaire, 71.6.% of the workers did not have any suicidal thoughts and 28.4% of The workers expressed low to severe suicidal thoughts. Based on the findings and the supplementary questionnaire, economic problems have had a significant relationship with suicidal thoughts, which is shown in the table below. . These findings suggest that economic conditions and job security concerns contribute significantly to the growing trend of suicide among workers in the manufacturing sector. Furthermore, the study revealed a positive correlation between educational level and suicide.

Correlation between demographic characteristics and suicidal thoughts.

Variable	Category	N (Percent %)	Beck's suicidal ideation positive	Beck's suicidal ideation negative	P
Gender	Male	96 (80)	27	69	0.432
	Female	24 (20)	7	17	
Educations	Preliminary	11 (10.1)	2	9	0.14
	High school diploma	43 (35.8)	11	32	
	University	65 (54.1)	21	44	
Marital status	Single	41 (34.2)	23	18	0.0013
	Married	79 (65.8)	11	68	
Monthly family income	< 10000000 Rials.	78 (65)	23	55	0.000
	10000000 to 20000000 Rials.	26 (21.6)	9	17	
	> 20000000 Rials.	16 (13.3)	2	14	

The details of Beck's questionnaire analysis in connection with thinking about suicide, readiness for suicide and action are stated in the following table based on percentage.

Beck's suicidal ideation score status

Beck's suicidal ideation	N	(Percent %)
Not having any negative thoughts	86	71.6
Having suicidal thoughts	15	12.5
Preparation for suicide	12	10
Intent to commit suicide	۷	.٥9
Total	۱۲۰	۱۰۰

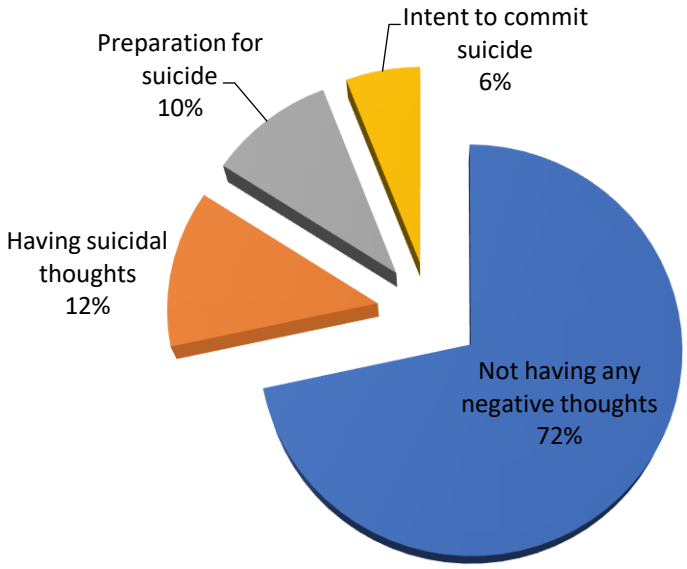

Beck's suicidal ideation diagram

Conclusion: The results of this study showed that the score of the Beck scale for 28.4% of the workers in the condition of suicidal thoughts is low to high risk and the need to intervene in this field is fully felt. Also, most of the suicides are done as a decision at the moment and due to economic problems and it is more among married male workers than other groups, the results of this study are completely consistent with other studies. Previous studies also state that the

Great Recession was associated with an increase in suicides, especially in countries with weaker social support systems. In addition, studies have shown that periods of financial crisis historically lead to significant increases in suicide rates in affected countries, and aggregated data on national suicide rates show strong positive and inverse correlations with GDP per capita in most years. . According to the results of this study, The discussion of improving the economic situation will be the main way to reduce the desire to commit suicide among workers, but due to the lack of authority and control of employers in improving the economic situation and the impact of macro political and economic decisions on this issue, it is suggested that in the short term, psychological interventions in the environment special attention should be given to industrial companies, especially using psychological experts in the form of regular weekly meetings and holding private counseling sessions in industries can be a good way to work in the current conditions of the country.

Keywords: *Beck Scale, Suicide, Industrial Worker*

The relationship between Midwives burnout and quality of healthcare in terms of safety and acceptability

Atiye Dadanjani [1], **Amirhossein Khakbaz**[2]

1-Student Research Committee, Ahvaz Jundishapour University of Medical Science, Ahvaz, Iran.

2-Nursing Bachelor, Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences, Ahvaz, Iran.

Abstract

Background Job burnout can be the result of long-term exposure to personal and work-related stressors and affect performance of healthcare professionals or making them leave the profession. The aim of this study was to investigate the relationship between Midwives burnout and quality of healthcare in terms of safety and acceptability.

Materials and Methods: This review study is conducted in 2023 by analyzing the available articles in databases such as PubMed, Magiran, Scopus, Science direct, Web of Science, Medline. Articles were searched in the databases from 2016 to 2023. First, 23 articles related to the title were collected, and then 10 articles that include criteria, were selected for the final compilation. Searching the words such midwives, burnout, healthcare, trauma, safety and acceptability among foreign articles facilitated this study. As well as all short articles, articles which their full version were not available, were excluded from the process of the conducted researches.

Result: Midwifery is a special profession in which the health of the mother and fetus should be cared for simultaneously. Thus, the workload stress of midwives is specifically distinguished from other healthcare staff and professionals. A low number of midwives, high workload with inadequate time, low peer support, challenging clinical situations, lack of organizational support, and low work autonomy are among the stressors of midwifery settings that threaten the psychological health of midwives, thereby including job burnout. Job burnout is a negative psychological experience that affects a person's feelings, attitudes, motivations, and expectations, and includes three dimensions: emotional exhaustion, depersonalization, and personal accomplishment. Being associated with poor quality of care and the intention of leaving one's profession, job burnout threatens midwives in all countries of the world. Physical and psychological burnouts can be seen in midwives in the form of depression, anxiety, and stress.

Conclusions: Midwives' satisfaction with various dimensions of quality of work-life can reduce their emotional exhaustion. Midwives' satisfaction with working conditions, autonomy in the workplace, fair compensation, and financial rewards will increase the personal accomplishment of midwives. Moreover, planning to prevent job interference with family life

and leisure time should be considered by managers to improve the total living space of midwives.

Key Words: *midwives, burnout, healthcare*

پنل بهداشت حرفه ای

شناسایی روش مناسب ارزیابی خطاهای انسانی در یک صنعت فلزکاری با رویکرد بررسی معیار های منتخب؛ یک مطالعه موردی

سامان مردوخی[1]، معین نعمتی[1]

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

چکیده

زمینه و هدف: خطای انسانی علت اصلی بروز ۷۰ تا ۹۰ درصد حوادث ناشی از کار در صنایع ، بشمار میآید. شناسایی موقعیتهایی که خطا می تواند در آن ها رخ دهد و حذف کردن آنها به کمک مداخلات مناسب، می تواند پتانسیل خطای انسانی را کاهش دهد. برای شناخت و کنترل خطاهای انسانی، روش های مختلفی ابداع شده است. بر این اساس انتخاب روش مناسب برای تحلیل خطاهای انسانی حائز اهمیت است. هدف این مطالعه مقایسه روش های ارزیابی خطای انسانی در صنعت فلزکاری با بررسی معیار های منتخب و انتخاب مناسب ترین روش است.

مواد و روش ها: این مطالعه به صورت موردی در یک صنعت فلز کاری انجام شده است. ابتدا واکاوی وظایف شغلی (HTA) با هدف اشنایی با فرایند کار صورت گرفت و سپس در یک جست و جوی جامع انواع روش های ارزیابی خطاهای انسانی شناسایی شد. به منظور انتخاب مناسب ترین روش، ابتدا فاکتور های مهم در ارزیابی خطای انسانی از مطالعات موجود استخراج گردید. روش های ارزیابی خطای انسانی با معیارهای انتخابی مورد نظر بررسی شدند و مناسب ترین روش که مطابق با فاکتور های مورد نظر ما بود انتخاب گردید.

نتایج: با توجه به واکاوی وظیفه انجام شده چهار معیار منتخب مورد نظر برای ارزیابی خطای انسانی در صنعت فلز کاری شامل: تعداد خطا، قابلیت کاربرد در صنعت مورد نظر، مدت زمان جمع اوری و انالیز، سهولت انتخاب شد . از میان ۵۰ روش شناخته شده ارزیابی خطای انسانی تعداد ۱۲ روش با توجه به کاربر اختصاصی وارد فاز اول مقایسه شد. سپس با توجه به معیار های فوق مقایسه بین روش های فاز اول انجام گرفت. پنج روش TRERP , ATHEANA , TESEO , HEART , SHERPA وارد فاز نهایی شد.در پایان تکنیک HEART برای ارزیابی خطای انسانی در صنعت فلزکاری انتخاب شد.

نتیجه گیری: TRERP و SHERPA روش هایی هستند که بیشتر در صنایع فرایندی مانند نفت و گاز، پتروشیمی و صنایع هسته ای کاربرد دارند. TRERP بر خلاف SHERPA به سازکار روانشناسانه خطا نمی پردازد. از طرفی راه حل های پیشنهادی SHERPA کلی بوده و کمتر کاربردی هستند. ATHEANA که روشی گران و زمان بر است پس از حادثه و برای ارائه گزارش حوادث پیچیده کاربرد دارد. روش های HEART و TESEO روش های ساده تری هستند و از آن ها می‌توان برای ارزیابی خطای انسانی حین یک وظیفه خاص استفاده کرد. با این تفاوت که روش TESEO برای ارزیابی های سریع کاربرد

دارد و مناسب ارزیابی های عمیق و جزئی نیست. پیشنهاد می شود در مطالعات آینده مقایسه جامع و دقیق تری بین تکنیک ها انجام گیرد.

واژگان کلیدی : *خطای انسانی، صنعت فلز کاری، ارزیابی ریسک، HEART*

ارزیابی سطح استرس شغلی در پرسنل شرکت نقش اول کیفیت (NAK)

محمدرضا بهره بر[1]، فاطمه شیخ[2]

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته ایمنی، بهداشت و محیط زیست (HSE)، دانشکده تحصیلات تکمیلی محیط زیست، دانشگاه تهران

۲. فارغ التحصیل دوره کارشناسی، رشته بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

چکیده

زمینه و هدف : استرس به معنای فشاری است که از عوامل درونی و بیرونی بر فرد وارد شده و بـر رفتـار او تـأثیر می‌گذارد. یکی از انواع استرس، استرس ناشی از محیط کار است که بسته به عوامل استرس زای خود مـی‌توانـد کارکنـان را تحت تأثیر قراردهد. شرکت هایی که در صنعت خدمات ارتباطی مشغول به فعالیت هستند با توجه به اهمیت سرویس‌دهی بیست و چهار ساعته، مـی‌تواننـد سـبب بـروز اسـترس شغلی در پرسنل این شرکت ها گردند. با توجه به اهمیت موضوع، پژوهش حاضر به صورت نمونه‌گیری با هدف تعیین سـطح اسـترس کارمندان شرکت نقش اول کیفیت به عمل آمده تا با شناخت سطح استرس آنان، راهکارهایی برای کاهش استرس یا سازگاری مثبت آنان ارائه شود.

مواد و روش ها : مطالعه حاضر، یک پژوهش توصیفی_مقطعی است. نمونه مورد مطالعه کلیه کارمندان ساختمان مرکزی شرکت نقش اول کیفیت (NAK) در سال ۱۴۰۰ بودند. روش نمونه گیری شرکت اختیاری در طرح از تمامی بخش ها بود. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه استرس شغلیOSIPOW بود. پرسشنامه استاندارد استرس شغلی توسط اسیپو و اسپوکان (۱۹۸۷) از ۶۰ سوال و ۶ مولفه شامل بارکاری نقش، بیکفایتی نقش، دوگانگی نقش، محدوده نقش، مسئولیت و محیط فیزیکی تهیه و به منظور سنجش میزان استرس در افراد بکار می رود. و بر اساس طیف لیکرت(خیلی کم تا خیلی زیاد)نمرات ۱ تا۵ قرار داده شده است. در طی پژوهش شریفیان و همکاران روایی محتوایی این پرسشنامه بسیار مطلوب گزارش شده است و پایایی آن به شیوه بازآزمایی در سطح رضایت بخشی محاسبه گردید و ضریب آلفای کرونباخ آن نیز برابر با ۰.۸۹ محاسبه و گزارش شده است. نمره گذاری پرسشنامه استرس شغلی اسیپو بر مبنای طیف ۵ درجه ای لیکرت به شرح زیر می باشد: برای هر عبارت ۵ گزینه، از هیچگاه برابر ۱ امتیاز، گاهی= ۲، اغلب= ۳، معمولاً = ۴ و بیشتر اوقات برابر ۵ امتیاز در نظر گرفته شده است. دامنه نمرات این پرسشنامه بین ۶۰ تا ۳۰۰ در نوسان می باشد که نمرات بالاتر در این پرسشنامه نشاندهنده میزان بالای استرس وی می باشد.

نتایج : در این بررسی میانگین سنی افراد تحت مطالعه ۳۶ و ۶۱.۵۱٪ افراد در سنین بین ۳۰ تا ۴۰ سال بودند. میانگین سابقه کاری در افراد مورد بررسی ۱۹ سال و ۷۴.۵۳٪ افراد دارای بالای ۲سال سابقه کار هستند که گواهی دیگری بر جوان بودن نیروی کار این شرکت دارد . همچنین از بین افراد مورد مطالعه ۴۵.۰۹٪ مرد و ۵۴.۹۱٪ زن بودند که از این بین ۳۳.۴٪ مجرد

و ۶۶.۶٪ متاهل بودند. یافته های پژوهش نشان داد، اکثریت کارمندان (۸۰.۳٪) دارای سطح استرس متوسط، ۲.۹٪ دارای سطح استرس کم و ۱۶.۸٪ دارای سطح استرس زیاد بودند که در بین ابعاد پرسشنامه استرس شغلی اسپیو بعد محیط فیزیکی بدون استرس (۴۰٪)، محدوده نقش(۵۷٪) و مسئولیت (۵۵٪) دارای استرس طبیعی و بارکاری نقش (۶۳٪)، بی کفایتی نقش(۶۴٪) و دوگانگی نقش(۶۷٪) دارای استرس متوسط ارزیابی گردید. همچنین ارتباط معنی دار آماری بین جنس و استرس دیده نشد. بین وضعیت تأهل و شدت استرس ($p < 0.001$ و $X2=14.9$) و ، سن ($p < 0.001$ و $X2=18.5$) و سابقه کار ($p < 0.001$ و $X2=20.1$) باشدت استرس رابطه معنی دار آماری نشان دادند.

نتیجه گیری : با توجه به نتایج حاصله، گروه شغلی تعمیر و نگهداری سیستم های ارتباطی سطح ۱، از ۲۰ گروه شغلی مورد مطالعه جز گروه های بحرانی مشاغل می باشند. همچنین با توجه به عملکرد مناسب شرکت در ارتباط با شرایط محیطی کار، کمترین سهم از استرس کلی موجود در سازمان در تمام گروه های شغلی مورد مطالعه را دارا می باشند . در این پژوهش بیشترین سهم در استرس شغلی را دوگانگی نقش دارد که باید بیشترین تلاش به منظور کاهش استرس شغلی در این سازمان در جهت حذف عوامل استرس زای یاد شده متمرکز شود . استرس شغلی، جدا از به خطر انداختن سلامت جسمی و روحی ، روانی پرسنل می تواند مسائلی همچون غیبت های مکرر، کاهش انرژی و بازده کاری پرسنل را به همراه داشته باشد. با توجه به نتایج کسب شده از تحقیق، تعدیل یا حذف فاکتورهای شناسایی شده موثر در ایجاد استرس شغلی نیازمند سرمایه گذاری و اجرای یک برنامه مدیریت کنترل استرس می باشد.

واژگان کلیدی : استرس شغلی، نقش اول کیفیت، بهداشت حرفه ای و ایمنی کار

ارزیابی ریسک دینامیکی با استفاده از تکنیک SHIPP مبتنی بر Fuzzy Z-number: مطالعه موردی مخازن کروی

وحید احمدی مشیران[۱]، امیرعلی شاد[۲]، ادریس سلطانی[۲]، علی اصغر ساجدیان[۳]، مصطفی میرزایی علی آبادی[۴*]

۱. دانشجوی دکترای مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

۳. کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم تهران، تهران، ایران

۴. دانشیار گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

چکیده

زمینه و هدف : مخازن فلزی کروی به دلیل مزایای بالقوه مرتبط با شکل، اغلب برای ذخیره سیال در تاسیسات شیمیایی و فرآیندی استفاده می‌شوند. با افزایش استفاده از مخازن کروی در صنایع متعدد، تعداد حوادث مرتبط با این مخازن نیز افزایش یافته است. لذا با توجه به حوادث رخ داده در سال های گذشته،ارزیابی ریسک کمی دینامیکی جهت پیشگیری از حوادث ضروری به نظر می‌رسد. در همین راستا هدف از این مطالعه ارائه روشی جهت ارزیابی کمی دینامیک ریسک مخازن کروی با استفاده از تکنیکSHIPP بهبود یافته با روشهای فازی و عدد z است.

مواد و روش ها : مطالعه مقطعی-تحلیلی حاضر در یک صنعت پالایشگاهی و بر روی مخزن کروی حاوی LPG انجام گرفت. در مرحله اول موانعی برای کاهش پیامد ناشی از رهایش گاز از مخزن کروی تعریف گردید و درخت خطای شکست هر مانع ترسیم گشت و سپس احتمال پیشین رویداد های پایه با استفاده از نظرات ۲۰ نفر از متخصصین فعال در صنعت مورد مطالعه بدست آمد. در مرحله بعدی با استفاده از روش Fuzzy اصطلاحات کیفی نظرات به مقادیر کمی تبدیل گشت در این مرحله برای کاهش عدم قطعیت در نظرات خبرگان سطح اطمینان هر خبره با استفاده از Z-number در نظر او ترکیب گردید. در نهایت با استفاده از گزارش حوادث سال های گذشته و احتمال پیشین شکست موانع، احتمال پسین شکست مانع و احتمال پسین پیامدها با استفاده از مقادیر محاسبه شده با دو روش Fuzzy و Fuzzy z-number بدست آمد.

نتایج : نتایج مطالعه نشان داد که در هر دو روش محاسباتی Fuzzy و Fuzzy Z-number احتمال پسین پیامدها برای پیامد رهایش گاز (اولین پیامد) بیشترین مقدار و برای explosion پایین ترین مقدار را دارد. همچنین مقادیر احتمال بدست آمده با استفاده از روش Fuzzy Z-number نسبت به نتایج بدست آمده از روش Fuzzy مقدار کمتری را نشان می‌داد که می‌تواند به دلیل استفاده از Z-number در اعمال اثر سطح اطیمینان در نظرات متخصصین باشد.

نتیجه گیری : با توجه به نتایج حاصله پیشنهاد می گردد با درنظر گرفتن سطح اطمینان خبرگان عدم قطعیت در ارزیابی ریسک ها را کاهش داده تا بدنبال آن بهره وری در مدیریت و برنامه ریزی برای پیشگیری از حوادث افزایش یابد.

واژگان کلیدی : Z-number, interval type 2 fuzzy, SHIPP، *ارزیابی دینامیکی ریسک*

ارائه روشی جهت ارزیابی دینامیک کمی ریسک با استفاده از شبکه بیزین مبتنی بر IT2F و Z-number : مطالعه موردی مخازن کروی

وحید احمدی مشیران[۱]، امیرعلی شاد[۲]، ادریس سلطانی[۲]، علی اصغر ساجدیان[۳]، مصطفی میرزایی علی آبادی[۴*]

۱. دانشجوی دکترای مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

۳. کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم تهران، تهران، ایران

۴. دانشیار گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

چکیده

مقدمه: صنایع شیمیایی به ویژه صنایع نفت و گاز بنا به ماهیت فرانیدی و استفاده از مواد خطرناک دارای پتانسیل حادثه هستند. یکی ز بخش هایی که معمولا حوادث با پیامدهای بسیار شدید دارد مخازن کروی هستند. از این رو مطالعه حاضر با هدف توسعه روشی جهت ارزیابی دینامیک کمی ریسک مخازن کروی با استفاده شبکه بیزین(BN) مبتنی بر داده های فازی انجام گرفت.

روش: مطالعه تحلیلی حاضر در یک پالایشگاه در شهر تبریز انجام پذیرفت. ابتدا نظرات و سطح اطمینان ۲۰ نفر از متخصصان در خصوص رویداد های پایه (BE) بدست آمد سپس این نظرات با استفاده از فازی نوع دوم بازه ای (IT2F) کمی گردید. احتمالات پیشی کمی با استفاده از Z-number با هم ترکیب شد تا عدم قطعیت در احتمالات پیشین کاهش یابد. در مرحله بعدی نمودار bow-tie بر روی BN ترسیم گردید. در شبکه بیزین با استفاده از آنالیز حساسیت رویداد های پایه بحرانی (CBE) تعیین و احتمال پسین برای آنها محاسبه گردید. سپس با بروزرسانی BN احتمال پسین برای شکست موانع و پیامدها بدست آمد.

یافته ها: نتایج مطالعه نشان داد که احتمال شکست مانع پیشگیری از نشت (RPB) نسبت به موانع دیگر بیشتر بوده و همچنین احتمال پیامد نهایی(Catastrophic accident) نسبت به سایر پیامدها بالاتر بود.

پیشنهاد: روش ارائه شده با توجه به یادگیری مستمر و بروزرسانی احتمالات بدست آمده یک ابزار مناسب برای پیش بینی حوادث در زمان های آینده خواهد بود که میتواند با تعیین مهمترین رویداد های منجر به حادثه بهره وری سیستم مدیریتی در کاهش حوادث را افزایش دهد.

یک رویکرد تحلیل عامل انسانی داده محور برای حوادث مواد شیمیایی خطرناک

وحید احمدی مشیران[۱]، امیرعلی شاد[۲]، ادریس سلطانی[۲]، علی اصغر ساجدیان[۳]، مصطفی میرزایی علی آبادی[۴*]

۱. دانشجوی دکترای مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

۳. کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم تهران، تهران، ایران

۴. دانشیار گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

چکیده

زمینه و هدف : اخیراً، سوانح محموله‌ای خطرناک نگرانی‌های جدی را در مورد نحوه رسیدگی به محموله‌های پرخطر ایجاد کرده است. در حالی که نقش خطای انسانی در چنین حوادثی به طور گسترده شناخته شده است، دانش در مورد چگونگی تعامل عوامل مرتبط کمتر توسعه یافته است. برای این منظور، مطالعه حاضر ۱۰ حادثه مربوط به حمل و نقل مواد شیمیایی خطرناک را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

مواد و روش ها : مطالعه حاضر حادثه جاده ای حمل مواد شیمیایی را در اتحادیه اروپا مورد بررسی قرار داد . برای این منظور اطلاعات اولیه و گزارشات حادثه از سایت https://emars.jrc.ec.europa.eu/ جمع‌آوری گردید. سیستم طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل عوامل انسانی (HFACS[13]) برای تجزیه و تحلیل استفاده شد.

نتایج : یافته‌ها نشان داد که تخلفات، آگاهی ناکافی، نظارت نامناسب و فرهنگ ایمنی نامناسب، برجسته‌ترین عوامل دخیل در حوادث باری خطرناک بودند. همبستگی بین این عوامل ایجاد شد و پنج مسیر احتمالات علت حادثه محاسبه شد. محتمل‌ترین راه برای وقوع یک حادثه باری خطرناک از طریق مسیر «فرهنگ ناقص ایمنی ← نظارت نامناسب ← آگاهی ناکافی ← تخلفات» بود.

نتیجه گیری : مطالعه حاضر از این نتایج برای پیشنهاد روش‌های ایمنی برای کاهش خطر حوادث جاده ای که با محموله‌های خطرناک سروکار دارند، استفاده می‌کند. که مهم ترین مورد در کاهش اینگونه حوادث توجه به نظارت‌ها و آگاهی بخشی پرسنل می‌باشد.

واژگان کلیدی : *خطای انسانی، HFACS، مواد شیمیایی*

[13] Human Factors Analysis and Classification System

ارائه الگویی جهت ارزیابی ریسک خطرات انبار موادمنفجره در معادن با استفاده از روش تلفیقی آراس–آنتروپی‌شانون در محیط فازی

ادریس سلطانی[۱]، وحید احمدی مشیران[۲]، مصطفی میرزایی علی آبادی[۳و*]

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

۲. دانشجوی دکترای مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

۳. دانشیار گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

چکیده

زمینه و هدف : انبار مواد منفجره از جمله خطرناک‌ترین قسمت‌های کاری معادن محسوب می‌شود که افراد شاغل در آن در معرض انواع خطرات و آسیب‌های فیزیکی، شیمیایی و روانی هستند که می‌تواند بر سلامتی آنها تأثیر منفی داشته باشد؛ لذا پژوهش حاضر در این راستا و باهدف ارائه الگویی جهت ارزیابی ریسک خطرات موجود در این انبارها انجام شد.

مواد و روش ها : با توجه به نواقص مختلف موجود در روش‌های سنتی ارزیابی ریسک از جمله عدم اختصاص وزن به معیارهای مطالعه و استفاده از مفاهیم و جداول از پیش تعریف شده در این مطالعه از یک رویکرد تلفیقی جهت ارزیابی ریسک انبار مواد منفجره استفاده شد. ابتدا با استفاده از روش ارزیابی ریسک Fine-Kinney، معیارهای مؤثر در تعیین خطرات انبار مواد منفجره شامل شدت، احتمال و فرکانس مواجهه شناسایی و سپس وزن هریک از معیارها با استفاده از روش آنتروپی شانون محاسبه شد. درنهایت، خطرات انبارهای مواد منفجره تعیین و اولویت‌بندی آنها با استفاده از روش آراس مشخص شد.

نتایج : بر اساس محاسبات روش آنتروپی‌شانون، از بین سه معیار مورد بررسی معیار شدت با وزن ۰/۶۱ بیشترین وزن را به خود اختصاص داد. همچنین بین ریسک‌های مختلف مورد بررسی به ترتیب استفاده هرگونه وسایل ایجادکننده شعله در انبار، عدم استفاده از وسایل مخصوص حین بازکردن صندوق مواد منفجره و باز کردن صندوق‌ها در داخل انبار به‌عنوان مهم‌ترین خطرات انبارهای مواد منفجره تعیین شدند.

نتیجه گیری : در این مطالعه معیار شدت به عنوان مهم‌ترین معیار و استفاده هرگونه وسایل ایجادکننده شعله در انبار به عنوان مهم‌ترین ریسک تعیین شدند. همچنین مشخص شد روش پیشنهادی می‌تواند به‌عنوان یک روش ارزیابی ریسک جهت شناسایی خطرات موجود در انبار مواد منفجره مورداستفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی : *ارزیابی ریسک، مواد منفجره، مجموعه‌های فازی، روش آراس، روش آنتروپی‌شانون*

ارزیابی ریسک شغل هوشبری با استفاده از تلفیق روش‌های AHP-CoCoSo

ادریس سلطانی[۱]، وحید احمدی مشیران[۲]، مصطفی میرزایی علی آبادی[۳و*]

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

۲. دانشجوی دکترای مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

۳. دانشیار گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

چکیده

زمینه و هدف : افراد شاغل در شغل هوشبری به دلیل پیشرفت‌های صورت‌گرفته در تکنیک‌های بیهوشی و جراحی و همچنین ظهور تجهیزات مدرن و داروهای جدیدتر و نیز افزایش وظایف، مسئولیت‌ها و انتظارات از آن‌ها در معرض خطرات قابل‌ملاحظه‌ای می‌باشند؛ لذا پژوهش حاضر در این راستا و باهدف ارائه الگویی جهت ارزیابی ریسک خطرات موجود در این شغل انجام شد.

مواد و روش ها : با توجه به نواقص مختلف موجود در روش‌های سنتی ارزیابی ریسک از جمله عدم اختصاص وزن به معیارهای مطالعه و استفاده از مفاهیم و جداول از پیش تعریف شده در این مطالعه از یک رویکرد تلفیقی جهت ارزیابی ریسک شغل هوشبری استفاده شد. ابتدا با استفاده از منابع مختلف شامل مصاحبه با سه خبره دارای دانش کافی پیرامون موضوع و بررسی مقالات ریسک‌های شغل هوشبری استخراج گردید. در ادامه معیارهای مطالعه شامل شدت، احتمال و فرکانس مواجهه تعیین و وزن این معیارها با روش Analytic hierarchy process (AHP) محاسبه شد. درنهایت ریسک‌های مختلف با استفاده از روش CoCoSo اولویت‌بندی شد.

نتایج : بر اساس نتایج تعیین وزن معیارها با روش AHP مشخص شد معیار شدت با وزن ۰/۴۳ به‌عنوان مهم‌ترین معیار و معیار فرکانس مواجهه با وزن ۰/۲۷ کم‌اهمیت‌ترین معیار در این مطالعه می‌باشند. همچنین بین ریسک‌های موردبررسی استنشاق گازهای بیهوشی هنگام ماسک گیری و پر کردن vaporizer (R5) خطرناک‌ترین ریسک و تماس پوست با اسکراب یا خون، ترشحات بیمار و یا بافت‌های آلوده وی (R1) و نیدل استیک شدن حین رگ‌گیری و اسپاینال بیمار (R12) به ترتیب به‌عنوان دومین و سومین ریسک پرخطر در شغل هوشبری انتخاب شدند.

نتیجه گیری : در این مطالعه معیار شدت به‌عنوان مهم‌ترین معیار و استنشاق گازهای بیهوشی هنگام ماسک گیری، پرکردن vaporizer به‌عنوان مهم‌ترین ریسک شغل هوشبری تعیین شدند. همچنین مشخص شد روش پیشنهادی می‌تواند جهت ارزیابی ریسک و اولویت‌بندی خطرات شغلی در شغل هوشبری مورداستفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی : *ارزیابی ریسک، هوشبری، منطق فازی، روش AHP، روش کوکوسو*

بررسی ارتباط بین کیفیت خواب و پارامترهای منی: یک مطالعه مقطعی در رانندگان تاکسی شهر تهران

سمیه فرهنگ دهقان[۱]، محمدحسین وزیری[۲]، سیروان زارعی[۳]

۱. استادیار، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت و ایمنی، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت محیط کار، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۲. استادیار، گروه سلامت، ایمنی و محیط‌زیست (HSE)، دانشکده بهداشت و ایمنی، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت محیط کار، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۳. کارشناسی ارشد، گروه سلامت، ایمنی و محیط‌زیست (HSE)، دانشکده بهداشت و ایمنی، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت محیط کار، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

زمینه و هدف: شیوع ناباروری در دهه‌های گذشته به‌طور قابل‌توجهی افزایش‌یافته و بر اساس گزارش سازمان بهداشت جهانی (WHO)، تقریباً ۱۵ درصد از زوج‌های در سنین باروری با مشکلات باروری مواجه بوده و عوامل مردانه در ۴۰ تا ۵۰ درصد موارد ناباروری نقش دارند. الگوهای خواب در طول زندگی تغییر می‌کند و تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی مختلفی قرار داشته و کیفیت آن پیامدهایی برای مسائل روانی اجتماعی، رفتاری و سلامتی و همچنین کیفیت زندگی مرتبط با سلامت دارد؛ بنابراین، یک نگرانی عمده بهداشت عمومی محسوب می‌شود. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین ارتباط بین کیفیت خواب و پارامترهای مایع منی در رانندگان تاکسی شهر تهران انجام شده است.

مواد و روش‌ها: این مطالعه مقطعی، توصیفی - تحلیلی در سال ۱۴۰۰ و جهت تعیین ارتباط بین کیفیت خواب و پارامترهای مایع منی با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، ۱۲۰ نفر از رانندگان تاکسی مرد شهر تهران انتخاب گردیدند. ابزارهای پژوهش، شامل پرسشنامه دموگرافیک و پرسشنامه استاندارد کیفیت خواب پیتزبورگ (PSQI) با ۱۹ سؤال و ۷ مؤلفه در یک ماه گذشته بوده و آنالیز کیفیت مایع منی شرکت‌کنندگان نیز با استفاده از دستورالعمل‌های آزمایشگاهی استاندارد و مورد تأیید سازمان بهداشت جهانی (WHO) شامل حجم، ویسکوزیته، تعداد، غلظت، مورفولوژی، تحرک و pH در یک مرکز درمان ناباروری در شهر تهران انجام شد. درنهایت داده‌ها با سطح معنی‌داری ۰/۰۵ و با استفاده از روش‌های آماری نرم‌افزار $SPSS_{26}$ تجزیه‌وتحلیل گردید.

نتایج: نتایج پژوهش نشان داد که میانگین و انحراف معیار سنی و سابقه رانندگی به ترتیب ۵/۲۴± ۳۶/۸۴ و ۴/۰۱± ۸/۹۸ سال بوده و میانگین و انحراف معیار شاخص توده بدنی نیز در رانندگان نیز ۲/۶۴± ۲۶/۰۴ کیلوگرم بر مترمربع گزارش گردید. علاوه براین میانگین نمره کل پرسشنامه کیفیت خواب، در رانندگان تاکسی ۲/۲۹±۴/۸۵ بوده و ۴۲/۴۳ درصد رانندگان کیفیت

خواب نامطلوب داشتند. نتایج آزمایش اسپرموگرام نیز بیانگر این است که میانگین پارامترهای متغیرهای حجم (۷۴/۶۸ml)، pH (۷/۷۴)، غلظت (۵۲/۷۴*۱۰^{۳}ml)، تعداد کل (۱۵۴/۶۰*۱۰^{۳}ml)، تحرک کل (۴۰/۲۸ درصد)، مورفولوژی طبیعی (۲/۷۶) و مورفولوژی غیرطبیعی (۹۴/۲۹) بوده است. افزون براین متغیر کیفیت خواب ضعیف با غلظت، تحرک کل، تعداد کل، تحرک کل، غلظت و مورفولوژی طبیعی اسپرم دارای ارتباط معناداری آماری گزارش گردید (P<۰/۰۵).

نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش نشان داد که بخش عمده‌ای از رانندگان تاکسی تهران کیفیت خواب مناسبی نداشته و این مهم با کیفیت پارامترهای مایع منی مرتبط و تأثیرگذار بوده و می‌تواند بیانگر این نکته باشد که کیفیت خواب مطلوب در سنین باروری ممکن است پتانسیل تولیدمثلی بهتری را در مردان پیش‌بینی کند. لذا برگزاری کارگاه‌های آموزشی ارتقادهنده سلامت شغلی و باروری ازجمله یادگیری اصول بهداشت خواب برای رانندگان تاکسی می‌تواند نقش پیشگیرانه‌ای داشته باشد.

واژگان کلیدی: *کیفیت خواب، پارامترهای منی، رانندگان تاکسی*

بررسی میزان مواجهه با ارتعاش تمام بدن در رانندگان تاکسی درون‌شهری استان تهران

سمیه فرهنگ دهقان۱، محمدحسین وزیری۲، سیروان زارعی۳

۱. کارشناسی ارشد، گروه سلامت، ایمنی و محیط‌زیست (HSE)، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۲. استادیار، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۳. استادیار، گروه سلامت، ایمنی و محیط‌زیست (HSE)، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: ارتعاش کل بدن (WBV) یک اختلال مکانیکی در حرکات و فرآیندهای فیزیولوژیکی بدن انسان است که توسط یک محیط ارتعاشی ایجاد می شود.بنابراین این مطالعه با هدف تعیین میزان مواجهه با ارتعاش تمام بدن در رانندگان تاکسی درون‌شهری استان تهران انجام شد.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه توصیفی_ تحلیلی و به صورت مقطعی در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ ، انـدازه گیری میزان مواجهه رانندگان تاکسی با ارتعاش تمام بدن به تعداد ۷۰ نفر و به کمک نصب دستگاه ارتعاش سنج سه محوره Brüel & Kjær در شرایط معمول کاری روزانه در سطح نشیمنگاه صندلی انجام گرفت. سپس نتایج به دست آمده با مقادیر توصیه شده در استاندارد ISO 2631-1 مقایسه و نتایج با استفااده از نرم افزار $SPSS_{22}$ تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌ها: میانگین سنی رانندگان تاکسی در مطالعه برای گروه مواجهه ۵/۲۴± ۳۶/۸۴ سال بود. میزان سابقه کاری در رانندگان تاکسی ۴/۰۱± ۸/۹۸ گزارش گردید. میانگین نمره سلامت عمومی در گروه رانندگان تاکسی ۶/۹۸± ۶۹/۵۸ به دست آمد. میانگین وزنی زمانی مواجهه ارتعاش در افراد شرکت‌کننده m/s^2 ۰/۱۳± ۰/۶۹۱ گزارش گردید.

نتیجه‌گیری: بااین‌حال با توجه به اینکه شدت ریسک مواجهه شغلی رانندگان تاکسی با WBV به‌طور میانگین دارای اثرات بهداشتی متوسط بوده و در برخی خودروهای گروه مواجهه در محور Z نسبت به سایر محورها بالاتر می باشد. بنابراین پیشنهاد می‌گردد دستورالعمل های کاهش اثرات ارتعاش نظیر استفاده از صندلی‌های با سیستم فنربندی استاندارد برای راننده، کاهش شیفت های کاری و افزایش زمان استراحت و انجام به موقع تعمیرات اساسی خودرو به کار گرفته شود.

واژه‌های کلیدی: ارتعاش تمام بدن، رانندگان تاکسی،درون شهری، شتاب معادل کلی، تهران

بررسی نظامند بکارگیری حلال‌های سبز در ریز استخراج فاز مایع بمنظور نمونه برداری و آنالیز ترکیبات مختلف

وحید جلیلی[1]

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

چکیده

زمینه و هدف : ریز استخراج فاز مایع یکی از تکنیک‌های پرکاربرد برای پیش تغلیظ و جداسازی آنالیت ها در نمونه های مختلف می باشد که عمدتاً به دلیل سادگی و سرعت آن است. این تکنیک دارای مزایایی از جمله فاکتور غنی سازی بالا ، جداسازی سریع، هزینه کم و توانایی ترکیب با ابزارهای آنالیز است. این روش از زمان معرفی به طور مداوم در حال تغییر بوده و با روندها و کاربردهای جدید سازگار شده است. بیشتر این تغییرات مربوط به ماهیت حلال مورد استفاده بعنوان فاز استخراج در این روش است. به خوبی شناخته شده است که کارایی ریز استخراج فاز مایع عمدتاً به انتخاب یک فاز استخراج مناسب بستگی دارد. در همین راستا، استفاده از حلال‌های جدید در ریز استخراج فاز مایع به میزان قابل‌توجهی افزایش یافته است، زیرا بازده استخراج بهتری را به فراهم می کند. این مقاله، کاربرد حلال های سبز در ریز استخراج فاز مایع و همچنین جنبه‌ها و زمینه‌های پیش رو را توصیف مورد بررسی قرار می دهد.

مواد و روش ها : در این تحقیق جستجو در پایگاه های اطلاعاتی معتبر داخلی و خارجی شامل Magiran، SID،Scopus، Science Direct انجام شد. کلید واژه های مورد استفاده شامل ریز استخراج فاز مایع، توسعه های جدید در ریز استخراج فاز مایع، شیمی تحلیلی سبز و غیره می باشد

نتایج : پس از جستجو، ۱۱۵ مقاله مرتبط انتخاب شده را که در سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ به چاپ رسیده بودند، در نهایت ۳۶ مقاله در راستای کامل موضوع مورد مطالعه انتخاب شده و برای نگارش مرور حاضر وارد مطالعه شد.

نتیجه گیری : مرحله جداسازی و یا پیش تغلیظ نمونه مهمترین مرحله برای آنالیز و نمونه ها و تعیین نمونه ها است. امروزه، روش ریز استخراج فاز مایع یک تکنیک کاملاً شناخته شده است و به دلیل مزیت های آن نسبت به سایر تکنیک های آماده سازی نمونه، برای تجزیه و تحلیل ترکیبات در ماتریس های مختلف استفاده شده است. به طور کلی، روش ریز استخراج فاز مایع و نسخه های به روز شده آن جایگاه ویژه ای را در میان سایر روش های استخراج پیدا کرده اند. تاکنون، گام‌های بزرگی برای دستیابی به حلال‌های سبزتر در رویکردهای ریز استخراج برداشته شده است. با این وجود، دنیای شیمی از برخی جنبه‌ها محافظه‌کارانه است و هنوز از حلال‌های سنتی استفاده می‌کنند. ما از مزایای بارز این حلال ها مانند استفاده آسان و تراکم زیاد آن ها آگاه هستیم، اما نباید تاثیر عظیمی که این نوع حلال ها بر سلامت و محیط

زیست می گذارد را نادیده گرفت. به همین دلیل، استفاده از حلال‌های جدیدتر و سبزتر باید در طول سال‌های بعدی با تمرکز بر قابلیت‌های استخراج عالی و سنتز آسان و بی‌ضرر مدنظر باشد.

واژگان کلیدی : ریز استخراج فاز مایع، حلال های سبز، شیمی تحلیلی سبز، مرور سیستماتیک

کاربرد نانوالیاف در روش های استخراج و ریز استخراج به منظور تعیین ترکیبات هدف در نمونه های مختلف

وحید جلیلی[1]

۱-دانشجوی دکتری تخصصی، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

چکیده

زمینه و هدف : نانوالیاف به عنوان جاذب های آماده سازی نمونه پیشرفته برای پیش تغلیظ و جداسازی ترکیبات هدف در غلظت های کم مدنظر گرفته می شوند. این مواد دارای خصوصیات منحصر به فردی هستند مانند نسبت سطح به حجم بالا، خواص نانومتخلخل و ظرفیت جذب بالا، آن‌ها را به جاذب‌های کارامدی برای آماده‌سازی نمونه قبل از تعیین با ابزارهای تحلیلی تبدیل کرده است. تا به امروز نانوالیافها در بسیاری از استراتژی‌های آماده‌سازی نمونه از جمله ریز استخراج فاز جامد (SPME)، ریز استخراج لایه نازک (TFME)، استخراج فاز جامد (SPE)، و سایر تکنیک‌های استخراج فاز جامد گنجانده شدند. این مقاله مروری، کاربردهای نانوالیاف را به عنوان جاذب برای غنی‌سازی و آماده‌سازی نمونه های مختلف محیطی در سال‌های ۲۰۱۰ تا۲۰۲۲ خلاصه می‌کند.

مواد و روش ها : در این تحقیق جستجو در پایگاه های اطلاعاتی معتبر داخلی و خارجی شامل ، SID، IranMedex ، Scopus، Science Directانجام شد. کلید واژه های مورد استفاده شامل روش های ریز استخراج ، نانوالیاف، روش های آماده سازی نمونه، استخراج، الکتروریسی و غیره می باشد

نتایج : پس از جستجو، ۹۶ مقاله مرتبط انتخاب شده را که در سال های۲۰۱۰ تا ۲۰۲۲ به چاپ رسیده بودند، در نهایت ۲۴ مقاله در راستای کامل موضوع مورد مطالعه انتخاب شده و برای نگارش مرور حاضر وارد مطالعه شد.

نتیجه گیری : توسعه روش‌های آماده‌سازی نمونه مبتنی بر ریز استخراج می تواند منجر به روش‌های حساس‌تر، قوی‌تر و کارآمدتر برای پیاده‌سازی در آزمایشگاه‌های معمول برای پایش ترکیبات مختلف شود. پیشرفت‌های اخیر در سنتز نانوالیاف را می‌توان مواد جاذب جدید با قابلیت انتخاب پذیری بالا در نظر گرفت که آن‌ها را قادر می‌سازد در ماتریس‌های بسیار پیچیده عملکرد موفقی داشته باشند تحقیقات آینده احتمالاً به سمت بهبود عملکرد نانوالیاف توسعه پیدا خواهد کرد در همین راستا می توان اصلاح الیاف با گروه‌های عملکردی متفاوتی را مطرح کرد که می‌توانند برای استخراج طیف وسیعی از ترکیبات از جمله آبگریز، آب‌دوست و چربی دوست استفاده شوند. همچنین ارتقا ویژگی های نانوالیاف به منظور بهبود پایداری شیمیایی و مکانیکی آنها میتواند یکی از زمینه های تحقیقاتی جالب آینده باشد.

واژگان کلیدی : نانوالیاف، ریز استخراج، استخراج، آماده سازی نمونه، مرور سیستماتیک

بررسی تاثیر مواجهه با ارتعاش تمام بدن بر کیفیت خواب رانندگان کامیون های درون شهری

وحید جلیلی[1]

۱-دانشجوی دکتری، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: ارتعاش یکی از مهمترین مشکلات در رانندگان وسایل نقلیه سنگین است که می تواند منجر آسیب های اسکلتی عضلانی همچنین افزایش بروز وداث رانندگی گردد. از طرفی خستگی و خواب آلودگی رانندگان از عوامل بسیار مهم در حوادث ترافیکی است. یکی از پارامترهای کلیدی در کاهش کارایی و عکس اعمل به موقع رانندگان، کیفیت نامطلوب خواب است. بنابراین، هدف از انجام این بررسی تاثیر مواجهه با ارتعاش تمام بدن بر کیفیت خواب رانندگان کامیون های درون شهری کرمانشاه می باشد.

روش کار: این مطالعه از نوع توصیفی-تحلیلی و به روش مقطعی بوده که در آن ۳۵ نفر از رانندگان کامیون های درون شهری شهر کرمانشاه مورد مطالعه قرار گرفتند. همچنین یک گروه ۳۵ نفری بعنوان شاهد از پرسنل اداری پایانه باربری نیز در این مطالعه جهت مقایسه نتایج در نظر گرفته شد. انتخاب این رانندگان بصورت تصادفی ساده انجام گرفت. اندازه گیری ها در شرایط واقعی کار رانندگان و بر اساس استاندارد (۱۹۸۵) ISO ۲۶۳۱ صورت گرفت. بدین منظور ارتعاش تمام بدن در سطح صندلی راننده در ۳ محور(X,Y,Z) اندازه گیری و نتایج به دست آمده با مقادیر استاندارد مقایسه شد. کامیون های مورد مطالعه از نوع بنز ۱۹۲۱ بودند. جهت جمع آوری سایر داده ها از پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک و برای بررسی کیفیت خواب از پرسشنامه استاندارد کیفیت خواب پیتزبورگ(PSQI) استفاده گردید. تجزیه و تحلیل داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS۱۶ انجام شد.

یافته ها: نتایج دموگرافیک نشان داد میانگین سنی رانندگان ۸/۸±۳۸ سال و ۹۱/۴ درصد از رانندگان متاهل و ۸/۶ درصد از رانندگان مجرد بودند. مقادیر برآیند شتاب معادل کلی ارتعاش ($۰/۷۸\ m^2$) برای رانندگان کامیون بیشتر از مقدار مجاز مواجهه روزانه می باشد. نمره پرسشنامه استاندارد کیفیت خواب پیتزبورگ برای رانندگان کامیون ۹/۲۹ و برای گروه شاهد ۳/۱۲ به دست آمد که نشان میدهد اختلاف معناداری بینکیفیت خواب دو گروه مورد بررسی وجود دارد ($P<0.05$).

نتیجه گیری: مطالعه حاضر در مجموع کیفیت خواب رانندگان کامیون درون شهری کرمانشاه را نامطلوب ارزیابی می کند. نتایج نشان می دهد که عوامل مختلفی از جمله محل نامناسب بودن صندلی, عدم عایق کاری ارتعاش، عمربالا و فرسودگی کامیون ها از عوامل تاثیر گذار بر مقدار ارتعاش منتقل شده به رانندگان می باشد. باتوجه تاثیر خواب نامطلوب بر سلامت افراد

و همچنین تاثیرات مضرارتعاش کل بدن، پیشنهاد می شود که در مورد کنترل ارتعاش از جمله استفاده از سیستم های معلق در صندلی خودروها، انجام عایق کاری لازم و سایر راه کارهای کنترلی در خودروهای سنگین مطالعات بیشتری انجام شود.

کلمات کلیدی: *ارتعاش تمام بدن، کیفیت خواب، رانندگان کامیون درون شهری*

بررسی نظامند روش های نمونه برداری و آنالیز محصولات بهداشت شخصی

وحید جلیلی[1]

۱- دانشجوی دکتری تخصصی، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

چکیده

زمینه و هدف : محصولات مراقبت شخصی به وفور توسط مردم استفاده می شود و برخی از آنها بدون تغییر یا به عنوان متابولیت از طریق ادرار دفع می شوند لذا فاضلاب مهمترین منبع انتشار آنها در محیط است. در دهه های گذشته، همانطور که در مطالعات مختلف گزارش شده است، میزان این ترکیبات در محیط زیست بطور قابل توجهی افزایش یافته است. این ترکیبات تقریباً در همه انواع آب آب‌های فاضلاب، آب‌های سطحی، آب‌های زیرزمینی و غیره در غلظت‌های مختلف از ng/L تا میکروگرم در لیتر هستند. تاکنون انواع مختلفی از استراتژی‌های آماده‌سازی و آنالیز نمونه از جمله استخراج فاز جامد (SPE) و سایر تکنیک ها رایج برای نمونه برداری و آنالیز برای این ترکیبات بکار گرفته شده است. این مقاله مروری، انواع روش های نمونه برداری و آنالیز محصولات بهداشت شخصی را طی سال‌های ۲۰۱۵ تا۲۰۲۲ خلاصه می‌کند.

مواد و روش ها : در این تحقیق جستجو در پایگاه های اطلاعاتی معتبر Scopus، Science Directانجام شد. کلید واژه های مورد استفاده شامل روش های ریز استخراج محصولات مراقبت شخصی، استخراج محصولات مراقبت شخصی، روش های آماده سازی نمونه و غیره می باشد.

نتایج : پس از جستجو، ۱۵۱ مقاله مرتبط انتخاب شده را که در سال های۲۰۱۵ تا ۲۰۲۲ منتشر شده اند، در نهایت ۳۸ مقاله بر اساس مطالعه عنوان، چکیده و محتوای مقاله انتخاب شده و برای نگارش پژوهش حاضر وارد مطالعه شد.

نتیجه گیری : بطور کلی عمدتا از روش های مرسوم برای نمونه برداری و تجزیه و تحلیل این ترکیبات در محیط استفاده می شود. با این حال، روش های مرسوم با چالش هایی مانند استفاده قابل توجه از حلال های سمی، پیچیدگی، هزینه بالا و عدم امکان اتوماسیون روبرو هستند. علاوه بر این، این روش ها حساسیت کمی دارند و نمی توانند سطوح کمی از ترکیبات را تعیین کنند.

تکنیک های آماده سازی نمونه سریع، کم هزینه و سازگار با محیط زیست به فوریت مورد نیاز است. مراحل پیش تغلیظ خودکار و پاکسازی قبل از آنالیز در آینده هرچه بیشتر مورد بررسی قرار خواهد گرفت. شکافی که در بررسی مطالعات تشخیص داده شده است، فقدان دانش در مورد مخلوط‌های محصولات بهداشت شخصی موجود در محیط مختلف است لذا پیش بینی می شود در آینده نزدیک شاهد افزایش دانش در این زمینه ها باشیم.

واژگان کلیدی : *محصولات بهداشت شخصی، روش های استخراج، آماده سازی نمونه، مرور سیستماتیک*

بررسی جامع روش های تشخیص خواب آلودگی و حواس پرتی برای نظارت بر رفتارهای ناایمن راننده

وحید جلیلی[1]

۱-دانشجوی دکتری، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: خواب آلودگی و حواس پرتی راننده دو دلیل اصلی تصادفات رانندگی و خسارات مالی ناشی از آن است. بنابراین، محققان بیش از یک دهه است که روی طراحی سیستم های نظارت بر بی توجهی راننده کار می کنند. در نتیجه، روش های مختلفی برای تشخیص خواب‌آلودگی و حواس‌پرتی در متون علمی گزارش شده‌است. برخی از این تکنیک‌ها با موفقیت توسط شرکت‌های پیشرو خودروسازی مورد استفاده قرار گرفته و اجرا شده است. بنابراین، هدف ازاین مقاله مروری، بررسی روش های تثبیت‌شده برای نظارت بر رفتارهای ناایمن راننده از جمله خواب آلودگی و حواس پرتی می باشد.

روش کار: در این تحقیق جستجو در پایگاه های اطلاعاتی معتبر داخلی و خارجی شامل، Scopus، Science Direct انجام شد. کلید واژه های مورد استفاده شامل ارتباط ماشین با ماشین، رفتار ایمن راننده، تشخیص خستگی راننده، نظارت بر عدم توجه راننده می باشد.

یافته ها: پس از جستجو، ۱۴۶ مقاله مرتبط انتخاب شده را که بدون محدودیت زمانی تا ۲۰۲۲ منتشرشده بودند. پس از ارزیابی مقالات در نهایت ۴۴ مطالعه برای نگارش مرور حاضر مورد بررسی قرار گرفت.

نتیجه گیری: مطالعه حاضر، روش های مختلف تشخیص خواب‌آلودگی و حواس‌پرتی گزارش شده متون علمی را مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان می دهد که بررسی جامع ادبیات به ما نشان داد که هر یک از روش ها محدودیت های خاص خود را دارند، بنابراین بهتر است از ترکیب چند روش استفاده کنیم. برای تشخیص خستگی، پارامترهای خودرو مانند سرعت، شتاب، موقعیت خودرو، زاویه فرمان، ترمز، و ویژگی‌های صورت راننده با هم ارزیابی می‌شوند، در حالی که روش های ترکیبی برای تشخیص حواس‌پرتی حرکات چشم، متغیرهای نگاه، جهت‌گیری سر، ضربان قلب، داده های رانندگی و هندسه جاده را ترکیب می‌کنند. علاوه بر این، روش های ترکیبی را می توان با در نظر گرفتن ویژگی های مانند جنسیت، سن و شرایط پزشکی تقویت کرد. اگرچه روش های ترکیبی زمان پردازش بیشتری را می طلبند، زیرا تعداد ویژگی های ارزیابی شده افزایش می یابد.

کلمات کلیدی: رفتار ایمن راننده، خستگی، خواب آلودگی، حواس پرتی، روش های تشخیصی

بررسی نظام مند بکارگیری روش های ریز استخراج جهت پایش ترکیبات فنول در ماتریس های مختلف

وحید جلیلی[1]

۱-دانشجوی دکتری تخصصی، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

چکیده

زمینه و هدف : ترکیبات فنول استفاده گسترده در بسیاری از فرآیندهای صنعتی مانند ساخت پلاستیک ها، رنگ ها، داروها، آنتی اکسیدان ها و آفت کش ها دارند و به دلیل سمیت بالا از جمله آلاینده های مهم در محیط زیست هستند. روش های کلاسیک آماده سازی نمونه مانند استخراج مایع-مایع (LLE) و استخراج فاز جامد (SPE) عموما برای آنالیز ترکیبات فنول بکار رفته است.در پاسخ به این محدودیت ها، انواع مختلفی از تکنیک های ریز استخراج (ریز استخراج های فاز جامد و مایع) به طور گسترده برای نمونه برداری و تعیین ترکیبات فنول از ماتریس های مختلف به کار گرفته شده اند. هدف این تحقیق بررسی و مرور سیستماتیک تکنیک‌های ریز استخراج مورد استفاده برای آماده‌سازی و تعیین ترکیبات فنول در ماتریس‌های مختلف است.

مواد و روش ها : جستجو در این مطالعه مطابق با پروتکلهای Cochranes صورت خواهد گرفت . بهمنظور دستیابی به مستندات و شواهد علمی مرتبط با کاربرد روش های ریز استخراج در آنالیز ترکیبات فنول از مقالات چاپ شده در پایگاههای داخلی و خارجی نظیرScopus و Web of Science از ژانویه ۲۰۱۵تا دسامبر ۲۰۲۲استفاده خواهد شد. معیارهای ورود مطالعات در این پژوهش عبارتند از: الف) مقالات فارسی و انگلیسی که کاربردروش های ریز استخراج در آنالیز ترکیبات فنول گزارش کنند، ب) مطالعات مقطعی ج) مقالاتی که سم شناسی ترکیبات فنول را گزارش کنند، د) در این راستا، مطالعات کارآزمایی بالینی، گزارش موردی، مقالات مروری، کتابها و مطالعات مداخله‌ای از این پژوهش خارج شدند.

نتایج : پس از جستجو، ۲۵۶ مقاله مرتبط انتخاب شده را که در سال های۲۰۱۵ تا ۲۰۲۲ منتشر شده اند، در نهایت ۶۴ مقاله بر اساس مطالعه عنوان، چکیده و محتوای مقاله انتخاب شده و برای نگارش پژوهش حاضر وارد مطالعه شد. روشهای های ریزاستخراج دارای مزایای منحصر به فردی از جمله راندمان بالا، سادگی، حساسیت و انتخاب پذیری عالی، سهولت اجرا و قابلیت استفاده از اتوماسیون بوده و مقرون به صرفه و سازگار با محیط زیست هستند. نتایج این بررسی نشان داد که این روشها همراه با یک ابزار تحلیلی مناسب می‌توانند روش‌های جایگزین قدرتمندی برای شناسایی فنول ها در ماتریس‌های مختلف باشند. البته شایان ذکر است که عملکرد موفقیت آمیز این روش ها بستگی زیادی به بهینه سازی شرایط استخراج دارد.

نتیجه گیری : روش‌های تحلیلی مرسوم مختلفی برای نمونه‌برداری و آنالیز ترکیبات فنول در طول سال‌ها استفاده شده است. با این حال این روش ها محدودیت های زیادی دارند. تا به امروز، گام های مهمی درنمونه برداری و آنالیز ترکیبات فنول از ماتریس های مختلف برداشته شده است. با این حال، پیشرفت های بیشتری برای ارائه تجزیه و تحلیل کارآمد آنها ضروری است. با گذشت زمان، روش های ریزاستخراج برای غلبه بر معایب روش های تحلیلی مرسوم معرفی و استفاده شد. در آینده مطالعات می توانند به سمت استفاده از جاذب های انتخابی، توسعه هرچه بیشتر اتوماسیون روش های ریز استخراج و کاربرد آنها درزمینه های in vitro و in vivo پیش روند.

واژگان کلیدی : *ترکیبات فنول، روش های ریز استخراج، ماتریس های مختلف، مرور سیستماتیک*

بررسی نقش روانشناسی صنعتی در صنایع پالایش روغن با رویکرد ارتقای سطح ایمنی و بهداشت در محیط کار

مرتضی کهن سال[۱]، محمدحسین صفری[۲]، آرزو ابراهیمی[۳]، سمیه والایی شریف[۴]

۱-کارشناسی ارشد، مهندسی بهداشت حرفه ای، شبکه بهداشت و درمان، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

۲-کارشناس ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، مدیر و مسئول فنی شرکت ایمن سلامت شمال

۳ و۴ -کارشناس بهداشت محیط، شبکه بهداشت و درمان شهرستان بهشهر، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

چکیده

زمینه و هدف : روانشناسی صنعتی یا روانشناسی کار به مطالعه علمی رابطه ی میان انسان و دنیای کار می پردازد و از آنجاکه کشور ما نیز در آستانه توسعه اقتصادی و صنعتی است لذا استفاده از خدمات مشاوره روانشناسی صنعتی یکی از ضروریات جهان تولید و کار است. این امر مهم در کنار استقرار سیستم مدیریت ایمنی بهداشت محیط زیست H.S.E سبب ارتقای انگیزه و بهره وری پرسنل، افزایش تولید و سرعت انجام کار، کاهش آمار حوادث شغلی و... می شود. در این مطالعه پیاده سازی الزامات H.S.E با بکارگیری روانشناسی صنعتی در صنایع پالایش روغن مورد بررسی قرار گرفت.

مواد و روش ها : مطالعه حاضر از نوع تجربی بوده و سه کارخانه جمعاً با ۲۶۷ نفر شاغل انتخاب شدند. در ابتدای سال میزان رضایمندی شاغلین با استفاده از پرسشنامه و شرایط موجود بررسی شد. گروهی متشکل از کارشناس ایمنی و بهداشت حرفه ای، روانشناس، مدیریت کارخانه و مدیران اجرایی، کار برنامه ریزی و اجرای الزامات H.S.E را عهده دار گردیدند و فعالیت هایی نظیر اجرای نظام پاداش، طراحی فضای سبز، اختصاص اتاق آموزش و اجرای برنامه های آموزشی، بررسی میزان حوادث شغلی و غیبت از کار، انجام معاینات و آزمایشات تخصصی سالیانه، سنجش و ارزیابی عوامل زیان آور محیط کار، بهبود شرایط محیط کار و ارگونومی، تغییر برنامه غذایی، مشاوره تخصصی به کارگران، طرح تشویق به ترک دخانیات و... تا پایان سال برای شاغلین به انجام رسید. در پایان سال مجدداً میزان رضایمندی آنان مورد بررسی قرار گرفت و داده های جمع آوری شده در این مطالعه با استفاده از نرم افزارهای EXCEL و SPSS مورد بررسی و آنالیز قرار گرفتند.

نتایج : نتایج نشان داد که میزان رضایت شاغلین از محیط کار پس از اجرای برنامه ها به طرز چشمگیری افزایش یافت. فاصله روانی روابط بین کارگران و مدیران و دیگر کارکنان کاهش یافت. نسبت به سال قبل نرخ حوادث ۵۷٪ کاهش یافته بود. همچنین تعداد روزهای غیبت از کار نیز ۴۳٪ کاهش داشت. ۷۶٪ مصرف کنندگان مواد مخدر حاضر شدند تحت درمان قرار بگیرند. میزان مشارکت شاغلین در برنامه های مداخله ای ۹۳٪ بود و بطور کلی میزان رضایمندی شاغلین از محیط کار که در ابتدای سال ۴۲٪ ارزیابی شده بود در پایان سال به ۷۸٪ افزایش یافت.

نتیجه گیری : فردی که در محیط کار حضور دارد هر قدر هم آموزش دیده و مجرب باشد، باید از نظر جسمانی و روانشناختی در وضعیت سالمی باشد، از طرفی استرس شغلی و فرسودگی شغلی اش نیز شناسایی و کنترل شده باشد. ارزیابی ریسک های روانشناختی و انجام اقدامات پیشگیرانه از وظایف روانشناسان صنعتی و سازمانی شاغل در ادارات و واحد های H.S.E می باشد. کارشناسان ایمنی و بهداشت روانی در کنار یکدیگر و با کار تیمی، با همکاری هم سازمان را برای دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده و بهبود مستمر یاری می دهند .

واژگان کلیدی : *شاغلین، روانشناسی صنعتی، H.S.E ، ایمنی و بهداشت*

بررسی پرسشنامه های موجود برای ارزیابی استرس حرارتی در محیط های کاری

سقراط عمری شکفتیک، جمال بیگانه، محمدجواد شیخ‌مظفری، فریده گلبابایی

گروه مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

نشانی: دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشکده بهداشت، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای.

چکیده

زمینه و هدف: گرما از جمله عوامل زیان آور محیط های کاری است که مواجهه با مقادیر بیش از حدود توصیه شده آن می تواند اثرات سوئی را بر سلامت نیروی کار تحمیل کند. امروزه شیوه های مختلفی برای ارزیابی سطح استرس گرمایی پیشنهاد شده و مورد استفاده قرار گرفته است؛ که بطور کلی می توان آنها را به دو شیوه Objective و Subjective دسته بندی کرد. پرسشنامه ها از مهمترین ابزارهای Subjective بشمار می آیند که بدلیل دارا بودن برخی مزایا، از جمله سهولت در کاربرد و عدم مزاحمت برای نیروی کار، مورد استقبال محققان قرار گرفته اند. با این وجود هنوز پرسشنامه جامعی که تمامی جوانب تنش های گرمایی را پوشش دهد و بعنوان یک ابزار استاندارد از سوی سازمان های ملی و بین المللی پیشنهاد گردد، شناخته نشده است. لذا هدف از این مطالعه مروری ، بررسی پرسشنامه های موجود در زمینه ارزیابی استرس گرمایی در محیط های کاری و مقایسه و تحلیل حیطه های مختلف آنها بود.

مواد و روش ها: در مطالعه حاضر ابتدا کلید واژه های مرتبط با حوزه استرس گرمایی توسط دو محقق استخراج و موارد تکراری حذف گردید. در نهایت، با کلیدواژه های heat stress، thermal stress، thermal condition، thermal perception، questionnaire، reliability، validity، validation و subjective، استراتژی جستجو برای پایگاه های PubMed و Web of Science تهیه و جستجو در بازه زمانی ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۲ (بدلیل حجم بالای مطالعات و همچنین با هدف استخراج پرسشنامه های جدید) صورت پذیرفت. در مرحله اول مقالات تکراری بوسیله نرم افزار اندنوت حذف شدند. مقالات باقی مانده بوسیله دو نفر محقق و به صورت جداگانه بررسی شدند. ابتدا مقالات براساس عنوان و چکیده مورد بررسی قرار گرفتند و آنهایی که ار اهداف مطالعه بسیار دور بودند، حرف شدند. متن کامل مقالات باقی مانده بررسی و آنهایی که با معیارهای ورود (مقاله از نوع اصیل باشد، زبان مقاله انگلیسی باشد، ارزیابی تنش گرمایی در یک محیط کاری و با پرسشنامه انجام شده باشد) در تضاد بودند، حذف شدند.

نتایج: از ۹۸ مقاله یافت شده در جستجوی اولیه، در نهایت ۱۱ مقاله وارد مطالعه ما شد. در مجموع ۲۳ حیطه مختلف در این پرسشنامه ها مورد بررسی قرار گرفته بود که پرسش های مرتبط با هر حیطه در زیرگروه آن حیطه دسته بندی گردید. در این میان حیطه های" قضاوت افراد از شرایط جوی محیط کار" و " بار کاری" هرکدام در ۸ مطالعه، حیطه های "وسایل حفاظت فردی"، "بیماری مرتبط با گرما"، " استرین های بیولوژیکی" و "بروز علائم بیماری مرتبط با گرما" نیز هرکدام در ۷ مطالعه

مورد استفاده قرار گرفته بودند که پر تکرارترین حیطه ها محسوب می شوند. از سوی دیگر حیطه "وجود دستورالعمل کار در محیط های گرم" در یک مطالعه و حیطه های تطابق فرد با گرما"، "غیبت از کار به دلیل گرما"، "حوادث ناشی از کار" و "تاثیر گرما بر روابط با همکاران یا روابط اجتماعی" هرکدام در دو مطالعه مورد استفاده قرار گرفته بودند. برخی سوالات در حیطه های تعیین شده گنجانده نشده بود، لذا در حیطه ای تحت عنوان "سایر" دسته بندی شدند.

نتیجه گیری : در پرسشنامه های تدوین شده جهت ارزیابی استرس حرارتی در محیط های کاری، جنبه های اختصاصی کار، خصوصیات محیط کار، منابع، اقدامات کنترلی مختلف، خصوصیات فیزیولوژیکی و فردی افراد، جنبه های ارتباطی، وجود دستورالعمل ها و آموزش ها و اثر مداخله ای گرما بر خلقیات و بهره وری و تمرکز مطرح گردیده است. بیشترین تمرکز محققان برروی جنیه های فردی و فیزیولوژیکی و اقدامات کنترلی معطوف بوده است. با بررسی پرسشنامه ها می توان دریافت که هیچکدام از این پرسشنامه ها بطور کامل تمام ابعاد استرس های حرارتی محیط های کاری را نتوانسته اند مورد ارزیابی قرار دهند که این به دلیل پیچیدگی و چندفاکتوری بودن استرس حرارتی در محیط های کاری است. در این زمینه در بهترین حالت پرسشنامه های ارائه شده توسط دهقان و همکاران و همچنین Jianjun Xiang و همکاران به ترتیب ۱۶ و ۱۳ حیطه (از مجموع ۲۳ حیطه) را مورد ارزیابی قرار داده بودند. لذا میتوان چنین نتیجه گرفت که پرسشنامه های ارائه شده در این زمینه نمی توانند بصورت کامل تمامی ابعاد یک ارزیابی را پوشش دهند و نیاز به ارائه یک پرسشنامه جامع تر و کامل تر بعنوان یک ابزار استاندارد، وجود دارد.

واژگان کلیدی: *ارزیابی، استرس گرمایی، پرسشنامه*

بررسی رابطه بین اعتیاد به اینترنت با پیشرفت تحصیلی و اختلالات اسکلتی عضلانی در بین دانشجویان یکی از دانشگاههای علوم پزشکی

سقراط عمری شکفتیک[۱]، جمال بیگانه[۲]، فریده غلیچی[۲]، وحید رحیمی زاده[۲]، سولماز طالبی[۳]، اکرم سادات موسوی شکیب[۲]، مهسا بهرامی [۲*]

۱. گروه مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده ی بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایران

۲. گروه مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده ی بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، ایران.

۳. گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، ایران.

*: نویسنده مسئول

نشانی: دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، دانشکده بهداشت، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای.

چکیده

زمینه و هدف: استفاده بیش از حد از گوشی‌های هوشمند باعث کاهش تعاملات اجتماعی افراد، کاهش پیشرفت تحصیلی، اختلال تمرکز در مدرسه یا محل کار، ایجاد مشکلات جسمی مانند گرفتگی گردن، تاری دید، درد مچ دست و کمردرد و همچنین بروز اختلالات خواب می‌شود. با شروع دوره بیماری کرونا در ایران، آموزش دروس در تمامی مقاطع تحصیلی و مراکز علمی از جمله دانشگاه‌ها بصورت غیرحضوی و مبتنی بر اینترنت (مجازی) برگزار گردید. این شیوه آموزشی بدلیل استفاده از وسایل الکترونیکی و در برخی مواقع ساعات آموزشی طولانی مدت باعث تحمیل فشارهای جسمانی در دانشجویان و افزایش گزارش اختلالات اسکلتی عضلانی در آنها بوده است.

مواد و روش ها: این مطالعه در سال ۱۴۰۰ در بین ۴۰۰ نفر از دانشجویان یکی از دانشگاه های علوم پزشکی کشور که بر اساس نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند، انجام گردید. نمونه های منتخب رضایت خود را با امضاء فرم رضایت آگاهانه اعلام نمودند و جزء دانشجویان دارای واحد های دوره کارآموزی یا اینترنی نبودند. اطلاعات مورد نیاز جهت این مطالعه با استفاده از چهار پرسشنامه دموگرافیک، پرسشنامه اعتیاد به اینترنت یانگ، پرسشنامه ی پیشرفت تحصیلی فام و تیلور و پرسشنامه ی نوردیک جمع آوری گردید. پرسشنامه دموگرافیک حاوی سوالاتی از قبیل رشته تحصیلی، سن، جنس، وضعیت تاهل و ساعات استفاده از موبایل در طول روز بود. پرسشنامه اعتیاد به اینترنت یانگ دارای ۲۰ سؤال بوده که طیف پاسخ دهی آن به صورت لیکرت است. نمره کلی پرسشنامه دامنه ای از ۲۰ تا ۱۰۰ دارد که نمره بالا بیانگر اعتیاد بالاتر فرد به اینترنت است. پرسشنامه ی پیشرفت تحصیلی فام و تیلور دارای ۴۸ سوال است که بر اساس مقیاس پنج درجه ای طیف لیکرت تهیه شده است. پس از نمره‌گذاری کسانی که نمره کمتر از ۱۲۰ بدست آورند نشان دهنده عملکرد ضعیف و نمره بین ۱۲۱-۱۷۴ نشان دهنده عملکرد

متوسط و نمره بالاتر از ۱۷۵ نشان دهنده عملکرد قوی است. پرسشنامه نوردیک، سیستم حرکتی بدن انسان را به ۹ ناحیه شامل گردن، شانه ها، آرنج‌ها، مچ‌ها/ دستها، کمر، باسن/ ران، زانوها و قوزکها/پاها تقسیم میکند و با استفاده از سوالاتی، سابقه بروز درد در نواحی فوق مورد بررسی قرار می گیرد. بدلیل شرایط پاندمیک بیماری کرونا و عدم حضور دانشجویان در دانشگاه، لینک پرسشنامه ها بصورت الکترونیکی در اختیار دانشجویان منتخب قرار داده شد.

نتایج: ۲۷۸ نفر (۷۱/۸ درصد) از شرکت کنندگان مرد بودند و بیشتر شرکت کنندگان در رشته پزشکی و پرستاری (۳۵/۷۵ درصد) مشغول به تحصیل بودند. ۴۸ درصد شرکت کنندگان دارای وابستگی به اینترنت و ۸۹/۵ درصد از شرکت کنندگان دارای پیشرفت تحصیلی متوسط بودند. بیشترین گزارش ناراحتی در نواحی کمر، گردن و شانه (به ترتیب ۴۰/۸، ۳۳/۸ و ۳۱ درصد افراد) بوده است و بالعکس کمترین گزارشات مربوط به نواحی قوزک و ران (به ترتیب ۱۵/۸ و ۱۶/۸ درصد افراد) بوده است. نتایج مطالعه حاضر نشان داد که بین وابستگی به اینترنت و گزارش ناراحتی در نواحی گردن، شانه و مچ دست ارتباط معنی دار وجود دارد. این در صورتیست که بین سطوح مختلف پیشرفت تحصیلی و وابستگی به اینترنت رابطه معنی دار یافت نگردید.

نتیجه گیری : دانشجویان در طول دوران کرونا بیشتر اوقات تحصیلی خود را درحال کار با اینترنت می‌گذرانند که این بدلیل نوع بستر آموزش‌های دریافتی تعریف شده توسط سیستم آموزشی می‌باشد. استفاده بیش از حد از تلفن‌های هوشمند ممکن است باعث ایجاد وابستگی گردد ولی در این مطالعه تقریبا ۴۸ درصد افراد به شکل اعتیادآور از تلفن هوشمند استفاده می‌کردند که می‌تواند بدلیل ماهیت تحصیلی و بستر آموزشی آنها باشد. اعمال پوسچرهای نامطلوب حین استفاده از تلفن‌های هوشمند و یا دستگاه‌های متصل به اینترنت (مانند رایانه ها) باعث بروز اختلالات اسکلتی عضلانی مخصوصا در نواحی درگیر مانند گردن، شانه و مچ دست می‌شود.

واژگان کلیدی: *اعتیاد، تلفن هوشمند، اینترنت، پیشرفت تحصیلی، اختلالات اسکلتی عضلانی*

عنوان مقاله: ارزیابی مجدد و مقایسه فرهنگ ایمنی در کارکنان لوله نورد اکباتان همدان بعد از گذشت ۱۰ سال

پروین سپهر

نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: حوادث در دنیای صنعت در حال افزایش است.برای کنترل ان در دنیای مدرن به سمت ایمنی فعال باید بود یکی از راههای کنترل حوادث و ارتقا ایمنی ایجاد فرهنگ ایمنی می باشد. ایجا فرهنگ ایمنی موثر با گذشت زمان و بهبود مستمر محقق می گردد لذا هدف این مطالعه بررسی و ارتقا فرهنگ ایمنی در بازه زمانی ده ساله بوده است.

روش کار: این مطالعه از نوع مداخله ای (قبل و بعد) بوده است که به بررسی فرهنگ ایمنی در کارخانه لوله نورد اکباتان همدان پرداخته شده است ابتدا در سال ۱۳۸۹ فرهنگ ایمنی در این صنعت مورد بررسی قرار گرفت سپس به مدت ۱۰ سال در خصوص مسایل ایمنی و بهداشت به کارکنان آموزش داده شد همچنین اقدامات فنی مهندسی به منظور بهبود و ارتقا شرایط و مسایل ایمنی و بهداشتی صورت پذیرفت و مجددا فرهنگ ایمنی در سال ۱۴۰۰ اندازه گیری شد. در این مطالعه ابزار بررسی پرسشنامه فرهنگ ایمنی استاندارد HSE بوده است که در ابعاد ده گانه فرهنگ ایمنی را مورد بررسی قرار داد. داده ها پس از جمع اوری وارد نرم افزار SPSS شدند و با آزمون های آماری تی تست زوجی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: در سال ۱۳۸۹ میانگین فرهنگ ایمنی کارگران ۲۰۴±۴۲/۴۳ بوده است. که نشان دهنده فرهنگ ایمنی منفی در میان کارکنان بوده است. و افراد در بعد آموزش ضعیف بوده است. همچنین افراد در بعد مشارکت ایمنی و ارتباطات ایمنی در حد مرز ی قرار داشتند سپس بعد از آموزشات ایمنی و اجرای اقدامات کنترلی مهندسی به مدت ده سال (۱۴۰۰) میانگین فرهنگ ایمنی کارگران به ۱۶/۲۴± ۳۵۵ بوده است. که نشان دهنده فرهنگ ایمنی مثبت بوده است است. این افزایش از لحاظ اماری معنی دار بوده است.(P<0/001). نتایج نشان داد عامل سن و سابقه کاری افراد ارتباط موثری با بهبود فرهنگ ایمنی در افراد داشته است.(P<0/004). اندازه گیری نرخ رفتار ناایمن افراد در سال ۱۳۸۹، ۴۶٪ بوده است که در سال ۱۴۰۰ به مقدار ۲۳ ٪ رسیده است. (P<0/001).

نتیجه گیری: یکی از راههای ارتقا فرهنگ ایمنی در سازمان ها جهت دادن سازمان به سمت فرهنگ ایمنی مثبت می باشد.که یکی از ارکان آن آموزش مداوم بر اساس نیاز سنجی آموزشی در زمینه ایمنی می باشد. خلق فرهنگ ایمنی در یک سازمان یک برنامه دراز مدت می باشد که نیازمند برنامه ریزی و تلاش در رسیدن به آن می باشد.

کلمات کلیدی: *فرهنگ ایمنی، حادثه، ایمنی ، لوله نورد*

بررسی جامع خطاهای انسانی کارشناسان هوشبری: کاربردی از رویکرد سیستماتیک پیش بینی و کاهش خطای انسانی

فاطمه شهربابکی[۱]،زینب صادقیان[۱]، رسول میرزایی[۲]، محمد علی خسروی[۲]، حسن مرزبان پرشکوه[۳]، عباس محمد حسینی حیران[۳]

۱، ۲ و ۳ دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان

چکیده

زمینه و هدف : خطای انسانی به عنوان چالشی اساسی در محیط های کاری، با تاثیر مستقیم و غیر مستقیم روی عملکرد و رفتار انسان و به دنبال آن اعمال ناایمن و خطا در حین انجام کار، پیامدهای ناخوشایند و گاها فجیع و غیر قابل جبران داشته است. با در نظر گرفتن حساسیت و اهمیت مشاغل کادر درمان و شمار بالای خطاهای انسانی در فعالیت ها با توجه به نوع شغل، لذا مطالعه ای با هدف شناسایی و ارزیابی خطاهای انسانی در کارشناسان هوشبری شاغل در بیمارستان دولتی با استفاده از تکنیک SHERPA انجام شد.

مواد و روش ها : مطالعه حاضر به صورت مقطعی در شهر کرمان سال ۱۴۰۱ انجام شده است. در ابتدا با استفاده از مصاحبه با مختصصین و کارشناسان هوشبری، مشاهده وظایف محوله در محیط های کاری و انجام مطالعات در این حیطه با استفاده از روش تجزیه وتحلیل سلسله مراتبی وظیفه(HTA) ، فعالیت های کارشناس هوشبری به وظایف و زیروظایف خود تقسیم شد و در ادامه انواع خطاهای انسانی مربوط به هر یک از وظایف شناسایی شد. پس از آن در مرحله بعد براساس دستور العمل رویکرد سیستماتیک پیش بینی و کاهش خطای انسانی (SHERPA) خطاها مورد بررسی قرار گرفته و سطح ریسک آنها تعیین گردید. در نهایت با توجه به لزوم کاهش سطح ریسک شناسایی شده مربوط به هریک از خطا ها، راهکارهای کنترلی ارائه گردید.

نتایج : یافته های حاصل از روش تجزیه وتحلیل سلسله مراتبی وظیفه (HTA) شامل ۱۴ وظیفه اصلی (Task) و ۴۹ زیر وظیفه (subtask) می باشند. طبق تجزیه و تحلیل برگه های کار رویکرد سیستماتیک پیش بینی و کاهش خطای انسانی (SHERPA) در مجموع ۲۸۶ خطا شناسایی شد که۶۲/۹ ٪ خطاها از نوع عملکردی، ۲۶/۵٪ از نوع بازدید، ۲/۴ ٪ از نوع بازیابی، ۵/۵ ٪ از نوع ارتباطی و ۲/۴ ٪ از نوع انتخابی بودند. نتایج ارزیابی ریسک نشان داد که ۶/۱ ٪ خطاها در سطح ریسک غیرقابل قبول، ۵۷/۱ ٪ نامطلوب، ۳۶/۷ ٪ قابل قبول ولی نیاز به تجدید نظر می باشند. همچین تجزیه و تحلیل نمودار های سطح ریسک به تفکیک خطاها نشان دهنده الزام اجرای اصولی و به هنگام راهکار های پیشنهاد شده، بوده است.

نتیجه گیری : سطح ریسک ناشی از انواع مختلف خطاهای شغل کارشناس هوشبری با توجه به پیامد ها و احتمال وقوع قابل توجه آنها، نشان دهنده ضرورت کاهش نرخ و شدت خطاهای شناسایی شده در جهت پیشگیری از وقوع اتفاقات ناگوار حاصل از خطاهای قابل پیش بینی در محیط های درمانی است. همچنین با توجه به نتایج حاصل از مطالعات انجام شده و پژوهش

حاضر، تکنیک رویکرد سیستماتیک پیش بینی و کاهش خطای انسانی (SHERPA) به عنوان یک روش مؤثر جهت شناسایی خطاهای انسانی در مشاغل درمانی به شمار می رود.

واژگان کلیدی : *خطای انسانی، کارشناس هوشبری، تکنیک SHERPA، ارزیابی ریسک*

استفاده مشکل زا از اینترنت و رفتار ایمن: نقش تعدیل کننده جو ایمنی

فخرالدین قاسمی[۱]، اصغر نیک روش[۲]، طالب عسکری پور[۳]، حامد آقائی[۴]

۱-استادیار، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی آبادان

۲-کارشناسی ارشد، ارگونومی، شرکت معدنی و صنعتی گلگهر سیرجان

۳-استادیار، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سمنان

۴-استادیار، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اراک

چکیده

زمینه و هدف : استفاده مشکل ساز از اینترنت (PIU) می تواند باعث آسیب روحی و جسمی به افراد شود و ممکن است یک عامل نوظهور در ایجاد رفتارهای کاری ناایمن باشد. در این مطالعه رابطه بین PIU و رفتار ایمن مورد بررسی قرار گرفت. علاوه بر این، فرض شد که جو ایمنی می تواند رابطه بین PIU و رفتار ایمنی را تعدیل کند.

مواد و روش ها: شرکت کنندگان در این مطالعه کارکنان یک صنعت معدنی در ایران بودند. سه پرسشنامه معتبر برای جمع آوری داده های مورد نیاز در مورد PIU، جو ایمنی و رفتار ایمن بین شرکت کنندگان توزیع شد. در این مطالعه از تجزیه و تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی برای ارزیابی اثر تعدیل جو ایمنی بر رابطه بین PIU و رفتار ایمن استفاده شد. اندازه اثر تعدیل با استفاده از شاخص f^2 ارزیابی شد.

نتایج : در مجموع چهارصد و هشتاد و پنج کارگر در این مطالعه شرکت کردند. همه شرکت کنندگان مرد بودند، اکثر آنها متاهل (۸۴/۱٪)، اکثر آنها بین ۳۱ تا ۴۰ سال (۶۱/۴٪) سن و اکثر آنها دارای ۶ تا ۱۰ سال سابقه کار (۳۵/۷٪) داشتند. نتایج یک رابطه منفی بین PIU و رفتار ایمنی را نشان داد. اثر تعدیل کننده جو ایمنی بر رابطه بین PIU و رفتار ایمن مورد حمایت قرار گرفت. شاخص f2 ۰/۰۲۷ بود که یک اثر تعدیل کوچک را نشان می دهد. در نتیجه، PIU تأثیر منفی معناداری بر رفتار ایمن کارکنان دارد.

نتیجه گیری : PIU می تواند بر رفتار ایمن تأثیر منفی بگذارد، بنابراین کارفرمایان باید توجه ویژه ای به این موضوع داشته باشند. جو ایمنی می تواند اثر منفی PIU بر رفتار ایمن را کاهش دهد. استراتژی هایی برای کاهش PIU و افزایش جو ایمنی برای بهبود رفتار ایمن کارکنان مورد نیاز است.

واژگان کلیدی : *رفتار نا ایمن، جو ایمنی، استفاده مشکل زا از اینترنت*

ارزیابی و مدیریت ریسک زیست محیطی در انبار نفت با استفاده از تلفیق روش‌های AHP & E-FMEA و بکارگیری نرم افزار ARC GIS

مهدی باصولی[۱]، لیلی امانت یزدی[۲]، روح اله فلاح مدواری[۳]، آفرین اخوان[۲]، سپیده کمالی[۴]

گروه مدیریت گردشگری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه جهاد دانشگاهی، یزد، ایران

گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران

گروه مهندسی صنایع، دانشگاه علم و هنر، یزد، ایران

گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، اسفراین، دانشکده علوم پزشکی، اسفراین، ایران

چکیده

زمینه و هدف : یکی از مهم‌ترین بخش‌ها در صنایع فرایندی مخازن ذخیره‌سازی است که در آن نفت، محصولات پتروشیمی و طیف گسترده‌ای از مواد شیمیایی نگهداری می‌شود. به دلیل وجود مخاطرات فراوان و فراگیر مواد شیمیایی بر محیط‌زیست، این تحقیق با هدف ارزیابی و مدیریت ریسک در انبار نفت انجام گرفت. لذا این مطالعه با استفاده از روش‌های تلفیقی AHP و E-FMEA و با بکارگیری نرم افزار ARC GIS انجام شد.

مواد و روش‌ها : این مطالعه از نوع توصیفی-تحلیلی و کاربردی می‌باشد. در ابتدا از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، اینترنتی و مصاحبه توسط مسئولین شرکت نفت اطلاعات اولیه‌ای در مورد خطرات محیط زیست انبار نفت جمع آوری شد، و عمق محدوده مطالعاتی تعیین گردید. سپس از آب، هوا و خاک انبار نفت نمونه‌برداری شد و با استانداردها مقایسه گردید. سپس کاربرگ ارزیابی بر اساس E-FMEA طراحی شد و بر اساس آن ریسک‌ها شناسایی و امتیازدهی شدند. در انتها داده‌ها به نرم افزار Expert choice وارد و با استفاده از روش AHP اولویت‌بندی شدند. از طرفی ریسک‌های آلودگی هوا و آلودگی آب‌های زیر زمینی و خطرات همجوار انبار نفت با استفاده از نرم افزار GIS پهنه‌بندی شدند.

نتایج : نتایج نشان داد که بخش خط لوله با امتیاز ۰/۳۴۱ دارای بیشترین سطح ریسک در انبار نفت می‌باشد و بخش نفت کش و مخازن به ترتیب با امتیاز ۰/۳۳۳و ۰/۳۱۴ در اولویت‌های بعدی هستند. طبق نتایج به دست آمده خطای انسانی با امتیاز ۰/۱۳ بیشترین علل حوادث هستند و خرابی تجهیزات و سایر عوامل به ترتیب با امتیاز ۰/۱۲ و ۰/۰۷ در رده‌های بعدی قرار گرفتند. در این مطالعه با استفاده از نرم افزار GIS و از طریق روی هم گذاری لایه‌ها اقدام به شناسایی و تجزیه و تحلیل خصوصیات محدوده مورد مطالعه گردید. در نهایت اقدام به تهیه نقشه و پهنه‌بندی ریسک آتش سوزی و آلودگی هوا بر روی محیط انبار گردید و نقاط بحرانی و حادثه مرتبط با انبار نفت مشخص شد.

نتیجه‌گیری : با توجه به نتایج حاصل از این مطالعه بخش خط لوله به عنوان بیشترین سطح ریسک و خطای انسانی بالاترین علل حوادث را در انبار نفت نشان داد. در این راستا راهکارهای کنترلی جهت مدیریت ریسک ارائه شد و در نهایت برنامه مدیریت ریسک زیست محیطی، آموزش و پایش انبار نفت پیشنهاد گردید.

واژگان کلیدی : *انبار نفت، تحلیل سلسه مراتبی، سیستم اطلاعات جغرافیایی ، ارزیابی ریسک*

شناسایی دارایی‌های حیاتی ایمنی و انتخاب استراتژی نگهداری آنها با استفاده از رویکرد ترکیبی ANP، DEMATEL و TOPSIS

ناصرصدرا ابرقوئی[۱]، حسین ملایجردی[۲]، آفرین اخوان[۲] ، روح اله فلاح مدواری[۳]، سپیده کمالی[۴]

۱-دانشگاه جامع علمی کاربردی یزد، یزد، ایران

۲-گروه مهندسی صنایع، دانشگاه علم و هنر یزد، یزد، ایران

۳-گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

۴-گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران

چکیده

زمینه و هدف : یکی از مسائل مهم در سازمان‌ها، شناخت درست نسبت به توانایی‌ها و دارایی‌های ایمنی سازمان و تلاش همه جانبه مدیریت و کارکنان برای حفظ و نگهداری این دارایی‌ها و ارتقای سطح ایمنی سازمان است. با توجه به اینکه شناسایی دارایی‌های ایمنی و انتخاب استراتژی نگهداری آنها، در راستای کاهش وقوع حوادث و رویدادهای شغلی امری ضروری است، این تحقیق با هدف شناسایی دارایی‌های ایمنی و انتخاب استراتژی نگهداری آنها با استفاده از رویکرد ترکیبی ANP، DEMATEL و TOPSISدر کارخانه کاشی ایفاسرام صورت گرفته است.

مواد و روش‌ها : مطالعه حاضر یک تحقیق توصیفی-غیر آزمایشی می‌باشد. این مطالعه با استفاده از نظرات ۱۰ نفر از افراد خبره و متخصص در زمینه ایمنی که با کارخانه کاشی ایفاسرام همکاری داشتند، انجام شد. بر اساس مطالعات صورت گرفته معیارهای اصلی تحقیق شامل هزینه، ایمنی و پایداری می‌باشند. در ابتدا در تکنیک DELPHI از خبرگان خواسته شد که به میزان اهمیت زیرمعیارها در این مطالعه از عدد ۱ تا ۱۰ نمره دهند، سپس میانگین نمرات بدست آورده شد. مقایسه معیارها و زیرمعیارها، نسبت به یکدیگر بصورت زوجی انجام شد و با استفاده از تکنیک DEMATEL به بررسی روابط درونی میان معیارهای شناسایی شده پرداخته شد. سپس از تکنیک ANP برای تعیین وزن معیارها و زیر معیارها بکار گرفته شد. مقادیر محاسبه شده وزن نسبی و روابط درونی حاصل از مراحل قبل، به نرم افزار Super Decisions انتقال داده شد و در انتها با استفاده از تکنیک TOPSIS رتبه‌بندی زیر معیارها انجام شد.

نتایج : نتایج مطالعه حاضر نشان داد که در میان معیارهای هزینه، ایمنی و پایداری، با استفاده از تکنیک DEMATEL، معیار هزینه به عنوان تأثیرگذارترین معیار با وزن نهائی ۰/۴۲۰ در اولویت اول و معیار ایمنی، تأثیرپذیرترین معیار بوده است که بالاترین تعامل را با سایر معیارها دارا می‌باشد. سپس با استفاده از تکنیک ANP، در میان زیر معیارها، زیرمعیار ایمنی سلامت و ایمنی انسان با وزن نهائی ۰/۱۸۷۱ در اولویت اول تعیین شد. رتبه‌بندی نهائی زیرمعیارها با اقتباس از سوپر ماتریس

حد و با استفاده از تکنیک TOPSIS، انجام شد و در نهایت استراتژی‌های نگهداری و دارایی‌های حیاتی ایمنی اولویت‌بندی شدند.

نتیجه‌گیری : از آنجایی که ایمنی در یک صنعت و حفظ و نگهداری دارایی‌های آن حائز اهمیت است، ارائه تکنیک‌های مربوط به شناسایی دارایی‌های ایمنی و انتخاب استراتژی نگهداری آن امری ضروری است. با توجه به نتایج حاصل از این مطالعه، استراتژی‌های تعمیر و نگهداری از اجرا تا خرابی (RTFM)، نگهداری پیشگیرانه (PM)، نگهداری مبتنی بر شرایط (CBM) و تعمیر و نگهداری مبتنی بر قابلیت اطمینان (RCM)؛ به عنوان مهم‌ترین استراتژی‌ها برگزیده شدند.

کلمات کلیدی : *دارایی‌های ایمنی،استراتژی های نگهداری و تعمیرات، ANP، DEMATEL و TOPSIS*

مدیریت و ارزیابی ریسک با استفاده از روش‌های تلفیقی FMEA ، DEMATEL و ANP در صنعت فولاد

علیرضا شریفی فراشاه[۱]، محمد دریکوند[۲]، روح اله فلاح مدواری[۳]، آفرین اخوان[۲]، سپیده کمالی[۴]

۱-گروه مهندسی صنایع، دانشگاه علم و هنر، یزد، ایران

۲-گروه مهندسی صنایع، دانشگاه علم و هنر، یزد، ایران

۳-گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران

۴-گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، اسفراین، دانشکده علوم پزشکی، اسفراین، ایران

چکیده

زمینه و هدف : توسعه روزافزون صنایع جدید جهت عرضه محصولات مورد نیاز جوامع انسانی، که حاصل تغییر تکنیک‌ها و پیشرفت در ماشین‌آلات جدید است و عدم شناسایی دقیق این موارد و مخاطرات ناشی از آنها می‌تواند بشر و محیط زیست را در معرض آسیب و خطرات جدی قرار دهد. بنابراین این پژوهش با هدف مدیریت و ارزیابی ریسک با استفاده از روش‌های تلفیقی FMEA ، DEMATEL و ANP در صنعت فولاد انجام شد.

مواد و روش ها : پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی- تحلیلی می‌باشد. به طوری که بر روی ۱۰ نفر از کارکنان و کارشناسان واحد سرباره صنعت فولاد انجام شده است. مشاغل پر مخاطره در واحد سرباره صنعت فولاد شامل ۲۷ شغل مجزا می‌باشند. ارتباط بین مشاغل با استفاده از تکنیک DEMATEL مشخص شد. سپس ترکیب آنها در وزن به دست آمده با استفاده از روش ANP (مقایسات زوجی) انجام شد و با استفاده از نرم‌افزار super decision وزن نهایی مشاغل به دست آمد. در ادامه ریسک‌های موجود در واحد سرباره با استفاده از روش FMEA شناسایی و مقدار RPN آنها تعیین شد. در انتها با تأثیرگذاری وزن مشاغل در امتیاز ریسک‌ها مهم‌ترین ریسک‌های موجود در واحد سرباره صنعت فولاد مشخص گردید.

نتایج : نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان داده شد که از بین ۲۷ شغل مختلف صنعت فولاد، اپراتور برش خرسک با وزن نرمال شده ۰/۰۸۱۳ بدون درنظرگرفتن روابط درونی به عنوان مهم‌ترین شغل تعیین شد، راننده بولدوزر با وزن نهائی ۰/۰۴۱۲ به عنوان تأثیرگذارترین شغل و با اولویت اول میان شغل‌ها تعیین شد و کاهش شنوایی نیز با با وزن نهایی ۱۱/۱۱۶ به عنوان مهم‌ترین ریسک مشخص گردید. در همین راستا علاوه بر آموزش اپراتور برش خرسک، دستورالعمل‌های ایمنی به وی ابلاغ گردید و در رابطه با رانندگان بولدزر هم علاوه بر داشتن گواهینامه مرتبط، سلامت ماشین‌آلات و سرعت مجاز در نظر گرفته شد. در زمینه‌ی کاهش شنوایی نیز استفاده از لوازم حفاظت از گوش، انجام معاینات دوره‌ای و کاهش زمان کاری پیشنهاد گردید.

نتیجه گیری : از آنجایی که صنعت فولاد سازی یکی از پرمخاطره‌ترین صنایع موجود می‌باشد و کارگران بسته به ماهیت کارشان با خطرات بسیار زیادی مواجهه دارند، ارزیابی و مدیریت ریسک در این چنین صنایعی حائز اهمیت است. با توجه به نتایج پژوهش حاضر داشتن گواهینامه رانندگان، توجه به سلامت ابزار و ماشین آلات و استفاده از تجهیزات حفاظت فردی پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی : *ارزیابی ریسک ایمنی، DEMATEL، FMEA، ANP*

بررسی تأثیر سیستم مدیریت HSE بر مدیریت زنجیره تأمین با استفاده از مدل معادلات ساختاری

روح اله فلاح مدواری[۱]، ابوالفضل کامل رستگار قوی[۲]، علی صدری اصفهانی[۲]، آفرین اخوان[۲]، سپیده کمالی[۳]

۱-گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران

۲-گروه مهندسی صنایع، دانشگاه علم و هنر، یزد، ایران

۳-گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، اسفراین، دانشکده علوم پزشکی، اسفراین، ایران

چکیده

زمینه و هدف : طی چند دهه گذشته، سازمان‌ها به منظور حفظ و توسعه جایگاه خود در بازار رقابتی و تطبیق با تکنولوژی روز جهت تأمین نیاز مشتریان به همکاری و یکپارچگی با فروشندگان و مشتریان گرایش یافته‌اند که در همین راستا زنجیره‌های تأمین، شکل گرفته است. از آنجایی که سیستم مدیریت HSE برای کنترل و بهتر شدن عملکرد بهداشت و ایمنی در محیط کار در کلیه برنامه‌های توسعه‌ای صنعتی و غیر صنعتی به کار گرفته می‌شود، هدف تحقیق حاضر بررسی رابطه بین مدیریت زنجیره تأمین با مدیریت عملکرد HSE در فولاد آلیاژی یزد به روش معادلات ساختاری بود.

مواد و روش‌ها : جامعه آماری تحقیق حاضر، ۱۲۰ نفر از کارشناسان و سرپرستان فولاد آلیاژی یزد بودند که تعداد ۹۲ نفر از آنها به عنوان نمونه انتخاب شدند و به پرسشنامه پاسخ دادند. در این پژوهش جهت سنجش مدیریت زنجیره تأمین از پرسشنامه لین و تیسنگ (۲۰۱۶) استفاده شد که دارای چهار بعد تأمین کننده، مشتری، فرآیند کسب و کار داخلی و عملکرد رشد و یادگیری می‌باشد. جهت سنجش مدیریت عملکرد HSE از پرسشنامه مردانی و همکاران، (۱۳۹۲) استفاده گردید. پرسشنامه‌های این پژوهش در قالب طیف لیکرت بودند که روایی آنها مورد تأیید خبرگان موضوع قرار گرفت و پایایی آنها با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ بررسی و تأیید گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS23 و Smart PLS استفاده شد.

نتایج : نتایج پژوهش حاضر نشان داد که ابعاد زنجیره تأمین بر سیستم مدیریت HSE تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. به طوری که معیارهای تأمین کننده با ضریب مسیر برابر ۰/۱۳۱، عملکرد رشد و یادگیری با ضریب مسیر برابر ۰/۲۵۵، مشتری با ضریب مسیر برابر ۰/۳۰۵ و فرآیند کسب و کار پایدار داخلی با ضریب مسیر برابر ۰/۳۲۵ بدست آمد. همچنین مقادیر آماره T متغیرهای تأمین کننده، عملکرد رشد و یادگیری، فرایند کسب و کار داخلی و مشتری به ترتیب برابر با ۲/۵۹۵، ۳/۲۸۵، ۴/۱۸۹ و ۲/۷۲۹

حاصل شد. در نهایت مقادیر میانگین واریانس استخراج شده (AVE) برای تمامی متغیرها بالاتر از استاندارد ۰/۵ بدست آمد که نشان دهنده معنی داری آن‌ها بود.

نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه هیچ شرکتی نمی‌تواند از مدیریت زنجیره‌ی تأمین چشم پوشی کند و در عین حال انتظار بقا داشته باشد، از طرفی سیستم مدیریت بهداشت، ایمنی و محیط زیست (HSE) در بسیاری از شرکت‌ها جزء جدایی ناپذیر و ضروری مدیریت سازمان محسوب می گردد، بررسی ارتباط بین دو مهم امری ضروری است. نتایج این مطالعه نشان داد که سیستم مدیریت HSE بر مدیریت زنجیره تأمین اثر گذار است.

کلمات کلیدی: *زنجیره تأمین ، بهداشت، ایمنی و محیط‌زیست، فولاد آلیاژی*

بررسی تاثیر ایمنی کار بر بهره‌وری کارکنان با نقش میانجی سلامت کارکنان جمعیت هلال احمر استان یزد

ناصرصدرا ابرقوئی[۱]، وحید سیفی[۲]، آفرین اخوان[۲]، روح اله فلاح مدواری[۳]، سپیده کمالی[۴]

۱-دانشگاه جامع علمی کاربردی یزد، یزد، ایران

۲-گروه مهندسی صنایع، دانشگاه علم و هنر یزد، یزد، ایران

۳-گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

۴-گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران

چکیده

زمینه و هدف : یکی از مشکلات مهم سلامت عمومی آسیب‌های شغلی است. سطح پایین ایمنی و بروز بیشتر حوادث از عملکرد ضعیف ایمنی کارکنان نشأت گرفته است. با این تفاسیر ارتقای ایمنی و سلامت شاغلان یکی از ارکان اساسی توسعهٔ پایدار در هر جامعه است. چرا که عدم توجه به این مسئله سازمان شاهد افزایش سوانح محیط کار و کاهش بهره‌وری کارکنان خواهد شد. بنابراین این مطالعه با هدف تأثیر ایمنی کار بر بهره‌روی کارکنان با نقش میانجی سلامت کارکنان جمعیت هلال احمر استان یزد انجام شد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه از نوع توصیفی-تحلیلی و کاربردی می‌باشد. جامعه آماری آن شامل ۴۰۰ نفر از کارکنان جمعیت هلال احمر یزد بود که با استفاده از فرمول کوکران با درصد خطای ۰/۰۵ محاسبه و به تعداد ۱۹۶ مورد به عنوان نمونه انتخاب شدند. جهت سنجش ارتباط بین متغیرهای تحقیق از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد که شامل ۳ سازه و ۴۴ سوال بود. روایی محتوایی پرسشنامه در مشورت با اساتید، سپس روایی نمادی پرسشنامه در قالب طیف لیکرت و در انتها روایی سازه پرسشنامه با در نظر گرفتن تحلیل عاملی تأییدی مورد بررسی قرار گرفته شد و پایایی آنها با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ بررسی و تأیید گردید. همچنین برای بررسی و توصیف ویژگی‌های عمومی پاسخ‌دهندگان از روش‌های آمار توصیفی مانند جداول توزیع فراوانی و میانگین استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌های بدست آمده با استفاده از نرم افزار آماری SPSS و LISREL صورت گرفت.

نتایج: یافته‌های مطالعه حاضر نشان داد که ایمنی کار بر بهره‌وری کارکنان تأثیر مثبت و معناداری دارد به طوری که تأثیر ایمنی کار بر توانایی کارکنان با آماره t برابر با ۳/۰۳، بر درک و شناخت شغلی کارکنان با آماره t برابر با ۳/۸۴، حمایت سازمانی کارکنان با آماره t برابر با ۵/۹۳ و انگیزش کارکنان با آماره t برابر با ۸/۲۹، سازگاری محیطی کارکنان با آماره t برابر با ۳/۷۷ و اعتبار کارکنان با آماره t برابر با ۵/۷۱ حاصل شد. همچنین سلامت کار بر بهره‌وری کارکنان نیز تأثیر مثبت و معناداری

نشان داد به طوری که سلامت کار بر توانایی کارکنان با آماره t برابر با ۸/۰۸، بر درک و شناخت شغلی کارکنان با آماره t برابر با ۷/۹۳، حمایت سازمانی کارکنان با آماره t برابر با ۶/۹۰ و انگیزش کارکنان با آماره t برابر با ۶/۱۴، سازگاری محیطی کارکنان با آماره t برابر با ۳/۷۱ و اعتبار کارکنان با آماره t برابر با ۵/۲۰ بدست آمد. در انتها ایمنی کارکنان از طریق سلامت کارکنان برای تمامی متغیرها در سطح ۹۵ درصد تأثیر مثبت و معناداری بر بهره‌وری کارکنان نشان داد.

نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه ارتقای سلامت و ایمنی شاغلان یکی از ارکان اساسی توسعهٔ پایدار در هر جامعه است و این موضوع از منظر ایمنی و بهداشت در سطح دنیا مورد توجه قرار گرفته است، بررسی ارتباط آن با بهره‌وری کارکنان امری ضروری است. نتایج مطالعه حاضر نشان داد که ایمنی و سلامت کارکنان بر بهره‌وری کارکنان جمعیت هلال احمر استان یزد تأثیر مثبت و معناداری داشتند.

واژگان کلیدی: *ایمنی، سلامت کار، بهره‌وری کارکنان، هلال احمر، مدل سازی معادلات ساختاری*

تعیین شرایط بهینه تعیین مقدار هیدروژن پراکسید بر پایه ترکیب ZnR

رضوان زنده دل[۱]، فاطمه روان نخجوانی[۲]، افسانه عظیمیان[۳]، علی امیدی[۳]، مهرداد حلمی کهنه شهری[۳]

۱-* مرکز تحقیقات کنترل عوامل زیان آور شغلی و محیطی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۲-کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۳-گروه بهداشت مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

زمینه و هدف : هیدروژن پراکسید به‌عنوان یک عامل اکسیدکننده کاربرد گسترده‌ای دارد. از خاصیت اکسیدکنندگی این ترکیب جهت تعیین مقدار آن در هوای تنفسی کارگران با روش‌های ۰۰۶ و ۱۰۱۹ ارائه‌شده در OSHA استفاده می‌گردد. هدف از این مطالعه بهینه‌سازی شرایط اکسیدکنندگی آب‌اکسیژنه بر پایه فعالیت کاتالیزوری نانو ترکیب ZnR می‌باشد تا به‌واسطه رنگ تولیدشده مسیری جهت استفاده از این واکنش در تشخیص کمی H2O2 فراهم گردد.

مواد و روش ها : در این پژوهش از نرم‌افزار Design expert ورژن ۱۳ مبتنی بر روش سطح پاسخ سه‌بعدی(RSM) و طراحی مرکب مرکزی(CCD) برای تعیین شرایط بهینه تعیین مقدار آب‌اکسیژنه مورداستفاده قرار گرفت. مجموعه کاملی از CCD به همراه عوامل مؤثر بر واکنش بین TMB و H2O2 نظیر PH، مقدار ZnR در ۵ سطح و سه تکرار استفاده شد. برای این هدف سطوح مختلف Zn-R (۰.۴-۰.۱ میلی‌گرم)، PH (۶-۲) و TMB (۱۲-۶ میلی مولار) به نرم‌افزار معرفی شدند. پاسخ خروجی مدنظر میزان جذب واکنش توسط دستگاه اسپکتروفتومتردر طول‌موج ۶۵۲ نانومتر در بازه زمانی ۱۰ دقیقه‌ای مدنظر قرار گرفت. تعداد نوبت‌های آزمایشی به‌دست‌آمده ۱۵ نوبت بود. در مرحله‌ی بعدی سازگاری بین داده‌های آزمایشگاهی و مدل توصیه‌شده با استفاده از تحلیل واریانس (ANOVA) تعیین شد.

نتایج : نتایج تجزیه‌وتحلیل واریانس، مدل خطی را به‌عنوان بهترین مدل ارائه داد. عدم تناسب۲.۲۳= Fvalue و ۰.۰۰۰۱ > Pvalue بافاصله اطمینان ۹۵٪ نشان‌دهنده معنی‌دار بودن مدل می‌باشد. همچنین با توجه به معادله به‌دست‌آمده، ضریب۹۳٪= R^2 ، R^2تعدیل‌یافته =۰.۹۱ ٪ و R^2 پیش‌بینی‌شده=۸۱٪ به دست آمد. با توجه به اینکه واکنش بین H2O2 و TMB در حضور ZnR به پارامترهایی نظیر میزان PH ، جرم ZnR و غلظت TMB بستگی دارد، شرایط واکنش بر این اساس بهینه شدند. در این مطالعه شرایط بهینه شامل TMB به مقدار ۱۰.۹۴۶ میلی مولار، ۲.۶۱PH و جرم ZnR ۰.۲۹۴

میلی گرم در نظر گرفته شد که desirability این شرایط برابر با ۱ بود. این پارامترها توسط نمودار 3D response مدل CCD به دست آمد.

نتیجه گیری : در مطالعه حاضر روش رنگ سنجی برای تشخیص H2O2 در نمونه‌های هوا بر اساس اکسیداسیون TMB با استفاده از کاتالیز ZnR به‌عنوان یک شبه پراکسیداز توسعه یافت. همچنین برخی از پارامترهای تجربی مرتبط نیز، با مدل‌سازی CCD بهینه‌سازی شدند تا به بهترین واکنش اکسیداسیون و بیشترین میزان رنگ آبی طی واکنش تعیین مقدار آب‌اکسیژنه دست‌یابیم.

واژگان کلیدی : *هیدروژن پراکسید، رنگ سنجی، طراحی مرکب مرکزی، نانوزیم*

بررسی شیوع کووید- ۱۹ در بین نیروهای مسلح و تأثیر آن بر سلامت ذهنی آن‌ها: مرور نظامند

پروانه خزایی [۱] ، سلیمان رمضانی فر [۱]، علی صالحی سهل آبادی [۱]*

۱- مرکز تحقیقات ارتقا سلامت محیط کار، گروه مهندسی بهداشت حرفهای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

زمینه و هدف :در طول اپیدمی کووید ۱۹ -، نیروهای مسلح در کنار کارکنان پزشکی مستقیماً علیه این بیماری وارد عمل شدند و به مردم خدمترسانی کردند .این احتمال وجود دارد که این نیروها تحت تأثیر شیوع کووید ۱۹ - قرار گرفته باشند و سلامت ذهنی آنها تحت تأثیر قرار گرفته باشد؛ بنابراین، این مطالعه با هدف بررسی شیوع کووید ۱۹ -در بین نیروهای مسلح و تأثیر آن بر سلامت ذهنی آنها انجام شد.

روش ها :این مطالعه به صورت مرور نظامند و بر اساس چکلیست MOOSE نگارش شده است .در این مطالعه مقالات مرتبط در پایگاههای داده معتبر از سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۱ بهطور کامل مورد بررسی قرار گرفتند .به منظور استخراج دادههای مورد نیاز، عناوین، چکیده ها، نتایج و تمامی متون مقالات بررسی شده است .به منظور بررسی کیفیت مقالات مورد بررسی از چکلیست JBI استفاده گردید .در نهایت، ۱۵ مقاله بر اساس هدف مطالعه و جستجوی کلیدواژه مورد بررسی قرار گرفت.

یافته ها: براس اس بررسی مقالات، کووید ۱۹ -در بین کارکنان ارتش شیوع بالایی داشته، در حالی که شیوع این بیماری در بین کارکنان نیروی دریایی کم بوده است .عواملی مانند آموزش ناکافی کارکنان نیروهای مسلح و وضعیت تغذیه نامناسب کارکنان منجربه شیوع کووید ۱۹ -در بین کارکنان نیروهای ارتش شده است .علاوه بر این، سلامت ذهنی کارکنان نیروهای مسلح نیز تحت تأثیر شیوع کووید ۱۹ -قرار گرفته است .افسردگی و اضطراب در بین این کارکنان نظامی بویژه پزشکان و جانبازان نظامی افزایش یافته است .وسواس به کووید ۱۹ -یکی از عواملی بوده است که باعث افزایش ترس، اضطراب، استرس و افسردگی نیروهای مسلح شده است .مدتزمان خواب و کیفیت آن، نوع شغل و سن از جمله عواملی بودند که بر روی سلامت ذهنی کارکنان نظامی در طول اپیدمی کووید ۱۹ -تأثیرگذار بودند.

نتیجه گیری: با انجام اقدامات کنترلی اولیه مناسب، آموزش کارکنان نیروهای مسلح و توجه به محیط پیرامون و وضعیت تغذیه کارکنان میتوان از انتشار کووید ۱۹ -در بین نیروهای مسلح جلوگیری کرد .همچنین با انجام آزمونهای روانسنجی کارکنان نیروهای مسلح میتوان تا حدودی از تأثیر شیوع کووید ۱۹ -بر سلامت ذهنی کارکنان پیشگیری کرد.

کلیدواژه ها :کووید **۱۹** –، ویروس کرونا، اپیدمی، نیروهای مسلح، کارکنان نظامی، سلامت ذهنی

بررسی افت عبوری جاذب برخی از ایرماف های رایج در فرکانس یک سوم اکتاوباند بر مبنای روش لوله امپدانس

فرهاد فروهرمجد[۱]، الهه دباغی[۲]، هادی اسدی[۳]، سیامک پورعبدیان[۴]، زهرا امینی[۵*]

۱-دانشیار مهندسی بهداشت حرفه‌ای، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار ، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

۲-دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

۳-دانشجوی دکتری، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار ، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

۴-دانشیار طب کار، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار ، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

۵-دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار ، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

زمینه و هدف : انتخاب گوشی حفاظتی مناسب برای کارگران در برنامه حفاظت شنوایی به عنوان آخرین راهکار معرفی شده است. این مطالعه با هدف بررسی افت عبوری جاذب برخی از ایرماف های رایج در فرکانس یک سوم اکتاوباند بر مبنای روش لوله امپدانس انجام گرفت.

چکیده

مواد و روش ها : این مطالعه تحلیلی- تجربی بر روی جاذب چهار مدل ایرماف انجام گرفت. ضریب افت عبوری جاذب ها با استفاده از لوله امپدانس به روش تابع انتقال و بر طبق استاندارد ISO10534-2 انجام گرفت. جهت آنالیز داده ها از آزمون های تی زوجی و ANOVA با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ استفاده گردید.

نتایج : بیشترین و کمترین میانگین افت عبوری اندازه گیری شده در جاذب ها به ترتیب ۲۷/۵ و ۰/۳ دسی بل بود. نتایج نشان داد اختلاف معناداری بین میانگین افت عبوری جاذب A با جاذب های B، C و D و جاذب Bبا جاذب های A و D در تمام فرکانس های اندازه گیری شده وجود دارد(P<۰/۰۵). همچنین نتایج نشان داد اختلاف معناداری بین تمام فرکانس های قبل و بعد در جاذب های A، B، C وجود دارد(P<۰/۰۵).

نتیجه گیری : جاذب ایرماف ها در مقایسه با هم در فرکانس های مختلف عملکردهای متفاوتی در افت عبوری و کارایی نشان می دهند. همچنین اکثر ایرماف های مورد بررسی در مطالعه در فرکانس پایین با افزایش فرکانس کاهش افت عبوری دیده می شود و پس از آن در فرکانس های ۲۰۰۰ هرتز به بالا روند افزایش افت عبوری مشاهده می گردد که نیاز است در انتخاب گوشی حفاظتی مناسب برای کارگران در صنایع نتایج مذکور مد نظر قرار گیرد.

واژگان کلیدی : *افت عبوری، ایرماف، برنامه حفاظت شنوایی، لوله امپدانس*

بررسی ارتباط نوبت‌کاری و مواجهه با امواج الکترومغناطیس با عملکرد شناختی و روانی کارکنان

مهدی جعفری ندوشن[۱]، روح اله فلاح مدواری[۱و*]، علی دهقانی احمدآباد[۱]، ریحانه سفیدکار[۲]، فریدون لعل[۳]

۱- گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران،

۲- مرکز تحقیقات مدل سازی داده های سلامت، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران

۳- مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای و ایمنی کار، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

چکیده

زمینه و هدف: افراد در محیط‌های کاری خود ممکن است در معرض برخی از عوامل زیان آور قرار گیرند. مواجهه با عوامل زیان آور محیط کار میتواند اثرات منفی بر سلامت فرد داشته باشد. نوبت کاری و مواجهه با میدان های مغناطیسی از جمله عواملی است که کارکنان پست‌های برق در معرض آن قرار دارند. مطالعه حاضر با هدف بررسی ارتباط نوبت‌کاری و مواجهه با امواج الکترومغناطیس با عملکرد شناختی و روانی کارکنان یک پست برق انجام شد.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر یک مطالعه مقطعی است که در سال ۱۴۰۱ انجام شد. به منظور اجرای مطالعه، چهار گروه شغلی به عنوان جامعه آماری مطالعه انتخاب شد. این چهار گروه شامل کارکنان بخش اداری (بدون مواجهه و روزکار)، اپراتور پست (دارای مواجهه و نوبت کار)، کارکنان تعمیرات پست (دارای مواجهه و روزکار) و نگهبانان (بدون مواجهه و نوبت‌کار) بودند. در این مطالعه جهت گردآوری اطلاعات از پرسشنامه های دموگرافیک، کیفیت خواب PSQI، انعطاف پذیری شناختی، شکست شناختی و استرس، اضطراب و افسردگی DASS-21 استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها در نرم افزار SPSS-24 انجام گردید.

نتایج: در این مطالعه عامل نوبت کاری توانست به طور معناداری بر کیفیت خواب، استرس و انعطاف پذیری شناختی اثر منفی داشته باشد ($P<0.05$). ارتباط منفی و معناداری بین نوبت‌کاری و شکست شناختی یافت نشد ($P>0.05$). در این مطالعه ارتباط منفی معناداری بین عامل مواجهه با میدان های الکترومغناطیس و کیفیت خواب و مولفه های آن، استرس، اضطراب و افسردگی، انعطاف پذیری شناختی و شکست شناختی مشاهده نشد ($P>0.05$). در اپراتور های پست ارتباط منفی و معناداری بین سن و سابقه کاری با انعطاف پذیری شناختی یافت شد ($P<0.05$).

نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر نشان داد عامل نوبت کاری می‌تواند به طور قابل توجهی عملکرد شناختی و روانی کارکنان را تحت تأثیر قرار دهد. انجام این گونه پژوهش ها سبب نمایان ساختن عوامل و عوارض ناشی از کار بر سلامت جسمانی و روانی کارکنان خواهد شد که در صورت تأثیر گذاری، با برنامه ریزی و ارایه راهبرد های موثر، میتوان اثرات نامطلوب را در کارکنان مربوطه کاهش داد.

واژگان کلیدی: *نوبت کاری، امواج الکترومغناطیس، انعطاف پذیری شناختی، کیفیت خواب، استرس*

بررسی شاخص های شهر دوستدار سالمند؛ مروری برشواهد موجود

شهرزاد عطائی[۱] ، محمدجواد حمادی[۱] ، طیبه رمضانی[۱] ، علیرضا رفیع[۲] ، سعیده عزیزی مهکویه[۳*]

۱- دانشجوی کارشناسی پرستاری ، عضو کمیته تحقیقات و فناوری دانشجویی دانشکده علوم پزشکی بهبهان ، بهبهان ایران

۲-کارشناسی ارشد پرستاری سالمندی ، مربی گروه پرستاری دانشکده علوم پزشکی بهبهان ، بهبهان ، ایران

۳- کارشناسی ارشد پرستاری داخلی جراحی ، دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران ، تهران ، ایران

چکیده

زمینه و هدف : سالمندان به دلایل جسمی و روحی به فضاهای عمومی ، تحرک و تعاملات اجتماعی بسیار نیازمندند از این رو شهر دوستدار سالمند به عنوان رویکرد جدیدی در شهرسازی از سوی سازمان بهداشت جهانی معرفی شد. در این مطالعه به بررسی شاخص های شهر دوستدار سالمند پرداخته شد.

مواد و روش ها : این مطالعه شاخص های شهر دوستدار سالمند با روش مرور سیستماتیک و با جست وجو در پایگاه های اطلاعاتی Civilica , Pubmed , Scopus , WOS , SID و موتور جست و جوی Google scholar با کلیدواژه های شهر دوستدار سالمند ، سالمند ، شاخص ، Elderly friendly city طی سالهای ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۲ بر گروه سنی سالمندان در ایران انجام شد.۱۳۷ مقاله در ابتدا بدست آمد و از این تعداد ۹ مورد از مقالات انتخاب و بررسی شدند که ملاک ورود مقالات سالمندان ، شهر دوستدار سالمند ، مقالات فارسی و انگلیسی و مقالات دارای متن کامل بود و ملاک خروج زبان غیر از فارسی و انگلیسی ، سالمند آزاری و مقالات فاقد متن بود و البته این جست و جو توسط دو نویسنده به صورت مجزا صورت گرفت و در صورت اختلاف نویسنده سوم مسئول رفع اختلاف میان نویسندگان بود همچنین اصلی ترین شاخص های شهردوستدار سالمند موجود در مقالات بررسی و استخراج شد.

یافته ها : نتایج مطالعات مختلف نشان داد که ابعاد اصلی شهر دوستدار سالمند شامل حضورپذیری ، امنیت ، اجتماعات دوستدار سالمند و حس تعلق می باشد. از سوی دیگر سازمان بهداشت جهانی ۸ شاخص اصلی را به عنوان معیارهای جهانی شهر دوستدار سالمند معرفی می کند که عبارتند از فضاهای باز شهری و معماری ساختمانها ، حمل و نقل ، مسکن ، مشارکت اجتماعی ، احترام و همه شمولی اجتماعی ، مشارکت مدنی و اشتغال ، ارتباطات و اطلاعات و درنهایت خدمات بهداشتی. همچنین در شهر دوستدار سالمند بوستان ها ، میادین و معابر برای استفاده سالمندان مناسب و دارای مراکز ویژه ای برا گذراندن اوقات فراغت آن ها می باشد . یک شهر دوستدار سالمند با بهینه سازی بهداشت ، مشارکت و امنیت ، سالمندان را به فعالیت ترغیب می کند و ساختار و خدمات به گونه ای سازماندهی می شوند که برای کلیه سالمندان ، بانیاز ها و توانایی های متفاوت قابل استفاده و در دسترس باشند.

نتیجه : با توجه به اینکه سالخوردگی جمعیت پدیده ای است که بسیاری از جوامع بشری با آن رو به رو هستند ، لازم است بستر مناسب برا پیاده سازی اصول شهردوستدار سالمند فراهم شود و متولیان این حیطه با تامین نیازهای این قشر، ضمن ایجاد شهر دوستدار سالمند ، رفاه و سرزندگی را برای سالمندان فراهم کنند.

کلیدواژه ها : *شهر دوستدار سالمند ، سالمند ، شاخص ، Elderly friendly city*

عنوان: بررسی ارتباط بین مواجهه با ترکیبات BTEX بر آنزیم‌های کبدی در کارکنان یک شرکت توزیع فراورده‌های نفتی: یک مطالعه گذشته‌نگر ۶–ساله

۱.مجید پارساراد، دانشجوی دکتری مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۲. سمیه فرهنگ دهقان، دکتری بهداشت حرفه‌ای، مرکز تحقیقات کنترل عوامل زیان آور محیط و کار، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۳. محمد حسین وزیری، دکتری حرفه‌ای پزشکی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۴. محمد قربانی، آزمایشگاه هماتولوژی پزشکی، بخش پاتولوژی دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد.

۵.کیوان اولی زاده، دانشجوی دکتری آمار حیاتی، دانشکده پیراپزشکی، گروه آمار حیاتی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۶.افسانه عظیمیان، کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

چکیده

زمینه و هدف : فرآورده های نفتی مانند بنزین بدون سرب، گازوئیل و نفت سفید حاوی مقادیر قابل توجهی از ترکیبات آلی فرار (VOCs) مانند بنزن، تولوئن، اتیل بنزن و زایلن ها (BTEX) هستند. بنزن و اتیل بنزن از جمله مواد سرطان زا برای انسان شناخته می شوند، در حالی که تولوئن و زایلن مواد غیر سرطان زا هستند اما به عنوان آلاینده های خطرناک طبقه بندی می شوند. بخارات BTEX می‌توانند از طریق تنفس وارد جریان خون شوند وحتی مواجهه با غلظت کم این مواد در طولانی مدت می تواند اثرات نامطلوبی را بر ارگان های بدن به ویژه کبد داشته باشد. لذا این مطالعه با هدف بررسی ارتباط بین مواجهه با ترکیبات BTEX و آنزیم‌های مرتبط با عملکرد کبد انجام شد.

مواد و روش ها : به کمک روش‌های آماری تعداد ۱۶۲ نفر از کارکنان شرکت پخش فراورده های نفتی گیلان طی مدت ۶ سال از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ وارد مطالعه شدند که از این تعداد۹۲ نفر به عنوان گروه مورد شامل ۸۵ نفر شاغل در انبار نفت و ۷ نفر در قسمت سوخت گیری هواپیما بودند که همگی با بخارات فراورده های نفتی مواجهه داشتند. همچنین ۷۰ نفر از کارکنان بخش ستادی شرکت فراورده های نفتی که با فراورده های نفتی مواجهه نداشتند به عنوان گروه شاهد وارد مطالعه شدند. غلظت اتمسفری بخارات BTEX ناشی از فراورده های نفتی طی ۶ سال با روش‌های استاندارد مورد سنجش قرار گرفت. نتایج تست های آنزیم‌های کبدی شامل آسپارتات ترنسمیناز (AST) و آلانین ترنسمیناز (ALT) از پرونده پزشکی کارکنان استخراج گردید. ابتدا آمار توصیفی متغیرهای دموگرافیک ارائه شد. پس از آن به منظور انتخاب روش آماری مناسب و بررسی فرض نرمال بودن متغیرهای پژوهش، از آزمون کولموگروف اسمیرونوف استفاده شد. با استفاده از آزمون‌های تی مستقل، تی زوجی به مقایسه شاخص‌های مختلف در دو گروه مورد و کنترل پرداخته شد. به منظور مقایسه روند تغییرات ۶ ساله آنزیم‌های کبدی در دو گروه مورد و کنترل از طرح اندازه‌های مکرر استفاده شد. جهت آنالیز نتایج از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ استفاده گردید.

نتایج : میانگین سنی در گروه مورد ۴۲/۰۶ سال و در گروه کنترل ۴۴/۹۵ سال و میانگین سابقه کار در گروه مورد ۱۷/۵۴ سال و در گروه کنترل ۱۹/۲۸ سال بود. دو گروه از نظر شاخص توده بدنی تفاوت معنی داری نداشتند که این شاخص در گروه مورد ۲۵/۵۸ کیلوگرم بر مترمربع و در گروه کنترل۲۶/۶۲ کیلوگرم بر مترمربع بود. در مقایسه AST بین دوگروه مورد و کنترل از نظر آماری اختلاف معنی داری در سطح ۹۵٪مشاهده گردید (P-value<0/05) ولی در مورد ALT تفاوت آماری معنی داری در بین دو گروه مورد و کنترل مشاهده نگردید (P-value>0/05). همچنین مقایسه روند تغییرات ۶ ساله آنزیم‌های کبدی مورد مطالعه در دو گروه مورد و کنترل نشان داد که میانگین آنها در طول زمان در گروه مورد نسبت به گروه کنترل دارای تغییرات معنادار بوده است(p-value<0.05).

نتیجه گیری : نتایج مطالعه نشان داد مواجهه با بخارات سمی BTEX می‌تواند برعملکرد کبد اثرات نامطلوبی داشته باشد و در دراز مدت شاغلین در انبار نفت را دچار عوارض کبدی نماید. لذا پیشنهاد می گردد جهت پیشگیری از مواجهه کارکنان با این ترکیبات سمی موجود در فراورده های نفتی اقدامات مهندسی از قبیل اجرای طرح VRU (نصب دستگاه مبدل بخارات)، چرخشی کردن حضور کارکنان، انتقال آنها به واحدهای با مواجهه کمتر و برقراری تهویه فشار مثبت در اتاق های کارکنان شاغل در انبار نفت در دستور کار قرار گیرد.

واژگان کلیدی : *BTEX ، پارامترهای بیوشیمیایی، فراورده های نفتی*

ارزیابی اثرات مواجهه با صدای فرکانس پایین بر عملکردهای فیزیولوژیک و شناختی کارکنان اداری

حانیه قاسمی[۱]، سلاله رمضانی[۲]، حسام الهی[۳]، سید احسان سمائی[۴]

۱-دانشجوی کارشناسی، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

۲-دانشجوی دکتری، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

۳-دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

۴-استادیار بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

چکیده

زمینه و هدف : مواجهه بیش از اندازه با صدا منجر به ایجاد اختلالات فیزیولوژیک، استرس، افزایش خطر ابتلا به افسردگی و اختلالات رفتاری و نقص سیستم ایمنی می شود. به طورکلی اثرات نامطلوب صدا به سه دسته اثرات ذهنی، تداخل با فعالیت‌ها و اثرات فیزیولوژیکی تقسیم می‌شوند. در بیشتر تحقیقات اثر تراز صدا مطرح گردیده و در ارتباط با نوع فرکانس صدا و یا صدای فرکانس پایین تحقیقات اندکی صورت پذیرفته است. سازمان جهانی بهداشت یکی از سازمان‌هایی است که از صدای فرکانس پایین به عنوان یکی از معضلات محیطی یادکرده است. با توجه به اینکه تراز این‌گونه اصوات، عموماً خیلی بالا نیست و معمولاً در محدوده آستانه شنوایی افراد قرار دارد با این حال شکایات فراوانی از وجود این‌گونه اصوات در محیط‌های گوناگون وجود دارد. تفاوت ویژه این صدا با صداهای معمول در این است که مواجهه با صدای فرکانس پایین علاوه بر محیط‌های صنعتی در محیط‌های عمومی نیز وجود دارد. این در حالی است که در مقایسه با اصوات فرکانس بالا، به صدای فرکانس پایین توجه کمتری شده و قوانین موجود در ارتباط با کنترل آن نیز رضایت‌بخش نمی‌باشند. مطالعه حاضر با هدف تعیین تغییرات پارامتر های فیزیولوژیکی و عملکردهای شناختی قبل و بعد از مواجهه با صدای فرکانس پایین با شبیه‌سازی محیط واقعی در آزمایشگاه انجام گردید.

مواد و روش ها : این پژوهش نیمه تجربی و مداخله‌ای بر روی ۴۰ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران در آزمایشگاه ارگونومی محیطی و در یک اتاق با شرایط آکوستیکی و جوی کنترل‌شده صورت گرفت. حجم نمونه با استفاده از نتایج مطالعات گذشته و با در نظر گرفتن سطح معناداری ۵ درصدی، توان آزمون ۸۰ درصدی و دقت ۳/۵ واحدی، تعداد ۳۸ نمونه برآورد گردید که جهت افزایش اطمینان تعداد کل ۴۰ نفر در نظر گرفته شد. شرایط ورود افراد به مطالعه شامل قرار داشتن در محدوده سنی ۲۰ تا ۳۰ سال، برخورداری از سلامت شنوایی و عدم استعمال دخانیات بوده است. قبل از ورود شرکت‌کنندگان به اتاقک و مواجهه با عوامل مداخله‌گر پارامتر های فیزیولوژیکی شامل دمای مرکزی بدن، ضربان قلب و فشارخون به عنوان وضعیت پایه ثبت شدند. سپس در مواجهه با باند فرکانسی۱۰ الی ۲۵۰ هرتز به آزمون عملکرد پیوسته پلسخ داده و در انتها و

پس از مواجهه پارامتر های فیزیولوژیکی ذکر شده در بالا به عنوان وضعیت نهایی نیز ثبت شدند. در این مطالعه با اندازه‌گیری زمان واکنش و محاسبه تعداد خطاهای فرد در حین انجام آزمایش درصد توجه تعیین شد.

نتایج : نتایج حاصل نشان داد که میانگین فشارخون سیستولیک افراد قبل از مواجهه ۱۱۲/۵۳ و بعد از مواجهه ۱۱۳/۱۳ بوده است که از نظر آماری معنادار نمی‌باشد. همچنین نتایج مدل خطی تعمیم یافته نشان داد که میانگین پارامترهای فیزیولوژیک افراد شامل فشارخون دیاستولیک، ضربان قلب و دمای عمقی بدن، پس از مواجهه با صدای فرکانس پایین تغییر معناداری نداشته است. میانگین پارامتر فشارخون دیاستولیک افراد قبل از مواجهه ۷۰/۸۹ و بعد از مواجهه ۷۰/۹۷، میانگین پارامتر ضربان قلب افراد قبل از مواجهه ۸۳/۵۸ و بعد از مواجهه ۸۲/۴۵ و میانگین پارامتر دمای عمقی بدن افراد قبل از مواجهه ۳۵/۱۸ و بعد از مواجهه ۳۵/۳۴ بوده است. متغیرهای توصیفی مربوط به نمره عملکرد شناختی افراد شامل خطای ارائه پاسخ، پاسخ حذف، تعداد پاسخ صحیح و شاخص زمان واکنش است که از میان آنها، تنها میانگین شاخص زمان واکنش افراد بعد از مواجهه با صدای فرکانس پایین، افزایش معناداری داشته است. میانگین متغیر خطای ارائه پاسخ افراد قبل از مواجهه ۰/۴۲ و بعد از مواجهه ۰/۶۳، میانگین متغیر پاسخ حذف افراد قبل از مواجهه ۰/۰۸ و بعد از مواجهه ۰/۱۱، میانگین متغیر تعداد پاسخ صحیح افراد قبل از مواجهه ۱۴۹/۵۰ و بعد از مواجهه نیز ۱۴۹/۵۰ و میانگین متغیر شاخص زمان واکنش افراد قبل از مواجهه ۴۳۲/۵۵ و بعد از مواجهه ۴۵۰/۰۸ بوده است.

نتیجه گیری : با توجه به نتایج به دست آمده در این تحقیق مشاهده گردید که پاسخ‌های فیزیولوژیک افراد در مواجهه با صدای فرکانس پایین تغییرات معناداری نداشته است همچنین مواجهه با صدای فرکانس پایین به‌طور منفی بر عملکردهای شناختی افراد تأثیرگذار بوده است به‌گونه‌ای که خطای ارائه پاسخ، خطای حذف و زمان واکنش سیر صعودی داشته‌اند و در این میان بیشتر شدن زمان واکنش افراد در مواجهه با صدای فرکانس پایین، ازلحاظ آماری معنادار است. نتایج مطالعات بیانگر آن است که مواجهه با این نوع صدا حتی در ترازهای نسبتاً کم می‌تواند ناراحت‌کننده تلقی شده و به‌خصوص در مشاغلی با نیازهای شغلی فراوان که نیازمند دقت و توجه می‌باشند، تأثیرات منفی روی کارایی انسان می‌گذارد. بنابراین تأثیرات بالقوه منفی صدای فرکانس پایین در پست‌های کاری که نیاز به پردازش ذهنی اطلاعات و توجه خاص دارند، به‌ویژه در اتاق‌های کنترل و دفاتر، از اهمیت بسزایی برخوردار است.

واژگان کلیدی : *سر و صدای شغلی، صدای فرکانس پایین، عملکرد شناختی، عملکرد فیزیولوژیک، کارکنان اداری*

شناسایی خطرات و ارزیابی ریسک در سالن رنگرزی یکی از شرکت های نساجی ایران با استفاده از تکنیک تجزیه وتحلیل حالات و اثرات شکست (FMEA)

بفرین مولودپورفرد[1]، علیرضا شبانی[2]، مرضیه میرغفاری[2]، علی سیدزاده[2]

۱. مربی، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت و پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایرانشهر، ایرانشهر، ایران

۲. کارشناسی، مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت و پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایرانشهر، ایرانشهر، ایران

چکیده

زمینه و هدف : صنعت نساجی، صنعت تولید پارچه از الیاف می باشد که ابتدا الیاف به نخ، سپس به پارچه تبدیل می‌شود و در آخر فرایندهای تکمیلی مانند رنگرزی و چاپ روی آن انجام می‌شود. در ایران ۸۰۰۰ واحد صنعتی در حوزه نساجی و پوشاک در حال فعالیت هستند که ۱۱ درصد از مراکز صنعتی کشور و ۱۲ درصد از اشتغال صنعتی کشور را به خود اختصاص داده اند. در این صنایع حوادث مختلفی اتفاق می افتد. یکی از راههای پیشگیری از حوادث، شناسایی خطرات و ارزیابی آنها است. ارزیابی ریسک شغلی شامل ارزیابی، رتبه‌بندی و طبقه‌بندی خطرات در محیط کار از نظر سلامت شغلی است. تحلیل حالت و اثر شکست (FMEA) یک روش ارزیابی ریسک نیمه‌کمی است. اهداف اصلی استفاده از FMEA شناسایی حالت‌های خرابی احتمالی در واحدهای سیستم، ارزیابی اثرات بعدی آنها بر عملکرد سیستم و در نتیجه توصیه استراتژی‌هایی برای حذف یا کاهش احتمال وقوع یا شدت و افزایش قابلیت تشخیص حالت خرابی خاص است. این مطالعه با هدف شناسایی خطرات و ارزیابی ریسک در سالن رنگرزی یکی از شرکتهای نساجی به روش FMEA انجام گرفت.

مواد و روش ها : این پژوهش از نوع توصیفی- مقطعی بوده و برای انجام آن از روش FMEA جهت شناسایی خطرات و ارزیابی ریسک استفاده شد. در این مطالعه سالن رنگرزی مورد ارزیابی قرار گرفت. از آنجایی که ریسک‌ها اکثرا به صورت کیفی بوده و دارای مقیاس‌های متفاوتی بودند، لذا برای کمی نمودن آن ها و در نهایت ارزیابی و طبقه بندی آنها از روش FMEA استفاده شد. این روش به شکل تیمی انجام می گیرد. تلاش شد که تا حد ممکن ریسک‌های بالقوه موجود در محدوده‌ای که در آن ارزیابی انجام شده است و همچنین علل و اثرات مرتبط با آن شناسایی و رتبه‌بندی گردد. بدین منظور برای هر یک از خطرات شناسایی شده عدد اولویت ریسک (RPN) محاسبه گردید. RPN حاصلضرب سه عدد شدت پیامد (S)، احتمال وقوع (O) و احتمال کشف (D) است:

$$RPN= Serverity \times occurance \times Detection$$

شدت پیامد، میزان جدی بودن مخاطرات بالقوه بر انسان، محیط زیست و اعتبار و سرمایه شرکت است. احتمال وقوع بیانگر سوابق رخ دادن خطر می‌باشد. احتمال وقوع مشخص می‌کند که یک علت یا مکانیزم بالقوه خطر با چه فرکانسی رخ می‌دهد. تنها با از بین بردن یا کاهش علل یا مکانیزم هر خطر است که می‌توان به کاهش عدد احتمال وقوع امیدوار بود. احتمال کشف،

نوعی ارزیابی از میزان توانایی است که به منظور شناسایی علت وقوع خطر وجود دارد. به عبارت دیگر احتمال کشف، توانایی پی بردن به خطر قبل از رخداد آن است. خطرات براساس عدد اولویت ریسک رتبه‌بندی شد و براساس روش FMEA یک حد RPN در نظر گرفته شد. برای دستیابی به سطح اطمینان ۸۰ درصد، عدد حدی به شرح ذیل بدست آمد:

۲۰۰=۸۰۰-۱۰۰۰≪۸۰۰=٪۸۰×۱۰۰۰

به صورت قراردادی خطراتی که RPN بالای ۲۰۰ بودند غیرقابل قبول و کمتر از ۲۰۰ قابل قبول شناخته شد. در نهایت برای RPN هایی را که بر اساس معیار مورد پذیرش شرکت غیر قابل قبول بودند، اقدامات پیشنهادی ارائه گردید و راهکارهای اجرایی متناسب با هر خطا پیشنهاد شد. جهت ارزیابی اثر بخشی اقدامات انجام شده مجددا ضریب RPN برای فرآیند موردنظر محاسبه شد. کاهش ضریب نشان‌دهنده اثربخشی اقدامات و استراتژی‌های به کارگرفته شده است.

نتایج : در این پژوهش ۱۵ دستگاه موجود در سالن رنگرزی که پتانسیل ایجاد ریسکهای ایمنی و بهداشتی را داشتند و همچنین محیط عمومی سالن رنگرزی از نظر مشکلات ایمنی و بهداشتی مورد ارزیابی ریسک قرار گرفت. برای همه دستگاهها بیشترین عدد RPN مربوط به خطرات برق گرفتگی و عدم کارکرد کلید قطع اضطراری دستگاه بودند. انجام ارتینگ دستگاهها و رعایت ایمنی برق می تواند از ایجاد حوادث برق گرفتگی جلوگیری کند. بازدید روزانه قبل از شروع به کار دستگاهها جهت اطمینان از کارکرد صحیح کلید قطع اضطراری می تواند از بروز خطرات در شرایط اضطراری پیشگیری کند.

عدم وجود حفاظ روی چرخ دنده های شابلون، مواجهه با رنگهای اسیدی و بازی و بخارات آن و پاشش مواد از ظروف در باز به صورت و بدن افراد حین جابجایی و تخلیه، عدم وجود حفاظ برروی قسمتهای انتقال نیرو جزو خطرات دارای ریسک غیر قابل قبول برای دستگاه چاپ، پد استیم، استنتر، جت، سفید گری، وینچ، پرزسوزی، دستگاه تقلیل وزن و چاپ اشتورک بودند. مستهلک شدن شیلنگ و کوپلینگهای تزریق بخار به سیلندرها می تواند باعث ایجاد سوختگی ناشی از بخار اپراتور دستگاه پد استیم (سیلندر خشک) شود. پاشش مواد و مواجهه با مواد شیمیایی و بخارات آن، طبقه بندی نامناسب مواد شیمیایی ناسازگار و عدم رعایت 5S جزو خطرات مربوط به دستگاه رنگ سازی بودند. عدم وجود سیستم پنل اعلان حریق و عدم رعایت 5S خطرات مربوط به سالن رنگرزی بودند.

نصب حفاظ بر روی قسمت های گردنده، آموزش کارگران و تدوین دستورالعملهای کاری ایمن، برگزاری کلاس های آموزشی جهت انجام کار ایمن با مواد شیمیایی، تهیه لوازم حفاظت فردی، تهیه ظروف درب دار ایمن برای جابجایی مواد، تعویض شیلنگ و کوپلینگهای فرسوده و بازدید ماهانه از آنها و رفع عیوب، جداسازی مواد شیمیایی ناسازگار، رعایت نظم کارگاهی و نصب سیستم پنل اعلان حریق در سالن رنگرزی از جمله اقدامات پیشنهادی کنترلی بودند که با محاسبه مجدد عدد RPN پس از در نظر گرفتن این اقدامات، عدد آن به حد قابل قبول رسید.

نتیجه گیری : نتایج بدست آمده از این مطالعه نشان داد بعد از تشخیص منابع خطا و تعیین سیستم نظارتی موثر می‌توان از نقص یا خرابی جلوگیری کرد و آن را به موقع تشخیص داد و کارایی فرایند را با جلوگیری از آسیب به مواد و عملیات و نیروی انسانی افزایش داد. این پژوهش FMEA را جهت شناسایی و ارزیابی خطرات ایمنی، بهداشتی و زیست محیطی موجود در بخش رنگرزی نساجی موثر می‌داند؛ زیرا خطرات را به طور چشمگیری کاهش می‌دهد. همچنین می‌توان از نتایج این روش در جهت ارائه راهکارهای کنترلی برای کاهش سطح ریسک به سطح قابل قبول در این شرکت‌ها بهره جست.

واژگان کلیدی : *ارزیابی ریسک ، ایمنی ، FMEA*

ارزیابی قابلیت اطمینان واحد اکسیژن سنترال بیمارستان ها در شرایط پاندمی کرونا

فریدون لعل[1]، صابر مرادی حنیفی[2]

۱-مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

۲-استادیار، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

چکیده

زمینه و هدف : استفاده از اکسیژن یکی از راه های بسیار مهم در درمان است و تأمین اکسیژن در مراکز درمانی مخصوصا بیمارستان ها یکی از مسایل حیاتی محسوب می گردد. کمبود اکسیژن می تواند عواقب شدیدی را برای بیماران، از جمله آسیب برگشت ناپذیر مغزی و مرگ، به همراه داشته باشد واحد اکسیژن سنترال بیمارستان ها حاوی خطرات زیادی است که برای حفظ یکپارچگی سیستم، در شرایط پاندمی کووید ۱۹، نیاز به استانداردهای ایمنی بالایی دارد. لذا مطالعه حاضر رویکردی جدید و جامع برای مخازن اکسیژن بیمارستان ها در شرایط پاندمی کووید ۱۹ ارائه می دهد.

مواد و روش ها : در این مطالعه برای شناسایی انحرافات و خطرات فرآیندی، انسانی و ریشه یابی علل سناریوی اصلی به ترتیب از روش های HAZOP و آنالیز درخت خطا (FTA) استفاده شد. سپس تکنیک های فازی و شبکه بیزی جهت محاسبه نرخ شکست‌های رویدادهای پایه و بروز رسانی احتمالات مورد استفاده قرار گرفت. پس از تعیین احتمال رویدادهای پایه (BEs)، میانی و اصلی با منطق فازی و انتقال آن در شبکه بیزین (BN)، استدلال قیاسی، استقرایی انجام شد. آنالیز حساسیت نیز با استفاده از RoV، جهت یافتن رویدادهای بحرانی در نرم افزار GeNIe انجام شد. پتانسیل کاربردپذیری این رویکرد در مخازن اکسیژن بیمارستانی در شرق کشور مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج : نتایج مطالعه موردی نشان داد احتمال نشت اکسیژن از مخازن برابر با 5.38×10^{-3} می باشد. رویداد میانی خطای انسانی بیشترین احتمال شکست با توجه به رویکرد منطق فازی (FFT) را داشت. احتمال نشت اکسیژن با استفاده از شبکه بیزین فازی (FBN) نیز کمتر از FFT بود. مطابق نتایج، رویداد پایه ۱۶ (عدم استفاده از دستورالعمل های استاندارد و به روز) و رویداد پایه ۱۲ (نقص در برنامه بازرسی و تست دستگاه های مخزن) دارای بیشترین احتمالات پسین بودند، در حالی که بر خلاف نتایج FFT، رویداد پایه ۴ (نقص در سیستم پوشش خارجی مخزن) و رویداد پایه ۳ (محیط خورنده)، کمترین احتمالات را داشتند. مطابق انالیز حساسیت با روش RoV نیز رویدادهای پایه ۱۰، ۱۱ و ۱۶ تقریبا با اختلاف خیلی کم بیشترین اهمیت را در وقوع رویداد نشت اکسیژن داشت که تقریبا هم راستا با نتایج احتمالات پسین بود. رویداد پایه ۳ نیز کمترین اهمیت را داشت.

نتیجه گیری : به روز رسانی دستورالعمل های موجود، رفع نقایص بازرسی انواع گیج های مخازن و تست تجهیزات مربوطه می تواند تا حد زیادی به قابلیت اطمینان این مخازن کمک کند. بنابراین با توجه به شیوع بیماری هایی از قبیل پاندمی کووید ۱۹،

انجام چنین مطالعاتی ایمنی پرسنل را بالا برده و به حفظ جان بیماران نیز کمک می نماید. همچنین ریشه یابی این حوادث، فرصت های پیشگیری و واکنش اضطراری در شرایط بحرانی مانند پاندمی کووید ۱۹ را فراهم می آورد.

واژگان کلیدی : *ارزیابی ریسک، واحد اکسیژن سنترال، بیمارستان، پاندمی کووید ۱۹*

مطالعه عملیات و خطر (HAZOP) در مخازن اکسیژن سنترال بیمارستان ها

فریدون لعل[۱]، ام البنین معتمدرضایی[۲]، روح الله فلاح مدواری[۳]

۱-مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

۲-مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

۳-گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران

چکیده

زمینه و هدف : واحد اکسیژن سنترال بیمارستان ها یک واحد پرخطر در نظر گرفته می شود که برای حفظ یکپارچگی سیستم به استانداردهای ایمنی بالایی نیاز دارد. در این واحد اگر مخاطرات به درستی تشخیص داده نشوند، مقدمات لازم برای ارزیابی ریسک مطلوبی فراهم نخواهد شد. لذا مطالعه عملیات و خطر (HAZOP) با هدف بررسی انحرافات در مخازن اکسیژن بیمارستان انجام شد.

مواد و روش ها : ابتدا در این مطالعه کیفی؛ جهت شناخت بهتر فرآیند ذخیره سازی اکسیژن در بیمارستان ها، به عنوان گره مطالعاتی؛ پارامترهای عملیاتی سیستم، تجهیزات ابزار دقیق و شرح فرآیندها به‌دقت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. استفاده از نقشه‌های عملیاتی شامل P&ID و PFD، خواص فیزیکی و شیمیایی، سمیت، اشتعال‌زایی و ... مورد مطالعه قرار گرفت. انجام مصاحبه، مرور مطالعات و بازدیدهای میدانی و تشکیل تیم فنی، مهندسی جهت علل یابی شکست های احتمالی انجام شد. پس از تشکیل تیم فنی، انتخاب کلمات راهنما و پارامترهای عملیاتی؛ انحرافات احتمالی شناسایی و علل یابی شد.

نتایج : گره مطالعه، مخازن ذخیره اکسیژن در بیمارستان بود. در این مطالعه مخازن ذخیره اکسیژن به عنوان گره مطالعه انتخاب شدند. اکسیژن در مخازن سنترال با استفاده از دستگاه های مخصوص از هوا جدا می شود. سپس اکسیژن با خلوص بالا (بیش از ۹۵ درصد) از طریق خطوط لوله به بخش‌های بیمارستان منتقل می‌شود. واحد مرکزی اکسیژن از قسمت های مختلفی مانند کمپرسور هوا، فیلتر، مخازن مولد اکسیژن، مخازن ذخیره اکسیژن، خطوط انتقال فشار و دما تشکیل شده است که در آن هوا توسط کمپرسور فشرده شده و از سه فیلتر مختلف عبور می کند تا رطوبت، ذرات و روغن را حذف کند. سپس در مخازن اکسیژن ساز حاوی زئولیت، اکسیژن با خلوص بالا تولید و در مخازن اکسیژن ذخیره می شود. سپس از طریق لوله های مسی به اتاق بیمار منتقل می شود. نتایج مطالعه HAZOP ، انسداد خروجی، عدم کارکرد سنسور برای اتصال و قطع، بستن شیر ورودی، انسداد ورودی در فیلتر روغن، بستن دریچه خروجی مخزن و وجود روغن با محصول از انحرافات احتمالی بود. سپس علل یابی انجام شد مثلا برای دو مورد اخیر خطای انسانی و عملکرد ناکافی فیلتر از علل اصلی ایجاد انحراف بود. انفجار تانک، کاهش فشار داخل مخزن و افزایش احتمال ترکیدگی لوله ها پیامدهای مطالعه بود. سپس حفاظه های موجود و درنهایت پیشنهاداتی جهت

پیشگیری از این احتمالات ارائه شد. مثلا برای انحراف "وجود روغن با محصول"، استفاده از جاذب های با راندمان بالاتر و نصب چند فیلتر برای حذف بهتر روغن و ذرات پیشنهاد گردید.

نتیجه گیری : نتایج نشان داد که بر اساس این روش انحرافات به‌صورت جامع شناسایی شد که این رویکرد می تواند به عنوان مبنایی برای ارزیابی ریسک های کمی درنظر گرفته شود. در این روش علل احتمالی این انحرافات، پیامدهای ممکن، سیستم‌های ایمنی موجود مورد بررسی و در صورت نیاز توصیه‌هایی جهت کاهش این انحرافات ارائه گردید.

واژگان کلیدی : *ارزیابی ریسک، انحراف، واحد اکسیژن سنترال، بیمارستان، HAZOP*

بررسی حذف میکروپلاستیک های پلی اتیلن و پلی استایرن با برگ کاهوی قرمزغنی شده از اسید تانیک در محلول های آبی

فاطمه کریمی نژاد[۱]،پوریا کریمی[۲]،محمدرضا یاری[۳*]

۱-دانشجوی دکتری تخصصی، رشته مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

۲-دانشجوی دکتری تخصصی، رشته مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه شهید بهشتی تهران

۳-کمیته تحقیقات دانشجویی ، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد ، *نویسنده مسئول

چکیده

زمینه و هدف: میکروپلاستیک ها در محیط زیست جزو خطرناک ترین آلاینده های نوظهور هستند. پلی اتیلن و پلی استایرن در مالچ های کشاورزی، مواد کامپوزیت، پاک کننده ها و بسته بندی ها استفاده می شوند. لذا، یافتن یک فرآیند کارآمد و جدید برای حذف میکروپلاستیک‌ها بسیار حائز اهمیت می‌باشد. هدف از این مطالعه بررسی میزان حذف میکروپلاستیک های پلی اتیلن و پلی استایرن با برگ کاهوی قرمز غنی شده با اسید تانیک در محلول آبی بود.

مواد و روش ها: محلول حاوی میکروپلاستیک ها با سایز(800-425-300 میکرون) و پودر کاهوخشک شده با آب مقطر روی شیکر(۳۰ دقیقه=زمان تماس) در pH 4-10 (۲ تا ۸ میلی گرم در لیتر اسید تانیک به محلول ها افزودیم) تهیه شد. آزمایشات با استفاده از نرم افزار Design-Expert ، مدل Box-Behnken طراحی شد.۲۷ ران آزمایش صورت گرفت. وزن هر گروه اندازه گیری شد، تا اختلاف دو اندازه گیری کمتر از ۰/۰۰۱ گرم شود. اندازه گیری نهایی به صورت A1 ثبت شد. پس از فرآیند انعقاد و ته نشینی، از مایع رویی جمع آوری شده برای اندازه گیری میکروپلاستیک ها استفاده شد. وزن نهایی A2 ثبت شد. وزن میکروپلاستیک های حذف شده با کم کردن A2 از A1 محاسبه شد. همچنین تصاویر مورفولوژی و گروه های عاملی تهیه و بررسی شد.

یافته ها: نتایج نشان داد که برگ کاهو همراه با اسید تانیک به عنوان یک منعقد کننده زیستی طبیعی جدید برای حذف PS وPE از محلول های آبی مورد استفاده قرار گرفت که حداکثر حذف PE (۸۱ درصد) در حضور pH=4، دوزmg/L ۵۰ و سایز ۴۲۵ و مقدار اسید تانیک ۵ میلی گرم حاصل شد. همچنین حداکثر حذف PS (۷۸ درصد) در حضور pH=4، دوزmg/L ۵۰ و سایز ۴۲۵ و مقدار اسید تانیک ۵ میلی گرم حاصل شد. شرایط اسیدی تر و دوز بیشتر اسید تانیک به دلیل تشکیل لخته بهتر و پل زنی بین ذرات مقدار راندمان حذف را بالاتری نشان داد. از گروه های عاملی موثر به فنول میتوان اشاره کرد. درنهایت با استفاده از نرم افزارهای EXCEL و SPSS26 تجزیه و تحلیل داده ها انجام شد.

نتیجه گیری: نتایج نشان داد که برگ کاهو اثر قابل توجهی در حذف PS وPE از محیط آبی دارد. در نتیجه برگ گیاهان می تواند به عنوان یک جاذب مناسب، ارزان و سازگار با محیط زیست به جای منعقد کننده های شیمیایی و مصنوعی برای حذف میکروپلاستیک ها در محیط آبی استفاده شود.

واژگان کلیدی : میکروپلاستیک، پلی اتیلن (PE) ،پلی استایرن (PS)،کاهو قرمز،اسید تانیک.

بررسی ارتباط گرما با حالات خلقی، برانگیختگی و تغییر ناهماهنگی شناختی در بین کارگران یک صنعت غذایی در سال ۱۴۰۲

معین نعمتی[۱] ، رعنا کاظم زاده دهاقانی[۱]، روح اله فلاح مدواری[۲]، محمود یاوری[۳]

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت ،دانشگاه علوم پزشکی شیراز

۲. استادیار گروه مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت ،دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

۳. کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت ،دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

چکیده

زمینه و هدف: یکی از عواملی که می تواند باعث اختلال در محدوده دمای طبیعی بدن انسان بشود، استرس گرمایی ناشی از مواجه با محیط های گرم شغلی است که می تواند منجر به بیماری های وابسته به گرما و حتی مرگ شود. از عوارض مواجهه با دمای بالا، اختلال در عملکرد سیستم هوازی، عصبی-عضلانی و همچنین تغییر در متابولیسم، ضربان قلب و فشارخون در بین کارگران هستند. گفتنی است اثرات استرس های حرارتی بر توانایی های شناختی علارغم اثر مهمی که درقدرت تصمیم گیری دارند به خوبی درک نشده است. بنابراین در این مطالعه به بررسی ارتباط گرما با حالات خلقی، برانگیختگی و تغییر ناهماهنگی شناختی در بین کارگران یک صنعت غذایی در سال ۱۴۰۲ می پردازیم.

مواد و روش ها: این مطالعه از نوع مشاهده‌ای و در دو گروه مواجه یافته که دریک محیط گرم کار می‌کنند و بدون مواجهه با گرما به صورت تمام شماری بین کارگران یک صنعت غذایی در سال ۱۴۰۲ انجام شده است. تعداد کل کارکنان این صنعت ۱۱۰ نفر بوده که ۵۳ نفر دارای مواجهه و ۵۷ نفر بدون مواجهه بررسی شدند. تفاوت دو گروه از نظر قرارگرفتن در معرض استرس حرارتی بر اساس نتایج اندازه گیری شاخص حرارتی WBGT که در گروه مواجهه یافته برابر ۲۷/۲۲±۰/۲۸ بود. ابزار مورد استفاده در این مطالعه پرسشنامه استاندارد برانگیختگی و کاهش ناهماهنگی شناختی ۲۵ سوالی هارمون جونز دارای روایی و پایایی مناسب و دیگری پرسشنامه ۳۲ سوالی حالات خلقی برومز بود. در آخر داده ها در نرم افزار SPSS با استفاده از آزمون های T-Test و Oneway-Anova تحلیل شدند.

نتایج: در بررسی ها اختلاف معناداری بین میانگین سنی، وزن، سابقه کار، تأهل و تحصیلات در گروه مواجهه و بدون مواجهه دیده نشد و توزیع در دو گروه یکسان است ($p>0.05$). در مقایسه‌ی مقیاس‌های پرسشنامه برومز (تنش، افسردگی، خشم، سرزندگی، خستگی، سردرگمی، آرامش و شادکامی) و پرسش‌نامه هارمون جونز (برانگیختگی و کاهش ناهماهنگی) بین دو گروه حاضر در مطالعه می توان به این نتایج رسید که تفاوت معناداری در نمره‌ی افسردگی، خستگی، سردرگمی، اضطراب به همراه ناهماهنگی شناختی بین دو گروه نشان نداد ($p>0.05$)؛ اما نمره‌ی خشم، استرس و برانگیختگی شناختی در گروه

دارای مواجهه به‌طور معناداری بیشتر از دیگر گروه بود ($p<0.05$). این موضوع می تواند احتمال تاثیر گرما بر روی افزایش میزان استرس و خشم کارگران باشد.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان می دهد که مواجهه با WBGT بالاتر می‌تواند بر حالات خلقی و شناختی افراد موثر باشد و مشابه با دیگر مطالعات به طور قابل ملاحظه‌ای می‌تواند در پیدایش وضعیت خشم، استرس و برانگیختگی شناختی افراد موثر واقع شود. بنابراین توصیه می شود با کمک اقدامات مهندسی و مدیریتی تلاش شود تا خطر ابتلا به حالات منفی در کارگران کاسته شود.

واژگان کلیدی: *گرمای محیط کار، ناهماهنگی شناختی ، حالات خلقی، برانگیختگی شناختی*

بررسی ارتباط بار کاری ذهنی با آسایش حرارتی کارمندان بانک شهر سبزوار در دو فصل زمستان و تابستان

مریم صالح آبادی[1]، فرشاد ندری[۱]، بهزاد مهکی[۲]، مجید فلاحی[۳]، حامد ندری[۴]

۱-گروه مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

۲-گروه آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

۳-گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، خراسان رضوی، ایران

۴-گروه مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، خوزستان، ایران

چکیده

مقدمه: ارائه خدمات مالی در بانک ها به ذی نفعان نیازمند انجام فعالیت های ذهنی توسط کارمندان بانک است. تنش های حرارتی(سرمایی-گرمایی) قابلیت تحت تاثیر قرار دادن آسایش حرارتی کارمندان بانک را بدنبال داشته و می تواند بر جنبه های عملکردی، ذهنی و خستگی زودرس آن ها اثرگذار باشد لذا این مطالعه با هدف تعیین ارتباط بار کاری ذهنی با آسایش حرارتی کارمندان بانک شهر سبزوار در دو فصل تابستان و زمستان انجام شد.

مواد و روش ها: این مطالعه توصیفی- تحلیلی و از نوع مقطعی بر روی کلیه کارمندان بانک شهر سبزوار انجام پذیرفت(با لحاظ نمودن معیارهای ورود). بار کاری ذهنی کارمندان با استفاده از پرسشنامه استاندارد NASA-TLX و آسایش حرارتی افراد نیز بر اساس شاخص میانگین رای پیش بینی شده (PMV) تعیین گردید. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ انجام شد.

یافته ها: نتایج نشان داد که میانگین شاخص PMV در فصل زمستان ۰/۷۱- و در فصل تابستان ۱/۶۴ است. میانگین نمره نهایی بار کار ذهنی در فصل زمستان۵۸/۴۴ و در فصل تابستان ۶۵/۳۸ تعیین شد که نشان دهنده بار کاری ذهنی بالا در محیط مورد مطالعه می باشد. همچنین نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که ضریب همبستگی پیرسون در فصل زمستان ۰/۶۱۲ – و در فصل تابستان۰/۷۴ است که نشان دهنده این است که هرچه PMV به صفر نزدیک تر می شود بار کاری ذهنی کاهش می یابد. نتایج آنالیز آماری نیز نشان داد که رابطه معناداری بین شاخص PMV و بار کاری ذهنی وجود دارد.

نتیجه گیری: نتایج نشان داد که با بهبود آسایش حرارتی در محیط کار، بار کاری ذهنی کاهش می یابد. افزایش بار کاری ذهنی با اثر در افزایش خستگی می تواند باعث کاهش راندمان کاری شاغلین شود. در نتیجه ارائه و اجرای اقدامات کنترلی در محیط های کاری مانند بانک جهت بهبود آسایش حرارتی و کاهش بار کاری ذهنی و افزایش بهره وری پیشنهاد می گردد.

واژه های کلیدی: *بار کاری ذهنی، آسایش حرارتی، کارمندان بانک*

بررسی ارتباط آزاردهندگی صوتی و سندرم پیش از قاعدگی با توانایی انجام کار کارکنان مراکز بهداشتی

الهه تردیده[1]، فرشاد ندری[2*]، مسعود قنبری[2]، سوسن حیدر پور[3]

۱-دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.

۲-هیئت علمی گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران(نویسنده مسئول)

۳-هیئت علمی گروه سلامت باروری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.

چکیده

مقدمه: آزاردهندگی صوتی، به عنوان یکی از اثرات منفی مواجهه با صدا و شایع ترین پاسخ ذهنی آن، توجه بسیاری از عموم مردم را به خود جلب نموده است. توانایی شغلی مفهوم پیچیده ای است که منابع مرتبط با نیازهای اجتماعی، روانی و جسمانی کارکنان را در محیط کار توصیف می کند. سندرم پیش از قاعدگی، یکی از مشکلات شایع در بین زنان است که به بازگشت دوره ای ترکیبی از تغییرات جسمی، روانی و رفتاری در فاز لوتئال چرخه قاعدگی اطلاق می‌گردد. این مطالعه با هدف بررسی اثر آزاردهندگی صوتی و سندروم پیش از قاعدگی بر شاخص توانایی انجام کار انجام شد.

روش کار: جامعه مورد مطالعه در این تحقیق شامل تمامی زنان شاغل در مراکز بهداشتی استان بوشهر بود (۱۲۳ نفر). ابزار جمع آوری اطلاعات شامل پرسشنامه دموگرافیک، پرسشنامه غربالگری علایم قبل از قاعدگی، پرسشنامه آزاردهندگی صوتی، پرسشنامه توانایی انجام کار بود. برای بررسی ارتباط بین متغیرها از آزمون رگرسیون خطی چندگانه استفاده شد.

یافته ها: ۵۶/۱ درصد از افراد مورد مطالعه دارای سابقه کاری کمتر از ۵ سال و ۵۶/۱ افراد از میانگین سنی بین ۲۱ تا ۳۰ سال برخوردار بودند. درصد نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن نشان داد شاخص آزاردهندگی صوتی، توانایی انجام کار و همچنین سندروم پیش از قاعدگی هیچ ارتباط معنادار آماری با متغیرهای دموگرافیک ندارند ($P \geq 0.05$). با استفاده از آزمون های T-Test تک و زوجی مشخص شد متغیرهای آزاردهندگی صوتی، سندروم پیش از قاعدگی و همچنین شاخص توانایی انجام کار نیز از نظر آمار ارتباط معنادار دارند ($P \leq 0.05$). مقادیر بتا یا ضرایب رگرسیونی استاندارد برای متغیر سندروم پیش از قاعدگی و آزاردهندگی صوتی به ترتیب ۰/۱۶۴و ۰/۳۱۲- بدست آمد.

نتیجه‌گیری: بنا بر نتایج می توان گفت تاثیر متغیر آزاردهندگی صوتی بر تولنایی انجام کار، بیشتر از تاثیر متغیر ابتلا به سندروم پیش از قاعدگی بر متغیر توانایی انجام کار است. شاغلان مراکز بهداشتی به دلیل مواجهه با منابع مستقیم و غیرمستقیم صوتی در معرض آسیب‌های ناشی از مواجهه هستند. مراجعه و تعدد رفت‌وآمد مراجعین، منابع صوتی متعدد،

اســـترس‌های روانی و شـــغلی، عوامل و همچنین وجود برخی عوامل فیزیولوژیکی مثل دوره قاعدگی در زنان، باعث تاثیرات نامطلوب بر توانایی انجام کار می‌شود. بنابراین لازم است تا در محیط های شغلی برنامه ها و سیاست هایی در نظر گرفته شود که برای بانوان جنبه حمایتی داشته باشد.

واژگان کلیدی : *آزاردهندگی صوتی، سندروم پیش از قاعدگی، توانایی انجام کار، کارکنان مراکز بهداشتی، آلودگی صوتی*

ارزیابی و مدیریت ریسک در بخش مراقبت های ویژه بیمارستان های آموزشی شهر اهواز

ریحانه تقی پور[۱] ، هدیه دسومی[۲]

۱.کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

۲.کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

چکیده

زمینه و هدف : بیمارستان ها یکی از مهم ترین نهادهای ارائه دهنده ی خدمات بهداشتی ـ درمانی می باشد که بدلیل وجود مخاطرات خاص رعایت اصول ایمنی در آن از اهمیت بالایی برخوردار است. رعایت اصول و مقررات ایمنی به منظور پیشگیری و یا کاهش حوادث از طریق حذف و کنترل مخاطرات صورت می گیرد. بخش مراقبت های ویژه به عنوان گلوگاه کنترل عملکرد در بیمارستان شناخته می شود و رعایت استانداردها در آن از اهمیت بسیاری برخوردار است،از این رو تدوین و به کارگیری استانداردها در بخش های مراقبت های ویژه به بقای بیشتر بیماران و صرفه جویی در هزینه ها کمک میکند. مدیریت ریسک از یک سو توانایی شناخت عوامل موجود ریسک و از سوی دیگر تجزیه تحلیل ریسک و انتخاب راهبردهای مناسب برای کنترل و از بین بردن آن است. هدف از انجام مطالعه حاضر، شناسایی، ارزیابی و ارائه اقدام مناسب برای کنترل، کاهش و حذف خطرات احتمالی فعالیت بخش مراقبت های ویژه بیمارستان آموزشی بود تا از این طریق نقاط ضعف و کاستی ها مشخص و اولویت های اجرایی برای اصلاح آن تعیین گردد.

مواد و روش ها : مطالعه حاضر توصیفی-مقطعی و از نوع کاربردی بوده که دراین پژوهش نمونه گیری صورت نگرفته و کلیه بخش های مراقبت های ویژه در بیمارستان های آموزشی شهر اهواز با استفاده از چک لیست و جدول ارزیابی ریسک مورد پژوهش قرار گرفته اند. روش جمع آوری اطلاعات به صورت مصاحبه و مشاهده و تکمیل چک لیست می باشد و چک لیست پژوهش دارای روایی محتوایی بود که با نظر متخصصان مدیریت بهداشت و درمان و بهداشت حرفه ای به تایید رسید. جهت جمع آوری داده ها از کاربرگ استاندارد تکنیک تجزیه و تحلیل حالت های بالقوه خطا و اثرات آن (FMEA) استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده های پژوهش در سطح آمار توصیفی بوده که با نرم افزارهای Excel و SPSS انجام شده است.

نتایج : مهم ترین و خطرناک ترین انرژی های شناسایی شده در بخش مراقبت های ویژه شامل خطر انفجار سیلندرهای تحت فشار، خطربرق گرفتگی و آتش سوزی ناشی از برق، لیز خوردن، افتادن بیمار به علت عدم مهار Bed Side، عوامل عفونی و خطرات ناشی از مواد زائد پزشکی می باشد. با توجه به حساسیت جامعه مورد مطالعه و بالا بودن خطرات غیر قابل قبول، مداخلات کنترلی، اقدامات اصلاحی و راهکارهای مدیریتی مناسب در جهت ایمن سازی محیط و کاهش احتمال وقوع حوادث برای بیماران و پرسنل در این بخش بعمل آمده است.

نتیجه گیری : شناسایی خطاها با ریسک غیرقابل قبول از بین خطاهای شناسایی شده که علت یابی آنها و ارائه اقدامات اصلاحی، همگی حاکی از قابلیت بالای روش FMEA در شناسایی، ارزیابی، الویت بندی و تحلیل خطاهای ممکن در بخش حساس و پیچیده ای نظیر بخش مراقبت های ویژه در بیمارستان می باشد.

واژگان کلیدی : *ارزیابی ریسک، اقدام پیشگیرانه،بیمارستان، مراقبت های ویژه*

بررسی ارتباط بین صدا و افت شنوایی در کارگران سنگ زن، یک شرکت صنعتی در اهواز

حسینعلی رنگ کوی[1] ، ریحانه تقی پور[2]

۱. استادیار، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

۲.کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

چکیده

زمینه و هدف : امروزه مواجهه با صدا یکی از مهمترین مشکلات بهداشتی صنایع می باشد که همواره سلامت کارگران را در محیط های صنعتی تحت تاثیر قرار می دهد. هدف از این مطالعه ارزیابی اختلالات شنوایی ناشی از صدا در یک شرکت صنعتی در شهر اهواز بوده است.

مواد و روش ها : مطالعه حاضر از نوع کوهورت و به روش مقطعی است. تعداد ۱۴ نفر از کارگران سنگ زن به عنوان گروه مورد مطالعه و در مقابل ۱۴ نفر از کارکنان واحدهای اداری به عنوان گروه شاهد انتخاب شدند. اطلاعات دموگرافیکی هر دو گروه مورد و شاهد از پرونده پزشکی آنان به دست آمد. با بررسی تست ادیومتری هر دو گروه کاهش شنوایی گوش چپ و راست و افت کلی در فرکانس های ۸۰۰۰-۵۰۰ هرتز محاسبه و با استاندارد مقایسه شد. در این مطالعه علاوه بر عوامل تاثیرگذار در بروز افت شنوایی مانند سابقه کار و سن، توجه ویژه ای به تراز صدا در بروز افت شنوایی شده است. نتایج بدست آمده با استفاده از نرم افزار SPSS23 و آزمون های آماری تی مستقل و رگرسیونی تحلیل گردید.

نتایج : میانگین افت شنوایی کلی در گروه مواجهه و شاهد به ترتیب ۲/۷۶ ± ۲۵/۵۶ و ۴/۰۷ ± ۷/۰۷ دسی بل به دست آمد. در هر دو گروه مواجهه و شاهد میانگین افت شنوایی گوش چپ بیشتر از میانگین افت شنوایی گوش راست به دست آمد. همچنین نتایج بررسی ادیومتری نشان داد که بیشترین افت شنوایی در فرکانس ۴۰۰۰ هرتز رخ داده است. باتوجه به آنالیز آماری داده ها، رابطه معناداری بین افت شنوایی و تراز معادل مواجهه هشت ساعته به دست آمد.

نتیجه گیری : نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که بیشترین افت شنوایی در فرکانس ۴۰۰۰ هرتز رخ می دهد و همچنین بین میزان Leq و ساعات مواجهه کارگران با صدا و افت شنوایی رابطه معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی : *صدا، افت شنوایی، ادیومتری، سنگ زن*

To evaluation histopathological Changes, enzymatic activity, and oxidative stress parameters due to simultaneous exposure to noise and cadmium in the liver tissue of adult male rats.

exposure to noise and cadmium in the liver tissue of adult male rats.

Parvaneh Khazaei[1], Mansoura Hamidi[2], Noradin Gharari[3*], Hasan Hadadzadeh Niri[4], Alireza Haji Qasim Khan[5]

1-Department of Occupational Health and safety, School of Public Health and Safety, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

2-Department of Occupational Health and safety, School of Public Health and Safety, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

3-Department of Occupational Health and safety, School of Public Health and Safety, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

4-Rehabilitation Research Center, Department of Audiology, School of Rehabilitation Sciences, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

5-Department of Occupational Health and safety, School of Public Health and Safety, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

*Corresponding author: Noradin Gharari, Department of Occupational Health and Safety, School of Public Health and Safety, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Abstract

Background: In recent years, the consequences of chemical and physical factors on human health have been a daily topic for researchers. Cadmium and noise are environmental pollutants that can cause a significant risk to human health. Many reports have been published about the hepatotoxicity of noise and cadmium alone. This study investigated the histopathological changes, enzymatic and oxidative stress parameters caused by simultaneous exposure to noise and cadmium in the liver tissue of adult male rats.

Methods: This study is experimental, 32 male Wistar rats were divided into four experimental groups, each consisting of 8 rats. The rats were exposed to different factors for 8 hours a day, over a period of 28 days.. These four groups are 1- the control group, 2- the group exposed to noise (100 dB), 3- The group exposed to 15 mg/L cadmium chloride, 4- The group exposed simultaneously to noise (100 dB) and cadmium (15 mg/L cadmium chloride). In this study, the level of malondialdehyde (MDA), glutathione (GSH), liver enzymes (ALT, AST), and histopathological changes in liver tissue were determined.

Results: The greatest effect in increasing the MDA level was observed in the combined exposure group (48.647 ± 1.822 µM), the cadmium exposure group (32.111 ± 1.242 µM) and the noise exposure group (27.967 ± 0.4713 µM). From a statistical point of view, the average of malondialdehyde in all groups, except for the sound group, has a significant relationship with the cadmium group (P<0.0001). The highest decrease in GSH concentration was observed in the combined exposure group (59.08±5.644), cadmium exposure group (92.26±6.325) and noise exposure group (112.1±4.289). Comparing the GSH concentrations of different groups with each other, it was found that there is a statistically significant relationship between all groups except the control group and the combined group (P<0.0001). respectively, the combined exposure group (169±7.937), the cadmium exposure group (146.3±2.333) and the noise exposure group (77.67±4.256) showed the greatest effect in increasing the ALT level. In comparing the ALT concentrations of different groups, it was found that Statistically, there is a significant relationship between all groups except the control group with the combination group and the cadmium group with the combination group (P<0.0001). The greatest effect in increasing the level of AST was observed in the combined exposure group (247.7±6.984), the cadmium exposure group (217±5.132) and the noise exposure group (84.67±6.064) observed in a two-by-two comparison of the AST concentrations of different groups with each other, which was statistically significant There is a significant relationship between all groups except the control group and the sound group (P<0.0001). Based on the obtained results, it was found that the percentage of apoptotic cells of liver tissue hepatocytes in the group exposed to

cadmium + sound is higher than other groups. Also, single exposure to cadmium causes more damage than sound.

Conclusion: The results of this study confirmed the increased interaction between cadmium and sound in liver damage, lipid peroxidation, weakening of antioxidant defense and morphological damage of rat liver tissue. In general, simultaneous exposure to cadmium and noise and each one alone can affect the level of oxidative stress in liver tissue, which is one of the target organs for these two factors. However, the combined exposure to these two types of stress factors may lead to more severe effects on the level of oxidative stress in the liver tissue. Although a definitive conclusion in this regard requires more and more comprehensive animal and human studies.

Keywords: *noise, cadmium, rat, liver tissue, Oxidative stress*

Effects of Heat Stress on Bakery Workers: A Systematic Review Study

Younes Mehrifar[1], Soleiman Ramezanifar [2], Parvaneh Khazaei[2], Elahe Khadiv[2], Pedram Rastegari[3], Noradin Gharari[4]*

1. PhD, Student Research Committee, Dept. of Occupational Health and Safety Engineering, School of Public Health and Safety, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

2. MSc Student in Occupational Health and Safety Engineering, Dept. of Occupational Health and Safety Engineering, School of Public Health and Safety, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

3. MSc Student in Health, Safety and Environmental Management, Dept. of Health and Safety, and Environmental (HSE), School of Public Health and Safety, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

4. Assistant Prof., Dept. of Occupational Health and Safety Engineering, School of Public Health and Safety, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Address for correspondence: Noradin Gharari, Assistant Prof, Department of Occupational Health Engineering, School of public Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Abstract

Background: Working in hot environments can cause diseases and reduce performance by upsetting the balance of physiological parameters of workers' bodies. Bakers are among the people exposed to heat stress continuously and daily. The aim of this review study was to investigate the effect of heat stress on bakers. **Methods:** In this review study, the related articles based on keywords were reviewed using “IranMedex”, “Science Direct”, “PubMed”, “Scopus”, “Web of Science”, “SID”, “Google Scholar”, and “Magiran” databases from the years 2000 to 2021. The used search terms were "Heat stress", "Heat strain", "Heat exposure", "Heat waves", "Workplace", "Baker", and "health effects". In order to extract the required data, all parts of the articles have been reviewed. **Results:** Out of the 16 studies reviewed in this study, 43.75% were cross-sectional, 25% were descriptive cross-sectional, and 31.25% were performed according to other study designs. In all of the studies, the WBGT index was used to assess ambient heat stress. In most studies, the mean exposure temperature was higher than the WBGT-ACGIH limit, especially among traditional bakery workers. The findings showed that

exposure to thermal stress significantly affects some hematological parameters of blood, oxidative stress, heart rate, and body temperature. **Conclusions:** the results of the studies showed that the situation of heat stress in the bakery environment is worrying in terms of health and reduced productivity of employees. Therefore, it is essential to take the necessary preventive and control measures to reduce heat stress and the resulting strain.

Keywords: Baker, Exposure to heat, Heat stress, Physiological effects, Heat index

Investigating the Psychoacoustic Characteristics of Absorbents used in Common Earmuffs: A Laboratory Study

Zahra Amini[1] , Hadi Asady[2], Siamak Pourabdian[3], Farhad Foroharmajd[4*]

1-Masters student, Occupational health and safety field, Department of Occupational Health Engineering, School of Health, Isfahan University of Medical Sciences

2-PHD student, Occupational health and safety field, Department of Occupational Health Engineering, School of Health, Isfahan University of Medical Sciences

3-Associate Professor, Occupational health and safety field, Department of Occupational Health Engineering, School of Health, Isfahan University of Medical Sciences

4-Associate Professor, Occupational health and safety field, Department of Occupational Health Engineering, School of Health, Isfahan University of Medical Sciences

Introduction: In addition to having auditory effects, sound also has nonauditory effects. Acoustic Annoyance is one of the nonauditory effects of sounds which are construed as psychoacoustic characteristics. The study at hand was undertaken to investigate the psychoacoustic characteristics of absorbents used in common earmuffs.

Abstract

Materials and Methods: In this study, four earmuffs prevalent in industries were used. The psychoacoustic characteristics of loudness and sharpness were measured and analyzed in sound levels of 75, 85, and 95 dB using an impedance tube and Va-Lab 4 software with and without absorbers. The results were analyzed with SPSS-26 software.

Results: Results showed that the highest and the lowest increase in loudness were attributed to the EM-101 and the EM-104, respectively. In addition, with the increase in the sound level, the loudness increased. Furthermore, in 85 dB, there was no significant relationship between loudness and earmuff absorber only in the case of the earmuff EM-103. Furthermore, the highest and the lowest increase in sharpness were, respectively, attributed to the EM-101 and the EM-103. Only in the samples of EM-103 and EM-104 earmuffs at the level of 75 dB, there was no significant relationship between sharpness and earmuff absorber.

Conclusion: Earmuffs used in industries showed different performances against the loudness and sharpness of the sound. In other words, the quality and the structure of earmuff absorber play noteworthy roles in decreasing the qualitative parameters of sound.

Keywords: *Impedance tube, loudness, psychoacoustic, sharpness*

Examining the relationship between the job demand-control-support model and job satisfaction among nurses employed in public hospitals in Iran

Hesam elahi[1], Solale ramazani[2], haniye ghasemi[3], seyed Ehsan samaei[4]

1. M.Sc Student of Occupational Health, Faculty of Health, Mazandaran University of Medical Sciences.

2. Ph.D Student of Occupational Health, Faculty of Health, Mazandaran University of Medical Sciences.

3. B.S Student of Occupational Health, Faculty of Health, Mazandaran University of Medical Sciences.

4. (Corresponding Author): Assistant Professor of Occupational Health, Faculty of Health, Mazandaran University of Medical Sciences.

Abstract

Background: Work-related stress is a significant occupational risk that can lower job satisfaction and work efficiency, particularly in stress-prone careers like nursing. This stress can result in physical and mental symptoms, delayed decision-making, and even health issues like heart disease and metabolic problems. Job satisfaction, defined as the degree to which individuals appreciate their jobs, significantly impacts the quality of service provided, employee health, and turnover rates. There is a noted variation in nurses' job satisfaction across different countries, with a general trend of lower satisfaction in developing nations. The job Demand-Control-Support (JDCS) model presents a framework to understand occupational stress, suggesting that high job demands and low control and support lead to job strain. Despite its validation in various studies globally, its application in developing countries, such as Iran, is limited. This research aimed to examine the connection between several factors of the job demand-control-support model (JDCS) and nurses' work satisfaction by participating in Iranian culture.

Material and method: This study is a cross-sectional examination evaluating the significance of various factors, such as psychological and physical variables, work demands, social and colleague support, and job control, on the job satisfaction of nurses working in Mazandaran University of Medical Sciences' public hospitals in Iran between 2022 and 2023. The study incorporated 840 nurses meeting specific inclusion criteria such as holding a bachelor's degree in nursing, having at least a year of full-time experience, and no second job or specific physical and mental issues.

Data was collected using the Job Content Questionnaire (JCQ) and the Minnesota Satisfaction Questionnaire (MSQ). The JCQ, with its 30-item scale, explores the

psychological and physical demands of the job, social support, control or decision latitude, and job insecurity. The MSQ assesses job satisfaction across three dimensions: intrinsic satisfaction, outward satisfaction, and overall satisfaction: intrinsic satisfaction, outward satisfaction, and overall satisfaction.

The collected data was analyzed using SPSS 25 and Amos 24, utilizing Structural Equation Modeling (SEM) to investigate the connections between variables. Factor analysis was used to determine the efficacy of the structure, and Cronbach's alpha was estimated for each scale to assess internal validity. Significance was determined at the p\<0.05 level. This study provides insight into the factors influencing job satisfaction among nurses, thus providing a foundation for enhancing work conditions, job satisfaction, and ultimately, patient care.

Results: Based on the findings, higher average scores were obtained for skill discretion (30.92±10.34) and decision authority (30.82±6.91) and lower mean scores related to social support (21.37±7.60) and Job insecurity (7.78±1.49) showed high levels of job stress among participants. The findings revealed the direct and positive relationship between demand with control (r= 0.58, p=0.021), control with support (r=0.51, p=0.032), and demand accompanied by support (r=0.87, p=0.009). Social support has a positive influence on job satisfaction (standardized=0.75, p=0.008) and a negative effect on job insecurity (standardized=-0.56, p=0.009). Control has a negative impact on insecurity (standardized= -0.1, p=0.02), and a positive effect on job satisfaction (standardized=0.012, p=0.012). Moreover "job insecurity" moderates the effect of "Control" on "Job satisfaction" (standardized=0.02, p=0.005).

Conclusion: Higher job demands and control lead to more dissatisfaction and insecurity among nurses and nurses who receive more support feel more secure and satisfied. To increase their satisfaction and decrease insecurity, planning must be done to increase support and reduce control and demand because these factors affect performance.

Keywords: *Job Content Questionnaire, job demand-control-support model, job satisfaction, nurses*

Relation between Industrial noise annoyance and demographic parameters including noise sensitivity among blue-collar workers

I. Alimohammadi[1], A. Amirarsalan Khan[2], A. Rafieepour[3], J. Abolghasemi[4], R. Asadi[5]*

1. Professor, Department of Occupational Health Engineering, School of Public Health, Occupational Health Research Center, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

2. BS student in Occupational Health and Safety Engineering, Department of Occupational Health Engineering, School of Public Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Occupational Health Engineering, School of Public Health, Occupational Health Research Center, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

4. Associate Professor, Department of Statistics, School of Public Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

5. School of public health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

عنوان فارسی: رابطه آزردگی صوتی در یک واحد صنعتی با پارامترهای جمعیت شناختی از جمله حساسیت به صدا درکارگران یقه آبی

Abstract

Introduction: Noise exposure in the workplace is one of the most significant physical factors that have adverse effects on the workers' hearing ability, which in addition to the occurrence of occupational hearing loss (OHL) is also associated with irritations caused by it. Noise is a stress induction factor in humans, which can lead to noise annoyance. The level of noise annoyance changes according to the individual noise sensitivity and may affect the physiological stress. The aim of this study was to investigate the relationship between the level of noise annoyance and noise sensitivity in the metal industries' workers.

Materials and methods: This is a cross-sectional and analytical study that was carried out on 242 employees working in an industrial unit. Weinstein Noise Sensitivity Scale, ISO15666 noise annoyance questionnaire (verbal index), and a general questionnaire that determined personal information, attitudinal factors, and hearing conditions have been used to conduct this survey. The workplace noise that workers were exposed to, was measured by using the factory's noise measurement databases. (The workers' daily exposure to noise was measured by using a sound level meter.) The level of noise annoyance of the subjects was evaluated by the ISO15666 questionnaire. The measurement of Malondialdehyde (MDA), Total Antioxidant Capacity (TAC), and 8-hydroxy-2′-deoxyguanosine (8-OHdG) levels in blood serum of workers were done by ZellBio kits.

Results: The relationship between noise level, noise sensitivity, and the level of noise annoyance was evaluated using SPSS v.24 at a significance level of 5%. The equivalent noise level in metal part manufacturing was 80.11 ± 11.3 dB. 80.1% and 74% of workers reported some degree of noise annoyance and noise sensitivity, respectively. Moreover, it was revealed that among personal factors, education (P value = 0.004) and employment duration (P value = 0.029) were significantly related to noise annoyance and among attitudinal factors, noise sensitivity (P value = 0.0009), worker's opinion on the need to control the noise and the relation with noise annoyance, showed that noise annoyance in workers who think noise should be controlled is higher than in those who don't believe in noise control (P value = 0.001), the possibility of noise control (P value = 0.014), individuals' assessment of the workplace noise amount (P value = 0.00097), and worker's tendency to change their workplace to a silence one (P value = 0.001), were found to have a significant relationship with noise annoyance.

Conclusion: The results of this study obviously showed that noise annoyance and noise sensitivity can be the factors that affect people's mental attitude towards the workplace and probably have adverse effects on diseases caused by noise exposure. The present study showed that attitudinal factors had a significant role in noise annoyance. Also, it seems that informing workers about the measures taken to remove or control the noise would help to decrease their noise annoyance. Further study to clarify the influence of other individual and environmental factors on biological noise annoyance induction is recommended.

Keywords: *Noise annoyance, Noise sensitivity, Attitudinal factors, blue-collar workers*

Relationship between occupational exposure to respirable crystalline silica and serum CC16 level as a potential biomarker for preventing silicosis: A systematic review and Meta-Analysis

Marzieh Fattahi Darghlou (MSc)[1], Ali Poormohaamdi (PhD)[2], Salman Khazaei (PhD)[3], Hoda Arabzadeh (MSc)[1]

1-Department of Epidemiology, School of Public Health, Student Research Committee, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran

2-Research Center for Health Sciences, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran

3-Center of Excellence for Occupational Health, Occupational Health and Safety Research Center, School of Public Health, Hamadan University of Medical Sciences Hamadan, Iran

Abstract

Introduction: Despite several investigations, the association between occupational exposure to respirable crystalline silica (RCS) and serum CC16 level remains inconclusive. To address this issue, we conducted a systematic review and meta-analysis of observational studies.

Methods and Materials: We searched PubMed, Web of Science, and Scopus databases until August 2022 based on Medical subject headings (MeSH) such as "CC10 protein, human" OR "Clara-cell specific 10-kD protein" OR "Clara cell phospholipid-binding protein human" AND Silicosis. To assess the heterogeneity across studies, we used the χ^2 test and I^2 statistics. We also explored the possibility of publication bias using Begg's and Egger's tests. The standardized mean difference (SMD) was used to compare the mean difference of serum levels of CC16 between silicosis and non-silicosis groups. We used a random-effects model.

Results: A total of 18 records were identified in the initial search of the mentioned databases. After excluding duplicates and final screening in terms of compliance with the title and objectives, eight articles were included in Meta-analysis. The overall effect estimate demonstrated that silicosis patients had lower serum level of CC16 (SMD:-3.58; 95% CI, from -5.14 to-2.3; I2 = 94.4% P-value<0.001) than that of control group. Moreover, silicosis patients and exposed individuals had lower serum level of CC16 (SMD:-3.32; 95% CI, from -4.19 to -2.45; I2 = 88.6% P-value<0.001) compared with the control group. The silica exposure had lower CC16 level (SMD:-1.92; 95% CI, from -4.22 to 0.39; I2 = 97.5% P-value<0.001) than the control group.

Conclusions:. This analysis emphasized that serum level of CC16 can be considered as a marker for the early diagnosis of silicosis. This finding is very important in the early diagnosis of silicosis and identifying high risk workers in RCS-related workplaces. It is recommended to conduct prospective studies on a larger scale to identify the relationship between serum CC16 levels and silicosis.

Keywords: *Biomarker, Clara-cell specific 10-kD protein, Silica, Silicosis*

Comparison of productivity in paint and assembly halls of an automotive industry affected by indoor air pollution

Rasoul Yarahmadi [1], Parvin Moridi [2], Forough Shadman [3], Somayeh soleymani alyar [4], Maryam Borhani Jebeli [5]

1-Air Pollution Research Center, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

2-Air Pollution Research Core, Pars Plasma Bonyan (knowledgebased Co), Tehran, Iran.

3-Office of Research, Environmental Protection Organization, Tehran, Iran.

4-MSc of engineering occupational Health safety at work, School of public health, Iran University of Medical Science, Tehran, Iran.

5-Department of occupational Health Engineering, School of Health, Torbat Heydariyeh University of Medical Sciences, Torbat Heydariyeh, Iran.

Abstract

Introduction: Labor productivity is one of the essential factors for the survival of an organization. The induced pollutants in the production process at work environments can cause a variety of problems in the quality of health, social, and industrial subjects and may result in a significant reduction in productivity and production rate. The importance of the automotive industries, the production process of the mentioned industries, and the role of manpower in production lines; have made this industry more vital, demanding high attention to the factors affecting employee productivity. Therefore, identifying factors affecting labor productivity in these industries can be effective in managing productivity. Investigating the influencing factors that result in the increase or decrease of labor productivity in the automobile industry was presented in the present research.

Methods and Materials: Data envelopment analysis is a mathematical approach used to calculate relative efficiency. The present research investigates the role of air pollution on manpower productivity using the non-linear programming method and data envelopment analysis (DEA) model (software DEAP) in two paint and assembly halls of an automotive industry. First, the concentration of pollutants was measured in both halls and then the factors affecting productivity in both halls were analyzed and compared.

Results: The manpower efficiency in the specified assembly and paint halls was 66% and 77%, respectively. The results show a relationship between individual efficiency and adverse environmental factors. Analyzing the pollutant concentration and the productivity average in

both halls showed that productivity in the paint hall is higher than in the assembly hall, while the concentration of RPM and VOC pollution is less.

Conclusion: Paying attention to various aspects of health and control of air pollution and measures related to the health and safety of employees in industries and production workshops can lead to greater work efficiency and employee productivity. Therefore, paying attention to the air quality of work environments can be known as one of the most important factors affecting productivity in various industries, as the employees of the paint hall are more efficient than the assembly hall.

Keywords: *Indoor, Product, productivity, Air pollution, Data envelope analysis.*

Investigating the indoor air pollution status of elementary school buildings in Tehran affected by the spatial/architectural structure of the city

Maryam Borhani Jebeli [1], Fatemeh Yarahmadi [2], Soraya Fazeli [3], Seyed Poriya Fazeli [4], Somayeh Soleymani alyar[5], Parvaneh Beyk Mohamadloo [6], Elham Maraghi [7], Rasoul Yarahmadi [9]

1. Department of occupational Health Engineering, School of Health, Torbat Heydariyeh University of Medical Sciences, Torbat Heydariyeh, Iran..

2. Air Pollution Research Core, Pars Plasma Bonyan (knowledge based Co), Tehran, Iran.

3. MSc of environment Health Engineering, Faculty of Medical sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

4. MSc of engineering occupational Health safety at work, School of public health, Iran University of Medical Science, Tehran, Iran..

5. MSc of engineering occupational Health safety at work, School of public health, Iran University of Medical Science, Tehran, Iran.

6. Department of occupational health, Faculty of health, Iran University of Medical Science, Tehran, Iran.

7. Assistant Professor of Biostatistics, Department of Biostatistics and Epidemiology, School of Health, Ahvaz Jundishapur University of Medical sciences.

8. Air Pollution Research Center, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Abstract

Introduction: The quality of the school environment has been proposed as key factors in having a young mind and a strong body for children due to the large number of hours they stay at school. Exposure to environmental pollutants, especially low-quality or polluted air, during crucial periods of physiological growth will have significant effects on children. Therefore, the goals of this study determine the concentration of indoor air pollutants in primary schools in the metropolitan area of Tehran during one academic year and review the effects of the city spatial structure on pollutants concentration by measuring the air quality inside classrooms.

Methods and Materials: Five primary schools located in the north, south, east, west and center of Tehran were selected randomly. Sampling of indoor air in classrooms was performed two days a week (Sunday and Tuesday) on the first and third weeks of each month during the given school year by experts using online calibrated devices. The measurements were carefully recorded, and statistically analyzed using regression models.

Results: The highest concentration of carbon dioxide was observed in the north of Tehran and the highest PM1 density in the center and the highest PM2.5 and PM10 densities in the south of Tehran, and the PM_t density had the highest concentration in the south, especially in the ground-floor classrooms. The results of distance from green space, private space and floors in winter and autumn seasons emphasize that there is an external source of pollution. This resource plays a significant role in reducing the positive impact of these on the concentration of pollutants under study.

Conclusion: The results show that there was a significant decrease in concentration of airborne particle maters with increased distance from the highway. Also, the highest concentration of carbon dioxide and airborne particles matters were observed in the ground-floor classrooms of Tehran primary schools.

Key words: *Air pollution, children, green space, skyscrapers, primary schools.*

Prevalence and risk factors of needlestick injuries among healthcare workers

Atiye Dadanjani [1], **Amirhossein Khakbaz**[2]

1.Student Research Committee, Ahvaz Jundishapour University of Medical Science, Ahvaz, Iran.
2.Nursing Bachelor, Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences, Ahvaz, Iran.

Abstract

Background: Needlestick injuries (NSI) are injuries caused by a needle head or a piece of broken ampule or other sharp object contaminated with blood or body secretions. Occupational contact with blood and body fluids, followed by blood-borne infections, poses a significant risk to healthcare personnel. The aim of this study was to determine the Prevalence and risk factors of needlestick injuries among healthcare workers.

Materials and Methods: This review study is conducted in 2023 by analyzing the available articles in databases such as PubMed, Magiran, Scopus, Science direct, Web of Science, Medline. Articles were searched in the databases from 2016 to 2023. First, 32 articles related to the title were collected, and then 15 articles that include criteria, were selected for the final compilation. Searching the words such as Needle sticks and sharps injuries, Health workers, risk factors and prevalence among foreign articles facilitated this study. As well as all short articles, articles which their full version were not available, were excluded from the process of the conducted researches.

Result: Studies have identified that at least 20 pathogenic pathogens can be transmitted following these injuries. Worldwide, about 25% of Hepatitis B virus (HBV) and Hepatitis C virus (HCV) infections and about 2.5% of HIV infections occur among healthcare workers due to NSI. Some important factors such as excessive and unnecessary injections, poor personnel training, female gender, high workloads, and excessive fatigue especially at nighttime as the most important causes of NSI. Moreover, a systematic review found age, level of education, number of shifts per month, and history of training courses for individuals as factors influencing NSI. Several psychological problems in healthcare personnel are attributable to NSI that impose heavy costs on medical systems. Many of NSIs are a source of infections are not reported due to fear of staff as well as lack of proper awareness.

Conclusions: the prevention of NSIs has achieved through the increase knowledge regarding transmission of bloodborne infections, education about standard precautions and protection strategies against bloodborne pathogens such as wearing gloves, using eye protection, using sharps containers to dispose of needles and not recapping needles.

Key Words: *Needle sticks and sharps injuries, Health workers.*

Design and implementation of optimal lighting system and its effect on workers' visual comfort in a foundry industry

Masoud Shafiee Motlagh[1], Maryam Karimi[2], Ehsan Ramezanifar[3]

1-Assistant Professor, Center of Excellence for Occupational Health, Occupational Health and Safety Research Center, School of Public Health, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran
2-Master's student, Student Research Committee, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran
3-Master's degree, Student Research Committee, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran.

Abstract

Background and aims: Lighting is an important environmental factor in the workplace. Besides positive effects on health, well-being, and even sleep quality, optimal lighting increases work speed and reduces errors and accidents, which leads to improved productivity. The study in the control room of a power plant showed that increasing the light intensity from 200 lux to 400 lux can create suitable functional and mental conditions for control room operators and increase the illuminance, decreased drowsiness, and mental workload of people working in this environment.

The use of optimal lighting is an important element in the foundry industry, especially sensitive tasks such as molding, machining, and assembly as it aids in creating a satisfying visual environment. In such an industry, optimal lighting is required for die-cast molding for proper inspection of the pieces and products. Next, to die-cast molding, products should be inspected and cleaned for the polishing stage. Unfortunately, this defect (lack of local lighting) is usually present in most die-cast machines and their quality control tables. In addition, due to the nature of the work, air pollution in the work environment, and the presence of metal fumes in the air, the light from the ceiling lights does not reach the work surface, and the work surface does not have the optimal lighting. According to preliminary reviews, existing die-casting machines lack local lighting, which may harm product quality and operator health. Therefore, considering the importance of local lighting for the die-casting machines and the lack of optimal local lighting design, the present study was conducted to design local lighting for die-casting molding and quality control desks and its effect on workers' visual comfort.

Materials and methods: This interventional study was conducted in 2021. The lighting in the workstations of the diecast hall of a foundry industry was investigated. Illumination was measured by a Hagner-EC1 calibrated lux meter. In order to avoid the effect of daylight, the measurement was done at night. 15 employees of these workstations voluntarily participated

in this study. Subjective evaluation of lighting condition was done using the Visual Comfort Questionnaire (VCQ). For the parts that did not have the optimal lighting, several local lighting schemes were simulated using DIALux software and finally, the optimal schemes were implemented in the desired workstations. After 6 months of implementation of local lighting, satisfaction with lighting was re-evaluated by VCQ. The research results were analyzed using SPSS22 software.

Results: Local illumination was measured at night to prevent the effect of daylight on the worksite. The average measured illuminance was 66.97±35.68.

The results of the questionnaire showed that 46.7% of employees are dissatisfied with the current lighting situation. 53.3% of employees were satisfied with the current lighting situation. After evaluating the local lighting and the completed questionnaires, the sections with lighting problems were identified.

From the primary findings in the present work were that measured illumination levels were explicitly lower than the proposed standards in all workstations. The employees' assessments largely reflected the actual working conditions.

After the illuminance assessment, we attempted to provide and make the workstations' lighting state better. Therefore, simulation and designs were performed on DIALux software to modify local lighting workstations. Then the best scenario was selected and implemented. This software simulates lighting capability and delivers results well before execution. Fig 1 shows the local lighting images after implementation.

The installation of local lights significantly increased the illuminance on the work surface. Not providing the desired lighting in some workstations is due to not respecting the design height of the lamp during execution. After the implementation of the plan, the average illuminance was 379.73±241.78.

The results of completing the questionnaire after the implementation of local lighting show that employee satisfaction has increased significantly ($P<0.001$). The implementation of the plan resulted in 93.3% satisfaction of the employees with the lighting situation.

Figure 1: Local lighting implemented

Conclusion: In the first part of the study, the objective and subjective evaluation showed that the lighting condition in the concerned sections is unfavorable.

In the second part, the optimal design of the local lighting system was carried out using DIALux software. The results showed that the existence of local lighting could partially solve the lighting needs of the industry.

This study shows the importance of local lighting in the industry and its impact on employee satisfaction. According to the literature, employee satisfaction has reached more than 90% after six months of use.

Keywords: *Local lighting, Visual comfort, DIALux software*

پنل بهداشت عمومی

دوره سالمندی و ارتباط آن با تغذیه و خواب کافی؛ یک مطالعه مروری

*ابوبکر جعفرنژاد[۱]، وفا فیضی[۲]، سلمان دانشی[۳]

۱- دانشجوی دکتری تخصصی اپیدمیولوژی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران.

۲- دانشجوی دکتری بهداشت حرفه ای، دانشکده بهدشات و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

۳- استادیار استادیار اپیدمیولوژی گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی جیرفت، جیرفت، ایران

*نویسنده مسئول: ابوبکر جعفرنژاد; دانشجوی دکتری تخصصی اپیدمیولوژی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: با افزایش افراد سالمند در جامعه، اهمیت دوره سالمندی بیشتر شده است. تغذیه صحیح و خواب کافی دو عامل مهم در حفظ سالمندی سالم هستند. در این مرور، ما به بررسی مطالعات در زمینه دوره سالمندی با تأکید بر تغذیه و خواب کافی پرداختیم.

روش کار: در این مطالعه مروری، با استفاده از کلمات کلیدی مناسب، جستجو در پایگاه‌ها و دیتابیس های علمی فارسی و لاتین شامل گوگل اسکولار، Magiran، SID، Iranmedex، و PubMed, Irandoc انجام شد. مطالعات منتشر شده در پایگاه های فارسی و لاتین با کلیدواژه های : " سالمندی "، " تغذیه "، " خواب " و معادل لاتین آن ها طبق اصول Mesh terms در بازه‌ی زمانی بین سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳ انتخاب شدند. پس از بررسی عناوین و چکیده‌ها و ارزیابی های مربوطه، از بین ۴۷ پژوهش انجام شده، ۱۰ مطالعه برای بررسی انتخاب شدند

نتایج: در این مرور، نشان داده شد که تغذیه صحیح و خواب کافی دو عامل مهم در حفظ سالمندی سالم هستند. مصرف مواد غذایی سالم و تنوع در مصرف مواد غذایی، بهبود عملکرد شناختی، پیشگیری از بیماری‌های مزمن مانند دیابت و بیماری‌های قلبی-عروقی، و کاهش خطر افتادن و شکستگی استخوان‌ها در سالمندان را به دنبال دارد. همچنین، خواب کافی باعث بهبود کیفیت زندگی، کاهش خطر بروز بیماری‌های مزمن، و افزایش عملکرد شناختی و حافظه می‌شود.

نتیجه گیری: ارتقای کیفیت دوره سالمندی از طریق افزایش آگاهی درباره خواب کافی و تغذیه خوب، از اهمیت بسیاری برخوردار است که می توان از طریق نهادهای ذی صلاح و ذی ربط با همکاری صدا و سیما به این مهم دست یافت. خواب کافی و تغذیه سالم، در کاهش خطر ابتلا به بیماری‌های مزمن مانند دیابت، بیماری‌های قلبی و عروقی، و افزایش انرژی و حافظه در سالمندان موثر هستند. بنابراین، آگاهی درباره خواب کافی و تغذیه سالم در سالمندان، می‌تواند بهبودی در سلامتی عمومی، کاهش خطر ابتلا به بیماری‌های مزمن، و بهبود کیفیت زندگی در افراد سالمند منجر شود.

واژگان کلیدی: *سالمندی سالم، تغذیه، خواب، عملکرد شناخت، بیماری‌های مزمن، کیفیت زندگی، استخوان*

بررسی و تحلیل شاخص های سبک زندگی در حوزه وضعیت تغذیه و فعالیت جسمانی میانسالان شهرستان اسفراین در سال ۱۴۰۰

احمد صادقی[۱۴]، سمیه نیکو[۱۵]، راضیه پیروزه[۱] ، فاطمه پروانه[۲]

چکیده

زمینه و هدف: زمینه برای بسیاری از بیماری های غیر واگیر در دوره میانسالی فراهم می باشد و در صورت نداشتن تحرک و برنامه غذایی مناسب، احتمال بروز این بیماری ها در سالمندی نیز وجود دارد؛ بنابراین می توان با تغییر در سبک زندگی در دوران میانسالی بسیاری از بیماری های غیر واگیر را کنترل نمود. هدف از انجام این پژوهش تحلیل الگوی فعالیت جسمانی و شاخص های تغذیه ای میانسالان با استفاده از داده های سامانه سیب شهرستان اسفراین بود.

روش کار: این مطالعه به روش مقطعی بر روی ۴۸۳۰ میانسال (۳۰-۵۹ سال) مراجعه کننده به پایگاه های سلامت شهرستان اسفراین سال ۱۴۰۰ انجام شد. روش نمونه گیری بصورت سرشماری بود. جمع آوری داده ها از طریق سامانه سیب بر اساس پرسشنامه ارزیابی دوره ای سلامت میانسالی و سالمندی انجام گردید. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS و آمارهای توصیفی و تحلیلی از قبیل آزمون تی مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: نسبت قابل توجهی از افراد مورد مطالعه (۹۲٪) دارای اضافه وزن و چاق بودند. نسبت چاقی در زنان بیشتر از مردان (۴۱٪در مقابل ۳۲٪) بود. میزان فعالیت بدنی با افزایش سن کاهش یافت. بخش قابل توجهی از افراد حاضر در مطالعه زنانی با فعالیت بدنی نامطلوب بودند. الگوی تغذیه با افزایش سن به سمت مناسب تری سوق پیدا کرده است. به طور کلی زنان نسبت به مردان الگوی تغذیه ناسالم تری داشتند. نسبت چاقی در زنان بیشتر از مردان بود ($P<0.05$). به طور متوسط مصرف لبنیات و میوه و فست فود و نمک الگوی تغذیه ای ناسالم تری در مردان بوده است.

نتیجه گیری: وضعیت اضافه وزن و چاقی افراد در وضعیت هشداردهنده ای قرار داشت. برنامه های کاربردی در راستای کاهش اضافه وزن و چاقی به خصوص در زنان، باید در دستور کار مسئولین حوزه سلامت قرار گیرد.

کلمات کلیدی: *میانسال، سبک زندگی، تغذیه، فعالیت جسمانی، سامانه سیب*

بررسی میزان تمایل و عدم تمایل به فرزندآوری در زنان و مردان شهرستان اسفراین

راضیه پیروزه[1]، احمد صادقی[1]، گلشاد کمالی[1]، فرانک ترک آبادی[1]، سعیده سادات بابایی[2]، فهیمه عنبری[1]

۱-کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین. ایران

۲-دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین. ایران

چکیده

زمینه وهدف: در سال های اخیر نرخ رشد جمعیت درکشور کاهش یافته و کاهش گرایش به فرزندآوری به فهرست مسایل اجتماعی کشور پیوسته است، مطالعه حاضر با هدف کلی شناخت دیدگاه زنان و مردان مراجعه کننده به پایگاه بهداشت شهر اسفراین درخصوص فرزند آوری و عوامل مرتبط با آن انجام شد.

مواد و روش: این مطالعه از نوع توصیفی-تحلیلی که به صورت مقطعی در سال۱۴۰۱ در شهر اسفراین انجام گرفت.جمعیت مورد مطالعه کلیه متاهلین [زنان متاهل در سنین باروری (۴۹-۱۵)و مردان متاهلی که همسرانشان در سنین باروری (۴۹-۱۵)هستند] ساکن شهر اسفراین هستند.حجم نمونه آن ۳۴۶ نفر بوده و نمونه گیری به روش چند مرحله ای از سطح شهر انجام گرفت. روش نمونه گیری چند مرحله ای نمونه گیری انجام شد. شهر اسفراین ۲ مرکز بهداشتی درمانی دارد که به عنوان طبقه در نظر گرفته می شود و از هر مرکز ۲ پایگاه بهداشتی به عنوان خوشه در نظر گرفته می شود و از درون هر خوشه ۲ بلوک به صورت تصادفی ساده انتخاب شد و با مراجعه به درب منزل در هر بلوک نمونه گیری آغاز شد.با استفاده از نرم افزار SPSS و تحلیل توصیف داده ها میزان تمایل به فرزند اوری مورد مطالعه قرار گرفت.

نتایج: در این مطالعه مجموعا ۳۰۰ نفر شهروند متاهل شرکت کردند.(۱۹۹زن و۱۰۱ مرد).میانگین و انحراف معیار سن مخاطبان ۶/۴۲ ± ۲۹سال،میانگین و انحراف معیار سن همسر مخاطبان ۶/۴۸±۳۱، میانگین و انحراف معیار سن هنگام ازدواج آن ها ۶/۰۴ ± ۲۲گزارش شد. ۴۲ نفر (۴۰٪)شرکت کننده یک فرزند، ۱۵۸ نفر(۷/۴۲٪)از شرکت کنندگان تعداد ۲فرزند، ۶۷ نفر(۲۲/۳٪) ازشرکت کنندگان ۳ فرزند و ۳۳نفر از شرکت کنندگان (۱۱٪)از شرکت کنندگان تعداد بالای ۴ فرزند را دلخواه خود می دانستند. توزیع فراوانی مراجعه کنندگان برحسب تمایل یا عدم تمایل به فرزند آوری و عوامل موثر در آن نشان د اد که در مجموع ۱۳۹نفر(۴۶/۳٪) ازشرکت کنندگان تمایل به فرزند آوری و ۱۶۱ نفر(۵۳/۷٪) از آن ها عدم تمایل به فرزند آوری داشتند

نتیجه گیری: مطالعه نشان داد مشکلات مسکن، مشکلات مالی و اقتصادی ، نبود درامد کافی نگرانی از آینده فرزندان و برنامه های کاری و تحصیلی فرد از دلایل عدم تمایل به فرزندآوری است. یافته ها نشان داد دلایل مذهبی و سیاست های تشوقی تاثیری در فرزنداوری افراد مورد مطالعه ندارد

واژگان کلیدی: *تمایل، عدم تمایل، فرزنداوری*

بررسی تاثیر بازی های رایانه ای/گوشی (تلفن همراه) بر سلامت روانی دانش آموزان مقطع متوسطه شهر اسفراین در سال۱۴۰۲

سارا عابدی کوشکی[۱] ، احمدرضا شمس آبادی[۲] ، سعیده سادات بابایی[۳]

۱-دانش اموخته دکتری تخصصی مدیریت آموزشی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین ، ایران

۲-استادیار فناوری اطلاعات سلامت، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین ، ایران

۳-دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین ، ایران

چکیده

مقدمه وهدف: باتوجه به گسترش روز افزون تکنولوژی من جمله شبکه های اجتماعی، گوشی های تلفن همراه و غیره میزان استفاده گروه های مختلف مردم از این ابزارها سیر صعودی داشته است و امروزه بازی های رایانه ای به عنوان بخشی از تکنولوژی های دیجیتال در کنار سایر رسانه های صوتی- تصویری با جاذبه ای شگفت آور مخاطبان خود را از میان نوجوانان انتخاب می کنند و بخش قابل توجهی از اوقات فراغت این قشر را به خود اختصاص داده اند. در سال ۱۳۹۶ گزارش مرکز تحقیقات بازی های دیجیتال در ایران نشان می دهد ۷۵ تا ۹۰ درصد نوجوانان در سنین مدرسه از بازی رایانه ای و تلفن همراه استفاده می کنند. حال با توجه به اینکه آموزش، محتوایی آمیخته با تکنولوژی دارد و بسیاری از مطالب درسی و کمک آموزشی دانش آموزان در بستر تلفن همراه و رایانه می باشد استفاده گسترده تری نسبت به سایر گروه ها از فناوری های دیجیتال دارند.
همچنین بازی های رایانه ای مانند دو روی یک سکه هستند که هم اثرات مثبت وهم اثرات منفی دارند. بازی های رایانه ای می تواند منجر به تکامل شخصیت، پرورش استعداد، توانایی حل مسئله و غیره شود. با وجود اثرات مثبت، استفاده بلندمدت از آن می تواند پیامدهایی متعدد روانی من جمله رفتارهای پرخاشگرانه، اضطراب، استرس، افسردگی و گوشه گیری و غیره داشته باشد و از آنجایی که دانش آموزان در سن حساس تغییرات جسمانی، روانی و اخلاقی قرار دارند غفلت از عوارض مخرب این بازی ها می تواند ابعاد مختلف سلامتی فرد به خصوص سلامت روان وی را تحت الشعاع قرار دهد. از سوی دیگر جذابیت زیاد بازی های رایانه ای و کمبود امکانات گذران اوقات فراغت برای نوجوانان منجر به استفاده گسترده این قشر از بازی های رایانه ای و تلفن همراه شده است. از این رو هدف پژوهش حاضر بررسی تاثیر بازی های رایانه ای/گوشی (تلفن همراه) بر سلامت روانی دانش آموزان مقطع متوسطه شهر اسفراین در سال ۱۴۰۲بود.

روش کار : این مطالعه، مطالعه ای توصیفی – تحلیلی می باشد که ۲۹۶ نفر از دانش آموزان مقطع متوسطه شهر اسفراین با استفاده ازفرمول کوکران به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. در این مطالعه نمونه گیری به روش چند مرحله ای انجام شد. ابزار گرداوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه سه بخشی بود که بخش اول شامل اطلاعات دموگرافیک، بخش دوم شامل پرسشنامه میزان استفاده از بازی های رایانه ای و بخش سوم شامل پرسشنامه سلامت عمومی GHQ است که روایی و پایایی آن مورد بررسی قرار گرفت که ضریب اعتبار دوباره سنجی ۰.۷۲ و ضریب الفای کرونباخ ۰.۹ محاسبه شد. پس از جمع آوری داده ها

اطلاعات وارد نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ شد و با استفاده از آزمون آماری همبستگی پیرسون و آزمون های توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها : نتایج نشان داد استفاده از بازی های رایانه در دانش آموزان پسر بیشتر از دختران می باشد(۰.۵۸+ـ ۳.۲). نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد بین سلامت روانی و استفاده از بازی های رایانه ای همبستگی معنادار و معکوس وجود دارد(p=0.00 و r=۰.۵۴۱) همچنین مشخص شد بین سلامت روانی و میزان استفاده از بازی های رایانه ای همبستگی معکوس وجود دارد(p=0.00 و r=۰.۷۵۶). نتایج حاکی از آن بود که بین سن و سلامت روانی دانش آموزان همبستگی معنادار و معکوس وجود دارد(p=۰.۰۳۱ و r=۰.۱۲۴)

بحث و نتیجه گیری : با توجه به نتایج پژوهش حاضر می توان گفت میزان استفاده از بازی های رایانه ای بر سلامت روانی دانش آموزان تاثیر گذار است و هرچه میزان استفاده از بازی ها بیشتر باشد عوارض روانی حاصل از آن مخرب تراست لذا لازم است آگاهی دانش آموزان و والدین ایشان نسبت به مدیریت زمان استفاده از بازی های رایانه ای و عوارض مخرب استفاده طولانی مدت از آن افزایش یابد بنابراین به مسئولان مربوطه پیشنهاد می شود دوره های آموزشی مدیریت استفاده مناسب از تلفن همراه به ویژه بازی های رایانه ای را برای دانش آموزان، والدین و متصدیان امر آموزش برگزار کنند.

واژگان کلیدی: *سلامت روانی، بازی های رایانه ای، دانش آموزان*

بررسی میزان ابتلا به کرونا درجمعیت تحت پوشش مرکز خدمات جامع سلامت۲ فرخشهر در دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد در سال ۱۴۰۰

فاطمه هاشمی دزکی[۱] ،فاطمه مرادی[۱]،الهه توسلی [۲]

۱-کمیته تحقیقات دانشجویی.دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد.شهرکرد.ایران

۲-مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت.دانشگاه علوم پزشکی.شهرکرد.شهرکرد.ایران

چکیده

زمینه و هدف : با شروع موارد COVID-۱۹ در کشور چین و گسترش آن به تمام قاره‌های جهان، سازمان جهانی بهداشت پس از ماه ها اعلام پاندمی نمود. شیوع این بیماری در ایران نیز موجب ابتلای تعدادی از هموطنان به این بیماری شده و مراجعات به مراکز خدمات جامع و موارد بستری در بیمارستان‌ها در استان‌های درگیر به شدت افزایش داده است. بیماری کرونا به عنوان یک بیماری همه‌گیر، اثرات طولانی مدت اجتماعی، اقتصادی و روانشناختی را به دنبال خواهد داشت. هدف از این مقاله بررسی میزان ابتلا به کرونا درجمعیت تحت پوشش مرکز خدمات جامع سلامت۲ فرخشهر در دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد در سال ۱۴۰۰ می‌باشد.

مواد و روش ها : این مطالعه بصورت توصیفی- مقطعی می‌باشد. اطلاعات از جمعیت دارای پرونده الکترونیک سلامت و تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد که غربالگری از نظر علائم کرونا در سال ۱۴۰۰برای آنها انجام و در سامانه الکترونیک سیب ثبت شده بود از مسیر میزکار – پیگیری روند درمان کرونا توسط کادر بهداشتی استخراج و در نرم افزار SPSS نسخه ۲۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

نتایج : بر اساس نتایج به دست آمده از این مطالعه، جمعیت تحت پوشش مرکز خدمات جامع سلامت ۲ فرخشهر در سال ۱۴۰۰، ۹۲۶۵ نفر بود (۴۶۴۳ نفر زن و ۴۶۲۲ نفر مرد) که تعداد مبتلایان به کووید -۱۹ تا دی ماه سال ۱۴۰۰، ۱۵۹۵ نفر بود، از این تعداد (۱۵/۹۱٪)۷۳۹ نفر مرد و ۸۵۶ نفر زن (۱۸/۲۵٪) می‌باشد. موارد مبتلا به این بیماری در گروه سنی کمتر از ۱۰ سال۱۱۴ نفر (۸/۷۴ ٪)، گروه سنی ۱۰ - ۲۰ سال ۲۷۴ نفر (۲۰/۰۸٪)، گروه سنی ۲۰ - ۳۰ سال ۲۳۰ نفر (۱۸/۱۷٪) ، گروه سنی ۳۰- ۴۰ سال ۳۰۸ نفر (۱۸/۴۴ ٪) ، گروه سنی ۴۰ - ۵۰ سال ۲۸۴ نفر (۱۹/۲۷ ٪)، گروه سنی ۵۰ - ۶۰ سال ۱۷۱ نفر (۱۶/۷۵ ٪)، گروه سنی ۶۰ - ۷۰ سال ۱۱۸ نفر (۱۶/۹۰٪)، گروه سنی ۷۰ - ۸۰ سال ۶۴ نفر (۱۸/۶۵ ٪) و گروه سنی ۸۰ سال و بالاتر ۳۲ نفر (۱۶/۷۵٪) بودند.

نتیجه گیری : بر اساس نتایج بدست آمده از این مطالعه، میزان ابتلاء به بیماری کووید-۱۹ در زنان نسبت به مردان بیشتر بود($p<0.05$). از دلایل آن می‌توان به تفاوت‌های فیزیولوژیک بدن و نقش اصلی زنان در مدیریت منزل و مراقبت از سایر اعضای خانواده اشاره کرد. براساس گروه سنی، بیشترین درصد ابتلاء به بیماری کووید-۱۹در گروه سنی ۱۰-۲۰ سال (گروه نوجوانان)

است که از علل آن می‌توان عدم توجه به موازین بهداشتی در این گروه و همچنین باز شدن مدارس و حضور در کلاس‌های درس در آن زمان اشاره کرد. گروه بعدی که بیشترین میزان ابتلاء را به خود اختصاص داد گروه سنی ۴۰-۵۰ سال است. این گروه سنی قشر فعال جامعه را تشکیل می‌دهند و حضوری اجتماعی بیشتری در جامعه و محل کار دارند. گروه سنی کمتر از ۱۰ سال نیز کمترین میزان ابتلاء ($p < ۰.۰۰۳$) را داشتند. اعضای این گروه اغلب کودکان هستند که حضوری اجتماعی محدودتری در جامعه دارند و به دلیل نظارت مادران، رعایت موازین بهداشتی در این گروه مطلوب است. نتایج این مطالعه می‌تواند در راستای کمک به مجریان و مسئولان بهداشتی، جهت طراحی مداخلات آموزشی با استفاده از الگوهای موثر آموزش بهداشت به منظور ارتقاء سلامت و کاهش میزان ابتلاء به کرونا در جامعه و همچنین جلوگیری از پیامدهای منفی این بیماری از جمله مرگ و میر موثر واقع گردد.

واژگان کلیدی: *ابتلاء ، کرونا ، مرکز بهداشت*

بررسی تاثیر تناسب شغلی و استرس شغلی بر عملکرد سازمانی در پرسنل مراکز بهداشتی درمانی یاسوج

زهره کریمیان کاکلکی[1] ، فرناز شجاعی[2]

۱-نویسنده مسئول: استادیار، دکترای آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه مدیریت خدمات بهداشتی درمانی ، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد

۲-دانشجوی ارشد مدیریت و خدمات بهداشتی درمانی، گروه مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد

مقدمه: مدیران و کارکنان سازمان تحت تاثیر استرس و فشارهای عصبی دچار حالات روانی خاصی می‌شوند و دست به اعمالی می زنند که مستقیما در فعالیت ها و بازدهی سازمان منعکس می‌گردد و اینکه برای هر فرد در سازمان، شغل مناسب با ویژگی‌های شخصیتی آن فرد در نظر گرفته شود تناسب شغلی را نشان می دهد. مطالعه حاضر با هدف بررسی تاثیر تناسب شغلی و استرس شغلی بر عملکرد سازمانی در پرسنل مراکز بهداشتی درمانی یاسوج صورت گرفت.

روش بررسی: مطالعه حاضر از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش کلیه مدیران، کارشناسان و کارکنان در مراکز بهداشتی و درمانی شهر یاسوج و نمونه آماری مشتمل بر ۱۹۶نفر بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده وارد مطالعه شدند و به روش خودگزارشی پرسشنامه ها تکمیل شد. ابزار مورد استفاده پرسشنامه تناسب شغل احمدی (۱۳۹۴)، پرسشنامه استرس شغلی HSE مردآبادی (۱۳۸۹) و پرسشنامه عملکرد سازمانی هرسی و گلداسمیت (۲۰۰۲) بود. برای تحلیل داده‌ها از SPSS20 و آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد.

یافته‌ها: بین تناسب شغلی و عملکرد سازمانی رابطه معنادار وجود داشت(r=۰/۶۳۳ و P= ۰/۰۰۱). بین استرس شغلی و عملکرد سازمانی رابطه معنادار وجود داشت (r=۰/۶۱۲ و P= ۰/۰۰۱). بین تناسب شغلی و استرس شغلی(r=۰/۸۸۰ و P= ۰/۰۰۱) نیز رابطه معنی داری وجود داشت. همچنین تناسب شغلی و استرس شغلی قادر به پیش‌بینی عملکرد سازمانی بودند (p< ۰/۰۵). ضریب B برای متغیرهای استرس شغلی و تناسب شغلی به ترتیب به میزان (۰/۷۰۱، ۱/۹۵۶-) واحد نمره بر عملکرد سازمانی کارکنان تأثیرگذار می‌باشد.

نتیجه‌گیری: با توجه به رابطه مثبت بین تناسب شغلی و استرس شغلی با عملکرد سازمانی می‌توان نتیجه گرفت که با به‌کارگیری افراد در شغل‌های که با شخصیت آنان تناسب دارد، علاوه بر کاهش استرس شغلی آنها، می‌توان عملکرد سازمانی را ارتقا و به دنبال آن رضایت شغلی را بهبود بخشید.

واژگان کلیدی: تناسب شغلی، استرس شغلی، عملکرد سازمانی، پرسنل مراکز بهداشتی

کیفیت مراقبت‌های حین زایمان براساس مدل ارزیابی کیفیت جامع در بیمارستان تخصصی زنان‌ام البنین (س) مشهد

لیلا نجفی[1] ، جواد موذنی[2] زینب خالدیان[3] ،هنگامه بیدختی [4] ، لیلا تک فلاح [4]

1.استادیار،گروه مدیریت، دانشکده علوم پزشکی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

2 .دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت خدمات بهداشتی درمانی؛ گروه مدیریت، دانشکده علوم پزشکی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

3 .دانشجوی دکتری مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، گروه مدیریت، سیاستگزاری و اقتصاد سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران. مربی،گروه مدیریت، دانشکده علوم پزشکی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

4.مربی،گروه مامایی، دانشکده علوم پزشکی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

Examining the relationship between the job demand-control-support

چکیده

زمینه و هدف : تولد نوزاد به عنوان پدیده‌ای فیزیولوژیک دارای پیامدهای چند بعدی بوده و از دیدگاه پزشکی، روانشناختی، اجتماعی و اقتصادی بار قابل‌توجهی را مشمول خانواده و جامعه می‌نماید. از آنجایی‌که مراقبتهای حین زایمان بر سلامت آتی مادر و نوزاد از تولد تا مرگ تاثیرگذار است، نظارت بر کیفیت مراقبت در کنار توجه به کمیت و محتوی آن حائز اهمیت است.این مطالعه با هدف ارزیابی کیفیت مراقبت‌های حین زایمان از طریق مدل جامع اندازه‌گیری کیفیت انجام شد.

مواد و روش ها : پژوهش حاضر کمّی و از نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد که با شرکت ۳۲۴ نفر از زنان دریافت‌کننده خدمت زایمان (طبیعی و سزارین) مراجعه کننده به بیمارستان ام‌البنین (س) مشهد در سال ۱۳۹۹ انجام شد. نمونه گیری به روش تصادفی و در کلیه شیفت ها انجام شد. برای سنجش کیفیت مراقبت از پرسشنامه مطابقت داده شده "ارزیابی کیفیت جامع مراقبت‌های سلامت" استفاده شد که در سه بعد کیفیت خدمت، کیفیت فنی و کیفیت مشتری مراقبتها را مورد ارزیابی قرار می دهد و روایی محتوی و پایایی آن (آلفای کرونباخ ۰/۷۵) بررسی و تایید گردید. پرسشنامه ها با همکاری دو نفر پرسشگر از پرسنل شاغل در بخش زایمان و مسلط به محتوی پرسشنامه به روش مصاحبه حضوری تکمیل گردید. داده ها درنرم افزار SPSS 21 آنالیز شد.

نتایج : براساس یافته‌ها، ۷۹٪ از مادران ساکن مشهد، ۹۰٪ مادران غیرشاغل، ۴۳٪ آنان تحت پوشش بیمه سلامت و ۳۳٪ بیمه تامین اجتماعی، ۸۶٪ دارای مدرک دیپلم و پایین تر، ۹۸٪ آنان غیرسیگاری و ۷۴٪ آنان دارای اضافه وزن و یا چاقی مفرط بودند. همچنین میانگین و انحراف معیار سن مادران به ترتیب (۵/۹۸±۲۹)، قد مادران (۶/۳۱±۱۶۱)، وزن مادر هنگام زایمان(۱۲ ± ۷۳/۶۳)کیلوگرم و وزن نوزاد هنگام تولد (۰/۵۶±۳/۲۱) بود. نمره کیفیت خدمت (۱۹/۴۷±۷۹/۵) و کیفیت مشتری

(۱۲±۷۳/۱۳) در سطح نسبتاً مطلوب و نمره کیفیت فنی (۱۱/۴۱±۹۰/۳۵) در سطح بسیار مطلوبی قرار داشت. درمورد کیفیت فنی، مؤلفه‌های اصلی زایمان (طبیعی و سزارین) طبق استانداردهای بین المللی از استاندارد قابل قبولی برخوردار بود. همچنین درمورد کیفیت خدمت، پیشگیری، ارتباط و تعامل و استمرار خدمات پایین‌ترین امتیاز را داشتند.

نتیجه گیری : کیفیت مراقبتهای حین زایمان به صورت کلی از وضعیت مناسبی برخوردار بود. با توجه به اینکه در مطالعه حاضر نمره کیفیت مشتری نسبت به سایر ابعاد کیفیت نمره پایین تری کسب کرده است؛ لذا طراحی و اجرای مداخلاتی جهت افزایش دانش و آگاهی بیماران، زمینه را برای اطلاع آنها از استانداردهای مراقبتی مهیا نموده و منجر به تصحیح انتظارات و ادراکات آنها، مشارکت و همکاری در مراقبت و همچنین افزایش مطالبه خدمات مطابق استاندارد از طرف بیماران می شود. وضعیت بسیار مطلوب در بُعد کیفیت فنی، حاکی از اجرای دقیق پروتکل های انجام خدمات زایمان است.

واژگان کلیدی : *کیفیت، مراقبت حین زایمان، مدل ارزیابی کیفیت جامع*

بررسی بهره وری ازدست رفته ناشی از بیماری‌های مزمن کارکنان در دوران پاندمی کووید ۱۹: مطالعه موردی بیمارستان امام رضا(س) مشهد

لیلا نجفی[۱]، مرضیه خوالی[۲]، زینب خالدیان[۳]، مریم حیدری[۴]، هنگامه بیدختی[۴]، لیلا تک فلاح[۴]

۱-استادیار،گروه مدیریت، دانشکده علوم پزشکی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

۲-دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت خدمات بهداشتی درمانی؛ گروه مدیریت، دانشکده علوم پزشکی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

۳-دانشجوی دکتری مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، گروه مدیریت، سیاستگزاری و اقتصاد سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران. مربی،گروه مدیریت، دانشکده علوم پزشکی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

۴-مربی،گروه مامایی، دانشکده علوم پزشکی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف : سرمایه انسانی در بخش سلامت مشلبه سایر صنایع از اساسی ترین منابع استراتژیک بوده، عامل اصلی در ارائه ، تضمین وتداوم خدمت می باشند.استفاده بهینه و افزایش بهرهوری نیروی انسانی از مهمترین اهداف هر سازمانی است اگرچه کاهش بهروری آنان در اثر ابتلا به بیماریهای مزمن، در قرن اخیر ، یکی از بزرگ ترین چالش های سیستم های سلامت سراسر جهان می باشد و توجه به مانبتورینگ و مدیریت این مقوله صروری است. این پژوهش با هدف بررسی بهره‌وری از دست رفته ناشی از بیماری‌های مزمن در کارکنان بیمارستان امام رضا (ع) در دوران پاندمی کووید ۱۹ انجام شد.

مواد و روش ها : این پژوهش، مطالعه‌ای کمی و از نوع توصیفی-تحلیلی و مقطعی بود که که با شرکت ۱۱۰ نفر از کارکنان مبتلا به بیماری مزمن بیمارستان امام رضا (ع) به روش تمام شماری در سال ۱۴۰۰ انجام شد. ابزار گرداوری داده‌ها در این مطالعه، پرسشنامه استاندارد بین المللی (پرسشنامه سلامت و کار) بود. داده‌ها از طریق تماس تلفنی و در صورت لزوم مصاحبه حضوری گردآوری شد. برای سنجش پایایی و ثبات درونی پرسشنامه از شاخص همبستگی درون خوشه ای(ICC) استفاده شدکه مقدار آن در روز کاری از دست رفته ۰/۹۵ و در بهره وری ازدست رفته ۰/۹۷ بود. تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون‌های t مستقل و ANOVA و با نرم افزار SPSS و در سطح معنی داری ۰/۰۵ صورت گرفت.

نتایج : ۶۲ ٪ از افراد مورد مطالعه مرد و ۴۸ ٪ زن بودند. میانگین سنی آنان ۱۶/۱۲±۴۹/۱۵ سال بود. اکثریت پرستار(۵۴٪) و متاهل(۷۵٪) بودند. دیابت ۳۴٪، بیماری‌های گوارشی ۲۴٪، و بیماری‌های مفصلی و استخوانی ۱۵٪ به ترتیب بیشترین فراوانی را در میان جامعه پژوهش داشتند. میانگین بهره‌وری از دست رفته بیماران، به ترتیب ۱۶۲۵۳۱,۶۷ تومان است. همچنین میانگین روزهای کاری ازدست رفته، یعنی روزهایی که فرد علیرغم بیماری و ناخوشی در محل کار حاضر می‌شود.

۲/۳۹±۰/۸۱ روز در ماه بود. متوسط غیبت از کار بطور میانگین ۲ روز در ماه بوده است. همچنین میانگین نمره عملکرد افراد در روزهایی که علیرغم ناخوشی و بیماری به محل کار خود مراجعه نموده‌اند، ۰/۷ بود. بیشترین میزان بهره وری از دست رفته مربوط به گروه شغلی پزشک و کمترین مربوط به گروه خدمات می‌باشد. بیشترین و کمترین بهره وری ازدست رفته به ترتیب مربوط به بیماران گوارشی و بیماران قلبی عروقی بود.

نتیجه گیری : براساس نتایج مطالعه حاضر بهره وری ازدست رفته در مردان و نیز در گروه های شغلی که به طور مستقیم با بیماران در ارتباط بودند بیشتر از سایرین بود، لذا در شرایط بحرانی نظیر پاندمی اخیر ، اتخاذ استراتژی مناسب مدیریت نیروی انسانی شامل تصمیم گیری مبتنی بر شواهد و اطلاعات دفتر طب کار بیمارستان در زمان برنامه ریزی و توزیع نیروی انسانی در کتار اقدامات متداول آموزش و توانمندسازی نیروی انسانی ضروری است.همچنین به منظور مدیریت بیماری‌های مزمن و جلوگیری از ازکارافتادگی نیروی انسانی، باید تطابق لازم بین ویژگی‌های شغل با سطح سلامت شاغل ایجاد گردد.

واژگان کلیدی : *بهره وری ازدست رفته، بیماری‌های مزمن، کارکنان سلامت*

بررسی موارد مرگ از سرطان در ایران (۹۶-۱۳۹۲)

صادق کارگریان مروستی[۱-۲]، مینا معتمدی راد[۳]، جمیله ابوالقاسمی[۴]، سید محسن انوری[۵]

۱-مسئول واحد مبارزه با بیماریها، مرکز بهداشت شهرستان فریدونشهر، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.

۲-کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، MPH عمومی، دانشکدهٔ بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

۳-کارشناسی ارشد آمار حیاتی، دانشکدهٔ بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

۴-دانشیار، گروه آمار زیستی، دانشکدهٔ بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

۵-کارشناسی آمار و مدارک پزشکی، کارشناس فناوری اطلاعات سلامت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: سرطان عامل اصلی مرگ و میر در کشورهای توسعه یافته و دومین عامل مرگ و میر در کشورهای در حال توسعه است. هدف از انجام این مطالعه بررسی میزان مرگ از کلیهٔ سرطان‌ها به تفکیک استان‌های کشور می‌باشد.

مواد و روش ها: در این مطالعهٔ توصیفی، اطلاعات مربوط به ۲۳۹.۲۱۱ مورد مرگ از کلیهٔ سرطان‌ها در فاصلهٔ زمانی ۵ ساله (از ابتدای سال ۱۳۹۲ تا پایان سال ۱۳۹۶ شمسی) به تفکیک استان‌های کشور بررسی گردید. آمار موارد مرگ از «سامانهٔ کشوری نظام ثبت و طبقه‌بندی علل مرگ» استخراج گردید. جهت رسم نقشهٔ بروز از نرم‌افزار GIS 10.3 استفاده شد (نقشهٔ پیوست).

نتایج: میزان مرگ از سرطان در ایران در فاصلهٔ زمانی ۵ ساله، ۲۹۹ در یکصد هزار جمعیت برآورد گردید. بالاترین نرخ بروز مرگ از کلیهٔ سرطان‌ها (در ۱۰۰.۰۰۰) به ترتیب در استان‌های آذربایجان شرقی (۴۵۹)، اردبیل (۴۱۷)، آذربایجان غربی (۳۹۴) و گیلان (۳۹۱) مشاهده شد. پایین‌ترین نرخ بروز به ترتیب مربوط به استان‌های هرمزگان (۱۲۶)، سیستان و بلوچستان (۱۴۱)، چهارمحال و بختیاری (۱۶۱) و کهکیلویه و بویراحمر (۱۸۵) بود. در تمامی استان‌ها مرگ از سرطان در مردان، بیشتر از زنان بوده، و بیشترین اختلاف جنسیتی در استان‌های چهارمحال و بختیاری (۶۳/۴ درصد مرگ در مردان)، کهکیلویه و بویراحمد (۶۲/۹ درصد مرگ در مردان) و کردستان (۶۲/۸ درصد مرگ در مردان) به چشم می‌خورد.

نتیجه گیری: از دلایل بالا بودن میزان سرطان در استان‌های شمال غرب ایران، می‌توان به اقلیم سردسیر منطقه، مصرف بیش از حد گوشت قرمز، مصرف اندک سبزیجات، استعمال دخانیات، شیوع بالای عفونت هلیکوباکتر پیلوری و مصرف زیاد نمک اشاره نمود. از دلایل پایین بودن موارد مرگ از سرطان در استان‌های جنوبی کشور، دقیق نبودن ورود اطلاعات در سامانهٔ ثبت علل مرگ می‌باشد.

واژگان کلیدی: *مرگ، سرطان، بروز، ایران*

نقشهٔ توزیع مرگ از سرطان در فاصلهٔ سالهای ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ در ایران

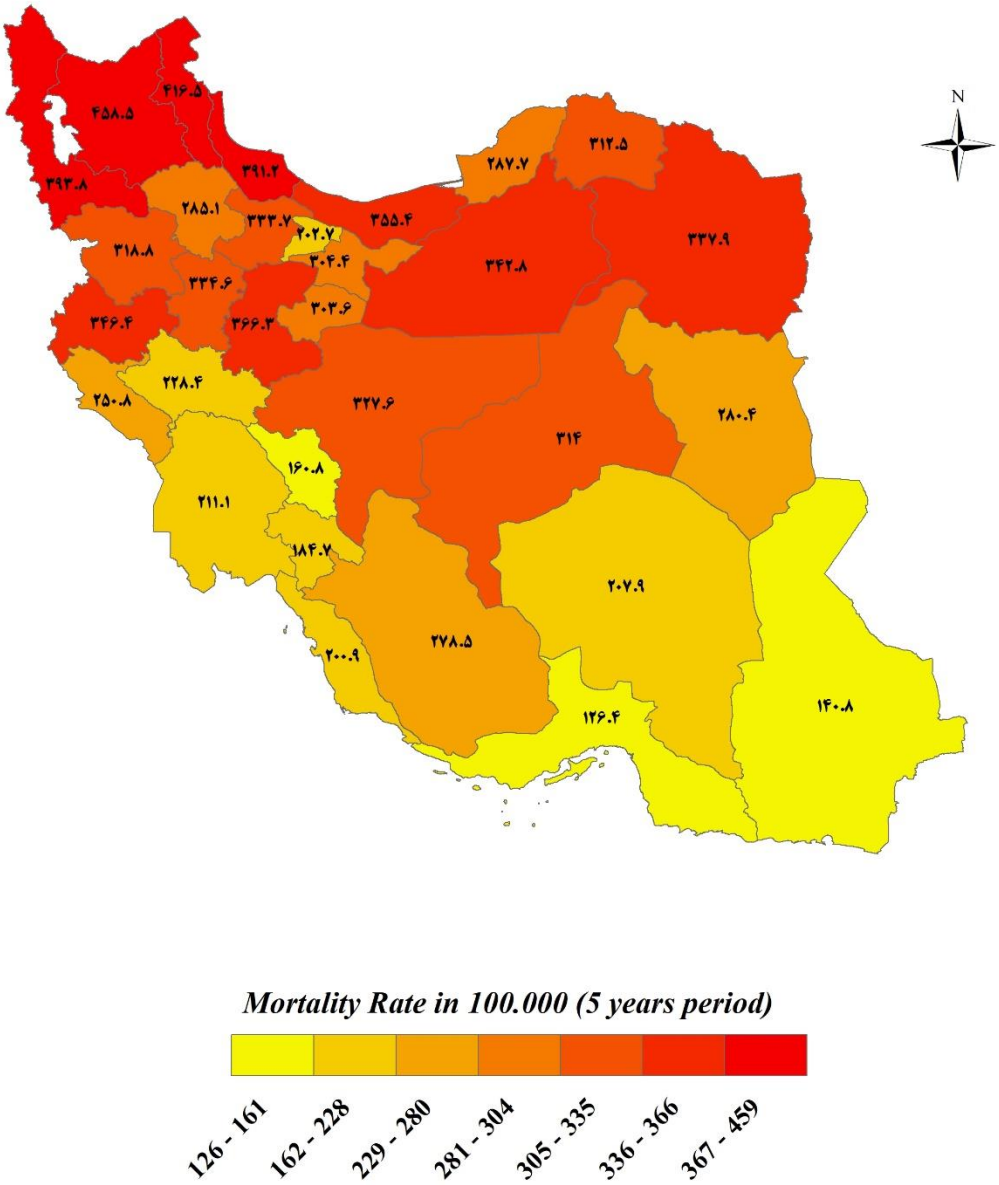

سواد سلامت و پیشگیری از کووید-۱۹ در زنان ۱۸-۶۰ سال – کاربرد نظریه KAP

سارا مقیمی[۱]، مریم سراجی*[۲]، زهرا عرب برزو[۳]، فاطمه اقدام[۴]

۱-کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، کمیته تحقیقات و فناوی دانشجویی، دانشگاه علون پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران (ارائه دهنده)

۲*- استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، مرکز تحقیقات ارتقا سلامت، دانشگاه علون پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران (نویسنده مسئول)

۳- استادبار، گروه اآمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علون پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

۴- کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات و فناوی دانشجویی، دانشگاه علون پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

چکیده

زمینه و هدف: همه‌گیری کووید-۱۹ تهدیدی جدی برای زندگی و سلامت مردم در سراسر جهان است. هنگامی که به سرعت گسترش یافت، سواد سلامت به عنوان ابزار مهمی برای پیشگیری از آن ظاهر شد. کسب دانش، ایجاد نگرش و اتخاذ رفتار پیش‌بینی‌کننده‌های مهم پایبندی به رفتارهای سلامت هستند. سواد سلامت برخورداری از دانش اقدامات بهداشتی را تسهیل می کند. از این رو مطالعه حاضر با هدف ارتباط سواد سلامت با نظریه KAP در پیشگیری از کووید-۱۹ بین زنان انجام شد.

مواد و روش ها: یک مطالعه مقطعی از نوع توصیفی تحلیلی بود که بر روی ۱۴۴ نفر از زنان مراجعه کننده به مراکز جامع خدمات سلامت شهر زاهدان در سال ۱۴۰۱ انجام شده بود. روش نمونه گیری مراکز به این صورت بود که زاهدان به چهار منطقه شمال، جنوب، شرق و غرب تقسیم شده بود سپس نمونه گیری از زنان به صورت تصادفی ساده انجام شد. داده ها از میان زنانی که معیارهای ورود را داشتند با استفاده از پرسشنامه مشخصات دموگرافیک و آگاهی، نگرش و عملکرد، و پرسشنامه سواد سلامت عملکرد در بزرگسالان جمع آوری شده بود. آلفا کرونباخ پرسشنامه ۰.۷ ، CVI>۰.۷ و CVR>۰.۶ بود. آنالیز داده ها با استفاده از آزمون های one-way analysis،Pearson's, t-test و آزمون ناپارامتری اسپیرمن با نرم افزار SPSS ورژن 22 انجام شد.

نتایج: بر اساس نتایج مشاهده شد سن، سطح تحصیلات و پذیرش واکسن با سواد سلامت ارتباط معنادار وجود داشت بدین صورت که با افزایش سن و سطح تحصیلات سواد سلامت افزایش یافته بود (P=۰.۰۳۷). و همچنین بین آگاهی، نگرش و عملکرد با سواد سلامت ارتباط معنادار بود (P=۰.۰۱۵) در نتیجه با افزایش آگاهی، نگرش و عملکرد سواد سلامت افزایش بافته بود.

نتیجه گیری: کاربرد سواد سلامت با آگاهی نگرش و عملکرد توانست برای زنان در پذیرش واکسن کووید-۱۹ موثر باشد. همچنین می توان از این مدل برای سایر گروه ها جهت پذیرش رفتارهای کووید-۱۹ استفاده کرد.

واژگان کلیدی : *سلامت سلامت، کووید-۱۹، مدل KAP*

اثربخشی تعامل بین مادران و مراقب سلامت در تغییر رفتار بهداشتی دانش آموزان دختر دبستان شهر کرمانشاه سال۱۴۰۲-۱۴۰۱

ندا خاصی[۱]، بیتا خاصی[۲*]

۱-کارشناس زیست شناسی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه،مراقب سلامت، دانشگاه رازی کرمانشاه، ایران

*۲-کارشناس ارشد آموزش بهداشت عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران

چکیده

زمینه و هدف: والدین نقش حیاتی در تعلیم و تربیت فرزندانشان دارند و اولین مربیان آن ها به حساب می آیند و این نقش مهم را هنگامی که فرزندانشان نیز راهی مدرسه می شوند، ادامه می دهند .هدف والدین آن است که فرزندانشان با حضور در مدارس، به علم و آگاهی دست یابند. تحقق این هدف جز با همکاری والدین با مراقب سلامت مدرسه امکان پذیر نیست رابطه مراقب سلامت واولیاء، فرآیند تعاملی و مداوم است. چنانچه شکل مشارکت آگاهانه را به خود بگیرد باعث اثر بخشی و کارآیی بیشتر می‌شود،زیرا اولیاء اطلاعات مربوط به عادات غلط بهداشتی و تغذیه را در اختیار مراقب سلامت، درجهت هدفمند کردن آموزش قرار می دهند.

روش بررسی: مطالعه مقطعی-توصیفی انجام شد. جامعه آماری پژوهش ۱۰۰ دانش آموز دبستان شهرکرمانشاه بودند که طی۶ماه آموزش داده شد.

یافته‌ها: ۸۰درصد جامعه آماری طی ۶ماه تغییر رفتار و عادات غلط دادند و۲۰ درصد دانش آموزان تغییری نداشتند.

نتیجه‌گیری: ارتباط نزدیک مادران و مراقب سلامت مدرسه بسیار تاثیرگذار بود و باعث تغییر رفتار و مشخص شدن نکات اخلاقی -شخصیتی وحتی بعضی بیماری دانش آموزان شد.

کلیدواژه: تغییر رفتار،مراقب سلامت، مادران، دانش آموزان

عنوان مروری برسلامت روان دانشجویان

فاطمه زارع حسین آبادی[۱]، محمد مجتبی ابدی[۲]، حمید رضا زارع[۳]

۱-کارشناسی پرستاری،بیمارستان شهید صدوقی یزد ،یزد،ایران

۲-دانشجوی کارشناسی پرستاری،دانشکده پزشکی علی ابن ابی طالب،دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد،یزد،ایران

۳-دانشجوی کارشناسی پرستاری،دانشکده پزشکی علی ابن ابی طالب،دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد،یزد،ایران

چکیده

زمینه و هدف : دانشجویان نیرو های پیشران و پویای هر جامعه اند و با کسب دانش و مهارت در راه پیشرفت آن جامعه در عرصه های گوناگون گام بر می دارند.جایگاه مهم دانشجو در هر جامعه سبب شده که این گروه بیش از افراد دیگر در معرض آزمون و خطا و عوامل استرس زا قرار داشته باشند.سلامت جسمانی و روانی فرد در دوران دانشجویی مقدم بر ایفای نقش آتی آنان است و در ادامه باکاهش توانایی دانشجویان به طور مستقیم و غیر مستقیم سبب کندی پیشرفت جامعه می شود بنابراین برخورداری آنها از سلامت بسیار اهمیت دارد.این مقاله با هدف مروری بر سلامت دانشجویان انجام شده است.

مواد و روش ها : پژوهش حاظر با هدف مروری نظام مند در زمینه سلامت دانشجو انجام گردید.در این مطالعه به جست و جو پیشرفته در پایگاه های استنادی داخلی (سویلیکا، جهاد دانشگاهی، گوکل اسکالر، علم نت و نور مگز) با واژگان کلیدی فارسی:دانشجو، سلامت، سلامت روان، سلامت معنوی و سلامت دانشجو مقالات چاپی مورد بررسی قرار گرفت.بطور کلی ۴۰پژوهش بصورت قضاوتی انتخاب و مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج : راساس تفسیر یافته های کیفی(محتوایی)مقالات مشخص گردید,عوامل متعددی بر سلامت موثرند که به صورت کلی شامل سبک زندگی، عوامل ژنتیکی_فردی ،عوامل محیطی و دسترسی به خدمات بهداشتی _درمانی هستند.از طرفی طبق تحقیق در مقالات دریافتیم که افسردگی، اضطراب و تنش شایع ترین مشکلات روان شناختی در میان دانشجویان است. همچنین سلامت اجتماعی نیز در کنار سلامت جسمی و روانی یکی از ارکان های تشکیل دهنده سلامت است که تحت تاثیر عوامل متعدد قرار دارد.

نتیجه گیری : مطالعه حاظر نشان می دهد رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت یکی از معیارهای تعیین کننده سلامت می باشد. بررسی وضعیت سلامت روان دانشجویان و عوامل مرتبط با آن، یکی از راه های مهم برای پیشرفت دانشجو و به سبب آن پیشرفت هر جامعه ای است و توجه به سلامت روان آن ها می تواند گام های مثبتی در ایجاد انگیزه برای انجام بهتر وظایف محوله داشته باشد.نتایج بیانگر رابطه معکوسی بین رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت با اضطراب، و نیز نامناسب بودن رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت خصوصا در ابعاد فعالیت جسمی و روانی در دانشجویان می باشد. سلامت روان بر رضایت از زندگی و خودکنترلی

دانشجویان تاثیر دارد. بنابراین، توصیه می شود جلسات مشاوره فردی با دانشجویان برگزار گردد و در برنامه آموزشی آن ها به مبحث رضایت از زندگی پرداخته شود. و به منظور حفظ خودکنترلی بالا در دانشجویان و پیشگیری از وقوع رفتارهای ناهنجار در دانشگاه ها، این موضوع مورد توجه قرار گیرد. به نظر می رسد سبک زندگی و دین برخی از این عوامل موثر در سلامت اجتماعی می باشد. با برنامه ریزی مناسب دست اندرکاران و مسئولین دانشگاه ها برای ارتقای سطح دینداری و سبک زندگی دانشجویان، می توان سلامت اجتماعی آنها را بهبود بخشید. همچنین معنویت با سلامتی و احساس خوب بودن پیوند خورده است.

کلید واژه: *دانشجو، سلامت روان، مشاوره ، دانشگاه،سلامت دانشجو*

بررسی وضعیت انجام آزمایش پیش دیابت(Hg A1C) و ارتباط آن با متغیرهای دموگرافیک در کارمندان چاق و دارای اضافه وزن

عنوان مکرر: آزمایش پیش دیابت، متغیرهای دموگرافیک در کارمندان چاق و دارای اضافه وزن

محبوبه عدالت منش[1]، عفت هاتف نیا[2]*، میترا رحیم زاده[3]

۱-کارشناسی ارشد، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی البرز، البرز، ایران

۲-مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت،دانشگاه علوم پزشکی البرز،کرج،ایران ، نویسنده رابط

۳-دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت،دانشگاه علوم پزشکی البرز،کرج،ایران

چکیده

مقدمه: این مطالعه با هدف تعیین وضعیت انجام آزمایش پیش دیابت Hg A1C و ارتباط آن با متغیرهای دموگرافیک در کارمندان چاق و دارای اضافه وزن ادارات آموزش و پرورش کرج در سال ۹۹-۹۸ طراحی و انجام شد .

روش ها: این مطالعه از نوع مقطعی، توصیفی-تحلیلی با شرکت ۳۵۰ کارمند چاق ودارای اضافه وزن ادارات آموزش وپرورش کرج که دیابت نداشتند با روش نمونه گیری در دسترس انجام شد. اطلاعات با استفاده از پرسشنامه جمعیت شناختی با سوالات(سن، جنس، سطح تحصیلات، وزن ، قد، میزان درآمد، تعداد فرزندان، سابقه خانوادگی ازنظر ابتلا، وضعیت تاهل) جمع آوری شد. تجزیه وتحلیل داده ها توسط آزمونهای آماری توصیفی و تحلیلی، آزمون کای دو ، آزمون دقیق فیشر در سطح معناداری ۰/۰۵ با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ انجام شد.

یافته ها: بین سابقه کار، سطح درآمد، تعدادفرزندان و وضعیت تاهل شرکت کنندگان با رفتار غربالگری ارتباط معنی دار آماری مشاهده شد بدین صورت که هرچه سابقه کار، سطح در آمد افراد بیشترباشد افراد آزمایش پیش از دیابت را بیشتر انجام می‌دهند(p=۰/۰۰۱).

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه حاکی از ارتباط بین انجام آزمایش پیش از دیابت با برخی از متغیرهای دموگرافیک می‌باشد که با توجه به وجود عوامل مختلف خطر لازم است آموزش صحیح به خانواده ها در راستای مدیریت وزن داده شود. اهمیت توجه به وجود راهبردهای بالقوه‌ای برای تقویت الگوهای تغذیه سالم و ارائه برنامه آموزشی تئوری محور که بتواند رفتارهای غذایی را بهبود بخشد و بار احتمالی بیماری های مرتبط با رفتار غذایی مانند چاقی را بر سیستم مراقبت‌های بهداشتی کشور کاهش دهد، لازم به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: آزمایش پیش دیابت، Hg A1C ، کارمندان ، اضافه وزن،چاقی، متغیرهای دموگرافیک

مروری بر عوامل موثر بر وضعیت سلامت سالمندان مقیم در سرای سالمندان

فاطمه نصیریان

دانشجو کارشناسی پرستاری، دانشکده پزشکی علی ابن ابی طالب واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

چکیده

زمینه و هدف : افزایش جمعیت سالمندی در کشور و افزایش رجوع به مراکز نگهداری سالمندان، باعث توجه بیشتر به این گروه حساس و آسیب پذیر جامعه می شود . وضعیت سلامت یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار برکیفیت زندگی سالمندان می باشد. از آنجا که مشکلات سلامت سالمندان متعدد بوده و منجر به کاهش سریع در وضعیت سلامت و احتمال افزایش ناتوانی می شود، بررسی عوامل موثر برای ارتقاء سلامتی آنها ضروری است. لذا هدف از این مطالعه مروری ، بررسی عوامل موثر بر وضعیت سلامت سالمندان مقیم در سرای سالمندان می باشد.

مواد و روش ها : این مطالعه از نوع مروری می باشد . به این منظور با جست و جو در پایگاه های اطلاعاتی گوگل اسکالر ، پابمد ، ساینس دایرکت ، SID با استفاده از واژگان سلامت سالمندان ، مراکز نگهداری سالمندان ، اصول مراقبت و معادل انگلیسی آنها Elderly health ، Principles of care ، Care center for the elderly بدون محدودیت تاریخ و زمان انجام شد . از معیارهای ورود این بود که مقاله کامل و در دسترس بوده و مقالات به زبان فارسی منتشر شده باشند . در مجموع ۱۰ مقاله که با اهداف پژوهش مرتبط بود، مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج : عوامل موثر بر سلامت سالمندان در ۶ گروه اصلی دموگرافیک (جنس ، سن ، درآمد ، سطح آموزش ، امنیت اجتماعی) ، متغیرهای عملکردی (سرعت راه رفتن ، میزان انرژی ، انجام فعالیت های روزمره زندگی) ، متغیرهای ذهنی (افسردگی ، آلزایمر) ، متغیرهای بیولوژیکی (بیماری های مزمن ، مصرف داروها ، سیگار ، الکل) ، متغیرهای اجتماعی (عملکرد خانواده و مراقبین) و سندرم های مربوط به سالمندی (بی اختیاری ادرار ، سقوط) قرار می گیرد. امکانات و کیفیت مراقبت در مراکز نگهداری سالمندان به اندازه کافی و اصولی نیست و نیازمند برنامه ریزی های بسیار دقیق و کارآمد می باشد و سطح مراقبت در مراکز نگهداری نامطلوب بوده و آسیب هایی سالمندان ساکن آنجا را تهدید می کند.

نتیجه گیری : بررسی ها نشان داده که ایجاد امکانات مناسب و تجهیزات حفاظتی و فضاسازی مناسب و آموزش های کافی به پرسنل می تواند بر ارتقا سلامت سالمندان اثرگذار باشد بنابراین باید بیشتر بر نقاط ضعف و قوت مراکز نگهداری از سالمندان توجه کرد و با مدیریت مناسب و صحیح ، کیفیت و امکانات در مراکز نگهداری را بهبود بخشید .

واژگان کلیدی : *سلامت سالمندان ، مراکز نگهداری سالمندان ، اصول مراقبت از سالمندان*

ضرورت آموزش مهارت‌های بالینی به کارشناسان بهداشت در مواجه با شرایط اضطراری؛ یک مرور نظام‌مند

مهدیه دوستعلی‌وند[1*]، مهرناز بختیاری‌فر[2]

۱-کمیته تحقیقات دانشجویی، علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

۲-دانشجوی کاردانی، رشته علوم تجربی، دانشکده علوم پایه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد، خرم آباد، لرستان

چکیده

زمینه و هدف: کارشناسان بهداشت با حضور پررنگ و مداوم در مراکز درمانی، بهداشتی و سایر ارگان ها به ویژه مراکز بهداشت در کنار سایر اعضای کادر درمان، نقش بسزایی در افزایش کیفیت خدمات بهداشتی و درمانی ارائه می کنند. کارشناسان بهداشت با ارائه خدمات بهداشتی نظیر پایش های دوره ای وضعیت سلامت خانوار (وضعیت سلامت مادران باردار، مشاوره های پیش از ازدواج، آموزش مادران، مراقبت از سلامت کودکان)، بررسی و ارزیابی بهداشت محیط (نظارت بر وضعیت بهداشت مدارس و مراکز آموزشی، نظارت بر سلامت آب آشامیدنی و بهداشت مواد غذایی) و همکاری در برنامه های اجرایی (کنترل بیماری ها، مسمومیت ها، سوانح و حوادث ناشی از کار) همواره در معرض شرایط اضطراری و تهدیدکننده سلامت جامعه هستند. هدف از انجام این مطالعه مروری نظام مند بررسی ضرورت آموزش مهارت های بالینی به کارشناسان بهداشت در مواجه با شرایط اضطراری است.

مواد و روش‌ها: این مطالعه به روش مرور نظام مند در سپتامبر سال ۲۰۲۳ صورت گرفته است. سوال اصلی مورد پژوهش این بود که لزوم آموزش مهارت های بالینی به کارشناسان بهداشت در مواجه با شرایط اضطراری چیست؟ برای پاسخ به این سوال با استفاده از کلید واژه های Clinical Trial، Education، Health Personnel و Emergencies بر اساس MeSH، همچنین کلید واژه های مهارت های بالینی، آموزش، کارشناسان بهداشت، شرایط اضطراری و ترکیب آن ها در پایگاه های داده Pubmed، Scopus، Scince Direct، Web of Scince، SID، Magiran، و موتور جست و جوی Google Scholar از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۳ (معادل دی ۱۳۹۶ تا شهریور ۱۴۰۲) صورت گرفت. جست وجوی اولیه با وارد نکردن مقالات مروری، نامه به سردبیر و کتاب ها به منظور سنجش مطالعات اصیل در حیطه هدف پژوهش و میزان اهمیت به هدف پژوهش صورت گرفت. لذا تنها تعداد ۹۰ مقاله یافت شد که طی سه مرحله پس از بررسی عنوان، خلاصه مقالات و متن کامل مقالات متاثر از معیارهای ورود به مطالعه (گروه هدف، آموزش مهارت های بالینی، مواجه با شرایط اضطراری، زبان انتشار و امکان دسترسی به مقالات)، سعی بر آن شد تا از میان آن ها مقالات هم راستا با هدف پژوهش برگزیده شوند. پس از غربال مقالات، بر اساس فرم استخراج داده، داده های مقالات استخراج شدند. پس از بررسی اولیه به نظر می رسید که به موضوع هدف پژوهش به میزان کمی پرداخته شده است. به منظور افزایش دقت و کاهش خطای جست و جو، استراتژی جست وجوی مقالات توسط

دو پژوهشگر به صورت موازی انجام شد که موارد عدم توافق میان دو پژوهشگر، طی یک جست وجوی مشترک از سر گرفته شد. در انتها نتایج پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند.

نتایج: از بین ۹۰ مقاله یافت شده و بررسی شده طی مرحله سه گانه، تنها ۳ مقاله مطابق با معیارهای هدف پژوهش صلاحیت ورود به مطالعه را داشتند. به طور کلی مقالاتی که بر هدف پژوهش متمرکز باشند و به موضوعاتی مانند عملکرد بالینی کارشناسان بهداشت در شرایط اضطراری بپرادزند، یافت نشد. موضوعاتی نظیر عملکرد پرستاران و کارکنان اورژانس فوریت های پزشکی در شرایط اضطراری و به طور خاص بلایای طبیعی، عمده مطالعات را شامل می شدند. در طی پژوهش انجام شده به نظر می رسد که نه تنها به لزوم آموزش مهارت های بالینی به کارشناسان گروه های بهداشت برای مواجه و پاسخ به شرایط اضطراری پرداخته نشده است که مطالعات کمتر مرتبطی با این مسئله می توان یافت. گروه هدفی که در یک مطالعه برگزیده شده و هم راستا با هدف پژوهش به آن پرداخته شده بود، عملکرد و میزان آمادگی کادر درمان را تحت عنوان پرسنل بهداشتی در مواجه با شرایط اضطراری و بلایای طبیعی را مورد بررسی قرار داده بود. به طور کلی پرسنل بهداشتی تصور می کنند که در مواجه با شرایط اضطراری آماده نیستند و معتقد هستند که دوره های آموزش پاسخ به بلایای طبیعی و شرایط اضطراری باید در برنامه های درسی آن ها گنجانده شود. همچنین اغلب پرسنل بهداشتی معتقد هستند که موسسات بهداشتی که در آن جا مشغول به کار هستند، آماده سازی کافی را انجام نمی دهند (یک مطالعه). فعالیت هایی مانند طرح ریزی، آموزش و تمرین آموزه ها با همگن سازی آموزش، آمادگی کارکنان بهداشتی را در مواجه با شرایط اضطراری افزایش می دهد، در نتیجه در طول زمان به اثربخشی در عملکرد پرسنل بهداشتی منجر خواهدشد (یک مطالعه). سرمایه گذاری بر پرسنل بهداشت و زیرساخت های بهداشتی بر آمادگی و پاسخ به شرایط اضطراری در آینده مفید و اثربخش خواهد بود (یک مطالعه).

نتیجه‌گیری: به نظر می رسد با توجه به نقش مهمی که کارشناسان گروه های بهداشت در زمینه های مختلف بهداشتی و درمانی ایفا می کنند، اما همچنان به اندازه کافی به معضلات و چالش های این گروه از کادردرمان پرداخته نشده است. لذا در این زمینه احساس نیاز می شود و پیشنهاد می شود که محققان در درجه اول به ارزیابی دوره های تحصیلی، عملکرد و صلاحیت بالینی و پاسخ کارشناسان بهداشت در مواجه با شرایط اضطراری پرداخته و پس از بررسی چالش های بالینی پیش روی کارشناسان بهداشت در مواجه با شرایط اضطراری، به بررسی لزوم آموزش مهارت های بالینی به کارشناسان بهداشت تحقیق و بحث کنند.

واژگان کلیدی: *Clinical Trial*، *Education*، *Health Personnel*، *Emergencies*

تاثیر گیاهان دارویی روی دیابت نوع دو:مروری بر شواهد موجود

فاطمه کرباسی ولاشانی [۱]،علیرضا رفیع [۲]

۱-دانشجوی کارشناسی پرستاری،عضوکمیته تحقیقات و فناوری دانشجویی،دانشکده پرستاری مامایی دانشگاه ازاد فلاورجان، اصفهان، ایران.

۲-ارشد پرستاری سالمندی ، مربی گروه پرستاری،دانشکده علوم پزشکی بهبهان ، بهبهان ، ایران.

چکیده

مقدمه: دیابت نوع دو یکی از شایع ترین نوع دیابت بزرگسالی که با هایپرگلایسمی پایدار مشخص می شود. قندخون بالا می تواند اختلالات قلبی عروقی را ایجاد کند.گیاهان دارویی یک عامل کمکی مفید برای داروهای خوراکی ضد دیابت درنظر گرفته شدند.بنابراین این مطالعه مروری با هدف تاثیر گیاهان دارویی بر دیابت نوع دو انجام شده است.

روش کار: این مطالعه مروری با سرچ در پایگاه های اطلاعاتی WOF،SID ، PubMed ،Scopus و موتور جستجوی google scholar با کلیدواژه های (دیابت نوع دو_هایپرگلایسمی_گیاهان دارویی_دیابت بزرگسالی_اختلالات قلبی عروقی) و Type-2) Diabetes_ hyperglycemia_ medicinal plants_ Adult-onset diabetes_ Cardiovascular disorders)طی سالهای ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۲ انجام شد.

یافته ها: نتایج مطالعات مختلف نشان داد که عصاره گیاهان دارویی از جمله عصاره گیاه بادرنجبویه و هندوانه ابوجهل تاثیر مستقیم بر کاهش گلوکز خون در افراد مبتلا به دیابت گردید اما برروی گروه شاهد سالم تاثیرمعناداری نداشت و همچنین درگروه های تحت درمان،کاهش البومین و نیتروژن اوره خون مشاهده گردید. همچنین تاثیرمثبت مصرف شوید و زرشک روی قندخون نشان داد که بین میانگین هموگلوبین گروه مصرف کننده قرص شوید و اب زرشک تفاوت معناداری وجود نداشت.مصرف گیاه سیرو گیاه جغجغه باعث کاهش قندخون و افزایش میزان انسولین در افراد دیابتی تحت درمان شد.ولی اب انار تاثیرمعناداری روی قند خونه این دسته از بیماران نداشت. پماد بابونه شیرازی باعث التیام زخم در افراد دیابتی شد.عصاره هیدروالکلی برگ گیاه شنگ باعث کاهش سطح گلوکز پلاسما و اقزایش انسولین شد. یافته ها نشان داد که مصرف کپسول حاوی گیاه سنبل اطیب به مدت ۸ هفته اضطراب بیماران مبتلا به دیابت را کاهش و باعث کاهش بهبود کیفیت زندگی انها می شود. مطالعات مختلف نشان داد که دانه کنجد و خواص انتی اکسیدانی عصاره متانولی اندامهای هوایی گیاهان سیلن حبابی و گل استکانی برگ دار درجلوگیری از افزایش قندخون افراد مبتلا به دیابت موثر بوده است.عصاره الکلی قسمت تلخ گیاه استویا ربادیانا توانست قندخون را تنظیم نموده و ازتخریب کبد پیشگیری نماید.

نتیجه گیری: باتوجه به اثر مثبت گیاهان دارویی بر کاهش میزان قندخون توصیه می شود که افراد دیابتی بصورت طب مکملئاز این فراورده های خوراکی استفاده نمایند

کلمات کلیدی: *دیابت نوع دو_هایپرگلایسمی_دیابت بزرگسالی_اختلالات قلبی عروقی*

بررسی ۲ ساله وضعیت تکامل کودکان ۱ تا ۳.۵ ساله مراجعه کننده به مراکز تکامل کودکان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی با استفاده از تست تشخیصی تکاملی بیلی (Bayley) در سال ۱۴۰۰–۱۴۰۱

شهناز دلبرپور احمدی[۱] ، فاطمه تاج الدینی[۲] ، پروین محمد قاسم پور[۳]، دکتر فرناز اهدائی وند[۴]، دکتر محمدرضا سهرابی[۵]

۱-کارشناس ارشد، رشته مدیریت دولتی (منابع انسانی) و MPH ، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۲-کارشناس ارشد، رشته مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، MPH، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۳-کارشناس، رشته مامایی، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۴-متخصص زنان و زایمان، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۵-متخصص پزشکی اجتماعی، معاون امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

چکیده

زمینه و هدف: اختلالات تکاملی از شایع ترین مشکلات طب کودکان در سراسر دنیا بوده و روند آن رو به افزایش است. تشخیص زودرس اختلالات تکاملی امری ضروری برای سلامت کودک و خانواده بوده و یک وظیفه اصلی برای مسئولین مراقبت های اولیه و تمامی پزشکان کودکان محسوب می شود. استفاده از ابزارهای غربالگری به عنوان اقدام خط اول برای جدا نمودن کودکان مشکوک به اختلالات تکاملی از جمعیت عمومی توصیه می شود؛ اما به منظور تشخیص قطعی موارد مشکوک به اختلالات تکاملی و نیز ارزیابی تکاملی گروه های پرخطر میبایست از ابزارهای دقیق تر و استاندارد شده استفاده نمود. به همین جهت در طب امروز تشخیص زودرس اختلالات تکاملی و ارائهٔ خدمت مداخله ای در شیرخواران و نوپایان ارزش روزافزونی پیدا کرده است. لذا این مطالعه با هدف بررسی ۲ ساله وضعیت تکامل کودکان ۱ تا ۳.۵ ساله مراجعه کننده به مراکز تکامل کودکان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی با استفاده از تست تشخیصی تکاملی بیلی (Bayley) در سال ۱۴۰۰-۱۴۰۱ انجام شد.

مواد و روش ها: این بررسی به صورت مقطعی توسط کارکنان بهداشتی آموزش دیده و توانمند در تکمیل پرسشنامه های تکاملی بیلی در مراکز تکامل کودکان دانشگاه علوم پزشکی در سال ۱۴۰۰-۱۴۰۱ انجام شد. در سال ۱۴۰۰ برای ۱۴۷ کودک و در سال ۱۴۰۱ برای ۳۵۷ کودک ۱ تا ۳.۵ ساله مراجعه کننده، پرسشنامه بیلی (معتبرترین تست تشخیصی تکاملی با عنوان Gold Standard) که شامل مقیاس شناختی، مقیاس زبانی (که خود شامل دو خرده آزمون ارتباط درکی و ارتباط بیانی است) و مقیاس حرکتی (که خود شامل دو خرده آزمون حرکات ظریف و حرکات درشت است) تکمیل شد. اطلاعات از طریق نرم افزار آماری SPSS-۲۱ و با استفاده از روش های توصیفی تجزیه و تحلیل شد.

نتایج: در سال ۱۴۰۰ از بین ۱۴۷ کودک، ۵۷ (۳۸٪) نفر تکامل طبیعی داشتند و ۹۰ (۶۲٪) نفر حداقل در یک مقیاس غیرطبیعی بودند. بالاترین اختلال تکاملی در ۶۴ (۳۱.۲٪) نفر مربوط به حیطه بیانی و بعد از آن به ترتیب حیطه درکی ۴۷ (۲۳٪) نفر، حیطه حرکات درشت ۳۴ (۱۶.۶٪) نفر، حیطه شناختی ۳۲ (۱۵.۶٪) نفر، حیطه حرکات ظریف ۲۸ (۱۳.۶۵٪) نفر بود .

در سال ۱۴۰۱ از بین ۳۴۵ کودک، ۱۲۹ (۳۶٪) نفر تکامل طبیعی داشتند و ۲۲۸ (۶۴٪) نفر حداقل در یک مقیاس غیرطبیعی بودند. بالاترین اختلال تکاملی در ۱۵۳ (۲۹.۷٪) نفر مربوط به حیطه بیانی و بعد از آن به ترتیب حیطه حرکات درشت ۱۱۲ (۲۱.۷٪) نفر، حیطه درکی ۱۰۰ (۱۹.۴٪) نفر، حیطه شناختی ۷۶ (۱۴.۷٪) نفر، حیطه حرکات ظریف ۷۵ (۱۴.۵٪) نفر بود.

نتیجه گیری: مطالعه نشان داد که اکثر کودکان، حداقل در یک حیطه دارای اختلال تکاملی بودند و بالاترین اختلال تکاملی در طی دوسال بررسی، در حیطه بیانی است. گفتار درمانی و روش های درمانی بهبود مهارت های اجتماعی سودمند است، هم چنین مراقبت های روتین رشد و تکامل کودکان در مراکز خدمات جامع سلامت، پایگاه های سلامت و خانه های بهداشت فرصتی برای شناسایی زودرس اختلالات تکاملی در جهت رفع آن ها می باشد. استفاده از ابزارهای غربالگری به عنوان اقدام خط اول برای جدا نمودن کودکان مشکوک به اختلالات تکاملی از جمعیت عمومی توصیه می شود؛ اما به منظور تشخیص قطعی موارد مشکوک به اختلالات تکاملی و نیز ارزیابی تکاملی گروه های پرخطر می بایست از ابزارهای دقیق تر و استاندارد شده مانند بیلی استفاده نمود.

واژگان کلیدی: *تکامل کودکان، غربالگری تکاملی ، پرسشنامه بیلی (Bayley)*

بررسی ۱۳ ساله حوادث منجر به فوت در مرگهای خارج بیمارستانی کودکان ۱تا۵۹ ماهه در محدوده تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی :۱۴۰۱-۱۳۸۹

فاطمه تاج الدینی[۱]، شهناز دلبرپور احمدی[۲] ، پروین محمد قاسم پور[۳]، دکتر فرناز اهدائی وند[۴]،

دکتر محمدرضا سهرابی[۵]

۱-کارشناس ارشد، رشته مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، MPH، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۲-کارشناس ارشد، رشته مدیریت دولتی (منابع انسانی) و MPH ، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۳-کارشناس، رشته مامایی، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۴-متخصص زنان و زایمان، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۵-متخصص پزشکی اجتماعی، معاون امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

چکیده

زمینه و هدف : حوادث همواره بعنوان یکی از مهمترین عوامل معلولیت و مرگ در انسان شناخته شده است و کودکان بعلت محدودیت در تشخیص خطر نسبت به بزرگسالان در برابر حوادث آسیب‌پذیرتر هستند. هدف مطالعه حاضر بررسی موارد مرگ و میر کودکان ۱تا ۵۹ ماهه بعلت حوادث و سوانح در محدوده تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی طی سالهای ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۱ می‌باشد.

مواد و روش ها : این مطالعه مقطعی و توصیفی در فاصله سالهای ۱۳۸۹ و ۱۴۰۱ انجام شد و کلیه مرگهای خارج بیمارستانی کودکان ۱تا۵۹ ماهه بعلت حوادث و سوانح در محدوده تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی که از فرم اطلاعات اولیه و پرسشنامه‌های استاندارد اداره سلامت کودکان وزارت بهداشت استخراج شده بود، مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج : تعداد موارد مرگهای خارج بیمارستانی کودکان ۱تا ۵۹ ماهه بعلت حوادث و سوانح ۷۵ مورد بود. بیش از نیمی از کودکان فوت شده(۶۱.۳ درصد) پسر بودند. همچنین بیشترین علل فوت کودکان در اثر حوادث و سوانح به ترتیب انسداد تنفسی (۲۶.۶ درصد)، غرق شدگی (۲۱.۳ درصد)، حوادث حمل و نقل (۱۷.۳ درصد)، مسمومیت (۱۴.۶ درصد)، سقوط (۸ درصد) و ... گزارش شد.

نتیجه گیری : در حدود ٪۸۹ از مرگهای خارج بیمارستانی کودکان ۱تا۵۹ ماهه با علت حوادث و سوانح، ناشی از ۵ علت انسداد تنفسی، غرق شدگی، حوادث حمل و نقل، مسمومیت و سقوط بوده است و تمامی این علل قابل پیشگیری می‌باشند. لذا آموزش و حساس سازی جامعه در خصوص پیشگیری از حوادث در کودکان و همچنین طراحی مداخلاتی به منظور کاهش مرگ و میر کودکان از این علل ضروری است و می‌بایست به عنوان یک اولویت بهداشتی در کشور مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گیرد.

واژگان کلیدی : *کودکان، مرگ و میر، حوادث*

بررسی آگاهی مادران مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی در زمینه مراقبت از نوزاد : سال ۱۴۰۱

فاطمه تاج الدینی[۱]، شهناز دلبرپور احمدی[۲] ، پروین محمد قاسم پور[۳]، دکتر فرناز اهدائی وند[۴]، دکتر محمدرضا سهرابی[۵]

۱-کارشناس ارشد، رشته مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، MPH، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۲-کارشناس ارشد، رشته مدیریت دولتی (منابع انسانی) و MPH ، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۳-کارشناس، رشته مامایی، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۴-متخصص زنان و زایمان، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۵-متخصص پزشکی اجتماعی، معاون امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

چکیده

زمینه و هدف : نوزاد موجودی آسیب پذیر و دوران نوزادی پرمخاطره ترین دوره از دوران زندگی هر فرد به شمار می رود. همچنین بیشترین مرگ کودکان در دوره نوزادی اتفاق می افتد.

از آنجایی که آگاهی مادران از ویژگی ها و مشخصات نوزادان و نحوه مراقبت از آنها در تامین حفظ و سلامت آنان بسیار موثر است مطالعه حاضر با هدف بررسی آگاهی مادران مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی در زمینه مراقبت از نوزاد در سال ۱۴۰۱ انجام شد.

مواد و روش ها : این مطالعه از نوع توصیفی و مقطعی بوده و به طریق تصادفی بر روی 94 نفر از مادران دارای نوزاد مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی در سال ۱۴۰۱ انجام شد. روش جمع آوری داده ها مصاحبه حضوری بوده، به این طریق که در کلیه مراکز خدمات جامع سلامت با مادر ان مصاحبه شد و سوالات پرسیده شد. ابزار گردآوره داده ها، پرسشنامه محقق ساخته چند قسمتی شامل سوالاتی در خصوص مراقبت صحیح از نوزاد بود. جهت تحلیل داده ها از آمار توصیفی استفاده گردید.

نتایج : طبق یافته های بدست آمده آگاهی مادران در خصوص مشخصات نوزاد بیمار، تشخیص کافی بودن شیر مادر، علائم خطر فوری، تغییر حجم و دفعات شیر مادربه هنگام بیماری، نحوه مصرف مکملها، زمان مراجعه بعدی و زمان واکسیناسیون بعدی ۱۰۰ درصد، اقدامات لازم برای پیشگیری از حوادث ۹۸.۹ درصد، اهمیت رسم منحنی رشد و مراقبتهای مربوط به ختنه

۹۷.۸ درصد، مشکلات شایع نوزادان و مراقبت از نوزاد بیمار ۹۵.۷ درصد، میزان و نحوه خواب نوزاد ۸۱.۹ درصد، مراقبت های مربوط به بند ناف ۹۰.۴ درصد، نحوه پوشش صحیح نوزاد ۷۶.۶ درصد، دمای مناسب محیط برای نوزاد ۷۲.۳ درصد می باشد.

نتیجه گیری : بر اساس نتایج مطالعه حاضر، آگاهی مادران در خصوص مراقبت از نوزاد در مجموع ۸۹.۴ درصد به دست آمد که به نظر می رسد مطلوب باشد ولیکن با توجه به اهمیت آگاهی مادران در مورد مراقبت از نوزاد آموزش مادران در این زمینه مهم بوده و تدوین برنامه های آموزشی برای آنان ضروری است و توصیه می شود آگاهی لازم از طریق برنامه های آموزشی منظم بصورت گروهی و چهره به چهره و با استفاده از رسانه ها به مادران داده شود.

واژگان کلیدی : *آگاهی، مادران، نوزاد*

بررسی مشاوره های شیردهی مادران توسط مشاورین شیردهی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی – سال ۱۴۰۱

شهناز دلبرپور احمدی[۱] ، فاطمه تاج الدینی[۲] ، پروین محمد قاسم پور[۳]، دکتر فرناز اهدائی وند[۴]، دکتر محمدرضا سهرابی[۵]

۱-کارشناس ارشد، رشته مدیریت دولتی (منابع انسانی) و MPH ، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۲-کارشناس ارشد، رشته مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، MPH، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۳-کارشناس، رشته مامایی، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۴-متخصص زنان و زایمان، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۵-متخصص پزشکی اجتماعی، معاون امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

چکیده

زمینه و هدف : تغذیه با شیر مادر یکی از مهمترین عوامل در تامین سلامت شیرخواران می باشد. مشاوره صحیح سبب افزایش آگاهی و رضایت مادران شیرده بوده و به عنوان یکی از مسائل اساسی در تداوم شیردهی قلمداد می شود. هدف مطالعه حاضر، بررسی مشاوره های شیردهی مادران توسط مشاورین شیردهی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۱۴۰۱ است.

مواد و روش ها : این مطالعه مقطعی و توصیفی بر روی ۳۱۶۲ مادر شیرده مراجعه کننده به مراکز مشاوره شیردهی تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۱۴۰۱ انجام گردید. اطلاعات به وسیله پرسشنامه استاندارد مشاوره شیردهی تکمیل شده توسط ۷۶ مشاور شیردهی در ۲۰ مرکز مشاوره شیردهی جمع آوری و تحلیل شد.

نتایج: مشاوره شیردهی برای ۳۱۶۲ مادر شیرده انجام شد. بیشترین مشاوره برای مادران در سنین ۱۸ تا ۳۵ سال انجام شد. (۶۸.۴۳ درصد) بیشترین مشاوره برای مادران با زایمان سزارین انجام شد. (۷۰.۳۹ درصد)، بیشترین مشاوره برای مادران نخست زا که تجربه شیردهی نداشتند انجام شد. (۸۳.۲ درصد) انجام شد. بیشترین مشاوره برای مادرانی که نوزاد کمتر از یک ماه داشتند انجام شد. (۹۹ درصد)، در مشاوره های انجام شده بیشترین شکایت مادر احساس عدم کفایت شیر (۲۴.۶ درصد) و پس از آن به ترتیب امتناع شیرخوار، پری پستان، درد پستان، زخم نوک پستان بود.

نتیجه گیری : با توجه به نتایج مطالعه حلضر مشاوره صحیح مادران خصوصا مادران نخست زا جهت شیردهی موفق، برنامه ریزی جهت تربیت مشاور شیردهی در دانشگاههای علوم پزشکی، افزایش مراکز مشاوره شیردهی و برگزاری دوره های آموزشی

جهت کلیه کارکنان بهداشتی ضروری است و می بایست به عنوان یک اولویت بهداشتی در کشور مورد توجه سیاسیت گذاران و برنامه ریزان قرار گیرد.

واژه های کلیدی : *مادران، مشاوره شیردهی، شیر مادر*

رابطه سواد سلامت و تشخیص اخبار جعلی

شیوا وحیدی

۱-دانشجوی کارشناسی، رشته بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت و پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی آزاد مشهد

چکیده

زمینه و هدف : همزمان با گسترش تکنولوژی نحوه انتشار و شکل گیری اخبار تغییر کرده است و امروزه اخبار سریع تر، کم هزینه تر و دردسترس تر هستند. باتوجه به این تغیرات روزانه اخبار جعلی زیادی در جهان منتشر می شود که صحت سنجی آن کار ساده ای نیست. سواد سلامت به عنوان توانایی افراد برای درک و عمل به اطلاعات بهداشتی می تواند در تشخیص اخبار جعلی کمک کننده باشد.

مواد و روش ها : این مطالعه مروری از بین ۶ مقاله منتشر شده در پایگاه های اطلاعات داده pubmed، سیویلیکا و مجله سواد سلامت انجام شده است که بر تاثیر افراد و توانایی آنها در ارتقا سلامت یکدیگر تاکید می کند. سواد سلامت یکی از بااهمیت ترین موضوعات سلامت است که کمتر به آن توجه می شود. اطلاعات نادرست در مورد سلامتی و بهداشت عواقب شدیدی بر کیفیت زندگی افراد جامعه و حتی خطر مرگ و میر آنها دارد. بنابراین، دانستن آن در چارچوب مدرن امروزی یک کار بسیار مهم است.

نتایج : نسبت اطلاعات نادرست مرتبط با سلامت در رسانه های اجتماعی از ۰.۲٪ تا ۲۸.۸٪ متغیر بود. منفی ترین پیامدهای اطلاعات غلط بهداشتی افزایش تفسیرهای گمراه کننده یا نادرست شواهد موجود، تخصیص نادرست منابع بهداشتی و افزایش تردید در واکسیناسیون است. بررسی ها نشان می دهند بین میزان توانایی تشخیص اخبار جعلی و سواد سلامت رابطه مثبتی وجود دارد و سواد سلامت با ضریب مسیر ۳۳/۰ بر متغیر توانایی تشخیص اخبار جعلی تاثیر دارد. بنابراین کمبود سواد سلامت و باور اطلاعات نادرست در مورد سلامتی عواقب شدیدی بر کیفیت زندگی افراد و حتی خطر مرگ و میر آنها دارد.

نتیجه گیری : اگرچه سواد سلامت در بین مردم به درستی توسعه نیافته است اما با توجه به اهمیت موضوع و تاثیر آن بر کیفیت زندگی مردم، مناسب ترین رویکرد در مقابل اطلاعات غلط بهداشتی و درمانی این است که تمام افراد در تمام سطوح خود را مسئول انتقال پیام های بهداشتی درست بدانند و در این امر شریک شوند تا تاثیر آن را در جامعه و زندگی خود ببینند. یکی از منابع گسترش اخبار جعلی پلتفرم ها هستند که می توانند با قانون گذاری و منع پخش کنندگان این اخبار از انتشار آن جلوگیری کنند. رسانه های اجتماعی با کمک کارکنان سلامت و بهداشت با تولید محتوا موثر و کارآمد می توانند ابزار مفیدی برای ارتقا سطح دانش سلامت مردم باشند.

واژگان کلیدی : سواد سلامت، اخبار جعلی، سلامت

مهارت های مدیریتی و ارتباط آن با تفکر انتقادی در بیمارستان‌های دولتی شهر یزد چگونه است؟

فاطمه فتحی[۱،۲]، فهیمه شجاعی فر [۳]، ملیکا مرادی [۱]، هانیه سادات حسینی [۱]، علی ذوالفقاری[۱]، احمدرضا فلاح فراغه[۱،۴]

۱-کارشناس پرستاری، مرکز تحقیقات مراقبت های پرستاری و مامایی، پژوهشکده بیماری های غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران

۲-دانشجوی کارشناسی ارشد مراقبت‌های ویژه پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

۳- هیئت علمی پرستاری، مرکز تحقیقات مراقبت های پرستاری و مامایی، پژوهشکده بیماری های غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران

۴-دانشجوی کارشناسی ارشد روان پرستاری، گروه روان پرستاری، مرکز تحقیقات مراقبت های پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

زمینه و هدف : عامل اساسی و مهم در موفقیت سازمان ها، مفهوم مدیریت می باشد که در دستیابی به اهداف سازمانی و اثربخشی فعالیت ها تأثیر بسزایی دارد. مدیران پرستاری به عنوان یکی از عناصر کلیدی در مدیریت مراکز بهداشتی به شمار می روند که داشتن تفکر انتقادی یکی از ملزومات اساسی در مدیریت بهتر پرسنل و به کارگیری آن در شیوه های مدیریتی محسوب می شود. اگر الگوی مدیریتی به طور نامناسب انتخاب گردد، منجر به کاهش کارایی و کارآمدی مدیران خواهد شد، لذا این مطالعه با هدف بررسی میزان تفکر انتقادی با مهارت های مدیریتی در مدیران پرستاری بیمارستان‌های دولتی انجام شد.

مواد و روش ها : این پژوهش یک مطالعه توصیفی- تحلیلی است که در کل با در نظر گرفتن سطح اطمینان ۹۵٪ و در نظر گرفتن ضریب همبستگی ۱، به ۷۸ نمونه نیاز بود که با ۱۰٪ ریزش تعداد ۸۶ نمونه به روش نمونه گیری در دسترس از مدیران پرستاری(هدنرس، سوپروایزر، مترون) در رده های مختلف شاغل در بیمارستان های دولتی شهر یزد انتخاب گردیدند. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه دموگرافیک، پرسشنامه مهارت های تفکر انتقادی کالیفرنیا (**CCTST**) و پرسشنامه مهارت های مدیریتی کافمن بود. داده ها با استفاده از آزمون T-test مستقل و ضریب همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج : یافته ها نشان می دهد که اکثر شرکت کنندگان خانم (۶۹.۲٪)، میانگین سنی افراد ۵.۵۵ ± ۳۹.۵۱ سال با سابقه کار ۸.۴۹ ± ۸.۶۲ ، بیشترین افراد کارشناسی ارشد (۷۸.۲٪) و افراد متاهل در مطالعه ۸۹.۷٪ می باشند. همچنین بین تفکر انتقادی و مهارت‌های مدیرتی ارتباط معنی دار آماری مشاهده نگردید (p-value > ۰.۰۵). اما ارتباط بین سازه تحلیل تفکر انتقادی و

سازه مهارت‌های فنی از نظر آماری معنی دار می باشد (p-value=۰.۰۴۵ r=۰.۲۲۸) اختلاف معنی دار آماری در میانگین نمرات تفکر انتقادی و مهارت‌های مدیریتی بر حسب متغیرهای دموگرافیک مشاهده نگردید (p-value > ۰.۰۵).

نتیجه گیری : با توجه به یافته ها و گذراندن بسیاری از مدیران پرستاری در دوره ی تفکر انتقادی و عدم داشتن عملکرد مدیریتی مناسب، توانمند سازی مجدد با رویکرد بالینی و عملی در راستای بهبود عملکرد سطوح مختلف مدیران پرستاری بیمارستان های آموزشی ضروری می باشد.

واژگان کلیدی : *تفکر انتقادی، مهارت های مدیریتی، مدیران پرستاری، آموزش پرستاری، پرستاری*

ارزیابی روش‌های آموزش به مردم در زمان بحران‌های اپیدمی بیماری‌های واگیر از دیدگاه صاحبنظران: یک مطالعه کیفی

الهه نصیری[1]، صابر اعظمی آغداش[2]، سالار محمددخت چرندابی نژاد[1]

۱-کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران.

۲-مرکز تحقیقات مدیریت خدمات بهداشتی درمانی تبریز، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران.

چکیده

مقدمه و هدف: بروز اپیدمی‌ها زندگی انسان را تحت تاثیر خود قرار داده و گاها باعث ایجاد تغییر در سبک زندگی افراد می‌شوند. به همین سبب، در زمان بروز اپیدمی‌ها، در راستای کمک به مردم در مواجهه با بحران‌ها، آموزش‌هایی به مردم ارائه می‌شود. با این وجود، شواهد کافی در زمینه ارزیابی اثربخشی روش‌های آموزشی وجود ندارد. لذا مطالعه حاضر با هدف ارزیابی اثربخشی روش‌های آموزش به مردم در زمان بحران‌های اپیدمی بیماری‌های واگیر از دیدگاه مردم و صاحبنظران انجام شد.

روش کار: مطالعه حاضر یک مطالعه کیفی بوده و با رویکرد پدیدارشناسی در سال ۱۴۰۱ در استان آذربایجان شرقی انجام شد. گروه هدف مطالعه حاضر، مسئولین گروه آموزش و ارتقای سلامت، متخصصین آموزش پزشکی و صاحبنظران آموزش الکترونیکی، اعضای هیئت علمی گروه‌های آموزشی مختلف، کارشناسان آموزش بهداشت و ارتقای سلامت در معاونت بهداشت و سایر مراکز ارائه‌دهنده خدمات بهداشتی و درمانی در حوزه‌های مرتبط در حوزه آموزش به مردم در زمان اپیدمی‌ها بودند. روش جمع آوری داده ها، مصاحبه های نیمه ساختار یافته بود که با استفاده از راهنمای از قبل طراحی شده تا اشباع داده ها، انجام شدند. در هر مصاحبه با کسب رضایت از شرکت‌کنندگان در مطالعه، دیدگاه‌های آن‌ها ضبط شده و بلافاصله پس از اتمام هر مصاحبه پیاده‌سازی انجام می‌شد. علاوه‌براین، در حین جلسات و مصاحبه‌ها نیز یادداشت برداری بعمل می‌آمد. برای انتخاب شرکت کنندگان نیز از روش های نمونه گیری مبتنی بر هدف و گلوله برفی استفاده شد. داده ها نیز براساس تحلیل محتوایی مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: در مطالعه حاضر، با ۱۰ نفر از متخصصین حوزه آموزش بهداشت به مردم مصاحبه انجام شد. از نظر شرکت‌کنندگان، پرکاربردترین و اثربخش‌ترین منبع مورد استفاده برای آموزش به مردم، رسانه های جمعی (تلویزیون و رادیو) و شبکه های اجتماعی بودند. همچنین از نظر مصاحبه‌شوندگان پرکاربردترین و موثرترین روش مورد استفاده برای انتقال آموزش‌ها به مردم، انیمیشن‌های آموزشی و ارسال پیام بودند. متولی پیشنهادی اکثر مصاحبه‌کنندگان، وزارت بهداشت بوده است که وظایف اصلی پیشنهادی برای وی نیز ارائه بهنگام آموزش‌های به‌روز، سیاست‌گذاری‌های کلان و اعتمادسازی در مردم نسبت به خود بوده است. از نظر مصاحبه‌شوندگان، نقطه قوت برای آموزش به مردم، استفاده از بستر رسانه و فضای مجازی برای انتقال پیام و

آموزش به مردم بوده است. مهم‌ترین نقاط ضعف عنوان شده برای آموزش به مردم در دوران اپیدمی کووید-۱۹، تاخیر در ایجاد آمادگی و ارائه آموزش به مردم، وجود تناقض در آموزش‌های ارائه شده و نبود متولی مشخص بودند. مهم‌ترین راهکارهای پیشنهادی شرکت‌کنندگان مطالعه حاضر، برای افزایش اثربخشی آموزش به مردم، استفاده از خبرگان آموزشی در راستای سیاست‌گذاری برای حوزه آموزش به مردم و همچنین اعتمادسازی در مردم بوده است.

نتیجه گیری: با توجه به تجربیات اخیر در پاندمی بیماری‌های واگیر مخصوصا پاندمی کووید-۱۹، اهمیت آمادگی قبلی در همه زمینه‌ها جهت مقابلبه با بحران و ارتقای اثربخشی اقدامات و مداخلات جهت کاهش تلفات و هزینه‌های نظام سلامت بیش از پیش مشخص گردید. لذا نتایج مطالعه حاضر می‌تواند بعنوان یک راهنما جهت آموزش اثربخش به مردم در زمان بحران همه‌گیری بیماری‌های واگیردار مورد استفاده سیاست‌گذاران و مدیران ارشد نظام سلامت قرار گیرد تا با در نظر گرفتن همه جوانب، اثربخشی آموزش‌های ارائه شده ارتقا یابد.

واژگان کلیدی: *روش های آموزشی، اپیدمی، کووید-۱۹، بیماری های واگیر*

عنوان: تاثیر آموزش مبتنی بر تئوری رفتاربرنامه ریزی شده بر خود مراقبتی از عوامل خطر بروز بیماری‌های قلبی و عروقی، درسفیران سلامت مناطق روستایی مرکز بهداشت شماره یک مشهد

حسین امانی*[۱] ، الهام صابر[۲]، نگار اکبری سومار[۳]، شیما امانی[4]، سعید رضانیا[۵]، بهاره کفاش[۶]

۱-کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، تربت حیدریه، ایران.

۲-کارشناس ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، تربت حیدریه، ایران.

۳-کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

۴-کارشناس بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

۵-کارشناس بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، تربت حیدریه، ایران.

۶-دانشجوی کارشناسی ارشد سلامت سالمندی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران.

* نویسنده مسئول: حسین امانی

چکیده

زمینه و هدف: در حال حاضر ۷۶ درصد علت مرگ‌ها مربوط به بیماری‌های غیر واگیر و مهم‌تر اینکه ۴۶ درصد علت مرگ‌های غیر واگیر مربوط به بیماری‌های قلبی عروقی می‌باشد. یک راهکار بسیار مهم در پیشگیری از این بیماری‌ها آموزش مردم برای خود مراقبتی و خطرسنجی می‌باشد. این پژوهش با هدف مقایسه تأثیر آموزش مبتنی بر تئوری رفتار برنامه‌ریزی‌شده بر خود مراقبتی از عوامل خطر بروز بیماری‌های قلبی و عروقی، در سفیران سلامت مناطق روستایی مرکز بهداشت شماره یک مشهد می‌باشد.

روش بررسی: مطالعه به‌صورت کارآزمایی شاهددار تصادفی بر روی ۹۴ سفیر سلامت روستایی که به‌صورت تصادفی ساده از خانه‌های بهداشت مرکز بهداشت شماره یک مشهد انتخاب‌شده بودند، در دو گروه آزمون و کنترل انجام شد. بعد از تعیین نیازها در چارچوب نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده، مداخله آموزشی طراحی و برای گروه آزمون به اجرا در آمد. سه ماه پس از اتمام مداخله آموزشی هر دو گروه پیگیری و در نهایت داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۴ و آزمون‌های آماری کلموگروف اسمیرنوف، من ـ ویتنی، فریدمن ، آنالیز واریانس و کای دو مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: در مرحله قبل از مداخله بین دو گروه از نظر سازه‌های نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده که شامل، قصد رفتاری، توانمندی درک شده، اعتقادات کنترلی، انگیزه پیروی، اعتقادات هنجاری، ارزشیابی پیامد و اعتقادات رفتاری بود، تفاوت معنی‌دار وجود نداشت اما تغییرات ایجادشده پس از مداخله درگروه آموزش بلافاصله و سه ماه بعد از مداخله، تفاوت آماری معنی‌داری بین میانگین نمرات سازه‌های تئوری رفتار برنامه‌ریزی‌شده مشاهده شد($p < ۰/۰۰۰۱$).

نتیجه گیری: یافته های این مطالعه نشان دهنده کارایی تئوری رفتار برنامه ریزی شده در امر پیشگیری از بیماری های قلبی و عروقی می باشد و بر این اساس می توان از تئوری رفتار برنامه ریزی شده به عنوان چارچوبی جهت طراحی مداخلات آموزشی به منظور پیشگیری و کنترل عوامل خطر بیماری های قلبی و عروقی استفاده کرد.

کلید واژه: *آموزش، رفتاربرنامه ریزی شده، خود مراقبتی، بیماری‌های قلبی و عروقی، سفیران سلامت*

نقش مدارس در ارتقاء سلامت

یاسمن مطوفی[1]،فرشته تقی زاده[1]، نیلوفر یوسفوند[1]

۱- دانشجوی کمیته تحقیقات،دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز،اهواز،ایران

چکیده

مقدمه: مدرسه مهمترین کانون تعلیم و تربیت در حوزه های مختلف از جمله آموزش و ارتقاء سلامت است و دانش آموزان حساس ترین سن خود را در مدارس میگذرانند. همچنین در زمینه ارتقای سلامت از نظر منشور اتاوا، یک سری وظایف و کارکردها به مدارس نسبت داده شده است. در نتیجه با توجه به اهمیت سلامت و بهداشت جامعه و نقش مدارس در آموزش به کودکان و نوجوانان،این پژوهش با هدف بررسی نقش مدارس در ارتقاء سلامت صورت گرفت. **روش کار:**پژوهش حاضر یک مطالعه مروری می باشد که در سال ۱۴۰۲ انجام شده است.بر همین اساس جهت بررسی نقش مدارس در ارتقاء سلامت، کلید واژه های "ارتقاء سلامت" "مدارس" "health promotion" "school health" و با محدودیت زمانی از سال ۲۰۲۰ در پایگاه های اطلاعاتی google scholar و PubMedجست و جو شد. نتیجه آن ۳۲۵ مقاله بود که از بین آنها ۱۸ مقاله مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: با توجه به ویژگی های سنی دانش آموزان و مدت زمانی که در مدرسه سپری میکنند، مدارس نقش مهمی در آموزش و ارتقا سلامت دارند.کودکان و نوجوانان در سنین مدرسه تاثیرپذیری بالایی از آموزش دارند که طبق مطالعات انجام شده از این موضوع میتوان در ارتقاء سطح سلامت استفاده کرد. حضور مربی بهداشت در مدرسه نقش پررنگی در دستیابی به امر ارتقا سلامت ایفا میکند زیرا همواره مربیان نقش اسوه بودن دارند و دانش آموزان از آنها الگو برداری می کنند. تحقیقات نشان داده که حضور در مدرسه بر سطح سلامت افراد تاثیر دارد که مهر تاییدی بر نقش و اهمیت مدارس در برنامه ارتقاء سلامت است.هچنین رابطه مثبت بین مدرسه سالم و مدارس داری سواد سلامت با سلامت دانش آموزان و کارکنان مدرسه ،طی پژوهش هایی در مدارس کشور آلمان، مشخص شده است.**نتیجه گیری:** ضمن تاکید بر نقش کلیدی و اثرگذار مدارس در ارتقاء سلامت دانش آموزان و جامعه، پیشنهاد می شود که با برنامه ریزی های مناسب، انجام طرح های تحقیقاتی برای روش های موثر آموزش سلامت و بهداشت به دانش آموزان و همچنین تخصیص بودجه برای این امر مهم، بیشتر به نقش مدارس به عنوان محیط ارتقاء دهنده سلامت درجامعه توجه کنیم چرا که از طریق آموزش و پرورش،دانش اموزانی تربیت خواهند شد که با برخورداری ازسلامت روانی و جسمانی ،هرکدام سفیر سلامت در خانواده و جامعه هستند وبه زودی می توانیم ارتقاء سطح سلامت را در میان کودکان و نوجوانان،خانواده ها ،سازمان ها و در نهایت در سرتاسر جامعه مشاهده کنیم.

کلید واژه ها: *ارتقاءسلامت، مدارس،سلامت در مدارس*

بررسی وضعیت مصرف سیگار و عوامل مؤثر بر شروع و تداوم آن در جوانان تهرانی

محتشم غفاری[۱]، سکینه رخشنده رو[۲]، کامبیز نعمتی[۳]، لیلا رجایی*[۴]، حوریه رحیمی نیا[۵]

۱-استاد، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت ،دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی،تهران،ایران

۲-استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت ،دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی،تهران، ایران

۳-دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی، معاونت بهداشت

۴-دانشجوی MPH ، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی،تهران،ایران

۵-کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی،گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

*نویسنده مسئول مکاتبات:

لیلا رجایی ؛ ، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی،تهران،ایران

چکیده

مقدمه: مصرف سیگار یکی از مهمترین عوامل خطر سلامت در جهان است. بررسی وضعیت موجود پیش نیاز هر برنامه‌ریزی و مداخله هدفمند ارتقای سلامت است. **هدف** بررسی وضعیت مصرف سیگار به عنوان یکی از رفتارهای مرتبط با سلامت، به منظور برنامه‌ریزی دقیق و مداخلات موثر در ارتقای سلامت جوانان است.

مواد و روش ها: این مطالعه توصیفی–مقطعی با روش نمونه‌گیری خوشه ای و سیستماتیک روی ۱۵۵۶ نفر از جوانان انجام شد. داده ها از طریق پرسشنامه برگرفته شده از پرسشنامه‌های استاندارد بین المللی WHO[16] و CDC[17]آمریکا و ملی است که توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بازنگری و بومی‌سازی شده و قبلا در سایر تحقیقات مورد استفاده قرار گرفته است و پایایی و روایی آن‌ها مورد تایید می‌باشد، جمع آوری شد. . داده های آماری با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی و نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: میانگین مصرف سیگار به صورت روزانه ۶/۲ درصد و غیر روزانه ۱۱/۲ درصد و در کل ۱۷/۴ درصد بود. مصرف به صورت روزانه و غیر روزانه در مردان ۴۴/ ۷۸٪ به طور معنی‌دار بیشتر از زنان ۲۱/۵۶ ٪ بود. از این تعداد، ۳۵/۶۸ ٪ ، مصرف روزانه و ۶۴/۳۲ ٪، مصرف غیر روزانه داشتند. میانگین تعداد نخ سیگار روزانه ۵/۹±۷/۴ بود. میانگین سن شروع مصرف، در زنان

۱۹/۵و در مردان ۱۸ سال بود. ۳۰/۵ درصد از افراد، در طول یک سال گذشته، تلاش برای ترک مصرف سیگار داشتند. طبق نتایج، بیشترین علل شروع و ادامه مصرف دخانیات به ترتیب تفریح و سرگرمی، احساس لذت و فراموشی مشکلات بود.

نتیجه گیری: با توجه به شیوع بالای مصرف سیگار در جوانان و عوامل موثر بر شروع و ادامه مصرف سیگار، برنامه ریزی علمی و کاربردی متناسب با شرایط جهت پیشگیری و کنترل مصرف سیگار در جوانان، ضروری به نظر می‌رسد.

واژه های کلیدی: جوانان، زنان، سیگار، مردان

آگاهی از تغییرات وابسته به سن و عوامل موثر بر آن، در سالمندان و میانسالان شهرستان اسفراین در سال ۱۴۰۲

نرگس رفیعی[۱]، راضیه پیروزه[۲]، محبوبه محمودی‌منش[۲]، احمد صادقی[۲]، شریفه قادری[۲]، فهیمه نعمانی[۲]

۱-مرکز تحقیقات مدیریت سلامت و توسعه اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران

۲-کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران

چکیده

مقدمه: نسبت جهانی افراد مسن در حال افزایش است و این منجر به تعداد فزاینده‌ای از افرادی می‌شود که تغییرات مثبت و منفی مرتبط با سن را تجربه می کنند. افرادی که سالمندی خود را مثبت‌تر درک می‌کنند، در مقایسه با افرادی که تصورات منفی بیشتری نسبت به سالمندی دارند، از سلامت جسمی، روانی و شناختی بهتری برخوردارند، لذا با توجه به اهمیت موضوع، مطالعه حاضر با هدف بررسی آگاهی از تغییرات وابسته به سن و عوامل موثر بر آن، در میانسالان و سالمندان شهرستان اسفراین در سال ۱۴۰۲ انجام شد.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه توصیفی -تحلیلی۳۵۷ نفر از افراد ۵۰ ساله و بالاتر شهرستان اسفراین از نظر میزان آگاهی از تغییرات وابسته به سن در سال ۱۴۰۲ بررسی شدند. ابزار گرد آوری داده‌ها، پرسشنامه دو قسمتی شامل چک‌لیست مشخصات دموگرافیک و پرسشنامه استاندارد "آگاهی از تغییرات وابسته به سن" کاسپر و همکاران بود. دامنه امتیازات این پرسشنامه بین ۱۰ تا ۵۰ این پرسشنامه بوده و آگاهی از تغییرات وابسته به سن را در دو مولفه‌ی کلی "زیانهای آگاهی از تغییرات وابسته به سن" و "دستاوردهای آگاهی از تغییرات وابسته به سن" و در پنج حیطه رفتاری شامل "سلامت و عملکرد جسمی"، "عملکرد شناختی"، "روابط بین فردی"، "عملکرد اجتماعی_شناختی و اجتماعی _عاطفی" و "سبک زندگی و تعامل" می‌سنجد. دامنه امتیازات در هر یک از مولفه‌های دستاورد و زیان بین ۵ تا ۲۵ می‌باشد. پرسشنامه‌ها پس از تایید طرح توسط کمیته اخلاق و دریافت معرفی نامه رسمی از دانشکده علوم پزشکی اسفراین و با رضایت آگاهانه شرکت‌کنندگان در مطالعه جمع‌آوری شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS.26، روش‌های آمار توصیفی و آزمون‌های من‌ویتنی، کروسکال‌والیس و ضریب همبستگی اسپیرمن انجام شد.

یافته‌ها: میانگین سنی سالمندان ۸/۶۵ ± ۶۰/۲۹ سال، ۵۹/۷ درصد زن، ۷۸/۱ درصد شاغل، ۸۲/۹ درصد متاهل، ۴۳/۱ درصد بیسواد، ۵۵/۸ درصد زندگی با همسر و فرزند، و ۵۱/۵ درصد دارای وضع مالی متوسط بودند میانگین "آگاهی از تغییرات وابسته

به سن"، و مولفه‌های "دستاورد" و "زیان" بترتیب ۴/۳۴± ۳۳/۴۲، ۲/۳۱± ۱۷/۱۸، ۲/۷۹± ۱۶/۲۴ بود. در بین ابعاد، بیشترین و کمترین میانگین مربوط به حیطه‌های "روابط بین فردی" و "سلامت و عملکرد جسمی" بود. افراد تحصیلکرده در حیطه دستاورد امتیاز بالاتری داشتند. آگاهی از تغییرات وابسته به سن با متغیرهای سن، میزان تحصیلات، وضعیت تاهل، شغل، ترکیب زندگی، ترکیب فرزندان، و وضعیت سلامت رابطه آماری معناداری داشت ($P<0.05$). آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن نشان داد بین "آگاهی از تغییرات وابسته به سن" و سن افراد رابطه مستقیم و معناداری با یکدیگر دارند بطوریکه با افزایش سن، نمره "آگاهی از تغییرات وابسته به سن" هم افزایش پیدا می‌کند.

نتیجه‌گیری: با افزایش سن آگاهی افراد از تغییرات مثبت (دستاورد) و تغییرات منفی (زیان) که به دنبال بالا رفتن سن ایجاد می‌شود، افزایش می‌یابد. افرادی که به تنهایی زندگی می‌کنند، افرادی که از سواد کمتری برخوردارند، درگیر بیماری هستند، تنها زندگی می‌کنند و یا همسرشان را از دست داده‌اند، از نمره زیان بالاتری برخوردارند و جزو قشر حساس‌تر جامعه محسوب می‌شوند، لذا پیشنهاد می‌گردد مداخلات آموزشی و ارتقایی برای این قشر از افراد به منظور داشتن سالمندی سالم و خوب انجام شود.

واژه‌های کلیدی: آگاهی، تغییرات وابسته به سن، سالمندان، میانسالان

سنجش سواد سلامت وعوامل مرتبط با آن در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بم

علی شیبانی زاده[1]، میثم صادقی[1]، زهرا دلبوت[1]، صبا شیخعلی بابایی[1]، شیوا شیبانی زاده[2]، سجاد خسروی[2*]

۱-کمیته تحقیقات و فناوری دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

۲-گروه روانشناسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

۳-استادیار گروه مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

چکیده

مقدمه: از نگاه سازمان جهانی بهداشت (WHO)، سواد سلامت از مولفه های مهم زندگی سالم می باشد. از آنجایی که عواقب نامطلوب فقدان سواد سلامت در اقشار تحصیل کرده هزینه هایی را برای جامعه به همراه خواهد داشت، این پژوهش با هدف سنجش سواد سلامت و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بم انجام شده است.

ابزار و روش ها: این مطالعه توصیفی-تحلیلی به صورت مقطعی در سال ۱۴۰۲ انجام شده است. ۲۹۰ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بم به روش نمونه گیری طبقه ای وارد مطالعه شدند. جهت گردآوری داده ها از یک پرسشنامه مشخصات دموگرافیک و یک پرسشنامه با عنوان « پرسشنامه سنجش سواد سلامت بزرگسالان ایرانی (HELIA)» بهره برده شد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۸ از طریق آماره های توصیفی، آزمون تی مستقل و آزمون رگرسیون لجستیک تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج: میانگین سنی شرکت کنندگان ۲۴/۶ بود. ۵۷ درصد شرکت کنندگان جنس مونث بودند. میانگین نمره سواد سلامت کل دانشجویان ۶۱/۸۹ از ۱۰۰ بود. ۸/۷ ٪ دانشجویان سواد سلامت ناکافی، ۲۰/۳ ٪ سواد سلامت نسبتا ناکافی، ۴۲/۴ ٪ سواد سلامت کافی و ۲۸/۶ ٪ سواد سلامت عالی داشتند. سواد سلامت با متغیرهای مقطع تحصیلی و دانشکده محل تحصیل رابطه معنادار داشت ($p < 0/05$). هم چنین سابقه انجام حداقل دو طرح تحقیقاتی مصوب و وضعیت تاهل با سواد سلامت ارتباط معناداری داشت ($p < 0/05$) و دانشجویانی که حداقل دو طرح تحقیقاتی مصوب داشته اند یا متاهل هستند، از سواد سلامت بالاتری برخوردار بودند. یافته ها نشان دادند که متغیرهای جنس و استان محل تحصیل رابطه معناداری با میزان سواد سلامت افراد نداشتند.

نتیجه گیری: سواد سلامت حدود نیمی از دانشجویان در سطح مطلوب قرار دارد. نتایج این مطالعه نشان داد که دانشجویان دانشکده پزشکی از سواد سلامت بالاتری نسبت به دو دانشکده دیگر برخوردار هستند. باتوجه به اینکه دانشجویان غیر از دانشکده پزشکی نیز از همین دانشگاه فارغ التحصیل خواهند شد، لازم است با همکاری بخش های مختلف دانشگاه، زمینه برای افزایش سواد سلامت دانشجویان فراهم شود. همچنین می توان با هدف افزایش سواد سلامت قشر محصل جامعه در سطح کلان وزارتی هم برنامه هایی را برای این دانشجویان در سراسر کشور در نظر گرفت.

واژگان کلیدی: *سواد سلامت، دانشجویان علوم پزشکی، بم، ایران.*

شناسایی دلایل تمایل اندک به فرزندآوری در زنان دارای تحصیلات تکمیلی (PhD): یک مطالعه کیفی در ایران

علی شیبانی زاده۱، علیرضا زارع زاده۱، میثم صادقی۱، زهرا دلبوت۱ سعید میرزائی۲

نادیا ارومیه ای*۳

۱-دانشجوی کمیته تحقیقات و فناوری دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

۲-استادیار سیاست گذاری سلامت، مرکز تحقیقات بیماری های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران.

۳-استادیار سیاست گذاری سلامت، مرکز تحقیقات بیماری های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران. استان کرمان، شهرستان بم، بلوار خلیج فارس، پردیس دانشگاه علوم پزشکی، بم. ایران.

چکیده

مقدمه : به طور کلی می توان کشورها را براساس نرخ کلی زادولد و تفاوت های فرهنگی به دو گروه تقسیم نمود. گروه اول شامل اکثر کشور های اروپای غربی که نرخ زادولد آنها بالای ۱.۵ می باشند. این کشورها با تفکرات لیبرال، از سطح بالای برابری جنسیتی در خانواده و تسهیلات گسترده اجتماعی حامی خانواده بهره مند هستند. در حالی که کشورهای گروه دوم به طور مشترک نرخ زاد ولد کمتر از۱.۵، با ارزش های قوی خانواده هستند که خانواده و دولت دو نهاد منفک از هم تلقی شده و خدمات اجتماعی ضعیفی در دسترس خانواده ها وجود دارد. این کشورها سیاست های مختلفی را در جهت افزایش جمعیت در پیش گرفته اند که بسیاری از این سیاست ها نتیجه مطلوب را به همراه نداشته است. ایران یکی از این کشورهاست که علی رغم اتخاذ سیاست های افزایش فرزندآوری، شواهد حاکی از دستاورد اندک این سیاست ها بویژه در میان اقشار تحصیل کرده می باشد. لذا مطالعه حاضر باهدف تبیین دلایل تمایل اندک به فرزندآوری در زنان دارای تحصیلات تکمیلی انجام شده است.

مواد و روش ها : مطالعه حاضر یک مطالعه کیفی، موردی است. جامعه پژوهش، شامل کلیه زنان تحصیل کرده شهرستان های بم، کرمان، قزوین، شیراز و اصفهان با تعداد فرزند کمتر از نرخ جایگزینی می باشند. شیوه نمونه گیری این مطالعه، نمونه گیری هدفمند با استراتژی گلوله برفی است. نمونه پژوهش شامل کلیه زنان دارای تحصیلات تکمیلی بدون فرزند، یک یا دو فرزند بودند. ابزار جمع آوری داده، مصاحبه نیمه ساختارمند بود. در مجموع با تعداد ۴۶ مصاحبه، داده ها به اشباع رسید. جهت تحلیل داده ها از تحلیل محتوای قراردادی استفاده شد.

یافته ها : یافته های این پژوهش شامل ۸ کد اصلی متشکل از چالش های مرتبط با تحصیل و شغل، چالش های جسمی، دلایل شخصی، چالش های ساختاری، چالش های اقتصادی و مادی، چالش های اجتماعی، چالش های مرتبط با آینده، چالش های مرتبط با تغییرات پارادایمی می باشد و ۲۳ کدهای فرعی شامل مشغله های شغلی، ورود دیر هنگام به بازار کار، اولویت تحصیل در مقاطع تکمیلی، سن بالا و توان جسمی و روانی کمتر، مشکلات پزشکی فرزندآوری در سنین بالای ۳۵ سال، ترس

از دوران بارداری، ازدواج دیرهنگام، عدم تمایل درونی، کمبود خدمات رفاهی دانشگاهی در حمایت از فرزندآوری، نظام آموزشی بارویکرد تربیت نیروی انسانی، سیاست های فرزندآوری نامناسب، عدم حمایت کافی نظام سلامت از زنان و فرزندان، عدم ثبات هزینه ها، درآمد ناکافی هیئت علمی، عدم دسترسی به امکانات کافی، محیط اجتماعی نامناسب، عدم حمایت کافی جامعه از خانواده، نگرانی از آینده فرزند، امید اندک به آینده، شکاف بین نسلی، فرزندآوری کمتر به عنوان یک ارزش، تغییر مفهوم سوژگی فرزند، تغییر پاردایم معنای زندگی و هویت زن در جامعه امروز می باشند.

نتیجه گیری : یافته های این پژوهش حاکی از تاثیرات چالش های مختلف در تمایل زنان دارای تحصیلات تکمیلی به فرزندآوری می باشد. به نظر می رسد با انجام مداخلات کوتاه مدت مانند ارائه تسهیلات رفاهی، مداخلات میان مدت مانند بهبود شرایط اقتصادی و سیاستگذاری بلند مدت در زمینه اصلاح تغییرات پارادایمی، می توان موجبات افزایش تمایل به فرزندآوری را در بین اقشار تحصیل کرده جامعه ایران فراهم نمود. لازم به ذکر است باتوجه به محدودیت زمانی پنجره فرصت جمعیتی و اهمیت افزایش جمعیت در بافتار کنونی ایران، این موضوع نیازمند توجه ویژه سیاستگذاران و تصمیم گیران ملی، استانی و محلی می باشد.

واژه های کلیدی : *تمایل اندک به فرزندآوری، سیاست های پروناتالیست، زنان، تحصیلات تکمیلی، ایران.*

بررسی شیوع بیماری های واگیر و غیرواگیر در دانش آموزان شهر کرمانشاه در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱

لیلا جمشیدی[۱]، محمد کریمی پرویز [۲]، خدیجه جمشیدی[۳*]

۱-گروه علوم پایه، دانشکده علوم پایه، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

۲-گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی قم، قم، ایران.

۳-کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده تغذیه، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.

چکیده

مقدمه: هر سال با بازگشایی مدارس انواع بیماری های واگیر به ویژه برای دانش آموزان دبستانی از راه می رسد. تجمّع تعداد زیادی از دانش آموزان در محیط مدرسه، زمینه را برای فعّالیت بیماری هایی که در اثر عدم رعایت بهداشت به سرعت منتقل می یابند، فراهم می کند. این مطالعه با هدف بررسی شیوع بیماری های واگیر و غیرواگیر در بین دانش آموزان دبستانی شهر کرمانشاه در سال ۱۴۰۱ انجام شد.

روش کار: در این مطالعه مقطعی، ۴۶۰ دانش آموز دختر مقطع ابتدایی شهر کرمانشاه با روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. جمع آوری داده ها با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته که روایی و پایایی آن تأیید شد و بررسی پرونده سلامت دانش آموزان و سوابق پزشکی آنها از ابتدای مهر ماه ۱۴۰۱ تا پایان اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ انجام شد. داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS 22 و آزمون های آماری توصیفی آنالیز گردید.

یافته ها: شایع ترین بیماری های واگیر به ترتیب سرماخوردگی و فارنژیت (۵۲٪/۶)، پدیکلوزیس (۱۰٪/.)، پنومونی و عفونت ریه (۶٪/۹)، آنفولانزا (۶٪/۷)، گاستروانتریت (۱٪/۹)، کرونا (۱٪/۳)، آبله مرغان (۰٪/۴) و سایر بیماری ها (۲٪/۴) شناسایی شدند. در بیماری های غیرواگیر شایع ترین بیماری های مطالعه شده به ترتیب شامل عیوب انکساری چشم (۲٪/۲)، بیماری قلبی عروقی (۰٪/۸)، فقر آهن (۰٪/۴)، آسم (۰٪/۲)، سرطان (۰٪/۲)، کم کاری تیروئید (۰٪/۲) و صرع (۰٪/۲) بود.

نتیجه گیری: با توجه به شیوع بالای برخی بیماری ها در دانش آموزان و با توجه به اینکه تداوم این وضعیت باعث غیبت دانش آموزان از کلاس درس و اختلال در یادگیری و مهارت های دانش آموزان می شود، پیشگیری و درمان به موقع این بیماری ها اهمیت ویژه ای می یابد.

واژه های کلیدی: *بیماری های واگیر و غیرواگیر، دانش آموزان، مقطع ابتدایی*

بررسی شیوع پدیکلوزیس و عوامل مرتبط با آن در بین دانش آموزان دختر شهر کرمانشاه در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱

لیلا جمشیدی[۱]، محمد کریمی پرویز [۲]، خدیجه جمشیدی[۳*]

۱-گروه علوم پایه، دانشکده علوم پایه، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

۲-گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی قم، قم، ایران.

۳-کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده تغذیه، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.

چکیده

مقدمه و هدف: پدیکلوزیس (شپش سر) یکی از انواع بیماری های انگلی انسان است که به عنوان یک عامل مهم سنجش سطح بهداشتی در جامعه به کار گرفته می شود. لذا مطالعه حاضر جهت بررسی برخی عوامل مرتبط با اپیدمیولوژی پدیکلوزیس در دانش آموزان دختر ابتدایی شهر کرمانشاه در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱ انجام شد.

روش کار: مطالعه مقطعی حاضر بر روی ۴۶۰ دانش آموز دختر مقطع ابتدایی دوره اول یکی از مدارس شهر کرمانشاه یه صورت سرشماری انجام شد. دانش آموزان در طول سال تحصیلی ۳ بار (ابتدای فصل پاییز، زمستان و بهار) توسط مربیان آموزش دیده و با استفاده از ابزارهایی چون ذره بین و پنس مورد بررسی قرار گرفتند. گردآوری داده ها با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته که روایی و پایایی آن تأیید شد، انجام شد. داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS 22 و آزمون های آماری توصیفی و تحلیلی آنالیز گردید ($P<0/05$).

یافته ها: شیوع پدیکلوزیس در سه فصل پاییز، زمستان و بهار ۴۶ نفر (۱۰٪) و میانگین عود بیماری ۱۷ نفر (۳۷/۷٪) بود. از نظر آماری تفاوت معناداری بین آلودگی به پدیکلوزیس و متغیرهای میزان تحصیلات والدین، میزان آگاهی دانش آموزان و والدین و تعداد فرزندان خانواده وجود داشت ($P<0/05$). همچنین از نظر آماری رابطه معناداری بین آلودگی به پدیکلوزیس و پایه تحصیلی و وضعیت اشتغال پدر و مادر وجود نداشت ($P>0/05$).

نتیجه گیری: یافته های مطالعه حاضر نشان دهنده نقش آموزش والدین و آموزگاران توسط مربیان دوره دیده، در راستای بهبود بهداشت فردی و عمومی به منظور کاهش ابتلا به پدیکلوزیس در بین دانش آموزان می باشد.

کلمات کلیدی: *شیوع پدیکلوزیس، دانش آموزان، مقطع ابتدایی*

بررسی تأثیر مداخله آموزشی بر وضعیت نمایه توده بدنی (BMI) دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر کرمانشاه در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱

لیلا جمشیدی[۱]، خدیجه جمشیدی[۲*]

۱-گروه علوم پایه، دانشکده علوم پایه، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

۲-کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده تغذیه، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: چاقی و اضافه وزن دوران کودکی در بسیاری از جوامع از جمله کشور ما از شیوع فزاینده‌ای برخوردار است. هدف این مطالعه بررسی تأثیر مداخله آموزشی بر وضعیت نمایه توده بدنی دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر کرمانشاه در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بود.

مواد و روش ها: پژوهش حاضر یک مطالعه مداخله ای است و ابزار گردآوری داده ها چک لیست محقق ساخته بود که در آن مشخصات دموگرافیک دانش آموزان ثبت و قد (m) و وزن (kg) آنها اندازه گیری شد و نمایه توده بدنی (kg/m2) محاسبه گردید. در این مطالعه تعداد ۸۵۵ دانش آموز (۴۹۱ پسر و ۳۶۴ دختر) مقطع ابتدایی دوره اول مورد بررسی قرار گرفتند. بر اساس نمودار قد برای سن سازمان جهانی بهداشت امتیاز قد کمتر از (۳-) کوتاه قدی شدید، بین (۳- و ۲-) کوتاه قدی، بین (۳+ و ۲-) طبیعی و بالاتر از (۳+) بلند قدی شدید می باشد. همچنین بر اساس نمودار استاندارد نمایه توده بدنی WHO امتیاز BMI کمتر از (۳-) لاغری شدید، بین (۳- و ۲-) لاغری، بین (۲+ و ۲-) طبیعی، بین (۳+ و ۲+) اضافه وزن و بالاتر از (۳+) چاقی می باشد. اندازه گیری اولیه قد و وزن در مهر ماه سال ۱۴۰۱ انجام شد و سپس مداخله آموزشی (توسط کارشناس تغذیه و کارشناس تربیت بدنی) به مدت ۸ ماه انجام شد و سپس اندازه گیری مجدد قد و وزن در اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۲ انجام شد. داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS 22 و آزمون های آماری توصیفی و تحلیلی آنالیز گردید (P<0/05).

یافته ها: میانگین نمایه توده بدنی دانش آموزان (۱۷/۳±۲/۲) بود. میانگین نمایه توده بدنی دانش آموزان دختر (۱۷/۳±۷/۴) به صورت معناداری بالاتر از میانگین نمایه توده بدنی دانش آموزان پسر (۱۶/۳±۷) بود (P<0/05). در ابتدای مطالعه از نظر وضعیت قد ۷ نفر (۰/۸٪) دانش آموزان کوتاه قد و مابقی ۸۴۸ نفر (۹۹/۲٪) نرمال بودند. از نظر وضعیت توده بدنی ۱۲ نفر (۱/۴٪) لاغری شدید، ۲۸ نفر (۳/۳٪) لاغر، ۸۶ نفر (۱۰٪) اضافه وزن، ۳۱ نفر (۳/۶٪) چاق و ۶۹۸ نفر (۸۱/۶٪) نرمال بودند. نتایج بدست آمده بعد از ۸ ماه مداخله آموزشی نشان داد که بطور کلی مداخلات صورت گرفته باعث ایجاد تغییرات مثبت گردیده بطوریکه در مرحله دوم تعداد دانش آموزان کوتاه قد به ۲ نفر (۰/۲٪) کاهش یافت (P<0.05). همچنین در مرحله دوم میانیگن نمایه توده بدنی دانش آموزان (۱۶/۲±۳) بود. از نظر وضعیت توده بدنی ۹ نفر (۱٪) لاغری شدید، ۱۲ نفر (۱/۴٪) لاغر، ۴۴ نفر (۵/۱٪) اضافه وزن، ۳۲ نفر (۳/۷٪) چاق و ۷۵۸ نفر (۸۸/۷٪) نرمال بودند (P<0.05).

نتیجه گیری: یافته ها نشان می دهد مداخله آموزشی شامل آموزش تغذیه سالم و تحرک بدنی روزانه و استمرار آن می تواند موجب بهبود وضعیت نمایه توده بدنی دانش آموزان شود.

واژه های کلیدی: *مداخله آموزشی، نمایه توده بدنی، دانش آموزان، مقطع ابتدایی*

بررسی وضعیت نمایه توده بدنی (BMI) دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر کرمانشاه در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱

لیلا جمشیدی[۱]، خدیجه جمشیدی[۲*]

۱-گروه علوم پایه، دانشکده علوم پایه، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

۲--کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده تغذیه، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.

چکیده

مقدمه: نمایه توده بدنی در سنجش سلامت افراد یک جامعه کاربرد دارد. تعیین این شاخص برای برنامه ریزی جهت سنجش سلامت به ویژه برای دانش آموزان یک ضرورت است. هدف این مطالعه بررسی وضعیت نمایه توده بدنی دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر کرمانشاه در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بود.

روش کار: پژوهش حاضر یک مطالعه مقطعی است و ابزار گردآوری داده ها چک لیست محقق ساخته است که در آن مشخصات دموگرافیک دانش آموزان ثبت و قد (m) و وزن (kg) آنها اندازه گیری شد و نمایه توده بدنی (kg/m2) محاسبه گردید. در این مطالعه تعداد ۱۱۵۱ دانش آموز (۳۶۴ دختر و ۷۸۷ پسر) مقطع ابتدایی دوره اول مورد بررسی قرار گرفتند. بر اساس نمودار قد برای سن سازمان جهانی بهداشت امتیاز قد کمتر از (۳-) کوتاه قدی شدید، بین (۳- و ۲-) کوتاه قدی، بین (۳+ و ۲-) طبیعی و بالاتر از (۳+) بلند قدی شدید می باشد. همچنین بر اساس نمودار استاندارد نمایه توده بدنی WHO امتیاز BMI کمتر از (۳-) لاغری شدید، بین (۳- و ۲-) لاغری، بین (۲+ و ۲-) طبیعی، بین (۳+ و ۲+) اضافه وزن و بالاتر از (۳+) چاقی می باشد. تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ انجام شد.

یافته ها: میانیگن تعداد دانش آموزان پسر (۶۸٪/۴) و دختر (۳۱٪/۶) بود. میانگین نمایه توده بدنی دانش آموزان (۹/۹±۱۶/۲) بود. میانگین نمایه توده بدنی دانش آموزان پسر (۲/۵±۱۶/۲) و دختر (۷/۴±۱۷/۳) بود. از نظر وضعیت قد ۱۱ نفر (۱٪) از دانش آموزان کوتاه قد و مابقی ۱۱۴۰ نفر (۹۹٪) نرمال بودند. از نظر وضعیت نمایه توده بدنی ۱۴ نفر (۱٪/۲) لاغری شدید، ۴۴ نفر (۳٪/۸) لاغر، ۱۱۵ نفر (۱۰٪) اضافه وزن، ۴۵ نفر (۳٪/۹) چاق و ۹۳۳ نفر (۸۱٪) نرمال بودند.

نتیجه گیری: دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر کرمانشاه از نظر اضافه وزن و چاقی در درجه بالایی قرار دارند و لازم است برای پیشگیری و کنترل این مشکل مداخلات موثر طراحی و اجرا گردد.

واژه های کلیدی: *نمایه توده بدنی، دانش آموزان، مقطع ابتدایی، کرمانشاه*

آیا نوع مصرف میان وعده های غذایی کارکنان بیمارستانهای آموزشی دانشکده علوم پزشکی شوشتر، در کاهش استرس شغلی موثر است؟

فاطمه رضائی[۱]، الهام پیرعباسی [۲]، اعظم جهانگیری مهر[۲]، مریم فیض عارفی[۳]

۱-کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی/ گروه اپیدمیولوژی و آمارزیستی/دانشکده بهداشت/دانشگاه علوم پزشکی اصفهان/ اصفهان/ ایران

۲-دکترای تغذیه و رژیم درمانی، گروه تغذیه/ دانشکده علوم پزشکی شوشتر/ شوشتر/ ایران

۲-کارشناسی ارشد آمارزیستی/گروه بهداشت عمومی/ دانشکده علوم پزشکی شوشتر/ شوشتر/ ایران

۳-کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای/ گروه بهداشت حرفه ای/دانشکده بهداشت/ دانشگاه علوم پزشکی گناباد/ گناباد/ ایران

*نویسنده مسئول: الهام پیرعباسی

چکیده

مقدمه: استرس میتواند بر رفتار های تغذیه ای افراد اثر گذار باشد. لذا این مطالعه با هدف بررسی نقش مصرف میان وعده های غذایی در کاهش استرس شغلی بین کارکنان بیمارستان های آموزشی دانشکده علوم پزشکی شوشتر انجام شده است.

مواد و روش ها: این مطالعه مقطعی در سال ۱۴۰۰ در بیمارستان های الهادی و خاتم الانبیا شهر شوشتر انجام شد. مجموع ۱۳۰ نفر (۹۵ زن و ۳۵ مرد) از کارکنان درمانی و اداری در این مطالعه به صورت سرشماری وارد مطالعه شدند. جهت جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه استرس شغلی [Health and Safety Executive (HSE)] و چک لیست بسامد تغذیه ای استفاده شد. تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار spss نسخه ۲۲ با سطح معنی داری ۵ درصد انجام شد.

یافته ها: ۷۳/۱ درصد شرکت کنندگان زن و ۲۶/۹ درصد مرد بودند. میانگین سن افراد ۳۷ سال و میانگین سابقه کار ۱۱/۵ سال بود. ۹۳/۱ درصد لیسانس بودند. ۸۶/۲ درصد شرکت کنندگان در بخش های درمانی و ۱۳/۸ درصد در بخش اداری مشغول بودند. ۲۸/۵ درصد کارکنان روز کار، ۳/۸ درصد شب کار و ۶۷/۷ درصد چرخشی بودند. نتایج نشان داد پرسنل درمانی (۱۰/۸۱ ± ۱۲۱/۴۵) در مقایسه با پرسنل اداری استرس شغلی بیشتری تجربه می کنند. در شرکت کنندگانی که شیفت کاری آنها به صورت شب کار بود استرس شغلی بالاتری وجود داشت (۳/۹۲ ± ۱۲۰). همچنین مصرف میان وعده هایی نظیر بیسکوییت کرمدار و کاپوچینو ($p < ۰/۰۵$) باعث افزایش استرس شغلی در پرسنل بیمارستانی می شود.

نتیجه گیری: با توجه به افزایش میزان استرس شغلی در کارکنان بیمارستان بالاخص پرسنل زن شاغل در بخش های درمانی بیمارستان و نقش تغذیه سالم در بهبود سبک زندگی سالم لازم است به طور همزمان آموزش تغذیه و آموزش بهداشت به صورت کارگاه های مکرر و متناوب در بیمارستانها برگزار گردد.

واژه های کلیدی: *میان وعده غذایی، استرس شغلی، بسامد تغذیه ای*

بررسی دلایل عدم تاثیرگذاری پیام رسانه ی تلویزیون در هنگام سیل برق آسا در ساکنین شهر یزد

مجتبی فتاحی اردکانی[1]،صادق کاظمی[2]، ولی بهره ور[3]

۱-معاونت آموزشی،دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد،ایران

۲-مرکز تحقیقات تاب آوری در بلایا، جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ،تهران،ایران

۳-دبیرخانه سلامت و امنیت غذایی استان، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد،ایران

چکیده

مقدمه: رسانه ها نقش بسیار مهمی در ارتقای سواد سلامت جامعه را برعهده دارند. یکی از نقش های رسانه ها، آشنایی مردم با احتمالات خطر و آماده سازی آنها جهت مواجهه با بحران و در نهایت کاهش تاثیر بحران بر جامعه است، می باشد. یکی از دلایل ایجاد خسارات فراوان جامعه از سیل برق آسا، عدم درک صحیح خطر بود. لذا این مطالعه با هدف تبیین عدم تاثیرگذاری پیام رسانه ی تلویزیون در مواجهه با سیل برق آسا در ساکنین شهر یزد انجام گردید.

مواد و روش ها: این مطالعه کیفی به روش تحلیل محتوی در سال۲۰۲۲ در دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی در شهر یزد با مشارکت ۲۲ نفر از ساکنین شهر یزد که سابقه ی تماشای تلویزیون استانی در هنگام سیل برق آسا داشتند انجام گردید. شرکت کنندگان به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. ابزار گرداوری داده ها مصاحبه فردی نیمه ساختار یافته با سوالات باز پاسخ در موضوع پیام های ارسال شده در خصوص سیل برق اسا در شهر یزد بود. نمونه گیری هدفمند تا اشباع داده ها ادامه یافت. مصاحبه ها به زبان فارسی انجام شد و با رضایت شرکت کنندگان به صورت صوتی ضبط شد. مصاحبه ها کلمه به کلمه رونویسی و با اولین مصاحبه آنالیز داده ها شروع گردید.آنالیز داده های کیفی به روش هفت مرحله ای کلایزی انجام شد.

یافته ها: مصاحبه با ۱۴نفر مرد و ۸ نفر زن که سابقه ی تماشای تلویزیونی استان یزد داشتند انجام گردید. ۴ از نفر از مشارکت کنندگان تحصیلات ابتدایی، ۵نفر زیردیپلم، ۴نفر دیپلم،۶نفر کارشناسی، ۳نفر کارشناسی ارشد داشتند. تجزیه و تحلیل داده ها منجر به یک درون مایه ی کیفیت پیام و ۵ طبقه ی ۱-زمان پخش پیام ۲-محتوی پیام ۳-اعتماد به رسانه ۴-عدم برانگیزش حساسیت، ۱۲زیر طبقه و ۴۸کدگردید.

نتیجه گیری: تاثیرگذاری پیام به عوامل متعددی بستگی دارد. نتایج نشان می دهد عدم پیش بینی های صحیح آب و هوا، عدم توجه به اهمیت خطر از سوی رسانه، عدم پخش پیام مرتبط با خطر در زمانهای پربیننده، استفاده از پیامهای معمولی و همچنین

درتیتر قرارندادن پیام خطر در اخبار استانی در کاهش تاثیرگذاری پیام موثر بوده اند. لذا توجه به موارد فوق می تواند در ایجاد حساسیت و اقناع گیرندگان تاثیرگذار باشد.

کلمات کلیدی: *رسانه همگانی، مطالعه ی کیفی، سیل ناگهانی، درک خطر*

بررسی تاثیر تغییرات آب و هوایی بر سلامت سالمندان: مرور دامنه ای

نسیبه زنجری[۱]، پریسا ملائی[۲]

۱-مرکز تحقیقات سالمندی، دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی، تهران، ایران

۲-مرکز تحقیقات سالمندی، دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی، تهران، ایران

چکیده

زمینه و هدف: افزایش سریع سن و تغییرات آب و هوایی خصوصا گرم شدن کره زمین، دو چالش بزرگ جهانی قرن بیست و یکم است. اگر تغییرات آب و هوایی به سرعت و به اندازه کافی پاسخ داده نشود، زندگی و معیشت را به سرعت تحت تاثیر قرار خواهد داد. سالمندان یکی از گروه های آسیب پذیر در برابر تغییرات آب و هوایی هستند و این در حالی است که جمعیت این گروه سنی به سرعت در حال افزایش است و واکنش این گروه جمعیتی نسبت به تغییرات آب و هوایی، علاوه بر تغییرات عملکرد فیزیولوژیکی، به دلیل ویژگی های اجتماعی و اقتصادی مانند فقر، سطح تحصیلات پایین، کمبود یا نبود خانواده و شبکه های اجتماعی، تشدید میشود. بنابراین مطالعه حاضر به منظور شناسایی و توصیفی از اثرات تغییرات آب و هوایی بر سلامت سالمندان انجام شده است.

روش بررسی: این مطالعه مروری مختصر، با جستجوی جامع در پایگاه های اطلاعاتی الکترونیکی اسکوپوس، پابمد و وب آف ساینس با استفاده از کلید واژه های "سالمند"، "سالمندان"، " افراد مسن" ، "سلامتی" و "تغییرات آب و هوایی" به زبان انگلیسی انجام شد. مقالات مربوط به سال های ۲۰۱۴ تا فوریه ۲۰۲۳ با پیروی از دستورالعمل های تدوین شده در پریزما؛ موارد ترجیحی در گزارشات مقالات مروری منظم و فراتحلیل برای مرور دامنه ای (PRISMA-ScR18)، مورد بررسی قرار گرفت. مطالعاتی که دارای متن کامل بودند و به زبان انگلیسی چاپ شده بودند و جمعیت مورد مطالعه افراد بالای ۶۰ سال بودند، وارد مطالعه گردید و مطالعات شبیه سازی شده از مطالعه حذف شدند. نتایج جستجوی مطالعات به نرم افزار EndNote X8 وارد شد پس از حذف موارد تکراری، . مطالعات توسط اعضای تیم تحقیقاتی در دو مرحله غربالگری و بررسی شدند. جستجو در تمام پایگاه داده ها ۱۵۹۶ نتیجه را به همراه داشت. از این تعداد ۴۵۶ مقاله تکراری بودند و از مطالعه حذف شدند و در نهایت 15 مقاله با هدف مطالعه حاضر همخوانی داشت که در تجزیه و تحلیل گنجانده شدند. و سپس استخراج داده ها توسط دو محقق، با استفاده از فرم استخراج داده های از پیش طراحی شده برای ثبت جزئیات مطالعه، انجام شد.

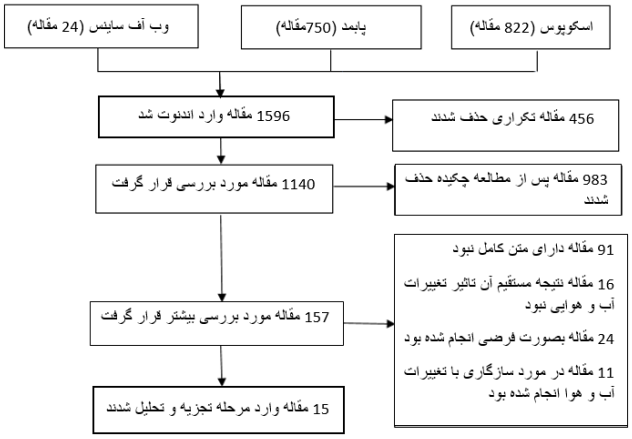

نمودار ۱. فرآیند انتخاب و غربالگری مطالعات

یافته ها: تمام ۱۵ مورد مطالعه انتخاب شده به شکل مقاله بودند و طراحی مطالعات به شکل ذیل بود: ۱۳ مطالعه کمی (کوهورت گذشته نگر: ۴ مورد، کوهورت آینده نگر: ۱ مورد، توصیفی- مقطعی: ۷ مورد، اشاره نشده: ۱ مورد)، مطالعه کمی-کیفی (میکس متد): ۱ مورد، مطالعه مرور مختصر: ۱ مورد. جمعیت مورد بررسی در مطالعات، افراد بالای ۶۰ سال بودند که تغییرات آب و هوایی را در کشور های مختلف تجربه کرده بودند.

تاثیر تغییرات آب و هوایی بر سلامت سالمندان در جدول شماره ۲ آمده است. نتایج این مطالعه نشان داد با اینکه بیشترین تاثیر منفی تغییرات آب و هوایی بر سلامت جسمی سالمندان است، ابعاد سلامت روانی و اجتماعی سالمندان نیز تحت تاثیر قرار میگیرد. تغییرات آب و هوایی باعث افزایش شیوع بیماری های قلبی عروقی، کلیوی، تنفسی، اضطراب، افسردگی، کاهش فعالیت های روزمره، افزایش بستری در بیمارستان و افزایش مرگ و میر میشود. و افزایش دما نسبت به سایر تغییرات آب و هوایی بیشترین تهدید برای سلامت سالمندان است.

جدول ۱. تاثیر تغییرات آب و هوایی بر سلامت سالمندان

سلامت جسمی	بیماری های قلبی عروقی (سکته قلبی، فشار خون) ، بیماری های کلیوی و اختلال در مایع و الکترولیت بدن ، سکته مغزی، مشکلات تنفسی و ظرفیت هوازی ، افزایش میزان بستری شدن در بیمارستان، از هوش رفتن، سردرد، سرگیجه، گرمازدگی، مشکلات خواب و خستگی، آفتاب سوختگی، اختلال در انجام فعالیت های روانه (ADL, IADL)، افزایش خطر مرگ و میر.
سلامت روانی	شوک، ضربه، استرس، اضطراب و افسردگی، اختلال استرس پس از سانحه ((PTSD، اختلال فوبی، اختلالات مصرف مواد، افزایش خودکشی یا پرخاشگری، اختلالات شناختی.

سلامت اجتماعی	اختلال در مشارکت در اجتماع و فعالیت های بیرون از منزل، کاهش انجام فعالیت های اوقات فراغت مانند باغبانی.

نتیجه گیری: تغییرات آب و هوایی خصوصا افزایش دما، بیشترین تاثیر منفی بر سلامت جسمی سالمندان دارد. با توجه به اینکه اثرات بحران تغییرات آب و هوایی بر سلامت سالمندان تا حدود زیادی آشکار شده است، نیاز به توجه بیشتری در زمینه پایداری زیست محیطی، ایجاد سیاست های مداخله ای بهداشت عمومی، ایجاد استراتژی های انطباقی هنگام قرار گرفتن در معرض دمای شدید برای سالمندان وجود دارد.

واژه های کلیدی: *سالمند، سالمندی، افراد مسن، سلامتی، تغییرات آب و هوایی*

بررسی تعیین‌کننده‌های غربالگری سرطان دهانه رحم: مطالعه‌ای مبتنی بر چارچوب حوزه نظریه‌ای

زهرا صبوحی[۱]، زاهده خوش نظر[۲]، زهرا امیریان[۲]، پردیس زارع پور[۳]، فاطمه یوسفی[۲]، پریسا حسینی کوکمری[۴]

۱-دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

۲-کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ساوه، ساوه، ایران

۳-دانشجوی کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۴-استادیار آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ساوه، ساوه، ایران

چکیده

مقدمه : یکی از چالش‌های مهم بهداشت جهانی، سرطان دهانه رحم است، رویکردهای استاندارد برای تشخیص زودهنگام، غربالگری زنان از طریق (پاپ اسمیر) و انجام آزمایش ویروس پاپیلومای انسانی است. مشارکت منظم در برنامه غربالگری بسیار کلیدی است، در واقع تشخیص زودهنگام سرطان دهانه رحم از طریق پاپ اسمیر در کاهش عوارض و مرگ و میر آن بسیار مهم است به‌طوری که تقریباً ۵۰ تا ۹۰ درصد از زنانی که به سرطان دهانه رحم مبتلا شده‌اند یا در اثر این بیماری فوت کرده‌اند هرگز غربالگری نشده‌اند. از این رو، شناسایی موانع و تسهیل‌کننده‌های انجام تست غربالگری در جهت خودمراقبتی زنان هدف مطالعه حاضر قرار گرفته است.

مواد و روش ها: مطالعه مقطعی حاضر در بهار ۱۴۰۲ در بین ۲۰۰ نفر از زنان مراجعه کننده به مراکز جامع سلامت شهرستان ساوه به انجام رسیده است. نمونه‌گیری به‌صورت تصادفی از سامانه سیب و پرونده خانوار مراجعان انجام یافت. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه عوامل تعیین کننده غربالگری سرطان دهانه رحم بر اساس چارچوب حوزه نظریه‌ای با ابعاد آگاهی، تهدید درک شده، اولویت، حافظه، مهارت، منابع، احساس، کنترل رفتاری درک شده، تأثیرات اجتماعی، باور در مورد پیامدها، قصد و تنظیم رفتاری بوده است. در مطالعه اصلی پرسشنامه در دوازده بعد و در کل، پایایی بالای ۰/۸را به دست آورده است. در مطالعه حاضر نیز روایی صوری و محتوایی و پایایی ابزار مورد بررسی قرار گرفت و ابزار ویژگی‌های روان‌سنجی مناسبی را نشان داد. جهت آنالیز داده‌ها از نرم افزار spss 16 استفاده شد.

یافته‌ها: میانگین سنی شرکت کنندگان در مطالعه ۳۵ سال می‌باشد. ۴۴ درصد از شرکت کنندگان اظهار داشته‌اند که تست پاپ اسمیر را به‌طور نامنظم انجام داده‌اند و ۱۷.۴ درصد هیچ وقت تست انجام نداده‌اند. ۶۰ درصد معاینه زنانگی منظمی نداشتند که ۲۱ درصد دلیل عدم مراجعه را نداشتن نشانه‌های بیماری عنوان کرده‌اند. میانگین سازه‌های چارچوب حوزه نظریه‌ای دامنه‌ای

از ۸.۶۷ تا ۱۲.۴۵ به دست آمد. بیشترین میانگین مربوط به الویت دادن، حافظه و یادآوری، زمینه و منابع بوده است. بر اساس رگرسیون لوجستیک انجام شده هر دوازده سازه چارچوب حوزه نظریه‌ای در پیش‌بینی انجام عدم تست پاپ اسمیر زنان تأثیر داشتند و در کل مدل قادر به پیش‌بینی ۶۶ درصد از رفتار تست پاپ اسمیر بود.

نتیجه گیری: سرطان دهانه رحم به شرط تشخیص زودهنگام و مدیریت موثر، یکی از قابل پیشگیری‌ترین انواع سرطان است شناسایی موانع و تسهیل کننده‌های انجام تست غربالگری برای پیشگیری از سرطان دهانه رحم، طراحی برنامه‌های آموزشی در جهت خودمراقبتی برای پیشگیری را در پی خواهد داشت.

واژه های کلیدی: *غربالگری، سرطان دهانه رحم، چارچوب حوزه نظریه‌ای*

بررسی باورهای مرتبط با انتخاب نوع زایمان در مادران باردار مراجعه کننده به مراکز جامع سلامت شهرستان ساوه

زاهده خوش نظر[۱۹]، آیدا حسینی[۲۰]، پریسا حسینی کوکمری[۲۱]

۱۹-دانشجوی کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، کمیته تحقیقات و فناوری دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲۰-کمیته تحقیقات و فناوری دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ساوه، ساوه، ایران

۲۱-استادیار گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ساوه، ساوه، ایران

چکیده

مقدمه: سزارین به دلایل مختلفی در بسیاری از جوامع به طور مداوم در حال افزایش است .آمار سزارین در ایران به ۵۰-۶۰ درصدکه ۳-۴ برابر میزان استاندارد جهانی است می‌رسد. ترویج زایمان طبیعی وکاهش تعداد زایمان سزارین در تمام سطوح نظام سلامت کشور مورد توجه سیاست‌گذران سلامت کشور است. بیشتر افراد جامعه از رفتارهای بهداشتی تبعیت نمی‌کنند پس انتخاب یک مدل اولین گام در فرآیند برنامه‌ریزی برای تبیین دلایل این رفتارهاست .از این رو شناسایی عوامل موثر در انتخاب نوع زایمان بر اساس الگوی اعتقاد بهداشتی هدف این مطالعه قرار گرفته است.

روش جستجو: مطالعه مقطعی تحلیلی حاضر در سال ۱۴۰۱ بین ۱۴۴ نفر از مادران باردار مراجعه کننده به مراکز جامع سلامت شهرستان ساوه به انجام رسید. از مادران باردار که حائز شرایط شرکت در مطالعه بودند خواسته شد تا پرسشنامه طراحی شده مبتنی بر سازه‌های مدل اعتقاد بهداشتی جهت تعیین باورهای مرتبط با نوع زایمان انتخابی را در زمان حضور خود جهت دریافت خدمات در مراکز پر کنند. سوالات پرسشنامه شامل اطلاعات دموگرافیک، آگاهی، حساسیت و شدت درک شده، موانع و مزایای درک شده، خودکارآمدی و قصد رفتاری بودند. سازندگان ابزار، پایایی کل آن را ۰/۸۴ گزارش کرده‌اند. داده‌های جمع آوری شده توسط نرم افزار spss16و با استفاده از روش‌های آماری توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد و فراوانی) و تحلیلی (تی مستقل، رگرسیون لوجستیک) مورد آزمون قرار گرفتند.

یافته‌ها: میانگین سنی شرکت کنندگان در این مطالعه ۲۹/۱۸ و میانگین سن ازدواج در این گروه ۲۰/۱۱ به‌دست آمده است. از ۱۴۴ نفر شرکت کننده در مطالعه ۷۵ نفر روش طبیعی و ۶۹ نفر سزارین را به‌عنوان روش ترجیحی زایمان خود انتخاب کردند.

دو گروه از لحاظ متغیر آگاهی تفاوت معناداری نداشتند؛ در سازه‌های مدل اعتقاد بهداشتی حساسیت درک شده با میانگین ۱۸/۷۶، شدت درک شده با میانگین ۲۵/۳۰، منافع درک شده با میانگین ۸۱/۲۲ و خودکارآمدی با میانگین ۱۵/۶۹ در گروه زایمان طبیعی، موانع درک شده با میانگین ۵۶/۵۰ بیشترین میانگین را در در گروه زایمان سزارین داشتند. هم‌چنین دو گروه وضعیت اقتصادی- اجتماعی، وضعیت مسکن و وضعیت شغلی متفاوتی نیز با هم داشتند. بر اساس رگرسیون لوجستیک انجام شده، هر شش سازه مدل اعتقاد بهداشتی در پیش‌بینی نوع زایمان انتخابی زنان تأثیر داشتند و در کل مدل قادر به پیش‌بینی ۶۶ درصد از نوع زایمان انتخابی مادران باردار بود.

نتیجه گیری : با بررسی تعیین‌کننده‌های یک رفتار می‌توان شناخت بیشتری از نحوه تغییر رفتار و طراحی مداخلات بهتری در جهت اصلاح رفتار داشت. متخصصین سلامت در مراکز جامع سلامت می‌توانند با طراحی و اجرای مداخلات آموزشی با هدف بالا بردن سطح آگاهی مادران باردار و هم‌چنین تمرکز بر سازه‌های روان‌شناختی موثر در رفتار از جمله تقویت خودکارآمدی در زنان و رفع موانع مرتبط با زایمان طبیعی، زایمان‌های سزارین غیرضروری را کاهش دهند.

واژه های کلیدی: *زایمان- مدل اعتقاد بهداشتی - مادر باردار - مراکز جامع سلامت*

بررسی سواد سلامت و رفتار مرتبط با بهداشت دهان و دندان در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ساوه

امیرحسین قاسمی[۱و۳]، علی خالدیان[۱]، ملیکا معماری[۱]، عرشیا شمشیری[۱] ، پریسا حسینی کوکمری[۱و۴]

۱و۳-کمیته تحقیقات و فناوری دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ساوه، ساوه، ایران

۱و۴-استادیار گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ساوه، ساوه، ایران

چکیده

مقدمه: سواد سلامت دهان و دندان یک شاخه مهم از سواد سلامت است و تأثیر قابل توجهی بر سلامت دهان و دندان دارد. سازمان جهانی بهداشت آن را به عنوان یکی از عوامل تعیین کننده کلیدی سلامت دهان و دندان به رسمیت شناخته است. در هفتمین کنفرانس جهانی ارتقای سلامت که در سال ۲۰۰۹ در نایروبی، کنیا برگزار شد، برای اولین بار به طور خاص بر ارتقای سلامت دهان و دندان تأکید شد و سواد سلامت و رفتارهای بهداشتی به عنوان عوامل اساسی در ارتقای سلامت دهان و دندان معرفی شدند. با توجه به اهمیت این مفهوم، این مطالعه سواد سلامت را در بین دانشجویان علوم پزشکی به عنوان الگوهای بهداشتی آینده در جامعه بررسی می کند، که نقش کلیدی در افزایش سواد سلامت و رفتارهای پیشگیرانه در برابر بیماری های مختلف ایفا می کنند.

روش کار: مطالعه تحلیلی مقطعی حاضر در بین ۲۸۰ دانشجوی علوم پزشکی در ساوه در سال ۱۴۰۲ انجام شد. برای انتخاب شرکت کنندگان در این مطالعه از نمونه گیری تصادفی ساده استفاده شد. جمع آوری داده ها در دو بخش انجام شد: اطلاعات جمعیت شناختی شامل سن، جنس، وضعیت تأهل و محل سکونت، و بخش دوم شامل پرسشنامه سواد سلامت دهان و دندان بزرگسالان (AQOHL) با ۱۷ سوال و ضریب اعتبار ۰.۷۲ و پرسشنامه رفتار سهل انگاری دهان و دندان با ضریب اعتبار ۰.۷۱(DNS) بود. برای ورود و تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ استفاده شد.

یافته ها: از ۲۸۰ نفر شرکت کننده در مطالعه، زن (۶۴.۳٪) و مرد (۳۵.۷٪) بودند. اکثریت آنها مجرد (۸۹.۴٪) با میانگین سنی ۲۲.۲۳ سال بودند. اکثر آنها از خانواده های کوچک (۵۲.۰٪) آمده بودند و در خوابگاه ها زندگی می کردند (۸۸.۰٪). اکثر دانشجویان (۶۸.۲۵٪) سواد سلامت دهان و دندان خوبی داشتند. طبق تجزیه و تحلیل همبستگی پیرسون، همبستگی معنی داری ($p<0.05$) بین سواد سلامت دهان و دندان دانشجویان و سهل انگاری دهان و دندان با ضریب همبستگی ۰.۲۳ وجود داشت.

نتیجه گیری: نتایج به دست آمده در این مطالعه نشان می دهد که دانشجویان دانش و درک کافی از مفاهیم سلامت دهان و دندان دارند که آنها را قادر می سازد تصمیمات آگاهانه بگیرند و در شیوه های مراقبت از دهان و دندان که سلامت دهان و دندان را ارتقا می دهد و از بیماری های دندانی پیشگیری می کند، شرکت کنند. سواد سلامت دهان و دندان برای بهبود سلامت دهان و دندان، پیشگیری از بیماری های دندانی و توانمندسازی افراد برای تصمیم گیری آگاهانه در مورد مراقبت از دهان و دندان بسیار مهم است. بررسی سواد سلامت دهان و دندان و رفتارهای سهل انگاری دهانی در بین دانشجویان به شناسایی اولویت های پیشگیری از سلامت کمک می کند و امکان برنامه ریزی و اجرای مداخلات آموزشی هدفمند متناسب با سطح سواد سلامت گروه هدف را فراهم می کند .

واژه های کلیدی: *سواد سلامت، رفتار بهداشت دهان و دندان، دانشجو*

تبیین چالش ها و موانع واکسیناسیون کووید ۱۹ در کودکان سنین ۵ تا ۱۲ سال: یک مطالعه کیفی

فاطمه خالدیان [۱]، طاهره پاشایی [۲]، افشین بهمنی [۳]

۱-دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت ، گروه بهداشت عمومی،دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران.

۲-دانشیار، گروه بهداشت عمومی،دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران. (نویسنده مسئول).

۳-استادیار، گروه بهداشت عمومی،دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران.

زمینه و هدف: سازمان بهداشت جهانی بهترین استراتژی مقابله با بیماری کووید۱۹ و پیامدهای ناشی از آن را، پیشگیری از بروز و انتشار بیماری معرفی نمود و براین اساس واکسیناسیون را ایمن ترین راه کنترل پاندمی کووید۱۹ اعلام نمود. واکسیناسیون کووید ۱۹ در کودکان موضوعی چالش‌برانگیز و مورد اختلاف نظر در سراسر دنیا است. علیرغم دسترسی و صدور مجوز مصرف از بهمن ماه ۱۴۰۱ در ایران، استقبال از واکسن چندان مطلوب نبوده است.این مطالعه درصدد شناسایی موانع و چالشهای پیش روی مادران در واکسیناسیون کودکان در مقابل بیماری کووید ۱۹ می باشد.

مواد و روش‌ها: مطالعه حاضر با رویکردکیفی در سال ۱۴۰۲ در شهر سنندج انجام شد. مشارکت‌کنندگان ۱۷ نفر از مادران تحت پوشش مراکز جامع سلامت بودند که به روش هدفمند وارد مطالعه شدند. معیارهای ورود به مطالعه شامل: داشتن فرزند ۱۲-۵ سال ، فقدان بیماری یا دلایل منع واکسیناسیون در کودک، عدم واکسیناسیون کودک در برابر کووید ۱۹ بود. داده ها با مصاحبه نیمه ساختارمند جمع‌آوری و به روش تحلیل محتوی با کمک نرم افزار MAXQDA آنالیز شد.

یافته‌ها: میانگین سنی شرکت کنندگان ۴/۸±۴۴/۱۷سال بود اکثریت شاغل، دارای تحصیلات کارشناسی و تاریخچه مثبت ابتلا به کووید-۱۹ بودند. بیشترین فراوانی تعداد فرزندان و جنسیت به ترتیب ۲ فرزند و پسر بود. تحلیل یافته ها منجر به شناسایی چالش ها و موانع در قالب ۱۲۲ کد نهایی شد که در ۶ طبقه اصلی شامل: بی‌اعتمادی، اطلاعات وآگاهی، عوامل‌اجتماعی، عوامل روانشناختی، نگرش نسبت به کووید۱۹ در کودکان و عوارض قرار گرفتند.

نتیجه‌گیری: والدین در پذیرش واکسن با چالشها و موانع متنوعی روبرو هستند که ریشه در باورهای شخصی، عوامل اجتماعی و ساختاری دارد و و تصمیم به انجام واکسیناسیون، صرفا، منوط به در دسترس بودن واکسن نیست. فراهم نمودن فرصت برای ارتباط متقابل جامعه و نظام سلامت به ویژه در شرایط بروز بیماری های نوپدید میتواند منجر به ارتقای سطح سواد سلامت، رفع نگرانی و حذف موانع شناختی شده و زمینه ساز بروز مشارکت مناسب و دلخواه خواهد شد.

کلمات کلیدی: *کووید ۱۹، واکسیناسیون کودکان ، نگرانی والدین، چالش*

مطالعه عوامل مؤثر بر پذیرش فناوری شبیه سازی آموزشی دیجیتال بر اساس مدل پذیرش فناوری (TAM)

A Study on the factors influencing the adoption of digital educational simulation technology based on the Technology Acceptance Model (TAM)

لیلا نجفی، عیسی رضایی، نازنین زینب بیات

چکیده

مقدمه: با ظهور فناوری های پیشرفته و جهانی سازی، آموزش عالی به طور چشمگیری در حال تغییر است. به قطع قابل پیش بینی است که این تغییر در آینده به طرز چشمگیری ادامه می یابد. نظام های آموزش عالی در تلاش هستند تا در پذیرش و جذب دانشجو، بودجه و رتبه بندی های جهانی رقابت کنند و فقط نظام هایی در این رقابت باقی می مانند که به طور بالقوه توانایی های دیجیتالی خود را ارتقاء می بخشند.

مواد و روش ها: در این پژوهش جهت بررسی عوامل مؤثر بر پذیرش فناوری شبیه سازی آموزشی دیجیتال توسط دانشجویان علوم پزشکی بر اساس مدل پذیرش فناوری از ۳۸۴ نفر از دانشجویان علوم پزشکی دانشگاه آزاد در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ داده‌های مورد نظر مشتمل بر متغیرهای طراحی دوره، سازگاری، سودمندی ادراک شده، سهولت استفاده ادراک شده، نگرش نسبت به استفاده، تصمیم به استفاده و استفاده به کمک پرسشنامه جمع آوری شد.

یافته ها: بر اساس نتایج با توجه به روابط موجود در مدل و مدلسازی معادلات ساختاری با روش حداقل مربعات جزیی در نرم افزار SmartPLS 3.0 پیاده سازی شد که تحلیل نتایج حاکی از مدل مناسب و تاثیرگذاری خوب متغیرها می‌باشد. طبق نتایج به دست آمده در برازش مدل تمام متغیرها در تمام حوزه‌ها مقدار روایی و پایایی مناسبی در مدل کسب نمودند. با توجه به مناسب بودن برازش کیفیت مدل ارائه شده، در اثرات کلی مدل نشان داده شد که تمام روابط و تاثیرگذاری‌های متغیرهای طراحی دوره، سازگاری، سودمندی ادراک شده، سهولت استفاده ادراک شده، نگرش نسبت به استفاده، تصمیم به استفاده و استفاده معنی دار می‌باشد. هم چنین مقدار ضریب تعیین متغیرهای سودمندی ادراک شده، سهولت استفاده ادراک شده، نگرش نسبت به استفاده، تصمیم به استفاده و استفاده به ترتیب با مقدار ۰.۹۰۵، ۰.۶۳۶، ۰.۷۰۹، ۰.۸۳۰، ۰.۷۱۵ حاصل شد که نشان دهنده این است که متغیرهای مؤثر بر روی این متغیرها، به درستی انتخاب شده‌اند و توانایی بالایی در پیش بینی این متغیرها دارند.

نتیجه گیری: از آنجا که شبیه سازی برای ایجاد علاقه و جذابیت مؤثر است، همچنین برای مهارت های عملی مناسب تر از مهارت های ذهنی هستند نیازمند اهمیت ویژه می باشند.

واژه های کلیدی: *پذیرش، فناوری آموزشی دیجیتال، شبیه سازی، TAM*

عنوان: سواد سلامت و کیفیت زندگی مرتبط با آن در سالمندان

نام نویسندگان: نیلوفر یوسفوند[1]،یاسمن مطوفی[2]، فرشته تقی زاده[2]

۱-دانشجوی کمیته تحقیقات،دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز،اهواز،ایران

۲-دانشجوی کمیته تحقیقات،دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز،اهواز،ایران

چکیده

زمینه و هدف: رشد تعداد افراد مسن به‌عنوان انقلاب خاموش پدیده قرن بیست‌ویکم باعث شده مراقبت از آن‌ها به یکی از چالش‌های جدی بهداشتی در سراسر جهان تبدیل شود . سواد سلامت میزان ظرفیت هر فرد برای کسب، تفسیر و درک اطلاعات اولیه از خدمات سلامتی است که بر سایر ابعاد زندگی سالمند موثر می باشد که یکی از مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های اجتماعی سلامت سالمندان است. لذا مطالعات مورد بررسی با هدف تعیین ارتباط بین سواد سلامت و کیفیت زندگی مرتبط با آن درسالمندان انجام گرفته اند.

مواد و روش ها: روش بکارگرفته شده دراین مطالعه به طورمروری وبا بهره گیری ازکلید واژه های"سواد سلامت ،کیفیت زندگی ،سالمندان" درگوگل اسکولار در جهت بررسی سطح سواد سلامت و کیفیت زندگی مرتبط با آن در سالمندان بوده است که درمیان ۶۲ مقاله ، با بررسی ۹ چکیده مقاله انتخاب شده صورت گرفته است.

نتایج : بین سطح سواد سلامت و کیفیت زندگی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.تحقیقات نشان داده است که افراد دارای سواد سلامت پایین، درباره وضعیت سلامت خود آگاهی کمتری دارند، خدمات پیشگیری کمتری را دریافت می‌کنند و بیماری‌های مزمن در آنها کمتر کنترل می‌شود.خودمراقبتی سالمندان در بیماری‌های مختلف ازراهکارهای حمایتی به شمارمی‌آید که نیازمند سطح بالایی از سواد سلامت است. همچنین اثربخشی مداخله آموزشی در زمینه تغذیه سالمندان به طور معنی‌داری تحت تأثیر سطح سواد سلامت آن‌ها است.آموزش سواد سلامت مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی باعث تغییر در گروه سالمندان شده است و بر کیفیت زندگی سالمندان تأثیر داشته است. همچنین یافته‌ها نشان میدهد که حدودا نیمی ازسالمندان مورد مطالعه سواد ناکافی داشتند وبین سواد سلامت با سن، جنس، شغل، تحصیلات، محل زندگی، ابتلا به بیماری مزمن و سابقه بستری مجدد ارتباط آماری معنی‌داری وجود داشت، اما بین میزان درآمد و سواد سلامت ارتباط معنی داری وجود نداشت. همچنین سالمندانی که مستقل بودند و یا در انجام فعالیت فیزیکی محدودیت نداشتند از سواد سلامت بالاتری برخوردار بودند. بر اساس نتایج میانگین سواد سلامت در جمعیت مردان نسبت به زنان بیشتر برآورد می‌شود اما به طور کلی وضعیت خودمراقبتی و سواد سلامت سالمندان در ایران در سطح پایینی قرار دارد. اما آموزش ذهن آگاهی باعث افزایش شادکامی و بهبود کیفیت زندگی در سالمندان می شود.

نتیجه گیری: با توجه به پایین بودن میزان سواد سلامت سالمندان،با برنامه ریزی و طراحی برنامه های آموزشی مفید در زمینه سواد سلامت متناسب با سالمندان می توان جهت توسعه مهارت های سواد سلامت در جامعه گامی مؤثر برداشت و

همزمان کیفیت زندگی سالمندان را ارتقا بخشید.با توجه به یافته‌های این پژوهش و اثربخشی دوره آموزشی مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی برای سالمندان، مدیران و برنامه‌ریزان حوزه سلامت کشور می‌توانند با برنامه‌ریزی‌های بلندمدت با بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی، شبکه گسترده و یکپارچه ای در کل کشور برای ارتقای سطح سواد سلامت سالمندان ایجاد نمایند.همچنین عوامل مرتبطی مانند برنامه مداخلات آموزشی که بر خودمراقبتی وسواد سلامت وکیفیت زندگی تأثیر مثبت دارد شایسته توجه است.همچنین پیشنهاد می شود از آموزش ذهن آگاهی در خدمات روانشناختی ارائه شده به سالمندان استفاده شود.

واژگان کلیدی: *سواد سلامت_کیفیت زندگی_سالمندان*

بررسی نقش مراقبین سلامت مدارس و ارتباط آن با سطح سلامت دانش آموزان

نام نویسندگان:فرشته تقی زاده[۱]، نیلوفر یوسفوند[۲] ،یاسمن مطوفی[۲]

۱_دانشجوکمیته تحقیقات دانشگاه علوم پزشکی اهواز اهواز ایران

۲_دانشجو کمیته تحقیقات دانشگاه علوم پزشکی اهواز اهواز ایران

چکیده

مقدمه: دانش آموزان بخش عمده ای از جمعیت کشور را به خود اختصاص می‌دهند و توجه به سطح سلامت این گروه یک اولویت بهداشتی به حساب می آید که تحقق آن در گرو یک متخصص آموزنده در این حوزه یعنی همان مراقب سلامت می باشد. مطالعه حاضر نیز با هدف بررسی نقش مراقبان سلامت و ارتباط آن با سلامت دانش آموزان صورت گرفته است.

مواد و روش ها: پژوهش حاضر یک مطالعه مروری می باشد که در سال ۱۴۰۲ انجام شده است. برهمین اساس جهت بررسی نقش مراقبین سلامت مدارس و ارتباط آن با سطح سلامت دانش آموزان کلید واژه های "مراقب سلامت مدارس" "بهداشت مدارس" "سطح سلامت" در موتور جست و جو گر گوگول اسکولار بدون محدودیت زمانی جست و جو شد. نتیجه آن ۲۵۰ مقاله بود که در نهایت ۳۰ مقاله انتخاب شد و مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: بر اساس مطالعات انجام شده مراقبین سلامت بر تمام ابعاد سلامت یک دانش آموز می تواند تاثیر داشته باشد. از جمله آن در بعد سلامت جسمانی با آموزش فعالیت های ورزشی رژیم غذایی مناسب و عادات بهداشتی درست تاثیر بسزایی دارند. در بعد سلامت روان نیز می توان به کنترل رفتارهای پر خطر اشاره کرد. بهترین راه مقابله با رفتارهای پر خطر پیشگیری می باشد که تحقق آن در گرو برنامه های آموزشی صحیح توسط مراقب سلامت می باشد.همچنین مطالعات نشان داد وقتی سطح آموزه های بهداشتی بالاتر رود و معاینات دوره ای دانش آموزان بیشتر شود، توانمندی دانش آموزان افزایش خواهد داشت.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج صورت گرفته و تاثیری که مراقبین سلامت در ابعاد زندگی و سلامت یک دانش آموز دارند باید برنامه های مبتنی بر آموزش،پیشگیری و افزایش آگاهی در مدارس بیش از قبل صورت گیرد. ازجمله آن می توان به تشکیل یک کمیته مشورتی بهداشتی در مدرسه اشاره کرد. همچنین یک مراقب سلامت باید در برنامه های آموزشی خود تعادل بین آموزش تئوری و عملی را در نظر داشته باشد و آموزه های خود را وارد حیطه عمل کند.

واژه های کلیدی: *سطح سلامت _دانش آموزان _بهداشت مدارس _مراقب سلامت*

چالش ها و موانع پیاده سازی محیط های ارتقا دهنده سلامت

مهین مروجی فر[۱]، رضا حسن نیا[۲] ، مهرالسادات مهدی زاده[۳]

۱-دانشجوی دکترای تخصصی، آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

۲-کارشناسی ارشد، پرستاری داخلی جراحی، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گناباد

۳-استادیار، دکترای تخصصی، آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

چکیده

زمینه و هدف : محل کار مستقیماً بر سلامت جسمی، روحی، اقتصادی و اجتماعی کارکنان تأثیر می گذارد و به نوبه خود بر سلامت خانواده ها ، جوامع و اجتماع تأثیر می گذارد. محیط های کاری، زیرساخت ایده آل برای حمایت از ارتقای سلامت است که مخاطبان زیادی را دربرمی گیرد. سازمان بهداشت جهانی به دلیل وجود مخاطبان بالقوه و تأثیر در همه حوزه های زندگی فرد، محل کار را به عنوان مکانی برای ارتقا سلامت در اولویت قرار داده است. مفهوم محیط کار ارتقا دهنده سلامت به طور فزاینده ای مورد توجه است. شناسایی چالش‌های اجرا و چگونگی غلبه بر آن‌ها گام مهمی برای دستیابی به سلامت کارکنان است. لذا هدف از مطالعه حاضر بررسی موانع و چالش های اجرای محیط های کاری ارتقا دهنده سلامت و ارائه استراتژی های موثر در جهت محیط ارتقا دهنده سلامت است.

مواد و روش ها : مطالعه حاضر یک مطالعه مروری بود. کلید واژه های مرتبط با محیط کار ارتقا دهنده سلامت و محیط های کاری سالم در بانک های اطلاعاتی Scopusو Google Scholar جستجو شد. با توجه به هدف مطالعه، ابتدا چکیده و سپس متن کامل مقالات مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج : محل کار یک بستر مهم برای فعالیت های مختلف بهداشتی و همچنین برنامه های زیربنایی بهداشت و ایمنی شغلی است که هنوز به طور گسترده ای پذیرفته نشده است و اجرای آن با چالش های زیادی همراه است.

در اعلامیه لوکزامبورگ سلامتی و رفاه کارمندان در محل کار از طریق ترکیبی از موارد زیر حاصل می شود. بهبود مستمر سازمان و محیط کار، ترویج مشارکت فعال، تشویق به پیشرفت شخصی.

نتایج مطالعه حاضر نشان داد مشارکت کارکنان در فعالیت های ارتقای سلامت محل کار یکی از موانع اجرای محیط ارتقادهنده سلامت بوده که اغلب کم و متغیر است. مشارکت رهبری/کارفرمایان در اجرای فعالیت‌های ارتقای سلامت محیط کار به عنوان یک عامل اساسی نیز شناسایی شد. در مطالعه ای باورهای کارفرما/مدیران که کنترل سلامتی را به عهده خود فرد می دانستند به عنوان مانع اصلی شناخته شده بود. حمایت مدیران، منابع مالی و زمانی و مشارکت به عنوان عوامل مهم شناسایی شدند و منابع محدود، بیشترین مانع گزارش‌شده بود.

در یک مطالعه عوامل موثر در سطح سازمانی شامل حمایت محدود از مداخلات ارتقا سلامت و فرهنگ/جو سازمانی ارتقاء دهنده سلامت نامطلوب بود. طبق مطالعات سایر موانع اجرایی شامل ضعف ضمانت اجرایی، فقدان ابزارهای نظارتی و قابل مقایسه، فقدان استاندارهای کیفیت، فقدان زیرساخت های مناسب برای ایمنی، فقدان مهارت و اطلاعات لازم در خصوص اجرای برنامه، ضعف همکاری بین حرفه ای و بین بخشی بودند.

استراتژی های موفقیت آمیز ارتقای سلامت در محل کار شامل: ۱) مشارکت: همه کارکنان باید در تمام مراحل برنامه شرکت کنند ۲) مدیریت پروژه: برنامه ها باید به سمت چرخه حل مسئله باشند ۳) یکپارچه سازی: برنامه ها باید در شیوه های مدیریت شرکت گنجانده شوند و استراتژی های ارتقا سلامت محیط کار باید بر برنامه ریزی شرکت تأثیر بگذارد ۴) جامعیت: برنامه ها باید از استراتژی های فردی و محیطی بین رشته ای استفاده کنند.

علاوه بر این باید رویکردی کل نگر، نظامند، عملیاتی و مشکل محور و چند رشته ای اتخاذ شود و ارتقا سلامت جز سیاستها و برنامه های محیط کار باشد. مدیران باید انگیزه برای ایجاد محیط کار ارتقای دهنده سلامت را داشته باشند و محیطی حمایتی فراهم شود. در برخی مطالعات سودمندی درک شده مداخله به عنوان یک تسهیل کننده در سطح سازمانی گزارش شده است.

نتیجه گیری : با توجه به مطالعات بررسی شده عواملی مانند مشارکت، حمایت مدیران، منابع و دسترسی به آن ها، فرهنگ و جو سازمانی، قوانین و سیاست ها در اجرای محیط های کاری ارتقا دهنده سلامت تاثیرگذار است و سیاست ها باید بر ارتقای سلامت محیط کار و حمایت از سیاست های سبک زندگی سالم تمرکز کنند.

واژگان کلیدی: *محیط ارتقادهنده سلامت، سلامت شغلی، کارکنان، محیط کار سالم*

بررسی نقش خانواده و افراد مهم در پذیرش واکسن کووید ۱۹ بر اساس مدل های سلامت محور

مهین مروجی فر[۱] ، رضا حسن نیا[۲] ، نوشین پیمان[۳]

۱-دانشجوی دکترای تخصصی، آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

۲-کارشناسی ارشد، پرستاری داخلی جراحی، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گناباد

۳-استاد، دکترای تخصصی، آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

چکیده

زمینه و هدف : واکسیناسیون کووید ۱۹ موثرترین روش کنترل بیماری است. شناسایی عوامل موثر بر پذیرش واکسن کووید ۱۹ به طراحی مداخلات مناسب و کنترل بیماری کمک می نماید. تئوری ها/ مدل های سلامت محور به نقش خانواده و دوستان به عنوان عاملی موثر در پذیرش رفتارهای سالم در افراد جامعه از جمله واکسیناسیون توجه ویژه ای داشته است. بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی بررسی نقش خانواده و افراد مهم در پذیرش واکسن کووید ۱۹ بر اساس مدل های سلامت محور انجام گردید.

مواد و روش ها : مطالعه حاضر از نوع مروری بود. کلید واژه های مرتبط در پایگاه های اطلاعاتی Scopus و Google Scholar جستجو شد. بعد از جستجو و غربالگری مطالعات مرتبط، در نهایت ۸ مطالعه مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج : یافته های ما نشان داد نقش افراد مهم و تاثیرگذار از قبیل خانواده، دوستان، کارکنان بهداشتی و ... در قالب سازه ها و مدل های مختلف مانند حساسیت و شدت درک شده، حمایت اجتماعی، هنجارهای ذهنی، راهنما برای عمل و یادگیری مشاهده ای می تواند تاثیرات به سزایی در پذیرش واکسن کووید ۱۹ داشته باشد. همسو با این نتایج در مطالعه Scoping Review عوامل اجتماعی و سازمانی مانند نقش افراد مهم به عنوان مرتبط ترین عوامل تعیین کننده در پذیرش واکسن کووید ۱۹ شناسایی شدند. در مطالعه Patwary توصیه‌های کارکنان بهداشتی/ دوستان/ خانواده به عنوان راهنما برای عمل پیش‌بینی‌کننده پذیرش واکسن بودند. در مطالعه ای دیگر افرادی که سطوح بالاتری از راهنما برای عمل گزارش کردند، تمایل بیشتری به دریافت واکسن کووید ۱۹ داشتند. Aseel Ali AlSaeed گزارش کرد یادگیری مشاهده ای (دریافت واکسن توسط دوستان و خانواده) پیش بینی کننده قابل توجهی برای انجام واکسن در افراد بود. در مطالعه Katharina Wolff هنجارهای ذهنی به نفع واکسیناسیون در خانواده قصد انجام واکسیناسیون را پیش بینی می نمود. در مطالعه ای دیگر عواملی که مستقیماً رفتار واکسیناسیون را افزایش می دهند، فقدان تردید در واکسن، توافق با توصیه‌های دوستان یا خانواده برای واکسیناسیون و عدم وجود موانع درک شده برای واکسیناسیون بود. ۷۴.۳٪ از شرکت کنندگان یک مطالعه گزارش کردند که فقط در صورتی واکسن را تزریق می کنند که واکسیناسیون توسط بسیاری از مردم انجام شود. این مطالعه نقش یادگیری

مشاهده ای و تئوری انتشار نوآوری را در پذیرش واکسن به خوبی نشان می دهد. در واقع افراد در صورت داشتن مزایای درک شده بالای واکسیناسیون، خودکارآمدی بالا برای واکسیناسیون، موافقت با توصیه‌های مقامات بهداشتی، موافقت با توصیه‌های دوستان یا خانواده احتمال کمتری داشت که نسبت به واکسن دچار تردید شوند.

نتیجه گیری : طبق نتایج این مطالعه مروری، خانواده و دوستان و سایر افراد مهم جامعه نقش مهمی در پذیرش واکسن کووید ۱۹ دارند که به نوعی نگرش و باورهای افراد را شکل می دهند. به نظر می رسد طراحی واجرای مداخلات مناسب برای خانواده به ارتقا واکسیناسیون جامعه کمک نماید.

واژگان کلیدی: *خانواده، دوستان، واکسیناسیون، کووید ۱۹، مدل های سلامت محور*

بررسی آگاهی، نگرش و عملکرد مردم در استان خراسان رضوی نسبت به واکسیناسیون کووید ۱۹ در سال ۱۴۰۰

نیره کثیری[1,2]، محبوبه عبدالهی[۳]، فاطمه خلیلی[۴]، فاطمه درستکار[۵]، مرجان غفوری[۵]، سید رضا خطیبی[۳]

۱-گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، تربت حیدریه، ایران.

۲-کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده مدیریت و علوم اطلاعات پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.

۳-گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، تربت حیدریه، ایران.

۴-استادیار گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه آزاد واحدساری، ساری، ایران.

۵-کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، تربت حیدریه، ایران

چکیده

مقدمه : بیماری‌های عفونی- تنفسی یکی از عوامل تهدیدکننده سلامتی بشر بوده است که جدیدترین آن ویروس‌کووید۱۹ است. واکسیناسیون سبب محافظت مردم در برابر ابتلا به بیماری ها از جمله بیماری کوید-۱۹ می‌گردد و در سیستم مراقبت بیماری ها به‌عنوان یکی از موفق‌ترین و اثربخش‌ترین اقدامات تاکنون شناخته شده است. البته تردید در مورد واکسن نیز یک پدیده رایج در سراسر جهان است که باعث تأخیر در پذیرش یا امتناع واکسیناسیون باوجود در دسترس بودن خدمات واکسیناسیون است که از مهم‌ترین دلایل آن می‌توان به خطرات درک شده در مقایسه با منافع و عدم آگاهی اشاره کرد. پذیرش یا منع واکسن به‌شدت به سطح دانش و منبع اطلاعات مربوط می‌شود و همچنین با عنایت به اهمیت این مسئله و شرایط پاندمی ناشی از آن در جهان و بالاخص ایران و اهمیت امر پیشگیری با واکسن در برابر بیماری‌های عفونی و اتخاذ راهکارهای پیشگیرانه به‌منظور کنترل بیماری، لذا مطالعه حاضر باهدف «بررسی سطح آگاهی، نگرش و عملکرد مردم در استان خراسان رضوی در مورد واکسن کووید۱۹» طراحی و اجرا گردید.

مواد و روش ها : در این مطالعه توصیفی- تحلیلی از نوع مقطعی میباشد که ۵۳۷ نفر شرکت کردند. ابزار گردآوری اطلاعات، یک پرسشنامه دو بخشی بود. بخش اول پرسشنامه مربوط به اطلاعات دموگرافیک و بخش دوم پرسشنامه، مشتمل بر ۳۲ سؤال بود که سه بُعد آگاهی با ۳ گزینه بله، خیر و نمی دانم، سوالات نگرش و عملکرد مردم مرتبط با واکسن COVID-19 که با طیف لیکرت (کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم، کاملاً مخالفم) سنجیده شد. در سوالات مثبت کاملا موافقم نمره ۵ و کاملا مخالفم نمره ۱ را به خود اختصاص داد و در سوالات معکوس این امتیاز برعکس شد. جهت محاسبه روایی و پایایی پرسشنامه ۳۰ نفر از افراد گروه هدف به روش نمونه گیری خوشه‌ای انتخاب شدند سپس پرسشنامه در اختیار ایشان قرار گرفت و پس از تکمیل نتایج روایی محتوای پرسشنامه بررسی شد. روایی محتوایی و صوری به روش های کمی و کیفی پرسشنامه از

طریق نظرسنجی از ۱۰ متخصص مربوطه (بهداشت عمومی و آموزش بهداشت و ارتقای سلامت،) بررسی شد. در قسمت روایی محتوا به روش کمی شاخص های CVI و CVR محاسبه گردید. پس از انجام روایی صوری و محتوا به روش کمی و کیفی، تعداد ۳۲ سوال، که شامل ۱۰ سوال آگاهی، ۷ سوال نگرش و ۶ سوال مربوط به عملکرد طراحی شد. برای آنالیز و تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS نسخه ۲۵ استفاده گردید. برای متغیرهای کیفی از تعداد (درصد) و برای بررسی عوامل مرتبط با آگاهی، نگرش و عملکرد نسبت به واکسیناسیون از رگرسیون خطی استفاده گردید.

یافته ها : نتایج نشان داد که متوسط سن افراد، (۱۲/۷۷ ± ۳۰/۹۰) و اکثر افراد شرکت کننده، (۷۳٪)۳۹۴ نفر، زن بودند. میانگین زیرمقیاس های آگاهی، نگرش و عملکرد به ترتیب ۲/۷۴ ± ۱۶/۷۴، ۴/۵۰ ± ۲۶/۵۷ و ۴/۲۲ ± ۲۶/۱۶ بود. در زیرمقیاس آگاهی، بیشترین نمره (۰/۳۹ ± ۱/۸۸) مربوط به گویه ۵(آیا پس از دریافت واکسن کرونا احتمال ابتلا به بیماری همچنان وجود دارد؟) و کمترین نمره (۰/۸۲ ± ۱/۲۰) مربوط به گویه ۱ (آیا واکسن کرونا عوارض جانبی دارد؟) بود. در زیرمقیاس نگرش، بیشترین نمره (۰/۷۸ ± ۴/۳۰) مربوط به گویه ۱۱(معتقدم درصورت تزریق واکسن می توانم بدون رعایت پروتکل بهداشتی(ماسک زدن، رعایت فاصله اجتماعی و.....) در جامعه حضور پیدا کنیم.) و کمترین نمره، (۱/۲۲ ± ۳/۰۹) مربوط به گویه ۱۴(به نظرم واکسن کرونا بدن را برای ابتلا به بیماری کرونا در آینده، آماده می‌نمایند) بود. در زیرمقیاس عملکرد، بیشترین نمره (۰/۶۶ ± ۴/۵۰) مربوط به گویه ۱۹ (در صورت داشتن هرگونه بیماری خاص و حساسیت آلرژیک، قبل از تزریق واکسن با پزشک یا مسئول مربوطه مشورت می کنم)و کمترین نمره (۱/۰۸ ± ۴/۲۷) مربوط به گویه ۲۳ (در صورت نیاز به تزریق دوزهای دیگر، در اولین فرصت مناسب، اقدام می کنم) بود همچنین نتایج نشان داد متغیرهای وضعیت تاهل، تحصیلات، سابقه ابتلا به بیماری کرونا و سابقه تزریق واکسن با آگاهی، مرتبط بودند. نگرش افراد نسبت به واکسیناسیون، ارتباط معناداری با سن، شغل، تحصیلات و سابقه تزریق واکسن داشت. عواملی نظیر سن، تحصیلات و سابقه تزریق واکسن کرونا، ارتباط معناداری با عملکرد افراد نسبت به واکسیناسیون داشتند. ($P<۰/۰۵$).

نتیجه گیری : با توجه به نتایج مطالعه حاضر آگاهی در مورد کووید-۱۹ در دریافت واکسن آن مؤثر است. افرادی که آگاهی بالایی از بیماری، علائم و راه های انتقال آن دارند، تمایل بیشتری برای واکسیناسیون در مقابل کووید-۱۹ دارند. افزایش آگاهی، نگرش و همچنین عملکرد افراد نقش مؤثری بر مشارکت مردم جامعه جهت واکسیناسیون دارد همچنین می‌تواند در اقدامات کنترلی در مورد بیماری موثر واقع گردد. لذا ضرورت دارد که این موارد در برنامه ریزی های آموزشی جهت ترویج واکسیناسیون کرونا لحاظ شود.

واژهای کلیدی : *آگاهی، نگرش ، عملکرد، استان خراسان رضوی، واکسیناسیون کووید ۱۹*

بررسی وضعیت سلامت جسمی و روانی سالمندان ساکن در خانه سالمندان استان چهارمحال و بختیاری

مسعود لطفی زاده[۱]، سارا مغاره دهکردی[۲]، شهرزاد حبیبی قهفرخی[۳]، زهرا کریمی[۱]

۱-مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

۲-کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران

۳-گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

چکیده

سابقه و هدف : پیشرفت های پزشکی، بهداشتی و تغییراتی که در راستای افزایش امید به زندگی و کاهش مرگ انجام شده، منجر به افزایش جمعیت سالمندان شده است و کشورهای رو به توسعه همچون ایران با توجه به توزیع جمعیت خود در گروه های سنی به طور جدی با این پدیده مواجه اند. بنابراین حفظ و بهبود وضعیت سلامت و کیفیت زندگی در دوران سالمندی بیش از پیش اهمیت می یابد. بر این اساس شناسایی وضعیت سلامت سالمندان گام مهمی در راستای دستیابی به سلامت آنان و پیشگیری از ابتلا به بیماریهای مزمن و کاهش شیوع بیماریهای ویژه در سالمندان می باشد لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی وضعیت سلامت جسمی و روانی سالمندان ساکن در خانه سالمندان استان چهارمحال و بختیاری انجام گرفت.

مواد و روش ها : مطالعه توصیفی- تحلیلی حاضر در سال ۱۳۹۷ بر اساس اطلاعات دریافت شده از سازمان بهزیستی استان، در مراکز نگهداری سالمندان (۹ مرکز) انجام گرفت که با مراجعه به تمام مراکز، به روش سرشماری اطلاعات جمع آوری گردید. جمع آوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه استاندارد DASS21 (جهت بررسی سلامت روان در سه بعد اضطراب، افسردگی و استرس) و پرسشنامه استاندارد سلامت عمومی (GHQ28) که در بر گیرنده ۴ مقیاس علائم جسمی، علائم اضطراب و اختلال خواب، کارکرد اجتماعی و توانائی فرد و علائم افسردگی بود، صورت گرفت. همچنین مشخصات دموگرافیک افراد نیز مورد بررسی قرار گرفت. داده های جمع آوری شده با استفاده از از نرم افزارspss نسخه ۱۸ و آزمون های توصیفی و تحلیلی از جمله تی مستقل و کای اسکوئر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج : در این پژوهش ۳۴۵ نفر از سالمندان استان (۹۷ نفر مرد و ۲۴۸ نفر زن) که میانگین سنی آنها ۷۱/۱۳ سال بود، مورد بررسی قرار گرفتند. از این تعداد ۲۷/۸ درصد تحت درمان بیماری خاصی نبوده اند. ۷۶ درصد افراد بیسواد، ۲۱ درصد تحصیلات زیردیپلم و ۳ درصد لیسانس داشتند. از کل افراد مورد بررسی ۶۶/۱ درصد خانه دار (همگی زن)، ۱۲/۲ درصد بازنشسته (شامل ۶۹ درصد مرد و ۳۱ درصد زن)، ۱۷/۷ درصد دارای شغل آزاد(۹۵/۱ درصد مرد و ۴/۹ درصد زن) و ۳/۸ درصد بیکار (۸۶/۴ درصد مرد و ۱۵/۴ درصد زن) بودند. بطور کلی بین مکان نگه داری سالمند با تمایل به حضور در آن مکان، بیماری، اضطراب و اختلال خواب و افسردگی (از ابعادGHQ) ارتباط آماری معناداری مشاهده گردید($p<۰/۰۵$).

نتیجه گیری : با توجه به اینکه درصد قابل توجهی از بیماری های جسمانی، ریشه روان شناختی دارند و تاثیر متقابل ابعاد سلامت بر یکدیگر ضرورت دارد، برنامه ریزان و مسئولان باید مشکلات سالمندان را شناسایی و در راستای افزایش سلامت و بهبود کیفیت زندگی آن ها بکوشند.

واژگان کلیدی: *سالمند، سلامت جسمانی، سلامت روانی، خانه سالمندان*

تضاد زندگی خانوادگی و شغلی در میان پرستاران بیمارستان آموزشی–درمانی امام خمینی (ره) شهر اردبیل در طول پاندمی کرونا

یلدا موسی زاده

گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی خلخال، خلخال، ایران

چکیده

مقدمه: پرستاران بزرگترین گروه کارکنان را در بیمارستان تشکیل می دهند. پرستاران به علت مواجهه مستقیم با بیماران با انواع موقعیت های استرس زا مواجه هستند. با گسترش ویروس کووید- ۱۹ ، افزایش روزهای کاری و شیفت های طولانی و احتمال بیمار شدن، احتمال تضاد و تعارض بین زندگی فردی و شغلی پرستاران افزایش یافت. بنابراین در این مطالعه، میزان تعارض و عوامل مرتبط با آن مورد در میان پرستاران شاغل در بیمارستان امام خمینی (ره) شهر اردبیل بررسی قرار گرفته است.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر یک مطالعه توصیفی- تحلیلی می باشد که بر روی ۱۳۹ پرستار شاغل در بیمارستان آموزشی- درمانی امام خینی (ره) شهر اردبیل که به عنوان محل ارجاع بیماران کرونایی در نظر گرفته شده بود، انجام شد. این افراد به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار مورد مطالعه پرسشنامه تعارض کارلسون و همکاران بود. این پرسشنامه شامل ۱۸ آیتم و سه بعد زمان، رفتار و فشار می باشد. حداقل نمره این پرسشنامه ۱۸ و حداکثر ۹۰ می باشد نرم افزار spss version 26 برای تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شد.

یافته ها: در مجموع ۱۳۹ پرستار در مطالعه شرکت داشتند. اکثر افراد مورد مطالعه زن (۸۵.۱درصد) و متاهل (۸۱.۳ درصد) و ۸۲.۱ درصد کارمندان رسمی و پیمانی بودند. اکثر نمونه ها (۹۳.۳ درصد) دارای مدرک لیسانس پرستاری بودند. نمره کلی تعارض در این مطالعه ۱۳.۳۷±۵۷.۲۲ به دست آمد. بیشترین نمره بدست آمده در میان ابعاد فرعی، مربوط به بعد زمان بود. تماس مستقیم با بیماران کرونایی، بیمارستان و وضعیت شغلی متغیرهای موثر بر میزان تعارض بود .($p < 0.05$) بین تمام ۶ بعد تعارض یک همبستگی مثبت و معنادار یافت شد ($p < 0.001$).

نتیجه گیری: یافته های مطالعه نشان داد که تضاد و تعارض بین پرستاران در وضعیت مطلوبی قرار ندارد و بالاتر از حد متوسط است. مدیریت تعارض توسط مدیران بیمارستان ها و مراجع مرتبط، با آگاهی از وضعیت این متغیر و تلاش برای ارتقاء تعادل مناسب بین کار و زندگی ممکن است به جلوگیری از تعارض کمک کند. از جمله اقداماتی که می شود انجام داد می توان به استخدام نیروی پرستار برای کاهش ساعات کاری و برگزاری دوره هاس آموزشی و مشاوره روانی اشاره کرد.

واژه های کلیدی: *تضاد، تعارض، کووید-۱۹، کرونا، پرستار، بیمارستان*

شایستگی های نوین مدیریت در نظام سلامت

ابوالفضل رعیت محتشمی[1]، هاجر حسنی[2]، فرزانه قلعه گلاب[3]

3,1-مرکز تحقیقات منابع انسانی سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، ایران .

2-مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر برسلامت (SDH)، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف : نظام های سلامت برای انطباق با تغییرات اپیدمیولوژیک، جمعیتی و اجتماعی به طور مداوم در حال تکامل هستند. تغییر چشم انداز مراقبت های بهداشتی و الزامات ارائه خدمات نیازمند مجموعه مهارت های جدیدی برای متخصصان سلامت است. بنابراین، یک رویکرد مدیریتی جدید برای رهبری و مدیریت چنین تغییراتی مورد نیاز است. هدف از این مطالعه، ترکیب شواهد مربوط به شایستگی های نوین رهبری و مدیریت در سازمان های بهداشت و درمان بود.

مواد و روش ها : پایگاه‌های اطلاعاتی الکترونیکی PubMed، UpToDate، Scopus و Web of Science به طور سیستماتیک برای انتشارات انگلیسی زبان از ژانویه ۲۰۱۸ تا مارس ۲۰۲۳ جستجو شدند. جهت بررسی کیفیت مقالات از ابزار STROBE استفاده شد. در مجموع ۱۴ مطالعه انتخاب شدند و با استفاده از ترکیب چارچوب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج : بررسی شایستگی‌های شناسایی‌شده، یک چارچوب شایستگی برای مدیران نظام سلامت شناسایی کرد که می‌تواند برای زمینه‌های مختلف خدمات بهداشتی و درمانی اعمال شود. چارچوب شایستگی های نوین شامل هفت شایستگی اصلی رهبری و مدیریت شامل: تصمیم گیری مبتنی بر شواهد، دانش مراقبت های بهداشتی و درمانی، مدیریت منابع، مدیریت روابط، سازمان پیشرو، توانمندسازی و مدیریت تغییر می باشد.

نتیجه گیری : مولفه های شناسایی شده برای شایستگی های نوین مورد نیاز مدیریت جهت انطباق با تغییرات مداوم و در حال تکامل، راهنمایی روشنی برای بهبود و توسعه شایستگی های مدیریت در عصر نوین ارائه می‌کند که همراستایی عملکردی روش‌ها و استراتژی‌ها را با کاربردها و زمینه‌های مورد نظر ارتقا می‌دهد. چارچوب شایستگی های نوین شناسایی شده در این مطالعه می تواند در حوزه انتخاب مدیران بهداشت و درمان همچنین برای تدوین دستورالعمل های آموزشی و توسعه برای نیروی کار مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی در زمینه مراقبت های سلامت مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی : *نظام سلامت، مدیریت، رهبری، شایستگی های نوین.*

بررسی عوامل مرتبط با انجام رفتارهای حامی محیط زیست؛ مقاله مروری

محمد بهرامی کیان آبادی[۱]- هنگامه یزدان بخش[2]-سپهر علیپور[۳]

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته بهداشت آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی البرز

۲. کارشناس بهداشت عمومی، رشته بهداشت عمومی، دانشکده مامایی و پرستاری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون

۳. دانشجوی کارشناسی، رشته پرستاری، دانشکده پرستاری و فوریت‌های پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی البرز

چکیده

زمینه و هدف : با توجه به تشدید چالش های زیست محیطی در جهان در سال‌های اخیر، تهدیدی برای حیات انسان و سایر موجودات به شمار می‌روند. بیشتر چالش‌های زیست محیطی توسط فعالیت‌های انسانی انجام می‌شود، در نتیجه این مشکلات را نمی‌توان تنها بوسیله تکنولوژی برطرف کرد و نیازمند تغییر در رفتارها و سبک زندگی انسان است. به اقدامات آگاهانه انجام شده توسط فرد که تأثیر منفی فعالیت‌های انسانی بر محیط را کاهش می‌دهد رفتارهای حامی محیط‌زیست می‌گویند. در آموزش بهداشت مدل ها و نظریه‌ها می‌توانند برای توضیح عوامل ساختاری و روانی رفتار و هدایت توسعه و اصلاح تلاش های ارتقای سلامت و آموزش استفاده شوند. براساس بررسی مطالعات انجام شده در زمینه رفتارهای حامی محیط زیست مشخص شد نظریه‌های موجود به تمام جنبه‌های رفتار مورد نظر نپرداخته است. بنابراین مطالعه حاضر با هدف مروری بر مطالعات پیشین جهت تعیین عوامل پیش بینی کننده موثر در رفتارهای حامی محیط زیست انجام شد.

مواد و روش ها : برای جستجوی مقالات در پایگاه‌های فارسی مانند "اطلاعات جهاد دانشگاهی (SID)" با کلید واژه های فارسی "رفتارهای حامی محیط زیست" رفتارهای زیست محیطی" اخلاق زیست محیطی" و پایگاهای انگلیسی " google scholar" و "pubmed" و کلید واژه های انگلیسی "pro-environmental behavior" " environmental behavior" pro-environmental behavior factors" " انجام شد. محدودیت زمانی برای جستجو نداشته‌ایم و هر مقاله ای که شرایط ورود به مطالعه را داشت وارد مطالعه شدند. شرایط ورود به مطالعه شامل مقاله کامل، بررسی یا مداخله رفتارهای حامی محیط زیست براساس نظریات یا مدل‌ها و یا براساس متغییرهای مهم رفتار می‌باشد. محدودیتی برای گروه هدف باشرایط سنی و جنس و یا رفتارهای خاص در بین رفتارهای حامی محیط زیست وجود نداشت.

نتایج : از بین ۹۸ مقاله یافت شده تعداد اندکی با شرایطی فوق الذکر انتخاب شد. ۲۸ مقاله (۶ مقاله داخلی و ۲۲ مقاله خارجی) مورد ارزیابی قرار گرفت. تمامی مقالات رفتارهای حامی محیط زیست را به طور کلی و یا یکی از رفتارهای خاص را براساس نظریه‌ها و مدل‌ها و یا متغییر های مهم بررسی کرده بودند. با بررسی مطالعات انجام شده در زمینه رفتارهای حامی محیط زیست، متغیرهایی مانند دانش زیست محیطی، نگرش زیست محیطی، ارزش های زیست محیطی، خودکارآمدی، ارزیابی خطر،

کنش‌گری زیست محیطی، هنجارهای انتزاعی، تعهد زیست محیطی ، هنجارهای شخصی، قدرت موقعیتی، حمایت رهبری، محرک‌ها و موانع به عنوان پیش بینی کننده های رفتاری مهم و تاثیرگذار در رفتارهای حامی محیط زیست استخراج شدند، این متغییرها هم عوامل بیرونی و هم عوامل درونی و هم حمایت گرایانه را در بر می‌گیرند.

نتیجه گیری: براساس متغییرهای استخراج شده از مطالعات پیشین، متغییرهای دانش زیست محیطی، نگرش زیست محیطی، ارزش های زیست محیطی، تعهد زیست محیطی، خودکارآمدی، ارزیابی خطر و هنجار شخصی جز عوامل مستعد کننده رفتارهای حامی محیط زیست، متغییرهای کنشگری زیست محیطی، موانع و عوامل موقعیتی نیز به عنوان عوامل قادر کننده رفتار و متغییرهای محرک ها، هنجار انتزاعی حمایت رهبری هم به عنوان عوامل تقویت کننده رفتار تعیین شد. درنتیجه در مطالعات آتی می‌توان با بررسی و تحلیل رابطه علیتی بین این متغییرها یک چارچوب مشخص برای برنامه ریزی در راستای ترویج، تقویت و ارتقاء رفتارهای حامی محیط زیست با استراتژی مناسب تعیین می‌شود.

واژگان کلیدی : *رفتارهای حامی محیط زیست، اخلاق زیست محیطی، تعیین کننده‌های رفتاری*

کاربردهایی از هوش مصنوعی در غربالگری بیماری های قلبی– عروقی در زنان سالمند: یک مطالعه حیطه ای

مهناز خلفه نیلساز[1]، روزینا راهنما[1]، مریم بیگلری ابهری[1]

۱. جهاد دانشگاهی علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

زمینه و هدف: بیماری های قلبی عروقی همچنان به عنوان یکی از عوامل اصلی مرگ و میر در زنان به ویژه در درسنین سالمندی در نظر گرفته می شوند. به منظور پیشگیری از بیماری در سنین یائسگی، نیاز به شناسایی زود هنگام علایم در سنین پیش سالمندی می باشد. در این مقاله مروری، به بررسی کاربرد هوش مصنوعی در غربالگری و ارزیابی بیماری عروقی قلبی در زنان سالمند می‌پردازیم و نتایج مطالعات انجام شده در این حوزه را بررسی می‌کنیم.

مواد و روش ها: در این تحقیق، از روش مرور سیستماتیک برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل مطالعات مرتبط با استفاده از هوش مصنوعی در غربالگری بیماری عروقی قلبی در زنان سالمند استفاده شده است. ابتدا، جستجوی مطالعات مرتبط در پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر شامل PubMed، Scopus و Google Scholar انجام شد. با استفاده از کلمات کلیدی مانند "بیماری عروقی- قلبی"، "زنان سالمند" و "هوش مصنوعی"، "غربالگری"، "یائسگی" مطالعات مرتبط جستجو شدند. در جستجوی اولیه ۵۰۰ مقاله با توجه به عنوان تحقیق استخراج شدند که پس از حذف مقالات تکراری و بررسی چکیده و عنوان خلاصه مقالات، در نهایت متن کامل ۱۰۰ مقاله مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: یافته‌های حاصل از بررسی مطالعات نشان داده‌اند که هوش مصنوعی، به عنوان ابزاری قابل اعتماد و موثر، قادر است در غربالگری و تشخیص زودهنگام بیماری‌های قلبی عروقی در زنان، به ویژه در سنین یائسگی و پیش از آن، نقش مهمی ایفا کند. با استفاده از ابزارهای دیجیتال برای جمع‌آوری داده‌ها و بهره‌گیری از الگوریتم‌های هوش مصنوعی، می‌توان به طبقه‌بندی احتمال خطر بیماری‌های قلبی عروقی در گروه سنی زنان با ذکر نشانه‌ها و علائم دقیق، کمک کرد. همچنین مطالعات به این نکته اشاره داشتند که فناوری‌های دیجیتال در تسهیل و مشارکت مستقیم فعالیت‌های توانبخشی در خانه و مراقبت از افرادی که دارای سابقه بیماری های قلبی هستند، بسیار مهم است. با این حال، در برخی مطالعات محدودیت‌ها دیده شده است. تعداد مطالعات موجود در این حوزه همچنان محدود بوده و برخی از آن‌ها نیز به دلیل نمونه‌های کوچک، قابلیت تعمیم یافتن به جامعه را ندارند.

نتیجه گیری: پیشرفت‌ها در فناوری‌های کامپیوتری و داده‌های دیجیتال منجر به اثربخشی ابزارهای هوش مصنوعی درغربالگری بیماری های قلب و عروقی در جمعیت های متفاوت به ویه زنان در سنین سالمندی شده است. الگوریتم‌های هوش مصنوعی می‌توانند به سرعت مقادیر زیادی از داده‌های بالینی را ترکیب و تفسیر کنند. از سوی دیگر، برنامه های کاربردی گوشی های

هوشمند و دستگاه های پوشیدنی، کلینیک های هوشمند فرصت های بالقوه ای را برای غربالگری و پیشگیری از بیماری های قلبی عروقی در خانه به سالمندان ارائه می دهند. به عبارتی، استفاده از کلینیک های هوشمند مجازی با تمرکز بر پایش، پیشگیری و ارتقاء سلامت می‌تواند به طور مؤثری به همه گروه‌های جمعیتی، از جمله زنان سالمند که دسترسی های لازم به خدمات سلامت را ندارند، خدمات پیشگیرانه ارائه دهد.

کلیدواژه‌ها: *هوش مصنوعی، بیماری قلبی - عروقی، سالمندان، زنان ، کلینیک های مجازی*

عوامل موثر بر پیدایش و پیشگیری سوء تغذیه کودکان: یک مقاله مروری

سجاد رنجبر کوچکسرایی[1]

۱. کارشناس ارشد پرستاری سلامت جامعه، دانشکده پرستاری و مامایی نسیبه، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران.

چکیده

مقدمه: تغذیه مناسب به عنوان یکی از اصلی ترین ارکان سلامت جامعه بوده و از اساسی ترین عوامل در سلامت انسان است به گونه ای که انسان برای رشد جسمی و ذهنی خود نیازمند تغذیه مطلوب می باشد. مصرف مواد غذایی مناسب نقش مهمی در رشد و تکامل افراد ایفا می کند. عدم آگاهی و نگرش صحیح در ارتباط با تغذیه سالم، عملکرد نامناسب تغذیه ای را به دنبال دارد که می تواند سبب بروز بیماری های متعدد غیر واگیر از جمله سوء تغذیه گردد. این مساله در کشورهای درحال توسعه بیشتر نمود پیدا کرده است. سوءتغذیه یکی از بزرگ ترین مشکلات سلامتی است. کودکان علاوه بر اینکه مهم ترین گروه از جمعیت هر جامعه‌ای را دارا می‌باشند، می‌توانند آسیب پذیر ترین قشر یک جامعه نیز محسوب شوند از این رو، باید در نظر داشت که ارتقاء سلامت در آنان نیاز هر جامعه ای می باشد و هر گونه سهل انگاری و اهمال بر رشد، اثرات جبران ناپذیر جسمی و روانی را برای کودکان در پی خواهد داشت. رشد ناکافی جسمی و وزن گیری ناکافی یا عدم توانایی در نگهداری میزان رشد مورد انتظار در طی زمان برای کودک را اختلال رشد می نامند که با منحنی استاندارد رشد شناسایی می گردد عوامل مختلفی در فرآیند رشد و تکامل کودکان موثر است. سوءتغذیه در کودکان می‌تواند مشکلات زیادی از قبیل مشکلات جسمی، ذهنی و روانی به همراه و بیماری‌های زیادی را به‌دنبال داشته باشد. این مشکل در تمامی گروه های سنی کودکان می‌تواند نمود پیدا کند. سوءتغذیه در کشورهای در حال توسعه مشهودتر است. مراقبت‌دهندگان کودکان خصوصا مادران به‌عنوان مهم‌ترین مراقبت دهنده کودک می‌توانند نقش بسزایی در پیشگیری از سوءتغذیه فرزندان خود ایفا کنند. لذا این پژوهش با هدف تعیین عوامل موثر بر پیدایش و پیشگیری سوء تغذیه کودکان انجام گرفته است.

مواد و روش: در این مطالعه مقالات منتشر شده بین سال‌های ۲۰۰۲ الی ۲۰۲۳ بررسی شدند. به‌منظور دستیابی به مستندات علمی مرتبط، جستجوی الکترونیکی به زبان فارسی با استفاده از کلید واژه های سوء تغذیه، کودکان، پیشگیری و همچنین معادل انگلیسی این کلید واژه‌ها، در پایگاه های اطلاعاتی داخلی و خارجی معتبر شامل Pubmed، Google scholar، Scopus، Web of Sciences، SID، Magiran و نیز برخی دیگر پایگاه های اطلاعاتی داخلی و خارجی معتبر انجام شده است.

یافته ها: در نهایت نزدیک به ۲۰۰ مقاله در ارتباط با موضوع مورد نظر یافت شد که با حذف موارد تکراری و دارای سوء گیری، تعداد۲۳ مقاله مورد بررسی نهایی قرار گرفتند. نتایج حاصل نشان داد که آموزش رفتار تغذیه‌ای به کودکان، افزایش دانش مادران در ارتباط با تغذیه مناسب، مشاوره رژیم غذایی، رفتار درمانی، رعایت فاصله گذاری مناسب بین تولد فرزندان، تشویق به ارتقاء سطح تحصیل دختران بر پیشگیری از توسعه سوءتغذیه موثر بوده و نیز استفاده نامناسب از تغذیه کمکی، زمان آغاز تغذیه

تکمیلی، سطح تحصیلات مادران، ابتلا به برخی بیماری ها خصوصا بیماری های گوارشی (مثل سیلیاک و ...)، دانش پایین کودکان در این زمینه، مصرف همزمان برخی از داروها، وضعیت نامناسب اقتصادی خانواده، ازدحام جمعیت، محل سکونت نامناسب، عدم امنیت غذایی و دسترسی ناکافی به مراقبت های بهداشتی به عنوان عوامل ایجادکننده سوء تغذیه در کودکان هستند.

نتیجه گیری: با توجه به اهمیت دوره کودکی برای فرد، خانواده و جامعه می بایست به نیازهای اساسی کودک خصوصا تغذیه آنان بسیار توجه شود و با بررسی عوامل ایجاد کننده و پیشگیری کننده سوء تغذیه امکان بروز این مشکل را در کودکان به حداقل رساند که در این راه علاوه بر خانواده، سیاست های بهداشتی و تغذیه ای هر جامعه نیز باید حداکثر توان خود را به کار گیرد تا از بروز هرگونه مشکل در کودکان به عنوان آینده سازان جامعه جلوگیری گردد.

واژه های کلیدی: *سوء تغذیه، کودکان، پیشگیری.*

کاربرد الگوی اعتقاد بهداشتی در ارتقاء سلامت عمومی زنان یائسه شهرکرد

الهام سادات میرلوحی[۱]، فاطمه میرزایی[۱]، زهرا کریمی[۲]، مسعود لطفی زاده[۳]

۱. دانشجوی کارشناسی، رشته بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

۱. دانشجوی کارشناسی، رشته بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

۳. استادیار گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

چکیده

زمینه و هدف : یائسگی دوره حساسی از زندگی برای اکثر زنان یائسه می باشد که با بروز آن مرحله باروری به اتمام می رسد. به دلیل افزایش تعداد زنان یائسه در جهان و بالارفتن نرخ امید به زندگی و ناخوشی های متعدد ناشی از یائسگی، ارزشمندی آموزش ارتقاء سلامت و افزایش اطلاعات جهت مقابله با آن مشخص می شود . بنابراین مطالعه حاضر با هدف ارتقای سلامت عمومی زنان با به کارگیری الگوی اعتقاد بهداشتی انجام شد و نتایج حاصل از آن می تواند در جهت برنامه ریزی مناسب در راستای سلامت زنان یائسه مورد استفاده قرار گیرد.

مواد و روش ها : این مطالعه نیمه تجربی در سال ۱۴۰۰در شهر شهرکرد انجام شد، که به منظور جمع آوری اطلاعات، ۵ مرکز بهداشتی و سپس ۷۰ نفر از زنان یائسه ثبت شده در این مراکز به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند. جمع آوری اطلاعات با کمک پرسشنامه محقق ساخته ۳۴ سوالی بر اساس الگوی اعتقاد بهداشتی صورت گرفت و افراد به دو گروه مداخله و کنترل تقسیم شدند. پس از آن برنامه آموزشی طی ۶ جلسه گروهی برای گروه مداخله اجرا شد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS نسخه ۲۵ و روش های آمار توصیفی (تعداد، درصد، میانگین) و استنباطی (تی زوجی و تی مستقل) استفاده شد.

نتایج : میانگین سنی افراد در گروه مداخله ۶.۲±۵۶.۱۱ و در گروه کنترل ۴.۱±۵۸.۸ به دست آمد. بین گروه کنترل و مداخله از نظر مشخصات دموگرافیک شرکت کنندگان تفاوت معنی داری وجود نداشت. به طور کلی بین آگاهی درک شده، حساسیت درک شده، شدت درک شده، منافع درک شده و خودکار آمدی درک شده قبل و بعد از مداخله ارتباط معناداری وجود داشت (p=۰/۰۰۱). در گروه شاهد نیز بین آگاهی (p=۰/۰۰۲) و حساسیت درک شده (p=۰/۰۰۹) قبل و پس از مداخله ارتباط معناداری مشاهده شد (p=۰/۰۰۱).

نتیجه گیری : به علت اهمیت سلامت زنان در برنامه های بهداشتی کشوری و عدم اطلاع کافی اکثر زنان از این تغییرات و نیازهای آموزشی دوران یائسگی، ضرورت دارد با استفاده از الگوهای موثر آموزشی در راستای افزایش آگاهی و نگرش و به طور کلی افزایش سلامت زنان، به خصوص زنان یائسه گام‌هایی برداشته شود.

واژگان کلیدی : ارتقا سلامت- مدل اعتقاد بهداشتی- یائسگی- زنان

دوره سالمندی و بیماری‌های نوروتروفیک ؛ یک مطالعه مروری

نعیم نوروزی. ابوبکر جعفرنژاد. سهیل حسنی پور. محمد حسین کیوانلو . احسان امینی صالحی

نعیم نوروزی،دانشجوی پزشکی،مرکز تحقیقات گوارش و کبد دانشگاه علوم پزشکی گیلان،ایران

دانشجوی دکتری تخصصی اپیدمیولوژی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران.

سهیل حسنی پور، دکتری تخصصی اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات گوارش و کبد دانشگاه علوم پزشکی گیلان،ایران

محمد حسین کیوانلو، دانشجوی پزشکی،مرکز تحقیقات گوارش و کبد دانشگاه علوم پزشکی گیلان،ایران

احسان امینی صالحی، دانشجوی پزشکی،مرکز تحقیقات گوارش و کبد دانشگاه علوم پزشکی گیلان،ایران

چکیده

مقدمه: با توجه به روند رو به رشد پیری جمعیت در کشور، بیماری‌های نوروتروفیکی مانند آلزایمر و پارکینسون نیز افزایش می‌یابند. این بیماری‌ها نه تنها بر کیفیت زندگی سالمندان تأثیر می‌گذارند، بلکه بار اقتصادی قابل توجهی را برای سیستم‌های بهداشتی ایجاد می‌کنند. در این مرور، ما به بررسی مطالعات در زمینه سالمندی، آلزایمر و پارکینسون پرداختیم.

روش کار: در این مطالعه مروری، با استفاده از کلمات کلیدی مناسب، جستجو در پایگاه‌ها و دیتابیس های علمی فارسی و لاتین شامل Google Scholar، Magiran، SID، Iranmedex، و PubMed,Scopus,web of science, Irandoc انجام شد. مطالعات منتشر شده در پایگاه های فارسی و لاتین با کلیدواژه های : " سالمندی "، " بیماری های نوروتروفیک"، " آلزایمر " ، " پارکیسنون " و معادل لاتین آن ها طبق اصول Mesh terms در بازه‌ی زمانی بین سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳ انتخاب شدند. پس از بررسی عناوین و چکیده‌ها و ارزیابی های مربوطه، از بین ۵۱ پژوهش انجام شده، ۹ مطالعه برای بررسی انتخاب شدند.

یافته: در این مروری، نشان داده شد که پیری و سالمندی عامل اصلی بروز بیماری‌های نوروتروفیکی مانند آلزایمر و پارکینسون است. عوامل خطر دیگر شامل ژنتیک، فعالیت‌های زندگی مانند سیگار کشیدن و فعالیت بدنی کم، و عوامل محیطی مانند تماس با سموم و آلودگی هوا هستند. در مورد آلزایمر، نشان داده شد که تجمع پروتئین‌های آمیلوئید بتا و تائو در مغز نشانه‌های این بیماری هستند. درمان‌های مختلفی مانند مهارکننده‌های کولین استراز و ممانتین برای آلزایمر توسعه داده شده‌اند، اما هنوز درمانی موثر برای این بیماری وجود ندارد. برای پارکینسون، نشان داده شد که نقش تجمع پروتئین آلفا-سینوکلئین در مغز بسیار مهم است. گزینه‌های درمانی برای پارکینسون شامل لودوپا و تحریک عمیق مغزی هستند.

نتیجه گیری: با توجه به افزایش رو به رشد جمعیت سالمند، پیری و بیماری‌های نوروتروفیکی مانند آلزایمر و پارکینسون اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند. با توجه به این که کهولت سن عامل اصلی بروز این بیماری‌ها است، تغییرات در شیوه زندگی و تغییرات محیطی می‌تواند خطر بروز این بیماری‌ها را کاهش دهد. در حالی که درمان‌های مختلفی برای آلزایمر و پارکینسون توسعه داده شده‌اند، هنوز درمان موثری برای این بیماری‌ها وجود ندارد و تحقیقات بیشتری برای پیدا کردن درمان‌های موثرتر لازم است.

کلیدواژه: *سالمندی، بیماری نوروتروفیک، آلزایمر، پارکینسون، مقاله مروری.*

بررسی تاثیر برنامه مراقبت های میانسالی بر کیفیت زندگی میانسالان شهرستان نهاوند

فاطمه رحیمی[۱] ،فاطمه السادات ایزدخواه[۲] ،نمامعلی آزادی[۳] ، مرتضی منصوریان[۴]

۱-کارشناس ارشد آموزش جامعه نگر- دانشکده بهداشت- دانشگاه علوم پزشکی ایران- تهران- ایران

۲-دانشجوی دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت،دانشکده بهداشت،دانشگاه علوم پزشکی ایران

۳-دانشیار آمار زیستی- دانشکده بهداشت- دانشگاه علوم پزشکی ایران- تهران- ایران

۴-دانشیار آموزش بهداشت و ارتقا سلامت- مرکز تحقیقات ارتقا سلامت- دانشگاه علوم پزشکی ایران- تهران- ایران

چکیده

زمینه و هدف : کیفیت زندگی میانسالان نقش مهمی در روند زندگی آن ها خواهد داشت. کیفیت زندگی مجموعه ای است از رفاه و سلامت کامل جسمی، روانی و اجتماعی‌که به وسیله فرد یا گروهی از افراد درک می شود و متأثر از عوامل متعددی می باشد. بر این اساس پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر برنامه مراقبت های میانسالی بر کیفیت زندگی میانسالان شهرستان نهاوند صورت گرفته است.

مواد و روش ها : روش تحقیق حاضر نیمه تجربی و از نوع کاربردی بود. نمونه تحقیق ۴۰۰ نفر از میانسال (زن و مرد) بوده است که به صورت تصادفی انتخاب و در دو گروه (۲۰۰نفر گروه مداخله که آموزش شیوه زندگی سالم را دریافت کرده اند و ۲۰۰ نفر گروه کنترل که این مراقبت ها و آموزش ها را دریافت نکرده اند) انجام شد. تجزیه و تحلیل داده ها نیز با استفاده از آزمون من-ویتنی در نرم افزار SPSS صورت گرفت.

نتایج :یافته های تحقیق نشان داد که در گروهی که مراقبت ها و آموزش های میانسالی را دریافت نموده اند، میانگین مربوط به متغیر کیفیت زندگی، ۴/۱۶ و انحراف معیار مربوط به آن ۰/۸۷۲ می‌باشد. همچنین در گروهی که مراقبت های مربوط به میانسالی را دریافت نکرده اند، میانگین مربوط به این متغیر، ۳/۵۲ و انحراف معیار مربوط به آن ۱/۰۶۵ می‌باشد.

نتیجه گیری : بر اساس نتایج حاصل از این تحقیق مشخص گردید که مراقبت ها و آموزش های میانسالی بر کیفیت زندگی میانسالان شهرستان نهاوند تاثیر مثبت و معناداری داشته است.

واژگان کلیدی: *کیفیت زندگی، مراقب های میانسالی، میانسالان، نهاوند*

بررسی میزان سطح آگاهی، نگرش و عملکرد زائران اربعین حسینی نسبت به پیشگیری از بیماری های رایج و اقدامات درمانی در سال ۱۴۰۲

احمد مهری[۱]، کورش اعتماد[۲]*

۱-دانشجوی دکتری تخصصی اپیدمیولوژی، گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۲-دانشیار تخصصی اپیدمیولوژی، گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: تجمع انبوه اربعین به عنوان بزرگترین تجمع مذهبی جهان شناخته شده است و هزاران زائر از سراسر جهان به عتبات عالیات (نجف و کربلا) سفر می‌کنند تا در این مراسم شرکت کنند. موفقیت برنامه های پیشگیری، کنترل و درمان بیماری های شایع به همکاری افراد جامعه بستگی دارد. درک دانش، نگرش و عملکرد جامعه مربوط به بیماری (زائران اربعین حسینی) از عوامل مهم تعیین کننده مشارکت افراد در اجرای برنامه است و با توجه به دانش ما تاکنون مطالعه ای برای بیماری های شایع در مسافرت های سیاحتی و زیارتی انجام نشده است. مطالعه حاضر با هدف بررسی آگاهی، نگرش و عملکرد زائران اربعین حسینی نسبت به پیشگیری از بیماری های رایج و اقدامات درمانی درسال ۱۴۰۲ انجام شد.

روش: مطالعه حاضر یک مطالعه مقطعی از نوع توصیفی تحلیلی بود که برروی ۸۴۰ نفر از زائرین کربلا در اربعین ۱۴۰۲ انجام شد. روش نمونه گیری به صورت در دسترس در سه ایستگاه ورودبه مرز، خروج از مرز و طول مسیر پیاده روی انجام شد. برای تعیین آگاهی، نگرش و عملکرد از پرسشنامه محقق ساخته استاندارد استفاده شد .

نتایج: از مجموع شرکت کنندگان، ۴۱ درصد در گروه سنی ۲۱-۳۰ سال بودند. ۶۵ درصد افراد مرد و مابقی زن بودند.۳۴ درصد از شرکت کنندگان دارای تحصیلات دیپلم بودند.۱۲ درصد از افراد در زمان پرسشگری حداقل یکی از علائم مشکوک به بیمرای های تنفسی و گوارشی را داشتند. میانگین نمره آگاهی، نگرش و عملکرد به ترتیب ۵۸.۴۸(SD=6.94)، ۴۲.۹۷ (SD=5.59)و ۴۰.۳۷ (SD=6.18) بود .

نتیجه گیری: با در نظر گرفتن اهمیت توجه به ابعاد سلامتی، ارائه خدمات درمانی و مراقبتی در مرزها برای سفر اربعین و سایر خدمات پزشکی و درمانی، بنظر می رسد، نداشتن آگاهی، نگرش و عملکرد مطلوب در زائرین، می تواند در بهبود کیفیت خدمات

درمانی نیز تاثیر بگذارد. هرچند داشتن آگاهی، نگرش و عملکرد بهتر در ارتباط با خودمراقبتی بهتر و مراقبت بهتر از سلامتی زائرین نیز باشد. با این حال نتایج این مطالعه نشان داد آگاهی، نگرش و عملکرد افراد وضعیت متوسطی داشت و وضعیت مطلوبی نداشت. هرچند توسعه آموزش های سلامت در زمان نزدیک به اربعین میتواند مداخله ای اثربخش باشد، اما آموزش های جاری بهتر برای بیماری های رایج سفرهای زیارتی و سیاحتی نقش ماندگارتری در بهبود آگاهی، نگرش و عملکرد افراد میتواند داشته باشد.

کلمات کلیدی: *اربعین، بیماری های رایج، سلامت زائرین، بهداشت عمومی*

بررسی تأثیر آموزش مجازی بر رفتار های ارتقاء دهنده سلامت در جوانان: یک مرور سیستماتیک

ثمین بخشعلی زاده[1]

مشخصات نویسندگان: دانشجوی کارشناسی ارشد، پرستاری سلامت جامعه، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

چکیده

زمینه و هدف : رفتار های ارتقاء سلامت از معیار های اساسی تعیین کننده سلامتی برای افراد محسوب می شوند؛ بنابرین ارائه راهکار هایی بمنظور کسب رفتار سلامتی در افراد و ارتقاء سبک زندگی سالم ضروری می باشد. آموزش مجازی به استفاده گسترده از فناوری های پیشرفته بمنظور ارائه اطلاعات گفته می شود که در سال های اخیر شاهد توسعه بکارگیری برنامه های آموزشی مجازی بویژه در حوزه سلامت بودیم و از طرفی این روش آموزشی محبوبیت ویژه ای در بین جوانان دارد. جوانان قشر پویای جامعه محسوب می شوند و دوران جوانی بهترین زمان برای ایجاد رفتار های سالم بشمار می آید؛ از طرفی بکارگیری رفتار های ارتقا سلامت در جوانان منجر به خودکارآمدی و در نتیجه انتخاب سبک زندگی سالم در بین آن ها می شود؛ بنابراین با توجه به اهمیت این موضوع و عدم وجود مطالعه ای که به بررسی و جمع بندی نتایج حاصل از آن بپردازد، هدف مطالعه حاضر مروری سیستماتیک بر تأثیر آموزش مجازی بر رفتار های ارتقاء دهنده ی سلامت در جوانان می باشد.

مواد و روش ها : جستجو در پایگاه های معتبر اطلاعاتی همچون SID، Scopus، PubMed و Google Scholar با کلید واژه های آموزش مجازی، آموزش از راه دور، جوانان، رفتار های ارتقاء دهنده سلامت از سال ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۳ صورت گرفت. معیار ورود به مطالعه شامل مطالعات توصیفی و کارآزمایی‌های تصادفی‌سازی شده با هدف بررسی تأثیر آموزش مجازی بر رفتار های ارتقاء دهنده ی سلامت بودند که شرکت کنندگان آن را جوانان سن ۱۸ تا ۳۵ سال دارای امکانات آموزش مجازی و عدم تجربه استرس شدید روانی در ۶ ماه گذشته تشکیل می دادند.

نتایج : نتیجه جستجو ۱۳۲ مقاله بود که در نهایت ۱۰ مقاله مورد بررسی نهایی قرار گرفت. در مطالعات مختلف بررسی شده، آموزش مجازی رفتار های ارتقاء دهنده سلامت به دلایل مختلفی از جمله تقویت اعتماد بنفس، یادگیری در محیط امن، حمایت از خودکارآمدی، توسعه مهارت تفکر، عدم محدودیت در مکان و زمان، امکان شرکت تعداد بیشتری از افراد نسبت به آموزش حضوری و افزایش انگیزه مخاطبین به عنوان یک روش مؤثر برای ارتقاء رفتار های سلامت در جوانان توصیه می شود. از طرفی از چالش های آن می توان به مشکلات فنی، یادگیری در انزوا، نیاز به امکانات و تجهیزات لازم، کاهش تمرکز، کاهش تعامل بین یاد دهنده و مخاطبین و عدم دریافت بازخورد دقیق و مؤثر اشاره کرد.

نتیجه گیری : نتایج حاصل از این مطالعه مروری بیانگر تأثیر آموزش مجازی بر رفتار های ارتقاء دهنده سلامت در جوانان می باشد که با توجه به مطالعات مختلف نقش آموزش مجازی بر ارتقاء رفتار های سلامتی جوانان غیر قابل انکار بوده و می توان بطور مؤثری این روش را جایگزین و یا مکمل روش آموزش حضوری قرار داد. نتایج این مطالعه می تواند جهت کمک به اتخاذ رفتار های ارتقاء سلامت در جوانان بکار رود.

واژگان کلیدی : *آموزش مجازی، آموزش از راه دور، جوانان، رفتار های ارتقاء دهنده سلامت*

Assessment of Questionnaire of Physical Activity at Workplace Based on the Social Cognitive Theory (PAWPQ-SCT): A Psychometric Study in Iranian Gas Refinery Workers

Ghobadi Kamel[1], Eslami AhmadAli[2*], Pirzadeh Asiyeh[3], Hosseini Fatemeh[4], Mazloomi Seyed Mohammad[5]

1-Department of Health Education and Promotion, School of Health, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran.
2-*Department of Health Education and Health Promotion, School of Health, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran.
3-Department of Health Education and Promotion, School of Health, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran.
4-Department of Public Health, School of Health, Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin, Iran.
5-Nutrition Research Center, School of Nutrition, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.

Prof AhmadAli Eslami

Department of Health Education and Health Promotion, School of Health, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran.

Abstract

Introduction: Physical activity (PA) is one of the main determinants of physical and mental health and quality of life (1-3). Adults aged 18-64 years are recommended to have 150 to 300 minutes of moderate to vigorous aerobic fitness activity per week (4). Evidence shows that more than a quarter of the world's adult population (27.5%) have inadequate PA (5). According to a review of relevant literature, factors affecting employees' PA behavior are generally divided into three categories - individual, social, and behavioral factors - each of these factors can either facilitate or hurdle performing PA by employees (6), and they are highly close to the basics of SCT, one of the most common theories used to predict PA behavior. The lack of a standard questionnaire in this field in the target group, the present study aimed at developing an appropriate tool and evaluating its validity and reliability in accordance with the theoretical framework of SCT to assess employees' PA behavior at the workplace.

Methods and Materials: This psychometric cross-sectional study was conducted on 455 employees working in one of the gas refineries in Iran. The participants were selected using the proportional stratified sampling method in 2019. The data collection tools were a demographic information questionnaire, the short form of the International Physical Activity

Questionnaire (IPAQ), and a questionnaire developed based on the SCT, whose psychometric features were confirmed in terms of validity and reliability. Inclusion criteria were willingness to participate in the study, working at the operation region during the research period, the age range of 25-60 years, informed consent, and not suffering from a specific illness limiting physical activity. Unwillingness to participate or continue participation and incomplete responses to the questionnaire were exclusion criteria. Data were analyzed using SPSS22 and AMOS20 software. Descriptive statistics were used for presenting quantitative variables, and CVI, CVR, and impact score were used to assess quantitative content validity. The normality of quantitative data was checked using the Kolmogorov-Smirnov test. The fitness of the data for EFA was tested using the Kaiser-Meyer-Olkin (KMO) index, Bartlett's sphericity test, model fit tests, the Chi-square to the degree of freedom ratio (CMIN/DF), Comparative Fit Index (CFI), Normal Fit Index (NFI), Toker-Lewis Index (TLI) (or unadjusted fit index), and Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA). The acceptance level was 1-5 for CMIN/DF, >0.9 for CFI, IFI, NFI, and TLI, and <0.08 for RMSEA (7, 8).

Results: Most of the participants were in the age range of 36 - 45 years (60.4%), most education status was bachelor degree (40.7 %), Less than half of the participants had an office job (43%). Additionally, the PA level was low in 261 (57.3%) of the employees. The first version of PAWPQ-SCT had 74 items. After evaluating content and face validity, nine items were removed. The results of the content validity index (0.98), content validity ratio (0.86), and impact score (3.62) were acceptable for the whole instrument. In exploratory factor analysis, after removing seven items -58-item final version of the scale-, six factors could explain 73.54% of the total variance. The results of structural equation modeling showed the acceptable fit of the model into the data (RMSEA=0.052, CFI=0.917, NFI=0.878, TLI=0.905, IFI=0.917, CMIN/DF=2.818). Cronbach's alpha coefficient and Intraclass Correlation were 0.90 and 0.86, respectively.

Conclusion: According to the findings of the present study, the items were consistent with the scales, confirmed by the means and variances of the scores obtained for each item, as well as the correlations among all items. Such evidence reflected the favorable convergence of the In this study, 78.9% of the participants had inadequate PA. The main strength of this study was using the SCT framework to investigate the PA behavior of a diverse group of employees regarding their individual and occupational characteristics. The short forms of this tool can be developed more comprehensively in future studies. This study confirmed that the psychometric features of the 58-item final version of PAWPQ-SCT constructs were acceptable in a sample of Iranian employees. This questionnaire can be used as a valid and reliable tool to evaluate Iranian employees' PA behaviors and develop effective educational interventions for workers and managers.

Key Words: *workplace, physical activity, social cognitive theory, employees, psychometric*

The relationship between the perception of aging and death anxiety in the elderly of Eastern Iran

Razieh pirouzeh[1], Ahmad Sadeghi[1], Faezeh vailzadeh[2], Azhra farimani[1], Golnaz nistani[1], Zahra gholamzad[1]

1- Student Research Committee, Esfarayen Faculty of Medical Sciences, Esfarayen, Iran.

2-*Corresponding Author: Student Research Committee, Esfarayen Faculty of Medical Sciences,Esfarayen Faculty of Medical Sciences, Esfarayen, Iran, Email: R_pirouzeh@yahoo.com

Abstract

Background and aims: Perception of aging is considered a criterion and measure related to people's satisfaction with their aging process that shows ones compliance with the changes of the aging period. The psychophysical changes and disabilities of the elderly at this stage of life cause them to think more about the death issue, making death anxiety to be known as a major anxiety disorder in older people. Therefore, the present study aimed to investigate the relationship between the perception of aging and death anxiety in the elderly of Eastern Iran.

Materials and methods: The current descriptive-analytical study was conducted on 300 older people (118 men and 182 women) who were selected by the stratified-random method. Data were collected using demographic, Barker"s perception of aging, and Templer"s death anxiety questionnaires. Data were analyzed using statistical tests, namely Pearson"s correlation coefficient, independent t-test, analysis of variance (ANOVA), and linear regression in SPSS software.

Results: The perception of aging score averaged 102.50 ± 15.55. The highest average of perception of aging dimensions belonged to the chronic acute dimension (16.33 ± 4.077), and the lowest averages were related to the dimension of positive results (9.79 ± 2.80), with a death anxiety score of 6.35 ± 1.99. The linear regression analysis results indicated that the increase in the score showed negative emotions, with an increase in the score of death anxiety (P = 0.001). Moreover, a higher death anxiety score was recorded in the retired elderly than in the working ones (P = 0.02).

Conclusion: Older people with more negative emotions toward old age experienced higher death anxiety as well. Therefore, promotion interventions are needed to create positive

emotions and feelings toward old age to promote healthy aging. Given the higher experience of death anxiety in retired people, their mental health requires more attention and investigation.

Keywords: *perception of aging, death anxiety, elderly*

Sexual Health-Related Beliefs Among Couples in Marriage Based on the Health Belief Model

Razieh Pirouzeh[1]* Ahmad Sadeghi[2], Fatemeh soltani[2], Fateme khairabadi[2] ,zahra hehmati[2] ,fatemeh Heshmati[2]

1-*Corresponding Author: Student Research Committee, Esfarayen Faculty of Medical Sciences, Esfarayen, Iran. Address: Esfarayen Faculty of Medical Sciences, Emam Reza street, Esfarayen, Iran.

2- Student Research Committee, Esfarayen Faculty of Medical Sciences, Esfarayen, Iran.

Abstract

Background & aim: The present study was conducted to investigate the beliefs related to sexual health among couples on the verge of marriage using the health belief model.

Methods: This descriptive and analytical study was conducted on 210 people who were referred to the pre-marriage counseling center of Esfarayen city (Eastern Iran) in 2022 based on the available sampling method. The data was gathered through a valid and reliable questionnaire, which was organized based on the health belief model. Data was analyzed by SPSS 22 using descriptive index and analytical tests at a significant level of 0.05.

Results: The average score of awareness was 13.8±5.06, the average score of perceived susceptibility was 22.18±6.5, the average score of perceived severity was 23.16±4.5, the average score of perceived benefits was 15.21±2.4, and the average of the perceived barriers score was 7.77±2.9. The Internet and friends have been founded as the most important guides for sexual health.

Conclusion: Studied couples had a relatively favorable awareness and perceived susceptibility of a couple, moderate perceived severity, and favorable perceived benefits. The most important barriers perceived by couples are the taboo and confidentiality of sexual health information. Internet and friends had reported being the most important sources of sexual information for couples. Therefore, promotional interventions with gradual culturalization to remove taboos and negative attitudes in society are suggested as well as suitable educational interventions based on the web and similar groups.

Key words: *sexual health, health belief model, marriage*

Investigating the relationship between individual and organization fit and psychological empowerment and constructive thinking in medical personnel of Hospital in Behbahan city

Zohreh Karimiankakolaki *[1] , Asghar Ramezani[2]

1-Assistant Professor, Department of Health, Faculty of Medical Sciences, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran.
2-MSc. Student Health Services Management, Department of Health, Faculty of Medical Sciences, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran.

Abstract

Introduction: Psychological empowerment and constructive thinking and its fit with the job is one of the most important success factors in advancing the organization's goals and increasing commitment and job performance. This study was conducted with the aim of investigating the relationship between individual and organization fit and psychological empowerment and constructive thinking in medical personnel of Hospital in Behbahan city in 2022.

Materials and Methods: This descriptive-analytical (cross-sectional) study was conducted on 250 medical personnel of Hospital in Behbahan city in 2022. The assessment of psychological empowerment was measured using a 15-question Spritzer and Meishert questionnaire, and the evaluation of constructive thinking was measured using a 28-question Epstein and Mayer questionnaire, and the state of individual and organizational fit was measured using a 10-question Scroggins questionnaire. The data was analyzed using SPSS 26 software and a significance level of 0.05.

Findings: The average age of the study participants was 36.21 years. The average score of psychological empowerment was 13.39 ± 9.84, which was higher than the average and was at a desirable level. The average score of constructive thinking was 27.75 ± 19.08, which was in the optimal level and above the average. The average score of fit between the individual and the organization was 18.91 ± 17.08 and was above the average and was at the optimal level. There was a positive and significant relationship between the average score of individual-organization fit and constructive thinking. The relationship between the mean score of psychological empowerment and constructive thinking was also positive and significant. However, there was no significant relationship between the average score of individual-organization fit and psychological empowerment.

Conclusion: According to the results and the positive relationship between the fit variables of the organization and the psychological empowerment with constructive thinking, it is possible to improve the other variables with the positive changes and promotion of each of them and advance it towards its goals by promoting the organization.

Keywords*:* *psychological empowerment, constructive thinking, fit of person with job*

The effectiveness of the interaction between mothers and health care workers in changing the health behavior of female primary school students in Kermanshah city 2023-2022

Abstract

Background and Aim: Parents play a vital role in the education of their children and they continue this important role when their children go to school. The goal of parents is for their children to gain knowledge and awareness by attending schools and achieving this goal is only possible with the cooperation of parents and the school's health care provider. Their relationship is an interactive process. If it takes the form of conscious participation, it will cause more efficiency, because the parents provide information related to bad health and nutrition habits to the health care provider in order to target the education.

Materials and Methods:: A cross-sectional descriptive study was conducted. The statistical population of the research was 100 primary school students in Kermanshah city, who were taught during 6 months

Result:80Percent of the statistical population changed their behavior and 20Percent of the students did not change

Conclusion: The close relationship between mothers and school health care workers was very effective and changed the behavior of students.

Keywords: behavior change, health care, mothers

Connor-Davidson Resilience Scale: A Systematic Review Psychometrics Properties using the COSMIN

Hamid Sharif-Nia[1,2], David Sánchez-Teruel[3], Erika Sivarajan Froelicher[4], Sima Hejazi[5], Lida Hosseini[6], Fatemeh Khoshnavay Fomani[7], Mozhgan Moshtagh[8], Fereshteh Mollaei[9], Amir Hossein Goudarzian[10*], Amir Babaei[11]

1-Associate Professor, Traditional and Complementary Medicine Research Center, Addiction Institute, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran.
2-Department of Nursing, Amol Faculty of Nursing and Midwifery, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran.
3-Professor, Department of Personality, Assessment and Psychological Treatment, University of Granada, Spain
4-PhD, Professor Emeritus, Department of Physiological Nursing, School of Nursing, and Department of Epidemiology & Biostatistics, School of Medicine, University of California Sand Francisco, San Francisco, California, USA
5-Assistant Professor, Bojnurd Faculty of Nursing, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran
6 Assistant Professor, School of Nursing and Midwifery, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

7-Assistant Professor in Nursing, School of Nursing and Midwifery, Tehran University of Medical Sciences. Tehran, Iran.

8-Social Determinants of Health Research Center, Birjand University of Medical Sciences, Birjand, Iran
9-PhD Candidate in Nursing, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran.
10-PhD student in Nursing, School of Nursing and Midwifery, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran
11-Student Research Committee, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran

Abstract

Aims: Psychometrical evaluation of persons of diverse contexts, and different populations, including general or clinical. This review study aimed to evaluate the psychometrics quality of resilience scales.

Methods: International and Iranian databases were searched with MESH terms included “psychometric”, “validity”, “reliability”, “Connor-Davidson resilience scale”, “Resilience scale”, for published articles up to February 1, 2023. For each of the selected studies, risk of

bias was evaluated using the COSMIN Risk of Bias Checklist. Then The COSMIN checklist was used to evaluate the entire text of the article for methodological quality.

Results: Considering the inclusion criteria, 79 documents were evaluated. According to the COSMIN's criteria for evaluating the risk of bias, the current study findings revealed the included studies' limitations in assessing the three versions of CD-RISC cross-cultural and content validity as well as their stability (e.g., conducting test re-test), whereas the majority of psychometric studies of CD-RISC25, and CD-RISC-2 rated as very good or adequate in terms of structural validity. In terms of quality assessment of the included studies, the current study indicated that investigating the structural validity of the CD-RISC was mainly done based on EFA (Exploratory Factor Analysis), and confirmatory factor analysis was absent.

Conclusion: The general result indicates the acceptability of the quality of the studies. However, concerns for measurement properties such as responsiveness and criterion validity as well as the standard error of measurement have been neglected.

Keywords: *Psychometrics, Connor-Davidson Resilience Scale, Resilience, systematic review*

Fear of Progression in Iranian Breast Cancer Patients: a Validity and Reliability Evaluation

Hamid Sharif Nia[1], Erika Sivarajan Froelicher[2], Sima Hejazi[3], Amir Hossein Goudarzian[4*]

1-Associate Professor, School of Nursing and Midwifery Amol, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran
2-PhD, Professor Emeritus, Department of Physiological Nursing, School of Nursing, and Department of Epidemiology & Biostatistics, School of Medicine, University of California Sand Francisco, San Francisco, California, USA
3-Assistant Professor, Bojnurd Faculty of Nursing, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran
4-PhD student in Nursing, Student Research Committee, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Abstract

Aims: The ability to adapt coping mechanisms in response to the issues of various Iranian societies can be greatly aided by taking into account the fact that dealing with various people in various groups can depend on culture and religion. The present study was conducted with the aim of investigating the psychometric properties of the FoP questionnaire in Iranian patients with breast cancer.

Methods: In this cross-sectional study, 400 patients who suffer from breast cancer (selected based on inclusion criteria), completed the Persian translation of the FoP-Q. After translation to Persian language, the reliability and construct validity of the scales were examined. The SPSS-AMOS 27, SPSS R-Menu 2, and JASP 0.16.0.2 were also used to perform all of the statistical analyses.

Results: According to the exploratory factor analysis, using a single factor structure, the self-efficacy scale explained 65.045% of the variance. A good model fit was revealed by the confirmatory factor analysis results. Internal consistency and stability were acceptable, according to reliability analysis.

Conclusion: The short Persian version of the FoP-Q has an acceptable degree of validity and reliability. Therefore, it is recommended to use this questionnaire to assess breast cancer patients' fear of disease progression.

Keywords: *Validity, Reliability, Fear of Progression, Cancer, Iran*

Sedentary Behavior Among Employees

Parnia Bagheri[1], Yahya Salimi[2], Gholamreza Abdoli[3], Farid Najafi[4]

1-MSc in epidemiology , Department of Epidemiology, School of Health, Kermanshah University of Medical Sciences.

2-Associate Professor of epidemiology, Department of Epidemiology, School of Health, Kermanshah University of Medical Sciences.

3-Assistant Professor of epidemiology, Department of Epidemiology, School of Health, Kermanshah University of Medical Sciences.

4-Professor of epidemiology, Research center for environmental determinants of health, Kermanshah University of Medical Sciences.

Abstract

Background and Objective: The health effects of prolonged sitting at work without breaks to stand or move around are negative. About half of a person's life is spent working because work is an important element for individual identity, social status, health, and economic well-being. So, the health of employees at work is importan and the purpose of this study was to investigate sedentary behavior among university employees in Kermanshah province, in the west of Iran.

Methods and Materials: A cross-sectional study was conducted among 701 university employees from May to June 2021 in Kermanshah province. A checklist comprising demographic information, a sedentary behavior questionnaire, and other information was used to collect the data. To compare the average hours spent in sedentary activities based on the demographic characteristics of the participants, after assessing the default normality, ANOVA and independent t tests were used.

Results: The mean (standard deviation) age of the employees was 40.55 (7.26) years, which included about half of the participants (56.06%) women and 80.74% people with more than 5 years of work experience. About 14% of the employees mentioned the history of chronic diseases, and 32.52% mentioned the history of musculoskeletal disorders. The mean (SD) of the time spent on sedentary behavior on working days (5 days) was estimated to be 40.61 (20.54) hours per week, and for weekend days (2 days), 18.25 (8.64) hours. The results showed that on working days of the week, the average hours spent studying in men were more than in women, and the average duration of driving and doing work was more in women. The results for weekends were also similar, except that the average duration of sitting, talking on the phone, and driving on weekends was higher in men than in women. The results of subgroup analysis showed that according to the age groups on working days of the week, the average duration of

listening to music, playing music, and performing art in the age group of 20 to 30 years and watching TV in the age group of 50 to 60 years was greater than in other age groups.

Conclusion: This research has provided an important message for the working adult and they should be active as much as possible and avoid high levels of sedentary behavior and uninterrupted sitting time. Prolonged sitting without time to stand or walk can have a direct or indirect impact on people's health and lives.

Keywords: *Sedentary behavior; Sitting; Employees; Workplace health*

Prevalence of Caesarean Section and Reasons for Choosing it by Pregnant Women

Parnia Bagheri[1], Masoumeh Mirzaei[2], Shima Mohammadi[3], Roya Safari Faramani[4]

1-MSc in Epidemiology, Department of Epidemiology, School of Health, Kermanshah University of Medical Sciences.

2- BSc in Public health, Student Research Committee, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran.

3-BSc in Public health, Student Research Committee, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran.

4-Assistant Professor of Epidemiology, Social Development and Health Promotion Research Center, Health Institute, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran.

Abstract

Background and Objectives: In Iran caesarean section (CS), is more common than the World Health Organization's (WHO) recomendation.
The aim of this study is to determine the prevalence of caesarean section and the factors predicting its selection for delivery in Kermanshah women.

Materials and Methods: A cross-sectional study was conducted on 485 women who were referred to health centers in Kermanshah for post-natal care and vaccination in 2021. The data was collected using a checklist of demographic information and socio-economic status via face-to-face interviews. Data were analyzed using logistic regression, independent t test, and chi-square statistical tests.

Results: The mean (standard deviation) age of the participants was 27.10 (4.42) years, and 44.95% of them had a caesarean delivery. The most common causes of CS were pelvic and uterine disorders, breech presentation of the fetus, fear of vaginal delivery, and the individual's preference. In this study, a significant relationship was observed between CS selection in women and their husband's job ($p<0.05$). The results of adjusted relationships of independent variables with CS showed that the chance of CS in women whose husband is an employee (OR adjusted = 0.22, 95% CI: 0.07, 0.67) and has a freelance job (OR adjusted = 0.35, 95% CI: 0.14, 0.90) is 0.22 and 0.35, respectively, compared to those whose husband's occupation is a worker.

Conclusion: Given the high prevalence of CS in Kermanshah in comparison to the WHO standard, there is a critical need to implement strategies and interventions in the fields of training service providers, educating mothers about the complications of unnecessary CS, cultural change of choosing the type of delivery, and designing psychological interventions in order to reduce the use of CS.

Keywords: *Cesarean Section, Pregnancy, Prevalence, Kermanshah*

The impact of Health Literacy on the management of Non-Communicable Diseases, systematic review

Author name: Shaghayegh Jamshidi[1]

Author affiliation: ۱ Student Research Committee, Shahrekord University of Medical Sciences, Shahrekord, Iran

Background and aims: Non-communicable diseases (NCDs), such as cardiovascular diseases, diabetes, and cancer, are major global health challenges with significant consequences for individuals and healthcare systems. Health literacy has been recognized as a crucial factor influencing the management of NCDs. This systematic literature review aims to examine the relationship between health literacy and the management of NCDs.

Abstract

Materials and methods: A precise and comprehensive look of pertinent ponders distributed between 2013 and September 2023 was conducted in major databases such as PubMed, Scopus, Global Health and Web of Science, and Google Researcher. The search technique included keywords related to management, Health literacy, non-communicable diseases and related synonyms. Inclusion criteria were connected to choose articles that centered on wellbeing education related to diseases management and depicted response and readiness techniques. Information extraction and quality assessment were performed employing a predefined protocol. During this specific protocol, indistinguishable and duplicate articles were excluded, and after cautious audit, articles that met the consideration criteria were included were included within the consider.

Results: Out of the starting pool of 500 considers distinguished, 26 were included for survey. The discoveries uncovered a noteworthy affiliation between low health literacy and poor management of NCDs. Patients with constrained health literacy abilities were more likely to involvement challenges in understanding and following to treatment plans, recognizing side effects, making educated choices with respect to their health, and viably communicating with healthcare suppliers. Low health literacy was too connected to higher rates of hospitalizations, medicine blunders, and expanded healthcare costs. A few interventions, counting streamlined instructive materials, upgraded patient-provider communication, and health literacy training programs, showcased effective comes about in progressing health literacy levels among NCD patients.

Conclusion: This systematic review highlights the vital part of health literacy within the management of non-communicable diseases. Low health literacy levels are related with different boundaries that ruin compelling self-management and communication with healthcare

suppliers. By executing focused on interventions, such as quiet instruction programs and progressed communication methodologies, health literacy among NCD patients can be improved, leading to moved forward health outcomes and decreased healthcare costs.

Keywords: *health literacy, non-communicable diseases, management*

Evaluation of Training Methods for the Public During Epidemic Outbreaks of Communicable Diseases from the Perspective of the Public in 1402: A Cross-Sectional Study

Elaheh Nasiri[1], Saber Azami-Aghdash[2], Salar Mohammaddokht[1]

1-Student Research Committee, Tabriz University of Medical Sciences, Tabriz, Iran

2-Tabriz Health Services Management Research Center, Tabriz University of Medical Sciences, Tabriz, Iran

Abstract

Background and aims: Despite the health authorities' efforts to provide the public with education during epidemics of infectious diseases, there is insufficient evidence regarding the evaluation and effectiveness of these methods. Gathering people's perspectives on the provided education can offer policymakers valuable insights for managing intervention programs during crises and future epidemics. Therefore, this study aimed to evaluate the effectiveness of educational methods for the public during epidemic crises of infectious diseases from the people's perspective.

Materials and methods: This study was a descriptive cross-sectional study conducted in East Azerbaijan province in the year 1402 (2023). The target group consisted of individuals aged 15 and above who received education during the epidemic. The data collection tool was a questionnaire designed by the research team, consisting of 14 questions. The questionnaire was designed electronically, and its link was provided to the participants. The validity of the tool was assessed through expert opinions, content validity ratio (CVR), content validity index (CVI), and its reliability was determined using internal consistency (Cronbach's alpha) after conducting a pilot study on 40 participants. Convenience sampling method was used to select the participants. The collected data were analyzed descriptively by calculating means, frequencies, and medians using SPSS-16 software.

Results:A total of 193 individuals participated in the study, of which 70% were female. The mean age of the participants was 34.72 within the age range of 19 to 78 years. Most participants in the study (39.9%) had a bachelor's degree. According to the results, participants relied more on social networks (with an average of 4.74) compared to other educational resources for obtaining information. Furthermore, social networks and television were identified as more effective sources of information than other educational resources in terms of their impact on informational resources, with average scores of 4.45 and 4.44, respectively. Regarding the level of trust in information transmission methods, the education provided by healthcare workers was considered the most trusted educational resource with an average score of 4.04. According to the participants' perspectives, interviews with healthcare experts (with average score of 6.02) and face-to-face training provided by health professionals (with an average score of 5.99) were the most effective educational methods. The participants identified the lack of timely

and sufficient information provision, inadequate educational facilities, and the presence of rumors during the COVID-19 epidemic as the main weaknesses of public education. The use of mass media and communication channels, as well as the involvement of healthcare personnel in providing education

Conclusion: Considering the existence of various resources and methods for providing information to the public during epidemic crises of infectious diseases, as well as the diverse preferences and thoughts among individuals in society, it seems that policymakers and senior managers in the healthcare system should develop a comprehensive program. This program should utilize diverse educational resources and emphasize the management and empowerment of social networks, television, and healthcare personnel. By doing so, they can maintain preparedness in responding to crises and enhance the effectiveness of various resources.

and information to the public, were mentioned as the key strengths by the participants. Increased utilization of healthcare specialists and the presence of honesty in providing information to the public were among the proposed strategies by the participants to enhance the effectiveness of public education during epidemics of infectious diseases

Keywords: *Teaching methods, educating the public, epidemic, COVID-19, contagious diseases*

Innovative Methods for Creating Health Education Programs to Deal with Health Crises: A Systematic Review

Sanam Borji-Navan [1, 2, *]

1-Student Research Committee, School of Nursing and Midwifery, Shahroud University of Medical Sciences, Shahroud, Iran.

2-Shahid Nourani Hospital, Guilan University of Medical Sciences, Talesh, Iran.

Introduction: Health crises are one of the most pressing issues confronting modern communities, necessitating effective and inventive ways to avoid and manage their detrimental consequences. Health education is an important strategy for preparing communities to deal with health issues. This study was performed to investigate the innovative methods for creating health education programs to deal with health crises.

Methods and Materials: This Systematic Review reviewed the search engines and databases of PubMed, Web of Science, Google Scholar, Civilica, SID, Magiran, Elmnet in English and Persian with the keywords "Health Education", "Information Technology", "Educational Technology" selected by MeSH and "Health Crises", "Innovative Approaches" and their Persian equivalents, in 21 Aug 2023. The full text of 5 articles used for writing this article.

Results: According to the findings of this systematic research, innovative ways to constructing health education programs can considerably improve society's performance in the face of health crises. The utilization of information and communication technology (ICT), contact with society through media, simulators and educational games, integrated teaching, and multipurpose education are some of the emerging approaches.

Conclusion: Health education by using innovative methods can increase the capability of individuals and communities in the face of health crises. However, Little research has been done in this area, and additional research is required.

Keywords: *Health Education, Health Crises, Innovative Approaches, Information Technology, Systematic Review*

Increasing old age people population and the risk of epidemic of infectious diseases in the future of the country

Zeynab Moradian Haft Cheshmeh[1], Mahdi Amirpour[2], Hadi Jalilvand[3*], Fatemeh Maleki Sadgi[4], Adel Moradian Haft Cheshmeh[5]

1-Msc of Epidemiology, 1.Department of Epidemiology, School of Public Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

2-Department of Clinical Nutrition and Dietetics, National and food Technology Research Institute, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran. Amirpour.

3-Msc of Epidemiology, 1. Department of Epidemiology, School of Public Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

4-Msc of nutrition, Department of Nutrition, School of Medicine, Urmia University of Medical Science, Urmia, Iran.

5-Department of Emergency Medicine, School of Paramedicine, Lorestan University of Medical Sciences, Khoramabad, Iran

Abstract

Background and Purpose: The elderly population in any country is at greater risk of infection and mortality from infectious diseases. In this study, our aim was to investigate the effect of the Increasing old age people population on increasing the risk of infectious disease epidemics.

Materials and methods: This study was a review study. To search for articles related were searched in PubMed, Medline, Web of Science, Magiran, Google Scholar and SID databases and search engines. In this study, studies on the risks of epidemics of infectious diseases and the effects of the elderly population were examined.

Results: the most important meaningful units were: 1. increasing the burden of chronic diseases and increasing the death rate due to the epidemic of infectious diseases 2. Rapid reduction in the stock of medicine and medical equipment due to the high volume of elderly patients in need of medical services 3. Lack of doctors and nurses 4. Lack of hospital beds 5. Lack of emergency in case of epidemic 6. Job burnout of treatment personnel7. Slow and even paralysis of the economic cycle of the country 8. Involvement of a large part of the country's active forces in order to take care of sick elderly people 9. Many people staying at home in the epidemic of infectious diseases due to their old age.

Conclusion: According to the findings of this study and the experience of the Corona epidemic, it can be concluded that the growing trend of Iran's aging will cause the country to be at a very high risk of epidemics of infectious diseases in the future. Considering the future demographic conditions of the country, it should be prepared from now to provide the necessary medical infrastructure to deal with future epidemics.

Keyword: *Aging, Management of health care services, Covid-19, Medical personnel, medical specialist*

The risk of developing snack foods

Mahdi Amirpour[1], Fatemeh Maleki Sadgi[2*], Hadi Jalilvand[3], Zeynab Moradian Haft Cheshmeh[4], Adel Moradian Haft Cheshmeh[5]

1-Department of Clinical Nutrition and Dietetics, National and food Technology Research Institute, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

2-Msc of nutrition, Department of Nutrition, School of Medicine, Urmia University of Medical Science, Urmia, Iran.

3-Msc of Epidemiology, Health Caretaker, Department of Education, District I, Baharestan, Tehran, Iran.

4-Msc of Epidemiology, 1. Department of Epidemiology, School of Public Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

5-Department of Emergency Medicine, School of Paramedicine, Lorestan University of Medical Sciences, Khoramabad, Iran

Abstract

Background and Purpose: Today, a wide variety of food snacks are available in all parts of the world. These snacks have found an important role in the diet of people, especially children and teenagers, with extensive advertisements. In this study, our aim was to investigate the risk of changing the diet of children and adolescents with the development of snacks.

Materials and methods: This study was a review study. To search for articles related were searched in PubMed, Medline, Web of Science, Magiran, Google Scholar and SID databases and search engines. This study focused on the studies that were conducted on the characteristics of snacks, lifestyle and diet of children and adolescents, the effect of nutrition on the development of metabolic diseases. In this study, only articles were included that dealt with the problem of the spread of unhealthy snacks. Articles whose full text was not available were excluded from the review. The articles that dealt with the problem of food snacks and the problems of using them in the findings or conclusions section were included in this study.

Results: In this study, 450 articles were reviewed and finally 15 articles were used**.** In the review of sources, the most important results were: 1. Increase in the consumption of hidden sugar and salt due to the presence of sugar and salt in many ready-made foods and snacks 2. Increase in obesity 3. Increased risk of high blood pressure in adulthood 4. Decrease in desire to consume fruits and vegetables due to lifestyle change 5. Increased risk of metabolic diseases

6. Increasing the years lost due to disability 7. Increasing prevalence of osteoporosis 8. Decrease in economic growth 9. Increase in direct and hidden costs of health.

Conclusion: In this study, we concluded that the fast and growing trend of food snacks and the high price of healthy food products and the less advertising attractiveness of healthy food products compared to food snacks have caused a change in the diet of children and teenagers and a sharp increase in unhealthy food snacks. This factor causes a much higher population to be exposed to metabolic diseases in the future. The cost of the health system will increase drastically and the age of contracting chronic diseases will decrease, all of these factors will reduce the country's development rate.

Keyword: *Food snacks, lifestyle, health system, metabolic diseases*

The need to use collective social media in the development of healthy eating culture

Hadi Jalilvand[1], Mahdi Amirpour[2], Zeynab Moradian Haft Cheshmeh[3*], Fatemeh Maleki Sadgi[4], Adel Moradian Haft Cheshmeh[5]

1-Msc of Epidemiology, Health Caretaker, Department of Education, District I, Baharestan, Tehran, Iran.

2-Department of Clinical Nutrition and Dietetics, National and food Technology Research Institute, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

3-Msc of Epidemiology, 1. Department of Epidemiology, School of Public Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

4-Msc of nutrition, Department of Nutrition, School of Medicine, Urmia University of Medical Science, Urmia, Iran.

5-Department of Emergency Medicine, School of Paramedicine, Lorestan University of Medical Sciences, Khoramabad, Iran

Abstract

Background and Purpose: Nutrition is one of the most important factors affecting health in all stages of life. Advertising plays an effective role in people's choices in all fields, including nutrition. In this study, our goal is to investigate the impact of using mass social media in the development of healthy eating culture.

Materials and methods: This study was a review study. To search for articles related were searched in PubMed, Medline, Web of Science, Magiran, Google Scholar and SID databases and search engines. In this study, only studies have been extracted that have been conducted on the impact of mass communication networks on food choices. To select related articles, firstly, the title of the articles, then the abstract and finally the full text of the articles were checked. Articles were included in this study that discussed the relationship between social media and healthy eating culture in the findings and conclusions section.

Results: In discussing the use of social media in promoting healthy eating culture, it should be kept in mind that these media have penetrated almost all parts of the world and are constantly influencing people. A significant portion of social media programs revolve around nutrition. Negligence and lack of monitoring of the content of social media have caused the effects of

these media on people's lifestyle and diet to be based on food industry advertisements and fast food trends rather than science and health. The power of social media can be harnessed to promote healthy eating. Nutrition and health researchers and experts should have an effective presence in networks and mass media and prevent the promotion of harmful fast food and sugary foods by publishing appropriate content.

Conclusion: Considering the increasing spread of social networks in the world and the undeniable influence of these networks in changing the lifestyle of societies, one should be careful about the impact of these networks on people's health, especially diet. Widespread advertising of harmful food in social networks, along with the lack of presence of health professionals, especially nutritionists in these networks, can cause irreparable damage to the health of societies in the future. Neglecting the presence of nutritionists has caused many people, sometimes uninformed and biased, to widely promote unhealthy food in cyberspace and social networks. Currently, nutritionists should be seriously present in the platform of virtual networks in order to reduce the harm of unhealthy food advertisements in social networks.

Keyword: *Social media, Application, Nutrition, Health, Lifestyle*

Investigating the mental health status of students in Kermanshah in 2022

Babak Mohammadi [1], Mohammad Karimi Parviz [2], Leila Jamshidi [3], Khadijah Jamshidi [4*]

1-Master of Business Administration, Razi University, Kermanshah, Iran.
2-Department of Political Science, Islamic Azad University of Qom, Qom, Iran.
3-Department of Basic Sciences, Faculty of Basic Sciences, Kashan University, Kashan, Iran.
4-Student Research Committee, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran.

Abstract

Introduction: The future of any society depends on the health of its children. Therefore, the physical and mental health of this age group and the timely detection of disorders and abnormalities for prevention and timely treatment will guarantee the health of the future society. Students experience many mental disorders in the school environment, which requires more time and attention. School emotional-behavioral disorders refer to conditions in which emotional and behavioral responses in school are different from cultural, age and ethnic norms. So that it has a negative effect on a person's academic performance, self-care, social relationships, personal compatibility, behavior in the classroom and compatibility in the work environment. The purpose of this study was to investigate the mental health status of the elementary school students of Kermanshah in 2022.

Materials and methods: In this cross-sectional descriptive study, 490 female elementary school students in Kermanshah were selected by random sampling method. The data was collected by using a researcher-made checklist and examining the students' health records. Data was analyzed using SPSS 22 and descriptive statistical tests.

Findings: The average age of students was (8.7±1) years. The identified problems were anxiety and stress (16.52%), ADHD (4.27%), learning disabilities (1.9%), shyness (1.3%), stuttering (1.2%), obsession (1.1%) and aggression (1%).

Conclusion: The results of the present study show the necessity of proper planning for timely recognition of mental disorders through periodical examinations and prevention measures through mental health education and activation of student counseling centers. Also, education officials, teachers and parents should pay more attention to the state of mental health, emotional and social development of children.

Keywords: *mental health, students, elementary school*

Investigation of Cognitive Manifestations of Menopause in Postmenopausal Women under the Coverage of Comprehensive Health Centers in Saveh County: Application of the Self-Regulation Model

Fatemeh Sadat Yousefi[22], Zahra Amirian[1], Zahede Khoshnazar[23], Parids Zarepour[24], Parisa Hosseini Koukamari[25]

22-Student Research Committee, Saveh University of Medical Sciences, Saveh, Iran

23-Master student in Epidemiology, School of Public Health and Safety, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

24-Master student in Epidemiology, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

25-Assistant Professor of Health Education& Promotion, Student Research Committee, Saveh University of Medical Sciences, Saveh, Iran

Abstract

Introduction: The number of middle-aged women is rapidly increasing worldwide and in Iran, with an estimated 1.2 billion middle-aged women expected by 2030. This increase is projected to reach 17 million in the 40- to 60-year-old age group in Iran by 2026. Menopause is a natural phase of middle age, and women spend about a third of their lives in postmenopause, which can affect their health and quality of life. The purpose of this study was to examine the changes associated with menopause, along with women's assessment and beliefs about menopause, based on the self-regulation model.

Method & Materials: This cross-sectional analytical study was conducted among women aged 45 to 65 years who visited comprehensive health centers in Saveh County in 2023. To obtain a sample, comprehensive health centers were first selected in a cluster manner, and then 320 women who met the inclusion criteria were randomly selected from the selected centers using household file numbers. The data collection tool was the Menopause Manifestations Questionnaire (MEM) designed by Albergia et al. (2021) based on the self-regulation model in the form of 22 questions along with demographic information. According to this model, menopause manifestations can be categorized into four cognitive components: identity (the symptoms associated with menopause that women experience), positive outcomes (having

more freedom to plan activities without worrying about the consequences of menopause), negative outcomes (having a lower quality of life as a consequence of menopause), and control

(the ability to control menopause symptoms). SPSS version 22 was used to analyze the data, with descriptive (mean and standard deviation) and analytical (t-test and analysis of variance) statistical tests

Results: The mean age of the women who participated in the study was 52.11 ± 6.19 years. 91.6% of these women were married and 70% of these women had experienced natural menopause. The mean of the identity domain, was 34.00 ± 83.6, positive outcomes associated with menopause 15.4 ± 92.13, negative outcomes 80.4 ± 02.13, control 34.3 ± 39.21. An independent t-test showed that the two groups of women who had experienced natural menopause and menopause with medication had a significant difference in the four cognitive domains ($P < 0.05$). The medication menopause group had a lower mean score in all four domains.Also, of the 320 women who participated in the study, 72.8% had a history of receiving education at comprehensive health centers. Based on the analysis of variance test, there was a significant difference in the four domains when comparing women before, during, and after menopause ($P < 0.05$). Women scored lower in all four domains of menopausal cognitive manifestations after menopause.

Conclusion: Considering that menopause is an inevitable period in women's lives and women may experience many physical, psychological, and social symptoms and complications with the onset of menopause and have many problems in the continuation of life; Identifying cognitive manifestations of menopause and preparing women just before menopause can have a significant impact on improving people's lives and experiencing the symptoms and complications of menopause.

Key words: *Self-Regulation Model, Cognitive Manifestations, Menopause*

The Impact of Artificial Intelligence on the Healthcare Workforce: Implications and Challenges

Sara Kaveh[1], Nashmil Ghadimi[1]

1-Department of Health Management, Policy & Economics, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences (TUMS), Tehran, Iran

Abstract

Introduction: The rapid advancement of artificial intelligence (AI)-related technologies, especially in the healthcare sector, is evident to all. This review focuses on the effect of AI on the healthcare workforce. In the second part, we discuss issues related to human resources in healthcare (HRH) resulting from the implementation of AI.

Materials and Methods: To identify relevant literature, we used various keywords such as "artificial intelligence," "Healthcare Workforce," and "AI" combined with Boolean operators in electronic databases, including PubMed, Google Scholar, and Embase, up to June 2023. We included journal articles written in English with available full text that examined the impact of AI on the healthcare workforce. Articles conducted in sectors other than healthcare were excluded.

Results: AI has a wide range of applications in healthcare, including decision support in clinical settings, automation of administrative tasks, automated imaging, drug design, and the use of surgical robots. Consequently, AI affects HRH in various ways. The results of applying AI can be categorized as follows: Performance, productivity, Workload, Workflow, satisfaction, and Physician-Patient Relationships. AI-based technologies can handle labor and time-consuming tasks, freeing healthcare professionals to focus on more complex responsibilities. For example, AI can facilitate the workload of radiologists by reducing scan times and providing more accurate diagnoses. AI has been leveraged in three categories to improve the workflow of healthcare providers: Clinical documentation, Quality-measurement reporting, and Point-of-care learning. Automation of these tasks significantly transforms workflows, allowing physicians to concentrate on tasks that machines cannot perform, leading to higher satisfaction for both providers and patients and contributing to enhanced patient safety. However, while AI brings benefits such as increased efficiency, quality, and return on investment, critical aspects must be considered, including: I) Regulatory and legal issues II) Ethical concerns about privacy and breach risks III) Infrastructure shortages IV) Data availability V) Economic considerations

Conclusion: It is important to note that artificial intelligence has become integrated into all aspects of daily life, including healthcare. AI serves as a valuable assistant in the health sector, with the potential to enhance efficiency, improve healthcare quality, and increase the volume of care delivered to patients. However, the replacement scenario is improbable, as human workers cannot be entirely replaced by machines. When considering the benefits gained from AI adoption in healthcare, it is crucial not to neglect various issues, ranging from legal and ethical concerns to economic aspects.

The relationship between falls leading to fractures in the elderly and smoking

Mahdieh Ardaneh[1] Mohammad Fararouei[2]

1-PhD student, Epidemiology Department, School of Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

2-Professor, HIV/AIDs Research Center, Department of Epidemiology, School of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Abstract

Background and aims: With the global growth of the elderly population and the increase in the incidence of chronic diseases, it is very important to maintain the health and quality of life of the growing elderly population. Traumatic falls, especially those resulting in bone fractures, are a leading cause of death and disability in the elderly. Our aim was to investigate the relationship between smoking and falls leading to fractures in Iranian elderly.

Materials and methods: Part of a large case-control study conducted from September 2018 to May 2019 in Shiraz, the capital of Fars province. In this study, all patients over 60 who were admitted to one of the two city's referral orthopedic centers (Chamran and Rajaei hospitals) due to falling-related fractures were invited to participate, Selection of controls: Almost all Iranian population are registered with the national health system and receive health services from a health center. To collect the required data, an interview-administered questionnaire was designed by a team of two epidemiologists, a public health nurse, and a physician. To do the analysis, SPSS version 22 and R (version 4.0.2) were used (the significance level was set at $p<0.05$).

Results: This case-control study was conducted on 300 patients and 590 controls aged 60 years and older. Smoking (hookah, cigarette, and opium) in the elderly among the case and control groups, respectively, 121 people (40.30%) and 132 people (22.40%), smoking (ORno/yes =1.83, 95%CI=1.20, 2.71, P=0.005) and a statistically significant difference was observed between the case and control groups($p<0.001$).

Conclusion: The results of our study indicate that smoking can be one of the main causes of falls leading to fractures in the elderly, and we suggest that health officials pay attention to these important results in planning protective measures.

Keywords: *smoking, fall, older adults, fracture*

The Role of the Health Belief Model in Explaining Why Symptomatic Iranian Women Hesitate to Seek Early Screening for Breast Cancer: A Qualitative Study

Ali Ramezankhani [1], Mohammad Esmaeil Akbari [2], Hamid Soori[3], Kamel Ghobadi[4], Fatemeh Hosseini [5]

1-Department of Public Health, School of Public Health and Safety, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.
2-Cancer Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.
3-A Safety Promotion and Injury Prevention Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.
5-Department of Health Education and Promotion, School of Health, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran.
5-Department of Public Health, School of Health, Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin, Iran.

Abstract

Background and Objective: Early detection of breast cancer (BC) is important to increase the chances of treatment and survival (1, 2). The Health Belief Model (HBM) is one of the most effective health education theories, which is widely used to evaluate people's beliefs about health behaviors (3). The study was conducted to explore why symptomatic women linger to seek early screening for BC diagnosis based on the HBM dimensions.

Methods: In this qualitative study, a guided content analysis approach was used to extract HBM's dimensions. The participants were purposefully selected according to inclusion (willingness to participate and share experiences with the researcher, ability to speak Persian, and having a three-month or longer delay) and exclusion (unwillingness to continue participation) criteria so that the maximum diversity is fulfilled. Twenty participants were selected by purposeful sampling (nine health professionals and 11 female patients with breast cancer). Data were collected through in-depth, semi-structured interviews in 2019. Transcribed interview data was analyzed using directed content analysis approach based on the coding process of Landman & Graneheim (), MAXQDA10 software and HBM's dimensions. Also, the validity and reliability of the data from the time of data collection to preparing the final report were assessed based on the four criteria proposed by Lincoln and Guba to evaluate the findings of qualitative studies (i.e., credibility, dependability, confirmability, and transferability) (4, 5).

Results: After the extraction of primary codes from the interviews, the main themes were characterized based on the HBM's. Perceived Susceptibility, this theme was explored under three main categories (cultural misbeliefs, the use of alternative therapies, and other life priorities). Perceived Severity, this theme was explored in two main categories (fear and denial). Perceived Benefits, this theme was explored under two main categories (timely diagnosis and feeling peaceful and healthy). Perceived Barriers, this theme included three main categories (knowledge about BC, embarrassment about physical examination, and access to specialized facilities). Self-efficacy, this theme was explored in one category (strengthening individual characteristics). Cues to Action**,** there are some accelerators rising a feel to do a work by a person (3), this theme was scrutinized in two main categories (information resources and appropriate social interactions).

Conclusion: Based on the participants' experiences, despite the fact that most patients comprehended the extent of the disease, they did not see themselves at risk of BC. The main barriers to early presentation included lack of awareness, financial problems, embarrassment over the clinical examination, and inadequate access to specialized centers (6). Based on the health belief model, while designing and implementing educational programs, it is recommended to pay attention to strengthening the constructs of perceived susceptibility, perceived benefits, and perceived self-efficacy, providing access to facilities, and removing any possible barriers and cultural issues to encourage women for timely referral for BC screening.

Keywords: *Breast Cancer, Health Belief Model, Qualitative Study, Women, Early Diagnosis*

Explaining the experiences of crisis center managers from the challenges of human resources in the covid-19 pandemic (A qualitative study)

Mohammad ziya Hoseini1, Fatemeh Setoodehzadeh2, Mehdi Zanganeh Baygi2

1-MSc, Health Care Management, Health Promotion Research Center, Zahedan University of Medical Sciences, Zahedan, Iran
2-Health Promotion Research Center, Zahedan University of Medical Sciences, Zahedan, Iran
***Corresponding Author:** Fatemeh Setoodehzadeh,Health Promotion Research Center, Zahedan University of Medical Sciences, Zahedan, Iran

Abstract

Background and aims: The most important capital and asset in organizations is human resources. Human resource is considered as an important factor of organizational transformation, especially in health system. On the other hand, the Covid-19 disease, as a pandemic disease, has so far claimed the lives of many people around the world and put a lot of pressure on the health care system and health care personnel. these pressures have affected the quantitative and qualitative performance of human resources and have made these forces face challenges. Using the experiences of managers can be useful for planning of such valuable and precious resources. The present study was conducted in order to use the experiences of the members of the Crisis Staff of the Health Vice-Chancellor in the challenges of manpower during the Covid-19 epidemic.

Materials and methods: This qualitative study was conducted with the content analysis method on 30 members of the Crisis Staff of the Health Vice-Chancellor in Zahedan University of Medical Sciences. purposeful sampling method was used for data collection. Semi-structured in-depth interviews were used to collect data. The analyzes were carried out in eight states including typing the interview text, determining the semantic units, coding, revising the codes, classifying and developing the classes, revising the classes, identifying the themes and reporting the findings.

Results: Challenges of human resources during the pandemic classified in in 5 main areas, including "financial challenge", "forces with different contracts", "reduced motivation", "high workload" and "lack of manpower" and 13 subcategories were identified and extracted.

Conclusion: The findings of this study showed that human resources faced many challenges during the Covid-19 pandemic. Considering the importance of empowering human resources, it should be considered as a strategic issue. Therefore, it is necessary for the managers of the

human resources department to direct the most attention and financial resources to this department in order to improve the effectiveness and efficiency of the human resources. Also, the effective factors on increasing their readiness should be identified and necessary training should be provided to increase people's skills and awareness.

Keywords: *Covid-19, human resources, crisis management*

Health Workforce Immigration, Factors and Outcomes

Abolfazl Raeyat Mohtashami[1], Farzaneh Ghalegolab[1], Hajar Hasani[2],

1-Health Human Resources Research Center, School of Health Management and Information Sciences, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

2-Social Determinants of Health (SDH) Research Center, Kashan University of Medical Sciences, Kashan, Iran

Abstract

Background and aims: Adequate human resources for health are necessary to achieve universal health coverage, and their equitable distribution among countries plays a crucial role. This systematic review investigates the outcomes of health workforce migration and the factors that influence it, and provides recommendations for policy guidance and protection of countries' health systems.

Materials and methods: The electronic databases PubMed, Uptodate, Scopus, and Webofscience were systematically searched for English-language publications from January 2010 to August 2023. A total of 21 studies were selected, assessed for quality, and analyzed.

Results: The most significant factor contributing to health workforce migration in recent years has been economic issues. The outcomes of health workforce migration were categorized into four groups: positive and negative individual outcomes, as well as positive and negative social outcomes. Increasing income is the main positive outcome for the country of origin, while improving the responsiveness of the health system to health needs is the main outcome for destination countries. The reduction of equitable access to health services and the decline in population health indicators were the most important negative outcomes in countries of origin, while dependence on foreign labor was the most significant negative consequence in destination countries.

Conclusion: Health workforce migration is a health-focused issue with significant global health factors and outcomes. While it is important to consider health outcomes in both countries of origin and destination, the inequitable distribution of the health workforce will have a negative impact on health outcomes in middle and low-income countries and can also affect global health. Therefore, specific frameworks and effective actions at the national and global levels are needed to ensure the fair distribution of the health workforce and mitigate the negative outcomes of this issue.

Keywords: Health workforce; Immigration; migration; Factors; Outcomes.

Investigating the relationship between factors influencing the acceptance of electronic health and its association with self-reported health and the role of individuals in promoting self-health (A case study of elderly individuals in Mazandaran province2023)

Mahtab Nikpourdehkordi

Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran

Abstract

Introduction: Population aging is considered as a global phenomenon that leads to many needs at the social and health care levels. An electronic health record (EHR) has changed the traditional health system and made it possible to respond to many of these challenges, especially paying attention to the self-report of health status and the role of the individual in his health. The role of the individual in his health and self-reporting of health status is considered as the first step to reach a healthy society.

Nowadays, a healthy lifestyle is considered as an important factor in providing, maintaining and promoting health. It is necessary to learn the necessary skills to improve one's role in health promotion and self-report of health status to have a healthy lifestyle. The most important achievements of strengthening and self-reporting of health status is that people make the right decisions about the correct use of health care and choose and perform self-care behaviors appropriately. Therefore, the present study was conducted with the aim of determining the average score of factors affecting the acceptance of e-health and its relationship with self-report of health status and the role of the individual in his health in the elderly of Mazandaran province in 2023.

Research method: This study was carried out using a descriptive correlation method. In this study, the statistical population consisted of elderly people living in Mazandaran province. The sampling method used in this study was randomly available, and the minimum required sample size was determined, based on the Krejcie & Morgan table, 384 people, 410 questionnaires were used to analyze, and the questionnaire was used to collect data.

Findings: According to the results of data analysis, the intention has the highest average and attitude, ease and finally the perceived usefulness are in the next ranks, and given that all the average numbers are higher than 3, it can be concluded that all the variables have a favorable condition in this statistical sample. No significant difference was observed between the average scores of self-reported health status in the elderly of Mazandaran province in 1401 in different age, male and female, educational groups, but a significant difference was observed between scores in groups with different marital status.

No significant difference was observed between the average score of individual's role in health promotion among the elderly in Mazandaran province in 1401 in different age groups, between men and women, and in groups with different marital status. Regarding the relationship between variables, the variable of acceptance of remote health technologies is related to the self-report score of health status with an intensity of 82.6%, usefulness, an effective variable on the acceptance of remote health technologies with a self-report score of health status with an intensity of 70%, perceived ease, an effective variable on the acceptance of remote health technologies with a self-report score of health status with intensity of ninety-four percent, attitude, an effective variable on the acceptance of remote health technologies with a self-report score of health status with an intensity of sixty percent, and the intention

index, an effective variable on technology acceptance remote health services with a self-report score of health status with a severity of seventy percent. There is a significant relationship between the individual's role in health promotion with the variable of acceptance of remote health technologies with an intensity of 90%, with the index of usefulness of the variable influencing the acceptance of remote health technologies with an intensity of seventy percent, with the index of perceived ease of the variable influencing the acceptance of remote health technologies with an intensity of eighty-five percent, with variable attitude index effective on the adoption of remote health technologies with an intensity of eighty-seven percent and variable intention index effective on the adoption of remote health technologies with an intensity of eighty-five percent.

Conclusion: According to the results of this study, there is a significant relationship between the determinants of factors affecting technology acceptance and self-reporting of health status and the individual's role in self-care, which include usefulness, perceived ease, attitude and intention. Therefore, designing appropriate websites and platforms and holding appropriate training courses and advertisements can help the elderly to accept technology and finally understand the importance of their role in self-care and willingness to self-report health.

Keywords: *aging, e-health, self-report of health status, individual's role in health promotion, factors affecting technology acceptance*

Determinants of COVID-19 vaccination intention among the general population of Urmia city: an application of Health Belief Model

Alireza Didarloo[1], Behrouz Fathi[2], Raana Hosseini[3], Habibollah Pirnejad[4], Sima Ghorbanzadeh[5], Kajal Yasamani[6]

1. Full Professor, Department of Public Health, School of Public Health, Social Determinants of Health Research Center, Clinical Research Institute, Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Health Economics and Management, School of Public Health, Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Social Medicine, Faculty of Medicine, Social Determinants of Health Research Center, Clinical Research Institute, Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran.
4. Associate Professor, Department of Health Information Technology, Faculty of Paramedicine, Social Determinants of Health Research Center, Clinical Research Institute, Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran.
5. Masters student in Health education & Promotion, Department of Public Health, School of Public Health, Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran.
6. Masters student in Health education & Promotion, Department of Public Health, School of Public Health, Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran.

Abstract

Introduction: Vaccination is the most outstanding achievements of public health in the world and the best strategy to control COVID-19. In addition, vaccine acceptance is one of the main factors of success or failure of vaccination program. Considering the ability of health education models and theories in predicting behavioral intention, the present study aimed at investigating the determinants of the intention to get vaccinated against COVID-19 among the general population of Urmia using the health belief model (HBM).

Methods and Materials: The present descriptive-analytical study was conducted in a cross-sectional way among 575 people over 18 years of age living in Urmia. The samples were selected by snowball method and available sampling. The data was collected using a valid and reliable electronic researcher-made questionnaire consisting of four sections including demographic characteristics, knowledge, constructs of the HBM and the intention to receive the COVID-19 vaccine. Data were analyzed using descriptive and inferential statistics methods in the software of SPSS with version 16.

Results: The HBM was able to explain 67% of the variance of the intention to vaccinate COVID-19, and among the constructs of the model, the perceived self-efficacy of people (β = 0/505, P

=0/001) is the strongest predictor of the intention to receive the COVID-19 vaccination. The rest of the components, including perceived sensitivity (β = 0/158, P=0/001) and perceived barriers (β = -0/109, P=0/001) were other factors influencing people's intention to get vaccinated.

Conclusions: Considering the strong prediction of the intention to vaccinate COVID-19 based on the HBM, this model can be used in educational and behavioral programs and interventions with an emphasis on effective constructs, especially self-efficacy to increase vaccination by citizens.

Keywords: *Health Belief Model, vaccination, COVID-19*

A review of the relationship between health literacy and self-care behaviors in patients with hypertension

Abolfazl Zeinali[1], Zahra Saeidi[2]

1-Department of Health Education and Promotion, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2-Department of Health Education and Promotion, School of Health, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran.

Corresponding author: Abolfazl Zeinali

Abstract

Background and aims: Hypertension is one of the most common health problems with significant consequences, and the management of this disease is mainly related to self-care. Health literacy refers to the capacity of people to acquire, process and understand the information and health services needed in order to make decisions in health-related fields, which should be such that they are able to perform self-care behaviors. In this regard, the present study was conducted with the aim of reviewing the relationship between health literacy and self-care behaviors in patients with hypertension.

Materials and methods: Collecting the information of this review research by searching for articles published in reliable Iranian and foreign sites such as (Google Scholar, Scientific Information Database (SID), Magiran, Scopus, PubMed, Science direct) and using the search terms “health literacy, Self-care behaviors and hypertension” have been carried out between 2015 and 2023. Finally, 11 related studies were examined.

Results: The results of the review of studies showed that the average level of health literacy in patients with hypertension is insufficient and borderline, and they also perform an average level of self-care behaviors. Health literacy has a statistically significant relationship with the variables of gender, age, marital status, education, occupation, socio-economic status and duration of illness diagnosis, and on the other hand, self-care behaviors have a significant statistical relationship with the number of family members, education and duration of illness diagnosis. In general, patients' health literacy has a positive and significant statistical relationship with performing self-care behaviors such as exercising, avoiding stress, regularly controlling blood pressure, not smoking, reducing salt consumption, and following dietary and medication regimens, and insufficient health literacy is a serious obstacle to Self-care behaviors in patients with hypertension are considered.

Conclusion: Considering that the average health literacy in patients with hypertension is insufficient, and since demographic factors play an important role in health literacy and self-care behaviors, it is suggested that the employees and agents of the health-treatment department when designing the program Health professionals should pay attention to these factors for each patient.

Keywords: *Health literacy, Self-care behaviors, Hypertension*

Investigating the relation between institutional quality index and the burden of selected diseases in MENA Region in 2010-2019: A Cross-sectional study

Pardis Dabiri Movahed [a,b], Mohsen Bayati [b], Farhad Lotfi [b], Alireza Hadipour [b], Fatemeh Shaygani [a,b], Erfan Kharazmi [b]*

a-Student research committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran
b-Health Human Resources Research Centre, School of Management and Medical Information Sciences, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Abstract

Background and aims: Global governance indicators in the World Bank introduce the MENA region as one of the weakest regions in the world in terms of governance ranking. Communicable and non-communicable diseases hinder human development in developing countries. The weakness of each component of institutional quality affects the ability of countries to provide health care. According to the mentioned cases, it will be useful to investigate the relationship between the institutional quality index and the burden of diseases, and the present study seeks to do this.

Materials and methods: In this study, 25 countries of the MENA region were examined in the period of 2010-2019. In order to investigate the relationship between the institutional quality index and the burden of diseases, the variables' unit root was confirmed by the Levin-Lin-Chu test, and according to the results of the F-Limer test, the data of the panel study were diagnosed, and according to similar studies and the assumption of endogeneity of the variables , the Generalized Moments Model(GMM) was used in Stata17 software, and the compatibility of the GMM estimator was checked by Sargan and Arellano Bond tests.

Results: The results of estimating the models, the inverse and significant relationship between institutional quality and years of life adjusted with the disability of sexually transmitted diseases and AIDS (-0.26) and respiratory infection and tuberculosis (-0.01) in the category of communicable diseases, year life years adjusted by disability (-0.03) and death from cardiovascular diseases (-0.03) and cancer prevalence (-0.01) in the category of non-communicable diseases and life years adjusted by disability from transport injuries (-0.05) and prevalence (0.02) and death (-0.18), violence and self-harm and death from transport injuries (-0.09) in the category of accidents, as well as a direct and significant relationship with years of life Adjusted with disability (0.06) and prevalence of tropical diseases and malaria (0.00) and death from unwanted and unintentional injuries (0.00) and other relationships were insignificant.

Conclusion: In summary, the relationship between institutional quality and disease burden in MENA region is a complex and multifaceted issue. According to the obtained results, it can be concluded that institutional quality is generally effective on the burden of diseases, and there is an inverse and significant relationship between institutional quality and adjusted life years with disability, sexually transmitted diseases, AIDS, respiratory infection, and tuberculosis. In the category of communicable diseases, life years adjusted by disability and death from cardiovascular diseases and cancer prevalence In the category of non-communicable diseases and adjusted life years with disability and death, there were transport injuries and the prevalence and death of violence and self-harm in the category of accidents; However, due to the uncertainty and challenging nature of the MENA region, the limitations of research and the effects that the explanatory variables also create, all relationships were inverse and not significant as expected, and some were direct and mostly meaningless.

Keywords: *burden of diseases, governance, institutional quality, MENA region, panel data*

پنل بهداشت محیط

ارزیابی ریسک سرطانزایی و غیرسرطانزایی مواجهه با آرسنیک در آب شرب استان قزوین

فاطمه قطبی نیا [۱]، زهرا حمیدی [۲و۶]، مهدی رنجبران [۳]، اکرم باحجب [۴]، حمید کار یاب [۵]

۱-دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی همدان، همدان، ایران

۲- کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قزوین، قزوین، ایران

۳- استادیار، مرکز تحقیقات بیماریهای متابولیک، پژوهشکده پیشگیری از بیماریهای غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

۴- کارشناس ارشد، مرکز بهداشت استان قزوین، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قزوین، قزوین ، ایران

۵- دانشیار، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، پژوهشکده پشگیری از بیماریهای غیروا گیر، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قزوین، قزوین، ایران

۶-کمیته تحقیقات دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی قزوین، قزوین، ایران

چکیده

زمینه و هدف: باتوجه به اهمیت سلامت آب شرب و نقش مستقیم آن در سلامتی انسان، همچنین اهمیت توجه به وجود فلزات سنگینی مانند آرسنیک در منابع آب شرب به دلیل اثرات زیان بار آنها بر سلامت انسان و موجودات زنده، مطالعه حاضر با هدف برآورد ریسک سرطانزایی و غیرسرطانزایی مواجهه با این آلاینده‌ها در مناطق شهری و روستایی استان قزوین، براساس فاکتورهای مواجهه پوستی بومی شده انجام گرفت. در این مطالعه وضعیت سلامت آب شرب از نظر آلودگی به آلاینده آرسنیک مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته شده است. لذا هدف اصلی این مطالعه توصیف و تحلیل وضعیت موجود به منظور کاربرد نتایج طرح در سیاست گذاری سالمت در استان (مدیریت ریسک)می‌باشد.

مواد و روش ها: این مطالعه از نوع اپیدمیولوژیک توصیفی- تحلیلی است. نمونه برداری از آب شرب در مناطق شهری و روستایی استان در طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ توسط کارشناسان سلامت محیط مطابق دستورالعمل و استانداردهای مربوطه به صورت تصادفی ساده انجام گرفت. در مجموع ۲۳۳ نمونه از مناطق شهری و ۱۱۶۰ نمونه از مناطق روستایی برداشت شد. اندازه‌گیری غلظت فلز آرسنیک در نمونه‌های آب شرب با استفاده از دستگاه طیف سنج نشری پلاسمای جفت شده القایی (ICP-OES) انجام پذیرفت. به منظور بومی سازی فاکتور های مواجهه‌ی ارزیابی ریسک، از یک پرسشنامه محقق ساخته و رواسنجی شده مورد تایید کارشناسان متخصص حوضه مربوطه بهره گرفته شد که در آن رفتارهای مختلف تماس پوستی با آب شرب در

۴ گروه سنی کمتر از ۲ سال (گروه ۱)، ۲ تا ۶ سال (گروه ۲)، ۶ تا ۱۶ سال (گروه ۳) و بزرگتر از ۱۶ سال (گروه ۴) بطور مجزا بررسی شد. در نهایت با استفاده از داده‌های گردآوری شده و غلظت آرسنیک ریسک سرطانزایی و غیرسرطانزایی مطابق دستورالعمل پیشنهادی USEPA برآورد شد. برای کاهش عدم قطعیت ناشی از ارزیابی ریسک نقطه‌ای نیز شبیه‌سازی مونت کارلو با ۱۰۰ هزار بار تکرار با استفاده از نرم‌افزار SPSS ورژن ۲۶ انجام پذیرفت.

نتایج: میانگین غلظت آرسنیک در مناطق شهری ۵/۸۸ ± ۳/۸ و در مناطق روستایی ۲۴/۰۳ ± ۴/۹۶ بدست آمد. میانگین ریسک غیرسرطانزایی (HQ) آرسنیک در تمام گروه‌های سنی مورد مطالعه کمتر از یک برآورد شد. میانگین ریسک سرطانزایی (ELCR) از مجموع مسیرهای مواجهه پوستی در تمام گروه‌های سنی مورد مطالعه بیشتر از حد خطر قابل پذیرش WHO (1×10^{-5}) برآورد شد.

نتیجه گیری: پایش مداوم منابع آب شرب در مناطق شهری و روستایی از نظر میزان آلودگی به آرسنیک و نتایج ارزیابی ریسک آن می‌تواند تامین‌کنندگان آب شرب و سازمان‌های نظارت بر سلامت آب شرب را در جریان روند تغییرات سلامت آب شرب قرار دهد تا همواره با اتخاذ روش‌های مدیریتی و اصلاحی از وقوع اثرات سوء مواجهه با این آلاینده‌ها جلوگیری به عمل آید.

واژگان کلیدی: *فلزات سنگین، آرسنیک، ارزیابی ریسک سرطانزایی، ارزیابی ریسک غیرسرطانزایی*

آگاهی، نگرش و عملکرد زنان خانه دار شهر کرج در زمینه بازیافت مواد زائد جامد شهری در سال ۱۳۹۹

پیمان کلانتری[۱] ، راضیه نقدی طلایی[۲]، محمد نوری سپهر[۳]، فاطمه دهقان[۴]

۱. کارشناس گروه مهندسی بهداشت محیط ، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی البر ،کرج، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد،گروه مهندسی بهداشت محیط،دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی لرستان ، ایران

۳. استاد گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد،گروه مهندسی بهداشت محیط،دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی قزوین،ایران

چکیده

زمینه و هدف: بازیافت از روش های مؤثر برای کاهش مواد زائد جامد می باشد که قبل از اجرای آن می بایست میزان آگاهی، نگرش و عملکرد افراد در این زمینه بررسی شود تا در صورت لزوم نسبت به فرهنگ سازی و اجرای برنامه های آموزشی اقدام گردد. بنابراین، این مطالعه با هدف تعیین میزان آگاهی، نگرش و عملکرد زنان خانه دار در خصوص بازیافت مواد زائد جامد شهری انجام شد.

مواد و روش ها: این مطالعه توصیفی- تحلیلی، از نوع مقطعی و با نمونه۳۴۶ نفر از زنان خانه دار شهر کرج در سال ۱۳۹۹ انجام شد. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته در چهار بخش جمعیت شناختی، آگاهی، نگرش و عملکرد بود که توسط کارشناس تکمیل گردید. داده ها توسط نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند. از شرکت کنندگان در مطالعه رضایت آگاهانه اخذ شد و محرمانگی اطلاعات رعایت گردید.

نتایج: در این مطالعه، ارتباط بین سطح تحصیلات با میزان نگرش زنان خانه دار شهر کرج در زمینه بازیافت مواد زائد جامد و سطح تحصیلات و میزان نگرش زنان خانه داری شهر کرج، هیچ رابطه آماری معنی داری در سطح P-value = ۰/۳۳۹، به دست نیامد. همچنین ارتباط بین سن زنان خانه دار شهر کرج و عملکرد در جهت بازیافت مواد با ارزش از پسماندهای خانگی و سن و عملکرد زنان خانه دار شهر کرج، هیچ رابطه آماری معنی داری در سطح P-value = ۰/۲۹۴ را نشان نداد. ارتباط بین وضعیت تأهل زنان خانه دار شهر کرج و عملکرد در جهت بازیافت مواد با ارزش از پسماندهای خانگی و تأهل و عملکرد زنان خانه دار شهر کرج، هیچ رابطه آماری معنی داری در سطح P-value = ۰/۶۵۸، به دست نیامد. بنابراین از آنجا که موفقیت برنامه های بازیافت زباله از مبدأ، منوط به آماده بودن بستر مناسب است و این بستر مناسب با بالا بردن سطح آگاهی و نگرش زنان به وجود خواهد آمد، در نتیجه افزایش آگاهی، نگرش و عملکرد در این مورد از اهمیت خاصی برخوردار است.

نتیجه گیری: مهمترین گام در اجرای طرح بازیافت، فرهنگ سازی مناسب است. از آنجا که فرهنگ و جامعه، با هم در تعامل هستند و فرهنگ هدایت کننده عملکرد افراد جامعه است، توصیه می شود بستر سازی مناسب برای آموزش به زنان به عنوان مدیر خانه و عامل اصلی انتقال فرهنگ و سواد زیست محیطی به نسل های آینده، مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: *آگاهی، نگرش، عملکرد، زنان، بازیافت، مواد زائد جامد شهری*

بررسی تاثیر راهکار های کاهش آسیب های زیست محیطی و بهداشتی ناشی از تولید ریزگرد ها در شهرستان راور

اکبرمحسن بیگی[1]

۱-کارشناس مهندسی بهداشت محیط،دانشگاه علوم پزشکی کرمان،کرمان،ایران

چکیده: پدیده انتشار ریزگردها و گردو غبار یکی از زیان بارترین بلایایی است که مشکلات زیادی را در سایر نقاط جهان به وجود آورده است ،در حال حاضر وقوع این پدیده یکی از معضلات مهم زیست محیطی می باشد. حرکت ماسه ها ازمحل کانون های ریزگرد و بحرانی همواره از لحاظ زیست محیطی ،اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی خسارات سنگینی را متوجه جوامع کرده است.شهرستان راور دارای ۳کانون بادی و بیابانی و بحرانی است.این شهرستان از دی ماه ۱۴۰۰تا آذر ماه ۱۴۰۱ تنها ۱۰روز با هوای پاک داشته است (AQI:0-50 هوای پاک و سالم برای همه افراد) بیابان زایی یکی از عوامل تهدید کننده ی بشر وعامل اصلی تولید ریزگرد ها می باشد.

هدف از این پژوهش بررسی تاثیر راهکار های ارائه شده به منظور کاهش آسیب پذیری های بهداشتی و زیست محیطی ناشی از ریزگرد ها و خیزش گرد و غبار در شهرستان راور می باشد.

شیوه ی جمع آوری داده ها به صورت مطالعات میدانی از نوع پیمایشی (مصاحبه و پرسشنامه)انجام شده است.در ابتدا نقاط قوت و ضعف ،فرصت ها و تهدید های اجرا و توسعه ی نهال کاری تاغ تعیین و با استفاده از مدلی SWOT مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و به ارائه راهبرد های مناسب پرداخته شد.

یافته های تحقیق نشانگر آن است که راهبردهای نهایی کاهش آسیب های زیست محیطی و بهداشتی شهرستان راور با اجرای پروژه ی کاشت گیاه تاغ در ناحیه ی تدافعی تعیین و کاهش ضعف های سیستم به منظور کاستن و خنثی سازی تهدیدات در دستور کار قرار گرفت.

کلمات کلیدی: *گیاه تاغ، ریزگردها، ذرات معلق، محیط زیست، آلودگی هوا*

چالش حذف فلزات سنگین از محلول های آبی: استفاده همزمان از فرآیند فتوکاتالیستی و نانوذرات NiO جهت حذف کروم شش ظرفیتی

مجید هاشمی[۱]، علی عطاملکی[۲]، فاطمه السادات مسعودی[۳]، سپیده صادقی*[۳]

۱-استادیار گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران.

۲-استادیار گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران.

۳-دانشجوی دکتری گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.*

چکیده

زمینه و هدف: کروم از طریق فاضلاب صنایع مختلف مانند آبکاری، نساجی، متالوژی و تولید رنگ وارد آب های سطحی و زیرزمینی شده و منجر به اثرات نامطلوب بهداشتی می گردد. ویژگی بالقوه جذب توسط نانوذرات اکسید نیکل (NiO) و ماهیت اقتصادی فرآیند ماوراء بنفش/ پراکسید هیدروژن (UV/H_2O_2)؛ استفاده از این دو فرآیند را برای حذف کروم آسان نموده است. لذا هدف از این مطالعه بررسی میزان راندمان حذف کروم شش ظرفیتی از محلول های آبی توسط فرایند نانوفتوکاتالیستی $UV/H_2O_2/NiO$ بود.

مواد و روش‌ها: این مطالعه در مقیاس آزمایشگاهی و در یک راکتور بسته طی دو مرحله ی متوالی انجام گرفت. در مرحله‌ی اول فرآیند جذب توسط نانوذرات اکسید نیکل و در مرحله ی دوم فرآیند اکسیداسیون با پراکسیدهیدروژن تحت تابش اشعه ماورابنفش انجام شد. جداسازی نانوذرات اکسید نیکل (NiO) توسط مگنت و فیلتراسیون انجام گردید و میزان جذب توسط دستگاه اسپکتروفوتومتر UV/visible قرائت شد. متغیرهای تاثیرگذار بر کارایی فرآیند از قبیل (۱۱-۳) pH، غلظت اولیه کروم (۱۰-۵۰ میلی‌گرم در لیتر)، غلظت پراکسید هیدروژن (۱۰۰-۲۰میکرومول)، زمان تماس (۴۰-۱۰ دقیقه) و دوز جاذب (۰/۲-۱ گرم) بود.

نتایج: در مرحله‌ی اول و در راکتور NiO، با افزایش دوز نانوذرات اکسید نیکل از ۰.۲ به ۱ گرم، راندمان حذف از ۲۶ به ۷۶ درصد افزایش یافت. همچنین در pH های مختلف (۳، ۵، ۷ و ۱۱) و زمان واکنش (۱۰، ۲۰، ۳۰ و ۴۰ دقیقه)، حداکثر بازده ۷۹ درصد در حالت pH = ۳ و در زمان واکنش ۴۰ دقیقه به دست آمد. در مرحله ی دوم و در راکتور UV/H_2O_2، با افزایش غلظت H_2O_2 از ۲۰ به ۱۰۰ میکرومول، راندمان حذف کروم از ۳۵ به ۹۵٪ رسید. همچنین ایزوترم‌های جذب مورد بررسی قرار گرفت که حاصل آن تطابق بیشتر با مدل جذب لانگمیر(R^2=۰/۹۷) نسبت به مدل جذب فروندلیچ (R^2= ۰/۸۹) بود.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد که راندمان حذف بسیار تحت تأثیر pH، زمان واکنش، دوز نانوذرات NiO و غلظت H_2O_2 می‌باشد. با بهینه سازی پارامترهای موثر می توان از این فرآیند برای حذف کروم در محلول های آبی استفاده کرد.

واژگان کلیدی: *پراکسید هیدروژن، کروم، نانو ذرات اکسید نیکل، فاضلاب صنعتی، ماوراء بنفش*

بررسی کیفیت آب‌های زیرزمینی حوضه آبریز رودخانه کن با استفاده از شاخص‌های IRWQI و CCME-WQI

نگین رضائی ارشد[۱]، محمد رفیعی[۲]، مجتبی صیادی[۳]، اکبر اسلامی[۴]

۱-گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۲- گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۳- شرکت آب و فاضلاب استان تهران، تهران، ایران

۴-گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

زمینه و هدف: کشور ما ایران، به دلیل قرار گرفتن در منطقه خشک و نیمه‌خشک، در زمره کشورهای بحرانی دنیا درزمینه تأمین آب محسوب می‌شود. در دهه‌های اخیر، عمدتاً به علت افزایش مصرف آب و برداشت بیش‌ازحد مجاز از منابع آب، خصوصاً منابع آب زیرزمینی و همچنین عدم مدیریت و استفاده بهینه از آب در دسترس، پدیده کمبود آب در کشور نمایان شده است. بارندگی ناکافی و توزیع زمانی و مکانی نامناسب نیز مسئله کمبود آب در کشور را تشدید کرده است. به علت افزایش جمعیت و تقاضای روزافزون بشر برای غذا و دیگر امکانات زندگی، انسان‌ها جهت تأمین نیازهای خود تغییراتی در محیطزیست ایجاد کرده‌اند. کارخانه‌ها، راه‌ها، استفاده بیشتر از منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی، استخراج معادن و توسعه، باعث شده است که انواع فلزات سنگین و سایر سموم آلاینده وارد محیطزیست شوند. امروزه برخی از این آلاینده‌ها ضمن آلوده سازی محیطزیست وارد چرخه غذایی شده و برخی از آن‌ها آب‌ها را آلوده نموده و سلامت انسان‌ها را مستقیماً مورد تهدید قرار داده‌اند.

مواد و روش ها: حوضه آبریز کن در حدفاصل عرض‌های جغرافیایی '۴۶ °۳۵ تا '۵۸ °۳۵ شمالی و طول‌های جغرافیایی '۱۰ °۵۱ تا '۲۳ °۵۱ شرقی، در منطقه‌ای به وسعت تقریبی ۲۱۶ کیلومترمربع واقع‌شده است. ارتفاع متوسط حوضه، ۲۴۲۸ متر است که بیشترین ارتفاع آن ۳۸۲۲ متر در ارتفاعات امامزاده داوود و کمترین آن حدود ۱۳۲۷ متر در خروجی حوضه است. بارندگی سالیانه این حوضه حدود ۶۶۲ میلی‌متر است که تقریباً ۷۰ درصد کل بارش در فصول بهار و زمستان صورت می‌گیرد.

این مطالعه از نوع توصیفی- مقطعی بوده و چاه‌های آب شرب موردمطالعه شامل سنگان بالا، سنگان وسط، سنگان پایین، سولقان (دارای ۲ حلقه چاه) و کشار علیا می‌باشد. نمونه‌برداری از چاه‌های هدف در طی بهار و تابستان ۱۳۹۹ با فاصله زمانی دو هفته از یکدیگر و هر بار پیش از ظهر انجام‌شده و در مجموع تعداد ۷۲ نمونه بر اساس دستورالعمل سازمان حفاظت محیطزیست آمریکا (USEPA) در بطری‌های پلی‌اتیلن برای آنالیز فیزیکی و شیمیایی و ظروف استریل مخصوص برای آنالیز میکروبی جمع‌آوری و به آزمایشگاه دانشکده بهداشت و ایمنی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی منتقل گردید. تمام آزمایش‌های موردنظر بر اساس کتاب روش‌های استاندارد برای آنالیز آب و فاضلاب انجام و نتایج تعیین گردید. پارامترهای میدانی مانند اکسیژن محلول (DO) و pH با استفاده از دستگاه اکسیژن متر Martini, Mi605 و کاغذ Merck pH در محل نمونه‌برداری

اندازه‌گیری شدند. برای تعیین غلظت یون‌های نیترات و فسفات، اسپکتروفتومتر HACH, DR5000 مورداستفاده قرار گرفت. مقادیر EC و TDS با استفاده از دستگاه TDS/EC سنج HACH تعیین گردید. غلظت یون سدیم با استفاده از فلیم فتومتر JENWAY, PFP7 و وزن مواد شیمیایی نیز توسط ترازوی دیجیتال Sartorius, BL 210S اندازه‌گیری شد. در فرایند اندازه گیری BOD_5 و COD نیز به ترتیب از انکوباتور WTW, TS 606-G/2 و HACH COD Reactor استفاده شد. نتایج به‌دست‌آمده با استانداردهای آب آشامیدنی ایران، ۱۰۵۳ و ۱۰۱۱ مقایسه شدند.

شاخص پارامترهای متداول کیفیت منابع آب زیرزمینی ایران (IRWQI) بر اساس راهنمای محاسبه شاخص کیفیت منابع آب ایران که توسط سازمان حفاظت محیط‌زیست ایران و با همکاری دانشگاه شهید بهشتی تهیه‌شده است، محاسبه گردید.

محاسبه شاخص کیفیت منابع آب کانادا (CCME-WQI) نیز بر اساس فرمولی است که توسط وزارت محیط‌زیست، زمین‌ها و پارک‌های بریتیش کلمبیا توسعه یافته و توسط محیط‌زیست آلبرتا اصلاح شده است.

نتایج: بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، میزان کلیفرم مدفوعی در همه نمونه‌ها <۳ می‌باشد. pH نمونه‌ها در محدوده ۷/۵-۷ تغییر می‌کند و نشان‌دهنده یک وضعیت خنثی در کل منطقه است. هدایت الکتریکی نمونه‌ها از ms/cm ۰/۲ تا ms/cm ۰/۴۸ متغیر است که کمترین و بیشترین مقدار آن به ترتیب در سنگان بالا و سنگان وسط مشاهده شد. TDS نمونه‌ها در محدوده ۰/۳-۰/۱۲ گرم بر لیتر قرار دارد. BOD_5 در محدوده ۸/۰۳-۳/۱ میلی‌گرم در لیتر است که بیشترین آن مربوط به چاه ۲ سولقان در تابستان می‌باشد. تغییرات غلظت نیترات نیز از ۳/۵ میلی‌گرم در لیتر تا ۲۱/۱ میلی‌گرم در لیتر است. بیشترین میزان DO آب زیرزمینی مربوط به سنگان وسط با ۸۴/۹ درصد و کمترین آن مربوط به سولقان ۲ با ۴۶/۴ درصد بوده است. مقادیر COD از ۴/۵ میلی‌گرم در لیتر تا ۱۶/۳۵ میلی‌گرم در لیتر متغیر است. غلظت فسفات از حداقل ۰/۰۱ تا حداکثر ۰/۰۲۵ میلی‌گرم در لیتر تغییر می‌کند. سختی کل در محدوده ۲۳۰-۱۲۵ میلی‌گرم در لیتر برحسب کربنات کلسیم است که بیشترین میزان آن مربوط به سنگان وسط می‌باشد. کمترین میزان شاخص SAR مربوط به چاه سنگان بالا در بهار با مقدار ۱/۰۱ و بیشترین آن مربوط به چاه ۱ سولقان در تابستان با مقدار ۲/۱۲ است. غلظت کلسیم و منیزیم نمونه‌ها نیز به ترتیب ۳۹-۲۱/۲۵ و ۴/۰۸-۱/۱۴ میلی‌گرم در لیتر است.

از مقایسه پارامترهای کیفی چاه‌های آب شرب منطقه با استانداردهای کیفیت آب آشامیدنی ۱۰۵۳ و ۱۰۱۱ ایران به این نتیجه می‌رسیم که تمام پارامترها در محدوده مجاز تعیین‌شده قرارگرفته و درنتیجه آب این چاه‌ها برای مصرف شرب مناسب می‌باشد.

با توجه به نتایج شاخص IRWQI، آب‌های زیرزمینی سنگان، سولقان و کشار علیا در سه گروه کیفی متوسط، نسبتاً خوب و خوب طبقه‌بندی می‌شوند. بر اساس نتایج شاخص CCME-WQI نیز چاه‌های آب شرب موردمطالعه دارای کیفیت عالی هستند.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از این مطالعه، به نظر می‌رسد که شاخص IRWQI یک شاخص سخت‌گیرانه‌تر از شاخص CCME جهت تعیین کیفیت آب آشامیدنی می‌باشد.

نتیجه گیری: در این مطالعه، کیفیت آب‌های زیرزمینی منطقه کن با استفاده از شاخص‌های کیفی IRWQI و CCME-WQI مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که آب این چاه‌ها برای مصرف شرب مناسب می‌باشد. گرچه وضعیت فعلی چاه‌های آب شرب منطقه موردمطالعه مطلوب به نظر می‌رسد، اما ذکر این نکته ضروری است که به علت عدم

رعایت حریم کیفی چاه و رودخانه، عدم بهسازی مناسب چاه‌ها، نبود سیستم جمع‌آوری بهداشتی فاضلاب، وجود باغ‌ها و اراضی کشاورزی در نزدیکی رودخانه و چاه‌ها، افزایش برداشت آب از سفره‌های آب زیرزمینی و درنتیجه تغلیظ آلاینده‌ها، آلودگی این منابع در آینده‌ای نه‌چندان دور قابل‌انتظار است. پس این مسئله زنگ خطری برای مسئولین محسوب می‌شود تا هرچه سریع‌تر نسبت به حفاظت از چاه‌های آب موجود و حفر چاه‌های آتی در مناطق دور از این منابع آلاینده اقدام نمایند.

واژگان کلیدی : *کیفیت آب، آب‌های زیرزمینی، رودخانه کن، شاخص IRWQI، شاخص CCME*

مروری نظام‌مند بر روش‌های ارزیابی و تشخیص سریع آلاینده‌های موجود در شبکه‌های آبرسانی به منظور اجرای پدافند غیر عامل و افزایش امنیت شهری

فاطمه مرتضی زاده[1]، فتح‌الله غلامی بروجنی[2]

۱-کارشناسی‌ارشد، رشته مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

۲-دانشیار، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

چکیده

زمینه و هدف: حفظ امنیت تأسیسات آبرسانی و در نظر گرفتن تمهیدات لازم به منظور آمادگی در شرایط بحرانی و عملیات خرابکارانه از دغدغه های اصلی مسئولان حوزه امنیت در هر کشور می باشد. فن‌آوری پایش آنلاین کیفیت آب، امکان ارزیابی سریع کیفیت آب در داخل لوله‌ها و در شبکه آبرسانی (بدون نمونه‌برداری و بصورت آنلاین) را فراهم می‌کند. این مطالعه، مروری نظام مند بر فناوری‌های پایش آنلاین جهت اندازه‌گیری و تشخیص سریع آلاینده‌ها در آب دارد.

مواد و روش ها: در این مطالعه مروری نظام‌مند به بررسی روش‌های سریع تشخیص آلایندگی کیفیت آب در شبکه آبرسانی شهری به منظور شناخت بیشتر اصول پدافند غیر عامل در شناسایی، کنترل و مدیریت بحران و همچنین حملات تروریستی پرداخته شده است. در این مطالعه، مقالات چاپ شده از سال ۲۰۰۰ تا ابتدای سال ۲۰۲۳ میلادی به زبان انگلیسی در ارتباط با سیستم‌های آنلاین پایش کیفیت آب مورد بررسی قرار گرفتند. این مقالات از طریق جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی Science Direct، Scopus، Web of Science, PubMed, Proquest و Google scholar با استفاده از کلیدواژه‌هایی نظیر «water»، «online monitoring»، «instrumentation»، «contaminant monitoring systems» و « contaminant warning systems» به دست آمدند. طبق پروتکل Cochrane، در مجموع ۴۷ مقاله وارد مطالعه شدند. همچنین از نرم افزار مدیریت منابع Endnote X7 جهت سازماندهی، مطالعه عناوین و چکیده‌ها و همچنین شناسایی مقالات تکراری استفاده گردید.

نتایج: در این مطالعه چهار نوع ابزار پایش آنلاین آب و هشدار آلاینده‌ها (فیزیکی، آلی، غیرآلی و بیولوژیکی) مورد بررسی قرار گرفت. دستگاه‌های اسپکتروفتومتر، هدایت سنج، کدورت سنج و الکتروفورتیک جهت پایش پارامترهای فیزیکی آب (مانند رنگ و کدورت)، دستگاه‌های TOC آنالایزر، طیف‌سنج‌های جذبی و تفاضلیUV، الکترولیت آنالایزر و کروماتوگراف‌ها جهت پایش پارامترهای آلی آب (مانند کربن‌ها، هیدروکربن‌ها، ترکیبات آلی فرار و ...)، دستگاه‌های تیتراتور قلیایی، اکسیژن ساز، الکترولیت آنالایزر، طیف سنج فلوئورسانس X-RAY و UV جهت پایش پارامترهای غیرآلی آب (مانند قلیاییت، سختی، آمونیاک، فسفر، سیانید، فلزات) و دستگاه‌های طیف سنج UV، تابش‌سنج انتشار و فلورومتر جهت پایش پارامترهای بیولوژیکی آب (مانند پروتوزوآ، جلبک، کلروفیل‌آ) بکار می‌روند. این ابزارها توسط نرم‌افزارها و شبکه‌های متصل به یکدیگر، جهت پایش آنلاین کیفیت آب در

سیستم‌های توزیع، تحت عنوان سیستم‌های هشدار آلاینده آب یا Contaminant Warning Systems (CWSs) نیز شناخته می‌شوند که هزینه‌های نظارت بر سیستم را نیز کاهش می‌دهند.

نتیجه گیری: ضرورت انجام پایش آنلاین کیفیت آب به دلیل اثرات مخرب آب‌های آلوده بر سلامتی انسان‌ها همواره مورد توجه افکار عمومی و سیستم های امنیتی کشورها بوده است. پایش پیوسته و آنلاین کیفیت آب می‌تواند، ابزاری مناسب در در جهت حفاظت تصفیه خانه‌ها و تجهیزات شبکه‌های آب باشد. همچنین بررسی و توجه همه جانبه به تأسیسات آبرسانی شهری با توجه به اصول و مبانی پدافند غیرعامل، تأثیر بیشتری در برقراری حفاظت و امنیت شهری دارد.

واژگان کلیدی: *پایش آنلاین، کیفیت آب، آلاینده، شبکه آبرسانی، پدافند غیر عامل*

ارزیابی کیفیت پساب و لجن تصفیه خانه فاضلاب شهری زاهدان جهت استفاده مجدد

فاطمه گنجی[۱] ، حسین کمانی[*،۲]

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

*،۲- مرکز تحقیقات بیماری‌های عفونی و طب گرمسیری، پژوهشکده علوم سلولی و مولکولی بیماری‌های عفونی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

چکیده

مقدمه: امروزه در سراسر جهان، با توجه به رشد روز افزون جمعیت و کمبود آب، استفاده از فاضلاب به عنوان یک منبع پایدار با حجم زیاد مورد توجه قرار گرفته است. از طرفی دیگر در مناطقی مانند کشور ایران که دارای آب و هوای خشک با تبخیر بالا هستند، استفاده مجدد از پساب تصفیه شده دارای اهمیت بیشتری می‌باشد. پساب تصفیه شده می‌تواند برای مصارف مختلف مانند آبیاری فضای سبز یا کشاورزی، تخلیه به آب‌های سطحی و تخلیه به چاه‌های جاذب مورد استفاده قرار گیرد. همچنین امروزه از لجن فاضلاب شهری تصفیه شده نیز جهت مصارف مختلفی از جمله به عنوان کود و در کشاورزی، جنگلداری، احیای اراضی و ... استفاده می‌شود. مطالعه حاضر جهت ارزیابی کیفیت پساب و لجن تصفیه خانه فاضلاب شهری زاهدان جهت استفاده مجدد انجام شد.

روش بررسی: مطالعه حاضر در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بر روی کیفیت پساب و لجن در تصفیه خانه فاضلاب شهر زاهدان با اندازه‌گیری پارامترهای فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی مختلف بر اساس دستورالعمل‌های کتاب روش‌های استاندارد جهت آزمایش‌های آب و فاضلاب به صورت روزانه انجام شده است. پارامترهای مورد بررسی در پساب تصفیه شده خروجی شامل: اکسیژن مورد نیاز شیمیایی (COD)، اکسیژن مورد نیاز بیولوژیکی (BOD)، کل جامدات معلق (TSS)، کدورت، دما، نیترات، نیتریت، فسفات، pH، فلزات سنگین (روی، کبالت، سرب و مس) بودند. همچنین پارامترهای جامدات معلق (MLSS)، جامدات معلق فرار (MLVSS)، pH، هدایت الکتریکی (EC) و فلزات سنگین (کادمیوم، نیکل، سرب، روی، مس، آهن، منگنز و کروم) در لجن مورد بررسی قرار گرفتند. در نهایت مقادیر نهایی بدست آمده در پساب خروجی با استانداردهای سازمان حفاظت محیط زیست ایران و مقادیر اندازه‌گیری شده در لجن نیز جهت بررسی قابلیت استفاده مجدد با استانداردهای EPA مقایسه شدند.

نتایج: میانگین کلی بدست آمده از پارامترهای COD (۱۷۱ mg/ L)، BOD (۴۴/۴ mg/ L)، TSS (۵۸ mg/ L) ، کدورت (۱۹/۳ NTU)، دما (۲۳/۴ °C)، نیترات (۰/۵ mg/ L)، نیتریت (۰/۴۳ mg/ L)، فسفات (۴/۷ mg/ L)، pH (۷/۶۶)، روی (۰/۱۳ mg/ L)، کبالت (۰/۰۰۶ mg/ L)، سرب (۰/۰۸ mg/ L) و مس (۰/۳۱ mg/ L) در پساب خروجی بود. طبق نتایج بدست آمده از این مطالعه، میانگین راندمان کلی حذف BOD و COD به ترتیب ۷۶ و ۶۹ درصد بود. همچنین میانگین بدست آمده از پارامترهای MLSS (۲۱۸۷ mg/L)، MLVSS (۱۳۱۲ mg/L)، pH (۶/۶۵)، هدایت الکتریکی (ds/m

۱۱/۲)، کادمیوم (۰/۲۵ mg/ L)، نیکل (۵/۷۵ mg/ L)، سرب (۷/۶۵ mg/ L)، روی (۵۱/۴ mg/ L)، مس (۳۱/۷ mg/ L)، آهن (۲۷ mg/ L)، منگنز (۳۹/۶ mg/ L) و کروم (۰/۴۸ mg/ L) در لجن بود.

نتیجه‌گیری: سیستم تصفیه خانه شهری زاهدان در حذف پارامترهای مورد بررسی دارای کارایی و راندمان بالایی می‌باشد. مقایسه نتایج داده‌های بدست آمده پساب تصفیه شده خروجی با استانداردهای سازمان حفاظت محیط زیست ایران نشان می‌دهد که در حد مجاز برای مصارف کشاورزی و آبیاری قرار دارد، اما برای تخلیه به چاه‌های جاذب باید تمهیداتی صورت گیرد. پارامترهای مورد بررسی در لجن تصفیه شده دارای استانداردهای لازم EPA بودند، بنابراین می‌توان از آن به عنوان خاک یا کود به زمین‌های کشاورزی استفاده کرد.

کلمات کلیدی: *فاضلاب، لجن، تصفیه خانه فاضلاب، فلزات سنگین*

بررسی کارایی فرآیند حذف رنگ از فاضلاب با بهره‌گیری ازنانوالیاف الکتروریسی شده (مطالعه مروری)

معصومه احتشام[1]، رسول خسروی[2]

۱-دانشجو کارشناسی ارشد، رشته بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

۲-استادیار، رشته بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

چکیده

زمینه و هدف: امروزه یکی از دغدغه‌های عمده بهداشت‌محیط، تصفیه فاضلاب‌های رنگی است. ورود فاضلاب حاوی رنگ‌های شیمیایی خطرناک به محیط‌زیست، اثرات نامطلوب و خطرناک برای موجودات و محیط‌زیست دارد. آلودگی محیطی ناشی از تخلیه فاضلاب حاوی رنگ‌های آلی به منابع آب مشکل جدی جهانی است که سلامت انسان‌ها را به خطر می‌اندازد. برای حل این مشکل، روش‌های فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی برای تصفیه آلاینده‌های رنگ آلی توسعه یافته است که از میان روش‌های مختلف، جذب سطحی به دلیل کارآمد، مقرون‌به‌صرفه و ساده بودن، به‌طور گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد. هدف این مطالعه، بررسی کارایی فرآیند حذف رنگ از فاضلاب با استفاده از نانوالیاف الکتروریسی شده و بهینه‌سازی پارامترهای فرآیند الکتروریسی به منظور افزایش کارایی جذب سطحی نانوالیاف برای حذف رنگ از فاضلاب می‌باشد.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر به مرور مطالعات انجام شده در مورد بررسی کارایی فرآیند حذف رنگ از فاضلاب با بهره‌گیری از نانوالیاف الکتروریسی شده پرداخته است. به این منظور، مقالات مرتبط با موضوع از کلیه منابع الکترونیکی در دسترس از قبیل " PubMed" ، " Scopus " ، " Web Of Science " و در نهایت سرچ در Google Scholar با استفاده از کلید واژه‌های الکتروریسی، حذف رنگ و فاضلاب به صورت فارسی و انگلیسی مورد بررسی قرارگرفت.

نتایج: از ۲۵۵ مقاله دریافتی، ۱۵ مقاله وارد مطالعه شد. معیار ورود اطلاعات، مقالات مرتبط با موضوع و حاوی کلمات کلیدی تحقیق بوده است. نتایج نشان داد استفاده از روش نانوالیاف الکتروریسی شده برای فرایند حذف رنگ ظرفیت جذبی خوبی برای رنگ‌ها دارد و می تواند به عملکرد فیلتراسیون بالایی دست یابد با این حال شرایط بهینه برای این روش در موارد مختلف متفاوت است. همچنین با توجه به نتایج تحقیقات، بهترین pH برای این روش اسیدی و نزدیک به ۲ است. زمان تماس نیز باید در بازه ۴۰ تا ۱۰۰ دقیقه باشد تا بتوان به بیشترین جذب دست یافت. پس از زمان تماس بهینه، جذب به دلیل کاهش سطح جاذب و مکان‌های جذب کمتر کاهش پیدا می‌کند. در نهایت جذب سریع در دقایق اولیه به دلیل وجود تعداد زیاد مکان جذب خالی در سطح جاذب اتفاق می‌افتد.

نتیجه گیری: با توجه به اهمیت حذف رنگ‌های شیمیایی از فاضلاب بدلیل اثرات سوئی که بر سلامتی انسان، سایر موجودات و محیط زیست می‌گذارند، استفاده از روش‌های کارامدتر برای حذف این آلاینده‌ها از فاضلاب حائز اهمیت می‌باشد. براساس

نتایج تحقیقات، روش نانوالیاف الکتروریسی شده به عنوان یک روش کارآمد، مقرون‌به‌صرفه و قابل‌اعتماد برای حذف رنگ می باشد. با توجه به شرایط بهینه، این روش می‌تواند به عملکرد فیلتراسیون بالایی دست‌یابد و نیز یک روش ساده و موثر برای تولید جاذب‌های مطلوب با سطح بالاست که برای تولید نانوالیاف نیز کاربرد دارد. غشاهای نانوالیافی که به روش الکتروریسی تهیه می‌شوند دارای خواص منحصربه‌فردی مانند سطح‌ویژه بالا و تخلخل بالا با منافذ ریز هستند. این ویژگی‌ها باعث شد که غشاهای نانوالیاف الکتروریسی شده برای حذف یون‌های فلزات سنگین و مولکول‌های رنگ از فاضلاب استفاده شوند و به عنوان روش مناسبی برای حذف رنگ‌ها از فاضلاب‌های نساجی و رنگرزی به کار رود.

واژگان کلیدی: *الکتروریسی ، حذف رنگ ، فاضلاب*

برآورد گازهای محل دفن پسماندهای شهری با استفاده از نرم افزار LandGEM (مطالعه– موردی: شهرستان قاین)

سپیده صحراگرد[۱]، علی نقی زاده[۲]، مهدی دری[۳]

۱-دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت پسماند، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

۲-استاد، گروه مهندسی بهداشت محیط، مرکز تحقیقات مسمومیت ها و سوء مصرف مواد، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

۳-کارمند، شهرداری قاین، خدمات شهری، واحد مدیریت پسماند

چکیده

مقدمه: دفن‌گاه‌های پسماند محل‌هایی هستند که انواع پسماندها با خواص و ویژگی‌های مختلف فیزیکی و شیمیایی در آنها جمع می‌شوند و در شرایط مناسب بیولوژیکی، هضم بی‌هوازی انجام می‌شود که باعث تولید گازهایی همچون متان و دی‌اکسید-کربن می‌شود. این گازها در زمره ی گازهای گلخانه ای به‌شمار می‌روند. مهاجرت و انتشار گازهای گلخانه‌ای، اثرات مختلفی بر محیط زیست دارد. از جمله این اثرات می‌توان به خطرات آتش سوزی و انفجار، خطرات بهداشتی، تخریب گیاهان، آلودگی آبهای زیرزمینی، تأثیر بر تغییرات آب و هوا و ایجاد بو اشاره کرد. متان، یکی از مهمترین گازهای گلخانه‌ای است که بیشترین پتانسیل در گرمایش جهانی را دارا می‌باشد. یکی از بهترین راهکار های مدیریت پسماند، تولید انرژی از آنها می باشند. یکی از مدلهای کامپیوتری که میتوان به وسیله آن به اندازه گیری میزان متان رسید، مدل کامپیوتری لندجم است. با استفاده از نرم افزار لند جم (LandGem) میتوان میزان گاز متان تولید شده در محل دفن را محاسبه کرد که نتایج آن میتواند به عنوان داده‌های ورودی برای تخمین مقدار انرژی تولید شده توسط متان استفاده شود. هدف از انجام این مطالعه برآورد گازهای محل دفن پسماندهای شهر قاین با استفاده از نرم افزار LandGEM می‌باشد.

روش بررسی: این مطالعه در شهر قاین در استان خراسان جنوبی انجام شد. در این مطالعه، ابتدا مواد زائد شهری تحلیل شده و سپس جمعیت شهر در دوره‌های مختلف محاسبه شد. در مرحله بعد، مقدار گازهایی که در محل دفن پسماندهای شهری قاین تولید می‌شود، شامل متان و دی‌اکسید کربن، محاسبه شد. این محاسبات با استفاده از نرم‌افزار LandGEM انجام شد. این نرم‌افزار با استفاده از اطلاعاتی مانند ظرفیت طراحی محل، میزان پسماند، میزان تولید متان و دی‌اکسید کربن، پتانسیل تولید متان و غلظت کل ترکیبات ویژه غیر متانی، میزان گازهایی که در محل دفن پسماند تولید می‌شود را تخمین می‌زند و همچنین با استفاده از معادله تعادل درجه اول در تجزیه مواد، سالیانه گازهای انتشاری از تجزیه پسماند در محل دفن پسماندهای شهری را محاسبه می‌کند. در نهایت، عمر محل دفن پسماند قاین تا سال ۲۰۴۳، به مدت ۲۰ سال در نظر گرفته شده است.

نتایج: قسمت عمده گازهای تولیدی محل های دفن، شامل دی اکسید کربن و متان می‌باشد که در صورت عدم کنترل می‌تواند مشکل آفرین شود. مدل‌سازی و پیش‌بینی نرخ تولید و انتشار گاز از محل های دفن، جهت طراحی و بهره‌برداری این محل‌ها

دارای اهمیت بسزایی می‌باشد. در این مطالعه با استفاده از نرم‌افزار LandGEM و فرمول شیمیایی پسماند، مقدار گاز خروجی محل دفن بدست آمد. گازهای محل دفن پسماند شهرستان قاین با در نظر گرفتن درصد حجمی متان ۵۰ درصد و محاسبه ۱۷۰m3/Mg به عنوان ضریب پتانسیل تولید گاز و با نرخ تولید متان برابر با ۰/۰۵۰ yaer -1، انتشار گاز ها بررسی گردید. پس از بررسی نتایج بدست آمده از نرم افزار، همانطور که انتظار می‌رفت میزان تولید متان و دی‌اکسید کربن در سال‌های کاربری محل دفن رشد سریعی داشته و در سالهای انتهای طرح (۲۰۴۲) به بیشترین مقدار می‌رسد.. این امر بیانگر این مطلب است که تا سال‌ها پس از پایان عمر این محل دفن پسماند همچنان امکان بهره‌گیری از گازهای تولیدی در آن وجود دارد. در این مدت همچنان تا سال‌ها پس از عمر محل دفن تولید گاز متان و دی‌اکسید کربن ادامه داشته و سهم عمده‌ای در تولید گازهای گلخانه‌ای را دارد.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج بررسی‌های انجام شده، مشخص شد که میزان گازهایی که در محل دفن پسماند در شهر قاین تولید می‌شود، در طول سال‌های مختلف، الگوی مشابهی دارد. با توجه به این نتایج، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌هایی برای استفاده از گاز متان به منظور تولید انرژی و راهکارهایی برای کنترل انتشار گازهای گلخانه‌ای به اتمسفر، به کار گرفته شود. در صورت مدیریت محل‌های دفن مواد زائد دو راه برای حل مشکل گاز خروجی از مراکز دفن پسماند می توان به کار برد. روش اول شامل سوزاندن گازها و تولید دی‌اکسید کربن و آب است و روش دوم شامل استفاده از گازها در فعالیت‌های اقتصادی می‌باشد. با توجه به میزان گازهای تولیدی در محل دفن پسماند شهر قاین، می‌توان یکی از این دو روش را برای مدیریت گازها به کار برد. پیشنهاد می‌شود که برای کنترل انتشار گازهای گلخانه‌ای به اتمسفر، از گاز متان برای تولید انرژی استفاده شود. بهترین روش برای برآورد مقدار تولید گازهای محل دفن، استفاده از مدل LandGEM است.

واژگان کلیدی : *گازهای گلخانه ای، مرکز دفن، پسماند،* LandGEM، *قاین*

بررسی تاثیر گازهای‌گلخانه‌ای ایجادشده در محل‌های‌دفن بر تغییرات آب‌وهوایی

سپیده صحراگرد[1]، صنوبر ایمانیان[1]، نازیلا نیک بین[1]، علی نقی‌زاده[2].

۱-دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند،

۲-استاد، گروه مهندسی بهداشت محیط، مرکز تحقیقات مسمومیت ها و سوء مصرف مواد، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

چکیده

زمینه و هدف: گازهای گلخانه ای(GHG) آن دسته از اجزای گازی جو هستند که تابش را در محدوده مادون قرمز حرارتی جذب و منتشر و انرژی‌گرمایی‌خورشید را ذخیره میکنند. فراوان‌ترین گازهای‌گلخانه ای به ترتیب عبارتنداز: بخارآب(H2O)، دی اکسید کربن (CO2)، متان (CH4)، اکسیدهای‌نیتروژن (NxO) و ازن (O3). گازهای‌گلخانه ای در اثر افزایش مصرف سوخت‌های‌فسیلی، کشاورزی، جنگل‌زدایی، افزایش زباله‌های‌صنعتی و محل‌های‌دفن‌زباله افزایش می‌یابند. افزایش گازهای‌گلخانه‌ای اثرات‌مخربی ازجمله؛ گرمایش‌زمین، تخلیه‌لایه‌ازن، دود و آلودگی‌هوا و اسیدی شدن منابع‌آب را به همراه‌دارد. امروزه گرمایش‌جهانی (Global warming) به دلیل آب‌شدن یخ‌های‌قطبی، ایجاد سیل و سونامی، افزایش فعالیت‌های زمین‌شناختی؛ زمین‌لرزه‌ها، آتشفشان‌ها، طوفان‌ها و اسیدی‌ترشدن آب‌اقیانوس‌ها یک دغدغه‌ی‌مهم در سراسرجهان به‌حساب‌می‌آید. در سال‌های‌اخیر، رشد بی‌رویه‌جمعیت، توسعه‌شهرنشینی، تغییرات الگوی‌مصرف، توسعه‌صنایع، معادن و کشاورزی موجب بروز انواع مشکلات زیست‌محیطی، از جمله تولید حجم زیادی از پسماند شده‌است. دفن‌پسماند به‌عنوان یک روش رایج دفع‌پسماند که مقادیر زیادی گاز متان و دی‌اکسیدکربن درطی آن تولید میشود، در بسیاری از کشورها استفاده‌میشود. در همین راستا هدف از این مطالعه بررسی اثرات گازهای‌گلخانه‌ای تولیدی از لندفیل و تاثیر آن بر تغییر اقلیم می‌باشد.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر به مرور سیستماتیک مطالعات انجام‌شده در مورد بررسی تاثیر گازهای‌گلخانه‌ای ایجادشده در محل‌های‌دفن بر تغییرات آب‌وهوایی در پایگاه‌های ایرانی و بین المللی "Iran Medex", "SID", "Scopose" "ScienceDirect", "Pubmed", و"ISI web of knowledge"" تا ماه‌ژوئن ۲۰۲۲ انجام‌شد. جهت جست‌وجو از واژه های گازهای‌گلخانه‌ای، محل‌دفن و تغییرات آب‌وهوایی به‌صورت فارسی و انگلیسی استفاده‌گردید.

نتایج: در مطالعه مرورسیستماتیک حاضر ۴۵۴ مقاله مورد بررسی قرارگرفت که در نهایت ۱۰ مقاله اصیل که قویترین ارتباط موضوعی را با عنوان داشت وارد مطالعه گردید. مطالعات نشان داد که انتشار گازهای‌گلخانه‌ای از جمله متان و دی‌اکسیدکربن نقش زیادی در گرمایش‌جهانی ، تغییراقلیم و آلودگی‌هوا و محیط‌زیست دارند. اکثر محل‌های دفن‌غیربهداشتی و غیراصولی با عدم درنظرگرفتن خاک‌پوششی و تعبیه‌لوله‌گذاری آثار نامطلوبی بر افزایش تولید و انتشار گازها در محیط دارند. گازهای‌گلخانه‌ای اثر سوء بر سلامتی و در بروز بیماری‌های‌قلبی‌وعروقی‌وتنفسی(آسم و آلرژی) نقش‌دارند.

نتیجه گیری: گازهای گلخانه ای بر اکوسیستم اثرات نامطلوبی دارند. باگذشت زمان و افزایش سن لندفیل میزان گازتولیدی کاهش می یابد.بنابرین استحصال گازهای لندفیل در سال های اولیه وپس از بسته شدن لندفیل بایستی صورت بگیرد. لوله گذاری می تواند از انتشار گازهای گلخانه ای به جو جلوگیری کند. ارزیابی و پایش برای بررسی و کنترل گازهای تولیدشده از محل دفن به طور منظم و مستمر صورت گیرد. از انرژی این گازها خصوصا گازمتان می توان در موارد مختلفی استفاده نمود. آموزش و افزایش آگاهی مردم و وضع قوانین سخت گیرانه در خصوص مدیریت گازها از اهمیت زیادی برخورداراست.

واژگان کلیدی: *گازهای گلخانه ای، محل دفن، تغییرات آب وهوایی.*

ارزیابی عملکرد کاتالیست اکسید فروفریک روی کربن فعال در تجزیه کاتالیستی استامینوفن تحت فرایند مبتنی بر رادیکال های سولفات و امواج فرابنفش

بابک کاکاوندی[۱]، عماد دهقانی فرد[۲]، فاطمه احمدی[۳،*]

۱-استادیار گروه مهندسی بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی البرز

۲-استادیار گروه مهندسی بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی ایران

۳-دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی البرز

چکیده

زمینه و هدف: امروزه حضور ترکیبات دارویی در منابع آبی یک تهدید جدی برای سلامت عمومی محسوب می شود. در این پژوهش، یک سیستم اکسیداسیون مبتنی بر رادیکال سولفات برای تجزیه استامینوفن (ACP) با استفاده از پراکسی دی سولفات (PDS) کاتالیز شده توسط اکسید های فروفریک (FON) پوشش داده شده بر روی کربن فعال (AC) (FON@AC) و نور UV استفاده گردید.

مواد و روش ها: در این مطالعه، ویژگی‌های بافتی، ساختاری و فیزیکی و شیمیایی کاتالیزور FON@AC با استفاده از آنالیزهای XRD، BET، TEM، FESEM-EDS و VSM مشخص شد. جهت ارزیابی حذف / معدنی سازی ACP، عملکرد سیستم FON@AC/PDS/UV تحت پارامترهای عملیاتی مختلف بررسی شد. در ادامه مکانیسم‌های احتمالی فعال‌سازی PDS و تخریب ACP و همچنین بازیابی کاتالیست و سینتیک فرایند تجزیه آلاینده مطالعه شد.

نتایج: نتایج نشان داد که یک اثر هم افزایی قابل توجهی در تخریب ACP برای FON@AC همراه با UV و PDS وجود دارد. در شرایط بهینه (pH :6.0، ۰.۴ گرم در لیتر FON@AC، ۴.۰ میلی‌مولار PDS)، ACP (۲۰ میلی‌گرم در لیتر)، ۱۰۰٪ ACP و ۷۲.۸ درصد TOC طی واکنش ۶۰ دقیقه با سیستم FON@AC/PDS/UV حذف گردید. پس از پنج مرتبه بازیابی پیاپی، پتانسیل بالایی در قابلیت استفاده مجدد از FON@AC و معدنی سازی ACP در طول سیستم FON@AC/PDS/UV مشاهده شد. رادیکال های سولفات و هیدروکسیل به عنوان گونه های اصلی و غالب در فرآیند تخریب ACP نقش داشتند. علاوه بر این، FON@AC توانایی خوبی در فعال‌سازی اکسیدان‌های پراکسیدهیدروژن و پراکسی مونوسولفات نشان داد. راندمان بالا در تجزیه و معدنی سازی، پایداری خوب و قابلیت استفاده مجدد، جداسازی آسان و قابلیت عالی برای فعال سازی اکسیدان های شیمیایی مختلف از مزایای مهم سیستم هیبریدی FON@AC/PDS/UV بود.

نتیجه گیری: سیستم هیبریدی FON@AC/PDS/UV را می‌توان به‌عنوان یک فرآیند تصفیه کارآمد و مؤثر، با پایداری و قابلیت بازیافت خوب، بازیافت آسان، فعالیت کاتالیزوری بالا در تخریب و معدنی‌سازی مواد آلی معرفی کرد. بنابراین می توان آن را به عنوان یک تکنیک امیدوارکننده برای تخریب موثر ترکیبات دارویی پیشنهاد کرد.

واژگان کلیدی: *نانوکاتالیست اکسید فروفریک ، استامینوفن، معدنی شدن، رادیکال های سولفات*

بررسی میزان آگاهی، نگرش و عملکرد خانوارهای استان مازندران نسبت به مصرف صحیح آب در سال ۱۴۰۰

محمد روشنی سفیدکوهی[۱]، زهرا فرهادی [۲]، فاطمه مرتضی‌زاده[۳]، فتح الله غلامی بروجنی[۴]

۱-دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

۲-کارشناس، رشته مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

۳-کارشناس ارشد، رشته مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

۴-دانشیار، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

چکیده

مقدمه: با توجه به اینکه ۹۰ درصد منابع آب شرب مشترکین استان مازندران، از طریق آبهای زیرزمینی تامین می شود، لذا با توجه به افزایش جمعیت، کاهش میزان بارندگی و برداشت بی رویه از سفره های آب زیرزمین ضروری است الگوی مصرف آب تغییر یابد. دانش و درک بالاتر در مورد مدیریت مصرف آب می‌تواند به افراد کمک کند تا بیشتر به صرفه جویی در مصرف آب تمایل داشته باشند و به مدیریت بهتر منابع آب کمک کنند. از طرفی نگرش و ادراک نیز بر رفتارهای مصرف آب تأثیر می‌گذارند. لذا هدف اصلی این پژوهش، تعیین تاثیر میزان آگاهی، نگرش و عملکرد خانوارهای استان مازندران بر مصرف صحیح آب در سال ۱۴۰۰بوده است.

مواد و روش ها : در مطالعه توصیفی - مقطعی حاضر که در سال ۱۴۰۰ انجام شد، در راستای جمع آوری داده ها پرسشنامه ای طراحی و با استفاده از روش نمونه گیری طبقه ای ساده، بین شهروندان استان مازندران توزیع گردید. این پرسشنامه محقق ساخته، از ۳ بخش آگاهی، نگرش و عملکرد تشکیل شده بود و با توجه به اهداف مطالعه، اطلاعات مورد نظر توسط خانوار های استان به روش خود گزارش دهی تکمیل گردید. برای اندازه گیری پاسخ ها از مقیاس ۵ درجه ای لیکرت استفاده شد. روایی پرسش نامه از طریق نظرات گروه کارشناس در زمینه مورد مطالعه سنجیده شد و همچنین جهت سنجش پایایی، یک مطالعه مقدماتی بر روی خانوار های استان انجام گردید و پایایی آن با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ (۰/۷) مورد بررسی قرار گرفت. اطلاعات بدست آمده به کمک نرم افزار آماری SPSS و آزمون کروسکال والیس (Kruskal-Wallis) آنالیز شد.

یافته ها: در مطالعه حاضر، حیطه آگاهی در ارتباط با شهرهای با آب آلوده، حیطه نگرش در ارتباط با استفاده از وسایل کاهنده مصرف آب و حیطه عملکرد در سطوح سوالات استفاده از آب گرم، حمام کردن، استفاده از دستشویی و آبیاری قطره‌ای دارای اختلاف معنی داری با متغیر مستقل جنس بودند ($P<۰/۰۵$). برطبق نتایج، هیچ یک از سطوح آگاهی و عملکرد، دارای اختلاف معنی‌داری با متغیر مستقل سن نبودند ($P>۰/۰۵$) و فقط سطح عدم استفاده از آب آشامیدنی برای آبیاری باغچه و شستن حیاط در حیطه نگرش، دارای اختلاف معنی‌داری با متغیر مستقل سن بود ($P<۰/۰۵$). همچنین نتایج نشان دادند، در حیطه آگاهی

در ارتباط با نوع آبیاری در کشاورزی، دریاچه های در معرض خشک شدن و آلودگی آبهای زیرزمینی، حیطه نگرش در ارتباط با استفاده از وسایل کاهنده مصرف آب و حیطه عملکرد در سطوح سوالات استفاده از آب گرم، حمام کردن، استفاده از دستشویی و آبیاری باغچه دارای اختلاف معنی‌داری با متغیر مستقل شغل بودند (P<۰/۰۵). وضعیت تاهل با هیچ یک از متغیرهای حیطه های مورد مطالعه، ارتباط معنی‌داری را نشان نداد (P>۰/۰۵). همچنین هیچ یک از سطوح متغیرهای آگاهی، دارای اختلاف معنی‌داری با متغیر مستقل تحصیلات نبودند (P>۰/۰۵)، اما سطح عدم استفاده از آب آشامیدنی برای آبیاری باغچه و شستن حیاط در حیطه نگرش و سطوح سوالات میزان استفاده از آب در دستشویی و شستشو و آبکشی ظروف، دارای اختلاف معنی‌داری با متغیر مستقل تحصیلات بودند (P<۰/۰۵). از طرفی منطقه محل سکونت با هیچ یک از سطوح حیطه های نگرش و عملکرد، ارتباط معنی‌داری را نشان نداد (P>۰/۰۵). اما حیطه آگاهی در سطوح سوالات نوع آبیاری در کشاورزی و بیشترین میزان مصرف آب در منازل دارای اختلاف معنی‌داری با متغیر مستقل محل سکونت بودند (P<۰/۰۵).

نتیجه گیری : نتایج نشان داد که آگاهی و عملکرد افراد در حیطه های مختلف (استفاده از تجهیزات کاهنده مصرف آب و نوع آبیاری در کشاورزی و دریاچه های در معرض خشک شدن و آلودگی آبهای زیرزمینی، حمام کردن، استفاده از دستشویی و آبیاری باغچه) با هم مرتبط هستند. افرادی که آگاهی بیشتری در این حوزه ها دارند، احتمالاً عملکرد بهتری در استفاده از منابع آب دارند. همچنین نتایج نشان دادند که در بین ۳ حیطه مورد بررسی، شهروندان استان نسبت به متغیرهای حیطه آگاهی و حیطه نگرش وضعیت مطلوبی داشتند ولی در مقابل نسبت به متغیرهای حیطه های عملکرد، عملکرد مطلوبی نداشتند که می‌توان با ارائه راهکارهای آموزشی مختلفی از جمله آموزش‌های عملی، برگزاری کارگاه‌ها، آموزش در مدارس و دانشگاه‌ها، استفاده از رسانه‌های اجتماعی، ارائه اطلاعات در محیط‌های عمومی و ایجاد انگیزه و ارائه پاداش به افرادی که در مدیریت مصرف آب عملکرد خوبی دارند، در جهت آگاهی مردم استفاده کرد.

واژه های کلیدی : *آگاهی، نگرش، عملکرد، مصرف صحیح آب، مازندران*

انتشار فرمالدهید از فرآیند سرخ کردن: یک مرور سیستماتیک همراه با متاآنالیز و ارزیابی ریسک بهداشتی

عارفه طالب زاده[۱]، علی عطاملکی[۲]، کاظم صمیمی[۳]، سپیده صادقی[۴]، نیلوفر حسینی[۵]

۱-دانشجوی کارشناسی، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

۲-گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

۳-گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۴-گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت و ایمنی ، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۵-گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

مقدمه: فرایند سرخ کردن منجر به تولید طیف زیادی از آلاینده ها از قبیل هیدروکربن های آروماتیک تک و چند حلقه ای، آلدهیدها و کتون ها در محیط داخل می شود که می تواند مشکلات زیادی از جمله سرطان را بهمراه داشته باشد. فرمالدهید بعنوان یک ماده سرطان زا جزو گروه آلدهید ها بوده که بسته به شرایط پخت و پز در اثر اکسیداسیون روغن می تواند در غلظت های قابل توجهی تولید شود و منجر به بروز مشکلات بهداشتی در افراد شود. اگرچه مطالعات زیادی میزان انتشار فرمالدهید را مورد بررسی قرار داده اند، اما هیچ مطالعه جامعی انتشار این ترکیبات از محل انتشار را تعیین نکرده است. بنابراین در این مطالعه سعی شد تا با استفاده از یک مرور سیستماتیک همراه با متاآنالیز، ریسک مواجهه با این ترکیبات تخمین زده شود.

روش کار: بدین منظور یک مرور سیستماتیک تا سال ۲۰۲۲ در پایگاه های بین المللی PubMed،Scopus و WOS براساس استراتژی جستجو ((TITLE-ABS-KEY (“formaldehyde”) OR TITLE-ABS-KEY (“carbonyl”) OR TITLE-ABS-KEY (aldehyde) AND ((TITLE-ABS-KEY (“cooking”) OR (TITLE-ABS-KEY (“frying”))). انجام شد. سپس تمام مقاله های مرورشده که دارای معیار ورود به مطالعه بودند بر اساس پروتکل PRISMA مورد بررسی و داده های مورد نیاز مورد استخراج قرارگرفتند. معیار ورود مطالعات عبارت بود از تمام مقالات انگلیسی زبانی که اطلاعات آماری مورد نیاز در رابطه با غلظت فرمالدهید در محل انتشار را اندازه گیری کرده بودند. با توجه به تأیید ناهمگنی مطالعات، از نتایج مدل اثر تصادفی شامل غلظت تخمین زده شده و فاصله اطمینان برای تخمین میزان مواجهه با فرمالدهید و متعاقباً ارزیابی ریسک سرطانزایی (CR) و غیر سرطانزایی (HQ) از طریق مدل ارزیابی ریسک EPA استفاده شد.

یافته ها: طبق بررسی صورت گرفته، اطلاعات ۵ مطالعه که دارای شاخص‌های ورود به تحقیق بودند مورد بررسی قرارگرفت. طبق نتایج، میزان مواجهه افراد ۰/۰۱۳ میلی گرم بر متر مکعب برآورد گردید. متعاقباً میزان سهم خطر تخمین زده شده

(HQ) و خطر سرطان زایی (CR) بترتیب برابر با ۰/۰۱۶ و $۱/۳ \times ۱۰^{-۵}$ محاسبه گردید که حاکی از عدم وجود ریسک غیر سرطانزایی و امکان بروز ریسک سرطان زایی بودند.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه ریسک تخمین زده شده بعلت وجود سایر ترکیبات خطرناک از قبیل استالدهید، آکرولئین، بنزن، تولوئن، زایلن و ... حداقل مقدار می باشد، بنابراین با فرضیات مورد نظر خطر بهداشتی مواجهه با دوده حاصل از روغن های خوراکی کاملا قابل توجه است. بنابراین توصیه می شود افراد از سیستم های تهویه هنگام آشپزی چه در مقیاس خانگی و چه در مقیاس صنعتی و تجاری استفاده کنند. در همین راستا آموزش افراد در ارتباط با استفاده از سیستم های تهویه و تغییر شرایط پخت و پز از جمله کاهش دما و استفاده از مواد غذایی مرغوب در طی فرایند می تواند کمک شایانی در ارتباط با کاهش مواجهه داشته باشد.

واژگان کلیدی : *فرمالدهید - ارزیابی ریسک بهداشتی- خطرسرطانزایی – سرخ کردن*

مروری بر آلودگی هوای ناشی از سیگار و قلیان در داخل ساختمان

مرضیه اکبری

۱-گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، کاشان، ایران

چکیده

زمینه و هدف : یکی از مهم‌ترین منابع آلودگی هوای داخل ساختمان، دود حاصل از احتراق توتون و تنباکو در سیگار و قلیان است که سلامت افراد سیگاری و غیر سیگاری که در معرض دود آن ها هستند را به خطر می اندازد. علیرغم رشد روزافزون مصرف قلیان در ایران، تاکنون مطالعات چندانی در مورد آلودگی داخل ساختمان، خانه و مکان هایی که در آن ها سیگار و قلیون کشیده می شود، انجام نشده است. همچنین، خطرات و اثرات نامطلوب سلامتی، ناشی از دود دست دوم حاصل از دود سیگار و قلیان، در ساختمان منازل که رایج‌ترین مکانی است که افراد به ویژه کودکان در معرض آن ها قرار می گیرند، کمتر شناخته شده است بنابراین مطالعه حاضر با هدف بررسی آلودگی هوای ناشی از سیگار و قلیان در داخل ساختمان انجام گرفت.

مواد و روش ها : این مطالعه بصورت مروری با استفاده ازکلمات کلیدی سیگار، قلیان، آلودگی هوای داخل ساختمان، دود دست دوم و دود دست سوم در سایت های مرتبط با مجلات معتبر در پایگاه های علمی مانند: Web Of Science, Ovid, Google Schoolar, PubMed ,Scopus, Sid انجام شد. مجموعا تعداد ۱۱۲ منبع منتشر شده مرور و درنهایت ۴۲ منبع انتخاب شد.

نتایج : در دود سیگار تا به امروز، حدود ۵۰۰۰ ترکیب سمی و خطرناک تشخیص داده شده است. دود قلیان و سیگار، حاوی ترکیبات مختلفی از آلاینده‌های مضر مختلف از جمله مونوکسید کربن(CO)، نیکوتین، ذرات معلق (PM)، اکسیدهای نیتروژن(NOx)، هیدروکربن های چند آروماتیک(PAHs)، ترکیبات آلی فرار(VOCs) فنل و فوران ها و آلدئیدهای فرار مانند فرمالدهید است که برای سلامتی انسان بسیار خطرناک هستند. همچنین مصرف قلیان و سیگار سبب تولید دود دست دوم(SHS) و دود دست سوم(THS) شده و تهدید جدی برای سلامت انسان به وبژه در محیط های بسته و داخل ساختمان ها می باشند.

نتیجه گیری : با توجه به تاثیرات مضر آلاینده های ناشی از سیگار و قلیان موجود در هوای داخل ساختمان بر سلامت افراد، ضرورت مداخلات موثر برای بهبود کیفیت هوای داخلی و کاهش آلاینده ها و همچنین افزایش آگاهی عمومی اجتناب ناپذیر است.

واژگان کلیدی : *سیگار، قلیان، آلودگی هوای داخل ساختمان، دود دست دوم، دود دست سوم*

بررسی میزان آگاهی ساکنین شهر تهران نسبت به نمایشگرهای "کیفیت هوای روزانه در سطح شهر": یک مطالعه توصیفی

سمیه حسینوندتبار[۱]، مهدی فرزادکیا[۲،۳]، ضحی حیدری نژاد[۳،۴]

۱.دانشجوی دکترای تخصصی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲. مرکز تحقیقات تکنولوژی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

۳. گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

۴. کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف : در سالهای اخیر آلودگی هوا یکی از مهمترین چالش ها در بسیاری از کلانشهرهای کشور به ویژه شهر تهران بوده است که منجر به اثرات مختلف بهداشتی بر ساکنین این شهرها می گردد. بنابراین پایش آلاینده ها و تعیین مستمر کیفیت هوای این کلان شهرها به منظور تدوین برنامه های کنترل آن و آگاهی ساکنان در این شهرها ضروری به نظر می رسد. هدف از این مطالعه، بررسی میزان آگاهی ساکنان شهر تهران نسبت به نمایشگرهای کیفیت هوای روزانه در سطح شهر تهران بود.

مواد و روش ها : این مطالعه به روش توصیفی-مقطعی با استفاده از چک لیست محقق ساخته بر روی ساکنان شهر تهران در سال ۱۴۰۱ انجام شد. تحلیل داده ها با نرم افزار SPSS نسخه ۱۹ انجام شد.

نتایج : یافته های این مطالعه نشان داد که از بین ۹۶ چک لیست تکمیل شده، ۷۷/۹ درصد جمعیت زنان و ۲۲/۱ درصد جمعیت مورد مطالعه را مردان تشکیل دادند. ۴۲ درصد از افراد مورد مطالعه ساکن در منطقه تجریش بودند و مابقی افراد در دیگر مناطق شهر تهران سکونت داشتند. ۶۸/۴ درصد از افراد را جمعیت بالای سی سال تشکیل دادند و ۶۸/۹ درصد از افراد تحت مطالعه تحصیلات تکمیلی را شامل شدند. ۶۹/۵ درصد از افراد نشانگرهای کیفیت هوا در سطح شهر مشاهده کردند. حدود ۵۸/۹ درصد از افراد از اینکه نمایشگرهای سنجش کیفیت هوا از چه طیف رنگی تشکیل شده اند، اطلاعی نداشتند.۳۶/۸ درصد از افراد اظهار کردند که به میزان صحت و دقت این نمایشگرها در بررسی سنجش شاخص آلودگی هوا اعتماد ندارند.

نتیجه گیری : نتایج این مطالعه نشان داد که درصد بالایی از افراد آگاهی کامل نسبت به نمایشگرهای کیفیت هوا و اطلاعات مربوطه به معرف بودن هر رنگ نشان داده شده در این نمایشگرها را ندارند. بنابراین پیشنهاد می گردد با ایجاد بسترهای آموزشی مختلف از طریق رسانه ها باعث ارتقا آگاهی ساکنان کلانشهرها نسبت به نشانگرهای کیفیت شود.

واژگان کلیدی : *ساکنان، نشانگرهای کیفیت هوا، آگاهی، تهران.*

بررسی میزان برخی فلزات سنگین فیلتر سیگارت در ۸ برند پرمصرف ایران و مقایسه آن در نمونه های مصرف شده و مصرف نشده

زینب پرموزه[۱]، حکیمه زمانی بادی*[۲]

۱-دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، کاشان، ایران.

۲-کارشناس ارشد مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست، گروه مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، کاشان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: دریافت بیش از حد فلزات سنگین اثرات مضر بر سلامت دارد و استعمال دخانیات یکی از منابع مهم دریافت این عناصر میباشد. همچنین، ته سیگار انواع مختلفی از مواد شیمیایی مانند فلزات سنگین را در آب آزاد می کند و ممکن است پس از دور ریختن، منبع دائمی آلودگی محیط های آبی باشد .هدف از این مطالعه تعیین غلظت آهن و مس در فیلتر سیگار با برندهای پرمصرف ایران در نمونه های مصرف شده و مصرف نشده بود.

روش کار: در این مطالعه ۸ نمونه سیگار پر مصرف و موجود در بازار ایران انتخاب و از نظر مقدار فلزات سنگین مس و آهن در فیلتر آنها بررسی شد. فلزات سنگین نمونه ها با روش هضم اسیدی و دستگاه جذب اتمی شعله ای ICP-OES قرائت گردید. نتایج بدست آمده از اندازه گیری فلزات سنگین در فیلتر سیگارت توسط نرم افزار SPSS و با استفاده ازآزمون آماریANOVA و(t-test (independent samples مورد آنالیز قرار گرفت.

نتایج: میانگین غلظت فلز مس در سیگار مصرف شده در تمام برندهای ایرانی و خارجی ۲.۲۷+۳۰ و میانگین آن در فیلتر سیگار های مصرف نشده در تمام برندهای مورد مطالعه ۲.۲۶۵+۳۲.۳۳ بود. میانگین غلظت آهن در تمام برندهای مصرف شده ۲۷۰.۳۱+۲.۳۷ میانگین غلظت آهن در تمام برندهای مصرف نشده ۲.۱۷۵+ ۲۳۲.۷۴ غلظت فلز آهن در فیلتر سیگار های خارجی تفاوت معنی داری با سیگار های ایرانی داشت. بین غلظت فلز آهن و مس در فیلتر سیگار مصرف شده و نشده خارجی تفاوت معنی داری دیده شد و غلظت این فلزات در فیلتر سیگارهای مصرف شده بیشتر بود. بین غلظت فلزات آهن و مس در فیلتر سیگار مصرف شده و نشده ایرانی تفاوت معنی داری مشاهده نشد.

نتیجه گیری: نتایج حاکی از مقادیر بالایی از فلزات سنگین در فیلتر سیکارت موجود در بازار ایران می‌باشد. لذا با توجه به مخاطرات متعدد و شناخته شده این عناصر بر سلامتی انسان، ضمن آموزش مردم درخصوص مخاطرات آن‌ها، ضرورت دارد مقررات سخت‌گیرانه‌تری جهت کاهش مصرف به‌عمل آید.

واژگان کلیدی: *فلزات سنگین، سیگار، مصرف شده، مصرف نشده*

حذف رنگ اسید اورانژ ۷ (AO7) از محلول های آبی با استفاده از فناوری ازن زنی کاتالیزوری با حضور پراکساید کلسیم

فاطمه صحرائی[۱]، عبدالمطلب صیدمحمدی[۲]

۱-دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.

۲-استاد، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.

زمینه و هدف: رنگزاها از جمله ترکیبات شیمیایی هستند که به وفور مورد استفاده قرار می گیرند. این ترکیبات به دلیل ویژگی هایی مانند دیر تجزیه پذیر و سمی بودن، چنانچه بدون تصفیه به محیط وارد شوند خسارات جبران ناپذیری به محیط زیست وارد می کنند. بنابراین می بایست در خصوص حذف یا کاهش این آلاینده ها از پساب قبل از تخلیه به محیط زیست اقدام لازم صورت گیرد. لذا، این مطالعه با هدف بررسی کارایی فناوری ازن زنی کاتالیزوری با استفاده از کلسیم پراکساید در حذف رنگ اسید اورانژ ۷ از محلول های آبی انجام شده است.

مواد و روش ها : مطالعه حاضر از نوع مطالعات تجربی بود که در مقیاس آزمایشگاهی و با استفاده از یک راکتور ازن زنی به صورت ناپیوسته انجام گرفت. تاثیر دوز کاتالیست، غلظت اولیه رنگ، pH اولیه و زمان تماس در راندمان ازن زنی کاتالیستی مورد بررسی قرار گرفت. جهت بررسی میزان تجزیه پذیری رنگ از آنالیز های COD و TOC استفاده شد. تغییرات شدت رنگ توسط دستگاه اسپکتروفتومتر در طول موج ۴۸۵ نانومتر قرائت گردید.

نتایج : مطابق با نتایج حاصل از آنالیز داده ها، شرایط بهینه حذف رنگ اسید اورانژ ۷ در زمان تماس ۳۰ دقیقه، pH برابر با ۸، غلظت اولیه آلاینده ۵۰ میلی گرم بر لیتر و دوز کاتالیزور برابر با ۰/۱ گرم بر لیتر به دست آمد. در شرایط مذکور راندمان حذف رنگ ۹۸/۹۴ درصد گزارش شد. همچنین راندمان حذف COD در طی زمان ۶۰ دقیقه و TOC در طی زمان ۹۰ دقیقه به ترتیب ۳۴/۴۸ و ۲۶/۰۸ درصد رسیده است.

نتیجه گیری: نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد کلسیم پراکساید با پتانسیل کاتالیستی بالایی می تواند به عنوان یک گزینه پیشنهادی جهت حذف رنگ از پساب فاضلاب نساجی در فرآیند ازن زنی کاتالیزوری مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی : *ازن زنی کاتالیزوری، رنگ اسید اورانژ۷، پراکساید کلسیم*

بررسی توزیع فضایی فلزات سنگین در خاک خیا بان های مختلف شهر دورود و ارزیابی ریسک اکولوژیکی و بهداشتی آنها

حسین عبدی پور [۱] ، قربان عسگری [۲]

۱-دانشجوی دکتری رشته مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان

۲-مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی سلامت ، استادگروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان

چکیده

مقدمه : یکی‌از مهم ترین‌نگرانی های‌محیط زیست در مناطق شهری، آلودگی خاک های سطحی به فلزات سنگین است. فلزات سنگین آلاینده هایی عموما تجزیه ناپذیری هستند، که می توانند حیات بیولوژیکی را تهدید کنند. فلزات سنگین در غلظت های بالا با تجمع در بافت های چربی بر عملکرد دستگاههای مختلف بدن و متابولیسم طبیعی سلول تاثیرمنفی می‌گذارند. ارزیابی آلودگی خاک های سطحی در مناطق مختلف شهری یکی از دغدغه‌های اصلی مرتبط با بهداشت عمومی است. از آنجایی که تاکنون وضعیت فلزات سنگین در خاک مناطق مختلف شهر دورود مورد بررسی قرار نگرفته، به این سبب برای نخستین بار این مطالعه با هدف بررسی توزیع فضایی فلزات سنگین در خاک خیابان های مختلف شهر دورود و ارزیابی ریسک اکولوژیکی و بهداشتی آنها انجام شد.

روش بررسی : این مطالعه درشهر دورود با جمعیت ۱۳۴۵۳۷ نفر سومین شهر پرجمعیت استان لرستان با مساحت ۱۳۲۶ کیلومتر مربع ،(طول جغرافیایی ۳۳.۴۹۳وعرض جغرافیایی۴۹.۰۷۵) و ارتفاع ۱۵۲۲ متر بالاتر از سطح دریا انجام شد. ابتدا نمونه‌های خاک سطحی (۰ تا ۱۰ سانتی‌متر) در فروردین ۱۴۰۱ از ۳۰ نقطه در شهر از فاصله ۵۰ سانتی متری از خیابان جمع‌آوری شد. سپس نمونه ها قبل از تجزیه و تحلیل به مدت ۲ روز در هوای اتاق خشک شدند و سپس از الک ۲۰۰ مش عبور داده شدند. روش چهار اسیدی برای هضم نمونه های خاک استفاده شد و سپس توسط دستگاه پلاسمای جفت شده القایی – *ICP OES* غلظت فلزات سرب ، کروم ، کبالت و نیکل اندازه گیری شد. در ادامه داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار *SPSS* نسخه ۱۶.۰ تجزیه و تحلیل شد. مقایسه میانگین پارامترهای مورد مطالعه و معناداری تفاوت آنها با استفاده از آزمون دانکن در سطح ۵ درصد انجام شد. پس از تعیین اطلاعات آماری اولیه، آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای بررسی توزیع نرمال داده ها انجام شد. برای تعیین همبستگی بین غلظت فلزات سنگین در خاک از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد و نمودارهای ستونی پارامترهای مورد مطالعه ترسیم شد. سپس برای ارزیابی سطح آلودگی فلزات سنگین در خاک‌های شهری، ضریب غنی‌شدگی(EF) ، شاخص انباشتگی زمین (Igeo) و شاخص خطر اکولوژیکی بالقوه اصلاح‌شده (MRI) در منطقه محاسبه گردید. در پایان برای محاسبه ریسک غیر سرطانزایی و سرطانزایی از روابط زیر استفاده می شود.

$$CDI = \frac{C \times IR}{BW}$$

$$ADD = \frac{C \times IR \times ED \times EF}{BW \times AT}$$

شاخص ریسک بهداشتی نیز از معادلات زیر محاسبه می شود:

$$HQ = \frac{CDI}{RfD}$$

یا

$$HQ = \frac{ADD}{RfD}$$

ریسک مازاد سرطان در طول زندگی نیز از رابطه زیر محاسبه می شود:

ELCR=CSF × ADDi

نتایج : میانگین غلظت فلزات سنگین سرب ، کروم ، کبالت و نیکل در نمونه‌های خاک شهری به ترتیب۲۷/۵، ۸۰/۸ ، ۸/ ۱۳ و ۷۰/۲ میلی گرم بر کیلوگرم به دست آمد.سپس توزیع فضایی آنها با GIS انجام شد. غلظت سرب و نیکل در منطقه مورد مطالعه بالاتر از مقادیر پوسته زمین بوده،که نشان دهنده منشاء انسانی احتمالی این عناصر در خاک شهری است. نتایج در مقایسه با مطالعات سایر کشورها بیانگر این نکته است که غلظت کروم در خاک شهری دورود بیشتر از مطالعات مشابه بوده است. همچنین ارزیابی ریسک اکولوژیکی و بهداشتی مناطق حاشیه نشین شهرک قدس و ناصرالدین واقع در مجاورت کارخانه سیمان دورود نشان دادکه این مناطق دارای بیشترین غلطت فلزات سنگین در خاک بوده و ریسک بالاتری دارند.

از میان فلزات سنگین مورد بررسی، نیکل و کروم و کبالت به ترتیب با میانگین فاکتور غنی شدگی۶/ ۱ ، ۲۵/ ۱ و ۰/۸۹در کلاس ۱ (EF <2) قرار گرفتند و آلودگی کمی دارند. و سرب با میانگین ۲/۸۴ به طور متوسط غنی شده است.

در ارزیابی شاخص زمین انباشتگی مشخص گردید.عناصر کبالت و کروم با حداکثر $Igeo \leq 0$ بدون آلودگی هستند. و عنصر نیکل با مقدار Igeo با میانگین ۰/۴ در کلاس غیرآلوده قرار دارد. ارزیابی شاخص آلودگی خاک نشان می دهد، سرب به شدت خاک این شهر را آلوده نموده است.

ارزیابی ریسک بهداشتی در دو بخش اثرات غیرسرطانی و سرطان زایی انجام شد. دریافت روزانه فلزات سنگین در مسیرهای بلع، استنشاق و تماس پوستی محاسبه گردید. نتایج نشان داد که میانگین مقادیر ADI کل غلظت فلزات سنگین برای بزرگسالان به ترتیب کبالت <کروم <نیکل < سرب است. در این مطالعه مشاهده شدکه ضریب خطر HQ در کلیه فلزات سنگین کمتر از ۱ بوده و خطر غیر سرطانزایی برا ساکنین اعم از بزرگسالان و کودکان وجود ندارد.

همچنین ریسک سرطانزایی در کلیه فلزات سنگین مورد مطالعه کمتر از 10^{-6} محاسبه شده و این ریسک همواره در کودکان بیشتر از بزرگسالان است. قابل ذکر است که فلزات سرب ، کروم و نیکل از نقطه نظر این شاخص در مرز هشدار قرار دارند.

نتیجه گیری : این مطالعه به منظور بررسی توزیع فضایی، ریسک اکولوژیکی و بهداشتی ناشی از مواجهه با فلزات سنگین از طریق خاک شهری دورود انجام شد. ترتیب سمیت فلزات سنگین بر اساس میانگین غلظت های اندازه گیری شده در خاک

منطقه مورد مطالعه عبارت بود از: کبالت< سرب < نیکل <کروم نتایج نشان می دهد.غلظت فلزات سنگین در اطراف کارخانه سیمان و جاده اصلی با توجه به عدم در نظر گرفتن جاده کمربندی در این شهر به طور فوق العاده ای افزایش یافته است. تردد فوق العاده وسایط نقلیه در شهر با توجه به وجود تترا اتیل سرب در سوخت های بنزینی باعث آلودگی بیش از حد خاک به سرب شده است. ارزیابی ریسک غیرسرطانزایی و سرطانزایی فلزات سنگین حاکی از ناچیز بودن ریسک بهداشتی همه فلزات است .اما در مجموع کودکان بیشتر از بزرگسالان در معرض ریسک بهداشتی هستند.یافته ها بیانگراین واقعیت است که مدیریت جامع شهری نیاز به بازنگری دارد و احداث کارخانه سیمان در خارج از شهر و اهتمام به بهره برداری جاده کمربندی می تواند در بهبود وضعیت بهداشتی و کاهش ریسک اکولوژیکی و بهداشتی موثر واقع شود.

واژگان کلیدی : *فلزات سنگین، ریسک بهداشتی و اکولوژیکی ، خاک شهری، دورود*

مروری بر کاربرد مدلسازی ریاضیات در رشته مهندسی بهداشت محیط

کیمیا پرنون[۱]، طاهره حقی[۲]، تورج مساحی[۳]

۳-دانشجوی کارشناسی، رشته مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

۲-مدرس ریاضیات، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

۳-دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

چکیده

زمینه و هدف: مهندسی بهداشت محیط رشته‌ای است که بر کاربرد اصول مهندسی و دانش علمی برای حفاظت و بهبود محیط‌زیست و سلامت انسان تمرکز دارد. هدف از مطالعه حاضر بررسی کاربردهای مختلف ریاضیات در زمینه مهندسی بهداشت محیط و روشن‌سازی اهمیت آن در تضمین یک محیط امن و سالم است. علاوه بر این مزایای استفاده از ریاضیات، نرم‌افزارهای مدل‌سازی و چشم اندازه آینده استفاده از ریاضیات در بهداشت محیط بررسی می‌شود.

مواد و روش ها: این مطالعه با جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی بین‌المللی مانند Web of Science، Science Direct، PubMed و Google Scholar، جهت انجام یک مطالعه مروری روایی انجام پذیرفت. جستجو با استفاده از کلیدواژه‌هایی که شامل ارتباط بین علوم بهداشت محیطی (تصفیه آب و فاضلاب، کنترل آلودگی هوا و مدیریت پسماند) و ریاضیات و مدل‌سازی‌ها بودند انجام پذیرفت و تمام مطالعات مرتبط دانلود شدند. پس از مطالعه چکیده برخی از مقالات نامرتبط حذف شدند و در نهایت ۲۶ مقاله جهت بحث، بررسی و نتیجه‌گیری نهایی مورداستفاده قرار گرفتند.

نتایج: برخی از ابزارهای رایج ریاضی مورداستفاده در مهندسی بهداشت محیط عبارت‌اند از معادلات درجه دوم، نسبت‌های مثلثاتی، آمار، جبر بولی، اقتصاد، هیدرولیک و شیمی. استفاده از این مفاهیم و محاسبات ریاضی در درک و پیش‌بینی پدیده‌های محیطی مانند آلودگی هوا، کیفیت آب و فاضلاب ضروری است. علاوه بر این، محاسبات ریاضی برای ارزیابی خطرات مرتبط با مخاطرات زیست‌محیطی و توسعه استراتژی‌های مؤثر برای کاهش آنها استفاده می‌شود. به‌طورکلی، کاربرد ریاضیات در زمینه مهندسی بهداشت محیط در تضمین ایمنی و رفاه افراد و محیط‌زیست بسیار مهم است.

نتیجه گیری: بر اساس مطالعه حاضر می‌توان نتیجه گرفت که کاربرد ریاضیات در زمینه مهندسی بهداشت محیط برای درک و پرداختن به مسائل پیچیده زیست‌محیطی حیاتی است. مهندسین بهداشت محیط می‌توانند با استفاده از مدل‌ها و محاسبات ریاضی به طور مؤثر به حفاظت و بهبود محیط‌زیست و سلامت انسان کمک کنند. درحالی‌که چالش‌هایی وجود دارد، مزایای استفاده از ریاضیات در این زمینه بسیار بیشتر از ضعف‌های آن است و آن را به ابزاری ضروری برای متخصصان بهداشت محیط تبدیل می‌کند. باتوجه‌به پتانسیل پیشرفت‌های بیشتر در زمینه مدل‌سازی ریاضی در مهندسی بهداشت محیط، از جمله بهبود

روش‌های جمع‌آوری داده‌ها، اصلاح مدل‌ها و افزایش همکاری‌های بین‌رشته‌ای ضروری است در آینده مطالعات بیشتری انجام پذیرد.

واژگان کلیدی: *بهداشت محیط، مهندسی، ریاضیات، مدل‌سازی*

مروری جامع بر بیماری های منتسب به آلاینده های هوا در فضا باز و بسته

علی شیبانی زاده[۱]، ملیکا سلیمی[۱]، محمد مهدی سلطانی سنگی[۱]، علیرضا جعفری[۱]، هانیه حمزه نژاد[۱]، حسن رسول زاده[۲*]

۱-کمیته تحقیقات و فناوری دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

۲-مرکز تحقیقات بیماری های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران.

*نویسنده مسئول: حسن رسول زاده.

چکیده

مقدمه : آلودگی هوا، پس از استعمال دخانیات، به عنوان دومین عامل اصلی مرگ‌های ناشی از بیماری‌های غیر واگیر شناخته شده است و با افزایش ریسک ابتلا به بیماری‌های حاد و مزمن و حتی مرگ، ارتباط دارد. امروزه رشد افسارگسیخته صنعت منجر به افزایش بی سابقه آلاینده های هوا شده است. این مطالعه با مرور منابع به دنبال جمع آوری لیستی از مهمترین آلاینده های هوای موجود در فضاهای باز و بسته و سپس مهمترین بیماری های منتسب به آنهاست.

روش بررسی: جهت استخراج مطالعات مدنظر، جستجو با استفاده از کلمات کلیدی مناسب، در پایگاه‌ها و دیتابیس های علمی فارسی و لاتین شامل Google Scholar، Magiran، SID، و PubMed انجام شد. مطالعات منتشر شده در پایگاه های فارسی و لاتین با کلیدواژه های : " آلاینده "، " آلاینده هوا "، "آلودگی هوا"، "آلاینده های فضای باز"، "آلاینده های فضای بسته"، "بیماری منتسب به آلاینده هوا" و معادل لاتین آن ها طبق اصول Mesh terms در بازه‌ی زمانی بین سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۲ انتخاب شدند. در جستجوی اولیه ۲۴۷ مطالعه از انواع مطالعات و گزارش ها استخراج شد. سپس بعد از غربالگری عناوین و چکیده‌ها و ارزیابی های مربوطه، از بین ۷۲ پژوهش مرتبط، ۲۴ مطالعه برای بررسی نهایی انتخاب شدند. در این مطالعه مروری براساس مطالعات شاخص انجام شده در دنیا، ابتدا با بررسی اجمالی مطالعات انجام شده رایج ترین آلاینده ها لیست شدند. سپس در مرحله بعد، اثرات ناشی از این آلاینده ها بر سلامت انسان دسته بندی شد.

نتایج: مهمترین آلاینده های فضاهای باز و بسته شامل ذرات معلق(PM2.5، NOX، SO2، O3 و CO)، CFCs، HCs و آلاینده های رادیواکتیو می باشند. یافته ها نشان می دهند که این مواد می‌توانند در صورت ورود به ریه‌ها و جذب شدن توسط سیستم خونی-تنفسی و یا تماس با سطوح خارجی بدن (به هر نحوی) باعث ایجاد تحریکات و التهابات در ریه‌ها و دیگر اعضای بدن شوند. این تحریکات و التهابات می‌توانند به بروز عوارضی مانند آسم، برونشیت، سرطان ریه، عفونت‌های دستگاه تنفسی، افزایش فشار خون و بیماری‌های قلبی-عروقی، تحریک لوله گوارش، آلزایمر، پارکینسون، حساسیت چشم ها و پوست، تحریک بینی و حلق، عفونت های دستگاه تناسلی، سردرد، تهوع و ... منجر شوند. بطور کلی بیماری های منتسب به آلاینده های هوا در فضاهای باز و بسته به شش دسته شامل: تنفسی، قلبی عروقی، حساسیت پوستی، گوارشی، نورولوژیک و سایر بیماری ها تقسیم

شدند. اکثرا این عوارض در کوتاه مدت یا بلندمدت می توانند منجر به مرگ شخصِ مبتلا یا حداقل کاهش شدید کیفیت زندگی وی شوند. گزارشات فراوانی در سراسر دنیا میزان مرگ و میر منتسب به این عوامل خطر را ارائه داده اند که تعداد آنها نگران کننده است.

نتیجه گیری : آلودگی هوا سهم بسیار چشمگیری در بروز انواع بیماری ها و افزایش تعداد موارد مرگ منتسب دارد. بر اساس داده های مطالعات کشورها، مرگبارترین گروه از بیماری های شناسایی شده که منتسب به آلاینده های هوا هستند، بیماری های نورولوژیک، بیماری های قلبی-ریوی و حساسیت پوستی می باشند. در نتیجه، مطالعه بیشتر داده‌های معتبر بومی مرتبط با بررسی وضعیت کیفیت هوا و بروز پیامدهای بهداشتی آنها در کشورها ضروری است. همچنین این مهم انجام مطالعات محلی جدید جهت سنجش دقیق تر میزان غلظت آلاینده‌های هوای محلی و اثرات آن بر سلامت انسان را می طلبد. همکاری بین بخشی سازمان ها می تواند در تحقق این موضوع مفید واقع شود.

واژه های کلیدی : *آلاینده ها، هوا، فضای باز و بسته، بیماری، سلامتی*

بررسی میکروبی آلودگی باکتریایی و قارچی یخچال های یکی از مراکز آموزشی درمانی مشهد در سال ۱۴۰۱

محمدرضایاری[۱]، محمد مهدی سرخوش کلات[۲]، مهدی احمدی نسب[۳]، سید سعید طباطبایی[۴]

۱-دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

۲-کارشناسی ارشد سیستم های انرژی، گروه مهندسی مکانیک، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

۳-دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

۴-دانشیار، گروه علوم مدیریت و اقتصاد سلامت ،دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد،نویسنده مسئول

چکیده

زمینه و هدف: تبرید نقش اساسی در نگهداری مواد غذایی دارد. در محیط‌های بیمارستانی برای نگهداری اقلام فاسدشدنی به یخچال‌ها متکی هستند، در غیر اینصورت منجر به عفونت بیمارستانی می شود. پژوهش حاضر به منظور تعیین میزان بار آلودگی باکتریایی و قارچی در هوای داخلی و سطوح یخچال های بیمارستانی مرکزآموزشی درمانی مشهد صورت گرفته است.

مواد و روش ها: این پژوهش یک مطالعه توصیفی مقطعی بود. نمونه های یخچال در دو گروه: اداری (پرسنل بیمارستان) و غیر اداری (بیماران و همراهان بیمار)تقسیم شد. در گروه اول ۳۰ و گروه دوم ۷۰ یخچال به صورت تصادفی ساده بررسی شدند.محیط کشت باکتری و قارچ (مدت ۴ ساعت) در قفسه های یخچال قرار گرفتند.انکوباسیون به مدت ۲۴ ساعت در دمای ۳۷ درجه سانتی گراد انجام شد. علاوه بر این، پارامترهایی مانند طول عمر، رطوبت و دمای یخچال نیز مورد بررسی قرار گرفت. داده ها بوسیله نرم افزار آماری SPSS ورژن ۲۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: مشاهدات نشان داد که یخچال‌ها ۷۵درصد آلوده به باکتری و ۶۳ درصد دارای آلودگی قارچی بودند. باکتری های شناسایی شده در یخچال ها شامل اشریشیا کلی، باسیلوس سوبتیلیس، انتروباکتریاسه، کلبسیلا، شیگلا و سالمونلا تیفی و قارچ های شناسایی شده شامل کاندیدا آلبیکنس، پنی سیلیوم و آسپرژیلوس فلاووس بودند. گونه‌های باکتریایی غالب موجود در یخچال عبارت بودند از سالمونلا تیفی (۵۵٪)، باسیلوس سوبتلیس، اشریشیا کلی (۶۹٪) و گونه‌های قارچی غالب آسپرژیلوس فلاووس (۵۸٪) و کاندیدا آلبیکنس (۴۷٪) بودند. دمای یخچال و رطوبت بر گونه های باکتریایی اثرگذار بود.

نتیجه گیری: آلودگی میکروبی در یخچال های بیمارستانی می تواند به سبب وجود مواد غذایی خام، نشت از بسته بندی مواد غذایی، تمیز نکردن مکرر یخچال و نگهداری طولانی مدت مواد غذایی باشد. بنابراین توصیه می شود یخچال ها به طور منظم تمیز و گندزدایی شوند. این یافته‌ها بر اهمیت افزایش آگاهی مصرف‌کننده در مورد نگهداری مناسب از زنجیره سرد در طول نگهداری غذا در محیط‌های درمانی تاکید می‌کنند.

واژگان کلیدی : *آلودگی باکتریایی، آلودگی قارچی، یخچال، تجهیزات بیمارستانی، عفونت های بیمارستانی*

بررسی حذف میکروپلاستیک های پلی اتیلن و پلی استایرن با برگ کاهوی قرمزغنی شده از اسید تانیک در محلول های آبی

فاطمه کریمی نژاد[۱]،پوریا کریمی[۲]،محمدرضا یاری[۳*]

۱-دانشجوی دکتری تخصصی، رشته مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

۲-دانشجوی دکتری تخصصی، رشته مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه شهید بهشتی تهران

۳-کمیته تحقیقات دانشجویی ، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد ، *نویسنده مسئول

چکیده

زمینه و هدف: میکروپلاستیک ها در محیط زیست جزو خطرناک ترین آلاینده های نوظهور هستند. پلی اتیلن و پلی استایرن در مالچ های کشاورزی، مواد کامپوزیت، پاک کننده ها و بسته بندی ها استفاده می شوند. لذا، یافتن یک فرآیند کارآمد و جدید برای حذف میکروپلاستیک‌ها بسیار حائز اهمیت می‌باشد. هدف از این مطالعه بررسی میزان حذف میکروپلاستیک های پلی اتیلن و پلی استایرن با برگ کاهوی قرمز غنی شده با اسید تانیک در محلول آبی بود.

مواد و روش ها: محلول حاوی میکروپلاستیک ها با سایز(800-425-300 میکرون) و پودر کاهوخشک شده با آب مقطر روی شیکر(۳۰ دقیقه=زمان تماس) در pH 4-10 (۲ تا ۸ میلی گرم در لیتر اسید تانیک به محلول ها افزودیم) تهیه شد. آزمایشات با استفاده از نرم افزار Design-Expert ، مدل Box-Behnken طراحی شد.۲۷ ران آزمایش صورت گرفت. وزن هر گروه اندازه گیری شد، تا اختلاف دو اندازه گیری کمتر از ۰/۰۰۱ گرم شود. اندازه گیری نهایی به صورت A1 ثبت شد. پس از فرآیند انعقاد و ته نشینی، از مایع رویی جمع آوری شده برای اندازه گیری میکروپلاستیک ها استفاده شد. وزن نهایی A2 ثبت شد. وزن میکروپلاستیک های حذف شده با کم کردن A2 از A1 محاسبه شد. همچنین تصاویر مورفولوژی و گروه های عاملی تهیه و بررسی شد.

یافته ها: نتایج نشان داد که برگ کاهو همراه با اسید تانیک به عنوان یک منعقد کننده زیستی طبیعی جدید برای حذف PS وPE از محلول های آبی مورد استفاده قرار گرفت که حداکثر حذف PE (۸۱ درصد) در حضور pH=4، دوز mg/L ۵۰ و سایز ۴۲۵ و مقدار اسید تانیک ۵ میلی گرم حاصل شد. همچنین حداکثر حذف PS (۷۸ درصد) در حضور pH=4، دوز mg/L ۵۰ و سایز ۴۲۵ و مقدار اسید تانیک ۵ میلی گرم حاصل شد. شرایط اسیدی تر و دوز بیشتر اسید تانیک به دلیل تشکیل لخته بهتر و پل زنی بین ذرات مقدار راندمان حذف را بالاتری نشان داد. از گروه های عاملی موثر به فنول میتوان اشاره کرد. درنهایت با استفاده از نرم افزارهای EXCEL و SPSS26 تجزیه و تحلیل داده ها انجام شد.

نتیجه گیری: نتایج نشان داد که برگ کاهو اثر قابل توجهی در حذف PS وPE از محیط آبی دارد. در نتیجه برگ گیاهان می تواند به عنوان یک جاذب مناسب، ارزان و سازگار با محیط زیست به جای منعقد کننده های شیمیایی و مصنوعی برای حذف میکروپلاستیک ها در محیط آبی استفاده شود.

واژگان کلیدی : *میکروپلاستیک، پلی اتیلن (PE) ،پلی استایرن (PS)،کاهو قرمز،اسید تانیک*

ارائه و اولویت‌بندی استراتژی‌های مدیریت پسماند مراقبت‌های بهداشتی با استفاده از رویکرد SWOT و QSPM در زلزله کرمانشاه، ورزقان – اهر

صادق کاظمی[۱] مجتبی فتاحی اردکانی[۲] فایق عبداله زاده[۳] فرید الله ویسی[۴]

۱- گروه سلامت در بلایا و فوریت‌ها، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران.

۲- معاونت آموزشی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران.

۳- مرکز تحقیقات تاب آوری در بلایا، جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، تهران، ایران.

۴- کارشناس ارشد مدیریت اجرایی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سنندج، سنندج، ایران

چکیده

مقدمه: مدیریت پسماندهای بهداشتی و درمانی تولید شده بعد از زلزله یک مسئله مهم و حیاتی است. این مطالعه باهدف ارائه یک مدیریت استراتژیک پسماند مراقبت‌های بهداشتی در زلزله کرمانشاه، ورزقان - اهر با استفاده از مدل‌های نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها (SWOT) و ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی (QSPM) انجام شد.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر از روش کیفی با رویکرد تحلیل محتوا و با استفاده از مصاحبه نیمه ساختار و انتخاب هدفمند از ۱۶ نفر از خبرگان و مدیران فعال در حوزه مدیریت پسماند مراقبت های بهداشتی در زلزله طی در سال ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ انجام شد. پس از ثبت و رونویسی داده‌ها، تجزیه و تحلیل داده ها در نرم افزار MAXQDA 18 انجام شد. برای بررسی قابلیت اطمینان داده ها از معیارهای لینکلن و گوبا استفاده شد. اظهارات (نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای) برای هر دسته اصلی در طبقه بندی SWOT خلاصه شد. راهبردهای بهبود مدیریت پسماند مراقبت‌های بهداشتی با مقایسه عوامل داخلی و خارجی ارائه شد. در نهایت جدول جذابیت با استفاده از روش QSPM برای اولویت‌بندی استراتژی‌ها تدوین و وزن‌دهی شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که ۱۸ نقطه قوت، ۲۴ نقطه‌ضعف، ۱۸ فرصت و ۱۹ تهدید شناسایی شد. نمره نهایی عوامل داخلی و خارجی برای مدیریت پسماند مراقبت‌های بهداشتی در زلزله کرمانشاه، ورزقان - اهر به ترتیب ۲/۳۸ و۲/۳ بود. مدیریت پسماند در موقعیت استرتژی تدافعی قرار گرفت. بر اساس نتایج، ۱۲ استراتژی ارائه شد. در نهایت، استراتژی «استفاده مطلوب از نظرات مدیران، محققان و متخصصین علاقه‌مند به حوزه مدیریت پسماند برای تدوین دستورالعمل و آیین‌نامه ملی مدیریت پسماند مراقبت‌های بهداشتی در زلزله» باتوجه‌به ماتریس QSPM در اولویت اجرا قرار گرفت.

نتیجه‌گیری: بر اساس اولویت‌های راهبردی به‌دست‌آمده در این مطالعه می‌تواند در مسیر توسعه پایدار، گامی اصولی به‌منظور تحقق اهداف حفظ سلامت عمومی و محیط‌زیست به شمار رود و همچنین با استفاده از مدل‌های QSPM و SWOT به ارائه راهکارهای مناسب برای ارتقای و رسیدن به یک سیستم مناسب مدیریت پسماند مراقبت‌های بهداشتی در زلزله کمک می‌کند.

کلیدواژه‌ها: مدیریت پسماند مراقبت‌های بهداشتی، زلزله، SWOT، QSPM، ایران

ارزیابی سریع و اولویت بندی خدمات بهداشت محیط در بلایا (زلزله کرمانشاه ۱۳۹۶)

صادق کاظمی[۱]، مجتبی فتاحی اردکانی [۲]، مهدی فیروزه [۳]، محسن حسامی آرانی [۴]

۱-دکتری تخصصی سلامت در بلایا و فوریت‌ها، مرکز تحقیقات تاب آوری در بلایا، جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، تهران، ایران

۲-معاونت آموزشی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران.

۳-مرکز تحقیقات تاب آوری در بلایا، جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، تهران، ایران .

دانشگاه علوم پزشکی ، کاشان، ایران.

چکیده

مقدمه: یکشنبه ۲۱ آبان ماه سال ۱۳۹۶ زمین‌لرزه‌ای به بزرگی ۷/۳ در مقیاس ریشتر در نزدیکی ازگله، استان کرمانشاه در نزدیکی مرز ایران و حلبچه عراق رخ داد. در این مطالعه جهت اجرای هر چه بهتر در ارائه خدمات موثر و مناسب بهداشت محیط به آسیب دیدگان ناشی از زلزله، فرآیند ارزیابی سریع و اولویت بندی خدمات بهداشت محیط حدود ۱۸ روز بعد از زلزله انجام شده است.

مواد و روش ها: پس از امکان سنجی طی یک هفته متوالی از تاریخ ۹ آذر ماه سال۱۳۹۶ یک مطالعه توصیفی - مقطعی انجام شد. شهر تازه آباد پرجمعیت ترین شهرومرکز شهرستان ثلاث باباجانی انتخاب و مورد ارزیابی قرار گرفت. فرآیند اجرای مطالعه طی سه مرحله جمع آوری دادها ، تجزیه و تحلیل و الویت بندی فوریت بخش های بهداشت محیط است. برای جمع‌آوری داده‌ها از طریق مشاهده عینی، بررسی میدانی، مصاحبه با کارشناسان بهداشتی گروه‌های بهداشت و درمان اضطراری جمعیت هلال‌احمر (BHCU) و مسئولین بهداشت محیط منطقه زلزله‌زده استفاده‌شده است ابزار جمع آوری دادها شامل چک لیست ها و رهنمود های مربوط به حوزه بهداشت محیط، مرکز سلامت و محیط کار وزارت بهداشت ایران است که شامل اطلاعات زمینه ای و ۶ چک لیست(دفع فضولات انسانی، مدیریت مواد زائد جامد، مدیریت مواد زائد جامد در مراکز ارائه خدمات بهداشتی و درمانی، دفع اجساد، مدیریت فاضلاب و ارتقاء بهداشت) در۶ بخش و ۳ منطقه با تعداد ۱۰۷ شاخص کیفیت، کمیت و کاربرد است.

یافته ها: وضعیت بهداشت محیط شهر تازه آباد با میانگین امتیاز (۱۰/۴۵)، در موقعیت فوریت متوسط قرار دارد. بالاترین فوریت مربوط به بخش مدیریت مواد زائد جامد مراکز بهداشتی و درمانی (با میانگین امتیاز ۱۸/۲۴) و کمترین فوریت مربوط به بخش های دفع اجساد با (میانگین امتیاز ۲/۸۲) و مدیریت فاضلاب (با میانگین امتیاز ۹/۲۹) است. و بخش های دفع فضولات انسانی (با میانگین امتیاز ۱۰/۲۵)، مدیریت مواد زائد جامد (با میانگین امتیاز ۱۰/۸۹) و ارتقاء بهداشت (با میانگین امتیاز ۱۱/۲۲) در اولویت متوسط قرار دارند. همچنین اولویت مناطق مسکونی (با میانگین امتیاز ۹/۲۸)، فروشگاه ها و بازارها (با

میانگین امتیاز ۱۱/۱۹) و مراکز ارائه خدمات بهداشتی و درمانی (با میانگین امتیاز ۱۲/۷۴) به ترتیب پایین ، متوسط و متوسط قرار دارند.

نتیجه گیری: به طور کلی، بخش مدیریت مواد زاید در مراکز ارائه خدمات بهداشتی – درمانی به علت نامساعد بودن وضعیت بهداشتی و از نظر اولویت در مرحله فوری قرار دارد اقدام لازم جهت حصول اهداف کوتاه مدت و ضرورت امداد رسانی بیش از دیگر بخش ها احساس می شود. براساس ارزیابی و اولویت بندی، مناطقی که میزان اولویت بالاتری دارند. نشان دهنده وضعیت نامناسب تر و نیازمند اقدامات و فعالیت های بهداشتی بیشتری دارند. و لزوم اجرای ارزیابی تکراری حداقل دوماه جهت هرگونه تغییر و پایش خدمات بهداشتی و بهسازی تاکید می گردد.

کلید واژه ها: *زمین لرزه، ارزیابی سریع ، بهداشت محیط، اولویت بندی، ایران ، کرمانشاه*

بررسی امکان بهینه سازی مصرف و کنترل هزینه‌های مواد شوینده و گندزدا در بخش غذا و نوشیدنی یک واحد اقامتی

سیدمحمدرضا طیبان[۱]، طاهر شهریاری[۲]، علی‌اصغر نجف‌پور[۳]

۱-دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مهندسی بهداشت محیط(مدیریت پسماند)، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بیرجند، بیرجند، ایران

۲-گروه آموزشی مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بیرجند، بیرجند، ایران

۳-گروه آموزشی مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

زمینه و هدف: یکی از هزینه‌های سربار قابل توجه در بخش غذا و نوشیدنی هتل‌ها، هزینه‌های مربوط به نظافت و بهداشت است. در کنار هزینه بالای مواد شوینده و گندزدا، مصرف بیش از استاندارد این مواد، می‌تواند برای محیط‌زیست، زیان‌بار و مخرب باشد. با توجه به اهمیت موضوع و جنبه های زیست محیطی و اقتصادی، مطالعه حاضر به بررسی بهینه‌سازی مصرف و کنترل هزینه‌های مواد شوینده و گندزدا در بخش غذا و نوشیدنی یک واحد اقامتی در شهر مشهد می‌پردازد.

مواد و روش ها: این مقاله یک مطالعه مداخله‌ای از نوع شبه تجربی و فاقد گروه کنترل می‌باشد. این تحقیق در مدت یک سال و از طریق تعریف برنامه و فرآیند شستشو و گندزدایی سطوح در تماس مستقیم و غیرمستقیم با موادغذایی، مطابق با برنامه‌های پیش نیازی و شرایط خوب تولید(PRPs/GMP) و تدوین دستورالعمل استفاده از ماده شوینده متناسب با نوع و جنس آلودگی موجود در سطوح و از طریق برگزاری دوره آموزشی و توجیهی کارکنان شاغل در هتل و اتخاذ تصمیمات مدیریتی انجام شده است. پس از اعمال مداخله، نسبت به مقایسه و ارزیابی میزان مصرف مواد شوینده و گندزدا با مدت مشابه سال قبل از آن، اقدام گردید.

نتایج: در طی این تحقیق میزان مصرف هیپوکلریت سدیم ۵ درصد(وایتکس) از ۱۶۸۳۵ لیتر به ۱۵۴۳ لیتر(۹۰.۸۳ درصد)، میزان مصرف مواد شوینده قلیایی از ۶۴۴ لیتر به ۴۲ لیتر(۹۳.۴۸ درصد)، مواد شوینده اسیدی از ۴۱۵ لیتر به ۲۶ لیتر(۹۳.۷۴ درصد) کاهش یافت. با توجه به عدم تغییر نوع ماده گندزدای فودگرید مصرفی، میزان مصرف آن تقریباً ثابت بود.

نتیجه گیری: برای دستیابی به اهداف مدیریت و بهینه سازی مصرف، می بایست دسترسی کارکنان به مواد شوینده و گندزدا، محدود شود، به گونه‌ای که مقدار مورد نیاز از این مواد به صورت روزانه به آن‌ها تحویل گردد. یکی از رویکردهای کاربردی در این خصوص، استفاده از موادشوینده و گندزدای مخصوص صنایع غذایی است که نیاز به رقیق‌سازی دارد که با آموزش به کارکنان و اعمال این رویکرد، میزان مصرف و هزینه عملیات شستشو و گندزدایی به شکل چشمگیری کاهش می‌یابد. همانگونه که در نتایج ذکر شده است با اتخاذ این رویکرد میانگین مصرف انواع مواد شوینده حدود ۹۰ درصد کاهش را نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: *بهینه سازی مصرف، کنترل هزینه، مواد شوینده و گندزدا، حفاظت از محیط زیست*

مروری بر تاثیر تغییر اقلیم بر سلامت انسان

محمدرضا شعبانی[1]، هانیه مقدادی پور[2]

۱-دانشجوی کارشناسی، رشته پرستاری ،دانشکده پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی آجا، تهران

۲-دانشجوی کارشناسی، رشته پرستاری ،دانشکده پرستاری،کمیته تحقیقات دانشجویی ، دانشگاه علوم پزشکی آجا، تهران

چکیده

مقدمه : امروزه یکی از بزرگترین چالش های جهانی بهداشت، تغییر اقلیم میباشد. گرما و سرمای بی موقع، بالا آمدن سطح دریاها، وقوع سیل های با شدت بالا و خشکسالی هاو شیوع انواع بیماری ها از پیامد های تغییر اقلیم است.. شواهد نشان می دهد کاهش تغییرات آب و هوایی اثرات مفیدی بر سلامت عمومی دارد .بسیاری از مردم در سراسر جهان از پیامدهای تغییرات آب و هوایی برای سلامتی انسان بی اطلاع هستند. هدف از این پژوهش بررسی چالش های جهانی تغییر اقلیم میباشد.

روش بررسی : در این مطالعه با استفاده از کلید واژه های تغییر اقلیم، سلامت و بیماری به صورت فارسی و انگلیسی، مطالعات مرتبط از ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳ درپایگاه های اطلاعاتی شامل Pub med، SID و Iran Medex و موتور جست و جو google scholar مورد بررسی قرار گرفت. در نهایت ۳۳ مقاله یافته شد که با بررسی آنها از نظر تطبیق با موضوع مورد مطالعه در نهایت ۱۶ مقاله انتخاب شد .

نتایج : بسیاری از خطرات بهداشتی را می توان از طریق ایجاد سیستم های بهداشتی مقاوم در برابر آب و هوا با کاهش خطر، آماده سازی، واکنش و بازیابی پیشگیری کرد. یکی از عواملی که بهداشت و سلامت انسان را در معرض خطر قرار میدهد تغییر اقلیم و یا تنزل شرایط اقلیمی است که یکی از انگیزه های مهاجرت به حساب می آید.و از طرفی در هر اقلیم بیماری های خاصی شیوع بیشتری دارند و تغییر اقلیم میتواند زمینه ساز شروع انواع مختلفی از بیماری ها متناسب با شرایط جدید باشد. مطالعات مختلف نشان دهنده شیوع انواع بیماری های واگیر دار و غیر واگیر دار متناسب با شرایط اقلیمی مختلف است.

نتیجه گیری : با توجه به مطالعات انجام شده در این زمینه میتوان با انجام ارزیابی‌های آسیب پذیری و سازگاری، توسعه برنامه‌های سازگاری سیستم سلامت را انجام داد و شیوع بیماری ها را کاهش داد. از طرفی با افزایش آگاهی عمومی در این زمینه میتوان از خطر ابتلا به بسیاری از بیماری ها کاهید.

واژگان کلیدی : *تغییر اقلیم، سلامت، بیماری*

بررسی اثرات بهداشتی استرهای فتالات بر سلامتی انسان

ضیاءالدین بنیادی[1] ، افسانه اسماعیلی نصرآبادی [2]

۱. گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.
۲. کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه مهندسی بهداشت محیط ، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف : فتالات، گروهی از ترکیبات شیمیایی است که به طور گسترده در صنایع مختلف مورد استفاده قرار گرفته است. در سال‌های اخیر به دلیل تأثیر بالقوه آن‌ها بر سلامت انسان و محیط زیست توجه زیادی را به خود جلب کرده است. این ترکیبات در درجه اول به عنوان نرم‌کننده استفاده می‌شوند، موادی که به پلاستیک‌ها اضافه می‌شوند تا انعطاف پذیری، دوام و شفافیت آن‌ها را افزایش دهند. فتالات‌ها را می‌توان در بسیاری از محصولات روزمره از جمله اسباب‌بازی‌ها، لوازم آرایشی، بسته‌بندی موادغذایی و وسایل پزشکی یافت. با این حال، نگرانی‌هایی در مورد اثرات نامطلوب بالقوه آن‌ها بر رفاه انسان ایجاد شده است. تحقیقات نشان می‌دهد که فتالات بر سلامتی انسان اثرات مخرب و جبران‌ناپذیری وارد می‌کند. به علاوه این ترکیبات می‌توانند از طریق فرآیندهای تولید، شسته شدن از محصولات و دفع نادرست وارد محیط‌زیست شوند و نگرانی‌هایی را در مورد ماندگاری و تجمع زیستی آن‌ها افزایش دهند. در نتیجه، اقدامات نظارتی و تلاش‌ها برای یافتن جایگزین‌های ایمن‌تر برای آن‌ها، با هدف کاهش خطرات احتمالی و تضمین حفاظت از سلامت انسان و محیط‌زیست، شتاب بیشتری گرفته است. هدف از این مطالعه تعیین اثرات بهداشتی فتالات بر سلامت انسان می‌باشد.

مواد و روش ها : پایگاه داده‌های ScienceDirect، PubMed، Google Scholar و Scopus به طور سیستماتیک برای شناسایی مطالعات مرتبط منتشر شده تا سال ۲۰۲۳، با تمرکز بر تأثیر میکروپلاستیک‌ها و فتالات بر سلامت انسان، جستجو شدند. یک جستجوی تخصصی با استفاده از ترکیبی از کلیدواژه‌های هدفمند، از جمله «میکروپلاستیک»، «فتالات‌ها» و «سلامت انسان» انجام شد.

معیارهای ورود و خروج برای اصلاح نتایج جستجو اعمال شد. مقالات بازیابی شده از نظر ارتباط با سؤال تحقیق و پایبندی به معیارهای ورود از پیش تعریف شده مورد ارزیابی قرار گرفتند. جستجو بر اساس عناوین، چکیده‌ها و کلمات کلیدی انجام شده است. مقالاتی که به زبان‌هایی غیر از انگلیسی نوشته شده‌اند، گزارش‌های فنی، مقالات کنفرانس‌ها و مطالعاتی که عمدتاً به بررسی اثرات سمی فتالات‌ها روی حیوانات می‌پردازند، از بررسی حذف شدند.

مطالعات انتخاب شده برای ارزیابی کیفیت روش شناختی و ارتباط آن‌ها با سوال تحقیق مورد ارزیابی انتقادی قرار گرفتند. داده‌های مربوط به پیامدهای سلامت، روش‌های ارزیابی مواجهه و یافته‌های کلیدی از مقالات انتخاب شده استخراج شد. سپس داده‌های استخراج‌شده برای شناسایی الگوها، روندها و یافته‌های مهم مرتبط با تأثیر میکروپلاستیک‌ها و فتالات‌ها بر سلامت انسان، تحت یک تجزیه و تحلیل جامع قرار گرفتند.

این رویکرد سیستماتیک تضمین می‌کند که مقاله مروری مرتبط‌ترین و معتبرترین مطالعات موجود در ادبیات را شامل می‌شود. با استفاده از معیارهای ورود و خروج دقیق، این بررسی تمرکز خود را بر مطالعاتی که مستقیماً اثرات میکروپلاستیک‌ها و فتالات‌ها را بر سلامت انسان بررسی می‌کنند، حفظ کرد. تجزیه و تحلیل داده‌های استخراج‌شده امکان شناسایی همبستگی‌ها، ارتباط‌ها و خطرات بالقوه سلامتی مرتبط با قرار گرفتن در معرض میکروپلاستیک‌ها و فتالات‌ها را فراهم کرد. ذکر این نکته حائز اهمیت است که حذف مطالعات به زبان‌هایی غیر از انگلیسی و تمرکز بر مقالاتی که اثرات آن بر سلامت انسان را بررسی می‌کنند، ممکن است محدودیت‌هایی را برای بررسی ایجاد کرده باشد. با این حال، با رعایت این معیارها، این بررسی با هدف ارائه یک نمای کلی از وضعیت فعلی دانش در مورد تأثیر میکروپلاستیک ها و فتالات ها بر سلامت انسان انجام شد.

نتایج : یافته‌ها نشان می‌دهد که فتالات به طور گسترده توانایی ورود به قسمت‌های مختلف بدن انسان از طریق بلع، استنشاق و جذب پوستی را دارد. تقریباً ۷۰ درصد از دریافت فتالات به ویژه Di(2-ethylhexyl)phthalate (DEHP) از طریق رژیم غذایی و عمدتاً از طریق مصرف روغن خوراکی و سبزیجات است. فتالات می‌توانند سیستم غدد درون ریز را مختل کنند و منجر به اختلالات هورمونی و اثرات مضر روی گلبول‌های قرمز خون شوند. علاوه بر این، نشان داده شده است که متابولیت‌های مونواستر، که در کبد ایجاد می‌شوند تأثیر منفی بر سیستم تولید مثل دارند. غلظت بیومارکرهای فتالات در ادرار، کاهش رشد جنین را در هفته‌های اولیه بارداری نشان می‌دهد. فتالات می‌تواند در دوران بارداری و شیردهی وارد بدن کودک شود. آن‌ها همچنین به طور بالقوه منجر به عوارضی مانند سقط جنین، ناباروری و سرطان سینه، به ویژه در زنان شاغل در صنعت پلاستیک می‌شوند. تحقیقات گسترده تاثیر فتالات را بر سلامت قلب و عروق در تمام گروه‌های سنی، از جنین گرفته تا سالمندان، نشان داده است. میکروپلاستیک‌ها که حاوی فتالات به عنوان مواد افزودنی هستند از طریق بلع وارد زنجیره غذایی می‌شوند و توسط سلول‌های تخصصی M روده جذب می‌شوند سپس به مخاط روده می‌رسند و در نهایت وارد سیستم لنفاوی می‌شوند. ذراتی که از طریق استنشاق وارد بدن شده‌اند به وسیله ماکروفاژها جذب شده و به سیستم گردش خون و سیستم لنفاوی منتقل می‌شوند و خطر ابتلا به سرطان را افزایش می‌دهند. شبیه‌سازی‌ها نشان داده است که خطرات سلامتی مرتبط با قرار گرفتن در معرض DEHP با افزایش سن افراد کاهش می‌یابد و بیشترین حساسیت در گروه سنی ۶ تا ۹ سال مشاهده می‌شود. کودکان از سنین ابتدایی رشد خود تا سن ۱۲ سالگی غلظت‌های بیشتری از متابولیت‌های حاصل از فتالات در ادرار خود دارند که پیامدهایی مانند مولتیپل اسکلروزیس، پارکینسون و آلزایمر از خود نشان خواهند داد.

نتیجه گیری : این مطالعه به منظور بررسی تاثیر فتالات بر سلامتی انسان انجام گرفته است. برای رفع نگرانی مربوط به تاثیر فتالات بر سلامتی انسان، اقدامات نظارتی در کشورهای مختلف برای محدود کردن استفاده از آن‌ها در محصولات خاص اجرا شده است. با این حال، با توجه به طیف گسترده‌ای از ترکیبات فتالات و حضور آنها در بسیاری از کالاهای مصرفی، تلاش‌های مداوم برای افزایش آگاهی، کاهش مواجهه و استفاده از جایگزین‌های ایمن‌تر مورد نیاز است. به طور کلی، تحقیقات در خصوص فتالات، اهمیت درک خطرات بالقوه سلامتی آنها و انجام اقدامات پیشگیرانه برای به حداقل رساندن قرار گرفتن در معرض آنها را برجسته‌تر می‌کند. مطالعات بیشتری به منظور روشن شدن کامل اثرات طولانی مدت مواجهه و اطلاع رسانی استراتژی های موثر برای مدیریت ریسک و حفاظت از سلامت عمومی ضروری است.

واژگان کلیدی : فتالات، سلامتی انسان، میکروپلاستیک، مواد افزودنی پلاستیک

بررسی اثر استنشاقی گرد و غبار نانوذرات بنتونیت بر سطح سرمی مالون دی آلدئید و ظرفیت آنتی اکسیدانی تام در موش‌های صحرایی نر

فاطمه السادات مسعودی[۱]، سپیده صادقی [۲] ، علی نقی زاده[۳]

۱- دانشجوی دکتری، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۲- دانشجوی دکتری، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۳- استاد تمام، رشته مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

چکیده

مقدمه : نانو ذرات بنتونیت موادی طبیعی هستند که به مواد معدنی آهکی بلورین تعلق دارند. در سالهای اخیر از این نانو ذرات استفاده های فراوانی در انواع صنایع میگردد. انسان ها از طریق مسیرهای شغلی و محیطی در معرض ذرات بنتونیت قرار می گیرند. نشان داده شده است که قرار گرفتن طولانی مدت در معرض نانوذرات می توان سطح استرس اکسیداتیو را افزایش داد. بنابراین سمیت سلولی و استرس اکسیداتیو ناشی از نانوذرات بنتونیت به ندرت مورد بررسی قرار گرفته است. هدف از این مطالعه بررسی اثر استنشاقی نانوذرات بنتونیت را بر نشانگر ظرفیت آنتی اکسیدانی تام (TAC) و مالون دی‌آلدئید (MDA) در سرم خون موش‌ها بررسی کردیم.

روش بررسی : این مطالعه یک مطالعه کاربردی-آزمایشگاهی می باشد. مشخصات ساختار نانوذرات بنتونیت خریداری شده توسط میکروسکوپ الکترونی روبشی (SEM) و میکروسکوپ الکترونی عبوری (TEM) مشخص گردید. در این پژوهش متغیرهای مختلف ، میزان شاخص های آنتی اکسیدانی خون (MDA و TAC)، تاثیر غلظت (mg/m^3 ۰/۱، ۰/۳، ۱ و ۳) و زمان تماس(۱، ۲و ۳ ماه) مواجهه استنشاقی نانو ذرات بنتونیت مورد بررسی قرار گرفت. بررسی روی ۴۵ موش صحرایی نر بالغ نژاد ویستار (۲۲۰-۲۳۰ گرم وزن بدن) به ۴ گروه آزمایش و یک گروه کنترل (در هر گروه ۹ حیوان) انجام شد.

نتایج : بررسی آنالیز آماری در خصوص اثر نانو ذرات بنتونیت بر روی میزان سطح ظرفیت آنتی اکسیدان های تام (TAC) در گروه های مورد مطالعه در غلظت های مختلف در مقایسه با گروه کنترل تفاوت معنا داری نشان نداد. نتایج حاصل از میزان غلظت مالون دی آلدهید (MDA پلاسمایی) بین گروه ها نشان داد که میزان سطح MDA پلاسمایی در هر یک از زمان های ۱، ۲ و۳ ماه با گروه کنترل تفاوت معنی داری نداشته است. همچنین نتایج نشان داد میزان سطح MDA پلاسمایی با افزایش زمان مواجهه بطور معنی داری افزایش داشته است.

نتیجه گیری : در مجموع نتایج پیشنهاد می کند باتوجه به اینکه مطالعات نشان می دهد نانو ذرات بنتونیت دارای سمیت کم و یا بدون سمیت می باشند، استنشاق نانو ذرات بنتونیت در غلظت های کم تاثیری بر روی میزان MDA وTAC ندارند. اما در مدت زمان مواجهه طولانی مدت باعث افزایش سطح مالودن دی آلدهید سرم خون در نتیجه افزایش استرس اکسیداتیو می‌گردد.

واژگان کلیدی : *استنشاق، نانوذرات بنتونیت، مالون دی آلدئید، ظرفیت تام آنتی اکسیدانی، گرد و غبار*

The Effect of an Educational Intervention Based on the Integrated Social Cognition Model (ISCM) on Waste Recycling at Source among Housewives in Lahijan City: A quasi-experimental study

Marzieh Charkhtab Moghaddam[1], Issa Mohammadi Zeidi[2], Hadi Morshedi[3], Fatemeh Hosseini[4], Nooshin Rouhani Tonekaboni[5]

1. MSc of Health Education, Department of Public Health, School of Health, Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin, Iran.
2. Professor of Health Education, Social Determinants of Health Research Center, Research Institute for Prevention of Non-Communicable Diseases, Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin, Iran.
3. Assistant Professor of Health Education, Social Determinants of Health Research Center, Research Institute for Prevention of Non-Communicable Diseases, Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin, Iran.
4. Assistant Professor of Health Education & Promotion, Department of Public Health, School of Health, Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin, Iran.
5. Assistant Professor, Department of Health Education & Promotion, Research Center of Health and Environment, School of Health, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran.

Corresponding Author

Dr. Hadi Morshedi _ Department of Public Health, School of Health, Social Determinants of Health Research Center, Research Institute for Prevention of Non-Communicable Diseases, Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin, Iran.

Background and aims:

Mass production of waste is a global urban problem, primarily due to the rapid expansion of urban societies, particularly in metropolises, and the lack of comprehensive waste disposal policies. Solid waste management has become a significant challenge in cities worldwide, particularly developing countries. Waste recycling and separation at source are effective methods in urban waste management. Separating waste at the source offers several advantages, including reduced disposal costs, improved quality of compost production, reduced reliance on landfills, preservation of resources, and the generation of income through the sale of recycled materials. Research indicates that educating citizens about environmental issues increases awareness, positive attitudes, and active participation in waste separation and overall waste management. Considering the significant role of urban households in waste recycling and separation, the present study aimed to investigate the effect of educational interventions based on the integrated social cognition model (ISCM) on waste recycling at the source among housewives in Lahijan City, Iran.

Materials and methods:

In this quasi-experimental study, 144 women referred to health care centers in Lahijan were selected using a multistage random sampling method and were assigned to intervention and control groups equally in 2021-2022. During phone calls, the researchers explained the research goals to the participants and administered the questionnaires before the intervention through WhatsApp if the participants consented. This approach was adopted due to the limitations imposed by COVID-19. The sample size of 72 per group was determined based on previous studies, considering a confidence limit of 95% and a test power of 80%. The standard deviation formula for two independent populations was used for this calculation. The data collection tools used in this study were as follows: (a) a demographic characteristics questionnaire consisting of 7 questions, including age, marital status, education level, spouse's education level, economic status, spouse's job, and home ownership status; (b) an awareness assessment questionnaire consisting of 9 questions; and (c) a standard questionnaire based on the constructs of the integrated social cognitive model, comprising 47 questions. Numerous domestic and foreign studies have confirmed the content validity indices of the integrated social cognitive model (ISCM). This study assessed the ISCM's reliability using internal consistency and stability. The internal consistency of the tool and its subscales was calculated using Cronbach's alpha coefficient based on a sample of 20 individuals not part of the primary research sample. The Cronbach's alpha coefficients for the domains ranged from 0.74 to 0.96. Additionally, the test-retest method was employed to assess the tool's stability. A sample of 20 individuals completed the tool again after two weeks, and the correlation coefficient between the scores of the two tests was calculated. The correlation coefficient for the tool areas ranged from 0.82 to 0.92. Educational content based on ISCM constructs was prepared and carried out in the intervention group in six 60-90-minute sessions virtually via mobile phone on WhatsApp Messenger over six consecutive weeks. We collected the data before and one month after the educational intervention and analyzed them using descriptive statistics, chi-square, independent t-test, paired t-test, and analysis of covariance in SPSS 25.

Results:

At the outset of the research, 72 individuals in the intervention group and 72 in the control group were enrolled. The two groups exhibited homogeneity concerning all demographic variables, and no differences were observed. The mean age of the intervention group was 38.25 ± 12.08, while the mean age of the control group was 39.46 ± 11.61 years ($p = 0.542$). No significant differences were found in the mean scores of awareness and each construct of the ISCM between the two groups prior to the educational intervention ($p > 0.05$). The two groups showed a statistically significant difference in the mean scores of awareness, attitude, subjective norms, perceived behavioral control, self-efficacy, behavioral intention, action & coping planning, and behavior after the intervention ($P < 0.001$). Specifically, the mean ± standard deviation of the behavior score increased from 17.25 ± 4.96 before the intervention to

25.78 ± 4.95 after the intervention ($p < 0.001$). According to the results of the analysis of covariance, a significant difference was found between the groups in terms of the mean scores of attitude, subjective norms, behavioral control, self-efficacy, action planning, coping planning, intention, and behavior of waste recycling in the post-test, while controlling for the effects of the pre-test, after the educational intervention ($p < 0.001$). The eta squared values also indicated that the highest and lowest percentages of variance, resulting from the ISCM-based educational intervention, were related to attitude towards behavior and behavioral intention, respectively.

Conclusion:

The results highlight the importance of awareness as an essential component of behavioral change, emphasizing the need to provide sufficient information about health behavior to facilitate behavior change interventions. Given this issue and recognizing that the success of any waste management plan relies on citizens' commitment and participation, raising public awareness and providing relatively specialized knowledge about economic, social, health, and environmental consequences, as well as promoting sustainable consumption and behavior (such as waste reduction, reuse, and recycling at home), are sustainable solutions that ensure citizen participation in this field. Consequently, supporting and providing collection machines by the municipality is a profitable investment for society. The investigation into the effects of education on ISCM constructs revealed that the mean scores of attitude, subjective norms, self-efficacy, perceived behavioral control, action planning, coping planning, intention, and behavior of waste recycling in homemakers participating in the intervention group increased after education. The change in attitude after increasing awareness is a natural outcome of educational interventions. Also, Positive attitudes toward the results of a behavior lead to the intention to adopt that behavior. more likely to be sustained Behavioral intention aids individuals in specifically planning their desired behavior. The design and implementation of educational interventions based on the integrated social cognition model (ISCM) have the potential to enhance housewives' performance in waste management and recycling, while also increasing their awareness levels.

Keywords: Integrated Social Cognition Model, Waste Separation, Housewives. Education, Self-Efficacy.

The effects of microplastics on different organs of the human body

Elham Barzegari Khaneghah[1]

1-Environmental Science and Technology Research Center, Department of Environmental Health Engineering, School of Public Health, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran.

Abstract

Aim and Background: A fraction of plastic waste is called microplastics, which are conventionally defined as particles smaller than 5 mm. The health effects of human exposure to microplastics include respiratory effects from inhalation, digestive effects from ingestion, oxidative stress, and cancer. The risk of various chronic diseases may be increased by the toxicity of the chemical components of microplastics. The accumulation of microplastics in the environment and its contamination in food products has become a global threat to the health of the environment and humans. Therefore, in this research, the effects of microplastics on different organs of the human body were discussed.

Methods: In this review study, Google Scholar, Pubmed, and Science Direct databases were searched using thekeywords Microplastics, Effects, Human health, Human exposure, and health consequences.

Results: The results of studies on the effects of microplastics on different human body systems showed that people can inevitably consume microplastics through swallowing, inhalation, and skin contact, these microplastics may affect health by interfering with metabolic processes. Humans influence. According to the latest studies, microplastics can concentrate pollutants and become a carrier of pollutants. The results of studies showed that following oral exposure to microplastics, dangerous chemicals can be released into the digestive system, which leads to toxicity. According to the results of studies, exposure to MNPL (microplastics and nanoplastics) can cause damage to the respiratory system, causing problems such as bronchitis, asthma, fibrosis, and pneumothorax. Airborne microplastics ingested by humans cause inflammation and secondary genotoxicity. The potential of microplastics to cause physical harm to organisms is influenced by their size and shape. And it can be stated that microplastic particles less than 2.5 micrometers can cause permanent lung damage, they can also enter the bloodstream and cause serious health consequences, including cardiovascular diseases or even cancer. Chemicals such as bisphenol A and phthalates are often found in microplastics, these are endocrine disruptors and can be very dangerous to humans.

Conclusion: Absorbed microplastics cause different biological effects in different organs. Microplastics in the air may absorb chemicals/toxic substances and it can be said that microplastic particles are bio-stable, so they cannot be excreted or decomposed when they enter the human body. Ingestion of microplastics may not only cause physical damage but may also

be toxic by penetrating the tissues and organs of the digestive system and disrupting their function. Microplastics in the atmosphere can easily enter the food chain and cause pathological challenges for organisms.

Keywords: *Microplastics, Effects, Human health, Human exposure, health consequences*

Effects of methyl tert-butyl ether (gasoline additive) on human health from 2000 to 2023: a systematic review

Hossein Zahiri Khomartash[1], Dr Amir Mirshafiee [2,3*]

1- Student Research Committee, Baqiyatallah University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

2- Health Research Center, Life Style Institute, Baqiyatallah University of Medical Sciences, Tehran, Iran

3- Department of Environmental Health Engineering, Faculty of Health, Baqiyatallah University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Abstract

Background and aims: Methyl Tertiary Butyl Ether is a chemical compound added to gasoline that is used in unleaded gasoline in many countries of the world today. This substance is one of the substances that are known as oxygenated substances because they increases the amount of oxygen in gasoline, which also helps to burn gasoline more completely and better. This substance enters the environment in different ways due to production, transportation, maintenance, application and use. In general, the problems caused by this substance in water include low taste and smell threshold (organoleptic effects), rapid penetration into underground water sources, problems of removal, purification and health risks. Therefore, the purpose of this article is to review the studies conducted in the field of the effects of Methyl Tertiary Butyl Ether on human health and investigate the level of contamination of surface and underground water with this substance, and state the dangers of this substance.

Materials and methods: In this research, all articles available in domestic and foreign databases such as PubMed, Scopus, Web of Science, Irandoc, IranMedex, scientific database of the World Health Organization, Science Direct, Google Scholar and SID were examined. The keywords methyl tert-butyl ether, surface and underground water and contaminated Water, and Health risk assessment and Toxicity were used for searching. Finally, among the articles found from the sources, the articles that matched the topic were included in the study. Since the focus of the study is on the concentration of Methyl Tertiary Butyl Ether in surface and underground water, only the studies aimed at measuring Methyl Tertiary Butyl Ether in water sources were selected, then these articles were included in the study. Then they were entered into the Endnote software and duplicate articles were removed. A total of 289 articles were retrieved, and after monitoring and reviewing the titles and summaries, 29 articles (22 articles on underground water and 7 articles on surface water) were selected.

Results: Due to the effects of MTBE in many countries where this substance is used, environmental monitoring and determination of the concentration of this compound in air, soil and water are carried out. These experiments are important in order to control and prevent the

entry of these compounds into the environment, especially in water environments. in about eight cases out of 29 studies, MTBE values are higher than The standard set by the US Environmental Protection Agency (EPA) is (ppb 20-40), even in some cases hundreds of times the standard has been reported.

conclusion: Estimated studies show that preventing the leakage of methyl tertiary butyl ether, in addition to economic benefits, prevents environmental pollution, especially air and water pollution, and finally, to prevent any entry of this substance into the human body, insulation The lower surface of the area is related to gasoline, so that no mixture enters the water sources, as well as the precise purification of the water used.

Keyword: *MTBE (methyl tertiary butyl ether), contaminated Water, Health risk assessment, Toxicity*

The Role of Waste Management in Rabies Control

Nazanin Shabansalmani[1], Maryam Fazeli[2], Firouzeh Farahtaj[1], Mohammadsadeq Khosravy[1], Mehdi Fazlalipour[1], Rouzbeh Bashar[1*]

1-WHO Collaborating Center for Reference and Research on Rabies, Pasteur Institute of Iran, Tehran, Iran.

1-ATMP Department, Breast Cancer Research Center, Motamed Cancer Institute, ACECR, Tehran, Iran.
*Corresponding Author: Rouzbeh Bashar, DVM, MPH, Ph.D.

WHO Collaborating Center for Reference and Research on Rabies, Pasteur Institute of Iran.

Abstract

Aim and Background: Rabies is a viral zoonosis that causes fatal encephalitis. Rabies is transmitted primarily by the bite or scratch of an infected animal or by contamination of a wound or mucous membranes with the saliva of an infected animal. In 99% of cases in the world, rabies is transmitted to humans through dog bites. In many countries such as Iran, rabies is endemic and one of the public health problems. The increase in animal population, especially stray and free-roaming dogs, has led to an increase in animal bites and rabies cases in recent years. One of the reasons is the increase in garbage and waste and the lack of proper management and disposal of waste, especially household waste. Studies have shown that an average of 700-1000 g of waste per person is generated daily in Iran. This study aimed to investigate the role of waste management in rabies control.

Study Method: A systematic literature search using the keywords waste management, rabies control, rabies elimination, and strategies was conducted in the following databases: Google Scholar, Pub Med, and Elsevier databases between 2018 and 2022. Many articles were found, and 18 articles and WHO reports were selected for this review. Few studies have been done in this regard in Iran. In all these articles, besides the introduction of rabies, some specific and efficient strategies to control this disease and the role of waste management in rabies control were mentioned.

Results: All articles on this topic cite waste management as one of the most important ways to reduce the population of stray animals, especially dogs, in the rabies control program because it reduces the number of animal bites and rabies cases by reducing the population of stray dogs and free-roaming dogs and reducing the migration of these dogs to rural and urban areas. Proper waste management decreases the migration of wildlife animals to rural areas, the destruction of the wildlife balance, and the transmission of disease to other animals and humans. Studies show that this issue has increased awareness of rabies and pre-and post-exposure prophylaxis. However, an important aspect of dog population control measures - waste management - has been largely ignored. Control measures are still not very effective due to a lack of awareness, incomplete implementation of post-exposure prophylaxis, and inadequate waste disposal.

Conclusion: Waste management in urban areas has always been a major concern for municipalities. Due to the increase of waste, especially in poor countries, there is a possibility

of increasing stray animals' reproduction, and as a result, the eventuality of rabies transmission increases. Also, it is possible that the garbage gets contaminated by the saliva of rabid animals and transmits the disease to child labour, addicts, and ragpickers. The World Health Organization has set a public health program to end the number of deaths from dog-mediated rabies by 2030 and has identified strategies for rabies control. The most important of these solutions is vaccinating 70% of dogs and managing the dog population through sterilization. Waste management is also one of the most important elements to reduce the population of stray dogs and thus reduce animal bites and rabies. The government should also focus on a "One Health" approach" that includes activities such as better communication between medical (human and veterinary) medical professionals, education of school children, awareness of pre- and post-exposure prophylaxis, effective waste management, and mass vaccination of dogs.

Keywords: *Waste Management, Rabies, eliminatin, one health*

Investigating the residual amount of nitrates in tomatoes, onions and potatoes available in fruit shops in Shahrekord

Gashtasb Mardani[1], Zahra Karimi[2], Hadi Raeisi Shahraki[3], Mahdiyeh Alikhani Faradonbeh[2,1*]

1-Cellular and Molecular Research Center, Basic Health Sciences Institute, Shahrekord University of Medical Sciences, Shahrekord, Iran

2-Student Research Committee, Shahrekord University of Medical Sciences, Shahrekord , Iran

3-Department of Epidemiology and Biostatistics, Faculty of Health, Shahrekord University of Medical Sciences, Shahrekord, Iran

Abstract

Introduction: Due to the increase in the population in Iran, the demand for food is increasing every day, for this reason, in many parts of the country, excessive use of chemical and organic fertilizers has been very common in order to produce more, while most of the farmers are non-academic people and They don't know enough about the correct way to use chemical fertilizers, since about 80% of the nitrate that enters the body is through the consumption of vegetables and fruits, and as a result, the number of types of cancers in societies is increasing, so this study with The aim was to investigate the amount of nitrate accumulation in samples of tomatoes, onions and potatoes available in fruit shops in Shahrekord.

Methods and Materials: The present study was a cross-section of a descriptive and analytical type that was conducted on 198 samples of fruit shops in different areas of Shahrekord city in the months of June and July of 2022. In this way, 22 fruit shops were randomly selected from among the fruit sellers all over Shahrekord, and these places were visited and 3 pieces of each sample (potatoes, tomatoes, onions) in small, medium and large sizes were taken from each seller. The face was collected randomly. It should be mentioned that all samples were non-greenhouse type (traditional cultivation). Then the samples were prepared, including separating the non-edible parts, washing with water, homogenizing and freeze drying, and the samples were kept at -18C until the test. EC12014-2 method and HPLC device were used to measure nitrate. Statistical tests of one-way analysis of variance and LSD post hoc test were also used.

Results: The average concentration of nitrate in three products of potato, onion and tomato was 74.46±9 77.69±15.65 and 29.09±5.63 mg/kg, respectively. Comparison of the amount of nitrate in different sizes showed that for all fruits, the amount of nitrate increased significantly as the size increased (P <0.001). The difference in nitrate concentration in small and medium

potatoes was not significant (P=0.156), but it was significant in small and medium with large potatoes (P<0.001), in the case of tomatoes and onions, all differences were significant, that is, medium size compared to small size (P=0.011) (P=0.005), and large size had significantly more nitrate than medium size (P<0.001).

Conclusion: Among the studied samples, tomatoes had the lowest amount of nitrates remaining and comparing these values with the permissible amounts declared by the World Health Organization, which are 250, 1000, and 300 mg/kg for potatoes, onions, and tomatoes, respectively. indicates that the amount of nitrate in these samples was less than the permissible limit, and on the other hand, the results showed that the amount of nitrate increases as the size of the product increases. Although the amount of nitrates in these products was lower than the standard values of the World Health Organization and the nitrates in these products do not pose a health threat, it is recommended that people use smaller sized fruits in their diet.

Key Words: *Nitrate, potato, onion, tomato, Shahrekord*

The Interaction effects between COVID-19 pandemic and human ecological footprint

Hassan Hashemi[1], Ehsan Gharehchahi[2], Mohammad Golaki[3], Amin Mohammad Pour[4], Zohre Moeini[5*]

1-Department of Environmental Health, School of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

2-Department of Environmental Health Engineering, School of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

3- Department of Environmental Health Engineering, School of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

4- Department of Environmental Health Engineering, School of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran,

5*- Department of Environmental Health Engineering, School of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Abstract

Background: Coronavirus disease 2019 (COVID-19) is a viral infection caused by SARS-CoV-2, first recognized in China and quickly became a global pandemic. The COVID-19 pandemic has been found to have positive and negative environmental impacts. Air, sewage, and solid waste indicate the consequence of this pandemic.

Methods: This review methodically surveyed English articles up to January 2021, using keywords like "COVID-19," "SARS-CoV-2," "Air quality," "Sewage," and "Waste." Databases including PubMed, Scopus, and Google Scholar were searched. Articles were categorized into COVID-19's associations with air pollution, sewage, and waste for synthesis and analysis.

Results: The results indicated that during the COVID-19 outbreak, air pollution, ambient noise, fuel and energy consumption, have been reduced. On the other hand, air pollution has been shown to increase the risk of COVID-19; thus, there is a positive correlation between air pollution and the number of COVID-19 cases. The researchers have detected the SARS-COV-

2 in feces and wastewater. Therefore, exposure to SARS-CoV-2 is possible by utilizing untreated effluent and wastewater in irrigation or aerosol generation during specific wastewater treatment processes. Furthermore, monitoring SARS-CoV-2 in the sewage allows us possible to detect the virus before it spreads in the community, take the necessary measures and implement effective policies. Changes in the composition and quantity of municipal solid waste (MSW) are typical results of the COVID-19 pandemic, as the generation of plastic waste has increased globally due to the increased use of disposable single-use plastic bags and packaging. Mixing infectious virus-infected waste with domestic waste has led to the terminus of waste recycling in many parts of the world due to its hazardous potential.

Conclusion: COVID-19 has shown many negative or positive impacts on various aspects of the environment and human life. Compared to the long-term consequences, the positive impacts of SARS-CoV-2 on the environment appear to be temporary, unstable, and short-term. Developing effective strategies based on the sustainable development approach may reduce the adverse effects of the COVID-19 pandemic and similar outbreaks in the future.

Keywords: *COVID-19, SARS-CoV-2, Air pollution, Sewage, Solid waste*

Adsorption of lead(II) using bio adsorbent prepared from immobilized Gracilaria corticata algae: thermodynamics, kinetics and isotherm analysis

Ferdos Kord Mostafapour[a] , Amir Hossein Mahvi[b] , Aram Dokht Khatibi[a] , Morteza Khodadadi Saloot[c] , Negar Mohammadzadeh[d], Davoud Balarak[a].

a-Department of Environmental Health, Health Promotion Research Center, Zahedan University of Medical Sciences, Zahedan, Iran

b- Department of Environmental Health Engineering, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

c- Department of Environmental Engineering, Faculty of Natural Resources and Environment, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

d- Student Research Committee, Zahedan University of Medical Sciences, Zahedan, Iran

Absacttr

Background and aims: Pb(II), a soft blue-gray metallic element, has been widely used in diverse industrial areas such as paints, batteries, leaded glasses, fuels, pigments, photographic materials, petrochemicals, mining, etc. Pb(II) is considered to be a cumulative poison and found to be hazardous at high levels. Due to its toxicity, Pb(II) can cause damage to the digestive tract, immune system, human circulatory system, liver, and kidney. This work focuses on the removal of lead using immobilized Gracilaria corticata (immobilized-GC) algal based bio adsorbent. Our objective was to test the adsorption efficiency of immobilized Gracilaria corticata algal, which is very abundant in Iran, for the elimination of Pb(II). The optimization of the experimental operating conditions such as the mixing time, the initial pH, the amount of Pb(II) and immobilized Gracilaria corticata (immobilized-GC), and the temperature was carried out.

Materials and methods: Various techniques were carried out to examine the as prepared bio adsorbents characteristics, that is, scanning electron microscopy (SEM), Brunauer–Emmett–Teller/Barrett–Joyner–Halenda (BJH), and Fourier transform infrared spectroscopy (FTIR). The kinetic, isotherm and thermodynamic models were applied to explain the adsorption behavior. Also, error functions were calculated . The effect of different parameters was investigated in batch experiments. For the treatment of a Pb(II) solution at 25 mg/L, the removal efficiency of 99.1% was achieved using 1 g/L adsorbent at a mixing time of 75 min and pH of 6 during the adsorption process.

Results: Thermodynamics analyses indicate that the Pb(II) sorption on immobilized-GC is feasible, spontaneous, and endothermic with enthalpy and entropy equal to 52.01 kJ/mol and 0.185 kJ/mol K, respectively. Kinetic studies revealed that the adsorption process follows pseudo-second-order due to the higher regression coefficient and lower error coefficient. The

adsorption isotherms of Pb(II) were also compared with popular models, and it was found that the Pb(II) uptake was well-described by the Langmuir model with maximum adsorption capacities of 89.1, 98.3, 108.2, and 122.1 mg/g at 20°C, 30°C, 40°C, and 50°C, respectively. The intraparticle diffusion adsorption model showed that the adsorption was a multistep controlled mechanism. The optimum conditions were achieved at pH of 6, initial Pb(II) concentration of 10 mg/L at 75 min with an adsorption capacity of 24.9 mg/g at room temperature. Due to the high regression coefficient and the lower error coefficient at all temperatures, the Langmuir isotherm model best described the adsorption. According to thermodynamic studies, the negative and positive values were obtained for $\Delta G°$ and $\Delta H°$; these values are representative of the spontaneous and feasible nature and endothermic nature of sorption, respectively.

Conclusion: In the end, it can be concluded that under the optimal conditions adopted in this study, Pb(II) removal from aqueous solutions by adsorption is best obtained using immobilized-GC.

Keywords: *Immobilized Gracilaria corticata; Lead; Adsorption process; Thermodynamic.*

Ecological risk assessment of heavy metals in urban dust in Iran (a systematic review and meta-analysis)

Majid Farhadi[1], Mohadese Neisi[2]

1-Student Research Committee, Department of Environmental Health Engineering, School of Public Health, Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences, and Ahvaz, Iran,

2-Student Research Committee, Department of Environmental Health Engineering, School of Public Health, Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences, and Ahvaz, Iran,

Abstract : Heavy metals in street dust are one of the most important sources of pollutants in urban areas. This urban dust can be caused by industrial activities, traffic, erosion of buildings, and fossil fuels. The aim of this systematic review is to evaluate the ecological risk of heavy metals in the dust of Iran's provinces. This study was conducted on February 2023 in order to investigate the environmental risks associated with heavy metals associated with dust particles in Iran. Search databases such as Scopus, Web of Science, Iran Doc, Mag Iran, Science Direct, and PubMed were used to find original articles in this field. Mesh words are also used in PubMed to select English keywords.The present study was conducted based on the Preferred Reporting Items for Systematic Reviews and Meta-Analyses (PRISMA) guidelines. Finally, 9 studies were extracted from the search databases. The ecological risk of heavy metals in the present study was as follows: Cd (258.26؛ CI: 83.53, 433) >Pb (52.58؛ CI: 37.15, 68.02) >Cu (24.44؛ CI: 16.74, 32.14)>Ni (14.75؛ CI: 12.68, 16.82)>As (13.53؛ CI: 10.20, 16.85)>Zn (6.32؛ CI: 3.76, 8.87)>V (3.18؛ CI: 2.65, 3.72)>Cr (2.73؛ CI: 2.19, 3.27)>Co (1.94؛ CI: 1.13, 2.74). The obtained results show that the ecological risk of Pb in the cities of Shiraz, Tehran, Ahvaz, Ilam, Abadan, Kermanshah and Dezful has exceeded the standard. The mean ranking of the studied Pb ecological risk is as follows: Shiraz > Tehran > Ahvaz > Ilam > Abadan > Dezful. The ecological risk potential of Cd in Tehran was also much higher than the standard. Therefore, Tehran was the most polluted city studied in terms of the ecological risk potential of Cd (1611.41؛ CI: 1605.98, 1616.84) and Pb (86.54؛ CI: 71.46, 101.62). The average concentration as well as the ecological risk of Cr, Co, and V metals were lower than the standard.Therefore, controlling the sources of heavy metal emissions (especially lead and cadmium) is highly recommended.

Keyword: *Ecological risk, Heavy metals, IRAN, Risk assessment*

Investigation of the effect of micro plastics on hematological indices of aquatic animals: A systematic review study

Beheshteh Shirali*[1]

1-BSc Student of Medical Laboratory Science, Student Research Committee, Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences, Ahvaz, Iran.

Abstract

Background and objective: Approximately 10% of plastic products enter the environment annually in the form of plastic waste. Plastic is a major cause of seawater and ocean pollution. This plastic waste is usually broken down into smaller pieces by physical, chemical, and ultraviolet processes, and eventually enters aquatic ecosystems through surface runoff. Thus, in recent years, the accumulation of plastic waste in aquatic ecosystems has become a global environmental problem, and the entry of micro plastics into aquatic organisms has led to the disruption of their hematological parameters. The aim of this study was to investigate the effect of micro plastics on hematological parameters in aquatic animals.

Materials and methods: This study is a systematic review study that was conducted in 2023. Using the keywords of Micro plastic, Hematology and Aquatic, were checked based on the Mesh and it was done in reliable databases including PubMed, Scopus, Web of Science and Google Scholar search engine without a time limit. To ensure the completeness of the search results, the sources of the articles were checked and after removing the duplicate titles from the endnote software and checking the titles and abstracts, the related articles were checked using JBi tools, after checking the quality of the articles, the findings were entered into the desired checklist.

Results: A total of 1152 articles were reviewed and finally 91 articles were selected that were related to the purpose of the study. According to studies, the results of some studies have shown that exposure of aquatic animals to environmental pollutants such as micro plastics can affect hematological parameters, and micro plastics and nano plastics may enter the body of aquatic animals orally or through aquatic paths. Micro plastics may they are absorbed through the gastrointestinal tract and then enter the circulatory system and are distributed throughout the body. Exposure of fish to micro plastics can have a significant effect on hematological parameters such as red blood cells, hematocrit, and hemoglobin, so exposure to micro plastics. This may lead to impaired biochemical hemostasis and bioaccumulation.

Conclusion: The results show that exposure to micro plastics can lead to bioaccumulation of micro plastics in the gills and intestines of aquatic animals, these particles may enter other tissues through the circulatory system and accumulate in them. Accumulation of micro plastics in the aquatic body has a significant effect on hematological and biochemical parameters, which can indicate the dysfunction of vital organs and biochemical.

Keywords: *Micro plastic, Hematology, Aquatic*

Investigating the fungal contamination of animal manure

Sepideh Tousizadeh [1,2], Ramezan Sadeghi [2]*

1-Student Research Committee, Shahrekord University of Medical Sciences, Shahrekord, Iran

2-*Department of Environmental Health Engineering, Faculty of Health, Shahrekord University of Medical Sciences, Shahrekord, and Iran2*

2-*Corresponding author: Ramezan Sadegh

Abstract

Introduction: Recently, due to the lack of attention to the importance and positive effects of organic matter in agricultural lands, most of the country's soils are deficient in this aspect and have caused a significant decrease in soil productivity. Therefore, in order to improve the fertility of these soils and provide food for the world's population from agricultural products, adding organic materials to them and as a result, the use of organic fertilizers in agriculture has been expanded. However, despite their beneficial effects, animal manures can have harmful effects on the environment and human health due to high levels of nitrogen, organic carbon and various pathogenic microorganisms such as plant and human pathogenic fungi. Therefore, this study was conducted with the aim of identifying the fungi in cow manure.

Method: Fresh manure samples were collected in sterile bags and transferred to the mycology laboratory of the faculty. 10 grams of each sample was diluted in 100 ml of sterilized distilled water, stirred for 30 minutes at a speed of 100 rpm, then 1 cc of HCL one normal was added to it to kill bacteria and after passing For 30 minutes, 200 microliters of suspension was cultured on Saburo dextrose agar culture medium containing chloramphenicol. The mediums were incubated for 5-7 days at 25 degrees Celsius. Fungus identification was done by macroscopic observation (colony color) and microscopic observation (preparation of a slide from the grown colony using lactophenol staining).

Results: Scopulariopsis, Penicillium, Alternaria, Cladosporium and Yeast and Mucor and Geotrichum fungi were identified in the samples.

Conclusion: due to the fact that in this research, pathogenic fungi were found growing in livestock and animal (cow) manure, therefore, the use of this fertilizer in farms should be limited and if possible, Fertilizers that cause less pollution and pathogenicity should be replaced in the agricultural industry.

Keywords: *organic fertilizer and agriculture, fungal contamination, animal manure.*

Investigation of the removal of phthalate esters using photocatalysts

Afsaneh Esmaeili Nasrabadi [1], Ziaeddin Bonyadi [2]

1-Student Research Committee, Department of Environmental Health Engineering, School of Health, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

2-Social Determinants of Health Research Center, Department of Environmental Health Engineering, School of Health, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

Abstract

Background and aims: Phthalate esters (PAEs) are a group of chemicals widely used in the production of plastics, personal care products, and detergents. However, some PAEs can pose a threat to human health and the environment. One of the promising methods is the use of photocatalysts. This method uses the energy of sunlight or other light sources to initiate the oxidation and decomposition processes of phthalate esters. Photocatalysts, which are catalysts activated by light, can effectively remove PAEs from the environment. The photocatalyst method offers a promising and sustainable approach to address the challenges posed by phthalate esters, thereby paving the way for cleaner and healthier ecosystems. The purpose of this paper is to review the use of photocatalysts in PAE removal and provide an overview of current research in this field.

Materials and methods: ScienceDirect, PubMed, Google Scholar, and Scopus databases were systematically searched to identify relevant studies published from 2010 to 2023 that focus on the photocatalytic removal of phthalate esters. A specialized search was conducted using a combination of specific keywords, such as "degradation", "phthalate esters" and "photocatalyst". 427 articles were found in the initial search.

Inclusion and exclusion criteria were applied to refine the search results. After screening, 10 significant articles related to the current year were selected for study. Retrieved articles were evaluated for their relevance to the research question and their adherence to pre-defined inclusion criteria. The search is based on titles, abstracts, and keywords. Articles written in languages other than English, technical reports, and conference papers were excluded from the review.

The selected studies were critically evaluated to assess their methodological quality and relevance to the research question. Key findings were extracted from the selected articles. Then, the extracted data was subjected to a comprehensive analysis to identify patterns, trends, and important findings related to the removal of PAEs using a photocatalyst. This systematic

approach ensures that the review article includes the most relevant and valid studies in the literature.

Results: The results of this study demonstrated the effectiveness of different photocatalysts in removing phthalate esters. Monoxide semiconductors, such as ZnO, Fe2O3, and TiO2, have demonstrated the capability to degrade phthalate esters. In addition, composite materials such as LDH-TiO2 exhibit the ability to remove PAEs through a combination of adsorption and photocatalytic degradation processes. Photocatalytic degradation of PAEs involves the production of intermediates, and hydroxyl (OH) radicals play an important role in the degradation process. Notably, photocatalysts such as WO3/g-C3N4 facilitate the degradation of dimethyl phthalate (DMP) under visible light. This degradation process was attributed to the production of reactive radicals, including OH radicals. The PAEs-TiO2 photocatalyst selectively removed 11 PAEs in the presence of organic matter and achieved nearly 100% detoxification, meeting discharge standards. It reduced the concentration of PAEs from 302.5 μg/L to 4.94 μg/L. PAEs-TiO2 exhibited higher quantum and photocatalytic performance compared to unmodified TiO2. Additionally, it effectively eliminated nearly 100% of the environmental risks associated with phthalate esters. The effectiveness of the PAEs-TiO2 photocatalyst was confirmed in real wastewater, where PAEs were undetectable after treatment, indicating its potential for practical use. Furthermore, the use of PAEs-TiO2 resulted in a significant reduction in energy costs of up to 48.1%.

Conclusion: In general, the use of photocatalysts for PAE removal offers a promising solution to the widespread contamination of these hazardous compounds in various environments. Photocatalysts, such as titanium dioxide (TiO2), have shown great potential in the degradation of phthalate esters. This advanced oxidation process offers several advantages, including high removal efficiency, broad substrate specificity, and the ability to remove hazardous byproducts. In addition, the use of photocatalysts is an environmentally friendly approach that requires minimal energy input. The versatility of photocatalysts allows them to be used in various applications, including wastewater treatment plants, industrial processes, and even household water purification systems. Despite the significant progress in this field, more research is needed to optimize the photocatalytic process and increase its sustainability and recyclability. Continuous advances in this field will undoubtedly help to develop efficient, cost-effective and sustainable solutions for the removal of phthalate esters and ultimately protect human health and the environment.

Keywords: *Phthalate esters, photocatalyst, photodegradation, advanced oxidation process, pollutant removal*

Investigating the biodegradation of microplastics by fungal species

Afsaneh Esmaeili Nasrabadi [1], Ziaeddin Bonyadi [2]

1-Student Research Committee, Department of Environmental Health Engineering, School of Health, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

2-Social Determinants of Health Research Center, Department of Environmental Health Engineering, School of Health, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

Abstract

Background and aims:MPs are plastic particles smaller than 5 millimeters in size that are found in various environments, such as oceans, freshwater systems, and soil. MPs pollution has become a significant environmental issue. The most important health problems caused by MPs include reproductive disorders, negative effects on marine organisms, cardiovascular problems, inflammatory responses, potential carcinogenic effects, and endocrine disorders. As the accumulation of MPs continues to increase, there is an increasing need for effective remediation strategies. MPs biodegradation by fungal species has emerged as a promising research avenue. Fungi have unique enzymatic capabilities that make them potential candidates for the degradation of MPs. The aim of this paper is to review the current state of knowledge regarding the biodegradation of MPs by fungal species. In addition, it discusses the potential applications and challenges associated with using fungal species for MPs remediation.

Materials and methods: ScienceDirect, PubMed, Google Scholar, and Scopus databases were systematically searched to identify relevant studies published up to 2023, with a focus on fungal species involved in the biodegradation of MPs. A specialized search was conducted using a combination of specific keywords, such as "microplastics" and "fungi". Inclusion and exclusion criteria were applied to refine the search results. Retrieved articles were evaluated for their relevance to the research question and their adherence to predefined inclusion criteria. The search is based on titles, abstracts, and keywords. Articles written in languages other than English, technical reports, and conference papers were excluded from the review.

The selected studies were critically evaluated to assess their methodological quality and relevance to the research question. Key findings were extracted from the selected articles. The extracted data was then subjected to a comprehensive analysis to identify patterns, trends, and important findings related to fungal species' biodegradation of MPs. This systematic approach ensures that the review article includes the most relevant and valid studies in the literature.

degradation **Results:**This study focused on investigating the potential of fungal species in degrading different types of MPs. One aspect of this research included the isolation of *Cladosporium halotolerans* from the digestive system of *Galleria mellonella* larvae and the study of its interaction with plastic materials, especially PE. The results showed that *C. halotolerans* secretes enzymes that play a role in polyethylene degradation. Another study investigated the degradation potential of a *Cephalosporium* strain on films made from LDPE and HDPE. After 56 days of incubation, a significant weight loss of about 24.53% and 18.22% was observed in LDPE and HDPE, respectively, indicating effective degradation by the *Cephalosporium* strain. Biodegradability potential of *Pleurotus ostreatus* and *Pleurotus pulmonarius* on PET plastic was investigated. It showed various degradation products including hydrocarbons, carboxylic acids, alcohols, esters and ketones. These compounds were the result of chain scission caused by fungal activity. In addition, the degradation of PU was investigated and the results showed that *Cladosporium* strain showed the highest activity in PU degradation. During the degradation process, several metabolites were identified as carbon sources for the growth of *Cladosporium* sp. served.

Conclusion: Fungi have the ability to degrade all types of MPs through enzymatic degradation and metabolic processes, and research studies have clarified the enzymatic mechanisms involved and the factors that affect the efficiency of fungal degradation. Additionally, fungal biodegradation of MPs does not produce harmful byproducts, making it an environmentally friendly approach. However, challenges and limitations remain in using fungal species for MPs remediation. Optimizing degradation conditions, including temperature, pH, and nutrient availability, is critical for increasing fungal activity and efficiency. In addition, the scalability and practical implementation of fungal-based biodegradation processes need further exploration. Continued research and development in this field are necessary to harness the full potential of fungal biodegradation and pave the way for effective and sustainable solutions to combat the global issue of MPs pollution.

Keywords: *Microplastic, fungus, biodegradation, enzymatic degradation*

Use of Saccharomyces cerevisiae as new technique to remove polystyrene from aqueous medium: modeling, optimization, and performance

Afsaneh Esmaeili Nasrabadi[1],Mohaddeseh Zahmatkesh Anbarani[1], Ziaeddin Bonyadi[2]

1-Student Research Committee, Department of Environmental Health Engineering, School of Health, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

2-Social Determinants of Health Research Center, Department of Environmental Health Engineering, School of Health, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

Abstract

Background and aims: Microplastics (MPs) are prevalent in various environments. Polystyrene (PS) is the second most common type of microplastic found in sediments, water, soil, and coastal ecosystems. PS, an emerging pollutant, can accumulate in the food chain. *Saccharomyces cerevisiae* (*S. cerevisiae*) yeast was studied as a biocoagulant due to its ease of use, non-toxicity, scalability, and cost-effectiveness. This study aims to investigate the efficiency of *S. cerevisiae* in removing PS from water.

Materials and methods: The Box–Behnken design (BBD) was used to determine the optimal removal conditions. To prepare PS microplastics, plastic granules were first washed with concentrated hydrochloric acid. Then, they were dried in an oven at 60°C for 24 hours. The dried plastic granules were crushed into small particles and then sieved to obtain sizes smaller than 100 µm. *S. cerevisiae* yeasts were also purchased already. PS removal was measured under various parameters, including *S. cerevisiae* dosage (100-300 mg/L), PS concentration (200-900 mg/L), and pH (4-10). The suspension of PS and *S. cerevisiae* was stirred at various speeds to disperse the yeast cells and promote contact with the PS particles. The formed clots were allowed to settle under static conditions, and the microplastics suspended in the aqueous solution were measured by filtering them through Whatman filter paper. The weight of the filter paper was recorded after drying.

Results: According to the results of this study, the maximum removal efficiency was observed to be 98.81% under optimal conditions. These conditions included a PS concentration of 550 mg/L, a yeast dosage of 200 mg/L, and a pH of 7. The removal efficiency was the lowest at 27.77%. Energy-dispersive X-ray (EDX) analysis showed a decrease in the carbon percentage in the mixture of PS and S. cerevisiae after the removal process. Field emission scanning electron microscopy (FESEM) showed that PS particles accumulated on the yeast surface and utilized its pores for storage. The presence of hydrophobins on the surface of yeast enables the binding of negatively charged PS particles. As a result, large clots are formed. Fourier-

transform infrared spectroscopy (FT-IR) analysis before and after the removal process also revealed changes in the peak positions, suggesting the attachment of coagulant particles to polystyrene.

Conclusion: In conclusion, *S. cerevisiae* acts as an effective coagulant for removing polystyrene. The properties of yeast, such as its high adhesion and hydrophobic structure, allow for the accumulation of polystyrene on its surface. The removal efficiency is influenced by the solution's pH, the concentration of polystyrene, and the dose of Saccharomyces cerevisiae. An alkaline pH and moderate concentrations of polystyrene and *S. cerevisiae* are suitable for increasing the removal efficiency. These findings highlight the potential of *S. cerevisiae* as a promising solution for removing microplastics from aquatic environments.

Keywords: *Saccharomyces cerevisiae*, yeast, microplastic, polystyrene

Monitoring drinking water chromium and its health risk in rural areas of Qazvin province

Zahra Hamidi[1,6], Fateme Qotbi nia[2], Mehdi Ranjbaran[3], Akram Bahojb[4], Hamid Karyab[5]

1-Ms in Environmental Health Engineering, School of Public Health, Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin, Iran,
2-Ms Student in Environmental Health Engineering, School of Public Health, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran

3- Assistant Professor of Epidemiology, Metabolic Diseases Research Center, Research Institute for Prevention of Non-Communicable Diseases, Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin, Iran

4- Qazvin Health Centre, Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin, Iran

5- Associate Professor, Social Determinants of Health Research Center, Research Institute for Prevention of Non-Communicable Diseases, Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin,

6-Student Research Committee, Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin, IRAN

Abstract

Background and aims: Chromium is a heavy metal that toxic to humans in small concentrations. This study aimed to evaluate the cancer risk of exposure to chromium in drinking water in rural areas of Qazvin province.

Materials and methods:Water sampling was performed according to the standard methods for water and wastewater examination and chromium analysis was performed with ICP-OES. Exposure factors were determined using a validated questionnaire. Finally, the risk assessment of oral and dermal exposure to chromium was performed using the risk assessment technique. Monte Carlo simulation was also used to determine the uncertainty caused by point risk estimation.

Results: The mean concentration of chromium in drinking water was2.8±5.04 µg/l. The excess lifetime cancer estimated by the Monte Carlo simulation was 30.8 cases per 100,000 in the studied population, indicating 100 cases of cancer in the population living in rural areas of the Qazvin province **.**

Conclusion: Based on the obtained results, it can be concluded that although the concentration of chromium was lower than the maximum allowed in the national standard (0.05 mg/l), the risk of carcinogenesis was higher than the acceptable risk level of WHO (1 case per

100,000).Also, using the results obtained from the Monte Carlo simulation instead of point estimation provides higher confidence in risk management decisions

Keywords: *Drinking water, Heavy metals, Chromium, Carcinogenesis risk assessment, Monte Carlo simulation*

پنل مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست

بررسی بار بیماری منتسب به حوادث شغلی و تعیین روند مکانی– زمانی آن در ایران در بازه زمانی ۱۳۹۷–۱۳۹۲

احمد جغتائی[۱]. رضا غلام نیا[۲]. شکوه سادات خالو[۲]. سهیلا خدا کریم[۳]. رضا سعیدی[۲*]

۱-کارشناسی ارشد مدیریت HSE دانشکده ایمنی و بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۲-هیت علمی گروه HSE دانشکده ایمنی و بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۳-هئیت علمی گروه اپیدمیولوژی دانشکده ایمنی و بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

چکیده

زمینه و هدف : هزینه‌های ناشی از عدم سلامتی محیط و نیروی کار در درآمد ناخالص ملی قابل احتساب است که حدود ۴-۶ درصد GDP (تولید ناخالص داخلی) کشورها را در بردارد. یکی از اقدامات مهم و حیاتی تعیین و تجزیه و تحلیل بار بیماری آنها به تفکیک علت حادثه، عارضه سلامتی، نوع شغل، نوع فعالیت، جنسیت، گروه سنی، زمان و مکان رخداد آنها است.

مواد و روش ها: ابتدا تمام داده های مرتبط با آمار اشتغال (از سازمان ملی آمار ایران) میزان اشتغال تأمین اجتماعی ، تعداد حوادث و پیامد های به تفکیک جنسیت، استان و و نوع فعالیت اخذ گردید و سپس مراحل زیر صورت پذیرفت: ۱- شناسایی و طبقه‌بندی مشاغل و فعالیت‌های شغلی، عوارض سلامتی حوادث شغلی و علل حوادث شغلی بر اساس اطلاعات سامانه ثبت حوادث وزارت کار ۲- برآورد مدت (دوره زمانی) و ضریب ناتوانی عوارض بهداشتی غیرکشنده حوادث شغلی و زمان بهبود از کمسیون پزشکی تأمین اجتماعی و تحقیقات دیگر تهیه گردید ۳- محاسبه بار بیماری‌های منتسب به حوادث شغلی به تفکیک مرگ، عمر از دست رفته در نتیجه فوت پیش از کهولت (YLL[۲۶]) ، عمر سپری شده با ناتوانی (YLD[27] و DALY[۲۸]). ۴- بررسی روند تغییرات زمانی، مکانی و تأثیر سن و جنسیت بر بار بیماری‌های منتسب به حوادث شغلی.

نتایج: تعداد و بار بیماری منتسب به حوادث شغلی در دوره مطالعه رو به کاهش می باشد به طوری که نرخ بار بیماری حوادث شغلی ۵۰/۸۶ درصد کاهش یافته که بیشتر مربوط به حوادث غیر کشنده می باشد(در حوادث کشنده ۳۴٪ و حوادث غیرکشنده ۵۴٪). از جهت کاهش تعداد حادثه به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر ۳۳٪ کاهش نرخ حادثه در بازه زمانی ۸ ساله مشاهده شده است. در سال ۱۳۹۲ بیشترین نرخ دالی مربوط به سنین ۲۰-۲۴ سال و در سال ۱۳۹۸ به ۳۰-۳۴و ۳۵-۳۹ رسیده است، در سال

[26] Years of Life lost from mortality
[27] Years of healthy life lost due to disability
[28] Disability-Adjusted Life Year

۱۳۹۲ نرخ دالی مردان حدود ۵۰ برابر و در سال ۱۳۹۸ حدود ۳۸ برابر زنان بوده است. بیشترین هزینه حوادث در صنایع ساختمان، تولید و ارتباطات و کمترین آنها در ماهیگیری، آموزش و بهداشت رخ داده بود.

بعد از حوادث کشنده که بیشترین بار بیماری ها را در ایران تشکیل می‌دهد شکستگی‌ها و قطع عضوها بیشترین و نقص عضو و سوختگی کمترین دالی را ایجاد می نماید. بیشترین دالی در تفکیک نتایج را سقوط از ارتفاع و گیر کردن بین ماشین آلات و اشیاء تشکیل می دهد و کمترین آن مربوط به مواجهه به مواد خطرناک و مواد شیمیایی می باشد.

نرخ حوادث در سال ابتدایی و انتهایی تحقیق ۳۳٪ کاهش داشته است اما نرخ بار بیماری حوادث شغلی ۴۹/۱۳٪ کاهش داشته است که نشان می دهد در کاهش شدت حوادث در بازه زمانی ۸ ساله نسبت به تعداد رویدادها موفق تر عمل شده است. بیشترین نرخ رویداد حادثه مربوط به استان‌های قم، قزوین، اردبیل و ایلام و کمترین سیستان و بلوچستان، خراسان شمالی و سمنان بوده است و در سال ۲۰۱۸ استان های مرکزی، کرمانشاه و آذربایجان غربی بدترین وضعیت را داشته‌اند. بیشترین DALY در کل سال‌های پژوهش مربوط به استان تهران و خراسان رضوی می‌باشد.

نتیجه گیری : نرخ حادثه (IR) در ایران از ۱۰۶/۸ به ازای هر ۱۰۰ هزار کارگر در سال ۱۳۹۲ به ۷۱ رسیده است در سال ۱۳۹۲ YLL و YLD به ترتیب ۱۳۸۶/۸و ۱۳۲/۶و در سال ۱۳۹۸ برابر ۱۱۶۲/۱ و ۲۶۱/۷ بوده است. که نسبت YLD در DALY قابل انتساب ملی در سال ۱۳۹۲ برابر ۷۱٪ و در سال ۱۳۹۸ حدود ۶۳٪ بوده است. حدود ۹۷٪ از DALY های قابل انتساب در سال ۱۳۹۸ در مردان رخ داده است.

نسبت YLD ها در DALY های قابل انتساب ملی در سال ۱۳۹۲ برابر ۷۱٪ و در سال ۱۳۹۸ حدود ۶۳٪ بوده است. حدود ۹۷٪ از DALY های قابل انتساب در سال ۱۳۹۸ در مردان رخ داده است.

واژگان کلیدی : *بار بیماری، حوادث شغلی، علت حادثه، پیامد حادثه، روند زمانی- مکانی،*

مروری سیستماتیک برمیزان کارایی تابلوهای ایمنی وعلائم راهنما در اصلاح رفتار ناایمن و پیشگیری از حوادث با رویکرد ارگونومی شناختی : بومی سازی علائم راهنما در ایران

فاطمه شیخ[1]، مهران بخشنده[2]

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد / رشته ارگونومی / دانشکده بهداشت / دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران،ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد/ مهندسی ایمنی، بهداشت و محیط زیست (HSE)/ دانشکده بهداشت و ایمنی/ دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

زمینه و هدف : تاکنون پژوهش های متعددی در حوزه تابلوهای ایمنی و علایم راهنما انجام شده است که هدف آن ها دستیابی به موثرترین حالت ممکن برای جلب توجه مخاطب و پیشگیری از حوادث ناشی از رفتار ناایمن بوده است. بااین حال، در شرکت های ساینینگ(signing)، هم اکنون این دغدغه وجود دارد که به راستی بهترین نوع جایگذاری و طراحی تابلوها چگونه است و تا چه اندازه میتوان از استاندارد های متفاوت کشور های دیگر در این زمینه ، برای بومی سازی این علائم و تابلو ها در کشور خودمان یاری گرفت. همانطور که روشن است قوانین حاضر در حوزه ساینینگ، با توجه به تفاوت های موجود در فرهنگ های مختلف، دستخوش تغییراتی در طراحی و جایگذاری شده است. حال این سوال وجود دارد که کدام یک ازین استاندارد ها تاکنون موفق تر بوده اند؟ و کدامیک از آن ها برای ایران کاراتر است؟ مطالعه حاضر، با در نظر گرفتن نقش پررنگ رفتارهای ناایمن در بروز حوادث و همچنین میزان اثربخشی تابلوهای ایمنی در پیشگیری از آن ها ، مروری بر مطالعات این حوزه با تمرکز بر ویژگی های ارگونومی شناختی انجام داده است تا با گردآوری اطلاعات درباره نرخ اصلاح رفتار بعد از جایگذاری تابلوها، ضمن تاکید بر اهمیت جایگذاری صحیح آن ها، جمع بندی کاملی از اطلاعات گذشته داشته باشد که بتوان با استفاده از آن ها، بستری برای تحقیق بیشتر و بومی سازی صحیح در ایران فراهم آورد و همچنین منبع الهام خوبی برای سایر تحقیقات در کشورهای دیگر باشد.

مواد و روش ها : این مقاله نوعی مطالعه مروری است که در آن جمع آوری اطلاعات از طریق جستجو در اینترنت(google scholar, SID) بدون محدودیت زمان و با استفاده از کلمات کلیدی ارگونومی شناختی، تابلوهای ایمنی، حادثه، رفتار ناایمن، ترافیک جاده ایی صورت گرفت. مقالات بدون هیچ گونه نظر سوگرایانه انتخاب شده اند. در ابتدای امر مقالاتی که به موضوعات کلیدی و اصلی مقاله نظیر ارگونومی شناختی، حوادث و تابلوهای ایمنی مرتبط بودند، انتخاب شده و سپس با مطالعه کامل و اصولی روش کار، نتیجه گیری و یافته ها به همراه ثبت و طبقه بندی داده های کمی و کیفی به نتایج قابل بحث پرداخته شد. همچنین ذکر این نکته قابل توجه است که نتایج بدست آمده نه تنها بصورت شناختی و روانی بدست آمده اند، بلکه در تطابق کامل با داده های کمی (نرخ اصلاح رفتار) قابل اطمینان و استاندارد هستند.

نتایج : عمده تحقیقات صورت گرفته و یافته های کمی در مورد حوادث ناشی از وجود نقص در تابلوهای هشدار دهنده ، مربوط به حوادث راه و ترابری بوده است. آنچه میتوان دریافت این است که بروز تصادف به علت عدم دید مناسب ، به خصوص در شرایط جوی نامساعد مانند گرد و غبار، نیاز به بهینه سازی و افزایش کارآیی علائم راهنمایی را به وضوح نمایان می سازد. وجود موانع در تابلوهای راهنما، دید آنها را با مشکل مواجه کرده و نتایج منفی ناشی از دید نامناسب را به دنبال خواهد داشت. این تابلوها به شرطی می توانند موثر واقع شوند که طراحی آن ها منطبق با اصول ارگونومی و براساس ویژگی های شناختی باشد. نتایج نشان داده اند که نرخ شدت حوادث با میزان سالم بودن و خوانا بودن تابلوهای ایمنی رابطه معنا داری دارند. همچنین رنگ ها و نماد های یکسان در کشورهای مختلف غالبا بیان کننده معنی یکسانی نیستند و این موارد باید بر اساس فرهنگ هر جامعه تبیین شود تا به هدف غایی خود که راهنمایی مخاطب است دست یابند.

نتیجه گیری: با توجه به مطالعات کمی و کیفی مذکور و ارزیابی تعداد و شدت حوادث در فصول مختلف بسته به میزان روشنایی و قرارگیری سوانح در بازه زمانی طلوع تا غروب و بلعکس، اصلی ترین معیارها در چندین دسته بندی مشخص جای گرفتند که بارز ترینشان مربوط به عوامل ارگونومیکی ذهنی و روانی، وضعیت ناایمن روشنایی جاده و جانمایی اصولی می شود.

واژگان کلیدی : *ارگونومی شناختی، تابلوهای ایمنی، حادثه، رفتار ناایمن، ترافیک جاده ایی*

بررسی اثربخشی آموزش اصول بهداشت شغلی در رانندگان تاکسی درون‌شهری استان تهران در سال ۱۴۰۰

سمیه فرهنگ دهقان[۱]، محمدحسین وزیری[۲]، سیروان زارعی[۳]

۱. کارشناسی ارشد، گروه سلامت، ایمنی و محیط‌زیست (HSE)، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۲. استادیار، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۳. استادیار، گروه سلامت، ایمنی و محیط‌زیست (HSE)، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

زمینه و هدف : بهره‌مندی از نیروهای سالم، کارآمد و مهم جامعه، از ارکان استقلال و توسعه پایدار در هر جامعه است. مواجهه شغلی با عوامل زیان‌آور محیط کار در جمعیت کاری رانندگان تا حدودی شایع بوده و شغل رانندگی تاکسی به‌عنوان یکی از مشاغل با ریسک شغلی بالا مطرح می‌باشد؛ بنابراین این مطالعه با هدف تعیین اثربخشی آموزش اصول بهداشت شغلی در رانندگان تاکسی درون‌شهری استان تهران انجام شد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه توصیفی_ تحلیلی به‌صورت شبه آزمایشی در سال ۱۴۰۰ انجام گرفت. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌های دموگرافیک و محقق ساخته بود. روایی آن مورد تائید کارشناسان و متخصصان سلامت شغلی بوده و پایایی آن با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ به دست آمد. ابتدا از دو گروه ۵۰ نفره (پیش‌آزمون و کنترل) خواسته شد تا پرسشنامه ها را بر اساس اطلاعات و دانش‌پایه خود تکمیل نمایند. آموزش و مطالعه بروشورهای آموزش سلامت شغلی شامل آشنایی با عوامل زیان‌آور فیزیکی، شیمیایی، مکانیکی، روانی و ارگونومیک مرتبط با رانندگان اجرا شد. سپس از افراد گروه پس‌آزمون خواسته شد بعد از مجدداً به پرسشنامه ها پاسخ دهند.درنهایت نتایج به‌دست‌آمده با استفاده از روش‌های آماری در نرم‌افزار SPSS26 تجزیه‌وتحلیل گردید.

یافته‌ها: میانگین سنی رانندگان تاکسی در مطالعه ۵/۲۴± ۳۶/۸۴ سال بود. میزان سابقه کاری در رانندگان تاکسی ۴/۰۱ ±۸/۹۸ گزارش گردید. میانگین نمره پس از آزمون گروه آزمایش در زمینه‌های دانش، نگرش و عملکرد در حوزه سلامت شغلی در رانندگان تاکسی از میانگین نمره گروه کنترل و پیش‌آزمون بیشتر گزارش گردیده و ازنظر آماری، معنادار بود. علاوه براین در گروه کنترل و پیش‌آزمون، اختلاف معناداری در رانندگان تاکسی بر اساس تحصیلات وجود دارد.در همین راستا رانندگان دارای تحصیلات بالاتر آگاهی، نگرش و رفتار بهداشتی مطلوب‌تری نسبت به سایرین دارند.

نتیجه‌گیری: آموزش اصول بهداشت شغلی در رانندگان تاکسی درون‌شهری استان تهران تأثیر زیادی در ارتقاء آگاهی، نگرش و عملکرد آن‌ها دارد. بنابراین پیشنهاد می‌گردد که مسئولان و برنامه ریزان شهری و بهداشتی با برگزاری دوره‌های آموزشی برای رانندگان تاکسی زمینه‌ی ارتقاء سواد سلامت و همچنین پیشگیری از عوامل زیان‌آور شغلی را فراهم آورند.

واژگان کلیدی: *آموزش، سلامت شغلی، رانندگان تاکسی*

تاثیر صدای فرودگاه بر سلامتی و عملکرد کارکنان فرودگاه

فاطمه دستجانی فراهانی[۱]، احمد جغتائی[۲] ، رسول عسگری[۲]

۱-کارشناسی شنوایی شناسی، دانشکده توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی اراک

۲-کارشناسی ارشد، رشته HSE، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

چکیده

زمینه و هدف: آلودگی صوتی ناشی از هواپیما بعنوان یک معضل شناخته شده است که به دلیل آثار فیزیولوژی (کاهش شنوایی، وزوز گوش، استرس، اختلالات خواب) و روانشناختی مضر روی پرسنل هوانوردی و ساکنین محدوده فرودگاه از اهمیت بالایی برخوردار است که می‌تواند بر عملکرد شغلی و کیفیت کلی زندگی تأثیر بگذارد. ۱۰ درصد نیروی شاغل در ایران در صنعت هوانوردی مشغول فعالیت می‌باشند. بر اساس آمار سازمان بین‌المللی کار، سالانه حدود ۳۴۰ میلیون حادثه شغلی و ۱۶۰ میلیون بیماری‌های ناشی از کار رخ می‌دهد و شایعترین عامل فیزیکی زیان آور صدا علاوه بر بیماری می تواند به عنوان علل غیر مستقیم حوادث شمرده شود. آزاردهندگی صدا رابطه مستقیمی با تعداد پرواز دارد. عمده مواجهه پرسنل صنعت هوانوردی با صدا به سه گروه تقسیم می‌شود: ۱- خدمات زمینی ۲- صدای هواپیما در زمان خیزش و برخاستن ۳- تعمیر و نگهداری هواپیما (در محیط کارگاه و آشیانه، فضای بسته). گروه اول در فضای آزاد با صدای تولید شده از تجهیزات کمکی هواپیما مانند سیستم مولد برق GPU تجهیزات بارگیری، جت استارت، APU و غیره مواجهه دارند، گروه دوم در معرض صدای هواپیما در حالت خیزش، نشست و برخاست هواپیما (صدای تولید شده از موتور هواپیما و عبور جریان هوا از روی بدنه و بال هواپیما) که تفاوت آن با گروه اول در فاصله و زمان مواجهه می‌باشد، گروه سوم پرسنل مهندسی و تعمیرات را شامل می‌شود که علاوه بر مواجهه با صدای گروه اول و دوم، با صدایی در فضای بسته در محیط کارگاه مواجهه دارند.

مواد و روش ها : پژوهش حاضر از نوع توصیفی – تحلیلی می‌باشد. قرار گرفتن در معرض سر و صدای هواپیما در محیط کار به طور مداوم در ساعت های مختلف توسط دستگاه castle Air بعد از کالیبراسیون در محیط، اندازه گیری شد. جهت دقیق تر بودن نمونه‌های اندازه گیری، نسبت به تنوع در تایپ هواپیما، فازهای مختلف عملیاتی مورد توجه قرار گرفت. برای این تحقیق به منظور تعیین میزان آزاردهندگی صوتی در فرودگاه تعداد ۱۵۰ نفر از شاغلین در فرودگاه به صورت نمونه گیری تصادفی ساده پرسشنامه را تکمیل کردند. روایی محتوایی پرسش نام های آزاردهندگی با کسب نظر متخصصان مربوط حاصل شد. این پرسشنامه در سه بخش ساختار یافته بود: داده های کلی در مورد شرکت کنندگان، آگاهی از آلودگی صوتی و درک پرسنل از اثرات صوتی بوده که توسط ۱۵۰ نفر پرسشنامه تکمیل گردید. در بخش اصلی تجزیه و تحلیل پرسشنامه از آمار توصیفی استفاده شد و معیارها به عنوان پیش مرحله پردازش داده ها تعیین شد. از تحلیل پارتو، رگرسیون خطی و ANOVA دو طرفه با آزمون تعقیبی توکی برای پردازش داده‌های معیارهای فردی و تحلیل رگرسیون برای داده های انتخاب شده توسط نرم افزار SPSS 22 استفاده گردید.

نتایج : شاخص ترازهای صوتی در منطقه عملیاتی در فازهای مختلف عملیات هوانوردی مورد بررسی قرار گرفت که مقادیر آن در جداول زیر قابل مشاهده می باشد

در نمونه برداری از ضدای محیط در عملیات زمینی هواپیماهای پهن پیکر LAeq برابر ۹۳/۵ و حداکثر مواجهه برابر ۱۰۲ و TWA نیز ۷۰ دسی بل می باشد در زمان روشن کردن موتور هواپیما توسط تجهیزات زمینی JST میزان صدا LAeq برابر ۱۰۰ و حداکثر صدا ۱۰۴ بود که با توجه به حضور افراد در نزدیکی محل تجهیز دوزیمتری فرد برابر ۳۲۴۹ درصد بوده است در نمونه برداری صدا در هواپیماهای بدنه باریک در دو ناحیه استند (فضای باز، صفر) و نزدیک ترمینا مسافری LAeq به ترتیب ۸۵ و ۸۹ دسی بل و حداکثر مواجهه ۸۷ و ۹۲ می باشد و TWA برابر ۵۵ و ۵۹ بوده و LC Peak در هردو تقریبا نشابه و برابر ۱۰۹ بوده است.

میزان صدای هواپیما که بیشتر مربوط به صدا موتور و حرکت هوای روی بال و بدنه می باشد در فاصله ۶۵۰ متری از باند اندازه گیری و برای هواپیمای خانواده A320 برابر A306،۱۰۱ برابر ۱۰۹ و بوئینگ ۷۳۷ عدد ۱۱۴ و A330 ۹۸ دسی بل

بیشترین مولد صدا مربوط به موتور هواپیما در زمان برخاستن می باشد ولی به دلیل زمان کوتاه مواجهه و فاصله زیاد با پرسنل، بیشترین صدمه ناشی از صدا مربوط هندلینگ پرواز می باشد. ارتباط معنی داری بین قرار گرفتن در معرض نویز هواپیما در دسی بل و بیماری روانی شناسایی شده با GHQ-12 وجود ندارد. با این حال، یافته‌های ما یک گرادیان بین آزاردهنده به دلیل سر و صدای هواپیما و بیماری روانی را پیشنهاد می‌کند،

بیش از ۷۰٪ افراد شرکت کننده در تحقیق از کاهش تمرکز در کار، سردرد و سرگیجه، اختلال در خواب و سنگینی گوش رنج می بردند همچنین بیشترین فرکانس تولید شده از هواپیما و تجهیزات زمینی در فرکانس ۵۰۰ تا ۴۰۰۰ هرتز می باشد.

نتیجه گیری: عامل زیان آور صدا منجر به هزینه زیادی برای جامعه می شود (از دست دادن سال‌های زندگی سالم، هزینه درمان، از دست دادن مهارت در کار به دلیل بیماری یا خستگی ناشی از محرومیت از خواب یا دوره های استراحت ناموفق؛ کاهش خلاقیت و یادگیری و استرس صوتی). فشار روانی مزمن، همراه با واکنش های استرس فیزیولوژیکی به قرار گرفتن در معرض صدا، ممکن است خطر سلامتی، به ویژه بیماری های قلبی عروقی و اختلالات روانی را افزایش دهد رابطه بین سر و صدای حمل و نقل و اثرات قلبی عروقی نشان دهنده یک ارتباط مثبت است. میزان تاثیر صدا به جنسیت، سن و طول مدت تماس با عامل صدا بستگی دارد. اثرات مربوط به سر و صدای محیطی از علل مهم افت شنوایی حسی عصبی می باشد، کاهش شنوایی NIHL شایع ترین مشکل شنوایی است که ۳۰٪ علل کاهش شنوایی را به خود اختصاص می‌دهد بیشترین میزان کاهش شنوایی مربوط به گوش چپ (حساسیت بالاتر گوش چپ نسبت به گوش راست) و در فرکانس 4k رخ می‌دهد.

واژگان کلیدی : *بیماری شغلی- هوانوردی- صدا- فرودگاه-* NIHL

فرسودگی شغلی در کادر درمان بیمارستان های تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

رسول عسگری[۱]، امین باقری[2]، محمد حجار تبار[۲]

۱-گروه مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست، دانشکده ایمنی و بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران،

۲-گروه مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست، دانشکده ایمنی و بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

زمینه و اهداف: سازمان‌ها امروزه به این نتیجه مهم رسیده‌اند که عدم توجه جدی به HSE، می‌تواند موجب افزایش نرخ حوادث و بیماری‌های شغلی گردد. از طرفی فرسودگی شغلی به عنوان یکی از مهم ترین عوامل روانی زیان آور محیط کار شناخته می شود. حجم کاری بالا، فشارهای روانی و استرس زیاد می تواند موجب فرسودگی شغلی در اعضای کادر درمان گردد. این پژوهش با هدف بررسی فرهنگ HSE و ارتباط آن با فرسودگی شغلی در میان کادر درمان بیمارستان‌های تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی انجام شد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه توصیفی- تحلیلی، بصورت مقطعی– میدانی بر روی ۲۰۰ نفر از اعضای کادر درمان بیمارستان‌های تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی انجام گرفت. جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه فرسودگی شغلی ماسلاچ و پرسشنامه فرهنگ HSE استفاده شد. در نهایت با استفاده از نرم افزار SPSS، داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. رعایت ملاحضات اخلاقی در تمام مراحل اجرای مطالعه در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که فرهنگ HSE با فرسودگی شغلی دارای همبستگی معنادار هستند (P<۰/۰۵). فرسودگی شغلی در کادر درمان در حد متوسط وجود داشت. همچنین مشخص شد که از بین ویژگی‌های جمعیت شناختی سه متغیر سن، تحصیلات و میزان سابقه کار با فرهنگ HSE دارای رابطه معناداری هستند (P<۰/۰۵) ولی بر فرسودگی شغلی تاثیر معناداری ندارند (P<۰/۰۵).

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش نشان داد که فرسودگی شغلی و مولفه‌های آن در کادر درمان در حد متوسط است و هر مقدار که سطح فرهنگ HSE افزایش یابد به همان میزان نیز فرسودگی شغلی کاهش پیدا می‌کند. بنابراین برنامه‌ریزی در جهت ارتقاء سطح فرهنگ HSE می‌تواند به کاهش فرسودگی شغلی کمک کند.

واژگان کلیدی: فرسودگی شغلی، فرهنگ HSE، کادر درمان

شناسایی مخاطرات و مدیریت ریسک و بررسی اثر آن بر نرخ حوادث شغلی در یکی از صنایع فولادی

رسول عسگری[1]، احمد جغتایی[2]، سما کریمی[2]

۱-گروه مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست، دانشکده ایمنی و بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۲-گروه مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست، دانشکده ایمنی و بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

زمینه و اهداف: در دنیای امروزی خطرات و ریسک های مرتبط با محل کار بسیار متنوع اند و اغلب آنها به حدی بالاست که در عمل امکان جبران پیامدهای حاصله غیرممکن است. صنایع فرآیندی به عنوان خطرناک‌ترین مکان‌ها شناخته شده‌اند که خطر تصادف، خسارات، صدمات کشنده و غیرمرگبار در آن‌ها ممکن است رخ دهد. صنایع فرآیندی برای عملکرد HSE با مشکلات زیادی مواجه هستند. این امر عمدتاً به دلیل عوامل مخرب در این صنایع و پیچیدگی فرآیندها است. علاوه بر این، مطالعات متعدد نشان داده است که میزان بالایی از حوادث شدید مانند انفجار، آتش سوزی، انتشار مواد سمی و سایر صدمات جزئی و شدید در این صنایع وجود دارد. برای جلوگیری از حوادث لازم است تمامی ریسک های مختلف را در فرآیند کار شناسایی نمود و سپس با ارزیابی دقیق و درست نسبت به کنترل آن ها اقدام گردد. در این راستا، پژوهش حاضر با هدف تاثیر اجرای مدیریت و ارزیابی ریسک بر حوادث در یکی از صنایع فولادی کشور انجام شد.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه توصیفی – تحلیلی که بصورت مقطعی – میدانی انجام شد، پژوهش حاضر در چهار مرحله به شرح زیر اجرا شد. ۱) جمع آوری و تأیید داده های مربوط به حوادث، ۲)، جمع آوری داده ها در مورد عوامل و متغیرهای مدیریت ریسک، ۳) انتخاب ویژگی، ۴)، تجزیه و تحلیل و مدل سازی متغیرها و عوامل مؤثر بر AFR. در ابتدا داده های حوادث شغلی با بررسی فرم های گزارش حوادث سال ۱۴۰۰ از نظر تعداد، نوع، شاخص تکرار حوادث و همچنین ضریب T ایمن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. سپس کلیه واحدها و مشاغل مختلف به منظور مدیریت و ارزیابی ریسک توسط تیم ارزیابی ریسک مورد بازبینی و تحلیل قرار گرفتند. بعد از انجام مدیریت ریسک و اعمال اقدامات کنترلی و اصلاحی، حوادث سال ۱۴۰۱ نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و سپس نتایج حاصل از داده ها، جهت تاثیر مدیریت ریسک بر کاهش حوادث و کافی بودن اقدامات کنترلی و اصلاحی مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: در سال ۱۴۰۰ در این کارخانه ۲۳ مورد حادثه به وقوع پیوسته است که ۷۰ درصد (۱۶ مورد) مربوط به انجام اعمال ناایمن و ۳۰ درصد (۷ مورد) مربوط به شرایط نا ایمن محیط کار و ضریب تکرار حادثه (AFR) طبق استاندارد OSHA برابر با ۱۱ بود. بیشترین حادثه از نوع شکستگی و بریدگی بود. پس از انجام مدیریت ریسک توسط تیم مدیریت ریسک، ۸۰۰ ریسک در ۱۵ واحد شناسایی، ارزیابی و ارزشیابی شدند. پس از شناسایی، ریسک ها طبق ماتریس ریسک موجود در روش اجرایی

مدیریت ریسک، ارزیابی شدند. ماتریس ریسک دارای دو متغیر احتمال و شدت، با عددی بین ۱ تا ۶ می باشد. ریسک ها با عدد ریسک (RPN) بدست آمده بین ۱ تا ۸ ریسک سطح پایین (Low Risk)، عدد ریسک بین ۹ تا ۲۵ ریسک سطح متوسط (Medium Risk) و عدد ریسک بالاتر از ۲۵ ریسک سطح بالا (High Risk) ارزشیابی شدند. لازم به ذکر است که اگر شدت ریسکی ۶ در نظر گرفته شده باشد، بدون توجه به RPN، آن ریسک در دسته ریسک با سطح بالا (High Risk) قرار می گیرد. بعد از ارزیابی و ارزشیابی ریسک ها مشخص شد که ۱۰۰ ریسک در سطح بالا، ۳۰۰ ریسک در سطح متوسط و ۴۰۰ ریسک در سطح پایین در بین واحدهای مختلف قرار دارند. سقوط بار جرثقیل بر روی نفرات، از کار افتادن سیستم برقی مگنت جرثقیل، عمل نکردن سیستم ترمز اضطراری جرثقیل های سقفی، برق گرفتگی، برخورد میلگرد به نفرات، انفجار مخازن تحت فشار، سقوط از ارتفاع، انفجار کوره، برخورد جرثقیل سقفی به نفرات، قطعات دوار، سقوط به داخل حوضچه تصفیه آب، سقوط به داخل حوضچه تصفیه فاضلاب، مواجهه باسر وصدا بالا تنها بخشی از مخاطرات با ریسک بالا بودند.

برای ریسک هایی با سطح بالا و متوسط اقدامات کنترلی و اصلاحی مناسب انجام شد. اقدامات اصلاحی و کنترلی برای تقریبا ۶۰ درصد از ریسک های سطح بالا و متوسط انجام شد. پس از انجام اقدامات کنترلی و اصلاحی (نصب حفاظ اطراف قطعات دوار، اخذ تائیدیه سلامت دستگاه ها و تجهیزات، نصب اگزوز های پنوماتیک برای شیر برقی، برگزاری دوره های آموزشی مختلف از جمله ایمنی اپراتوری جرثقیل سقفی و باربرداری، ایمنی برق، اطفاء حریق و ...) ، حوادث سال ۱۴۰۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. بعد از تجزیه و تحلیل مشخص شد ۱۵ حادثه شغلی در سال ۱۴۰۱ اتفاق افتاده است که ۸۵ درصد (۱۳ مورد) مربوط به انجام اعمال ناایمن و ۱۵ درصد (۲ مورد) مربوط به شرایط نا ایمن محیط کار و ضریب تکرار حادثه (AFR) طبق استاندارد OSHA برابر با ۶/۸۵ بود. پس از محاسبه ضریب T ایمن طبق استاندارد OSHA، این ضریب برابر با ۱.۹۶- بود که با توجه به علامت منفی آن نشان از بهبود ایمنی در محیط کار دارد.

نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که مدیریت ریسک تاثیر بسزایی در کاهش نرخ حوادث شغلی و به تبع آن افزایش میزان ایمنی محیط کار دارد. متغیرهای شاخص و عوامل سیستم‌های مدیریت ریسک با شاخص LWD حوادث در صنایع فرآیندی همبستگی قوی دارند، بنابراین برای کاهش میزان حوادث در صنایع، یک مدیریت جامع ریسک انجام می‌شود. سیستم باید با توجه به همه و مهمترین متغیرها و عوامل شاخص طراحی و اجرا شود.

از این رو انجام مدیریت ریسک کاربردی، مستلزم توجه بیش از پیش از سوی مدیران ارشد و تیم ارزیابی کننده است و انجام آن بصورت سالیانه و ایجاد بهبود مستمر در انجام آن، ضروری و لازم الاجراست. همچنین مشخص شد پس از انجام مدیریت ریسک و اقدامات کنترلی و اصلاحی موثر، بیش از نیمی از حوادث ایجاد شده در این گروه صنعتی مربوط به شتاب زدگی در انجام امور محوله است که می توان با برگزاری دوره های آموزشی برای کارکنان، میزان حوادث این کارخانه را به میزان قابل توجهی کاهش داد.

واژگان کلیدی: *مدیریت ریسک، ارزیابی ریسک، حوادث، فولاد*

بررسی اضطراب ناشی از کرونا و ارتباط آن با عملکرد شغلی در کارکنان ایران

سما کریمی[۱] ، الهام کریمی[۲] ، احمد جغتائی[۱].رسول عسگری [۱]

۱-کارشناسی ارشد مدیریت HSE دانشکده ایمنی و بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۲-کارشناسی ارشد مدیریت HSE دانشکده ایمنی و بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

چکیده

زمینه و هدف : با افزایش جمعیت و پیشرفت تکنولوژی، نیازهای بشر نیز و تعارضات موجود ذهنی دچار تحول شده و همزمان مشغله های نیز بیشتر گردیده است. اگر در گذشته بیماریها بیشتر مربوط اختلالات افراد بودند، امروزه شاهد شیوع بالای اختلالات روانی هستیم که روز به روز سلامتی افراد را بیشتر تهدید می کند. بخش عمده ای از مشغله های ذهنی افراد مربوط به شغلی است که دارند. یکی از استرس زاترین موضوعات غیرقابل پیش بینی بودن شرایط بحرانی می‌باشد زیرا هیچ زمان قابل اطمینانی برای پایان بحران پیش بینی نشده است بنابراین شیوع بحران هایی مانند شیوع بیماری های ویروسی از جمله COVID-19 می تواند عملکرد شغلی افراد را در محیط‌های کاری تحت تاثیر قرار دهد. این پیامدهای روانشناختی نه تنها بر توجه، درک و توانایی تصمیم گیری شاغلین در محیط های کاری تاثیرگذار است، بلکه تأثیر مزمن و مداومی بر سطوح سلامت جسمی-روانی- اجتماعی شاغلین گذاشته و به طور مستقیم و غیرمستقیم می تواند باعث کاهش کیفیت و بهره وری محیط کار و صنعت و همچنین ایمنی و سلامت شاغلین شود.

مواد و روش ها: در این مطالعه توصیفی- تحلیلی که به صورت مقطعی در بین پرسنل مشاغل مختلف در ایران انجام شد، ۳۸۰ نفر از شاغلین به طور تصادفی انتخاب شد در این پژوهش از پرسشنامه ای سه قسمتی به منظور جمع آوری اطلاعات استفاده گردید که به ترتیب شامل : اطلاعات دموگرافیک و شغلی افراد، سؤالات مربوط به اضطراب ناشی از کرونا و نیز سؤالاتی برای سنجش عملکرد شغلی بود. به منظور سنجش اضطراب ناشی از کرونا در افراد، از پرسشنامه ای تحت عنوان مقیاس اضطراب بیماری کرونا (CDAS: Corona Disease Anxiety Scale) استفاده گردید. روایی پرسشنامه نیز به روش روایی وابسته به همبستگی و با استفاده از پرسشنامه استاندارد سلامت عمومی گل دبرگ GHQ-28: General Health 28 –Questionnaire بررسی شده است که نتایج حاکی از همبستگی معنادار با مؤلفه های مربوط به این پرسشنامه می‌باشد. پرسشنامه عملکرد شغلی توسط پاترسون ساخته شده است که از ۱۵ گویه تشکیل شده است که به منظور سنجش عملکرد شغلی کارکنان بکار می رود. بر اساس این روش از تحلیل نمره های به دست آمده را جمع کرده و سپس امتیاز های برای یک پرسشنامه را درتعداد پرسشنامه ضرب و کل امتیازات محاسبه گردید

پرسشنامه ها در اختیار شرکت کنندگان قرار گرفت. آمارهای توصیفی براساس تعداد (درصد) برای متغیرهای طبقه ای زمینه ای گزارش گردید. از آزمون خی دو برای بررسی ارتباط بین متغیرهای دموگرافیک و اضطراب افراد استفاده شد. علاوه براین،رگرسیون لجستیک به منظور برآورد ارتباط بین گروههای طبقاتی مؤلفه های عملکرد شغلی و اضطراب ناشی از کرونا مورد استفاده قرار گرفت و نتایج مدل رگرسیون لجستیک با نسبت شانس (OR: Odds Ratio)و فاصله اطمینان (CI: Confidence interval) برابر ۹۵ درصد ارائه شد. تجزیه و تحلیل های آماری با استفاده از نرم افزار Stata 14 صورت گرفت.

نتایج: در این پژوهش۷۰/۱درصد شرکت کنندگان مرد بودند. همچنین براساس متغیر سن وسابقه کار مشخص شد که بیشتر شرکت کنندگان درگروه سنی ۳۶-۴۰سال (۲۳/۹درصد) و کمتر از۱۰سال(۴۴/۶) سابقه کار داشتند. همچنین مشخص شد که ۳۳/۲ درصد از شرکت کنندگان دربخش بهداشت ومددکاری اجتماعی مشغول بودند. نتایج آزمون کای دو نشان داد بین متغیرهای گروههای سنی، نوع فعالیت و سابقه کار، با میزان عملکرد شغلی تفاوت معناداری وجود دارد .

بیشترین سطح معنی داری را در هر دو متغیر می توان در گروه جنسیت یافت که در اضطراب ناشی از کرونا برابر ۰/۹۷ و در عملکرد شغلی برابر ۰/۹۲ بوده است و کمترین آن در متغیر اضطراب ناشی از کرونا برابر با ۰/۰۰۱ در گروه فعالیت شغلی و در متغیر عملکرد شغلی در گروه سنی و سابقه کار برابر ۰/۰۰۱ می باشد.

نتایج رگرسیون لجستیک نشان دادند که بین اضطراب و عملکرد شغلی رابطه معناداری وجود دارد . میزان اضطراب متوسط افراد با عملکرد شغلی متوسط دوبرابر افراد با عملکرد شغلی ضعیف می باشد.همچنین میزان اضطراب متوسط افرادی که عملکرد شغلی قوی دارند ۱۷ برابر افراد با عملکرد شغلی ضعیف می باشد که ازنظر آماری نیز این تفاوت معنی دار بود (P<۰/۰۰۱).

در این قسمت عملکرد شغلی ضعیف را بعنوان رفرنس قرار دادیم و در عملکرد شغلی متوسط کمترین ارتباط را با اضطراب کم با ۰/۶۹ و بیشترین ارتباط با اضطراب متوسط با OR برابر ۲ می باشد و سطح معنی داری به ترتیب ۰/۳۹ و ۰/۰۶ بوده است و در عملکرد قوی کمترین ارتباط با اضطراب شدید و بیشترین با اضطراب متوسط با OR به ترتیب ۳ و ۱۶ و سطح معنی داری ۰/۰۰۱> بوده است.

نتیجه گیری : براساس یافته های این مطالعه مشخص شد که بین اضطراب شغلی ناشی از کرونا و عملکرد شغلی رابطه وجود دارد میزان استرس در بین مردان و زنان با هم برابر بوده است و در میان سالگی استرس در حد متوسط بوده و با افزایش سن میزان استرس ابتلا به کرونا بیشتر می گردد با افزایش سابقه میزان استرس کاهش می یابد. به تفکیک نوع فعالیت کشاورزی، تولید بیشترین استرس و معدن، بهداشت و فعالیت های اجتماعی کمترین استرس را محتمل می شوند. هر چقدر فرد عملکرد بهتری داشته باشد میزان استرس کمتری در برابر کرونا دارد.در عملکرد شغلی متوسط کمترین ارتباط را با اضطراب کم با ۰/۶۹ و بیشترین ارتباط با اضطراب متوسط با OR برابر ۲ می باشد و در عملکرد قوی کمترین ارتباط با اضطراب شدید و بیشترین با اضطراب متوسط با OR به ترتیب ۳ و ۱۶ بوده است و بیشترین مربوط به استرس متوسط در عملکرد قوی برابر با

۱۷ می باشد را در بر گرفته است. بین استرس ناشی از کرونا و عملکرد شغلی رابطه معناداری و منفی وجود دارد در تفکیک مشاغل فعالیت های که با ریسک‌های بیشتری مواجهه هستند استرس کمتری را دارند رابطه معکوس بین عملکرد و استرس می تواند به دلیل این باشد که فرد با عملکرد بالا رویه و مقررات و توصیه های بهداشتی را بیشتر و بهتر عمل می کند و اینکه فرد با عملکرد بهتر استرس شغلی کمتری را تجربه می کند.

واژگان کلیدی : *عملکرد شغلی، شیوع کرونا،کارکنان- اضطراب شغلی- بهره وری*

طراحی محیط کار با به کارگیری مهندسی ارگونومی و محیط زیستی در صنعت سیلیس

سما کریمی[۱] ، مهری موسوی .[۲*] احمد جغتائی[۱]. الهام کریمی[۳]

۱-کارشناسی ارشد مدیریت HSE دانشکده ایمنی و بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۲-کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی قزوین

۳-کارشناسی ارشد مدیریت HSE دانشکده ایمنی و بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

چکیده

زمینه و هدف : امروزه انسان ها در محیط کار خود تحت تاثیر عوامل زیان آور متعددی قرار دارند و اگر تماس با این عوامل از حد تحمل انسانها فراتر رود می تواند موجب آسیب ها و بیماری های شغلی گردد. اختلالات اسکلتی -عضلانی یکی از مهم ترین عوامل آسیب زای شغلی و ناتوان کننده در محیط کار هستند.ضرر و زیان های ناشی از این اختلالات ،فرد،سازمان،و جامعه ای که فرد در آن زندگی می کند را تحت تاثیر قرار می دهد. هدف این پژوهش طراحی محیط کار با به کار گیری مهندسی ارگونومی و محیط زیستی در صنعت سیلیس بود.

مواد و روش ها: این مطالعه کاربردی و از نوع توصیفی- تحلیلی میباشد که در سال ۱۴۰۰ در کارخانه ی صنعتی و معدنی سیلیس انجام گرفت. جامعه ی مورد مطالعه کارگران سالن تولید کارخانه ی سیلیس می باشد. در این مطالعه پرسنل شاغل در سالن بارگیری که در مجموع ۱۰ نفر که همگی مرد بودند شرکت داشتند. میانگین سنی شرکت کنندگان ۴۱و میانگین سابقه ی کاری آنها، ۱۸ سال بود.لازم به ذکر است که در این مطالعه از افرادی استفاده گردید که وظیفه حمل بار را بر عهده داشتند.ابتدا از محیط کار بازدید مقدماتی به عمل آمد و با بررسی سوابق پزشکی موجود در معاینات سال های اخیر مشاهده گردید که کارگران بخش تولید در صنعت مورد نظر با حمل بار دچار اختلالات اسکلتی عضلانی شده بودند. همچنین با تعیین مقدار پراکندگی گردو غبار سیلیس در هوای محیط کار و ارزیابی و مقایسه حدود مواجهه کـارگران بـا حدود استاندارد مجاز با استفاده از متد ۷۵۰۰ NIOSH ازروش پراش اشعه ایکس برای تعیین کمی وکیفی سیلیس آزاد بلوری در نمونه ها استفاده گردیده بود و نتایج نشان میداد که درجایه جایی بار به صورت دستی و نداشتن پوشش مناسب، میزان گردوغبار سیلیس ۰/۰۰۳۱ میلی گرم بر متر مکعب بوده است .جهت حذف حمل بار،کاهش اختلالات اسکلتی عضلانی، و کاهش میزان گردو غبارتولیدی، ایستگاه جدید کاری طراحی گردید. قبل از طراحی ایستگاه کاری جدید، کیسه های ۴۰ کیلویی سیلیس از ارتفاع ۱۰ متری توسط کارگران حمل میگردید. تعداد کارگرانی که در حمل بارنقش داشتند، ۱۰نفر بودند. جهت طراحی ایستگاه کاری جدید، از بک فیلتر های تولیدی در کارخانه که غیر قابل استفاده بودند، استفاده گردید. بدین صورت که بک فیلتر های ۳-۲ متری توسط سیم های بهم متصل گردیدند و ارتفاع ۱۰ متری را جهت حمل بار پوشش دادند و کیسه ها روی بک فیلتر ها (به شکل نوار نقاله)حرکت کردند .جهت جانمایی دقیق دستگاه و بک فیلتر ها از نرم افزار visioو جهت محاسبات از نرم افزار Excel

استفاده گردید.لازم به ذکر است که با کم ترین هزینه ایستگاه کاری جدید طراحی گردید. با طراحی ایستگاه کاری جدید، میزان حمل بار توسط کارگران به صفر رسید همچنین با اندازه گیری مجدد گردوغبار سیلیس محیط کار مشخص شد که گردوغبار سیلیس ۰/۰۰۲۴۸ میلی گرم بر متر مکعب می باشد.و با انجام معاینات دوره ای سالانه و بررسی مجدد پرونده های پزشکی مشخص شد اختلالات اسکلتی عضلانی کاهش یافته است.

نتایج: پژوهش پیش رو بـا عنـوان طراحی محیط کار با بکارگیری مهندسی ارگونومی و محیط زیستی در صنعت سیلیس انجام گرفته است. نتـــــــایج این مطالعه نشان داد که طراحی ایستگاه کاری جدید ،حمل بار را به صفر رسانید. با حذف حمل بار در این بخش، اختلالات اسکلتی عضلانی در نتایج پزشکی معاینات ادواری تا میزان ۸۰ درصد کاهش یافت.همچنین نتایج اندازه گیری سیلیس محیط کار قبل و بعداز طراحی نشان داد که گرد و غبار سیلیس به میزان ۲۰ درصد در محیط کار تقلیل یافته است.لازم به ذکر است که با استفاده از بک فیلتر های غیر قابل استفاده در طراحی محیط کار، آلودگی زیست محیطی و هزینه های مربوط جمع آوری،حمل و نقل و دفع ضایعات مذکور به میزان قابل توجهی کاهش یافت.

نتیجه گیری : نتایج مطالعه نشان داد که با راه حل های ساده و کم هزینه و استفاده از کنترل های مهندسی و زیست محیطی میتوان اختلالات اسکلتی عضلانی را کاهش داد همچنین نقش حیـاتی ارگونـومی در کـاهش نـاراحتی هـای اسـکلتی عضـلانی، افـزایش بهره وری، بهبود کیفیت زندگی کاری، ایمنی و کـارآیی کلـی سـازمان مشـخص تـر شـده و متخصصـین ارگونومی نیز با بهینه کردن تناسب بین انسان، ماشین و محیط، کارآیی سیستم ها را بهبود بخشیده اند.

واژگان کلیدی : *کنترل های مهندسی، کنترل های زیست محیطی، اختلالات اسکلتی عضلانی*

بررسی تاثیر آموزش مباحث ایمنی در کاهش حوادث شغلی؛ یک مطالعه‌ی مروری

علی ریحانیان [۱و۲]، سمیه نیکخواه [۳]

۱-دانشجوی کارشناسی ارشد، یادگیری الکترونیکی در علوم پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

۲-دانشجوی کارشناسی ارشد، یادگیری آموزش پزشکی، دانشکده آموزش پزشکی و فناوری های یادگیری، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۳-فارغ‌التحصیل کارشناسی، رشته بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

چکیده

زمینه و هدف : مهم‌ترین علت حوادث شغلی بسته به صنعت و محیط کار می‌تواند متفاوت باشد. بنابراین پرداختن به هر علت، نیازمند رویکردی جامع از جمله آموزش ایمنی، نظارت موثر، ارزیابی ریسک، بازرسی های منظم، اجرای پروتکل‌ها و مقررات ایمنی و غیره است. یکی از علل شایع حوادث شغلی عدم آموزش ایمنی است. به دلیل اینکه بیش از یک سوم زندگی اغلب کارگران در محیط کار سپری می‌شود، آموزش ایمنی به آن‌ها ضروری است چرا که بدون دانش و درک صحیح از خطرات محیط کار و رویه‌های ایمنی، احتمال بیشتری وجود دارد که کارگران دست به رفتارهای مخاطره آمیز بزنند یا از خطرات احتمالی بی اطلاع باشند.

اثربخشی آموزش ایمنی در کاهش حوادث شغلی ثابت شده است زیرا موجب افزایش آگاهی کارگران در مورد خطرات احتمالی و اهمیت اقدامات پیشگیرانه می‌شود. بنابراین افزایش این آگاهی‌ها، به جلوگیری از حوادث ناشی از سهل انگاری یا عدم آگاهی کمک می‌کند. علاوه بر این، آموزش ایمنی کارگران را با مهارت‌ها و دانش لازم برای شناسایی و کنترل خطرات محیط کار مجهز می‌کند که شامل آموزش نحوه استفاده از تجهیزات ایمنی از جمله تجهیزات حفاظت شخصی ((PPE، پیروی از پروتکل‌های ایمنی و تشخیص علائم خطر است. این مطالعه با هدف بررسی تاثیر آموزش مباحث ایمنی در کاهش حوادث شغلی به صورت مرور سیستماتیک انجام شد.

مواد و روش ها: این پژوهش به صورت مرور سیستماتیک، با جستجوی کلماتی از قبیل ایمنی، آموزش ایمنی، حوادث شغلی و کاهش حوادث شغلی، در پایگاه‌های اطلاعاتیPubmed ، Google scholar، SID، ProQuest در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳ با معیار ورود دسترسی به اصل مقالات انگلیسی و فارسی انجام شد. بر طبق همین اساس از بین ۱۰۰ مقاله به دست آمده ۱۸ مقاله برای تحلیل نهایی وارد مطالعه شد.

نتایج : آموزش ایمنی، فرهنگ ایمنی را در محیط کار ترویج می‌کند. زمانی که کارگران در مورد شیوه‌های ایمنی آموزش می‌بینند، به احتمال زیاد این اصول را درونی می‌کنند و رفتارهای ایمن را به عنوان بخشی از روال خود اتخاذ می‌کنند. همچنین

آموزش ایمنی اطلاعات لازم در مورد واکنش اضطراری و روش‌های کمک‌های اولیه را به کارگران ارائه می‌دهد بنابراین در صورت وقوع حادثه، کارگران آموزش دیده می‌توانند به سرعت نسبت به حوادث پاسخ مناسب بدهند و در صورت نیاز کمک‌های اولیه را انجام دهند و شدت جراحات را به حداقل برسانند یا از آسیب بیشتر جلوگیری کنند.

نتیجه گیری : به طور کلی، آموزش ایمنی با افزایش آگاهی، ترویج رفتارهای ایمن و توانمندسازی کارگران نسبت به دانش و مهارت های مورد نیاز برای پیشگیری و کاهش خطرات محیط کار، نقش مهمی را در کاهش حوادث شغلی ایفا می‌کند.

واژگان کلیدی : *آموزش، آموزش ایمنی، حوادث شغلی، کاهش حوادث شغلی*

بررسی ارتباط مالکیت روان شناختی با پذیرش ایمنی و مشارکت ایمنی در کارکنان یک واحد صنعتی

مهدی جعفری ندوشن[۱]، رضا جعفری ندوشن[۱و*]، غلامحسین حلوانی[۱]، حمیدرضا مکرمی[۲]، ریحانه سفیدکار[۳]

۱- گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران

۲- گروه ارگونومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

۳- مرکز تحقیقات مدل سازی داده های سلامت، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران

چکیده

زمینه و هدف: رفتارهای ایمنی کارکنان می‌تواند به‌طور قابل‌توجهی در ارتقا ایمنی و کاهش حوادث شغلی مؤثر باشد. عوامل سازمانی و فردی مختلفی بر رفتار ایمنی تأثیرگذار هستند. در برخی از مطالعات ارتباط محرک‌های روان‌شناختی و رفتارهای ایمنی تأییدشده است. مطالعه حاضر با هدف بررسی ارتباط مالکیت روان شناختی ایمنی با مؤلفه‌های رفتارهای ایمنی شامل پذیرش ایمنی و مشارکت ایمنی انجام شد.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر یک مقطعی است که در سال ۱۴۰۲ در یک واحد صنعتی منتخب در استان یزد انجام شد. به منظور اجرای مطالعه تعداد ۲۵۲ نفر از کارکنان در گروه های شغلی کارگر، سرپرست و مدیران تولید وارد مطالعه شدند. به منظور بررسی مولفه های رفتار ایمنی کارکنان از پرسشنامه Griffin و Neal استفاده شد. همچنین مالکیت روان شناختی ایمنی با استفاده از پرسشنامه Curcuruto و همکاران ارزیابی شد. به منظور تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از آزمون های همبستگی، من ویتنی، کروسکال والیس و رگرسیون خطی چند متغیره استفاده شد.

نتایج: ارتباط مثبت و معنی داری بین سن و سابقه کار با مالکیت روان شناختی ایمنی مشاهده شد ($P<0.001$). ارتباط معناداری بین متغیرهای دموگرافیک (تأهل، استعمال دخانیات، وضعیت نوبت کاری و تحصیلات) و مالیکت روان شناختی مشاهده نشد ($P>0.05$). نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن نشان داد ارتباط مثبت و معناداری بین مالکیت روان شناختی و پذیرش ایمنی ($P<0.001, r=0.57$) و مشارکت ایمنی ($P<0.001, r=0.56$) وجود دارد. نتایج برازش مدل های رگرسیونی نشان داد که نمره مالکیت روان شناختی ایمنی تاثیر معنی داری بر نمره مشارکت ایمنی ($P<0.001$) و نمره پذیرش ایمنی ($P<0.001$) دارد.

نتیجه گیری: به طور کلی نتایج مطالعه حاضر نشان داد مالکیت روان شناختی میتواند به طور قابل توجهی بر مولفه های رفتار ایمنی موثر باشد. به همین جهت توجه به محرک‌های روان‌شناختی افراد در بهبود رفتار ایمنی کارکنان و ایمنی محیط کار توصیه می گردد.

واژگان کلیدی: *مالکیت روان شناختی، محرک های روان شناختی، رفتار ایمنی، مشارکت ایمنی، پذیرش ایمنی*

ارزیابی ایمنی پارک های شهر اصفهان: مطالعه موردی

حکیمه زمانی بادی[1*]، زینب پرموزه[2]

۱. کارشناس ارشد مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست، گروه مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، کاشان، ایران.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، کاشان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: اصفهان، شهری در مرکز ایران، به پارک ها و فضاهای سبز زیبای خود شهرت دارد. پارک ها و فضاهای سبز از اجزای ضروری محیط های شهری و مقصدی محبوب برای گردشگران هستند. بنابراین، اطمینان از ایمنی بازدیدکنندگان در این مکان ها یک نگرانی حیاتی است .این مقاله با هدف ارزیابی ایمنی پارک های شهر اصفهان و ارائه توصیه هایی برای بهبود آن می باشد.

مواد و روش: با استفاده از رویکرد ترکیبی، ما داده‌ها را از طریق نظرسنجی، مصاحبه و مشاهدات میدانی مستقیم، با تمرکز بر پارامترهایی مانند ۱) ایمنی(وسایل بازی، تجهیزات عمومی و کف)، ۲) تعمیر و نگهداری، ۳) کنترل دسترسی، ۴) پرسنل امنیتی و ۵) رفتار کاربران جمع‌آوری کردیم. برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه مربوط به شاخص های ایمنی پارک ها استفاده شد که قبلا روایی و حساسیت آن توسط پژوهشگران مورد تایید واقع شده است (۰/۹۷). سوالات پرسشنامه در فاصله ی عددی یک تا ده وزن دهی شد، به طوری که وزن بالاتر به هر گزینه، اهمیت بیشتر آن را نشان دهد. پس از جمع وزن های مربوط به گزینه های هر سوال، آن سوال در فاصله ی عددی صفر تا ده نمره دهی شد. نهایتا، به کمک نرم افزار آماری Excell توصیف داده های کمی حاصل از پرسشنامه ها تکمیل گردید.

نتایج: ارزیابی ما نشان داد که در حالی که برخی از پارک‌ها در اصفهان عموماً ایمن هستند، مناطقی برای بهبود وجود دارد . روشنایی برخی از پارک ها نیاز به بهبود دارد و نگهداری باید در اولویت باشددر برخی پارک ها، زیرساخت‌ها مانند نیمکت‌های شکسته، تجهیزات زمین بازی آسیب‌دیده و پوشش گیاهی بیش از حد را نادیده گرفته‌اند. علاوه بر این، نیاز به پرسنل امنیتی بیشتر، به ویژه در ساعات کم بار وجود دارد .اقدامات کنترل دسترسی مانند دروازه ها و نرده ها، می تواند به جلوگیری از ورود غیرمجاز به پارک ها کمک کند، باید بهبود یابد و بازدیدکنندگان باید بیشتر مراقب رفتار خود باشند. مشاهده کردیم که برخی از بازدیدکنندگان رفتار مخاطره آمیزی دارند، مانند بالا رفتن از درختان، بازی در نزدیکی آب، و زباله ریختن.

نتیجه گیری: در حالی که پارک های اصفهان عموماً امن هستند، مناطقی هستند که نیاز به اصلاح دارند. با این حال، برخی از مسائل ایمنی از جمله بهبود روشنایی، افزایش تعداد پرسنل امنیتی، نصب نرده ها و دروازه ها و برای اطمینان از اینکه پارک ها به خوبی نگهداری می شوند، برنامه تعمیر و نگهداری در دستور کار قرار گیرد.

واژگان کلیدی: *پارک، فضای سبز، ایمنی، اصفهان*

بررسی دیدگاه پرستاران اتاق عمل و هوشبری در رابطه با مهارت های کار تیمی در بیمارستان های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی جهرم

راضیه غلامی [1]، زهرا پیشگر * [2]، زهرا شادفرد [3]، محبوبه تقی زادگان زاده [3]

۱.کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران

۲.گروه هوشبری، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران

۳. گروه اتاق عمل، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران

چکیده

مقدمه: کار تیمی در سیستم های مراقبت بهداشتی به دلیل اینکه افراد از رشته های مختلف با هم کار می کنند و کوچکترین خطا در عملکرد آنها می تواند بر سلامت و حیات بیماران اثر بگذارد، اهمیت زیادی دارد .اتاق عمل به عنوان محیطی با ریسک بالای خطاهای پزشکی، انجام فعالیت های هماهنگ و برنامه ریزی دقیق عمل های جراحی نیازمند سطوح بالایی از کار تیمی شاغلین به منظور عملکرد ایمن است. مطالعه حاضر با هدف بررسی دیدگاه پرستاران اتاق عمل و هوشبری در رابطه با مهارتهای کار تیمی انجام گرفت.

مواد و روش ها: این پژوهش یک مطالعه توصیفی مقطعی بود. نمونه های پژوهش ۲۰۱ نفر از پرستاران اتاق عمل و هوشبری بودند که با روش سرشماری انتخاب شدند. جمع آوری دادهای با استفاده از پرسشنامه ۲۳ گویه ای نگرش کار تیمی بیکر و همکاران که شامل پنج بعد ساختار تیم، رهبری، کنترل موقعیت، حمایت دو جانبه و ارتباط و فرم اطلاعات جمعیت شناختی بود. نمره قابل کسب پرسشنامه بین ۲۳ تا ۱۱۵ بود. داده ها با استفاده از SPSS21 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. این مطالعه دارای تائیدیه اخلاقی از معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی جهرم با شناسه IRJUMS.REC.1395.091 می باشد.

یافته ها: افراد شرکت کننده در این مطالعه ۱۰۸ نفر پرستار اتاق عمل و ۹۳ نفر پرستار بیهوشی بودند و میانگین سنی آنها ۶/۵۵ ± ۲۹/۴۲ بود. میانگین نمره کل اصول کار تیمی برابر با ۸/۵۷ ± ۹۱/۱۶ نشان داد که شرکت کنندگان با کسب حدود ۸۰ درصد از نمره کل کار تیمی از دید خوبی نسبت به کار تیمی برخوردار بوده اند. میانگین نمرات برای پرستاران هوشبری و اتاق عمل به ترتیب ۹/۲۲ ± ۹۰/۰۷ و ۷/۸۸ ± ۹۲/۱۰ گزارش گردید. نتایج این مطالعه حاکی از آن بود که شرکت کنندگان در بعد کنترل موقعیت از نمره بالاتری نسبت به سایر ابعاد برخوردار بودند.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج حاصل از مطالعه، میانگین نمره دیدگاه پرستاران نسبت به کار تیمی در سطح خوبی ارزیابی شد. بنابراین با توجه به اهمیت وجود کار تیمی در محیط های ویژه بالینی مانند اتاق عمل باید آموزش های لازم در زمینه

اصول و مهارت های کار تیمی بصورت دوره های آموزشی مدون و کارآمد ضمن خدمت جهت پرسنل صورت گیرد و برای ارتقاء هرچه بیشتر کار تیمی در این محیط بالینی تلاش کنیم.

واژه های کلیدی: *کار تیمی، اتاق عمل، ایمنی بیمار*

مکان یابی محل دفن پسماند شهر زرند درمحیط سیستم اطلاعات جغرافیایی(GIS)

شیدا خدادادی ۱، آتنا سلطانی زاده ۲

۱-کارشناس جغرافیا گرایش آب و هوا، دانشگاه خوارزمی، البرز

۲-کارشناس جغرافیا، دانشگاه خوارزمی، البرز

چکیده

زمینه و اهداف: مکان یابی و یافتن محل مناسب برای دفن زباله، یکی از مهمترین بخش های سیستم مدیریت، مواد زاید شهری است. شهر زرند با جمعیتی معادل ۶۰هزار نفریکی از بزرگترین شهرهای استان کرمان است که در نتیجه افزایش جمعیت، مصرف گرایی و افزایش زباله های صنعتی در چند دهه اخیر باعث افزایش حجم زباله تولید شده دراین شهر شده است. امروزه سامانه های اطلاعات مکانی GIS رایج ترین ابزار در انتخاب محل های مناسب دفن زباله محسوب می گردد. این تحقیق با هدف تعیین مناطق مناسب برای دفن زباله براساس ضوابط محیط زیست و قوانین مشروح سازمان حفاظت محیط زیست ایران در شهر زرند انجام شد.

مواد و روش ها: روش تحقیق حاضر ترکیبی از روش های تحقیق توصیفی، اسنادی و تحلیلی می باشد. برای جمع آوری اطلاعات از روش کتابخانه ای و همچنین میدانی استفاده شد. در تحقیق حاضر ابتدا معیارهای مهم و موثر در مکان یابی دفن پسماند شامل شیب، ارتفاع، فاصله از آبراهه، فاصله از جاده، کاربری اراضی و فاصله از مناطق مسکونی شناسایی گردید. سپس با استفاده از داده های مربوطه و روش های کمی و با استفاده از نرم افزار GIS به مکان یابی محل دفن زباله در شهر زرند مشکلات و مسائل آن پرداخته شد.

یافته ها : در پژوهش حاضر ابتدا با توجه به قوانین سازمان حفاظت محیط زیست ایران ، عوامل تاثیر گذار در مکان یابی محل های دفن پسماندهای شهری استخراج گردید.این معیار ها شامل فاصله از رود خانه ها ، فاصله از آب های شرب ، عمق اب های زیر زمینی، فاصله از جاده و موارد دیگر، با در نظر گرفتن معیار های حذفی و طبقه بندی و امتیازدهی آن ها، نقشه های معیار در محیط GIS تولید گردید . در نهایت با تلفیق نقشه های معیار محدوده هایی که در شهر زرند برای دفن زباله تشخیص داده شده اند و طبقه بندی گردیده است. هر شهروند زرندی روزانه ۶۵۰ تا ۷۰۰ گرم زباله تولید میکند درحالی که سرانه تولید زباله در جهان بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ گرم برآورد شده است،علاوه بر این سرانه تولید زباله در شهر زرند نسبت به سرانه کشور حدودا ۱۰۰ گرم کمتر است.

نتایج : طبق نتایج به دست آمده از این تحقیق با بیان اینکه جمع آوری زباله امروزه در جوامع بشری و کلان شهرها تبدیل به تکنولوژی و صنعتی درآمد زا گردیده است، به گونه ای که از زباله به نام طلای کثیف یاد می کنند و در شهر صنعتی مانند زرند

در صورت عدم برنامه ریزی و آینده نگری، این مقوله می تواند یک بحران زیست محیطی را به ارمغان آورد. بنابراین نیاز است محلی مناسب برای مدیریت پسماندهای تولید شده انتخاب شود.

واژگان کلیدی: *پسماند شهری، سیستم اطلاعات جغرافیایی(GIS)،مکان یابی، زرند*

Interventions for resuscitation following drowning in children: A scoping review

Samaneh Alizadeh[1*], Shahriar Ostovar[2]

1. PH.d, Department of Medical-Surgical Nursing, Faculty of Nursing & Midwifery, Tabriz University of Medical Sciences, Tabriz, Iran.

2. MSc, Mardani Azar Children's Hospital, Tabriz University of Medical Sciences, Tabriz, Iran.

Abstract

Background: Drowning is the third leading cause of death from unintentional injuries worldwide. Factors contributing to drowning deaths are lack of barriers to regulating water exposure and lack of appropriate supervision for infants and young children. Studies also reported numbers of cases of drowning children in the coastal region, such as tourist beaches and resorts, due to lack of parental control and monitoring of local people. Cardiopulmonary resuscitation is a lifesaving procedure whenever a cardiac arrest victim. Drowning is also one of the factors that can lead to cardiac arrest, especially in coastal areas. Children who live in the coastal community are very at risk for drowning due to the nature of their playground located in the coastal zone. This study aimed to review the evidence addressing key resuscitation interventions in children.

Methods: A scoping review was conducted using CINAHL, SCOPUS, Web of Science, PubMed databases, and grey literature, for relevant articles with queries that combine names and terms related to resuscitation, drowning and children. This scoping review follows the methodological framework developed by Arksey and O'Malley and further advanced by Levac et al. The six steps included in the framework are as follows: (1) identifying the research question, (2) identifying relevant studies, (3) selecting the studies, (4) charting the data, (5) collating, summarizing, and reporting the results, and (6) consultation. Abstracts and full-text studies were independently screened by two reviewers using prespecified inclusion and exclusion criteria. Included literature focused on resuscitation following drowning in children. Finally, data were summarized into categories.

Results: This review was informed by the Preferred Reporting Items for Systematic Reviews and Meta-Analyses extension for Scoping Reviews11 and International Liaison Committee on Resuscitation guidance for Scoping Reviews. A total of 1545 articles published between January 2010 and April 2023 were revealed, with 43 articles included in this review. The reviewers categorized the articles into the following 7 broad groups: Resuscitation in water,

Resuscitation in boats, Airway management, Oxygen administration, AED use, Bystander CPR and Ventilation strategies. The results of the study showed that A higher proportion of deaths occur in low to middle socioeconomic countries. No study has been done of the countries with the highest incidence of drowning. This represents an important research gap.

Conclusions: There is no high-certainty evidence to inform treatment recommendations in relation to children who sustain a cardiac arrest following drowning. Empirical evidence suggests that priority should be given to prompt reversal of hypoxia through ventilation, chest compressions, and oxygen, On the other hand, cardiopulmonary resuscitation done by trained staff leads to a better long-term outcome. This review highlights an urgent need for high quality research in the field of drowning in children.

Keywords: *Resuscitation, Advanced life support, Basic life support, Drowning, Submersion, Children*

Environmental impact, and resilience of renewable energy

Ahmad joghataei[1] , Rasoul asgari[2], Sama Karimi[2]

1-Department of Health, Safety, and Environment (HSE), School of Public Health and Safety, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

2-Department of Health, Safety, and Environment (HSE), School of Public Health and Safety, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Abstract

Background: Renewable energy is energy derived from natural sources that are replenished at a higher rate than they are consumed. Energy derived from fossil fuels contributes significantly to global climate change, accounting for more than 75% of global greenhouse gas emissions and approximately 90% of all carbon dioxide emissions. However, the adverse effects of climate change, such as increasing temperatures, extreme winds, rising sea levels, and decreased precipitation, may impact renewable energies. Renewable energy applications have attracted international interest for a variety of reasons, including the advancement of renewable energy technologies. Further fossil fuel usage increases the price of the fuel and climatic change through greenhouse gas emission. Thousands of studies from all around the globe have demonstrated that the greenhouse effect is primarily caused by the use of fossil fuels for transportation and it is a contributing factor to global warming.

Methods: A scoping review using CINAHL, SCOPUS, Web of Science, PubMed, and gray literature databases was conducted for articles related to questions that included names and terms related to new and renewable energies and the environment. This scoping review follows the methodological framework developed by Arksey and O'Malley and further developed by Levac et al. The six steps included in the framework are as follows: (1) identification of the research question, (2) identification of relevant studies, (3) selection of studies, (4) data graphing, (5) compilation, summary and reporting of results, and (6) Counseling. Abstracts and full-text studies were independently screened by two reviewers using predefined inclusion and exclusion criteria. Texts include texts focusing on post-recovery renewable energy. Finally, the data were summarized in categories.

Results: Researchers around the world report that the use of fossil fuels can affect greenhouse gas emissions, especially from transportation which causes global warming. The higher levels of CO2, SOx, NOx, CO, and HC can affect ecosystems and their services. The utilization of renewable energy can reduce greenhouse gas emissions.

Climate change at the global level such as air pollution and acid rain caused by fossil fuels has raised concerns so that the use of biomass energy sources is considered as a substitute for fossil

fuels.Third-generation raw materials such as microalgae/cyanobacteria have potential because of the higher cultivation and growth system and high lipid production. Microalgae produce products that can be gathered all year round and accumulate 20–50% neutral fats. Microalgae use less water than crops and are very CO2-absorbing. Certain minerals can be removed from wastewater using microalgae. One of the liquid fuels is bioethanol which can be produced through anaerobic fermentation obtained from biomass such as wheat straw, corn, wood chips, microalgae, and lignocellulose. This bioethanol fuel can reduce emissions because it has about 35% oxygen. Bioethanol can also be mixed with gasoline which can increase thermal efficiency and higher brake power because the octane rating is higher than that of gasoline which reaches 30%. Bioethanol is the most commonly used biofuel in the world, accounting for 62 percent of all global production of biofuels in 2022, followed by biodiesel at 26 percent. Anaerobic digestion by involving bio methanation of decomposed organic waste can produce biogas and most of it is methane and carbon dioxide. Biomethane produced from biomass in recent years has become increasingly popular because greenhouse gas emissions can be reduced and the energy supply for the long term is increased. the production of biomass such as wastewater and organic waste through photobiological fermentation can produce bio-hydrogen. A recently discovered renewable fuel is bio-hyphae which has a methane number of about 30% and hydrogen of 10% and which is produced from biomass sources such as food, municipal waste, and agricultural waste processed through anaerobic digestion Of all the renewable energy sources being currently developed around the world, the most prominent is wind power. Meanwhile, global wind energy capacity in 2021 reached 817 GW and is predicted to continue to increase in the following years.

The hybrid power system is based on the combination of several renewable energy sources so that the efficiency and balance of the energy supply are further improved. Implementation through a hybrid energy system has provided enormous benefits in reducing carbon emissions, reliability, guaranteed supply, increasing power quality, and providing new jobs for local communities. the hybrid energy technology system designed between PV-Biomass-Wind is the best and is cost-effective.

Conclusions: Energy has become a very important need in everyday human life. The availability of sufficient energy can improve infrastructure and human development to increase productivity and the economy. Substitution of fossil energy into renewable energy sources is one of the most appropriate strategies in combating climate change, especially greenhouse gas emissions. However, its application must be carried out sustainably in supplying and providing energy so that future energy needs will continue to be met. The discussion of parametric conditions optimally is the best working system for wind turbines even with the lowest wind speeds. Biomass fuel will offer several advantages especially at home and at work. The advantages offered are environmentally friendly, sustainable, and an alternative to fossil fuels. The hybrid wind-biomass system has a comprehensive life cycle because it can take into account operating costs, maintenance costs, and initial costs. The biomass- -wind hybrid system

technology is one of the most cost-effective and competent technologies now and in the future. Hydroelectric power plants are the most damaging to the environment, and solar photovoltaics must be carefully installed to reduce their impact. Wind turbines and biomass power plants have a minimal environmental impact. Renewable technologies are considered clean sources of energy and optimal use of these resources minimizes environmental impacts, produces minimum secondary wastes, and is sustainable based on current and future economic and social societal needs. Renewable energy technologies provide an excellent opportunity to mitigate greenhouse gas emissions and reduce global warming by substituting conventional energy sources. sources have a substantial influence on the climate, stability of the natural environment, and ecology.

Keywords: *renewable energy, Biomass, wind energy, hybrid, RE, biofuels*

The application of machine learning and deep learning algorithms in the diagnosis and prevention of ADHD

Mohadeseh Sadat Khorashadizadeh[1], Azam Sabahi[2], Sougand Setareh[3], Azin Fallahi[4] Erfan Esmaeeli[5]

1-MSc. student in Health Information Technology, Health Information Management Department, School of Allied Medical Sciences, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.
2- Assistant Professor of Health Information Management, Department of Health Information Technology, Ferdows School of Health and Allied Medical Sciences, Birjand University of Medical Sciences, Birjand, Iran.
3-Ph.D. in Medical Informatics, School of Allied Medical Sciences, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.
4-Health Information Technology Expert, Hamedan University of Medical Sciences, Hamedan, Iran.
5-MSc. student in Medical Informatics, Health Information Management Department, School of Allied Medical Sciences, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Abstract

Introduction: Attention-deficit/hyperactivity disorder (ADHD) is a classic childhood disorder characterized by inattention and hyperactivity, resulting in significant impairment in academic/occupational, family, and social functioning [1]. Machine learning and deep learning algorithms are better able to detect complex interactions between multiple variables than traditional statistical techniques [2]. The aim of this study is to investigate the application of machine learning and deep learning algorithms in ADHD diagnosis and prevention.

Materials and Methods: The present study is a systematic review that explores and summarizes findings from studies published between 2017 and 2023. A search strategy led to the identification of 853 records from PubMed and Scopus databases using search terms such as “machine learning”, “deep learning”, “artificial neural network”, “ADHD” and “Attention-Deficit Hyperactivity Disorder”. A total of 853 articles was screened and 46 articles were finally included. The articles which mentioned the application of machine learning and deep learning algorithms in the diagnosis and prevention of ADHD were included. One reviewer extracted the data from the included articles, and two reviewers examined the extracted data. Cases of disagreement were resolved through discussion between the three reviewers. The data were extracted using a structured table-format based on the following parameters: the first author’s last name, year of publication, the country where the study was conducted, the aim of

the study, algorithm type, the application of the algorithm in disease management, and main results of each study. Most of the articles studied deep / machine learning algorithms as potential predictors and detectors of treatment response in ADHD patients.

Results: Two databases were reviewed, and 47 articles were included in the study, of which 13 studies were on predicting hyperactivity, 32 on identifying this disorder, and one study used artificial intelligence techniques as intervene. 18 studies have used deep learning algorithms, and 29 studies have used other machine learning methods to identify, intervene and predict hyperactivity disorder. Research has been done in different dimensions.

Conclusion: The results obtained from the studies show that using artificial intelligence methods can help doctors' decision-making in different dimensions to diagnose and screen this disorder. In addition, in interventions, these methods can significantly impact the process of choosing treatment methods, considering that these methods can simulate missing data well.

Key Words: *Machine learning, Attention-Deficit Hyperactivity Disorder, Artificial Intelligence*

Asset integrity indicators in HSE management: a systematic review

Hadi Ahmadi Vafa[1], seyed shamseddin alizadeh[2*]

1-Department of Health, Safety and Environmental Management (HSE), School of Public Health, Tabriz University of Medical Science, Tabriz, Iran

2-Department of Occupational Health Engineering, Health Faculty, Tabriz University of Medical Sciences, Tabriz, Iran

Abstract

Background and aims: Asset integrity plays a critical role in guaranteeing the secure and dependable functioning of industrial establishments. It serves to avert mishaps, malfunctions in machinery, and unforeseen halts, all of which can lead to substantial financial and safety ramifications. Enterprises possess the capability to optimize operational efficiency, reduce periods of inactivity, and enhance the overall level of safety performance through the preservation of asset integrity. Numerous research efforts have focused on asset integrity, but a comprehensive investigation of all aspects of asset integrity indicators is still lacking. Therefore, this study aims to examine existing literature and identify indicators of asset integrity that can inform decision-making at both the organizational and individual levels, ultimately ensuring optimal asset utilization and maintenance. This research is crucial for a comprehensive understanding of asset integrity and its implications for decision-making.

Materials and methods: A meticulous selection process was undertaken, whereby a collection of scholarly articles published within the timeframe of 2000 to 2023, as sourced from prominent databases such as Web of science, PubMed, and Scopus, were carefully chosen. After a thorough examination of the abstract titles and complete texts of the extracted articles, a total of 19 articles were ultimately deemed suitable for inclusion in the study. These selected articles underwent a rigorous review process, wherein the indicators of asset integrity were extracted.

Results: By conducting a thorough analysis of the 19 articles that were included in this systematic study, we were able to extract a total of 68 distinctive indicators that are associated with the asset integrity. These indicators, which were carefully scrutinized, shed light on the various aspects that contribute to the overall condition and well-being of assets. Among this array of indicators, it is noteworthy to mention that three specific indicators, namely "reliability," "environmental effects," and "preventive and corrective maintenance" stood out at the highest frequency. This significant finding underscores the undeniable importance and relevance of these particular indicators in the realm of asset integrity.

Conclusion: With the progression of time and the process of industrialization, organizations are increasingly inclined towards safeguarding their assets. Consequently, it is imperative to

acknowledge and prioritize the outcomes derived from the attained indicators, while also upholding the integrity of assets. Studies have elucidated that asset integrity assumes a pivotal role in guaranteeing the secure and dependable functioning of industrial installations, thereby mitigating hazards and enhancing efficiency. Thus, a continuous assessment and examination of the indicators acquired from articles throughout the lifespan of the asset, encompassing phases such as design, construction, production, procurement, installation, operation, and maintenance, among others, is exceedingly vital.

Keywords: *Asset integrity management, critical asset, asset integrity, safety, HSE*

Artificial Intelligence Literacy Among Healthcare Professionals and Students: A Systematic Review

Seyyedeh Fatemeh Mousavi Baigi[1,2], Masoumeh Sarbaz[1], Seyyed Mohammad Tabatabaei[3,4], Kosar Ghaddaripouri[5], Atefeh Sadat Mousavi[1], Marziyeh Raei Mehneh[1,2], Khalil Kimiafar[1*]

1-Department of Health Information Technology, School of Paramedical and Rehabilitation Sciences, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran
2-Student Research Committee, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran
3-Department of Medical Informatics, Faculty of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran
4-Clinical Research Development Unit, Imam Reza Hospital, Faculty of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran
5-Department of Health Information Technology, Varastegan Institute of Medical Sciences, Mashhad, Iran
* Corresponding author: Khalil Kimiafar, Department of Health Information Technology, School of Paramedical and Rehabilitation Sciences, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran.

Abstract

Background and aims: In the digital age, since the application of artificial intelligence (AI) is increasingly penetrating the world, the cultivation of AI literacy has become increasingly important for everyone. This systematic review investigated the level of AI literacy among healthcare professionals and students.

Materials and methods: On October 4, 2023, we searched the databases PubMed, Embase, Scopus, and Web of Science for relevant material. The evidence gathered from the studies included in this systematic review was reported in this study using Preferred Reporting Items for Systematic Reviews and Meta-Analyses (PRISMA). Studies that assessed the level of AI literacy among medical and healthcare professionals and students met the inclusion criteria for this study. The quality of the included study for this review was assessed using the analytical cross-sectional critical assessment checklist developed by the Joanna Briggs Institute (JBI). The same standard checklist was used for data extraction. Among the data items contained in this form are the study reference, study nation, publication year, participant characteristics (number of participants and their field of study), study objectives, and study outcomes.

Results: Of the 10 included studies, 4 (40%) reported a low level of preparation, knowledge, and literacy. In a study, it was also shown that radiologists had acceptable literacy about AI, and it seems that they had a better study of this field compared to other specialists. Another study showed that initially the level of AI literacy was not acceptable but improved

significantly after training. Two studies also hailed AI's contribution to improving healthcare. Another study identified cases of clinical merit for AI that could be used to guide future teaching and learning programs in maximizing the potential benefits of AI-based tools and reducing potential harms. In another study, professional groups were required to adjust their roles in AI practice.

Conclusion: Evidence from this review indicated that half of the studies on the AI literacy of professionals and students were very low, and other included studies also reported the basic literacy of AI acceptably. Finally, in all 10 included studies, AI training courses and their application in the healthcare were considered necessary for professionals and students, and they were trying to improve the educational infrastructure.

Keywords: *Artificial intelligence literacy, digital literacy, AI, AI competence*

پنل سلامت در بلایا و فوریت ها

استراتژی های کاهش اثرات مرتبط با تغییر اقلیم

زینب دبیریان

۱- دانشجوی دکتری تخصصی، رشته سیاست گذاری سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

چکیده

زمینه و هدف: تغییر اقلیم به عنوان تغییر در الگوهای آب و هوایی عمدتاً ناشی از انتشار گازهای گلخانه ای از سیستم های طبیعی و فعالیت های انسانی تعریف می شود. تاکنون، فعالیت‌های انسان‌زایی باعث شده است حدود ۱.۰ درجه سانتی‌گراد گرمایش جهانی بالاتر از سطح پیش از صنعتی شدن باشد و جهان در حال حاضر در وضعیت اضطراری آب و هوایی قرار دارد از اینرو یافتن استراتژی هایی برای کاهش اثرات تغییرات اقلیمی حائز اهمیت است. لذا، این مطالعه به بررسی استراتژی های کاهش اثرات مرتبط با تغییر اقلیم پرداخته است.

مواد و روش ها: این پژوهش، یک مطالعه مروری است که با استفاده از مقالات موجود در بانک های اطلاعاتی SID، Magiran، Google Scholar و PubMed انجام گرفته است. برای جستجو در بانک های اطلاعاتی از کلیدواژه های (Climate change mitigation , Negative emissions technologies , Carbon dioxide removal , Decarbonization technologies , Radiative forcing geoengineering technologies, Reivew) استفاده شد. پس از استخراج و غربالگری مقالات توسط تیم پژوهش، در نهایت ۱۴ مقاله برای تحلیل نهایی وارد مطالعه شدند.

نتایج: بر اساس نتایج مطالعات انجام شده سه استراتژی اصلی برای مقابله با تغییرات اقلیمی شامل فناوری‌های کاهش مرسوم، فناوری‌های انتشار منفی و همچنین فناوری‌های مهندسی زمین می باشند .

نتیجه گیری: با توجه به وضعیت اضطراری تغییرات اقلیمی در حال حاضر، توسعه فوری مکانیسم‌های کاهش اثر و سازگاری مناسب با تغییرات اقلیمی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. بر اساس نتایج مطالعات انجام شده توصیه می گردد مطالعات بیشتر نیز در زمینه فن‌آوری‌هایی که قرار است به کار گرفته شوند، مورد توجه و مطالعه واقع شوند هرچند که ممکن است یک فرآیند طولانی باشد. . البته باید توجه شود که هیچ راه حل نهایی برای مقابله با تغییرات آب و هوا وجود ندارد و تمام فن آوری ها و تکنیک ها، اگر از نظر فنی و اقتصادی قابل دوام باشند، باید به کار گرفته شوند.

واژگان کلیدی: *تغییرات اقلیمی، استراتژی، کاهش اثر، مرور*

بررسی تاثیر فرسودگی شغلی بر عملکرد شغلی در تکنسین های فوریت پزشکی دانشکده علوم پزشکی اسفراین در سال ۱۴۰۰

سارا عابدی کوشکی[۱]، باقر مرادی[۲]، عبدالرئوف ارازلی[۳]

۱-دانش آموخته دکتری تخصصی مدیریت آموزشی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران(نویسنده مسئول)

۲- استادیار، گروه علوم پایه، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران

۳- دانشجوی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران

چکیده

مقدمه: فوریت پزشکی یکی از مشاغل حساس جامعه است و این افراد قسمت مهمی از زندگی خود را در ارتباط تنگاتنگ با بیماران و حوادث می گذرانند.یکی از مهمترین عواملی که بر عملکرد شغلی کادر درمان اثر گذاشته و توان آن ها را برای انجام موثر وظایف تحت الشعاع قرار داده، معظل فرسودگی شغلی می باشد. در همین راستا با توجه به اهمیت موضوع، این پژوهش با هدف تعیین تاثیر فرسودگی شغلی بر عملکرد شغلی در کارکنان فوریت پزشکی دانشکده علوم پزشکی اسفراین در سال ۱۴۰۰ انجام شده است.

روش ها: مطالعه توصیفی_تحلیلی حاضر بر روی ۳۹ نفر از تکنسین های فوریت پزشکی دانشکده علوم پزشکی اسفراین به روش نمونه گیری سرشماری با استفاده از پرسشنامه استاندارد فرسودگی شغلی ماسلاچ و پرسشنامه استاندارد عملکرد شغلی هرسی و گلداسمیت انجام شد. روایی پرسشنامه فرسودگی شغلی و عملکرد شغلی از طریق روایی محتوایی و صوری و پایایی آن ها با سنجش الفای کرونباخ به ترتیب برابر r=0.86 و r=0.81 تایید گردید. داده ها از طریق آزمون های تحلیل واریانس یک طرفه، ضریب همبستگی پیرسون و t مستقل با استفاده از نرم افزار آماری SPSS ۲۴آنالیز شدند.

یافته ها: میزان فرسودگی شغلی در بین تکنسین های فوریت پزشکی دانشکده علوم پزشکی اسفراین(۹۵.۸۹±۱۷.۷۱) بود که در ریسک متوسط رو به بالا قرار داشت. میزان عملکرد شغلی در تکنسین های فوریت پزشکی دانشکده علوم پزشکی اسفراین (۳۲.۴۳±۳.۲۹) بود که در رنج متوسط رو به پایین می باشد. نتایج همبستگی پیرسون نشان داد بین متغییر فرسودگی شغلی با عملکرد شغلی ارتباط معنادار معکوس وجود داشت (p=./0314,r=-./121)

نتیجه گیری: با توجه به نتایج این پژوهش و ارتباط معنادار بین فرسودگی شغلی و عملکرد شغلی در بین تکنسین های فوریت پزشکی می توان نتیجه گرفت با افزایش فرسودگی شغلی میزان عملکرد شغلی کاهش یافته است.مسئولین مربوطه می توانند با ارائه راهکار ها و تمهیدات لازم نظیر افزایش رضایت شغلی، کم کردن ساعات کاری، حذف شیفت های پشت سر هم، اختصاص

امکانات، تخصیص پاداش های شغلی مناسب، افزایش حقوق و مزایا و افزودن برنامه های تفریحی باعث ایجاد انگیزه و کاهش فرسودگی شغلی و در نتیجه افزایش عملکرد شغلی در بین تکنسین های فوریت پزشکی شوند.

کلیدواژه: *فرسودگی شغلی، عملکرد شغلی، تکنسین، فوریت پزشکی*

بررسی سلامت در بلایای طبیعی: آسیب‌ها، چالش‌ها و راهکارها

ایمان شکیب خواه[1] محمودرضا پیروی [2] میلاد احمدی مرزاله[3]

۱- دانشجوی دکتری سلامت در بلایا و فوریت،گروه سلامت در بلایا و فوریت ها، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

۲- دکتری سلامت در بلایا و فوریت،گروه سلامت در بلایا و فوریت ها، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

۳- دکتری سلامت در بلایا و فوریت،گروه سلامت در بلایا و فوریت ها، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

چکیده

زمینه و هدف: بلایا طبیعی یکی از مهم‌ترین موضوعات حوزه سلامت مردم است. تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم بلایا بر سلامت جسمی و روانی فرد و جامعه بسیار متنوع و پیچیده است. برای دستیابی به اطلاعات دقیق در این زمینه، نیازمند مطالعات جامع و علمی هستیم. در این مقاله، به بررسی مفهوم سلامت در بلایا، نقش آسیب‌های جسمانی و روانی، چالش‌های اجتماعی و راهکارهای مقابله با آثار بلایا در سلامت می‌پردازیم.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر یک پژوهش کیفی است که در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۰ انجام شد. مشارکت کنندگان تعداد ۸۰ نفر از مدیران، کارکنان و متخصصان حوزه بهداشت و درمان در حوادث و بلایا بودند که به روش نمونه گیری هدفمند وارد مطالعه شدند. برای جمع آوری داده ها از مصاحبه های نیمه ساختاریافته و برای تحلیل آن ها از روش تحلیل محتوای قراردادی براساس روش گرانهیم و لاندمن استفاده شد.

نتایج: بررسی‌ها نشان می‌دهد که بلایا تأثیرات مستقیم و غیرمستقیمی بر سلامت انسان‌ها دارند. آثار مستقیم به تلفات جانی، آسیب‌های جسمانی و صدمات جسمی وارد می‌کند، در حالی که آثار غیرمستقیم شامل نیازهای بهداشتی، تغذیه‌ای و روان‌شناختی است. در عمل، این آثار بر سلامت جسمی و روانی فرد تأثیر می‌گذارند.

یافته ها نشان داد که یکی از مهمترین چالش‌های سلامت در بلایا، تأمین نیازهای بهداشتی در شرایط بحرانی است. بنابراین، جنبه‌های مختلف سلامت جسمی و روانی به عنوان یک پیشرفت در برنامه‌ها و مجموعه‌های مداخله‌ای در مواجهه با بلایا لحاظ شده است. نیاز به تحقیقات بیشتر در زمینه مسائل سلامت در بلایا و بهبود آمادگی جوامع برای مقابله با بلایا نیز احساس می‌شود.

نتیجه گیری: سلامت در بلایا یکی از نگرانی‌های عمومی جوامع است. برای مواجهه با این چالش، لازم است تا پژوهش‌های بیشتر در حوزه سلامت در بلایا انجام شود و راهکارهای مناسبی ارائه شود. همچنین، باید به زمینه‌سازی آموزش و آگاهی برای آمادگی جامعه در مقابله با بلایا توجه کرد.

واژگان کلیدی : *بلایا، سلامت، چالش های سلامتی، نیازهای بهداشتی*

بررسی عوامل تعیین کننده استفاده از صندلی کودک در خودرو

سپیده هرزندجدیدی[1]، فاطمه باختری اقدم[2]

۱- کارشناسی ارشد، رشته سلامت و ترافیک، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

۲- دکتری، رشته آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

چکیده

زمینه و هدف: کودکان یکی از گروه های آسیب پذیر در حوادث ترافیکی به شمار میروند. یکی از دلایل مرگ و آسیب کودکان در حوادث ترافیکی، نبود تجهیزات حفاظتی یا حفاظت نادرست آنان در خودرو است. از این رو، مطالعه حاضر با هدف بررسی عوامل تعیین کننده استفاده از صندلی کودک در شهر تبریز انجام شد.

مواد و روش ها: این مطالعه به صورت توصیفی تحلیلی مقطعی در سال ۱۳۹۸ در شهر تبریز انجام شد. این مطالعه روی ۷۰۰ خودرو صورت گرفت که داخل آن کودک زیر ۴ سال داشتند. به این ترتیب که ابتدا وضعیت استفاده از صندلی کودک بین ۷۰۰ سرنشین زیر ۴ سال توسط پرسشگران به روش مشاهده ای بررسی شد. سپس جهت بررسی عوامل تعیین کننده استفاده از صندلی کودک، سوالاتی از والدین کودکان مشاهده شده پرسیده شد. برای جمع آوری داده ها، از پرسشنامه سنجش وضعیت اجتماعی اقتصادی و پرسشنامه سنجش آگاهی والدین و عوامل استفاده از محافظ برای کودکان، استفاده شد. داده‌های جمع آوری شده با نرم افزار آماری SPSS و با آزمونهای t مستقل، کای اسکوئر و رگرسیون لجستیک تجزیه و تحلیل گردید.

نتایج: میزان استفاده از صندلی کودک (۱۵/۱٪) بود. اکثریت والدین (۶۴.۳٪)، آگاهی پایینی نسبت به استفاده از صندلی کودک داشتند. مهمترین دلایل عدم استفاده از صندلی محافظ برای کودکان، به ترتیب فراوانی شامل نبود قانون و سیاست (۵۹.۷٪) ، عدم آگاهی (۵۹.۶٪) ، قیمت بالای صندلی کودک (۵۷.۶٪)، عدم تمایل کودک به نشستن در صندلی مخصوص (۴۶.۴٪) و نیاز به زمان زیاد برای بستن کودک به صندلی (۳۷.۹٪) بودند. بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک، مهمترین پیش بینی کننده های عدم استفاده از صندلی کودک، سن کودک، آگاهی والدین، تحصیلات بالا و درآمد به دست آمد ($P<0.05$).

نتیجه گیری: با توجه به میزان کم استفاده از صندلی کودک و آگاهی ضعیف والدین درباره آن، برگزاری کلاس‌های آموزشی درباره مزایای استفاده از صندلی کودک برای والدین، اعمال قوانین اجباری استفاده از صندلی کودک و نیز تخصیص یارانه دولتی جهت خرید صندلی کودک برای خانواده های کم درآمد ضروری به نظر می‌رسد. انجام این اقدامات میتواند منجر به ارتقای ایمنی کودکان در خودرو و در نتیجه کاهش شدت مصدومیت ناشی از حوادث ترافیکی بین کودکان شود.

واژگان کلیدی: *حوادث ترافیکی، صندلی کودک، کودکان*

بررسی رفتارهای غیر ایمن عابرین پیاده در گروه های سنی مختلف

سپیده هرزندجدیدی[1]، فاطمه باختری اقدم[2]

۱. کارشناسی ارشد، رشته سلامت و ترافیک، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

۲. دکتری، رشته آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

چکیده

زمینه و هدف: عابرین پیاده از آسیب پذیرترین کاربران راه در تصادفات ترافیکی به شمار میروند، به طوری که بیش از ۲۲ درصد مرگ و میر ناشی از حوادث ترافیکی در عابرین پیاده رخ می دهد. این مطالعه با هدف بررسی رفتارهای غیر ایمن عابرین پیاده در حین عبور از عرض خیابان در شهرستان ماکو در سال ۱۳۹۸ انجام شد.

مواد و روش ها: این مطالعه به صورت توصیفی تحلیلی در شهر ماکو در سال ۱۳۹۸ انجام شد. به این صورت که ۱۰۹۵ عابر پیاده با استفاده از نمونه گیری خوشه ای وارد مطالعه شده و رفتار ترافیکی آنها با روش مشاهده و فیلمبرداری مورد بررسی قرار گرفت. فیلمبرداری در هر یک از تقاطع ها و میان تقاطع های تعیین شده، به مدت ۲۰ دقیقه در سه روز در هفته انجام شد. اطلاعات به دست آمده از فیلم ها در چک لیست معتبر بررسی رفتار عابرین پیاده وارد شد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون های آماری کای اسکوئر و رگرسیون لجستیک تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج: حدود ۷۵٪ از عابرین پیاده مورد مشاهده رفتارهای غیرایمن داشتند. ۵۸/۲ درصد از عابرین پیاده بدون توجه به علائم ترافیکی (چراغ راهنمایی، خط کشی عابر و ...) از عرض خیابان عبور می کردند و ۴۲/۲ درصد از گذرگاههای غیر ایمن عبور میکردند. عابرین پیاده نوجوان در مقایسه با جوانان، رفتارهای ترافیکی غیرایمن تری داشتند (۶/۰۷ برابر). با افزایش سن عابرین پیاده، شانس داشتن رفتارهای غیرایمن کاهش می یافت. استفاده از تلفن همراه در عابرین پیاده جوان بیشتر از میانسالان بود.

نتیجه گیری: با توجه به فراوانی بالای رفتارهای غیر ایمن در عابرین پیاده نوجوان و جوان، اجرای مداخلات آموزشی از طریق رسانه های مختلف (کانال های اطلاع رسانی محلی، صدا و سیما) و مداخلات محیطی مانند برگزاری کمپین های اطلاع رسانی توسط سازمان های مرتبط با حوزه ایمنی ترافیک، برای بهبود دانش و رفتار ترافیکی عابرین پیاده نوجوان و جوان ضروری بنظر میرسد.

واژگان کلیدی: *عابرین پیاده، رفتارهای ناایمن، تصادف، مطالعه مشاهده ای*

ویژگی نظام های طبقه بندی دارویی در ایمنی ترافیک: یک مطالعه تطبیقی

سپیده هرزندجدیدی[1]

۱- کارشناسی ارشد، رشته سلامت و ترافیک، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

چکیده

مقدمه: رانندگی تحت تاثیر داروها یکی از مشکلات رو به رشد ایمنی ترافیک در بسیاری از کشورهاست. نظام های طبقه بندی دارویی در ایمنی ترافیک می توانند به ارائه دهندگان خدمات سلامت کمک کنند تا داروهایی با حداقل اثر بر رانندگی تجویز کرده و درباره خطر داروها بر عملکرد رانندگی به بیماران اطلاع دهند. از این رو مطالعه حاضر با هدف بررسی تطبیقی نظام های طبقه بندی دارویی در ایمنی ترافیک جهان انجام شد.

مواد و روش ها: این پژوهش به صورت تطبیقی در سال ۱۴۰۰ انجام گرفت. ابتدا بررسی متون جامعی با استفاده از کلیدواژه های مرتبط در گوگل اسکالر، پایگاه های داده از جملهPubMed ، Scopus، Web of Science، EMBASE، TRID و safetylit.org و وبسایت های مرتبط انجام پذیرفت. سپس مقالات و مستندات یافته شده از نظر موضوعی ارزیابی شده و مقالات مرتبط جهت استخراج اطلاعات وارد فرایند مطالعه شدند. پس از غربالگری متون مرتبط، اطلاعات مربوط به ویژگی های نظام های طبقه بندی دارویی در ایمنی ترافیک، استخراج و از نظر ویژگی های مختلف با یکدیگر مقایسه شدند .

یافته ها: به طور کلی، ۱۶ نظام هشدار و طبقه بندی دارویی در ایمنی ترافیک یافت شد. هر کدام از نظام های طبقه بندی دارویی، ویژگی های متفاوتی داشتند؛ اما اکثریت آنها بر اساس سیستم Wolschrijn طراحی شده بودند. نظام های طبقه بندی ابتدا از لحاظ سطوح همانند سیستم Wolschrijn شامل ۷ سطح بودند اما بعد ها سطوح تاثیر دارویی به ۳ سطح خلاصه شد. علاوه بر طبقه بندی داروها، نماد هشدار برای بیماران و دستورالعمل هایی برای ارائه دهندگان خدمات سلامت، توسط هر نظام طبقه بندی ارائه شده بود.

نتیجه گیری: نظام های طبقه بندی دارویی در ایمنی ترافیک می‌توانند با افزایش آگاهی رانندگان و ارائه دهندگان خدمات سلامت از رانندگی تحت تأثیر داروها جلوگیری کرده و حوادث ترافیکی ناشی از داروها را کاهش دهند. با توجه به این که پزشکان معمولاً از یک سامانه آنلاین برای تجویز دارو استفاده می‌کنند، وجود هشدار های خودکار در زمان تجویز داروهای پرخطر می‌تواند به پزشکان کمک کند تا داروهای ایمن تری برای رانندگان تجویز نمایند.

واژگان کلیدی : *طبقه بندی دارو، داروهای پزشکی، رانندگی تحت تاثیر داروها، حوادث ترافیکی، ایمنی ترافیک*

بررسی رفتار ترافیکی عابرین پیاده دانشجو

سپیده هرزندجدیدی[1]، فاطمه باختری اقدم[2]

۱. کارشناسی ارشد، رشته سلامت و ترافیک، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

۲. دکتری، رشته آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

چکیده

مقدمه: عابرین پیاده یکی از آسیب پذیر ترین قشرهای استفاده کننده از جاده ها می باشند که ۱/۵برابر بیشتر از سرنشینان وسایل نقلیه دچار پیامد مرگ در حوادث ترافیکی می‌شوند. از این رو این مطالعه با هدف بررسی رفتار ترافیکی عابرین پیاده دانشجو در شهر تبریز انجام شد.

روش بررسی: مطالعه حاضر به صورت توصیفی تحلیلی در بین ۳۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تبریز و از طریق نمونه گیری آسان در دسترس انجام شد. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه رفتار ترافیکی عابرین پیاده استفاده شد که شامل ۵ حیطه نقض، خطا، توجه و تمرکز، رفتار خشن و حیطه رفتار مثبت بود. داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS ورژن ۱۹ و آزمون های t مستقل و آنوا تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: بین تاهل و حیطه نقض، تمرکز، توجه، رفتار خشن و رفتار مثبت رابطه معناداری وجود داشت. بین جنسیت و حیطه خطا، نقض، تمرکز و توجه ارتباط آماری وجود نداشت. بین مقاطع تحصیلی با حیطه نقض و خطا و رفتارهای خشن رابطه معناداری وجود داشت، اما بین رشته های تحصیلی با حیطه های فوق رابطه معناداری دیده نشد. بین گروه‌های سنی و حیطه نقض و رفتارهای خشن رابطه معناداری وجود داشت.

نتیجه گیری: در این مطالعه، با افزایش سن و نیز بالا رفتن سطح تحصیلات، دانش ترافیکی دانشجویان بهبود یافته و عملکرد ترافیکی آنها بهتر میشد. بنابراین راه اندازی دوره های آموزشی مرتبط با ایمنی ترافیک و ارائه آموزش آکادمیک به دانشجویان می تواند تاثیر مهمی در بهبود رفتارهای ترافیکی دانشجویان و در نتیجه کاهش پیامدهای ترافیکی کشور داشته باشد.

واژگان کلیدی : *رفتار ترافیکی، عابرین پیاده، دانشجویان*

چالش‌های مراقبت پرستاری از راه دور در بلایا

الناز حاجیان[1]، شیلان عزیزی[2]

۱- دانشجوی کارشناسی پرستاری، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، گروه پرستاری، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

۲- هیات علمی، گروه پرستاری، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

زمینه و هدف: بلایا، اثرات زیان باری بر نظام‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و سلامتی دارند. در برخی شرایط، با توجه به موقعیت مکانی بلا، محدودیت زمان و تجهیزات پزشکی و عدم امنیت جانی برای کادردرمان، مراقبت از راه نزدیک ناممکن یا خطرناک است. مراقبت پرستاری از راه دور با کمک علم فناوری و ارتباطات بدون محدودیت در زمان و/یا مسافت به ارایه خدمات پرستاری می‌پردازد. اما وجود چالش‌هایی در این مسیر، پژوهشگران را بر آن داشت تا مطالعه ای با هدف مروری بر چالش‌های پرستاری در بلایا تدوین نمایند.

مواد و روش ها: در مطالعه مروری توصیفی، مقالات توسط دو پژوهشگر با کلیدواژه‌های پرستاری از راه دور، بلایا، فوریت و معادل انگلیسی آنها از پایگاه‌های Web of Science، Science Direct، SID، PubMed، در بازه زمانی ۲۰۲۳-۲۰۱۸ جستجو گردید. با درنظر گرفتن معیارهای ورود مقالات (چکیده و تمام متن، زبان فارسی و انگلیسی، بدون محدودیت در نوع مقاله، موجود در عنوان و چکیده) و معیار خروج (حذف مقالات نامتناسب با هدف و تکراری)، 16 مقاله انتخاب و مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: پژوهش ها نشان دهنده موفقیت مداخلات پرستاری از راه دور در پیش‌بینی، پیش‌گیری، تشخیص حرفه‌ای و مراقبت های پس از بلا اعم از تریاژ، اقدامات نجات‌دهنده و نظارت‌های دراز مدت (جسمی، روحی) بوده است. درحالی‌که موانعی چون عدم حمایت بیمه، نبود زیرساخت‌های تکنولوژی کافی، عدم پیشروی رخدادها طبق انتظارات و عدم تطابق رویدادهای ناگهانی با برنامه‌های داده شده به ابزارهای کمک‌کننده در بلا چون ربات‌های آموزش‌دیده، مشکلات در پرداخت هزینه متناسب با اقدام انجام شده، مهارت ناکافی افراد از ابزار کمکی پیشرفته، کاهش درک تجربیات ناخوشایند بیماران، کم‌رنگ شدن نقش پرستاران اورژانس و موانع اخلاقی، کاربرد پرستاری از راه دور را با مشکل مواجه می سازد.

نتیجه گیری: پرستاری از راه دور در شرایطی که امکان حضور پرستار در موقعیت بلا وجود ندارد، با در نظر گرفتن مزایای آن، نقش موثری در سلامتی بیمار خواهد داشت. از سوی دیگر مدیران نظام سلامت با ارتقا آگاهی فرهنگی و آموزشی و نیز تخصیص منابع مالی و فناوری در رفع موانع موجود می‌توانند کمک موثری باشند. تحقیقات بیشتری در زمینه تاثیر رفع موانع یاد شده بر مراقبت موثر از راه دور پیشنهاد می‌گردد.

واژگان کلیدی : *پرستاری، پرستاری از راه دور، بلایا، فوریت*

بررسی میزان تاب آوری بهورزان شاغل در خانه های بهداشت در دوران پاندمی کووید ۱۹

مسعود باسره[۱]، هدایت عباسی[۲]

۱-کارشناس ارشد ارگونومی،گروه ارگونومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهیدصدوقی یزد، یزد، ایران.

۲-کارشناس مسئول بهداشت حرفه ای، شبکه بهداشت و درمان شهرستان مریوان، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: با شیوع بیماری کرونا درجهان در ابتدای سال ۲۰۲۰ تلاش تیم های بهداشتی در غربالگری، شناسایی، بیماریابی بیماران و واکسیناسیون کووید دوچندان شده است. بهورزان به عنوان سربازان خط مقدم سلامت، نقش کلیدی در خاموش کردن شعله های مهیب پاندمی داشته اند. تاب آوری توانایی انسان در مقابله با شرایط پرخطر و آسیب زاست، که به افراد امکان غلبه بر سختی ها و مشکلات را می دهد. این مطالعه با هدف تعیین میزان تاب آوری بهورزان شاغل در خانه های بهداشت در ایام شیوع پاندمی کرونا انجام شده است.

مواد و روش ها: این مطالعه که بصورت مقطعی در ایام پیک پنجم کرونا بر روی ۳۷ نفر(۱۷ مرد ، ۲۰ زن) از بهورزان شاغل در مراکز بهداشتی و درمانی انجام شد. برای سنجش و ارزیابی میزان تاب آوری از پرسشنامه کونور_دیویدسون استفاده شد. پرسشنامه از طریق شبکه های اجتماعی در اختیار شرکت کنندگان قرار داده شد. در نهایت نتایج با استفاده از آمار توصیفی و نرم افزار SPSS.V22 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: نمره تاب آوری ۱۱/۲۵ ± ۶۲/۶۷ بدست آمد. بهورزان شاغل در مراکز منتخب کرونا که کار رهگیری و غربالگری بیماران کرونایی و اطرافیان آنها را برعهده داشتند نمره تاب آوری کمتری (۵۳/۶۲) کسب کردند. بهورزان مرد نمره تاب آوری بیشتری نسبت به زنان کسب کردند. بین سابقه کار و تاب آوری رابطه معنی داری نشان داده شد (P=0.025).

نتیجه گیری: میانگین نمره تاب آوری در بهورزان پایین است، تنوع برنامه های بهداشتی و گستردگی دامنه فعالیت بهورزان در کنار حجم بالای کار ایام پیک کرونا می تواند از علل این مساله باشد. ارائه بسته های تشویقی خدمتی و برگزاری دوره های آموزشی متناسب با دستورالعمل های جدید می تواند به افزایش میزان تاب آوری کمک کند.

واژگان کلیدی: *تاب آوری، بهورز، پاندمی کووید ۱۹، خانه بهداشت*

ضرورت آموزش مهارت‌های بالینی به کارشناسان بهداشت در مواجه با شرایط اضطراری؛ یک مرور نظام‌مند

مهدیه دوستعلی‌وند[1]، مهرناز بختیاری‌فر[2]

۱-کمیته تحقیقات دانشجویی، علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

۲-دانشجوی کاردانی، رشته علوم تجربی، دانشکده علوم پایه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد، خرم آباد، لرستان

چکیده

زمینه و هدف: کارشناسان بهداشت با حضور پررنگ و مداوم در مراکز درمانی، بهداشتی و سایر ارگان ها به ویژه مراکز بهداشت در کنار سایر اعضای کادر درمان، نقش بسزایی در افزایش کیفیت خدمات بهداشتی و درمانی ارائه می کنند. کارشناسان بهداشت با ارائه خدمات بهداشتی نظیر پایش های دوره ای وضعیت سلامت خانوار (وضعیت سلامت مادران باردار، مشاوره های پیش از ازدواج، آموزش مادران، مراقبت از سلامت کودکان)، بررسی و ارزیابی بهداشت محیط (نظارت بر وضعیت بهداشت مدارس و مراکز آموزشی، نظارت بر سلامت آب آشامیدنی و بهداشت مواد غذایی) و همکاری در برنامه های اجرایی (کنترل بیماری ها، مسمومیت ها، سوانح و حوادث ناشی از کار) همواره در معرض شرایط اضطراری و تهدیدکننده سلامت جامعه هستند. هدف از انجام این مطالعه مروری نظام مند بررسی ضرورت آموزش مهارت های بالینی به کارشناسان بهداشت در مواجه با شرایط اضطراری است.

مواد و روش‌ها: این مطالعه به روش مرور نظام مند در سپتامبر سال ۲۰۲۳ صورت گرفته است. سوال اصلی مورد پژوهش این بود که لزوم آموزش مهارت های بالینی به کارشناسان بهداشت در مواجه با شرایط اضطراری چیست؟ برای پاسخ به این سوال با استفاده از کلید واژه های Clinical Trial، Education، Health Personnel و Emergencies بر اساس MeSH، همچنین کلید واژه های مهارت های بالینی، آموزش، کارشناسان بهداشت، شرایط اضطراری و ترکیب آن ها در پایگاه های داده Pubmed، Scopus، Scince Direct، Web of Scince، SID، Magiran، و موتور جست و جوی Google Scholar از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۳ (معادل دی ۱۳۹۶ تا شهریور ۱۴۰۲) صورت گرفت. جست وجوی اولیه با وارد نکردن مقالات مروری، نامه به سردبیر و کتاب ها به منظور سنجش مطالعات اصیل در حیطه هدف پژوهش و میزان اهمیت به هدف پژوهش صورت گرفت. لذا تنها تعداد ۹۰ مقاله یافت شد که طی سه مرحله پس از بررسی عنوان، خلاصه مقالات و متن کامل مقالات متاثر از معیارهای ورود به مطالعه (گروه هدف، آموزش مهارت های بالینی، مواجه با شرایط اضطراری، زبان انتشار و امکان دسترسی به مقالات)، سعی بر آن شد تا از میان آن ها مقالات هم راستا با هدف پژوهش برگزیده شوند. پس از غربال مقالات، بر اساس فرم استخراج داده، داده های مقالات استخراج شدند. پس از بررسی اولیه به نظر می رسید که به موضوع هدف پژوهش به میزان کمی پرداخته شده است. به منظور افزایش دقت و کاهش خطای جست و جو، استراتژی جست وجوی مقالات توسط

دو پژوهشگر به صورت موازی انجام شد که موارد عدم توافق میان دو پژوهشگر، طی یک جست وجوی مشترک از سر گرفته شد. در انتها نتایج پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند.

نتایج: از بین ۹۰ مقاله یافت شده و بررسی شده طی مرحله سه گانه، تنها ۳ مقاله مطابق با معیارهای هدف پژوهش صلاحیت ورود به مطالعه را داشتند. به طور کلی مقالاتی که بر هدف پژوهش متمرکز باشند و به موضوعاتی مانند عملکرد بالینی کارشناسان بهداشت در شرایط اضطراری بپرادزند، یافت نشد. موضوعاتی نظیر عملکرد پرستاران و کارکنان اورژانس فوریت های پزشکی در شرایط اضطراری و به طور خاص بلایای طبیعی، عمده مطالعات را شامل می شدند. در طی پژوهش انجام شده به نظر می رسد که نه تنها به لزوم آموزش مهارت های بالینی به کارشناسان گروه های بهداشت برای مواجه و پاسخ به شرایط اضطراری پرداخته نشده است که مطالعات کمتر مرتبطی با این مسئله می توان یافت. گروه هدفی که در یک مطالعه برگزیده شده و هم راستا با هدف پژوهش به آن پرداخته شده بود، عملکرد و میزان آمادگی کادر درمان را تحت عنوان پرسنل بهداشتی در مواجه با شرایط اضطراری و بلایای طبیعی را مورد بررسی قرار داده بود. به طور کلی پرسنل بهداشتی تصور می کنند که در مواجه با شرایط اضطراری آماده نیستند و معتقد هستند که دوره های آموزش پاسخ به بلایای طبیعی و شرایط اضطراری باید در برنامه های درسی آن ها گنجانده شود. همچنین اغلب پرسنل بهداشتی معتقد هستند که موسسات بهداشتی که در آن جا مشغول به کار هستند، آماده سازی کافی را انجام نمی دهند (یک مطالعه). فعالیت هایی مانند طرح ریزی، آموزش و تمرین آموزه ها با همگن سازی آموزش، آمادگی کارکنان بهداشتی را در مواجه با شرایط اضطراری افزایش می دهد، در نتیجه در طول زمان به اثربخشی در عملکرد پرسنل بهداشتی منجر خواهدشد (یک مطالعه). سرمایه گذاری بر پرسنل بهداشت و زیرساخت های بهداشتی بر آمادگی و پاسخ به شرایط اضطراری در آینده مفید و اثربخش خواهد بود (یک مطالعه).

نتیجه‌گیری: به نظر می رسد با توجه به نقش مهمی که کارشناسان گروه های بهداشت در زمینه های مختلف بهداشتی و درمانی ایفا می کنند، اما همچنان به اندازه کافی به معضلات و چالش های این گروه از کادردرمان پرداخته نشده است. لذا در این زمینه احساس نیاز می شود و پیشنهاد می شود که محققان در درجه اول به ارزیابی دوره های تحصیلی، عملکرد و صلاحیت بالینی و پاسخ کارشناسان بهداشت در مواجه با شرایط اضطراری پرداخته و پس از بررسی چالش های بالینی پیش روی کارشناسان بهداشت در مواجه با شرایط اضطراری، به بررسی لزوم آموزش مهارت های بالینی به کارشناسان بهداشت تحقیق و بحث کنند.

واژگان کلیدی: *Clinical Trial، Education، Health Personnel، Emergencie*

چالش های مدیریت بلایا در حوادث با مصدومین انبوه: مطالعه مروری

مهدی صادقی

۱-گروه سلامت در بلایا و فوریت ها، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: از آنجایی که بلایا و حوادث تلفات جمعی (MCIs) اغلب بدون هشدار رخ می دهند، فرصت کمی برای بررسی واقعی رویداد و واکنش بالقوه آن وجود دارد. در نتیجه مدیریت این حوادث برای هر شخص یا سازمانی چالش برانگیز است. بنابراین، این مطالعه به بررسی چالش‌های مدیریت بلایا در حوادث با مصدومین انبوه می‌پردازد.

مواد و روش ها: این پژوهش یک مطالعه مروری است که با استفاده از مقالات موجود در پایگاه‌های اطلاعاتی، Google Scholar و PubMed انجام شده است. مطالعه حاضر با استفاده از گزارش‌های موردی و درس‌های آموخته شده، چالش‌های مدیریت بلایا در حوادث با مصدومین انبوه را شناسایی و توصیف می‌کند. معیارهای ورود، همه انواع مقالاتی بود که به عنوان مطالعه موردی یا درس های آموخته شده در ارتباط با رویدادهای رسانه های جمعی بررسی شده بودند.

نتایج: در مجموع، چهار چالش مهم از ۲۲ گزارش موردی و درس‌های آموخته‌شده از انواع بلایا (طبیعی و انسان‌ساز) شناسایی شد که عبارت‌اند از: (۱) انطباق پاسخ پزشکی با وضعیت واقعی و کلی، (۲) متعادل کردن عدم تطابق بین طرح اضطراری و واقعیت، (۳) ایجاد یک سازمان بحران عملکردی و (۴) شناسایی موقعیت و مقابله با عدم اطمینان.

نتیجه‌گیری: چالش‌های مربوط به مدیریت حوادث با MCI عمدتاً به توانایی مدیریت موقعیت‌های عدم قطعیت و غافلگیری با استفاده از فرآیندهای ساختاریافته برای پاسخ مرتبط است. توانایی تغییر ذهنیت، سازمان و رویه ها، هم از منظر سازمانی و هم از منظر فردی ضروری است. عوامل غیرپزشکی و عوامل درونی بر مدیریت بلایا تأثیر داشته و برای پاسخگویی مؤثر، به موقع و منعطف باید تمامی این عوامل در نظر گرفته شود.

واژگان کلیدی: *مصدومین انبوه، مدیریت بحران، مدیریت بلایا، چالش*

نقش کلان داده ها در مدیریت بلایا: یک مطالعه مروری

الهه باهنر[1*]، مهدی صادقی[2]

۱-بیمارستان امام حسین(ع)، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران.

۲-گروه سلامت در بلایا و فوریت ها، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

زمینه و هدف: دنیای امروز شدیداً به فناوری اطلاعات وابسته است. کلان داده ها به دلیل امکانات متنوعی که در تجسم، تحلیل و پیش بینی فراهم می کند، می توانند حداکثر کاربرد را در مدیریت بلایا داشته باشند. لذا، این مطالعه به بررسی کاربرد و نقش کلان داده ها در مدیریت بلایا پرداخته است.

مواد و روش ها: این پژوهش، یک مطالعه مروری از نوع روایتی (narrative) است که با استفاده از مقالات موجود در بانک های اطلاعاتی ...Google Scholar و PubMed انجام گرفته است. معیارهای ورود عبارت بودند از تمامی انواع مقالاتی که همزمان کلان داده ها و مدیریت بلایا را بررسی نموده بودند و برای معیارهای خروج بلایای تکنولوژیک و مقالات به زبانی غیرانگلیسی مدنظر قرار گرفت. پس از استخراج و غربالگری مقالات، در نهایت ۸ مقاله برای تحلیل نهایی وارد مطالعه شدند.

نتایج: یافته های مطالعه بیانگر اثربخشی مثبت استفاده از کلان داده ها در تسهیل مدیریت بلایا با دیدگاه های علمی و تکنولوژیکی متنوع بود. مهمترین کاربردهای کلان داده ها در مدیریت بلایای طبیعی عبارت بودند از استفاده از بهترین فناوری‌های موجود در ذخیره‌سازی اطلاعات موجود در ساختارهای یکپارچه آن برای مقابله موثر با بلایا و تسهیل سیاستگزاری ها و مدیریت موثر در تمامی مراحل مدیریت بلایا

نتیجه گیری: بر اساس یافته ها، باید تحقیقات بیشتری به منظور بررسی چالش‌های ناشی از کلان داده ها انجام شود، به‌ویژه در زمینه حجم داده‌های در حال ظهور ویدیوهای جریانی از جمله مدیریت کارآمد داده، انتقال سریع داده و تجسم بصری داده‌ها.

واژگان کلیدی: *کلان داده، مدیریت بلایا، فناوری اطلاعات*

انواع تریاژ در حوادث بیوتروریسم، یک مطالعه مروری

میلاد الیاسی[۱]، مهدی صادقی[۲]

۱-گروه گوش و حلق و بینی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲-گروه سلامت در بلایا و فوریت ها، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف : فراوانی حوادث تروریستی در سال های اخیر افزایش یافته و چالش های جدیدی را ایجاد کرده است. الگوریتم‌های تریاژ سنتی بیشتر در موقعیت‌های تروما به کار می‌روند اما الگوریتم‌های تریاژ سنتی با حملات بیوتروریسم مرتبط نیستند. هدف از این مطالعه شناسایی انواع سیستم های تریاژ در حوادث بیوتروریسم مرتبط با تجمعات انبوه می باشد.

مواد و روش ها: این پژوهش، یک مطالعه مروری است که مقالات موجود در بانک های اطلاعاتی SID، Magiran، Google Scholar و PubMed تا پایان سال ۲۰۲۲ مورد بررسی قرار گرفته است. پس از استخراج و غربالگری مقالات توسط تیم پژوهش، در نهایت ۱۰ مقاله برای تحلیل نهایی وارد مطالعه شدند.

نتایج: ده الگوریتم تریاژ مورد استفاده برای موقعیت های مختلف بیوتروریسم شناسایی شدند. چهار مطالعه در مورد الگوریتم های تریاژ برای اکثر رویدادهای بیوتروریسم، چهار مطالعه در مورد الگوریتم های تریاژ برای سیاه زخم و دو مطالعه در مورد الگوریتم های تریاژ برای مشکلات روانی یا روانی اجتماعی ناشی از رویدادهای بیوتروریسم بودند.

نتیجه گیری: هیچ نتیجه ای در مورد اینکه کدام یک از چهار روش بهتر است وجود ندارد. در مواجهه با حملات بیوتروریسم در مقیاس بزرگ، دو نکته کلیدی برای تریاژ وجود دارد. اول شناسایی عوامل بیولوژیکی مورد استفاده در حمله است و دوم بهبود کارایی تشخیص آسیب و طبقه بندی افراد در معرض. مطالعات کمی در مورد الگوریتم های تریاژ در رابطه با مشکلات روانی یا روانی اجتماعی ناشی از رویدادهای بیوتروریسم وجود دارد. بنابراین باید به این موضوع توجه بیشتری شود. کارکنان باید آموزش روانشناختی را به روش های آموزشی معمول خود اضافه کنند.

واژگان کلیدی: *تریاژ، بیوتروریسم، تجمعات انبوه، مروری*

بررسی فراوانی و علل خطاهای پزشکی دربیمارستان شهید مصطفی خمینی(ره) ایلام در سال ۱۴۰۱

دکتر علی صاحبی[۱] ، مرضیه پیکره[۱]، طیبه کیانی[۳]

۱-دکتری تخصصی سلامت در بلایا و فوریت ها، عضو هیات علمی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام

۲-دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشکده مدیریت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، خوزستان

۳-کارشناس پرستاری، بیمارستان شهید مصطفی خمینی (ره)، دانشگاه علوم پزشکی ایلام

چکیده

زمینه و هدف: فرایندهای بهداشت و درمان مسبب خطرات زیادی برای بیمار شده اند و افزایش بروز خطاهای پزشکی یکی از مهم ترین پیامدهای این فرایندهاست.خطای پزشکی قصور خدمت یا ارتکاب عمل اشتباه در برنامه ریزی یا اجرا است که به طور بالقوه یا بالفعل باعث یک نتیجه ناخواسته شده و تهدیدی برای رفاه و سلامتی بیمار می باشد. افزایش خطاهای پزشکی علاوه بر خسارت های جانی و مالی و آثار غیراخلاقی ناشی از آن ،عامل بسیاری از مرگ های قابل اجتناب است لذا هدف از مطالعه حاضر تعیین فراوانی و بررسی علل خطاهای پزشکی گزارش شده در بیمارستان شهید مصطفی خمینی (ره) شهرایلام در سال ۱۴۰۱ می باشد.

مواد و روش ها: در این مطالعه توصیفی گذشته نگر تمام خطاهای پزشکی گزارش شده در بیمارستان شهید مصطفی خمینی (ره) شهر ایلام در سال ۱۴۰۱ مورد بررسی قرار گرفت. ابزار جمع آوری داده ها، پرسشنامه گزارش خطاهای پزشکی مصوب دانشگاه علوم پزشکی استان ایلام که بر روی سایت بیمارستان شهید مصطفی خمینی(ره) قرار داده شده بود و شامل اطلاعاتی از جمله: سمت فرد گزارش دهنده، سمت فرد که دچار خطا شده، نام بخش، سن بیمار، نوع آسیب ، شیفت، خطا صورت گرفته، انواع خطا، شدت عوارض و مشکلات ایجاد شده، شرح خطا ، چگونه می توانستیم از وقوع این خطا پیشگیری کنیم، اقدامات اصلاحی و پیشنهادات موجود بوده است و داده های با استفاده از آزمون های آمار توصیفی تجزیه و تحلیل شد.

نتایج: نتایج این مطالعه نشان داد که تعداد کلی خطاهای پزشکی گزارش شده در سال ۱۴۰۱ تعداد 193 مورد بوده است. بیشترین موارد خطای گزارش شده مربوط به خطاهای مراقبتی با ۵۹ مورد(۳۰/۵۶ درصد) و کمترین موراد خطای گزارش شده مربوط به خطاهای ثبت در سیستم HIS با ۱۰ مورد(۵/۱۸ درصد) بوده است. همچنین در خصوص عامل خطا، بیشترین موارد خطا مربوط به پرستاران با ۱۷۲ خطا (۸۹ درصد) و کمترین خطا مربوط به تکنیسین آزمایشگاه و تکنیسین فوریت با ۱ مورد(۰.۵ درصد) بود. از حیث شدت عوارض خطا، تعداد ۱۵۶ مورد (۸۰/۸۲ درصد) بدون عارضه و ۱ مورد(۰.۵درصد) منجر به آسیب

شدید شده است. در خصوص نوع شیفت کاری، بیشترین موارد خطا مربوط به شیفت کاری شب با ۸۲ مورد (۴۲/۴۸ درصد) و کمترین موارد خطا مربوط به شیفت کاری عصر با۳۲ مورد (۱۶/۵۸ درصد) ثبت شده است.

نتیجه گیری: بر اساس نتیجه این مطالعه ضروری به نظر می رسد، باتوجه به اینکه بیشترین خطا مربوط به خطای مراقبتی و در بین پرستاران بوده است و همچنین باتوجه به اقدامات اصلاحی پیشنهاد شده از سوی پرسنل بایستی کلاس های آموزشی در زمینه گزارش خطای پزشکی، استفاده از یادآور برای انجام اقدامات بخش، اجرای صحیح دستورالعمل ها، اعمال دقت بیشتر در امورات محوله، ارائه آموزش کافی به بیمار (از جمله آموزش رژیم غذایی به بیمار، اقدامات جهت داروهای پرخطر)، ثبت سیستمی اقدامات پاراکلینیک جهت کاهش خطای پزشکی در بیمارستان انجام گیرد.

واژگان کلیدی : *ایمنی بیمار، گزارش خطا،خطای پزشکی پرستار*

ارزیابی عملکرد سازه ای، غیرسازه ای و عملکردی بیمارستان شهید مصطفی خمینی ایلام در سال ۱۴۰۲

دکتر علی صاحبی[۱] ، مرضیه پیکره[۱]، طیبه کیانی[۳]، شیما نظر[۴]

۱-دکتری تخصصی سلامت در بلایا و فوریت ها، عضو هیات علمی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام

۲-دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشکده مدیریت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، خوزستان

۳-کارشناس پرستاری، بیمارستان شهید مصطفی خمینی (ره)، دانشگاه علوم پزشکی ایلام

۴-کارشناس پرستاری ،بیمارستان شهید مصطفی خمینی (ره) ، دانشگاه علوم پزشکی ایلام

چکیده

زمینه و هدف: بلایا و حوادث غیرمترقبه آثار و نتایج مخربی دارند که از دیرباز خسارات جانی و مالی فراوانی را بر ملل مختلف تحمیل کرده است. این حوادث با نابودی ساختمان ها و زیرساخت های جامعه، عوارض اقتصادی و اجتماعی بسیاری را برجوامع و کشورها تحمیل می کنند. بیمارستان ها در زمان بروز بلایا از اصلی ترین واحدهای ارائه خدمات بهداشتی درمانی بوده که آمادگی و ارائه خدمات به موقع آن ها در کاهش صدمات و مرگ و میر نقش حیاتی دارد. هدف از مطالعه حاضر بررسی ارزیابی خطر بلایا در بیمارستان شهید مصطفی خمینی شهر ایلام در سال ۱۴۰۲ بود..

مواد و روش ها: مطالعه حاضر توصیفی مقطعی در سال۱۴۰۲جهت ارزیابی خطر بلایا در بیمارستان شهید مصطفی خمینی(ره) شهر ایلام انجام گردید. به منظور گردآوری داده از روش مصاحبه، مشاهده و چک لیست استاندارد بر اساس چک لیست استاندارد شاخص ایمنی بیمارستان (Hospital Safety Index) بود. این چک لیست دارای ۵بخش شامل، اطلاعات کلی بیمارستان، شناخت مخاطرات، ارزیابی ایمنی عملکردی، ارزیابی ایمنی سازه ای و غیر سازه ای می باشد.داده ها با استفاده از نرم افزار ۱۶Excel آنالیز شدند.

نتایج: در این مطالعه، ایمنی بیمارستان شهید مصطفی خمینی شهر ایلام در سه سطح سازه ای، غیر سازه ای و عملکردی به ترتیب ۶۶.۰۳، ۵۳.۲۶، ۷۶.۹۲ گزارش گردید. همچنین میزان ایمنی کل ۶۴.۳۷ گزارش شد که نشان دهنده سطح متوسط ایمنی بیمارستان در برابر حوادث و بلایا می باشد. از طرفی سطح ایمنی بیمارستان مورد مطالعه در سطح ۷ برآورد شد. همچنین در این مطالعه میزان وقوع مخاطرات زمین شناختی، آب و هوایی، پدیده های اجتماعی، زیستی، فناوری زاد و انسان ساخت محاسبه گردید و مخاطرات زیستی از بیشترین میزان وقوع برخوردار بودند

نتیجه گیری: برآورد ارزیابی خطر بلایا در بیمارستان مورد مطالعه نشان داد که سطح ایمنی عملکردی از میزان بالاتری برخودار بود و همچنین سطح ایمنی کل بیمارستان در سطح متوسط و سطح ایمنی غیر سازه ای میزان کمتری ارزیابی شد. لذا این نتایج می تواند ناشی از نبود تشکیلات منسجم مدیریت خطر و بلایا، بودجه و دانش کافی باشد. بنابراین مدیران حوزه سلامت بایستی نسبت به ارتقاء شاخص های ایمنی بیمارستان همچنین ارتقا بودجه و دانش کافی تلاش نموده و میزان آمادگی بیمارستان در پاسخ به هر گونه حوادث و بلایای احتمالی را افزایش دهند.

واژگان کلیدی: *ایمنی سازه ای ، ایمنی غیر سازه ای ،ایمنی عملکردی ، بیمارستان ، بلایا*

چگونه هوش مصنوعی سیستم های هشدار اولیه را تحت تاثیر قرار می دهد؟ : یک مطالعه مروری

نازنین تیموری نژاد[۱]، محمدرضا اسماعیلی[۲]، عادل افتخاری[۳]

۱-دانشجوی پرستاری دانشکده پرستاری میبد، واحد دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

۲-دانشجوی پرستاری دانشکده پرستاری میبد، واحد دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

۳-استادیار، دکترای سلامت در بلایا و فوریت ها، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری میبد، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران

چکیده

زمینه و هدف: ایران به عنوان کشوری در حال توسعه در پرحادثه ترین مناطق جغرافیایی واقع شده و جزو ۱۰ کشور حادثه خیز جهان محسوب می‌شود. از سوی دیگر سلامت مردم کشور با بیماری ها و مسائل بهداشتی دیگری نیز مورد تهدید قرار می گیرد. به منظور کاهش آسیب پذیری کشورها در مقابل انواع حوادث، سیستم های هشدار اولیه برنامه ریزی شده اند؛ اما امروزه با توجه به پیشرفت روز افزون و نفوذ هوش مصنوعی در بخش های مختلف سیستم بهداشتی، سیستم های هشدار اولیه نیز تحت تاثیر این فناوری شگفت انگیز قرار گرفته اند. در این مطالعه بررسی می شود که سیستم های هشدار اولیه مبتنی بر هوش مصنوعی چه عملکردی دارند.

مواد و روش ها: در مطالعه مروری حاضر کلیدواژه های artificial intelligence، AI، early warning system و emergency در پایگاه های اینترنتی Google Scholar، SID و PubMed در بازه زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۳ مورد جست و جو قرار گرفتند.

نتایج: سیستم هشدار اولیه یا سریع یعنی ارائه اطلاعات به موقع و موثر، توسط سازمان های تعریف شده،که به افراد در معرض مخاطره به منظور پیشگیری، کاهش خطر و آمادگی برای پاسخ موثر کمک می کند و خسارات و آسیب ها را کاهش می دهد. برای مثال اگر در حادثه سونامی ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۴ در جنوب شرق آسیا سامانه هشدار اولیه وجود داشت، هزاران نفر زنده می ماندند. در نتیجه سازمان جهانی بهداشت اولین بخش از برنامه پاسخ را سیستم هشدار اولیه اعلام کرده است. ایده کلی هشدار اولیه یک مفهوم گسترده است؛ اما می توان از آن در هر زمینه ای که به دست اوردن سرنخ هایی از ظهور یک مشکل، در اسرع وقت، اهمیت دارد استفاده کرد. از این سیستم میتوان برای انواع مخاطرات مانند آب و هوای شدید، رانش زمین، سیل، خشکسالی، آتش سوزی، زلزله، فوران های آتشفشانی، سونامی و بیماری های همه گیر استفاده کرد. استفاده گسترده از این سیستم ها سبب شده است که توسعه دهندگان در صدد توسعه این فناوری برآیند. حال توسعه دهندگان معتقدند با توجه به استفاده گسترده از هوش مصنوعی در جوانب مختلف مسائل بهداشتی، طراحی سیستم های هشدار اولیه مبتنی بر هوش مصنوعی

می‌تواند عملکرد این سیستم ها را بهبود بخشد. مطالعات نشان داده اند که بکارگیری هوش مصنوعی در بهبود عملکرد تشخیص خطر آتش سوزی در شهرهای هوشمند تاثیر بسزایی دارد. سیستم های هشدار اولیه مبتنی بر هوش مصنوعی میتوانند در مخاطرات طبیعی هشدار ها و اطلاعات را دقیق و سریع در اختیار مردم و افراد آسیب دیده قرار دهند و باعث کاهش تلفات جانی و مالی شوند. استفاده از هوش مصنوعی در این سیستم ها میتواند مدیریت، ذخیره سازی و ارتباط داده های ارائه شده توسط بیمارستان ها در زمان بروز بحران ها را تسهیل کند. همچنین می توان جهت تصمیم گیری های بزرگ و کلان، تقلید الگوهای تفکر و جمع آوری اطلاعات در زمینه سیاست گذاری های مدیریت بحران و سیستم های هشدار دهنده از هوش مصنوعی استفاده کرد.

نتیجه گیری: بهره گیری از فناوری هوش مصنوعی در سیستم های هشدار اولیه نه تنها باعث بهبود عملکرد این سیستم ها شده بلکه در کشورهای در حال توسعه میزان خسارات مالی و جانی را به مقدار چشم گیری کاهش داده است می دهد. حضور سیستم های هشدار اولیه مبتنی بر هوش مصنوعی در همه کشور ها می تواند اقدام مثبتی جهت کاهش آسیب پذیری و ریسک ناشی از مخاطرات طبیعی و انسان ساخت و کاهش فشار بر سیستم های بهداشتی و امدادی در انواع حوادث تلقی شود.

واژگان کلیدی: *Emergency, Artificial intelligence, Early warning system*

راهبرد های پیشگیری و کاهش صدمات حوادث ترافیکی: یک مطالعه مروری

محمدرضا اسماعیلی[۱] ، نازنین تیموری نژاد[۲]، عادل افتخاری[۳]

۱-دانشجوی پرستاری دانشکده پرستاری میبد، واحد دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

۲-دانشجوی پرستاری دانشکده پرستاری میبد، واحد دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران۲

۳-استادیار، دکترای سلامت در بلایا و فوریت ها، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری میبد، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران

چکیده

زمینه و هدف: حوادث ترافیکی در سراسر دنیا به عنوان علت اصلی معلولیت و مرگ و میر شناخته می شوند. به طوری که سالانه ۱.۲ میلیون نفر در سراسر دنیا در اثر حوادث ترافیکی فوت کرده و ۵۰ میلیون نفر دچار جراحت می شوند. مرگ و میر و جراحت های ناشی از حوادث ترافیکی از مشکلات مهم بهداشتی، اقتصادی و اجتماعی در جهان است. کشور ایران از این منظر یکی از کشورهایی ست که بالاترین آمار مرگ و میر و جراحت را دارد و مرگ و میر ناشی از حوادث ترافیکی دومین علت مرگ و میر بعد از بیماری های قلبی به شمار می آید. در نتیجه از آنجا که صدمات ناشی از حوادث ترافیکی، سال به سال رو به افزایش است و به نظر می رسد این روند، از تصمیمات و سیاست های موثر و برنامه های اجرایی در مورد کنترل عوامل مداخله گر پیروی می کند؛ میتوان با ارائه راهکار های پیشگیرانه مناسب از به وجود آمدن این حوادث جلوگیری کرد یا آنها را کاهش داد.

مواد و روش ها: در مطالعه مروری حاضر کلید واژه های پیشگیری، حوادث ترافیکی ، صدمات، Prevention, traffic accidents, injuries در پایگاه های اینترنتی SID، PubMed، Scopus و گوگل اسکولار در محدوده زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ مورد جستجو قرار گرفتند.

نتایج: مطالعات نشان می دهد که نقص خودرو در ۱۲ درصد، نقش افراد و خطای انسانی در ۹۳ درصد و عوامل جاده ای و راه در ۳۴ درصد از حوادث ترافیکی نقش دارند. سازمان جهانی بهداشت، حادثه را رویدادی بدون سابقه که سبب آسیب قابل تشخیص میشود میداند؛ که میتوان از آن پیشگیری کرد. براساس مطالعات؛ برای کاهش این چنین حوادث میتوان از راهکار های اصلی شامل بهبود محیط جاده ها مثل روشنایی کافی، وجود محیط مناسب برای استراحت رانندگان و بهبود آسفالت، تولید وسایل نقلیه ایمن ، برقرار نمودن قوانین ایمنی، ایجاد نظام تنبیه و تشویق رانندگان، شناسایی رانندگی پرخطر و علت یابی، تغییر آگاهی و عملکرد و عادات ایمنی مردم و بهبود سیستم های امداد رسانی جاده ای استفاده کرد. همچنین والدین بایستی قوانین عبور و مرور را به فرزندان خود بیاموزند و از بازی کودکان در خیابان جلوگیری کنند. فرهنگ استفاده از پل هوایی، لباس های روشن در شب و اجرای طرح همیار پلیس در بین کودکان می تواند بسیارموثر باشد. برخی مطالعات نیز معتقدند که رسانه ها بهترین وسیله جهت رساندن اطلاعات علمی و عمومی به گروه بزرگی از مردم است، به همین جهت میتوان با کمک رسانه های جمعی به شکل تئاتر، نمایش، رادیو، تلویزیون و... رفتار های پرخطر، احتیاطات رانندگی و فرهنگ رانندگی

بی خطر را به مردم آموزش داد. در نهایت مسئولین باید اطلاع کافی در مورد اپیدمیولوژی حوادث ترافیکی داشته و پس از بررسی دلایل، برنامه ریزی طولانی مدت در جهت کاهش آمار بروز این حوادث داشته باشند.

نتیجه گیری: حوادث ترافیکی، یک مشکل بزرگ سلامت عمومی است که پیشگیری مداوم و موثر از آن نیازمند تلا ش های هماهنگ و همه جانبه همه سازما نها و گروههای درگیر برای اجرای برنامه های نام برده شده جهت کاهش و پیشگیری از صدمات حوادث ترافیکی است. به همین منظور جهت موفقیت در چنین برنامه هایی نیازمند برنامه های تکمیل کننده مدرسه محور و جامعه محور و حضور مکخصصان آموزش سلامت در کنار اصحاب رسانه و پلیس راهور در فرآیند طراحی برنامه ها، کارایی و اثربخشی این اقدامات می باشد.

واژگان کلیدی : *پیشگیری، حوادث ترافیکی ،صدمات*

اهمیت توجه به مشاوره غیر حضوری تغذیه در درمان بیماران قلبی

مهدی امیرپور[۱]، هادی جلیلوند[۲*]، زینب مرادیان هفت چشمه[۳]، فاطمه ملکی صدقی [۴]

۱-دانشجوی دکترا، گروه تغذیه بالینی و رژیم‌شناسی، پژوهشکده ملی و صنایع غذایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۲-کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، وزارت آموزش و پرورش، اداره آموزش و پرورش ناحیه یک بهارستان، تهران، ایران

۳-کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

۴-کارشناس ارشد تغذیه، گروه تغذیه، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، ارومیه، ایران

چکیده

زمینه و هدف: یکی از مهمترین عوامل خطر قابل اصلاح در ابتلا به بیماری‌های قلبی-عروقی و تشدید وضعیت بیماران قلبی وضعیت تغذیه ایشان است. در این مطالعه هدف بررسی اهمیت توجه به مشاوره غیر حضوری تغذیه در درمان بیماران قلبی است.

مواد و روش ها: این مطالعه یک مطالعه مروری بود که با بررسی پایگاه های داده و موتورهای جستجو PubMed، Medline، Web of Science، Magiran، Google Scholar و SID در سال ۱۴۰۲ انجام شده است. مقالات توسط دو نفر از پژوهشگران به طور مستقل ارزیابی شده و در نهایت ادغام شده‌اند.

نتایج: در بررسی مطالعات مشخص شد که بیشتر بیماران قلبی-عروقی توجه کمی نسبت به ضرورت مراجعه حضوری یا غیر حضوری به مشاورین تغذیه برای دریافت رژیم درمانی و تاثیر رژیم درمانی بر روند درمان خود دارند. پزشکی از راه دور برای ارائه خدمات مشاوره تغذیه توسط متخصصین تغذیه ظرفیت خوبی دارد و می‌تواند موجب افزایش تمایل بیماران قلبی برای استفاده از مشاوران تغذیه شود. نبود متخصصین تغذیه در بیمارستان‌های قلب و عروق، تصور اشتباه بیماران قلبی مبنی بر ساده بودن اصلاح رژیم غذایی و همچنین تصور اشتباه بیماران مبنی بر بهبود تنها از طریق دارو و جراحی از عوامل بی توجهی به نقش متخصصین تغذیه در درمان بیماران قلبی است.

نتیجه گیری: در این مطالعه در نهایت نتیجه گیری کردیم توجه و کاربرد اختصاصی مشاوره تغذیه از طریق متخصصیت تغذیه با استفاده از امکانات پزشکی از راه دور می تواند به عنوان یک حلقه گمشده در درمان بیماران قلبی-عروقی موثر باشد و از تشدید بیماری بیماران قلبی و بستری مجدد ایشان در بیمارستان پیشگیری نماید. بی توجهی به نقش متخصصین تغذیه در بهبود روند درمان بیماران قلبی یکی از دلایل مهم وخامت حال این بیماران و کاهش تاثیر درمان بر روی بیماران قلبی است.

واژگان کلیدی: *درمان، کنترل، مشاوره تغذیه، تیم درمان، سبک زندگی*

نقش پزشکی از راه دور در افزایش کارآیی فوریت های پزشکی در مدیریت بلایا

زینب مرادیان هفت چشمه[۱]، هادی جلیلوند[۲]، عادل مرادیان هفت چشمه[۳*]، مهدی امیرپور[۴]، فاطمه ملکی صدقی[۵]

۱-کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

۲- کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، وزارت آموزش و پرورش، اداره آموزش و پرورش ناحیه یک بهارستان، تهران، ایران

۳-کردان فوریت های پزشکی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

۴-دانشجوی دکترا، گروه تغذیه بالینی و رژیم‌شناسی، پژوهشکده ملی و صنایع غذایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

۵-کارشناس ارشد تغذیه، گروه تغذیه، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، ارومیه، ایران

چکیده

زمینه و هدف: پزشکی از راه دور یکی از روش های نوین رو به گسترش ارائه خدمات بهداشتی و درمانی است. هدف از انجام این مطالعه بررسی نقش پزشکی از راه دور در افزایش کارآیی فوریت های پزشکی در مدیریت بلایا است.

مواد و روش ها: این مطالعه یک مطالعه مروری بود که در سال ۲۰۲۳ انجام شد. برای جستجوی مقالات مرتبط در پایگاه‌های اطلاعاتی و موتورهای جستجوگر PubMed ، Medline، Web of Science، Magiran، Google Scholar و SID جستجو شد. پس از بررسی چکیده و متن کامل مقالات جستجو شده، در نهایت مقالات مرتبط با هدف پژوهش استخراج و از این مطالعه گزارش شد.

نتایج: در بررسی نقش پزشکی از راه دور مشخص شد که مهمترین عوامل در کاربرد موثر پزشکی از راه دور توسط پرسنل فوریت های پزشکی برای مدیریت بلایای طبیعی و انسان ساخت عبارتند از: ۱. وجود زیر ساخت فنی به ویژه سیستم پزشکی از راه دور متصل به شبکه اینترنت ماهواره ای و زمینی ۲. جلیقه دوربینی متصل به سامانه پزشکی از راه دور در اختیار پرسنل فوریت های پزشکی باشد ۳. در دسترس بودن متخصصین مجرب طب اورژانس ، سم شناسی و سایر متخصصین لازمه بر حسب نوع فاجعه از طریق سامانه تلمدیسن ۴. برگزاری مانورهای آموزشی متعدد جهت ارزیابی سامانه های پزشکی از راه دور اورژانس پیش بیمارستانی و اورژانس بیمارستانی ۵. امکان ارتباط آنلاین بین پرسنل فوریت های پزشکی و متخصصین مورد نیاز با استفاده از سامانه تلمدیسن وجود داشته باشد.

نتیجه گیری: با توجه به موارد مورد بررسی ما نتیجه گیری کردیم که پزشکی از راه دور ظرفیت خوبی در کمک به مدیریت بلایا در صحنه برای پرسنل فوریت های پزشکی دارد. اما زمانی پزشکی از راه دور می تواند موثر باشد که اولا زیر ساخت های

فنی آن مهیا باشد و ثانیا متخصصین مختلف مورد نیاز در سیستم درمانی ایران وجود داشته باشد و کمبود پزشک متخصص وجود نداشته باشد.

واژگان کلیدی: *تلمدیسن، مدیریت بلایا، اورژانس پیش بیمارستانی، ظرفیت متخصصین*

چالش ها و راهکارهای مرتبط با داوطلبین تخصصی ارائه دهنده خدمات سلامت در اربعین سال ۱۴۰۱

حمید صفرپور[۱]، زهره قمیان[۲]

۱-دکترای تخصصی(Ph.D) سلامت در بلایا و فوریت ها، مرکز تحقیقات بیماری های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران

۲-دکترای تخصصی(Ph.D) مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، گروه سلامت در بلایا و فوریت ها، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

زمینه و هدف : مدیریت داوطلبین یکی از موضوعات مهم در تجمعات انبوه است. یکی از چالش های مهم برنامه ریزی اربعین مربوط به چالش های اعزام داوطلبین تخصصی ارائه دهنده خدمات سلامت به بیمارستانهای استانهای مسیر اربعین می باشد. بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی چالش ها و ارائه راهکارهای مرتبط با داوطلبین تخصصی اعزامی در اربعین سال ۱۴۰۱ انجام گردید.

مواد و روش ها : این مطالعه با استفاده از روش کیفی تحلیل محتوا و با استفاده از روشهایی از قبیل مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته، مشاهده و بررسی اسناد انجام شد. جامعه هدف، سیاست گذاران، مدیران و داوطلبین تخصصی راهپیمایی اربعین در سال ۱۴۰۱ بودند. جمع آوری داده ها تا اشباع داده ها ادامه یافت. برای تجزیه و تحلیل داده ها از تحلیل محتوای جهت دار استفاده شد. راهبردهای مختلفی برای افزایش روایی و پایایی نتایج این پژوهش به کار گرفته شد.

نتایج : اشباع داده ها پس از ۲۸ مصاحبه به دست آمد که در قالب چالش ها و راهکارهای ارائه شده در جدول ۱ طبقه بندی شدند.

نتیجه گیری : با توجه به چالش های شناسایی شده و راهکارهای پیشنهادی لازم است سیاستگذاران و دست اندرکاران حوزه سلامت اربعین، برنامه ریزی و هماهنگی های مناسب را جهت مدیریت مناسب و موثر داوطلبین تخصصی ارائه دهنده خدمات سلامت انجام دهند.

واژگان کلیدی: *راهپیمایی اربعین، مدیریت داوطلبین، مطالعه کیفی، تجمعات انبوه*

جدول ۱. چالش ها و راهکارهای مرتبط با داوطلبین تخصصی اعزامی در اربعین سال ۱۴۰۱

چالش ها	▪ کمبود و ضعف ارتباط دانشگاه ها بمنظور اعزام تیم های عملیاتی به استان های مرزی ▪ عدم شفافیت فرایند پرداخت حق الزحمه و حمایت ناکافی از پرسنل فراخوان شده از سایر استان ها ▪ کمبود نیروی انسانی در برخی حوزه های تخصصی در برخی از دانشگاه های علوم پزشکی استان های مرزی ▪ عدم استقبال برخی دانشگاههای معین برای اعزام نیرو به استان های مرزی ▪ عدم انعقاد تفاهم نامه همکاری با سایر ادارات مرتبط برای اعزام نیرو ▪ بی انگیزگی و ناکارآمدی برخی از پرسنل به دلیل ناکافی بودن برنامه های حمایتی و رفاهی (مشکلات اسکان، سختی مسیر اعزام و...) ▪ فرسودگی نیروهای اعزامی از دانشگاهها به دلیل بعد مسافت و طولانی شدن زمان حضور ▪ ایجاد مشکلاتی در خصوص فراخوان و برنامه ریزی پرسنل بدلیل برخی اتفاقات غیر قابل پیش بینی مثل بسته شدن چندین باره مرزها ▪ عدم آشنایی و تسلط نیروهای اعزامی از سایر استان ها به منطقه و آدرس ها
راهکارها	▪ وجود سامانه منظم جهت ثبت اطلاعات و مشخصات پرسنل بمنظور هماهنگی اعزام نیروها به استان های مرزی ▪ وجود برنامه جامع اعزام از طرف وزارت بهداشت ▪ انعقاد تفاهم نامه همکاری با سایر ادارت مرتبط برای اعزام نیرو ▪ انجام هماهنگی های لازم با دانشگاه های مرزی قبل از اعزام افراد به محل ▪ تدوین فرآیند نحوه ی پرداخت حق الزحمه و پاداش پرسنل فراخوان شده و پرداخت به موقع حق الزحمه ها ▪ توجه و برنامه ریزی در مورد استفاده ی بیشتر از ظرفیت داوطلبان و رابطین سلامت، همیار اورژانس و... ▪ جذب نیروهای طرح موقت و اعزام نیروی کمکی از دانشگاه های نزدیک تر ▪ استفاده حداکثری از نیروهای بومی و آموزش قبل از عملیات نیروهای اعزامی ▪ کوتاه کردن زمان استقرار نیروها

ارایه خدمات سلامتی در مراکز آموزشی و درمانی و بیمارستانهای وابسته به دانشگاه علوم پزشکی ایلام در اربعین ۱۴۰۱: چالش ها و راهکارها

حمید صفرپور[۱]، زهره قمیان[۲]

۱-دکترای تخصصی(Ph.D) سلامت در بلایا و فوریت ها، مرکز تحقیقات بیماری های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران

۲-دکترای تخصصی(Ph.D) مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، گروه سلامت در بلایا و فوریت ها، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

زمینه و هدف: راهپیمایی اربعین یکی از بزرگترین اجتماعات آیینی است که سالانه ده‌ها میلیون نفر در آن شرکت می‌کنند. با توجه به کثرت شرکت کنندگان در این گردهمایی آیینی، اهمیت برنامه ریزی برای به حداقل رساندن رویدادهای مرتبط با سلامتی زائران و اطمینان از دسترسی به موقع آنها به خدمات سلامتی ضروری است. بیمارستانها نقش بسیار مهمی را در تشخیص و درمان بیماران و مصدومین در ایام اربعین ایفا می کنند. استان ایلام و مرز مهران به عنوان مهمترین مرز زمینی در زمان اربعین جهت عبور زائرین می باشد به طوری که در سال ۱۴۰۱ بیش از ۵۰ درصد از کل تردد زائرین(بیش از ۳ میلیون نفر) از مرز مهران صورت گرفت. شناخت چالش های مرتبط با این امر در بیمارستانها جهت پیشگیری از مشکلات و برنامه ریزی برای آینده ضروری است. بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی چالش های مراکز آموزشی و درمانی و بیمارستانهای وابسته به دانشگاه علوم پزشکی ایلام در اربعین ۱۴۰۱ انجام شد.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر با روش کیفی تحلیل محتوای استقرایی از شهریور تا دی ماه ۱۴۰۱ انجام شد. محیط پژوهش را ۹ بیمارستان وابسته به دانشگاه علوم پزشکی ایلام تشکیل دادند. شرکت کنندگان شامل ۳۲ نفر از مدیران و مسئولین مراکز آموزشی و درمانی درگیر در ایام اربعین بودند. این مراکز شامل ۳ مرکز آموزشی و درمانی در شهر ایلام، و بیمارستانهای شهرستانهای مهران، دهلران، سرابله، ایوان، دره شهر، و آبدانان بودند. داده ها از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته جمع آوری و تا زمان اشباع داده ها ادامه یافت. مدت زمان مصاحبه ها ۴۸-۲۵دقیقه (میانگین ۳۳ دقیقه) بود. برای دستیابی به قابلیت اطمینان داده ها، چهار استراتژی گوبا و لینکلن شامل اعتبارپذیری، تاییدپذیری، اعتمادپذیری و انتقال پذیری به کار گرفته شد. در نهایت داده ها با روش گرانهیم و لاندمن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: چالش های بیمارستانها در ایام اربعین در قالب ۴ طبقه اصلی و ۲۲ زیرطبقه شامل چالش های مربوط به زیرساخت ها و پشتیبانی(کمبود فضای بخش اورژانس، کمبود تعداد تخت های بخش های ویژه و دیالیز، ناکافی بودن تجهیزات تامین برق اضطراری و پشتیبان، کمبود سیستم های سرمایشی و گرمایشی، کمبود تعداد آمبولانس در ارجاع بین بیمارستانی، کمبود تجهیزات پایه تشخیصی و درمانی پزشکی)، مدیریتی(اثربخش نبودن برنامه آمادگی در پاسخ به حوادث و بلایا، برگزاری ناکافی

تمرین های دوره ای در اربعین، خشونت و درگیری با پرسنل درمان، نبود برنامه مشخصی مدیریت ازدحام و صف در بیمارستان، اثربخش نبودن برنامه ارتقای ظرفیت خدمات، متناسب نبودن ظرفیت نیروی انسانی متخصص با نیاز، مشکلات مربوط به اعزام مصدومین و بیماران، مشکلات بیمه ای مربوط به زائرین و پزشکان و کسورات پرونده های بالینی)، ارتباطات و اطلاعات(کارایی پایین سامانه های ثبت اطلاعات، در دسترس نبودن سابقه بیماری در بیماران، ناآگاهی از اطلاعات دقیق دارویی و بیماری به ویژه سالمندان)، و داوطلبین تخصصی(عدم تناسب نیاز و حضور در داوطلبین اعزامی، کمبود فضای اسکان داوطلبین متخصص/ اعزامی، عدم آموزش پرسنل اعزامی، ناآشنایی داوطلبین با محیط و ویژگی های اربعین، عدم الزام و مسئولیت پذیری کامل نسبت به وظایف محوله) مشخص گردید.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج این مطالعه لازم است مسئولین و دست اندرکاران مرتبط با ر اهپیمایی اربعین حسینی، سیاستگذاری و برنامه ریزی مناسب را جهت رفع مشکلات زیرساختی و پشتیبانی، مدیریتی، ارتباطات و اطلاعات و همچنین مشکلات مربوط به داوطلبین اعزامی بیمارستانها در ایام اربعین انجام دهند.

واژگان کلیدی : *تجمعات انبوه، اربعین، نظام سلامت، بیمارستان، ایلام*

تاب آوری نظام سلامت در پاسخ به سیل ۱۳۹۸ در استان گلستان

مسلم سارانی[۱]، فائزه رحمانی[۱]

۱-دانشجوی دکتری تخصصی سلامت در بلایا و فوریت ها، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: تاب‌آوری نظام سلامت شامل مدیریت بحران، ارتقاء اطلاعات و آمادگی، همکاری میان نهادها و افراد، و توانایی انطباق سریع نظام سلامت با تغییرات و شرایط فوری است. سیل‌ها به عنوان یکی از حوادث طبیعی پرخطر که می‌توانند به آسیب‌رسانی به جوامع و ساختارهای مختلف منجر شوند، همواره یک چالش جدی برای نظام‌های سلامت به شمار می‌روند. این حوادث علاوه بر آسیب‌های جسمی و مادی، می‌توانند منجر به مشکلات روانی و اجتماعی نیز شوند. سال ۱۳۹۸، استان گلستان در ایران با وقوع سیل مرگباری روبه‌رو شد که به آسیب‌رسانی به زیرساخت‌ها و جوامع منطقه منجر شد.

مواد و روش ها: این مقاله گزارش موردی از طراحی مطالعه توصیفی به منظور بررسی و تحلیل تاب‌آوری نظام سلامت در پاسخ به سیل سال ۲۰۱۹ در استان گلستان است. منابع داده شامل گزارش‌های رسمی دولتی، مصاحبه‌ها با کارکنان بهداشتی، و بازخورد جامعه بودند. متغیرها شامل میزان آسیب‌های سیل، تاب‌آوری زیرساخت‌های بهداشتی، تأثیر بر ارائه خدمات بهداشتی، واکنش جامعه، و تلاش‌های بازیابی بود

نتایج: با وجود خسارت‌های قابل توجه ناشی از سیل، زیرساخت‌های بهداشتی تاب آوری لازم در مقابل مشکلات را نشان داد. با وجود محدودیت‌هایی، تجهیز منابع انسانی و فیزیکی، امکان ادامه ارائه خدمات اساسی بهداشتی را فراهم کرد. توانایی سریع تطبیق به شرایط متغیر نقش اساسی در حفظ عملکرد بهداشتی را ایفا کرد. سیل تأثیر مشهودی بر ارائه خدمات بهداشتی داشت و باعث افزایش تقاضا برای خدمات پزشکی به دلیل جراحات و بیماری‌های منتقله از آب شد. نرخ بستری در بیمارستان‌ها در طول و پس از سیل به شدت افزایش یافت. اجرایی کردن ساختارفرماندهی حادثه ICS و استفاده از نظام آمار بهداشتی(ناب) در جهت توزیع بهتر منابع و نیروی انسانی که منجر به بهبود خدمت رسانی سیستم سلامت و سایر ارگانهای دخیل در امر خدمات بشر دوستانه شد. همچنین استفاده از تکنولوژی های نوین مثل پهپاد و سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) باعث تولید نقشه های به روز از پیشرفت یا افت سیلاب شد.

نتیجه گیری: نظام سلامت جهت خدمت رسانی به گروههای تحت پوشش به شدت دچار مشکل شده بود. تا یکسال بعد عوارض روانی ناشی از این سیل و صدمات متعاقب آن جامعه استان گلستان را آزرده کرده بود. برای پیشگیری از این چالش‌ها در آینده، نیاز به برنامه‌ریزی مدیریت بحران، تقویت زیرساخت‌های نظام سلامت، تامین تجهیزات و داروها، و افزایش آمادگی جامعه داریم. همچنین، اهمیت آموزش جامعه در مورد برنامه‌های آمادگی و عملکرد در شرایط بحرانی نیز باید تأکید شود

واژگان کلیدی: *تاب آوری، نظام سلامت، پاسخ، سیل، استان گلستان*

بهره گیری از بیمارستان های با فناوری پیشرفته هوش مصنوعی در مراقبت از بیماران پس از بلایا

آزاده طاهرنژاد[۱]، ساناز سهرابی زاده[۲*]، سمیه طاهرنژاد[۳]، رویا علیمرادزاده[۱]

۱-دانشجوی دکترا، گروه سلامت در بلایا و فوریت ها، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲-دانشیار گروه سلامت در بلایا و فوریت ها، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

۳-استادیار گروه مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی در کار، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: بیمارستان هوشمند یک نوآوری نوظهور و به سرعت در حال توسعه در زمینه افزایش تقاضا برای منابع پزشکی با کیفیت بالا در کوتاه ترین زمان و جبران کمبود منابع انسانی در سراسر جهان است. با توجه به هجوم بیماران و مصدومان پس از بلایا، یکی از کاربردهای این بیمارستان ها، ضمن حفظ کارکرد خود، ارائه خدمات کافی به بیماران پس از بلایا است. هدف این پژوهش شناسایی مزایا و کاربرد بیمارستان های هوشمند بوده است.

مواد و روش ها: این مطالعه یک مطالعه scoping review بود که در سال ۲۰۲۳ انجام شد. جست و جوی مقالات در پایگاه‌های اطلاعاتیPubMed، Scopus، Web of Science و Google Scholar با کلمات کلیدی Smart hospital، disaster، artificial intelligence که با استفاده از MESH و مقالات مشابه انتخاب شدند، صورت گرفت.. در نهایت مقالات مرتبط با هدف پژوهش استخراج و وارد نرم افزار EndNote شدند. پس از بررسی عنوان و چکیده مقالات یافت شده، متن کامل مقالات مرتبط، مطالعه گردیده و مورد تجزیه تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: پس از انجام جستجوی اولیه در پایگاه داده ها، تعداد ۱۵۷ مطالعه، شناسایی و استخراج شد. پس از حذف موارد تکراری و انجام فرآیند غربالگری، نهایتا ۱۲ رفرنس برای تحلیل نهایی وارد مطالعه شدند. مزایای بهره گیری از فناوری هوش مصنوعی در بیمارستان ها به شکل افزایش کیفیت مراقبت از بیمار، کاهش کاغذبازی و ارائه اطلاعات به شیوه ای کاربرپسند، کمک به متخصصان پزشکی برای صرفه جویی زمان و هزینه، استقلال بیشتر در فرآیندهای گردش کار و پیش بینی خطر مرگ تبیین شد.

موضوعات مربوط به کاربرد بیمارستان هوشمند در بلایا نیز شناسایی گردید و شامل خدمات مبتنی بر شناسایی مکان و فناوری ردیابی، خدمات مبتنی بر شبکه ارتباطی پرسرعت با استفاده از فناوری های جدید ارتباطات بی سیم؛ خدمات مبتنی بر اینترنت اشیا، خدمات بهداشتی، درمانی سیار مانند تلفن همراه، تبلت و ابزارهای پوشیدنی؛ خدمات مبتنی بر هوش مصنوعی برای تریاژ، تشخیص و پیش‌بینی بیماری‌ها و مرگ؛ ربات های ارائه دهنده خدمات در زمینه های مختلف پزشکی از جمله جراحی و بهداشت و خدمات پزشکی از راه دور با استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات

نتیجه گیری: فناوری‌های بیمارستان هوشمند این پتانسیل را دارند که با کاهش حجم کاری، کیفیت مراقبت از مصدومین پس از بلایا را افزایش دهند. پیشنهاد می شود که باتوجه به مزایای بکارگیری بیمارستان های هوشمند، کشورهای مختلف در نقاط حادثه خیز زیر ساخت های لازم برای راه اندازی این بیمارستان ها فراهم نمایند. همچنین تحقیقات بیشتری برای حل موانع فناوری، فرهنگی و سیاسی در توسعه این بیمارستان ها مورد نیاز است.

واژگان کلیدی: *بیمارستان، بلایا، هوش مصنوعی*

تجزیه و تحلیل زنجیره حادثه با مصدومین انبوه در سایت دفن زباله برمشور شیراز و درس آموخته های آن

آزاده طاهرنژاد[۱]، کتایون جهانگیری[۲*]، غزاله منظمی تهرانی[۳]، سمیه طاهرنژاد[۴]

۱-دانشجوی دکترا، گروه سلامت در بلایا و فوریت ها، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲-استاد و مدیر گروه گروه سلامت در بلایا و فوریت ها، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

۳- استادیار گروه سلامت، ایمنی و محیط زیست، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

۴- استادیار گروه مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی در کار، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: امروزه با رشد شهرنشینی در شهرهای بزرگ، جمع آوری و دفع پسماند به یکی از مهم ترین مقوله های مدیریت جامع پسماندهای شهری تبدیل شده است. محل دفن زباله یا لندفیل مکانی برای دفع مواد زائد از طریق دفن است. محل های دفن پسماندها به دلیل خاصیت فیزیکی و بیولوژیکی پسماند، طی زمان دچار تغییراتی می شوند و مستعد وقوع حوادثی مانند رانش زباله، آتش سوزی، انفجار، آلودگی آب های زیرزمینی و خطرات زیست محیطی و به دنبال آن، حوادث آبشاری هستند.مطالعه حاضر به منظور بررسی حادثه آتش سوزی سایت دفن زباله برمشور شیراز و علل آن انجام خواهدشد.

مواد و روش ها: این یک مطالعه مقطعی از نوع تحلیلی توصیفی است که از روش تحلیل علل ریشه ای استفاده خواهد شد، که به یافتن دلایل و علل ریشه‌ای حادثه و یافتن بهترین راه‌حل‌ها اشاره دارد. و بر اهمیت اتخاذ اقدامات پیشگیرانه و اصلاحی تاکید می‌کند و از رویکرد نمودار ایشیکاوا (یا نمودار استخوان ماهی) استفاده خواهد شد. شامل ایجاد یک نقشه علت و معلولی بصری و با استفاده از یک فرایند حذف انجام می‌شود، که در آن عمیق‌تر در هر علت بالقوه فرو می‌روید تا زمانی که به دلیل ریشه‌ای برسید.

نتایج : حادثه آتش سوزی سایت دفن زباله برمشور شیراز در سال ۱۳۹۲، منجر به کشته شدن تعدادی از مامورین اطفاء حریق آتش نشانی و پاکبانان گردید. در این حادثه ۱۲ نفر از آتش نشان و کارگران بازیافت در زیرخروارها زباله گرفتار شدند و ۷ نفر از آن ها جان باختند. در اینگونه حوادث، زنجیره ای از علل، باعث بروز حوادث آبشاری (Domino and cascade) effect می شود. با مدیریت صحیح مراکز دفن زباله و اجرای دقیق الزامات قانونی از مرحله تعیین محل و ایجاد سایت دفن زباله تا نظارت دقیق بر اجرای سایر مفاد آن، می توان از وقوع این حوادث پیشگیری کرد یا احتمال آن را به حداقل رساند.

نتیجه گیری : مدیریت ضعیف محل دفن زباله، خطرات زیادی برای جوامع اطراف دارد که می تواند باعث ایجاد مانند رانش زباله، آتش سوزی، انفجار، آلودگی آب های زیرزمینی و خطرات زیست محیطی باشد. حوادث منجر به مصدومین انبوه در سایت

های دفن زباله، در سراسر جهان کم نیستند. علاوه بر این سایت های دفن زباله خطرات زیست محیطی زیاد و غیرقابل انکاری هم بر زمین و جوامع دارند. براین اساس توصیه می شود که به تدریج با روش هایی مانند سوزاندن و یا روش های با ضرر کمتر جایگزین شوند .

واژگان کلیدی: *حادثه، سایت دفن زباله، آتش سوزی*

تجارب تکنسین های اورژانس از مشارکت اجتماعی در حوادث

راضیه بخشی گیو[1]، محمدرضا شفیعی[2]، زهرا وحدانی نیا[3]

۱-دانشجوی دکتری سلامت در بلایا و فوریتها،گروه سلامت در بلایا،دانشگاه علوم پزشکی کرمان،کرمان،ایران

۲-دانشجوی دکتری سلامت در بلایا و فوریتها،گروه سلامت در بلایا،دانشگاه علوم پزشکی کرمان،کرمان،ایران*

۳-کارشناس ارشد آموزش پرستاری دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

چکیده

زمینه و هدف: حوادث اولین عامل مرگ در جهان به شمار می رود. در این میان آمادگی و مشارکت اجتماعی در مدیریت حوادث بخصوص در زمان طلایی تا رسیدن نیروهای امدادی تاثیر شگرفی بر کاهش مرگ و ناتوانی ناشی از حوادث دارد. لذا این مطالعه با هدف بررسی و واکاوی تجارب کارشناسان اورژانس استان خراسان جنوبی از مشارکتهای مردمی در حوادث صورت گرفت.

مواد و روش ها: این مطالعه بر روی ۱۲ نفر از تکنسین های اورژانس شاغل در پایگاه های اورژانس استان که به صورت هدفمند انتخاب شده بودند انجام شد.جهت تحلیل داده ها از شیوه تحلیل محتوای کیفی به روشGraneheim و lundman استفاده شد.

نتایج: سه مضمون استخراج شده از این مطالعه۱) تعامل و همکاری مثبت در حوادث، مضمون همکاری مردم،۲) بی نظمی و آسیب مصدوم و ۳)آشفتگی احساس در مدیریت حوادث بود.در مضمون تعامل و همکاری مثبت زیرمضامینی شامل عملیات نجات،تسریع کمک رسانی،مدیریت صحنه حادثه، در مضمون بی نظمی و آسیب مصدوم زیرمضامینی شامل اختلال درخدمت رسانی،بی نظمی و اغتشاش و آسیب مصدوم ودر مضمون آشفتگی احساس در مدیریت حوادث، مضامینی چون ترس و اضطراب ناشی از عدم کنترل خشم و ناتوانی در خودکنترلی، ترس از عواقب قانونی و حقوقی و خلا آموزش عمومی و نبود هرگونه آمادگی استخراج گردید.

نتیجه گیری: میزان آمادگی جامعه جهت ارتقای مشارکت اجتماعی در حوادث میتواند نقش بسزایی در نجات جان مصدومین و کاهش عوارض ناشی از ناتوانی حوادث داشته باشد. لذا با توجه به وجود حس نوع دوستی در فرهنگ منطقه ، توجه به این تجارب و برنامه ریزی بر مبنای آن، ارتقای اعتماد عمومی جهت مشارکت با امدادگران، افزایش دوره های آموزش همگانی در امدادرسانی و مسائل حقوقی در سوانح و حوادث، در بهبود مشارکت اجتماعی مردم در حوادث مثمرثمر خواهد بود.

واژگان کلیدی: *مشارکت اجتماعی، تکنسین اورژانس، حوادث*

تبیین مدل تاب آوری زنجیره تأمین دارو و لوازم مصرفی در زمان بلایا در ایران

رامین روانگرد[1]، میلاد احمدی مرزاله[2]، فرزانه قلعه گلاب[3]، هاجر حسنی[4]، ابوالفضل رعیت محتشمی[5]

5,3,2,1- مرکز تحقیقات منابع انسانی سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، ایران.

4-مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر برسلامت (SDH)، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: داروخانه ها در شرایط عادی و اضطراری از اجزاء کلیدی نظام سلامت هستند و فقدان دارو بزرگترین مشکل در مدیریت و عادی سازی شرایط پس از بلایا است. زنجیره تامین دارویی تاب آور نسبت به بسیاری از زنجیره تامین ها پیچیده تر است و ابعاد اجتماعی و سیاسی روی آن تاثیر می گذارند. این مطالعه با هدف تبیین مدل تاب آوری زنجیره تأمین دارو بر اساس چارچوب مجمع جهانی اقتصاد انجام شد.

مواد و روش ها: پرسشنامه پس از بررسی متون و مصاحبه با خبرگان تهیه و مورد ویرایش و ارزیابی روایی قرارگرفت. روایی پرسشنامه از طریق روایی صوری و محتوایی و پایایی پرسشنامه از نوع همسانی درونی، با روش آلفای کرونباخ و روایی همگرا مورد ارزیابی قرار گرفت. داده های جمع آوری شده از طریق مدلسازی معادلات ساختاری و با استفاده از از نرم‌افزارهای SPSS v.21و Smart PLS v.3 تحلیل شدند.

نتایج: نتایج این مطالعه، مدل تاب آوری زنجیره تامین دارو در حوادث و بلایا را تایید می کند. مقادیر مربوط به ضریب مسیرها در مدل نهایی تحقیق نشان داد که بترتیب ابعاد مشارکت ٪۴۱.۰۴، سیاست ٪۳۰.۲۲، فناوری اطلاعات ٪۲۶.۷۱ و استراتژی ٪۲۳.۴۶ تغییرات مربوط به تاب آوری زنجیره تامین دارو و لوازم مصرفی را در زمان بروز حوادث و بلایا بطور مستقیم تبیین کرده و تاثیر معنادار و مثبتی بر آن دارند.

نتیجه گیری: براساس نتایج حاصل از مدل تبیین شده در این مطالعه، انتظار می رود در آینده با تسهیل مشارکت های بین المللی، توسعه روابط با تامین کنندگان، حرکت به سمت زنجیره های تامین دیجیتالی و مبتنی بر فناوری اطلاعات، داشتن نگاه راهبردی به زنجیره تامین دارو در حوادث و بلایا و با تدوین سیاست های هماهنگ کننده و استراتژی های موثر، بتوان به ایجاد یک زنجیره تامین تاب آور در هنگام حوادث و بلایا در کشور ایران کمک نمود.

واژگان کلیدی : *زنجیره تامین، تاب آوری، بلایا، دارو، مدل*

Public Health Challenges in Emergencies and Disaster Scenarios: a systematic review

Shaghayegh Jamshidi[1] , Fatemeh Aliakbari[2]Authors' affiliation

1- Student Research Committee, Shahrekord University of Medical Sciences, Shahrekord, Iran ,

2- Department of Nursing, School of Nursing, Shahrekord University of Medical Sciences, Shahrekord, Iran

Abstract

Background and aims: Disasters present unique challenges to public health systems, making understanding the nature and extent of these challenges critical to developing effective response and preparedness strategies. The purpose of this systematic review is to examine the various public health issues that people face in disaster situations and their impact on the response and preparedness strategies used to mitigate their impact.

Materials and methods: A systematic and comprehensive search of relevant studies published between 2013 and 2023 was conducted in major databases such as PubMed, Scopus, Global Health and Web of Science, and Google Scholar. The search strategy included keywords related to disasters, emergencies, public health, challenges and related synonyms. Inclusion criteria were applied to select articles that focused on public health challenges related to disaster scenarios and described response and preparedness strategies. Data extraction and quality assessment were performed using a predefined protocol. During this particular protocol, identical and duplicate articles were excluded, and after careful review, articles that met the inclusion criteria were included in the study.

Results: The initial search yielded 1800 articles, of which 33 met the inclusion criteria and were included in the final review. The identified studies covered various disaster types, including natural disasters, pandemics and humanitarian crises.

The main public health problems identified ranged from immediate health risks (injuries, infectious diseases) to long-term problems (mental health, treatment of chronic diseases). and included limited access to health services, breakdowns in health infrastructure, disruption of essential public health services, increased risk of infectious diseases, effects on mental health, and challenges in resource allocation and coordination among disaster agencies. In addition, vulnerable populations such as children, the elderly, and the sick have been found to be particularly vulnerable to public health challenges in emergencies situations.

Conclusion: This systematic review provides a comprehensive analysis of the public health challenges associated with disaster scenarios. The findings emphasize the need for multidisciplinary approaches and effective coordination between health systems, governments, communities and international organizations. The findings underscore the need for effective planning, preparedness, and response strategies to mitigate the public health impact of disasters. Targeted measures should focus on strengthening health infrastructure, ensuring access to basic services, implementing effective disease control measures, promoting mental well-being and responding to the special needs of vulnerable populations. Future research should seek to develop evidence-based guidelines and procedures for improving public health sustainability in disaster situations.

Keywords: *Public Health, Disasters, Emergencies*

Artificial Intelligence in Emergency and Disaster Management: Challenges and Benefits - A Systematic Review

Shaghayegh Jamshidi[1]

1- Author affiliation:۱ Student Research Committee, Shahrekord University of Medical Sciences, Shahrekord, Iran

Abstract

Background and aims: Emergency and disaster management pose immense challenges that require quick and efficient decision-making processes. In recent years, the application of Artificial Intelligence (AI) techniques has shown promising potential in tackling these challenges. This systematic review aims to assess the challenges faced in the utilization of AI in emergency and disaster management, as well as the benefits and outcomes achieved.

Materials and methods: A systematic and comprehensive search of relevant studies published between 2018 and 2023 was conducted in major databases such as PubMed, Scopus and Google Scholar. The search strategy included keywords related to disasters, emergencies, artificial intelligence, challenges and related synonyms. Inclusion criteria were applied to select articles that focused on AI application and challenges related to disaster scenarios. Data extraction and quality assessment were performed using a predefined protocol. During this particular protocol, identical and duplicate articles were excluded, and after careful review, articles that met the inclusion criteria were included in the study.

Results: The initial search returned a total of 250 articles, of which 25 met the inclusion criteria for review. The identified challenges were categorized into technical, ethical, and operational issues. Technical challenges included data quality and integration, lack of interoperability, and algorithm robustness. Ethical challenges encompassed concerns regarding transparency, privacy, and accountability. Operational challenges primarily involved resource allocation and preparing for unforeseen circumstances. Despite these hurdles, the potential benefits of AI in emergency and disaster management were evident. These included improved situational awareness, enhanced response time, optimized resource allocation, and increased accuracy in decision-making.

Conclusion: The integration of artificial intelligence in emergency and disaster management holds tremendous potential. However, several challenges need to be addressed to fully realize the benefits. Technical advancements should focus on improving data integration, interoperability, and algorithm reliability. Ethical considerations should be prioritized to ensure transparency, privacy protection, and accountability. Operational challenges necessitate efficient resource allocation and preparedness for unforeseen circumstances. Future research should aim to address these challenges and explore innovative solutions to maximize the effective adoption of AI in this critical field.

Keywords: *Artificial intelligence, emergency management, disaster management*

Preparedness of Hospitals against Natural Disasters: A Review

Heshmatollah Asadi[1], Leila Mirshekar-Jahangiri[2], Ali Garavand[3], Rasool Mohammadi[4], Razyeh Bajoulvand[5]

1- Department of Health Economics, School of Medicine, Shahed University, Tehran, Iran.
2- Department of Environmental Health, School of Health and & Nutrition, Lorestan University of Medical Sciences, Khorramabad, Iran.
3- Department of Health Information Management, School of Allied Medical Sciences, Lorestan University of Medical Sciences, Khorramabad, Iran.
4- Department of Biostatistics & Epidemiology, School of Health & Nutrition, Lorestan University of Medical Sciences, Khorramabad, Iran.
5- Department of Public Health, School of Health & Nutrition, Lorestan University of Medical Sciences, Khorramabad, Iran.

Abstract

Background and aims: Natural and man-made disasters are always a threat to human and material resources. The emergence of risks, in addition to harming the general population and infrastructure, also affects service delivery systems. The structural, non-structural and functional components of health centers can be specifically affected by the occurrence of disasters. Hospitals, are among the first organizations involved in responding to disasters and can play a crucial and decisive role. The purpose of this study was to review studies carried out on the level of preparedness of hospitals against disasters in Iran.

Materials and methods: The current study extracted all articles which have reported the preparedness of hospitals using a single checklist by searching sources and databases such as Web of sciences, PubMed, Scopus, SID, Magiran, Civilica and Irandoc from 2008 to 2021. The quality of articles was evaluated based on the STROBE checklist and poor quality articles were excluded from the study and other studies entered the content analysis process.

Results: In total, the preparedness of the studied hospitals was at moderate level with a score of 52.18%. The preparedness of the studied hospitals in terms of admission was poor, in emergency, transfer and evacuation, traffic, communications, safety, human resources, and management and command was moderate. In terms of education and logistics, the level of preparedness was good. The highest level of preparedness was related to the hospitals of Kermanshah city with a score of 75% and the lowest level of preparedness was related to the hospitals of Bandar Abbas with a score of 38.6%.

Conclusion: Based on the results of the present study, it is suggested that in order to identify weak points and strengthen all aspects related to the preparedness of hospitals, at least once a year, a disaster response exercise should be held under the supervision of the Ministry of Health. Conducting maneuvers helps hospitals to improve their capacity through training. It is

also suggested to use international standards such as WHO standards to improve the level of preparedness of Iran's hospitals against disasters and to put the accreditation of hospitals through international institutions on the agenda.

Keywords: *Hospitals, Disasters, Iran, Natural Disaster*

Systematic Review of the use of explainable artificial intelligence (XAI) in crisis and disaster management

Somaye Nickhah [1] Ali Reyhanian [2,3]

1-Bachelor's degree, Environmental Health Engineering, Faculty of Health, Shahrekord University of Medical Sciences.

1-Department of e-Learning in Medical Education, Center of Excellence for e-Learning in Medical Education, School of Medicine, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.
2-Department Medical Education, school of Medical Education & Learning Technologies, Shahid beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Abstract

Introduction: The increase in the occurrence of natural and man-made disasters, in addition to the death of people, leaves significant damages on property, living environment and even the psyche of people. In 2020, disasters caused the death of more than 15 thousand people in the world. Therefore, it is very practical and important to use a tool that is available and works on time during disasters. Artificial intelligence technology can be a powerful tool to reduce disasters and improve safety.So that by creating smart resilience against disasters and crises and controlling them, it works effectively in reducing or improving the adverse effects of disasters.

Methods and Materials : This research is a systematic review. By searching for words like artificial intelligence, explainable artificial intelligence (XAI), crisis and disaster management In databases Pubmed, Google scholar, SID, ProQuest in the period from 2000 to 2023 It was done with the entry criteria of access to the original English and Persian articles. Based on this, among the 100 articles obtained, 27 articles were included in the study for the final analysis.

Results: Explainable Artificial Intelligence (XAI) can have important implications in crisis and disaster management and assist in decision-making, risk assessment, resource allocation, and the overall effectiveness of disaster response. XAI can provide clear and comprehensible explanations for recommendations or predictions provided by artificial intelligence systems. These explanations help decision makers understand the underlying factors and reasoning behind the proposals.And it causes a more informed decision in the management of disasters and crises.

Conclusion : Integrating XAI technologies into disaster management can enable faster response, better resource allocation, more accurate predictions and decision-making. Which leads to increased flexibility and better outcomes in emergency situations.

Keywords : *artificial intelligence, explainable artificial intelligence (XAI), crisis and disaster*

The necessity for an integrated Emergency Operation Center (EOC) among First responders: Lesson learned from two Iranian railway accidents

Fahimeh Shojaei[a], Pezhman Qaraeian[b], Abolfazl Firoozbakht[c], Deepti Chhabra[a], Katayoun Jahangiri [a]

a-Department of Health in Disasters and Emergencies, School of Public Health and Safety, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

b-Disaster Risk Management Office, Semnan University of Medical Sciences, Semnan, Iran
c-Disaster & Medical Emergency Management Center, Semnan University of Medical Sciences, Semnan, Iran

Background and aims: Several train accidents have occurred in Iran in the last twenty years, resulting in considerable loss of human lives. This study aims to investigate and analyze the response process and deficiencies thereof of three responding organizations to two railway accidents in Iran.

Materials and methods: The study was performed in 2 stages to examine the challenges faced by the first responders in the said accidents. In the first stage, a descriptive statistical analysis was conducted to estimate the injuries and loss of human lives. In the second stage, qualitative description (QD) was performed. Technical reports, official documents, and interviews contributed to the sources of primary data. Study participants were members of first responders who were interviewed.

Results: The lack of key components like coordination, information-sharing, a single unified command between responders from different organizations, a lack of relief and rescue railway trains, and poor inter-organizational interactions in the deployment of relief teams were found to be the most important challenges.

Conclusion: The analysis of these two accidents showed that the lack of an integrated emergency operations center (EOC) among the organizations involved in the emergency response appears to be the obvious cause of initial confusion and disruption in the response phase, which caused a delay that proved fatal. Designing and developing an integrated response plan among responding organizations, preparing an information-sharing network, centralized deployment of forces to the site of the accident, strengthening inter-organizational interactions in the form of an incident command system, designing, launching, and using rescue trains on rail routes and use of air emergency facilities in areas with poor accessibility can reduce mortality in future in similar kind of accidents.

Keywords: *Railway accident, Emergency operations center (EOC), First responders*

Application of artificial intelligence in the prevention of chemical accidents

Naseh Shalyari*[1] Mohammad Javad Moradian[2] Hossein avazaghaei[3] Farnaz sayai[4]

1-PhD Candidate, health in disasters and emergencies, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

2-PhD, Assistant Professor Department of Health in Disasters and Emergencies, Faculty of Medical Information and Management, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

3-PhD Candidate, health in disasters and emergencies, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

4-Department of Environmental Health Engineering, School of Public Health, Hamedan University of Medical Sciences, Hamedan, Iran

* Corresponding author: PhD Candidate, health in disasters and emergencies, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran E-mail: naseh.shalyari@gmail.com Tel:+98-9183795254

Abstract

Background and aims: Disaster risk prediction is one of the most effective ways to prevent accidents. Artificial intelligence (AI) is an emerging technology that has great potential in preventing chemical accidents, reducing energy consumption, environmental burdens, and operational risks of chemical production. Therefore, the emergency treatment of chemical accidents should be timely and efficient in order to prevent the spread of accidents and prevent further damage.

Materials and methods: This study was conducted as a systematic review in the period from 2018 to 2022 in PubMed, Google Scholar, Embis and Cochrane databases. Keywords used for the search included artificial intelligence, chemical accidents, and technology. The different stages of the search were carried out by two researchers and the articles were screened in terms of the title, abstract and text of the article, and finally the remaining articles were selected for the final analysis.

Results: After searching the databases, 15 articles were extracted, of which 5 articles were related completely to the purpose of the study. Considering that the applications of artificial intelligence in industries continue to increase, so the use of artificial intelligence technology is used in the detection and prevention of chemical accidents, which can detect the leakage of chemical substances and the occurrence of fire or smoke through scanning. to give It identifies

and evaluates large cases and is used for early detection and effective response to chemical incidents in industrial complexes.

Conclusion: Using artificial intelligence technology can be a valuable method in this situation, because by predicting and preventing chemical accidents, it avoids human casualties and financial losses.

Keywords: *chemical accidents, artificial intelligence, technology, prevention*

Strengthening primary health care in responding to communicable disease outbreaks: providing policy options for Iran

Soma Mohammadi Sarab[1], Mohamad Hadi Salari[2], Nadia Sani'ee[3], Arezoo Yari[4], Amjad Mohamadi Bolbanabad[5], Moslem Soofi[6], Zahra Keyhani[7*], Satar Rezaei[8]

1-Student Research Committee, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran

2-Student Research Committee, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran

3- Social Determinants of Health Research Center, Research Institute for Health Development, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran.

4- Social Determinants of Health Research Center, Research Institute for Health Development, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran.

5-Social Determinants of Health Research Center, Research Institute for Health Development, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran.

6- Social Development and Health Promotion Research Center, Health Institute, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran.

7- Student Research Committee, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran

8-Research Center for Environmental Determinants of Health, Health Institute, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran.

Abstract

Background and aims: Primary health care (PHC) is one of the best structures for managing and responding to health-related crises. The current study aimed to review the experiences of other countries in using the PHC system to deal with the contagious disease crisis and providing solutions for Iran's health system to controlling communicable diseases.

Materials and methods: This systematic review was conducted in July 2021 in terms of "Preferred Reporting Items for Systematic Reviews and Meta-Analyses extension for scoping reviews" (PRISMA-ScR). This checklist includes the essentials for transparent reporting of scoping reviews. PubMed, Scopus, Web of Science, ProQuest, and Google Scholar were searched to identify the most important strategies for strengthening primary healthcare in response to communicable disease disasters.

Results: Based on inclusion and exclusion criteria, a total of 32 studies included in the final analysis. The experiences of the countries were categorized based on the six building blocks of the health system of the World Health Organization (WHO) and 17 sub-categories. Experiences

of the countries in strengthening PHC in responding to communicable disease crises were reported in three categories, including unity of command and support for primary care at the macro level, development and updating of protocols and guidelines, and involvement of primary health care stakeholders in decision-making. Conclusion:Health systems in each country are a function of the economic, social, cultural, and political conditions of that country, and it is very difficult to find countries with the same health systems. Therefore, the proposed policy options need to be used with caution and take into account the circumstances of the country.

Keywords: *Communicable diseases, PHC, health system, systematic review*

کادر اجرایی

مسئول اجرایی برادران

محمد جواد میاراحمدی

تشریفات

سجاد بوشه دار

ابوالفضل پازوکی

سهیل اسعدی

تدارکات

ایمان برات زاده

علی بنائی

رضا تیموری

پشتیبانی

محمد معین اورعی

انتظامات

امیرحسین کرمی

رسانه

دانیال قاسمی نسب

کادر اجرایی

دبیر علمی

خانم یکتا رحیمی

مسئول اجرایی خواهران

زهرا طهمزی اقدم

پشتیبانی

سیده زینب حسینی مطلق

زهرا غلامی

دبیرخانه

فاطمه زهرا ملکی

فاطمه دلفی زاده

رسانه

زهرا علی گل زاده

فاطمه فرج تبار

فاطمه هاشمی

معصومه دهقان پور

تشریفات

ناجیه عبداللهی

زهرا علیخانی

فاطمه صحاف

راضیه پیروزمنش

زهرا کریمی

حانیه پناهی

پنل ملی اپیدمیولوژی

زمان برگزاری : سه‌شنبه (۲۳آبان ۱۴۰۲)، ساعت ۱۵:۱۵ الی ۱۶:۴۵

دبیر علمی

آقای دکتر هادی پاشاپور

دانشجوی دکتری تخصصی اپیدمیولوژی
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

سخنران کلیدی

آقای دکتر سید سعید هاشمی نظری

مدیر گروه اپیدمیولوژی دانشکده بهداشت و ایمنی
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

اعضای پنل

آقای دکتر هادی پاشاپور

آقای دکتر سید سعید هاشمی نظری

آقای دکتر احمد مهری

خانم دکتر ندا مهدوی‌فر

اعضای کمیته علمی

آقای دکتر سید سعید هاشمی نظری

خانم دکتر مرجان حسین پور

آقای دکتر احمد مهری

سخنرانی برتر

خانم رویا فرخی

Burden of cancer statistics in Western
Iran: a population based study

پوستر برتر

خانم لیلا مفتخر

Epidmiological featurs and outcomes of covid-۱۹
in patients with and without cardiovascular disease

دومین همایش بین المللی و پانزدهمین همایش ملی تازه های علوم بهداشتی کشور

دانشکده بهداشت و ایمنی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

INTERNATIONAL EPIDEMIOLOGY PANEL

November 14 ,2023, 1:30 to 3:00 p.m.

Keynote Speaker

Dr. Koorosh Etemad

Professor of Epidemiology Department of Shahid Beheshti University of Medical Sciences

Scientific secretary

Dr. Hadi Pashapor

PhD student in epidemiology Shahid Beheshti University of Medical Sciences

Panelist

Dr. Koorosh Etemad

Dr. Hadi Pashapor

Dr. Ali Delpishe

Dr. Marjan Hoseinpour

Scientific Commitee

Dr. Ahmad Mehri

Dr. Seyed Saeid Hashemi Nazari

Dr. Manouchehr Karami

Dr Hasan Gharibnavaz

Top poster

Issam S.Ismail

The role of policemen in saving life of people and preventing suicide deaths by "mean restrictions" strategy

Top Peresntation

Hayder K.Madlool

characteristics andrisk factors associated with COVID-19 infection severity among halth care workers, Baghdad,2020

پنل ارگونومی

زمان برگزاری : چهارشنبه (۲۴ آبان ۱۴۰۲)، ساعت ۸:۰۰ الی ۹:۳۰

دبیر علمی

دکتر زهرا قنبری

دانشجوی دکترای تخصصی ارگونومی
دانشگاه علوم پزشکی تهران

سخنران کلیدی

دکتر فرهاد طباطبائی قمشه

استاد گروه ارگونومی
دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی

اعضای پنل

خانم دکتر مهناز صارمی

خانم دکتر اعظم ملکی قهفرخی

دکتر زهرا قنبری

خانم دکتر الهه عموزاده

اعضای کمیته علمی

خانم دکتر مهناز صارمی

خانم دکتر اعظم ملکی قهفرخی

خانم مینو سماواتی

خانم فرزانه رحمانی

سخنرانی برتر

سرکار خانم فاطمه سلگی

بررسی دیدگاه کارگران ساختمانی در خصوص فاکتورهای عدم تمایل در به‌کارگیری از هارنس های ایمنی و تعیین مهم‌ترین فاکتورها در عدم استفاده از آن

پوستر برتر

جناب آقای رحمان زارع

شناسایی روش مناسب ارزیابی خطاهای انسانی در یک صنعت فلزکاری با رویکرد بررسی معیار های منتخب، یک مطالعه موردی

پنل بهداشت حرفه ای

زمان برگزاری : چهارشنبه (۲۴ آبان ۱۴۰۲)، ساعت ۱۱:۲۰ الی ۱۲:۵۰

دبیر علمی

خانم دکتر آی‌سا قاسمی کوزه‌کنان

دانشجوی دکترای تخصصی مهندسی بهداشت حرفه‌ای
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

سخنران کلیدی

دکتر رسول یاراحمدی

سرپرست مرکز توسعه و هماهنگی تحقیقات
وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

اعضای پنل

دکتر مصطفی پویاکیان

خانم دکتر آی‌سا قاسمی کوزه‌کنان

آقای دکتر محمدامین رشیدی

خانم دکتر الهام رحمان‌زاده

اعضای کمیته علمی

آقای دکتر مصطفی پویاکیان

خانم دکتر زهرا مرادپور

خانم دکتر پروین سپهر

خانم مهندس فاطمه نخجوانی

آقای دکتر محمدامین رشیدی

آقای دکتر سید وحید اسماعیلی

سخنرانی برتر

سرکار خانم پروین سپهر

بررسی دیدگاه کارگران ساختمانی در خصوص فاکتورهای عدم تمایل
در به‌کارگیری از هارنس های ایمنی و تعیین مهم‌ترین فاکتورها در عدم استفاده از آن

پوستر برتر

جناب آقای معین نعمتی

شناسایی روش مناسب ارزیابی خطاهای انسانی در یک صنعت فلزکاری با رویکرد
بررسی معیار های منتخب، یک مطالعه موردی

بهداشت عمومی

زمان برگزاری : سه‌شنبه (۲۳ آبان ۱۴۰۲)، ساعت ۹:۱۵ الی ۱۰:۴۵

دبیر علمی

خانم دکتر لیلی مازار

دانشجوی دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

سخنران کلیدی

آقای دکتر علی رمضانخانی

مدیر گروه بهداشت عمومی
دانشکده بهداشت و ایمنی

اعضای پنل

خانم دکتر سکینه رخشنده رو

خانم دکتر نجمه الملوک امینی

آقای دکتر علی صفری مرادآبادی

آقای دکتر امیر نصیری

اعضای کمیته علمی

آقای دکتر علی رمضانخانی

خانم دکتر سمیرا دانشور

خانم مریم صبوری

خانم دکتر اختر صیادی

خانم نسیم عبدی‌پور

خانم فاطمه رواقی

سخنرانی برتر

خانم دکتر نرگس رفیعی

چالش‌های نظام پرداخت به مراقبین سلامت
در مراکزخدمات جامع سلامت شهری ایران

پوستر برتر

آقای دکتر کامل قبادی

Assissment of Questionaire of Phisycal Activity at Work Place
Based on the Social Cognitive Theory (PAWPQ-SCT):
a Psychometric Study in Iranian Gas Refinery Workers

بهداشت محیط

زمان برگزاری : چهارشنبه (۲۴آبان ۱۴۰۲)، ساعت ۱۳:۳۰ الی ۱۵:۰۰

دبیر علمی

خانم دکتر سپیده صادقی

دانشجوی دکتری تخصصی بهداشت محیط
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

سخنران کلیدی

آقای دکتر انوشیروان محسنی بندپی

عضو هیات علمی گروه مهندسی بهداشت محیط و رییس مرکز تحقیقات کیفیت هوا و تغییر اقلیم دانشکده بهداشت و ایمنی

اعضای پنل

آقای دکتر عباس شاهسونی

آقای دکتر محمدمهدی سوری

خانم دکتر سپیده صادقی

خانم دکتر معصومه رحمتی نیا

اعضای کمیته علمی

آقای دکتر عباس شاهسونی

خانم دکتر معصومه رحمتی نیا

خانم دکتر وجیهه حسن زاده

خانم مهندس نگین رضایی ارشد

سخنرانی برتر

خانم فاطمه دهقان بنادکی

تصفیه فاضلاب بیولوژیکی با استفاده از جلبک کلرلاولگاریس در پساب صنعتی: مطالعه موردی استان قزوین

پوستر برتر

سرکار خانم فاطمه قطبی نیا

ارزیابی ریسک سرطان زایی و غیرسرطان زایی مواجهه با آرسنیک در آب شرب استان قزوین

پنل سلامت، ایمنی و محیط زیست (HSE)

زمان برگزاری : سه‌شنبه (۲۳آبان ۱۴۰۲)، ساعت ۱۱:۰۰ الی ۱۲:۳۰

دبیر علمی

آقای مهندس سیداحمد جغتایی

کارشناسی ارشد سلامت، ایمنی و محیط زیست
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

سخنران کلیدی

آقای دکتر رضا سعیدی

عضو هیات علمی گروه سلامت، ایمنی و محیط زیست
دانشکده بهداشت و ایمنی

اعضای پنل

آقای دکتر رضا سعیدی

آقای مهندس علی محمدی

آقای مهندس هادی سالاری

خانم مهندس حکیمه زمان بادی

اعضای کمیته علمی

آقای دکتر رضا سعیدی

آقای دکتر امین باقری

آقای مهندس علی محمدی

آقای مهندس رسول عسکری

آقای مهندس پدرام رستگاری

آقای مهندس شعیب شاهدی

سخنرانی برتر

آقای مهندس شعیب شاهدی

مرور سیستماتیک کاربرد فناوری‌های هوش مصنوعی، همزاد دیجیتال و واقعیت گسترده در بهبود فرآیند مدیریت ایمنی صنعت ساخت

پوستر برتر

آقای مهندس سیداحمد جغتایی

بررسی بار بیماری منتسب به حوادث شغلی و تعیین روند مکانی - زمانی آن در ایران در بازه زمانی ۱۳۹۷ - ۱۳۹۲

سلامت در بلایا و فوریت‌ها

زمان برگزاری :چهارشنبه (۲۴ آبان ۱۴۰۲)، ساعت ۹:۴۰ الی ۱۱:۱۰

دبیر علمی

خانم دکتر آزاده طاهرنژاد

دانشجوی دکتری تخصصی سلامت در بلایا و فوریت‌ها
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

سخنران کلیدی

خانم دکتر سیمین‌تاج شریفی‌فر

مدیر گروه سلامت در بلایا و فوریت‌ها
دانشگاه علوم پزشکی ارتش

اعضای پنل

خانم دکتر ساناز سهرابی‌زاده

خانم دکتر آزاده طاهرنژاد

خانم دکتر فهیمه شجاعی

Dr. Deepti Wahi

اعضای کمیته علمی

خانم دکتر کتایون جهانگیری

خانم دکتر فهیمه شجاعی

خانم رویا علیمرادزاده

خانم دکتر ساناز سهرابی زاده

سخنرانی برتر

خانم رویا علیمرادزاده

Implementation of Water Reuse Program to Mitigate Climate Change Effects and Water Crisis in the Vulnerable Communities

پوستر برتر

خانم زینب دبیریان

استراتژی‌های کاهش اثرات مرتبط با تغییر اقلیم

ایده های برتر نوآورانه

اولین ایده برتر

جناب آقای علی مهرآور

تشخیص خودکار بیماری ام اس از روی تصاویر OCT شبکیه چشم با هوش مصنوعی و روش شبکه های عصبی

دومین ایده برتر

سرکار خانم دنیا حافظی نیا

اپلیکیشن بازی نی نی تو
(پایشگر و بازی شبیه ساز نی نی تو جهت افزایش سواد بارداری)

سومین ایده برتر

سرکار خانم فاطمه هاشمی دزکی

چراغ راهنمایی دمانس در سالمندی

چهارمین ایده برتر

جناب آقای محمد صادق جعفری

دستیار هوشمند بهره‌برداری تصفیه‌خانه های فاضلاب

پنجمین ایده برتر

سرکار خانم شبنم مقدم منش

ابزار کمک قطره‌ریز چشمی ارگونومیک

دومین همایش بین المللی و پانزدهمین همایش دانشجویی تازه های علوم بهداشتی کشور

پنل ویژه ی همایش (گفت و گو محور)

تحقق رویکرد پیشگیری محوری در قانونگذاری و اجرا با تمرکز بر چالش ها و راهکارها

۲۴ آبان ۱۴۰۲ / ساعت ۱۷:۰۰-۱۵:۱۰

دکتر فرشید عابدی
معاون پیشگیری و خدمات پایه بیمه سلامت

دکتر علیرضا زالی
رئیس دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

دکتر مهدی مختاری پیام
دکتری سیاستگذاری سلامت و مدیر کل اجتماعی مرکز پژوهش های مجلس

دکتر حسین فرشیدی
معاون بهداشت وزارت بهداشت،درمان و آموزش

دکتر حسینعلی شهریاری
رئیس کمیسیون بهداشت مجلس

دکتر علیرضا مرندی
رئیس فرهنگستان علوم پزشکی

دکتر حسین ملک افضلی
عضو فرهنگستان علوم پزشکی

دکتر بهروز رحیمی
معاون توسعه وزیر بهداشت

محور ها

- اولویت پیشگیری بر درمان
- قانون گذاری پیشگیری محور
- تعارض منافع و پیشگیری محوری
- روز آمد نمودن برنامه‌های بهداشتی و درمانی
- تامین منابع مالی و انسانی برای تحقق پیشگیری محوری

ihsc.bsbmu.ir

@ihsc _ bsbmu

@tazeha _15

دبیرخانه همایش دانشجویی تازه های علوم بهداشتی کشور برگزار می نماید:

کارگاه معرفی الگوریتم های ماشین لرنینگ در مطالعات علوم پزشکی

با محوریت کاربرد آن در مدل های پیش بینی

پنل اپیدمیولوژی

۲۲ آبان ماه ۱۴۰۲

ساعت ۹ الی ۱۲

مدرس: مهندس عرفان موسوی

کارشناس ارشد هوش مصنوعی

ثبت نام از قسمت " کارگاه آموزشی"

پنل کاربری شخصی سایت

سرفصل های کارگاه:

- معرفی ماشین لرنینگ
- انواع الگوریتم های ماشین لزنینگ
- رگرسیون خطی و رگرسیون لجستیک
- الگوریتم های SVM و Kernels
- الگوریتم درخت تصمیم گیری (Decision tree)
- الگوریتم Naïve Bayes
- کاهش ابعاد (Dimensionality Reduction)
- انتخاب مدل (Model Selection)

مکان: دانشکده بهداشت و ایمنی
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

www.ihsc.bsbmu.ir

@ihsc.bsbmu

@Tazeha_15

کارگاه به صورت حضوری و مجازی برگزار می شود.

دبیرخانه همایش دانشجویی تازه های علوم بهداشتی کشور برگزار می نماید:

طراحی آزمایشات در پژوهش های بهداشت محیط با استفاده از نرم افزار Design Expert

پنل بهداشت محیط

۲۲ آبان ماه ۱۴۰۲
ساعت ۱۴ الی ۱۷

مدرس: دکتر مجتبی یگانه

فارغ التحصیل دوره دکتری تخصصی بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی ایران

ثبت نام از قسمت " کارگاه آموزشی"
پنل کاربری شخصی سایت

سرفصل های کارگاه:

- مقدمه‌ای بر طراحی آزمایش (Design Of Experiment)
- آشنایی با روش سطح پاسخ (Response Surface Methodology)
- بهینه سازی، آنالیز داده و تفسیر نتایج
- کار در محیط نرم افزار

www.ihsc.bsbmu.ir

@ihsc.bsbmu

@Tazeha_15

مکان: دانشکده بهداشت و ایمنی
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

کارگاه به صورت حضوری و مجازی برگزار می شود.

دبیرخانه همایش دانشجویی تازه های علوم بهداشتی کشور برگزار می نماید:

کارگاه سیستم فرماندهی ریسک RSC

پنل سلامت، ایمنی و محیط زیست

۲۲ آبان ماه ۱۴۰۲

ساعت ۱۴ الی ۱۷

مدرس: مهندس سلیم محمدی

- مدرس دانشگاه های علوم پزشکی شهید بهشتی و علمی کاربردی تهران
- کارشناس ارشد HSE سازمان انرژی اتمی ایران
- کارشناس رسمی دادگستری رشته حوادث ناشی از کار

ثبت نام از قسمت " کارگاه آموزشی"
پنل کاربری شخصی سایت

سرفصل های کارگاه:

- چارچوب و فرآیند ریسک
- اصول فرماندهی ریسک
- اصول مدیریت ریسک
- ارزیابی ریسک
- معیار ریسک
- ثبت و گزارش دهی ریسک
- پایش و بازنگری ریسک
- اولویت بندی ریسک
- مقابله با ریسک
- اصل پارتو

www.ihsc.bsbmu.ir

@ihsc.bsbmu

@Tazeha_15

مکان: دانشکده بهداشت و ایمنی
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

کارگاه به صورت حضوری و مجازی برگزار می شود.

دبیرخانه همایش دانشجویی تازه های علوم بهداشتی کشور برگزار می نماید:

کارگاه اصول تولید محتوای الکترونیکی در حوزه سلامت

پنل بهداشت عمومی

۲۲ آبان ماه ۱۴۰۲

ساعت ۱۳ الی ۱۶

مدرس: دکتر مهرنوش خشنودی فر

استادیار برنامه ریزی یادگیری الکترونیکی گروه برنامه ریزی آموزش از راه دور دانشکده مدیریت و آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

ثبت نام از قسمت " کارگاه آموزشی"
پنل کاربری شخصی سایت

سرفصل های کارگاه:

- تعاریف و مفاهیم
- اصول هفتگانه طراحی و تولید چند رسانه ای ها
- مبانی روانشناختی استفاده از چند رسانه ای ها در آموزش
- کار عملی و پرسش و پاسخ

www.ihsc.bsbmu.ir

@ihsc.bsbmu

@Tazeha_15

مکان: دانشکده بهداشت و ایمنی
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

کارگاه به صورت حضوری و مجازی برگزار می شود.

دبیرخانه همایش دانشجویی تازه های علوم بهداشتی کشور برگزار می نماید:

کارگاه محاسبات انتقال صدا و طراحی عایق صوتی

پنل بهداشت حرفه ای

۲۲ آبان ماه ۱۴۰۲

ساعت ۱۰ الی ۱۲

مدرس: روح اله حاجی زاده

دکتری تخصصی بهداشت حرفه ای

ثبت نام از قسمت " کارگاه آموزشی"

پنل کاربری شخصی سایت

سرفصل های کارگاه:

- تعیین ضریب انتقال و افت انتقال در فرکانس های مختلف
- تعیین ضخامت عایق های مورد نیاز
- تعیین افت انتقال دیوار
- اصول کنترل صدا

www.ihsc.bsbmu.ir

@ihsc.bsbmu

@Tazeha_15

مکان: دانشکده بهداشت و ایمنی

دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

کارگاه به صورت حضوری و مجازی برگزار می شود.

دبیرخانه همایش دانشجویی تازه های علوم بهداشتی کشور برگزار می نماید:

کارگاه آشنایی با نرم افزارهای شبیه سازی در ارگونومی کار با نرم افزار 3DSSPP

پنل ارگونومی

۲۲ آبان ماه ۱۴۰۲
ساعت ۹ الی ۱۱

مدرس: الهه عموزاده

دانشجوی دکتری تخصصی ارگونومی
دانشگاه علوم پزشکی همدان

ثبت نام از قسمت " کارگاه آموزشی"
پنل کاربری شخصی سایت

سرفصل های کارگاه:

- آشنایی با نرم افزار های مدل سازی دیجیتالی انسان
- معرفی برخی از نرم افزار های شبیه سازی
Jack, RAMSIS, Manikin, AnyBody Modeling System
- آموزش و کاربرد نرم افزار SDSSPP در ارزیابی ارگونومی
- حل تمرین عملی از یک نمونه عکس محیط کار واقعی

www.ihsc.bsbmu.ir

@ihsc.bsbmu

@Tazeha_15

مکان: دانشکده بهداشت و ایمنی
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

کارگاه به صورت حضوری و مجازی برگزار می شود.

دبیرخانه همایش دانشجویی تازه های علوم بهداشتی کشور برگزار می نماید:

کارگاه به کار گیری هوش مصنوعی در حوزه پزشکی، بهداشت و ایمنی

پنل سلامت در بلایا و فوریت ها

۲۲ آبان ماه ۱۴۰۲

ساعت ۱۴ الی ۱۷

مدرس: آزاده طاهرنژاد

دانشجوی دکتری تخصصی سلامت در بلایا و فوریت ها دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

ثبت نام از قسمت " کارگاه آموزشی"
پنل کاربری شخصی سایت

سرفصل های کارگاه:

- هوش مصنوعی چیست؟
- شاخه های هوش مصنوعی
- امنیت و حریم خصوصی داده
- الگوریتم های تکاملی
- تجزیه و تحلیل سیستم های مراقبت سلامت
- موانع و چالش های به کارگیری هوش مصنوعی در حیطه سلامت
- به کار گیری هوش مصنوعی در تشخیص درد، تشخیص دقیق بیماری، تریاژ بیماران، تشخیص اپیدمی، انجام عمل جراحی، رادیولوژی پیشرفته،داروسازی، پزشکی و پرستاری از راه دور

مکان: دانشکده بهداشت و ایمنی
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

www.ihsc.bsbmu.ir

@ihsc.bsbmu

@Tazeha_15

کارگاه به صورت حضوری و مجازی برگزار می شود.

عکس نگار

روش کار

مقدمه

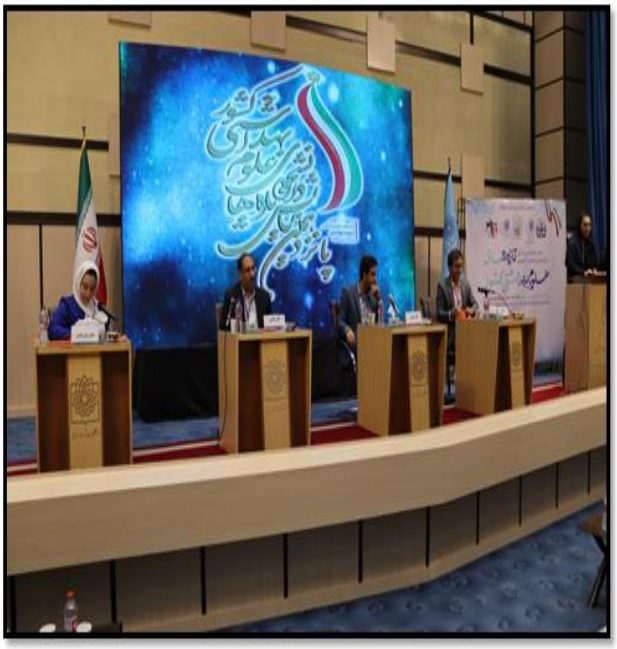

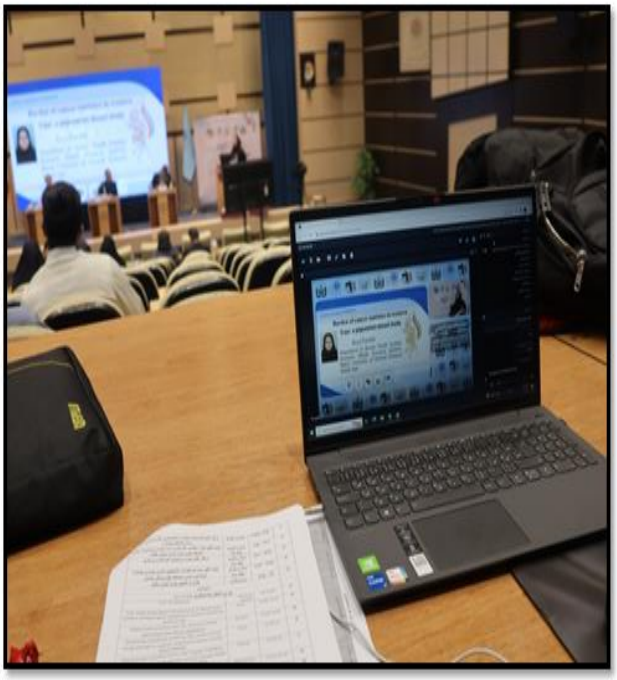

ملّت

There are positive relationship between traffic noise and obesity and in Humakers.
Prolonged secretion of cortisol due to long-term stress can cause increased deposition of fat in the abdominal area and produce visceral fat.
Lack of sufficient studies on the effect of sound at different frequencies and sound pressure levels on obesity and its markers.
In this study, the effect of high-frequency noise at two sound pressure levels of 85 dB and 85 dB on the occurrence of obesity in male guinea pigs was be investigated.

دانشجوی خلاق، پژوهش آفرین

دانشگاه علوم پزشکی و
خدمات بهداشتی درمانی
شهید بهشتی